

ê

سرشناسه: علوی حسینی، نیره السادات.  
عنوان: آل الله در کتاب الله، «فضایل و مناقب چهارده معصوم علیهم السلام در قرآن کریم» جلد اول.  
سوره‌های حمد - آل عمران.  
مشخصات ظاهری: ۸ جلد.  
شابک (دوره) ۵ - ۱۱۶ - ۳۶۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸  
شابک (جلد اول) ۲ - ۱۱۷ - ۳۶۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸  
وضعیت نویسی: فیبا  
یادداشت: عنوان دیگر: فضایل و مناقب چهارده معصوم در قرآن کریم.  
یادداشت: کتابنامه.  
موضوع: تفاسیر شیعه - قرن ۱۴.  
موضوع: چهارده معصوم علیهم السلام در قرآن.  
موضوع: خاندان نبوت در قرآن.  
موضوع: چهارده معصوم علیهم السلام - فضایل - احادیث.  
موضوع: چهارده معصوم علیهم السلام - احادیث.  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶، ۸۱ ع ۹ ج / ۱۰۴ BP  
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹  
شماره مدرک: ۴۲۴۶۱۵۵

آل الله در کتاب الله، (جلد اول)  
مشخصات ظاهری: ۸ جلد.  
مؤلف: نیره السادات علوی حسینی  
انتشارات: طوبای محبت  
تیراژ: ۵۰۰ نسخه.  
چاپخانه و نوبت چاپ: طه، اول ۱۳۹۶  
شابک (دوره) ۵ - ۱۱۶ - ۳۶۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸  
شابک (جلد اول) ۲ - ۱۱۷ - ۳۶۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸  
قیمت: ۲۲۰۰۰۰ تومان

پخش تهران: ۰۶۶۹۲۳۲۳۴ - ۰۲۱  
نشانی: قم، بلوای سمیه، خیابان عباس آباد (شهیدین)، پلاک ۱۱۲.  
۰۹۱۲۲۵۳۴۹۶۷ ۰۹۱۲۶۵۱۴۳۲۹ ۰۲۵ - ۳۷۸۳۲۱۴۳ ۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۰۶۶

مرکز توزیع بین المللی کتاب و آثار اسلامی رسالت غدیر

www.tobaymohebat.ir  
info@tobaymohebat.ir  
www.islamicbookshop.net

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله ربّ العالمين، و الصَّلوة و السَّلَام عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا  
مُحَمَّدٍ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ»، وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ  
المعصومين «سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ»، سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ  
حُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ «صَلَوَاتِ اللَّهِ وَ سَلَامِهِ عَلَيْهِ»، وَ لَعْنَةَ اللَّهِ  
عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ، مِنْ الْآنَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.  
آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.



# آل الله در کتاب الله

«فضائل و مناقب چهارده معصوم عليهم السلام در قرآن کریم»

جلد اول

سوره‌های حمد، بقره و آل عمران

تألیف:

نیّره السّادات علوی حسینی

هنگام زیارت امام حسین علیه السلام در نیمه ماه رجب، و هنگام

زیارت امام هادی علیه السلام عرض می کنیم:

السّلام علیکم یا آل الله

السّلام علیک یا آل الله



## فهرست

مقدمه مؤلف: ..... ۹

### سوره حمد

آیه ۶ سوره حمد: ..... ۱۵  
اسامی سوره مبارکه حمد: ..... ۱۶  
فضیلت تلاوت سوره مبارکه حمد: ..... ۲۲  
آیه ۷ سوره حمد «فاتحة الكتاب»: ..... ۳۵

### سوره بقره

آیات ۱ تا ۵ سوره بقره: ..... ۴۳  
آیه ۳۴ سوره بقره: ..... ۶۸  
آیه ۳۵ سوره بقره: ..... ۸۰  
آیه ۳۷ سوره بقره: ..... ۹۷  
آیه ۴۰ سوره بقره: ..... ۱۱۱  
آیه ۸۱ سوره بقره: ..... ۱۲۱  
آیه ۸۷ سوره بقره: ..... ۱۴۰  
آیه ۹۰ سوره بقره: ..... ۱۴۸  
آیه ۱۲۴ سوره بقره: ..... ۱۵۷

۱۷۴	آیه ۱۴۳ سوره بقره:
۱۸۷	آیه ۱۴۸ سوره بقره:
۱۹۴	آیه ۱۵۹ سوره بقره:
۲۰۹	آیه ۱۶۵ سوره بقره:
۲۲۰	آیه ۱۸۹ سوره بقره:
۲۳۴	آیه ۲۰۷ سوره بقره:
۲۴۴	آیه ۲۰۸ سوره بقره:
۲۵۳	آیه ۲۵۳ سوره بقره:
۲۷۷	آیه ۲۵۵ سوره بقره:
۳۲۱	آیه ۲۵۶ سوره بقره:
۳۳۶	آیه ۲۵۷ سوره بقره:

### سوره آل عمران

۳۵۷	آیه ۷ سوره آل عمران:
۴۰۰	آیه ۳۱ سوره آل عمران:
۴۱۷	آیه ۴۲ و ۴۳ سوره آل عمران:
۴۴۹	آیه ۶۱ سوره آل عمران:
۴۸۲	آیه ۷۷ سوره آل عمران:
۵۰۰	آیه ۱۰۳ سوره آل عمران:
۵۲۴	آیه ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران:
۵۶۴	آیه ۱۵۷ و ۱۵۸ سوره آل عمران:
۵۷۸	آیه ۱۶۲ و ۱۶۳ سوره آل عمران:
۵۸۷	آیه ۱۶۹، ۱۷۰ و ۱۷۱ سوره آل عمران:
۶۰۵	آیه ۱۸۵ سوره آل عمران:
۶۱۳	فهرست احادیث
۶۲۵	منابع و ماخذ



## مقدمه مؤلف:

قبل از پرداختن به موضوع فضائل و مناقب وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام در قرآن کریم چند نکته را به عرض می‌رساند:

۱. در مجموعه حاضر آیات شریفه‌ای از قرآن کریم را ملاحظه می‌فرمایید که در رابطه با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام بوده و فضائل و مناقب آن ذوات مقدّسه را بیان می‌فرماید، یعنی:

یا شأن نزول این آیات شریفه در رابطه با آن بزرگواران است، و یا اینکه تأویل آیات شریفه مربوط به آن ذوات مقدّسه می‌باشد، یا هر دو.

ذیل هر کدام از این آیات شریفه احادیثی نقل شده که مشخص می‌کنند مفاد این آیه شریفه در رابطه با معصومین علیهم السّلام بوده و گوشه‌ای از فضائل و مناقب آن ذوات مقدّسه را بیان می‌فرماید.

قابل ذکر است که تعدادی از این آیات شریفه شمول کلی دارند و همه مؤمنین و نیکان را در بر می‌گیرند، لیکن یک مصداق اتمّ و اکمل دارند که آن هم وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام می‌باشد، مثلاً:

آیاتی که می‌فرماید هر کس ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد جایگاهش بهشت می‌باشد، این آیات شریفه بشارت و مژده‌ای هستند عام به همه مؤمنین،

لیکن مصداق اتمّ و اکمل ایمان آورندگان و انجام‌دهندگان اعمال صالح وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام می‌باشند که مقرب‌ترین مخلوقات در پیشگاه خداوند متعال بوده و عالی‌ترین درجات را دارا می‌باشند و بهترین درجات بهشت به آن بزرگواران اختصاص دارد، بنابراین:

تأویل آیات شریفه‌ای را که ملاحظه خواهید فرمود یک مصداق عام دارد «مربوط به مؤمنینی می‌شود که واجد شرایط عنوان شده در آیه شریفه هستند» و یک مصداق خاص که آن هم اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشند.

البته آیات شریفه‌ای نیز هستند که مخصوص به چهارده معصوم علیهم السلام می‌باشند و لاغیر و هیچ کس را جز معصومین علیهم السلام در آن بهره‌ای نیست و خاص و ویژه آن ذوات مقدّسه می‌باشد، مثل:

آیه تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» که طبق این آیه شریفه خداوند متعال عصمت را فقط و فقط به چهارده معصوم علیهم السلام اعطاء فرموده و احدی در این فضیلت شرکت ندارد،

و یا آیه هفتم سوره آل عمران که طبق این آیه شریفه تأویل آیات شریفه قرآن کریم را غیر از خداوند متعال و غیر از راسخین در علم «یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام» هیچ کس نمی‌داند، یعنی:

اطّلاع از تأویل آیات شریفه قرآن کریم و بطون قرآن کریم «معنی باطنی آیات شریفه قرآن کریم» را خداوند متعال فقط و فقط به وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام اعطاء فرموده و غیر از این ذوات مقدّسه احدی از مخلوقات الهی از تأویل آیات شریفه قرآن کریم و معنی باطنی آیات شریفه قرآن کریم اطلاعی ندارد.

جهت استفاده هر چه بیش‌تر عزیزان، ابتدا آیه شریفه درج شده و سپس با استفاده از تفاسیر ارزشمند مجمع‌البیان، المیزان و تفسیر نمونه، ترجمه و توضیحی کامل و رسا ذیل هر آیه ارائه می‌شود تا معنی و مقصود آیه شریفه کاملاً مشخص شود و سپس احادیث مرتبط با آیه شریفه ذیل آن درج می‌گردد چرا که اگر آیه شریفه کاملاً توضیح داده نشود در آن صورت از احادیث ذیل این آیات شریفه نیز بهره‌ی کافی نخواهیم برد، مثلاً:

اگر ما ندانیم که «السَّابِقُونَ» «مُقَرَّبُونَ» «أَبْرَارٌ» و نظایر این‌ها چه معنایی دارند و فقط یک معنی ساده و تحت‌اللفظی از آن‌ها بدانیم که:

السَّابِقُونَ یعنی سبقت‌گیرندگان؛

مُقَرَّبُونَ یعنی تقرّب‌یافتگان؛

أبرار یعنی نیکان؛

در آن صورت وقتی احادیث نورانی ائمه معصومین علیهم السلام را مطالعه و ملاحظه می‌کنیم که می‌فرمایند منظور از «السَّابِقُونَ» و «مُقَرَّبُونَ» و «أبرار» ما هستیم، اهمیت قضیه برای ما روشن نمی‌شود و در واقع فضائل و مناقب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام آنچنان که باید و شاید برای ما آشکار نمی‌شود،

زیرا معنی السَّابِقُونَ و مقَرَّبُونَ و ابرار را خوب نمی‌دانیم، لذا:

جهت پی بردن به فضائل و مناقب وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام تا آنجا که مقدور و میسر انسان‌ها می‌باشد «چرا که مقام و منزلت واقعی آن ذوات مقدسه را فقط خداوند متعال و سپس خود آن بزرگواران می‌دانند و بس» ابتدا آیات شریفه قرآن کریم به طور کامل توضیح داده شده و معنی لغات آن درج می‌شود تا وقتی به احادیث نورانی ائمه‌ی معصومین علیهم السلام اشاره شده آنگاه خواننده مطالب کاملاً موضوع را متوجه شده و حداکثر حظ و بهره را ببرد.

امیدواریم خداوند تبارک و تعالی به همه ما این توفیق را اعطا بفرماید تا بتوانیم به قطره‌ای از دریای بیکران فضائل و مناقب وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام آگاه شده و سپس این فضائل و مناقب را به عنوان ارزشمندترین ثُحفه و هدیه به عزیزان و دوستان خویش نقل نمائیم تا انشاءالله به برکت این آیات شریفه و این احادیث نورانی مورد لطف ویژه خداوند متعال و این ذوات مقدسه واقع شویم.

۲. احادیث فراوان و بی‌شماری در رابطه با فضائل و مناقب وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام از ناحیه آن بزرگواران صادر شده لیکن در این مجموعه فقط به آن دسته از احادیث اشاره می‌شود که در رابطه با یک آیه شریفه بوده و تأویل و معنی باطنی آن آیه شریفه را در مورد اهل بیت پیامبر اکرم بیان می‌فرماید.

۳. با توجه به اینکه وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام از یک نور واحد می‌باشند و طبق فرمایش امام هادی علیه السلام در زیارت نورانی جامعه کبیره ارواح و نور و سرشت آن بزرگواران یکی است «وَ أَنَّ أرواحَهُمْ وَ نُورَهُمْ وَ طَبِئَتُهُمْ وَاحِدَةٌ»، لذا هر فضیلتی که برای یک معصوم نقل می‌شود برای دیگر معصومین علیهم السلام

نیز مصداق داشته و شامل هر چهارده وجود مطهر و معصوم علیهم السلام می شود، گرچه ممکن است آیه شریفه ای شأن نزول خاص داشته باشد و در رابطه با یکی از معصومین علیهم السلام نازل شده باشد، مانند آیه ۲۰۷ سوره بقره که مربوط به لَيْلَةُ الْمَبِيتِ می باشد، یعنی شبی که وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در بستر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خوابیدند و پیامبر اکرم به سوی غار ثور رفته و از آنجا عازم مدینه شدند و به مدینه مهاجرت فرمودند و در همین رابطه بود که خداوند متعال این آیه شریفه «آیه ۲۰۷، سوره بقره» را نازل نموده و فرمودند:

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ، یعنی:

بعضی از مردم «یعنی وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام» جان خودشان را به خاطر خشنودی خداوند متعال می فروشند «خوابیدن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در بستر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و آماده شدن برای مقابله با مشرکین قریش که منزل پیامبر اکرم را محاصره کرده و قصد به شهادت رساندن آن حضرت را داشتند»، و خداوند متعال نسبت به بندگانش مهربان است.

قابل ذکر است که این شب تاریخی به لَيْلَةُ الْمَبِيتِ معروف است و شیعه و سنی این حدیث را نقل نموده اند.  
ذیل این آیه شریفه (آیه ۲۰۷ سوره بقره) توضیحات کامل و جامعی به عرض رسیده است.

۴. غیر از آیات شریفه ای که در این مجموعه ملاحظه می فرمائید آیات شریفه دیگری نیز هستند که مبین فضیلتی از فضائل چهارده معصوم علیهم السلام می باشند لیکن در مقایسه با آیات شریفه ای که در این مجموعه ثبت و ضبط شده دارای اهمیت کمتری هستند «گرچه همه آیات شریفه قرآن کریم پراهمیت می باشند» و به همین جهت از درج آن ها خودداری شد.

۵. با توجه به اینکه بعضی از احادیث مفصل و طولانی بودند و همین قضیه ممکن بود که یادگیری و احیاناً حفظ نمودن آن‌ها را با مشکل مواجه نماید لذا به جای درج کامل این گونه احادیث فقط قسمت‌های مهم آن احادیث درج شده «گرچه همه قسمت‌های احادیث و روایات از ابتدا تا انتها مهم بوده و قابل توجه و عنایت ویژه هستند» تا یادگیری و حفظ آن‌ها آسان شده و عزیزان به سهولت بتوانند آن‌ها را فراگرفته و احیاناً حفظ نمایند.

قابل ذکر است که نهایت سعی و تلاش صورت گرفت تا خدای ناکرده حذف بعضی از قسمت‌های احادیث و مختصر نمودن آن‌ها باعث عوض شدن و تغییر مفهوم و محتوای احادیث نشود.

با اینکه خلاصه کردن احادیث و روایات اصلاً و ابداً به معنا و مفهوم کلی احادیث و روایات خدشه وارد نکرده و معنی و مفهوم آن‌ها را عوض ننموده «بلکه صرفاً یادگیری و حفظ کردن آن‌ها را آسان نموده» لیکن در عین حال برای اینکه خواننده محترم به سهولت قادر به دسترسی به اصل حدیث و روایت باشد ذیل هر حدیث سند و منبع آن درج شده تا در صورت نیاز به آن مراجعه نماید.

عاجزانه از درگاه خداوند متعال مسئلت می‌نمائیم که:

اولاً ما را عارف به حقّ محمد و آل محمد علیهم‌السلام نماید؛

ثانیاً ما را در زمره مروجین و ناشرین احادیث نورانی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام قرار دهد؛

ثالثاً دست ما را در دنیا و آخرت از دامان چهارده معصوم علیهم‌السلام کوتاه ننماید تا انشاءالله تعالی به حرمت آن ذوات مقدّسه در آخرت نیز رو سفید بوده و در جنّات عدن الهی در جوار آن بزرگواران باشیم.

گرچه این درخواست و این آرزو آرزویی است بس بزرگ، لیکن شاید و نباید که از مقام بزرگ جز حاجت بزرگ خواستن، لذا امیدواریم که انشاءالله تعالی حاجت‌روا باشیم.

**توضیح:**

۱. آنچه که از آیات شریفه قرآن کریم در رابطه با فضائل و مناقب چهارده معصوم علیهم السّلام نقل می شود مربوط به بطون قرآن کریم و تأویل آیات شریفه قرآن کریم می باشد نه مربوط به ظاهر قرآن کریم و تفسیر آیات شریفه آن.

آیات شریفه قرآن کریم ظاهری دارند و باطنی و بلکه بطونی، علماء و فقها و مفسّرین محترم هر کدام به اندازه علم خویش از معنی ظاهری آیات شریفه قرآن کریم باخبر می شوند و در حدّ خودشان از آن اطلاع می یابند، لیکن بطون قرآن کریم و معنی باطنی آیات قرآن کریم و تأویل آیات شریفه آن طبق نصّ قرآن کریم که در آیه هفتم سوره مبارکه آل عمران آمده فقط و فقط در حیطه علم وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام می باشد که خداوند متعال به آن ذوات مقدّسه اعطا فرموده است، لذا:

آنچه که در این مجموعه تحت عنوان «فضائل و مناقب چهارده معصوم علیهم السّلام در قرآن کریم» آمده مربوط به تأویل آیات شریفه قرآن کریم و معنی باطنی آیات شریفه می باشد که از لسان مبارک وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام صادر شده و ما شیعیان نیز کمال استفاده از آن را می بریم.

۲. لطفاً، ابتدا و به ترتیب آیه ۷ سوره آل عمران، آیه ۴۹ سوره عنکبوت، آیه ۸۹ سوره نحل، آیه ۴۳ سوره رعد، آیه ۱۲ سوره یس و احادیث ذیل آن آیات شریفه را با دقّت مطالعه فرموده و سپس به هر قسمت از کتاب که مایل بودید مراجعه بفرمائید.

وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصّٰلِحِينَ.

تیره السّادات علوی حسینی

## «سوره حمد»

آیه ۶ سوره حمد:

«إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ».

ترجمه: خداوندا، ما را به راه راست هدایت کن.<sup>۱</sup>

### شرح لغات و توضیحات:

صراط = راه واضح و آشکار، راه مستقیم «این کلمه جمع ندارد».  
مُسْتَقِيم و استقامت = راه راست و مستقیم، راه حق نیز به آن تشبیه شده است.  
صراط مستقیم = راه راست، راه مستقیم.  
هدایت = دلالت و نشان دادن هدف به وسیله نشان دادن راه، و این خود یک نحو رساندن به هدف است و این کار، کار خداوند متعال است.<sup>۲</sup>

### توضیحاتی پیرامون سوره مبارکه حمد:

این سوره مبارکه با سوره‌های دیگر قرآن کریم از نظر لحن و آهنگ فرق روشنی دارد و آن این است که:

---

۱. تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۳۵.

۲. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۴۲.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۷۸.

المیزان، جلد اول، صفحه ۶۵.

مفردات راغب.

سوره‌های دیگر قرآن کریم همه به عنوان سخن و فرمایش خداوند متعال هستند، لیکن:

سوره حمد از زبان بندگان خدا می‌باشد، و به عبارت دیگر: خداوند متعال در این سوره مبارکه نحوه و طریقه سخن گفتن و مناجات با خالق متعال را به بندگانش آموخته است.<sup>۱</sup>

### اسامی سوره مبارکه حمد:

#### ۱. فاتحة الكتاب «آغازگر کتاب»

چون قرآن کریم با این سوره مبارکه شروع می‌شود و نیز آغاز قرائت نماز می‌باشد بدین جهت فاتحه نامیده می‌شود.

#### ۲. أم الكتاب «اساس و ریشه»

به قرآن کریم أم الكتاب گفته می‌شود زیرا مقدم بر سایر سوره‌ها می‌باشد و در زبان عرب به هر چیزی که جامع یا مقدم بر چیزهای دیگر باشد أم می‌گویند، مثلاً به شهر مکه أم القری می‌گویند به جهت اینکه به شهرها و مناطق دیگر شرافت دارد. در حدیث است که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به جابر بن عبدالله انصاری فرمودند:

ای جابر، آیا افضل سوره‌های قرآن کریم «با فضیلت‌ترین سوره قرآن کریم» را می‌خواهی به تو تعلیم کنم.

جابر به پیامبر اکرم عرض کرد:

آری یا رسول الله.

پیامبر اکرم سوره حمد «فاتحة الكتاب» را که أم الكتاب است به جابر بن عبدالله انصاری تعلیم فرموده و به او فرمود:

ای جابر، سوره حمد شفای هر دردی است مگر مرگ.



در حدیث دیگری آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره سوره مبارکه حمد فرمودند:

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي التَّوْرَاتِ وَلَا فِي الْأَنْجِيلِ وَلَا فِي الزَّبُورِ وَلَا فِي الْقُرْآنِ مِثْلَهَا، هِيَ أُمَّ الْكِتَابِ، يَعْنِي: قَسَمَ بِهِ خُدَائِي كَمَا جَانَمَ فِي دَسْتِ أَوْ اسْتِ خُدَاوَنَدِ مَتَعَالِ نَهْ دَرِ تَوْرَاتِ نَهْ دَرِ أَنْجِيلِ نَهْ دَرِ زَبُورِ وَ نَهْ حَتَّى دَرِ قُرْآنِ مِثْلِ سُوْرَةِ حَمْدِ رَا نَازَلَ نَكْرَدَهْ اسْتِ وَ اَيْنِ سُوْرَةِ، أُمَّ الْكِتَابِ اسْتِ.

### ۳. السَّبْعُ

زیرا سوره مبارکه حمد به اتفاق همه مفسرین دارای هفت آیه می باشد.

### توضیح:

همه علماء و مفسرین شیعه و اکثریت قاطع علماء و مفسرین اهل تسنن بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را جزء هر سوره می دانند «غیر از سوره توبه که بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ندارد»، لیکن بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ در سوره مبارکه حمد به تنهایی یک آیه محسوب می شود اما در غیر سوره حمد بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ جزء آن سوره به حساب می آید لیکن قسمتی از اولین آیه به شمار می رود، یعنی: «بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُؤْتَر» همه یک آیه محسوب می شود.

### ۴. مَثَانِي «دوتاها»

اینکه چرا سوره حمد به نام مثنای خوانده شده چند نظر ارائه شده است.

الف) در هر نماز واجب یا مستحب دوبار تلاوت می شود.

ب) این سوره مبارکه دوبار به پیامبر اکرم نازل شده است.

ج) این سوره مبارکه از دو بخش تشکیل شده است که یک بخش آن حمد و ثنای خداوند متعال است، و بخش دوم تقاضای بندگان می باشد.

### توضیح:

قرآن کریم نیز مثنائی نامیده شده است زیرا آیات شریفه آن در طول زمان به طور مکرر تلاوت می شود و همین تجدید و تکرار باعث می شود تا از دستبرد حوادث مصون و محفوظ بماند، ضمن اینکه:

اگر قرآن کریم مثنائی نامیده شده ممکن است به این جهت باشد که مثنائی از ثناء باشد زیرا آیات شریفه ی قرآن کریم در خور ثنا و تمجید است «ثناء = آنچه از نیکی ها و خوبی ها که تکرار و بازگو می شود».

### ۵. شفاء

چرا که از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که آن حضرت فرمودند:

سوره مبارکه حمد شفای هر دردی است!<sup>۱</sup>

### فضیلت سوره مبارکه حمد:

۱. وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:  
سوره مبارکه حمد أم الكتاب است، و أم الكتاب بهترین و با فضیلت ترین سوره ای است که خداوند متعال در کتاب خویش «قرآن کریم» نازل فرموده است.  
این حدیث را جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱. مجمع البیان، جلد اول، صفحه ۳۳ تا ۳۵، ۳۷.

المیزان، جلد اول، صفحه ۴۱.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۴، ۳۰، ۴۰ تا ۴۳.

تفسیر نمونه، جلد یازدهم، صفحه ۱۴۸-۱۴۹.

«ذیل آیه ۸۷ سوره حجر»

مفردات راغب، صفحه ۸۰-۸۱.

۲. مجمع البیان، جلد اول، صفحه ۳۴.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۱۱۷.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۱۵۳-۱۵۴، حدیث ۲۰.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۴.

۲. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام از پیامبر اکرم نقل می فرماید که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خداوند متعال به من فرمود: یا محمّد، وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ «آیه ۸۷ سوره حجر»، یعنی: ای محمّد:

ما به تو سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي «یعنی سوره حمد» و قرآن عظیم را اعطا نمودیم. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

خداوند متعال سوره مبارکه حمد را در برابر تمام قرآن عظیم قرار داده و با نازل نمودن آن به من مَنّت نهاده و فرمود: سوره حمد «فاتحة الكتاب» شریف ترین چیزی است که در گنجینه های عرش است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

الف) طبق این حدیث شریف قدسی سوره مبارکه حمد یک موهبت عظیم الهی تلقی شده که به وجود مبارک پیامبر اکرم نازل شده است. قرآن کریم با تمام عظمتش در برابر سوره مبارکه حمد قرار گرفته و این امر یعنی عظمت فوق العاده سوره مبارکه حمد. سوره مبارکه حمد دو بار به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده که این نیز حاکی از عظمت فوق العاده این سوره مبارکه می باشد.<sup>۲</sup>

ب) احادیث فراوانی از وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل شده که آن بزرگواران فرموده اند:

۱. مجمع البیان، جلد اول، صفحه ۳۵-۵۱.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۱۴۹ و ۱۵۰، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۳۱، حدیث ۱۰.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۶.

۲. تفسیر نمونه جلد اول، صفحه ۲۶.

سَبْعُ الْمَثَانِي «سَبْعاً مِنَ الْمَثَانِي» همان سوره فاتحة الكتاب «سوره حمد» می باشد.<sup>۱</sup>

۳. روایاتی از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند: اسم اعظم خداوند متعال در سوره فاتحة الكتاب «حمد» پراکنده است.<sup>۲</sup>

### توضیح:

قبلاً به عرض رسید که سوره‌ی مبارکه‌ی حمد دارای هفت آیه می باشد که آیه اول آن بسم الله الرحمن الرحيم می باشد.

۴. وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت فرمودند:  
 إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَفْرَدَ الْأَمْتِنَانَ عَلَيَّ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ، وَجَعَلَهَا بِإِزَاءِ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَإِنَّ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ أَشْرَفُ مَا فِي كُنُوزِ الْعَرْشِ، يَعْنِي:

خداوند متعال با نازل کردن سوره حمد به طور خاص و ویژه بر من منت نهاد و سوره حمد را در برابر تمام قرآن عظیم قرار داد، و به درستی که سوره مبارکه حمد شریف ترین و با ارزش ترین ذخائر گنج های عرش خداوند متعال است.<sup>۳</sup>

۵. وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

ابليس چهار بار فریاد کشید و ناله سرداد.

اولین بار روزی بود که مورد لعنت خداوند متعال قرار گرفت و از درگاه خداوند

۱. تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۱۰۹.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۱۵۰ - ۱۵۲، «احادیث ۱-۴-۱۴».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول صفحه ۳۳ - ۳۷، «احادیث ۱۱-۲۷».

۲. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۱۵۱ - ۱۵۲، «احادیث ۸-۱۲».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۲۷، «حدیث ۲».

۳. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۱۴۹ - ۱۵۰ «حدیث ۳».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۳۱، حدیث ۱۰.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۶ - ۲۷.

متعال رانده شد،

دوّمین بار روزی بود که از بهشت به زمین هبوط کرد «فروود آمد»،  
 سوّمین بار روزی بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به رسالت مبعوث  
 شد،

چهارمین بار روزی بود که سوره حمد یعنی أمُّ الْکِتَابِ نازل شد.<sup>۱</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۱۵۳، حدیث ۱۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۲۷، حدیث ۳.

تفسیر نمونه، جلد اوّل، صفحه ۲۷.

المیزان، جلد اوّل، صفحه ۲۳۷، «بحث روایتی ذیل آیه ۳۴ سوره بقره».

### فضیلت تلاوت سوره مبارکه حمد:

۱. وجود مقدّس امام عسکری علیه السّلام از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و آن حضرت نیز از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل نمودند که پیامبر اکرم فرمودند:

هر کس سوره حمد را با اعتقاد به ولایت محمّد و آل محمّد علیهم السّلام تلاوت نماید و مطیع اوامر محمّد و آل محمّد علیهم السّلام باشد و به ظاهر و باطن آنها ایمان داشته باشد «ظاهر و باطن محمّد و آل محمّد علیهم السّلام و ظاهر و باطن قرآن کریم» خداوند متعال در ازاء هر حرف آن حسنه و پاداشی به او می دهد که برای او از دنیا و آنچه در دنیا است بهتر است، دنیا با تمام اموال و خیراتش.<sup>۱</sup>

### توضیح:

ملاحظه فرمودید که این همه حسنه و پاداش به تلاوت کننده سوره مبارکه حمدی داده می شود که به ولایت و امامت محمّد و آل محمّد علیهم السّلام «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» ایمان و اعتقاد داشته باشد و مطیع محض اوامر و دستورات آن ذوات مقدّسه باشد.

۲. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: هر کس سوره فاتحه الکتاب «حمد» را تلاوت نماید به او آنچنان پاداش داده می شود که گویی دو ثلث «دو سوّم» قرآن کریم را تلاوت نموده و به هر مؤمن و مؤمنه صدقه داده است.<sup>۲</sup>

۳. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: سوره مبارکه حمد شفای هر بیماری و دردی است جز مرگ.<sup>۳</sup>

۱. مجمع البیان، جلد اوّل، صفحه ۳۵.

تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۱۴۹ - ۱۵۰، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۳۱، حدیث ۱۰.

۲. مجمع البیان، جلد اوّل، صفحه ۳۴.

۳. مجمع البیان، جلد اوّل، صفحه ۳۴ - ۳۵.

تفسیر نمونه، جلد اوّل، صفحه ۲۴.

۴. وجود مبارک امام صادق علیه السلام فرمودند:

اگر سوره مبارکه حمد بر مرده‌ای خوانده شود و او زنده گردد هیچ جای تعجب و شگفتی نیست.<sup>۱</sup>

ملاحظه فرمودید که سوره مبارکه حمد شریف‌ترین و با فضیلت‌ترین سوره قرآن کریم می‌باشد که از اوّل تا آخرش کلام خداوند متعال است لیکن در مقام نیابت از طرف بنده‌اش.

به عبارت دیگر:

سوره مبارکه حمد زبان حال بندگان خداوند متعال است که خداوند متعال به بندگانش آموخته که:

چگونه خداوند متعال را حمد و ثنا می‌گویند «اشاره به آیه دوّم سوره حمد: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

چگونه اظهار عبودیت و بندگی می‌کنند «اشاره به آیه پنجم سوره مبارکه حمد: اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ».

از خداوند متعال چه چیز و یا چه چیزهایی درخواست می‌کنند «اشاره به آیه ششم و هفتم سوره مبارکه حمد: اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ - صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ».

بندگان خدا پس از حمد و ثنای خداوند متعال و ابراز ایمان به مبدأ و معاد «خداشناسی و ایمان به قیامت و رستاخیز» و اظهار عبودیت و بندگی به درگاه خداوند متعال و استعانت از پیشگاه خداوند متعال و پناه بردن به خدا در همه حالات و در تمام کارها و امور، دست نیاز خویش را به سوی خداوند متعال دراز کرده و از ذات اقدس اله تقاضا می‌کنند که خداوندا:

اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ = ما را به راه راست هدایت کن، یعنی:

ما را ارشاد و هدایت به پیمودن راهی کن که منجر به محبت تو شود و ما را به بهشت برساند، یا اینکه: خداوندا توفیق خودت را مانند گذشته شامل حالمان کن تا

۱. تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۱۵۰ - ۱۵۱، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۲۹، حدیث ۸.

در آینده نیز مثل گذشته از تو اطاعت کنیم و مطیع هوای نفس خویش نباشیم. با توجه به اینکه تلاوت‌کننده این آیات شریفه «چه در نماز و چه در غیر نماز» به راه راست و صراط مستقیم است که با خداوند متعال مناجات نموده و این آیات شریفه را تلاوت می‌کند، با این وجود هدایت در این آیه شریفه «اِهْدِنَا» چه معنا و مفهومی می‌تواند داشته باشد.

مفسرین محترم و جوهی را متصور شده‌اند که ذیلاً به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. وقتی به خداوند متعال عرض می‌کنیم که ما را هدایت فرما «به راه راست»، در واقع از خداوند متعال درخواست می‌کنیم که ما را در دین حق ثابت قدم و استوار نگه دارد. گرچه خداوند متعال ما را هدایت کرده که از او درخواست ثبات عقیده می‌کنیم اما چون انسان گاهی دچار لغزش شده و ممکن است افکار باطلی بر قلبش خطور کند لذا جهت مقابله با این گرفتاری‌ها از خداوند متعال درخواست می‌کند تا او را در دین حق پایدار و استوار نگه دارد تا دچار لغزش نگردد.

۲. جنبه‌ی دیگر درخواست هدایت از خداوند متعال این است که:

خداوندا، همچنان که در گذشته ما را به راه راست هدایت فرمودی و ما را در دین حق ثابت قدم نگه‌داشتی در آینده نیز ما را در راه راست محافظت فرما و در دین حق ثابت قدم و استوار نگاه بدار تا دچار لغزش نشویم و افکار باطل به سراغ ما نیاید.

۳. هدایت درجاتی دارد، لذا وقتی به خداوند متعال عرض می‌کنیم که خداوندا ما را هدایت کن «اِهْدِنَا»، یعنی خداوندا: هدایت خویش را بر ما افزون فرما.

در آیه ۷۲ سوره مریم آمده که:

وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى، یعنی:

خداوند متعال هدایت هدایت‌یافتگان را افزون می‌کند.

همچنین در آیه ۱۷ سوره مبارکه محمد «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» آمده که:

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ، یعنی:

آن‌هایی که هدایت یافته‌اند خداوند متعال بر هدایت آن‌ها می‌افزاید و به آن‌ها



تقوا می دهد.

بنابراین، درخواست هدایت از خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ششم سوره حمد» می تواند تقاضا و درخواست افزایش هدایت باشد. ملاحظه فرمودید که در این آیه شریفه از خداوند متعال درخواست هدایت نمودیم و از خداوند سبحان تقاضا کردیم که ما را به صراط مستقیم هدایت فرماید.

### مقصود از صراط مستقیم چیست؟

صراط مستقیم می تواند همه موارد ذیل را در بر داشته باشد زیرا این موارد با یکدیگر منافات نداشته و همه آنها در واقع به یک چیز بازمی گردند.

۱. دین مبین اسلام.

۲. قرآن کریم.

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام.

همانطور که عرض شد صراط مستقیم معنایی وسیع دارد و شامل همه مواردی می شود که از آنها یاد شد چرا که همه‌ی آنها در واقع یک چیز هستند، و در واقع: وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام تجسم اسلام و حقیقت قرآن کریم هستند و انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که تأویل آیه شریفه و معنی باطنی آیه شریفه «آیه ششم سوره مبارکه حمد» وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام می باشند، یعنی وقتی ما به خداوند متعال عرض می کنیم:

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، یعنی:

خداوند ما را به سوی چهارده معصوم علیهم السلام و ولایت و امامت آن ذوات مقدسه هدایت فرما.

قابل ذکر است که این صراط مستقیم صراط و راهی است که:

به هیچ وجه شرک و ظلم در آن راه ندارد،

هیچگونه ضلالت و گمراهی به آن راه پیدا نمی کند، لذا:

کسی که بر صراط مستقیم باشد «تحت ولایت و امامت وجود مقدس چهارده

معصوم علیهم السّلام باشد» ضلالت و گمراهی نه در قلب و باطن او را پیدا می‌کند که انحراف فکری و عقیدتی ایجاد کند، و نه ضلالت و گمراهی در ظاهر اعضا و جوارح بدن او راه پیدا می‌کند که باعث ارتکاب گناه و معصیت شود.

### توضیح:

همانطور که عرض شد، صراط مستقیم «راه راست» همان آئین خداپرستی، دین حق، و پایبند بودن به دستورات خداوند متعال است و این صراط مستقیم «راه راست» یک راه بیش‌تر نمی‌باشد، و راه رسیدن به این صراط مستقیم نیز اعتصام و تمسک به خداوند متعال است.

در آیه ۱۰۱ سوره آل عمران آمده که:

وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، یعنی:

هر کس به خداوند متعال اعتصام نماید و تمسک جوید به صراط مستقیم «راه راست» هدایت شده است.

در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدس امام هادی علیه السّلام صادر شده و یک دوره کامل و جامع امام‌شناسی است هنگام زیارت هر یک از معصومین علیهم السّلام خدمت آن بزرگواران عرض می‌کنیم که:

وَمِنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، یعنی:

هر کس به شما تمسک نماید «چنگ بزند» مثل اینکه به خداوند متعال تمسک نموده است.

بنابراین:

تمسک و اعتصام «چنگ زدن» به وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السّلام یعنی تمسک و اعتصام به خداوند متعال، و تمسک و اعتصام به خداوند متعال یعنی هدایت به صراط مستقیم.<sup>۱</sup>

۱. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۵۱ تا ۵۳.

المیزان، جلد اول، صفحه ۵۵، ۷۳، ۷۵، ۷۸ و ۷۹.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۷۲ تا ۷۷.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۱۱۲ - ۱۱۳.

**حدیث:**

۱. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در سال دهم هجری از مدینه عازم مکه شده و اعمال حج به جای آوردند و پس از پایان اعمال و مناسک حج قصد عزیمت به مدینه را داشتند که جبرئیل از سوی خداوند متعال به آن حضرت نازل شد و آیه ۶۷ سوره مبارکه مائده را آوردند که مفاد آن در رابطه با امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام می باشد. به همین منظور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در بین راه مکه به مدینه در محلی به نام غدیر خم «حوالی جحفه» در حضور بیش از یکصد هزار نفر از حجاج بیت الله الحرام خطبه مفصّلی ایراد فرموده و پس از حمد و ثنای خداوند متعال قطره‌ای از دریای بیکران فضائل و مناقب مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را بیان فرموده و سپس به امر خداوند متعال آن حضرت را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین منصوب و به مردم معرفی فرمودند. وجود نازنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در قسمتی از بیانات خویش فرمودند:

**معاشر الناس:**

أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ، الَّذِي أَمَرَكُم بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي، ثُمَّ وَوَدَى مِنْ صُلْبِهِ، أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ، ثُمَّ قَرَأَ:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ - الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ - إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ - اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، - صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ، فِيَّ نَزَلَتْ وَفِيهِمْ نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَّتْ وَ إِيَّاهُمْ خَصَّتْ أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْعَالِيُونَ، أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَ عَلِيٍّ هُمُ أَهْلُ الشَّقَاقِ وَ النَّفَاقِ وَ الْحَادُونَ وَ هُمُ الْعَادُونَ وَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ...» یعنی:

ای گروه مردم:

من صراط مستقیم خدا هستم که خداوند متعال به شما امر فرموده که از او پیروی

کنید،

بعد از من علی بن ابیطالب و پس از او فرزندان من از صلب او «از امام مجتبی

تا امام زمان سلام الله عليهم اجمعين» صراط مستقیم هستند که خداوند متعال امر فرموده تا از آنها اطاعت کنید.

آنها امامانی هستند که مردم را به حق و به راه حق هدایت می کنند و به عدالت رفتار می نمایند.

سپس وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سوره مبارکه حمد را تلاوت نموده و فرمودند:

این سوره مبارکه درباره من «در حق من» و درباره آنان «ائمه معصومین عليهم السلام» نازل شده است و همه آنها را شامل می شود و مخصوص به آنها است.

اهل بیت من «ائمه معصومین عليهم السلام» اولیاء خداوند متعال هستند و خوف و ترسی بر آنان نیست و روز قیامت محزون و غمگین نخواهند شد.

بدانید که غلبه و پیروزی با حزب خدا است.

ای مردم بدانید و آگاه باشید که دشمنان علی بن ابیطالب اهل شقاق و نفاق هستند و برادران شیطان می باشند.<sup>۱</sup>

۲. مفضل بن عمر می گوید که از وجود مقدس امام صادق علیه السلام درباره صراط سؤال نمودم.

وجود مبارک امام صادق علیه السلام فرمودند:

هُوَ الطَّرِيقُ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَهُمَا صِرَاطَانِ،

صِرَاطٌ فِي الدُّنْيَا وَصِرَاطٌ فِي الْآخِرَةِ،

وَ أَمَّا الصِّرَاطُ الَّذِي فِي الدُّنْيَا فَهُوَ الْإِمَامُ الْمُفْتَرَضُ الطَّاعَةُ،

مَنْ عَرَفَهُ فِي الدُّنْيَا وَاقْتَدَى بِهِدَاهُ مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ الَّذِي هُوَ جِسْرُ جَهَنَّمَ فِي الْآخِرَةِ،

وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ فِي الدُّنْيَا زَلَّتْ قَدَمُهُ عَنِ الصِّرَاطِ فِي الْآخِرَةِ فَتَرَدَى فِي نَارِ جَهَنَّمَ، یعنی:

صراط، راهی است به سوی شناخت خداوند عزوجل،

و صراط دو گونه است «دو صراط وجود دارد»، صراطی در دنیا و صراطی در آخرت.

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶ «صفحه ۱۳۷»، حدیث ۳۲، «احتجاج پیامبر اکرم در غدیر

خم بر مردم».

شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۰۴ - ۴۰۵.

اما صراط دنیا امامی است که اطاعت از او واجب است، هر کس در دنیا او را بشناسد «امام معصوم را» و اوامر و دستورات او را اجرا کند «رهنمودهای او را به کار بندد» در آخرت و در روز قیامت از صراط که پُلی بر روی جهنم است عبور خواهد کرد،

و هر کس در دنیا امام معصوم را نشناسد در آخرت و در روز قیامت هنگام عبور از صراط «پُل روی جهنم» قدم‌هایش لغزیده و به داخل جهنم خواهد افتاد.<sup>۱</sup>

### توضیح:

طبق این حدیث شریف مقصود از صراط دنیا امام معصوم واجب‌الاطاعه‌ای است که خداوند متعال او را منصوب فرموده است.

مقصود از صراط آخرت نیز همان پُل صراط است، یعنی پُلی که بر روی جهنم زده شده که طبق بعضی از روایات از مو باریک‌تر و از شمشیر بُرنده‌تر و تیزتر می‌باشد و همه مردم باید از روی آن عبور کنند.

مؤمنین یعنی شیعیان واقعی و راستین ائمه معصومین علیهم‌السلام مثل برق و باد از روی آن عبور می‌کنند، بعضی دیگر مانند دویدن اسب از روی آن می‌گذرند «بنا به درجاتی که دارند»، و ... .

اما کسانی که معتقد به امامت و ولایت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام نباشند هنگام عبور از روی پُل «پُل صراط» به داخل جهنم سقوط کرده و گرفتار آتش خواهند شد:<sup>۲</sup>

۱. المیزان، جلد اول، صفحه ۷۸.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۱۱۳.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۱۷۵، حدیث ۲۰.

تفسیر نورالقلین، جلد اول، صفحه ۶۵، حدیث ۹۱.

معانی الاخبار شیخ صدوق، جلد اول، باب ۲۲، صفحه ۶۹، حدیث ۱.

۲. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۱۶۶، حدیث ۶.

تفسیر قمی، جلد اول، صفحه ۱۰۵-۱۰۶.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۱۱۴.

۳. وجود مقدس امام سجاد علیه السلام فرمودند:

لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ حُجَّتِهِ حِجَابٌ،

فَلَا لِلَّهِ دُونَ حُجَّتِهِ سِتْرٌ،

نَحْنُ أَبْوَابُ اللَّهِ،

وَنَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ،

وَنَحْنُ عَيْنُهُ عِلْمِهِ،

وَنَحْنُ تَرَاجِمَةٌ وَحْيِهِ،

وَنَحْنُ أَرْكَانُ تَوْحِيدِهِ،

وَنَحْنُ مَوْضِعُ سِرِّهِ، یعنی:

میان خداوند متعال و حجت او «چهارده معصوم علیهم السلام» حجاب و مانعی وجود ندارد، و خداوند متعال در برابر حجت خویش هیچ پوششی ندارد،

ما ابواب خداوند متعال هستیم «دروازه علم خدا، قدرت خدا و...»،

مائیم صراط مستقیم،

مائیم مخزن علم خداوند متعال،

ما هستیم ترجمان وحی خداوند متعال «بازگوکننده و شرح دهنده وحی خداوند

متعال»،

ما هستیم ارکان توحید خداوند متعال «پایه توحید و استوانه توحید و یکتاپرستی

ما هستیم»،

ما هستیم گنجینه و جایگاه اسرار خداوند متعال.<sup>۱</sup>

۴. امام صادق علیه السلام فرمودند:

منظور از صراط مستقیم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است.

۱. المیزان، جلد اول، صفحه ۷۸.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۱۱۴.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۱۷۶، حدیث ۲۴.

تفسیر نورالتقلین، جلد اول، صفحه ۶۷، حدیث ۹۷.

معانی الاخبار شیخ صدوق، جلد اول، باب ۲۲، صفحه ۷۶، حدیث ۵.

این حدیث را عبیدالله حلبی از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۵. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

منظور از صراط مستقیم در سوره حمد وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السلام و شناخت آن حضرت می‌باشد «یعنی معرفت پیدا کردن به مقام امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السلام به عنوان وصی و جانشین بلافصل پیامبر اکرم و امام واجب‌الاطاعه منصوب از ناحیه خداوند متعال».

این حدیث را حمّاد بن عیسی از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده است.<sup>۲</sup>

### توضیح:

این حدیث شریف را ابی بصیر نیز از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۳</sup>

۶. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

منظور از صراط مستقیم در آیه ششم سوره حمد «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد.

این حدیث را داود بن فرقد از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۴</sup>

۷. وجود مبارک امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

وَاللّٰهُ نَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ، یعنی:

۱. مجمع‌البیان، جلد اوّل، صفحه ۵۲.

تفسیر صافی، جلد اوّل، صفحه ۱۱۳.

تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۱۷۵، حدیث ۲۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۶۵، حدیث ۹۴.

تفسیر نمونه، جلد اوّل، صفحه ۷۸.

۲. تفسیر صافی، جلد اوّل، صفحه ۱۱۳.

تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۱۶۵، حدیث ۳ و ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۶۵، حدیث ۹۰.

معانی الاخبار صدوق، جلد اوّل، باب ۲۲، صفحه ۷۰، حدیث ۳.

۳. تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۱۶۵، حدیث ۳.

۴. المیزان، جلد اوّل، صفحه ۷۸.

تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۱۷۹، حدیث ۳۳.

به خدا قسم ما هستیم صراط مستقیم «یعنی وجود مبارک چهارده معصوم علیهم السّلام»<sup>۱</sup>.

۸. امام صادق علیه السّلام درباره آیه ششم سوره حمد «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» فرمودند:

ای بندگان خدا بگوئید:

خداوندا: ما را به سوی محبّت محمّد و اهل بیت او هدایت فرما. «یعنی، وقتی به خداوند متعال عرض می‌کنیم که خداوندا ما را به راه راست هدایت فرما، در واقع از خداوند متعال تقاضا می‌کنیم تا ما را به سوی محبّت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت آن حضرت یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام هدایت فرماید، زیرا صراط مستقیم یعنی آن ذوات مقدّسه، لذا هر کس پیرو و مطیع آن بزرگواران باشد در صراط مستقیم است و در غیر این صورت در راه ضلالت و گمراهی است که به جهنّم منتهی می‌شود»<sup>۲</sup>.

۹. امام صادق علیه السّلام درباره آیه ششم سوره حمد «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» فرمودند:

منظور از صراط مستقیم در این آیه شریفه حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت آن حضرت می‌باشند «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام». این حدیث شریف را ابو بریده از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۳</sup>

۱۰. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:  
نَحْنُ الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ وَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، یعنی ما «چهارده معصوم

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۶۳، حدیث ۸۹.

تفسیر نمونه، جلد اوّل، صفحه ۷۷ - ۷۸.

۲. المیزان، جلد اوّل، صفحه ۷۸.

تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۱۸۰، حدیث ۳۷.

۳. تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۱۸۰، حدیث ۳۸.



عليهم السلام» راه روشن و صراط مستقیم به سوی خداوند عزوجل هستیم.<sup>۱</sup>

۱۱. در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از فرمایشات امام هادی سلام الله علیه می باشد هنگام زیارت هر کدام از معصومین عليهم السلام خدمت آن بزرگواران عرض می کنیم.

السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الدُّعَاةِ... وَ عَيْبَةِ عِلْمِهِ وَ حُجَّتِهِ وَ صِرَاطِهِ.  
أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ، یعنی:

سلام بر شما پیشوایان معصوم که دعوت کنندگان مردم به سوی خداوند متعال می باشید، شما بزرگواران جایگاه سرّ علم خداوند متعال، مخزن علم خداوند سبحان، و حجت خداوند متعال بر مخلوق هستید،

همچنین: شما صراط مستقیم خداوند متعال هستید یعنی:

شما چهارده معصوم عليهم السلام راه حق هستید و هر کس بخواهد به مقام قرب الهی واصل شود باید از این طریق و از این راه حرکت نماید.

شما معصومین عليهم السلام صراط اقوم هستید یعنی:

راه راست تر، راه صاف تر، راه مستقیم تر و راه پابرجا تر،

و خلاصه کلام در رابطه با صراطیه و صراط اقوم یعنی اینکه:

شما چهارده معصوم عليهم السلام صراط مستقیم به سوی خداوند متعال هستید و فقط از طریق شما می توان به سوی حق حرکت کرد و هر راهی غیر از صراط شما راه ضلالت و گمراهی است.

«اقوم = صاف تر، مستقیم تر، پا برجاستر.»<sup>۲</sup>

### توضیح:

الف) ذیل آیه ۱۵۳ سوره انعام و آیه ۷۳ و ۷۴ سوره مؤمنون نیز در رابطه با صراط مستقیم توضیحاتی ارائه شده و احادیثی از ائمه معصومین عليهم السلام نقل شده که

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۱، حدیث ۱۰۴.

۲. تفسیر نمونه، جلد دوازدهم، صفحه ۵۰، «ذیل آیه ۹، سوره اسراء».

شرح جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیدمحمدتقی نقوی، صفحه ۲۲۵ تا ۲۲۹ - ۳۶۶ تا ۳۶۸.

مقصود از صراط مستقیم وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام می باشد.

ب) احادیث شریفی را که ملاحظه فرمودید همگی مبین این مطلب هستند که صراط مستقیمی که انسان‌ها را به طرف خداوند متعال هدایت نموده و ضامن سعادت و رستگاری دنیوی و آخروی آنها است وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام می باشد و فقط از این طریق می توان به حق واصل شد و لاغیر، لذا: وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام صراط مستقیم می باشد و هر کس بر صراط مستقیم باشد «یعنی پیرو و فرمانبردار آن بزرگواران» اهل سعادت و اهل نجات است، و غیر از راه این ذوات مقدّس راه ضلالت و گمراهی است یعنی راه مغضوبین و ضالّین که در آیه هفتم سوره مبارکه حمد به آنها اشاره شده و انشاءالله تعالی ذیل آیه شریفه توضیحات لازم به عرض خواهد رسید.

### آیه ۷ سوره حمد «فاتحة الكتاب»:

«صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ».

#### ترجمه:

راه کسانی که به آنها نعمت دادی، نه کسانی که به آنها غضب نموده، و نه گمراهان.<sup>۱</sup>

#### شرح لغات و توضیحات:

مَغْضُوب عَلَيْهِمْ = کسانی که به آنها خشم و غضب شده است.

ضالّین = گمراهان.<sup>۲</sup>

این آیه شریفه «آیه ۷، سوره حمد» بیان و توضیح آیه قبل «آیه ۶» می باشد.

در آیه ششم سوره مبارکه ملاحظه فرمودید که:

بندگان خدا از خداوند متعال درخواست می کنند که خداوندا:

ما را به راه راست و صراط مستقیم هدایت کن.

قابل ذکر است که این آیات شریفه «مثل سایر آیات شریفه قرآن کریم» کلام خداوند

متعال هستند که خداوند متعال به نیابت از طرف بندگان فرموده و به بندگان یاد داده

تا چگونه خداوند متعال را حمد نموده و چه چیزهایی را از خداوند متعال درخواست

کنند، یا اینکه مهم ترین خواسته آنها از خداوند متعال باید چه باشد.

در واقع آیه هفتم سوره مبارکه حمد بیان و توضیح صراط مستقیم می باشد که

صراط مستقیم صراطی است که:

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ = راه و صراط کسانی که به آنها نعمت داده‌ای، یعنی:

بندگان خدا به خداوند متعال عرض می کنند که:

خداوندا، ما را به راه راست هدایت کن «آیه ۶»،

راه کسانی که به آنها نعمت داده‌ای «آیه ۷».

۱. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۴۱.

۲. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۴۲.

راجع به صراط مستقیم و اینکه صراط مستقیم چیست و تأویل آن چه می باشد ذیل آیه ششم سوره مبارکه حمد توضیحات لازم ارائه شد.

اینکه خداوند متعال به چه کسانی عالی ترین نعمات را اعطا فرموده که ما از خداوند متعال درخواست می کنیم که ما را به راه آن ها هدایت نماید در آیات دیگری آمده که از جمله آن ها آیه ۶۹ سوره نساء می باشد.

در این آیه شریفه خداوند متعال می فرماید:

وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، یعنی:

کسانی که خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را اطاعت کنند خداوند متعال آن ها را با کسانی قرار می دهد که به آن ها نعمت داده، یعنی پیامبران، صدیقین، شهدا و صالحین.

بنابراین معنی آیه ششم و هفتم سوره حمد به اختصار این می شود که:

بندگان خدا به خدا عرض می کنند که خداوندا:

ما را به راه راست هدایت کن «آیه ۶».

به راه کسانی که به آن ها نعمت داده ای یعنی پیامبران، صدیقین، شهدا و صالحین،

بنابراین:

صراط مستقیم یعنی راه پیامبران، صدیقین، شهدا و صالحین، و ما از خداوند متعال درخواست می کنیم که ما را به راه پیامبران، صدیقین، شهدا و صالحین هدایت فرماید.

قابل ذکر است مصداق اتم و اکمل صراط مستقیم وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام می باشند که ذیل آیه ششم سوره مبارکه حمد احادیث آن ها را ملاحظه فرمودید.

کسانی که خداوند متعال عالی ترین نعمات را به آن ها اعطا فرموده مصداق دیگری نیز دارد که انشاء الله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود.

وجود مقدس امام عسکری علیه السلام فرمودند:

نعمتی که در آیه هفتم سوره مبارکه حمد از آن صحبت شده ثروت دنیا یا نعمت

سلامتی جسم نیست گرچه این‌ها هم از جمله نعمات آشکار خداوند متعال هستند، مگر نمی‌بینید که گاهی کُفَّار و افراد بی‌دین نیز این نعمات را دارا می‌باشند «ثروت و سلامتی»، بنابراین:

خداوند متعال شما بندگان را تشویق فرموده تا دعا کنید تا خداوند متعال راه آن‌ها را به شما نشان دهد، بلکه خداوند متعال فقط دستور داده تا شما از خداوند متعال تقاضا نمائید تا شما را به راه کسانی هدایت کند که نعمت ایمان به خدا و ایمان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و نعمت ولایت محمد و آل محمد علیهم السلام به آن‌ها اعطا شده است.

در ادامه آیه شریفه «آیه ۷» آمده است که:

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ = نه کسانی که به آن‌ها غضب کردی و نه گمراهان، بنابراین:

معنی آیات ششم و هفتم سوره مبارکه حمد به اختصار این می‌شود که:

خداوندا ما را به راه راست هدایت کن «آیه ۶».

راه کسانی که به آن‌ها نعمت دادی، نه کسانی که به آن‌ها غضب نمودی، و نه کسانی که گمراه هستند «آیه ۷».

ملاحظه می‌فرمائید، ما از خداوند متعال درخواست می‌کنیم که ما را به راه راست هدایت کند نه راه مغضوبین و ضالین.

این دو صنف یعنی مَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ «مغضوبین و مورد غضب واقع شدگان» و ضالین «گمراهان» هر دو گمراه هستند و هر دو در ضلالت می‌باشند لیکن با یکدیگر اندک تفاوتی دارند، بدین معنی که:

مغضوبین «مَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» از ضالین «گمراهان» وضعیّت بدتری دارند و انحراف آن‌ها شدیدتر است، یعنی:

ضالین، گمراهان عادی هستند لیکن:

مغضوبین، گمراهان لجوجی هستند که علاوه بر کُفر راه لجاجت و عناد و دشمنی با حق را می‌پیمایند.

از نظر اکثر مفسرین منظور از مغضوبین «مَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» یهودیان، و منظور از ضالین

نصاری «مسیحیان» می‌باشند و احادیث فراوانی نیز این مطلب را تائید می‌کند. هم آیات قرآن کریم، و هم بررسی مسائل تاریخی نشان می‌دهند که قوم یهود نسبت به اسلام کینه و عداوت خاصی داشته‌اند. لازم به ذکر است که یهود و نصاری دو نمونه از مصادیق بارز و شاخص مغضوبین درگاه الهی و ضالین می‌باشند و گر نه همه کفار و مشرکین و منافقین مغضوب درگاه الهی بوده و گمراه می‌باشند، و در یک کلام: غیرمسلمانان مصداق «مَغْضُوبٍ عَلَيْهِمْ» و «ضالین» می‌باشند. قابل ذکر است که مغضوبین و ضالین مصادیق بارز و آشکار دیگری «غیر از موارد فوق‌الاشاره» نیز دارند که انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدّس امام عسکری علیه‌السلام درباره قسمت اوّل آیه هفتم سوره مبارکه حمد «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» فرمودند: مقصود از نعمت در این آیه شریفه نعمت ثروت دنیا و نعمت سلامتی جسم نیست گرچه همه این‌ها از نعمات آشکار خداوند متعال هستند، مگر نمی‌بینید که گاهی کافران و افراد بی‌دین نیز دارای این نعمت‌ها هستند «ثروت فراوان، سلامتی جسم»، بنابراین، خداوند متعال شما بندگان را در این آیه شریفه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» تشویق نفرموده تا دعا کنید تا راه آن‌ها را به شما نشان دهد «راه کسانی که از نعمت ثروت و نعمت سلامتی جسم برخوردار می‌باشند»، بلکه: خداوند متعال در این آیه شریفه به شما دستور داده تا از خداوند متعال درخواست نمائید تا شما را به راه کسانی هدایت نماید که نعمت ایمان به خدا و پیامبر اکرم و

۱. مجمع‌البیان، جلد اوّل، صفحه ۴۹ - ۵۰.

تفسیر نمونه، جلد اوّل، صفحه ۸۰ - ۸۱.

تفسیر صافی، جلد اوّل، صفحه ۱۱۵ - ۱۱۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۶۹، حدیث ۱۰۲.

ولایت محمّد و آل محمّد علیهم السّلام به آن‌ها اعطا شده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

طبق این حدیث شریف معنی آیه ششم و هفتم سوره مبارکه حمد «تأویل آیات شریفه» این می‌شود که ما بندگان خدا به خداوند متعال عرض می‌کنیم: خداوندا ما را به راه راست هدایت کن «آیه ۶».

راه کسانی که به آن‌ها نعمت ایمان به خدا و نعمت ایمان به پیامبر اکرم و نعمت ولایت آن حضرت و اهل بیتش را اعطا فرموده‌ای «آیه ۷».

۲. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السّلام درباره آیه هفتم سوره مبارکه حمد «صِراطِ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» فرمودند:

مقصود از این آیه شریفه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت آن حضرت می‌باشد «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام».

این حدیث را حنّان بن سدیر از امام صادق علیه‌السّلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

### توضیح:

معنی آیه هفتم سوره مبارکه حمد «طبق این حدیث شریف» این می‌شود که: خداوندا ما را به راه کسانی هدایت کن که به آن‌ها نعمت داده‌ای، یعنی ما را به راه محمّد و آل محمّد علیهم السّلام «چهارده معصوم علیهم السّلام» هدایت فرما.

۳. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم درباره آیه هفتم سوره مبارکه حمد فرمودند:

---

۱. تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۱۷۷، حدیث ۲۷.  
تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۶۹، حدیث ۱۰۲.  
معانی الاخبار شیخ صدوق، جلد اوّل، باب ۲۲، صفحه ۷۸ - ۷۹، حدیث ۹.  
۲. تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۱۷۶، حدیث ۲۵.  
تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۶۹، حدیث ۱۰۱.  
معانی الاخبار، جلد اوّل، باب ۲۲، صفحه ۷۷، حدیث ۷.

شِيعَةٌ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، الَّذِينَ أَنْعَمَتْ عَلَيْهِمْ بِوِلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يُغْضَبْ عَلَيْهِمْ وَ لَمْ يَضَلُّوا، یعنی:

کسانی که خداوند متعال به آنها نعمت اعطا فرموده شیعیان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام هستند که خداوند سبحان نعمت ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به آنان اعطا فرموده است، و خداوند متعال بر آنها غضب نمی گیرد و آنها گمراه نمی شوند.<sup>۱</sup>

### توضیح:

الف) شیعیان مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام «شیعیان دوازده امامی» کسانی هستند که خداوند متعال به آنها نعمت اعطا فرموده است آن هم نعمت ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، و این شیعیان نه مورد غضب هستند و نه گمراه، یعنی نه در زمره مغضوبین هستند و نه در زمره ضالین.

ب) مغضوبین و ضالین، غاصبین خلافت و مُنکرین ولایت ائمه معصومین علیهم السلام هستند که در احادیث بعد ملاحظه خواهید فرمود.

۴. وجود مقدّس امام صادق علیه السلام درباره مغضوبین و ضالین در آیه هفتم سوره مبارکه حمد فرمودند:

مقصود از مَغْضُوبٌ عَلَيْهِمْ، فلان کس و فلان کس و فلان کس «غاصبین خلافت» و ناصبی ها «دشمنان اهل بیت پیامبر اکرم» می باشند، و مقصود از ضالّین «گمراهان» کسانی هستند که امام معصوم را نمی شناسند.

۱. تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۱۱۶.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۱۷۶، حدیث ۲۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۶۹، حدیث ۱۰۳.

معانی الاخبار، جلد اول، باب ۲۲، صفحه ۷۷، حدیث ۸.



این حدیث را ابن اذینه از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۵. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

مقصود از مَعْضُوبٌ عَلَيْهِمْ «کسانی که خداوند متعال به آنها غضب نموده» در آیه هفتم سوره مبارکه حمد دشمنان اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشند.

این حدیث را حریر از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

### توضیح:

الف) طبق احادیث ذیل آیه ششم سوره مبارکه حمد مقصود از صراط مستقیم وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام می‌باشند، همچنین:

طبق احادیث ذیل آیه هفتم سوره مبارکه حمد کسانی که خداوند متعال به آنها نعمت اعطا فرموده وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت می‌باشند «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام»، بنابراین:

معنی آیه ششم و هفتم سوره مبارکه حمد «تأویل آیات شریفه» این می‌شود که ما بندگان خدا از خداوند متعال درخواست می‌کنیم که خداوندا:

ما را به راه راست هدایت کن، یعنی:

خداوندا ما را به راه محمد و آل محمد علیهم‌السلام «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام» هدایت فرما «آیه ۶».

راه کسانی که به آنها نعمت اعطا فرموده‌ای، یعنی:

راه محمد و آل محمد علیهم‌السلام «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام» «آیه ۷».

۱. تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۱۱۶.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۱۸۰، حدیث ۳۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۱، حدیث ۱۰۷.

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۱، حدیث ۱۰۶.

ب) شیعیان محمّد و آل محمّد علیهم السّلام «شیعیان وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» نیز به حرمت و احترام آن ذوات مقدّسه مشمول آیه هفتم سوره حمد واقع شده‌اند، یعنی:

شیعیان اثنی عشری کسانی هستند که خداوند متعال به آن‌ها نعمت اعطا فرموده است آن هم عالی‌ترین نعمت، یعنی نعمت ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و دیگر ائمّه معصومین علیهم السّلام، و به همین جهت این شیعیان دوازده امامی نه در زمره مغضوبین هستند و نه در زمره ضالّین.

ج) همه کفّار و مشرکین و منافقین در زمره «مَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ» و «ضالّین» هستند، لیکن:

غاصبین خلافت و دشمنان اهل بیت پیامبر اکرم و منکرین امامت و ولایت آن ذوات مقدّسه مصداق اتمّ و اکمل مغضوبین و ضالّین می‌باشند.

## «سوره بقره»

### آیات ۱ تا ۵ سوره بقره:

«الم» آیه ۱.

«ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»، آیه ۲.

«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»، آیه ۳.

«وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ»، آیه ۴.

«أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». آیه ۵.

### ترجمه:

الم «آیه ۱».

آن «قرآن» کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است «آیه ۲».

متقین کسانی هستند که به غیب ایمان دارند، و نماز به پا می‌دارند، و از آنچه که روزیشان کرده‌ایم «روزی به آن‌ها داده‌ایم» انفاق می‌کنند «آیه ۳».

و به آنچه که به تو نازل شده و به آنچه که به پیامبران پیش از تو نازل شده ایمان می‌آورند، و به جهان آخرت یقین دارند «آیه ۴».

آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند، و آنان رستگارانند «تنها آن‌ها رستگارانند» «آیه ۵».

۱. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۵۵ - ۶۰.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۹۱ - ۱۰۰.

### شرح لغات و توضیحات:

ذَلِكْ = آن «اشاره به دور».

کِتَاب = مکتوب، نوشته شده «منظور از کتاب در این آیه شریفه «آیه دوّم سوره بقره» قرآن کریم می باشد».

رَيْبٌ = شک، تردید.

تَقْوَى = پرهیز از گناه، و شخص باتقوی کسی است که واجبات را انجام دهد و از محرمات اجتناب نماید.

هُدًى = هدایت، راهنمایی، دلالت «هُدًى یعنی راهنمایی و دلالتی که از روی لطف و مهربانی باشد».

مُتَّقِينَ = پرهیزکاران.

الَّذِينَ = کسانی که.

يُؤْمِنُونَ = ایمان می آورند «فعل مضارع می باشد و استمرار را می رساند».

غَيْبٌ = هر چیزی که از حواس ما «حواس پنجگانه» یا از حیطة عِلْمِ ما انسانها خارج می باشد «نقطه مقابل غیب، شهود «شهادت» است.

يُقِيمُونَ = اقامه می کنند، به پا می دارند «انجام دادن با همه شرایط و مداومت به آن».

انْفَاقٌ = هزینه کردن، خرج کردن «چه در مورد اموال و چه غیر اموال»<sup>۱</sup>.

سوره بقره که دوّمین سوره قرآن کریم می باشد با حروف مقطّعه «حروف بریده بریده، حروف بریده از هم» آغاز شده است و در واقع با اولین مورد از حروف مقطّعه برخورد می کنیم یعنی:

الم «الف - لام - میم».

حروف مقطّعه قرآن کریم جزء کلمات اسرار آمیز قرآن کریم محسوب می شوند و مفسّرین محترم برای آن تفسیرهای متعدّدی ذکر نموده اند که یکی از مهم ترین اقوال این است که خداوند متعال با ذکر نمودن این حروف به انسانها می فهماند که:

۱. مجمع البیان، جلد اوّل، صفحه ۵۷ - ۶۰ - ۶۱.

تفسیر نمونه، جلد اوّل، صفحه ۹۶ - ۹۷ - ۱۰۱.  
مفردات راغب.

قرآن کریم که شما از آوردن مشابه آن و یا حتی از آوردن یک سوره نظیر سوره‌های آن عاجز و ناتوان هستید از همین حروفی است که ملاحظه می‌کنید «مثل الف - لام - میم و...».

بنابراین وقتی نمی‌توانید با استفاده از همین حروف یک سوره مانند سوره‌های قرآن کریم بیاورید، باید ایمان بیاورید که قرآن کریم از ناحیه خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است «قابل ذکر است که ۲۹ سوره قرآن کریم با حروف مقطعه آغاز شده است».

عالم بزرگوار ملامحسن فیض کاشانی در تفسیر خویش «تفسیر ارزشمند صافی» ضمن نقل حدیثی از وجود مقدس امام صادق علیه السلام «مبنی بر اینکه حروف مقطعه قرآن کریم حروف پراکنده اسم اعظم خداوند متعال هستند که در تمام قرآن پخش شده‌اند و این پیامبر یا امام است که آن‌ها را می‌فهمد» می‌گوید:

این حدیث شریف و احادیث مشابه این حدیث دلالت بر این دارند که:

حروف مقطعه قرآن کریم اسرار و رموزی هستند بین خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام، و این رموز را خداوند متعال جز به پیامبر اکرم و راسخین در علم یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام به احدی نیاموخته است.

آیه هفتم سوره آل عمران، آیه ۴۹ سوره عنکبوت و آیه ۴۳ سوره رعد مبین این مطلب هستند که این ذوات مقدسه:

راسخین در علم هستند و تأویل همه آیات قرآن کریم را می‌دانند، ضمن اینکه: این بزرگواران دارای علم الکتاب هستند و همه علم کتاب «علم به قرآن کریم از نظر تأویل و تنزیل» نزد آن‌ها است، همچنین:

قرآن کریم که آیات بینات «آیات روشن» است در سینه و صدر این ذوات مقدسه جای دارد.

قابل ذکر است که:

از ترکیب حروف مقطعه قرآن کریم «پس از حذف مکررات آن‌ها» این جمله تشکیل می‌شود که:

«عَلِيٌّ، صِرَاطُ حَقِّ نَفْسِكُهُ» یا «صِرَاطُ عَلِيٍّ حَقُّ نَفْسِكُهُ»، یعنی:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام صراط حقی است که به او تمسک می جوئیم، یا: صراط علی بن ابیطالب علیه السلام حقی است که به آن چنگ می زنیم.<sup>۱</sup> خداوند متعال پس از بیان حروف مقطعه قرآن کریم به عظمت قرآن کریم اشاره نموده و می فرماید:

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ = قرآن کریم کتاب با عظمتی است که هیچگونه تردید در آن وجود ندارد و هیچ نقطه ابهامی در آن نیست، یعنی:  
چیزی که موجب شک و بدگمانی به آن شود در قرآن کریم وجود ندارد، یعنی:  
چیزهایی از قبیل:  
تناقض گویی،

ادعاهای بدون برهان و دلیل و... در قرآن کریم وجود ندارد که موجب شک و تردید و بدگمانی به آن شود.

خداوند متعال در آیه ۲۳ سوره بقره نیز در خصوص اینکه قرآن کریم از سوی خداوند سبحان به قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده و جای هیچگونه شک و تردیدی در آن نیست می فرماید:

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ ... یعنی:

اگر درباره قرآن کریم که ما بر بنده خویش «پیامبر اکرم» نازل کرده ایم شک و تردید دارید یک سوره مانند سوره های قرآن کریم را بیاورید.

بنابراین:

قرآن کریم کتاب با عظمتی است که از جانب خداوند متعال به وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده و هیچ نقطه ابهام و هیچ تردیدی در آن وجود ندارد.

۱. تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۱۱۹ تا ۱۲۱.

مجمع البیان، جلد اول، صفحه ۵۶ - ۵۷.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۹۱ تا ۹۳ - ۹۴ - ۹۵.

**توضیح:**

ذَلِكْ در لغت عرب اشاره به دور می‌باشد و به معنی آن است، یعنی معنی ذَلِكِ الْكِتَابِ می‌شود آن کتاب، در حالی که صحبت از قرآن کریم است که در دسترس مردم می‌باشد و باید گفته شود هَذَا الْكِتَابُ یعنی این کتاب. این موضوع به این جهت است که گاهی از اسم اشاره دور «آن» برای بیان عظمت یک چیز یا یک شخص استفاده می‌شود، یعنی آن قدر مقام آن چیز و آن شخص بالا و بالا می‌باشد که گویی در نقطه دور دستی در اوج آسمان‌ها قرار گرفته است. در بعضی از آیات دیگر قرآن کریم نیز در رابطه با قرآن کریم از اسم اشاره دور استفاده شده که مبین عظمت قرآن کریم می‌باشد.

مثلاً در آیه دوّم سوره لقمان آمده که:

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ.

قابل ذکر است که «ذَلِكْ» و «تِلْكَ» هر دو اسم اشاره دور هستند و هر دو در رابطه با قرآن کریم به کار رفته‌اند.

در ادامه آیه شریفه آمده است که:

هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ = قرآن کریم کتاب هدایت است لیکن برای متّقین «پرهیزکاران».

با اینکه قرآن کریم کتاب هدایت است برای همه مردم و در آیه ۱۸۵ سوره بقره عنوان شده که:

هُدًى لِّلنَّاسِ «قرآن کریم مایه هدایت همه مردم است»، لیکن در آیه دوّم سوره بقره آمده که:

قرآن کریم کتاب هدایت است اما برای متّقین.

عَلَّتْ این قضیه این است که:

تنها، متّقین «پرهیزکاران» از این کتاب هدایت یعنی قرآن کریم بهره برده و به نور آن هدایت می‌شوند.

شبهه این موضوع در آیات دیگر قرآن کریم نیز آمده، مثلاً:

خداوند متعال در آیه ۴۴ سوره مبارکه نازعات پیامبر اکرم را مورد خطاب قرار

داده و می‌فرماید:

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَّنْ يَخْشِيهَا، یعنی:

ای پیامبر، تو بیم‌دهنده کسانی هستی که می‌ترسند «از خداوند متعال و از عذاب الهی، یا از روز قیامت»، و این در حالی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بشیر و نذیر برای همه انسان‌ها بوده است «بشارت‌دهنده و ترساننده و بیم‌دهنده»، لیکن چون انذار و ترسانیدن و بیم دادن آن حضرت فقط برای کسانی موثر واقع می‌شود که از خداوند متعال و روز قیامت خوف دارند، لذا خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:

ای پیامبر، کار تو فقط بیم دادن کسانی است که می‌ترسند، و هدایت قرآن کریم هم همین‌گونه است یعنی:

قرآن کریم کتاب هدایت است برای همه انسان‌ها، و اساساً ارسال رُسُل و انزال کتب آسمانی برای هدایت کردن همه مردم می‌باشد لیکن فقط متّقین «پرهیزکاران» از هدایت قرآن کریم بهره‌مند می‌شوند، پس اگر عنوان شده که قرآن کریم کتاب هدایت است اما فقط برای متّقین، مقصود این است که فقط متّقین از نور قرآن کریم بهره‌مند شده و هدایت می‌شوند.

قابل ذکر است که:

تا مرحله‌ای از تقوا در وجود انسان نباشد «تسلیم بودن در مقابل حق و پذیرش آنچه که هماهنگ با عقل و فطرت است» محال است انسان از هدایت کتب آسمانی و دعوت انبیاء الهی بهره بگیرد.

هدایت انسان‌ها توسط خداوند متعال به دو طریق است:

۱. هدایت تکوینی، یعنی:

خداوند متعال آنچه را که انسان‌ها برای رسیدن به کمال نیاز دارند «مانند عقل، هوش، حواس و...» در وجود آن‌ها آفریده است.

۲. هدایت تشریحی، یعنی:

خداوند متعال پیامبرانی را همراه با کتب آسمانی فرستاده تا انسان‌ها را به راه کمال هدایت نمایند.



بنابراین:

افراد فاقد ایمان دو گروه می‌باشند:

الف) گروهی که در جستجوی حق بوده و هر جا که ندای حق را می‌شنوند به او پاسخ مثبت داده و آن را می‌پذیرند و با آن مخالفت نمی‌کنند، یعنی با فطرت پاک و سالم خویش مخالفت نمی‌کنند.

«ندای حق دقیقاً منطبق با ندای درون و فطرت پاک همه انسان‌ها است که خداوند متعال در سرشت و ذات آن‌ها قرار داده است».

ب) گروه دیگر افراد لجوج و متعصب و هواپرستی هستند که نه تنها در جستجوی حق نیستند بلکه هر جا ندای حق را می‌شنوند با آن مقابله کرده و برای از بین بردن آن تلاش می‌کنند «دنیاپرستی و هواپرستی باعث می‌شود تا افراد این گروه با حق مقابله نمایند، یعنی با فطرت پاک و سالم خویش مخالفت کنند».

لذا قرآن کریم تنها به حال گروه اول مفید بوده و هست و به همین جهت است که خداوند متعال می‌فرماید:

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ، یعنی:

قرآن کریم که هیچگونه تردید و ابهام در آن راه ندارد هادی و راهنمای متقین است و فقط متقین از نور قرآن بهره‌مند شده و هدایت می‌شوند.

در آیات بعد خداوند متعال به پنج ویژگی از ویژگی‌های متقین اشاره کرده و آن‌ها را بیان می‌فرماید.

قابل ذکر است که کتاب و متقین در این آیه شریفه «آیه دوّم سوره بقره» مصداق بارز و آشکاری دارند که مربوط به تأویل آیه شریفه و معنی باطنی آن می‌باشد که انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.

عرض شد که:

قرآن کریم کتاب هدایت است اما فقط برای متقین «یعنی فقط متقین از قرآن کریم بهره‌مند شده و از نور هدایت قرآن کریم بهره می‌برند».

در ادامه آیات شریفه به چند ویژگی از ویژگی‌های متقین اشاره شده و آمده است که:

اولین ویژگی متّقین این است که آنها: **الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ = آنها «متّقین» کسانی هستند که به غیب ایمان می آورند.**  
 غیب، نقطه مقابل شُهود «شهادت» می باشد.  
 عالم شُهود عالم محسوسات است، یعنی چیزهایی که می بینیم و درک می کنیم  
 جزء عالم محسوسات می باشند،  
 و هر چیزی را که نمی بینیم و با حواس پنجگانه خویش درک نمی کنیم جزء عالم  
 غیب به حساب می آید.  
 غیب در لغت به معنی چیزی است که پوشیده و پنهان است، لذا عالم غیب عالمی  
 است که از حواس ما «حواس پنجگانه ما» پوشیده و پنهان است.  
 بنابراین، غیب مفهوم وسیعی دارد و شامل همه چیزهایی می شود که از حواس ما  
 پنهان هستند و ما نمی توانیم آنها را با حواس خودمان درک کنیم و ببینیم بلکه باید  
 با قدرت عقل و ایمان به وجود آنها پی ببریم.  
 ایمان به غیب نخستین نقطه‌ای است که متّقین و مؤمنین را از غیرمؤمنین جدا  
 می کند «صاحب المیزان عنوان نموده که متّقین عبارتند از مؤمنین.<sup>۱</sup>»  
 مصادیق غیب می تواند موارد ذیل باشد

۱. خداوند متعال و آیات کبرای او «از قبیل وحی» که همه از حواس ما غایب

می باشند،

۲. قیامت و بهشت و جهنم،

۳. آنچه که از علم و اطلاع مردم عادی خارج است.

بنابراین، ایمان به غیب «ایمان به خداوند متعال و آیات الهی، ایمان به وحی، ایمان  
 به قیامت» اولین ویژگی مؤمنین و متّقین می باشد که آنها را از صفوف غیرمؤمنین  
 «اعم از کافرین و منافقین و... جدا می کند». ایمان به غیب مصداق بارز و آشکار  
 دیگری نیز دارد که انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.

قابل ذکر است که بیست آیه از آیات سوره بقره «آیه اول تا آیه بیستم» مربوط به  
 سه گروه مؤمنین «متّقین»، کافرین و منافقین «کافرینی که تظاهر به اسلام می نمایند»

می باشد و به تعدادی از ویژگی های آن ها اشاره می فرماید.

دوّمین ویژگی متّقین «مؤمنین» این است که:

يُتِمُّونَ الصَّلَاةَ = نماز را به پا می دارند «اقامه می کنند»، و اقامه هر چیزی یعنی مداومت داشتن به آن و تعطیل نکردن آن با تمام شرایط، لذا: متّقین، نماز را با همه شرایط و خصوصیات آن به جا می آورند و در این عمل مداومت دارند.<sup>۱</sup>

اقامه نماز با همه شرایط و خصوصیات یعنی اینکه انسان نمازگزار باید مقدمات نماز را که در رساله های عملیه آمده کاملاً مراعات نماید، یعنی:

رو به قبله نماز بخواند،

نمازها را در وقت خودشان بخواند،

با وضو باشد،

مکان نماز غصبی نباشد و ... .

برای اینکه وضو و غسل انسان درست باشد، برای اینکه مکان نماز غصبی نباشد،

برای اینکه لباس نمازگزار اشکالی نداشته باشد و ... باید:

اولاً، مال از طریق حلال کسب شود،

ثانیاً، حقوق شرعی این مال حلال پرداخته شود.

در این صورت، با این مال حلال طیب و طاهر، شخص وضو می گیرد، غسل

می کند، لباس می پوشد، منزل تهیّه می کند و اقامه نماز می کند، و این عمل یعنی به

پاداشتن نماز و مداومت داشتن به آن با همه شرایط و خصوصیات «که قسمتی از

آن ها را ملاحظه فرمودید»، حال:

چنانچه انسان از طریق غیر مشروع و غیر حلال اقدام به کسب مال نماید، و یا اینکه

پس از کسب حلال حقوق شرعی آن را پرداخت ننماید در آن صورت اموال انسان

مخلوط به حرام شده و با مال مخلوط به حرام نماز خواندن معلوم نیست فایده ای

۱. مجمع البیان، جلد اوّل، صفحه ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۶۳.

المیزان، جلد اوّل، صفحه ۸۲، ۸۷.

تفسیر نمونه، جلد اوّل، صفحه ۹۶ تا ۱۰۱.

داشته باشد، زیرا مکان نمازگزار، آب وضو و غسل نمازگزار، لباس نمازگزار باید مباح باشد، و به همین لحاظ همیشه زکات در کنار نماز مطرح شده است یعنی: نماز در صورتی از انسان پذیرفته می شود که مال و ثروت نمازگزار از راه حلال تهیه شده باشد، ضمن اینکه زکات آن نیز پرداخت شده باشد. قابل ذکر است که مقصود از زکات حقوق شرعی است و شامل خمس و زکات و زکات فطره می شود.

به عبارت دیگر نماز بدون پرداختن زکات «حقوق شرعی» یعنی انجام حرکاتی تحت عنوان نماز، لیکن نماز بدون روح و نماز غیرمقبول.

به چند حدیث شریف و نورانی در این رابطه اشاره می شود.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری در محلّ غدیر خم خطبه مفصّلی ایراد فرموده و پس از حمد و ثنای خداوند متعال و بیان گوشه‌ای از فضائل و مناقب مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام آن حضرت را به عنوان وصی و جانشین خویش و امام مسلمین منصوب و معرفی فرمودند.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قسمتی از فرمایشات خویش فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ...، یعنی:

ای گروه مردم:

نماز را به پا دارید «اقامه کنید»، و

زکات مال خویش را پرداخت نمائید «حقوق شرعی اعم از خمس و زکات»، علی علیه السلام در میان شما و صاحب اختیار شما است و احکام الهی را برای شما بیان خواهد کرد «بیان می نماید».

در آیات فراوانی از قبیل آیه ۵ و ۱۸ و ۷۱ سوره توبه، آیه ۳۱ و ۵۵ سوره مریم، آیه ۴۱ و ۷۸ سوره حج، آیه ۲ و ۳ سوره نمل آیه ۳ و ۴ سوره لقمان، آیه ۸۳ سوره بقره و... نماز و زکات در کنار یکدیگر آمده‌اند و این امر دلیل بر این است که:

نماز و زکات قرین یکدیگر می‌باشند.

خداوند متعال در آیه یازدهم سوره توبه می‌فرماید:

فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَأَخِوَانُكُمْ فِي الدِّينِ...، یعنی:

اگر مشرکین توبه کنند و نماز را به پا دارند و زکات مالشان را بپردازند برادر دینی شما هستید.

در این آیه شریفه صریحاً عنوان شده که:

کسی که نماز بخواند و زکات مالش را بدهد «حقوق شرعی اموال خویش را پرداخت نماید» برادر دینی شما است، نه کسی که فقط نماز بخواند یا فقط زکات دهد، و این موضوع کنایه از این است که:

نماز و زکات دو فریضه هستند که ملازم و همراه یکدیگر می‌باشند و نباید از یکدیگر جدا شوند، و ایمان با عمل به یکی از آنها و ترک دیگری هرگز محقق نخواهد شد.<sup>۱</sup> به چند حدیث در خصوص اهمیت نماز و زکات و ملازم و همراه بودن آن دو فریضه با یکدیگر اشاره می‌شود.

## الف) نماز

۱. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ، فَمَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ مَتَعَمِّدًا فَقَدْ هَدَمَ دِينَهُ... یعنی:

نماز ستون دین است، پس هر کس عمداً آن را ترک کند دین خود را خراب نموده است.<sup>۲</sup>

۲. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

وقتی بنده را روز قیامت برای رسیدگی به اعمالش می‌آورند اولین سؤال راجع به نماز است.

پس اگر شخصی نماز را با شرایط آن به جای آورده باشد که خوب است و گرنه به سوی جهنم رهسپار خواهد شد.<sup>۳</sup>

۱. شرح خطبه غدیریّه پیامبر اکرم - تألیف: آیت‌الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۴۴۷ تا ۴۴۹.

۲. شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم - تألیف آیت‌الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۴۴۹ - ۴۵۰.

۳. شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت‌الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۴۵۰.

۳. امام باقر علیه السلام فرمودند:

هر یک از شیعیان ما که به نماز می ایستند ملائکه الهی او را در میان گرفته و پشت سر او نماز می خوانند و برای او دعا می کنند.<sup>۱</sup>

### ب) زکات

۱. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

خداوند متعال زکات را مانند نماز بر شما واجب ساخت، پس زکات مال خود را بپردازید تا نماز شما قبول شود.

۲. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال زکات را قرین نماز قرار داده «ملازم و همراه نماز» و فرموده: کسی که نماز بخواند و زکات ندهد مثل این است که نماز نخوانده است.<sup>۲</sup>

۳. حضرت موسی بن عمران علی نبینا و آله و علیه السلام جوانی را دید که مشغول نماز بود و نیکو نماز می خواند.

موسی بن عمران با خود گفت: من نمازی نیکوتر از این ندیده‌ام.

از جانب خداوند متعال به حضرت موسی وحی شد که ای موسی:

چقدر نماز این جوان نیکو است، لیکن او در دادن زکات بخیل است، من نماز او را قبول نخواهم کرد تا وقتی که نماز را با زکات به نحو احسن انجام دهد.<sup>۳</sup>

۴. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام از وجود مبارک پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کنند که آن حضرت فرمودند:

ای مردم: زکات مالتان را بپردازید، کسی که زکات مالش را نپردازد نمازی برای او نیست «نمازش قبول نیست و مثل این است که اصلاً نماز نخوانده» و کسی که

۱. شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۵۱.

۲. شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۵۳، به نقل از: «فروع کافی، من لا یحضره الفقیه صدوق، وسائل الشیعه شیخ حرّعاملی، جامع احادیث شیعه آیت الله العظمی بروجردی».

۳. شرح خطبه پیامبر اکرم (ص) در غدیر خم، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۴۵۴، به نقل از: «من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق، جامع احادیث شیعه آیت الله العظمی بروجردی».

نماز ندارد دین ندارد.<sup>۱</sup>

۵. وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام فرمودند:

مَنْ صَلَّى وَ لَمْ يُزَكِّ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ، یعنی:

هر کس نماز بخواند و زکات ندهد نمازش قبول نخواهد شد.<sup>۲</sup>

۶. امام باقر علیه السّلام فرمودند:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم داخل مسجد بودند که فرمودند:

یا فلان، یا فلان، و تا پنج نفر را مورد خطاب قرار داده و به آنها فرمودند:

از مسجد بیرون بروید و در مسجد با ما نماز نخوانید زیرا شما زکات نمی دهید.<sup>۳</sup>

۷. امام صادق علیه السّلام فرمودند:

خداوند متعال چیزی را سخت تر از زکات بر امت من قرار نداد، و در زکات است

هلاکت عامّه مردم «نپرداختن زکات عامل بدبختی و هلاکت بیش تر مردم می باشد».<sup>۴</sup>

۸. امام صادق علیه السّلام فرمودند:

هر کس به اندازه یک قیراط «یک بیستم مثقال حدود ۰/۲ گرم» از زکات خود را

نپردازد نه مؤمن است و نه مسلمان.<sup>۵</sup>

۱. شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۴۵۴، به نقل از: «من لا

یحضره الفقیه شیخ صدوق، جامع احادیث شیعه آیت الله العظمی بروجردی».

۲. عیون اخبار الرضا علیه السّلام، باب ۲۶، باب اخبار نادر، صفحه ۵۳۲، حدیث ۱۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۱۷۱، حدیث ۱۶۹ «حدیث ۲۸۳».

۳. شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۴۵۴ و ۴۵۵، به نقل از:

«فروع کافی کلینی، من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق، تهذیب شیخ طوسی، وسائل الشیعه شیخ حرّ عاملی، جامع

احادیث شیعه آیت الله العظمی بروجردی».

۴. شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، به نقل از: «فروع کافی کلینی،

وسائل الشیعه شیخ حرّ عاملی، جامع احادیث شیعه آیت الله العظمی بروجردی».

۵. تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۵۴۲.

تفسیر قمی، جلد سوم، صفحه ۲۷۴.

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۴۸۹، حدیث ۱۰.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۱۹۱، حدیث ۱۱۵، «حدیث ۷۶۱۱».

۹. امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس به اندازه یک قیراط «یک بیستم مثقال حدود ۰/۲ گرم» از زکات خود را نپردازد نه مؤمن است و نه مسلمان، و در حدیث دیگری آمده که نماز چنین بنده‌ای پذیرفته نمی‌شود.

این حدیث را شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

دو حدیث اخیر «حدیث هشتم و نهم» ذیل آیه چهارم سوره مؤمنون درج شده است «تفاسیر صافی، قمی، برهان و نورالثقلین».

۱۰. وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس به اندازه یک قیراط از زکات خویش را نپردازد نه مؤمن است و نه مسلمان، و چنین شخصی مصداق این آیه شریفه است که:

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ، قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ، لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ... «آیات ۹۹ و ۱۰۰ سوره مؤمنون»، سپس امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش

فرمودند:

کسی که از دادن زکات خودداری کند هنگام مرگ از خداوند متعال درخواست می‌کند به دنیا بازگردد تا آنچه را که ترک کرده بود به جای بیاورد «هر عمل واجبی را که ترک کرده بود، مخصوصاً زکات».

شیخ صدوق این حدیث را در کتاب «الفقیه» نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۴۸۹، حدیث ۱۱.

۲. المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۱۱۲.

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۵۲۱ و ۵۲۲، حدیث ۱۱۴ «حدیث ۱، ۲ و ۳».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۱۹۱، حدیث ۱۱۴ «حدیث ۱۰۷۶۱».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۱۹۱، حدیث ۱۱۵ «حدیث ۱۰۷۶۱».

تفسیر قمی، جلد سوم، صفحه ۲۹۲ - ۲۹۳.

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۳۳۶.



**توضیح:**

الف) حدیث اخیر «حدیث ۱۰» ذیل آیه ۹۹ و ۱۰۰ سوره مؤمنون درج شده است (تفاسیر المیزان، برهان، نورالثقلین، قمی و نمونه).

ب) مقصود از زکات در این احادیث شریف که ملاحظه فرمودید زکات به معنی خاص کلمه نیست که در رساله‌های عملیه آمده و به نه چیز تعلق می‌گیرد «طلا، نقره، گاو، گوسفند، شتر، گندم، جو، خرما و کشمش»، بلکه زکات به معنی عام آن می‌باشد، یعنی تزکیه اموال که شامل موارد ذیل می‌شود.

۱. خمس؛

۲. زکات «که به ۹ چیز تعلق می‌گیرد»؛

۳. زکات فطره؛

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر خویش «تفسیر قمی» ذیل این آیات شریفه «آیه ۹۹ و ۱۰۰ سوره مؤمنون» عنوان نموده که:

این آیات شریفه در رابطه با مانعین خمس و زکات نازل شده است «درباره کسانی که خمس و زکات خویش را پرداخت نمی‌کنند».

همچنین، این دو تفسیر شریف «قمی و برهان» حدیثی از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل نموده‌اند که:

هر کس خمس و زکات اموالش را پرداخت نکند روز قیامت او را در بیابانی لم یزرع محبوس نموده و درندگان را بر او مسلط می‌کنند و...<sup>۱</sup>

پس از ارائه توضیحات مختصری راجع به اهمیت نماز و زکات و قرین و ملازم بودن این دو فریضه با یکدیگر مجدداً به اصل بحث بازمی‌گردیم.

ملاحظه فرمودید که در آیه دوم سوره بقره آمده بود که:

خداوند متعال می‌فرماید:

قرآن کریم کتاب با عظمتی است که هیچ شک و تردید و ابهام در آن راه ندارد و عامل هدایت است، اما برای متقین «آیه ۲».

۱. تفسیر قمی، جلد سوم، صفحه ۲۹۲ - ۲۹۳.

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۵۲۲ و ۵۲۳، حدیث ۴ و ۵ «ذیل آیه ۹۹ و ۱۰۰ سوره مؤمنون».

آیات سوّم و چهارم سوره بقره ویژگی‌های متّقین را بیان می‌فرمایند. اولین ویژگی از ویژگی‌های متّقین که در این آیات شریفه آمده ایمان به غیب است. دوّمین ویژگی از ویژگی‌های متّقین اقامه نماز «به پا داشتن نماز» می‌باشد «راجع به این دو ویژگی توضیحات لازم ارائه شد». سوّمین ویژگی از ویژگی‌های متّقین که در آیات سوّم و چهارم سوره بقره آمده انفاق می‌باشد.

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه سوّم سوره بقره» می‌فرماید: وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ = از آنچه که به آن‌ها دادیم انفاق می‌کنند. ملاحظه می‌فرمائید که در این آیه شریفه خداوند متعال فرموده که متّقین از اموال خویش انفاق می‌کنند، لذا انفاق در این آیه شریفه معنی عام و وسیعی دارد و شامل همه نعمت‌هایی می‌شود که خداوند متعال به انسان اعطا فرموده است، یعنی: متّقین نه تنها از اموال خویش بلکه از علم و عقل و قدرت و موقعیت اجتماعی خویش در راه خدا انفاق می‌کنند. بنابراین:

سوّمین ویژگی از ویژگی‌های متّقین انفاق در راه خداوند متعال می‌باشد و این انفاق شامل همه نعماتی می‌شود که خداوند متعال به انسان اعطا فرموده که از جمله آن‌ها انفاق مالی است که ممکن است انفاق واجب باشد «مانند خمس و زکات» و یا انفاق مستحب.

قابل ذکر است که انفاق مورد بحث در این آیه شریفه مصداق بارز و آشکار دیگری نیز دارد که انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد. پرواضح است که انفاق مالی باید از مال حلال باشد و باید انفاق از مالی صورت بگیرد که از طریق حلال و مشروع کسب شده باشد، زیرا مال حلال است که به عنوان روزی و رزق از جانب خداوند متعال تلقی شده «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ = از آنچه که روزی و رزق آن‌ها نموده‌ایم» و ارزش دارد.

در آیه بعد به چهارمین ویژگی از ویژگی‌های متّقین اشاره شده و آمده است که: وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ = متّقین کسانی هستند که آنچه

بر تو نازل شده «یعنی به پیامبر اکرم» و آنچه که به انبیاء قبل از تو نازل شده ایمان دارند، یعنی:

ای پیامبر:

متّقیین کسانی هستند که به تو و آنچه که به تو نازل شده «یعنی قرآن کریم» و به شریعت تو یعنی دین اسلام ایمان می آورند و تو را به عنوان خاتم پیامبران و اشرف آنها می شناسند، ضمن اینکه به پیامبران قبل از تو و کُتب آسمانی آنها نیز ایمان می آورند، یعنی ایمان به تمام انبیاء الهی و برنامه های آنان که یکی بعد از دیگری از جانب خداوند متعال برای هدایت بشر آمدند.

پنجمین و آخرین ویژگی از ویژگی های متّقیین که در این آیات شریفه به آنها اشاره شده یقین به آخرت است که در ادامه آیه شریفه ملاحظه خواهید فرمود.

در ادامه آیه شریفه «آیه چهارم» آمده است که:

و بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ = متّقیین کسانی هستند که به آخرت یقین دارند.

پنجمین ویژگی از ویژگی های متّقیین که در این آیات شریفه آمده ایمان قاطع و محکم به قیامت و جهان آخرت می باشد، یعنی:

متّقیین اعتقاد راسخ به این قضیه دارند که خالق متعال انسان را عبث و بیهوده نیافریده و مرگ پایان حیات نیست بلکه پس از مرگ جهان دیگری است که انسانها زنده می شوند و به حساب آنها رسیدگی می شود.

خلاصه کلام اینکه:

متّقیین اعتقاد راسخ دارند که انسانها پس از مرگ زنده می شوند و به حساب آنها رسیدگی می شود و طی آن نیکان به بهشت و بدکاران به جهنم وارد می شوند.

نتیجه عملی اعتقاد به قیامت و جهان آخرت این است که:

انسان از پیامبر اکرم صلی الله و آله و سلم و اوصیاء آن حضرت یعنی ائمه معصومین علیهم السلام اطاعت و پیروی می نماید آن هم اطاعت محض و بی قید و شرط، چرا که آن ذوات مقدّسه حجّت خداوند متعال بر مخلوقات هستند و اطاعت از آن بزرگواران لازم و واجب، و نتیجه این اطاعت انجام واجبات است و اجتناب از محرّمات، و نتیجه

آن‌ها سعادت دنیا و آخرت انسان می‌باشد.  
 آخرین آیه مورد بحث «آیه پنجم سوره بقره» اشاره‌ای است به نتیجه و پایان کار متّقیین «مؤمنین» که با داشتن این پنج صفت و پنج ویژگی به جایی می‌رسند که خداوند متعال درباره آن‌ها می‌فرماید:

أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ = این‌ها بر مسیر هدایت پروردگارشان هستند، و  
 أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ = و این‌ها رستگارانند.

در حقیقت خداوند متعال هدایت متّقیین و رستگاری آن‌ها را در این آیه شریفه تضمین فرموده است.

تعبیر به هُمُ الْمُفْلِحُونَ دلیل بر انحصار است، یعنی:

تنها راه رستگاری و سعادت راه همین متّقیین می‌باشد که با کسب پنج صفت و پنج ویژگی مشمول هدایت خداوند متعال شده و خداوند متعال رستگاری و سعادت آن‌ها را تضمین فرموده است.

### توضیح:

آیات سوّم و چهارم سوره بقره صفات و ویژگی‌های متّقیین را بیان می‌فرمایند، و افعالی که در این دو آیه آمده فعل مضارع می‌باشد و استمرار را می‌رساند «يُؤْمِنُونَ، يُقِيمُونَ، يُنْفِقُونَ، يُوقِنُونَ»، یعنی:

متّقیین «مؤمنین واقعی و راستین» در عقاید و اعمال خویش ثابت‌قدم و پایرجا هستند و فراز و نشیب زندگی و شدائد و مشکلات هیچ‌گاه در ایمان و عمل آن‌ها خللی ایجاد نمی‌کند.

بنابراین معنی آیات شریفه «آیه اوّل تا پنجم» این می‌شود که:

الم «آیه ۱».

قرآن کریم کتاب با عظمتی است که هیچ‌گونه شکّ و تردید و ابهامی در آن راه ندارد، و این کتاب با عظمت «قرآن کریم» کتاب هدایت است اما برای متّقیین «قرآن کریم هادی و راهنمای متّقیین می‌باشد» «آیه ۲».

متّقیین کسانی هستند که همیشه و در هر حال:

الف) ایمان به غیب دارند.

ب) نماز را به پا می‌دارند «اقامه نماز می‌کنند».

ج) از آنچه که خداوند متعال به آن‌ها اعطا فرموده در راه خدا انفاق می‌کنند «آیه ۳».

د) به آنچه که از جانب خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و به انبیاء قبل از آن حضرت نازل شده ایمان دارند.

ه) به جهان آخرت و به روز قیامت یقین دارند «آیه ۴».

این‌ها بر مسیر هدایت پروردگارشان هستند و فقط این‌ها رستگارانند. «آیه ۵»<sup>۱</sup>.

### ملاحظه:

الف) مقصود از کتاب در آیه دوّم سوره بقره قرآن کریم است که کتاب هدایت است برای متّقین.

ب) در آیه سوّم سوره بقره آمده که متّقین کسانی هستند که به غیب ایمان دارند و از آنچه که خداوند متعال به آن‌ها اعطا فرموده انفاق می‌کنند «و ویژگی‌های دیگری که چون مورد بحث در حدیث نمی‌باشند از ذکر آن‌ها خود داری می‌شود».

اینکه مقصود از کتاب چیست «غیر از قرآن کریم»، و مقصود از متّقین چه کسانی می‌باشند، و مقصود از «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» چه می‌باشد و تأویل آن‌ها «معنی باطنی آیات شریفه در رابطه با موارد فوق الذّکر» چیست انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.

### حدیث:

۱. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

منظور از کتاب در این آیه شریفه «آیه دوّم سوره بقره» وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد، و منظور از متّقین در این آیه شریفه «آیه دوّم سوره بقره» شیعیان ما هستند.

۱. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۶۴-۶۵.

المیزان، جلد اول، صفحه ۸۷-۸۸.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰ و ۱۱۱.

این حدیث را ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>  
ذیل آیات ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ سوره حجر، ذیل آیه ۸۵ سوره مریم، و ذیل آیات ۵۴ و ۵۵ سوره قمر احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که مقصود از متّین شیعیان اثنی عشری «دوازده امامی» می باشند و لا غیر.

### توضیح:

الف) عالم بزرگوار ملامحسن فیض کاشانی در تفسیر خویش «تفسیر صافی» ذیل این آیه شریفه «آیه دوّم سوره بقره» این حدیث نورانی را نقل نموده و ذیل این حدیث شریف عنوان نموده است که:

مقصود از کتاب در این آیه شریفه «آیه دوّم سوره بقره» قرآن کریم می باشد و این قضیه تفسیر آیه شریفه است، لیکن: اینکه در حدیث شریف آمده که مقصود از کتاب در آیه دوّم سوره بقره وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد تأویل آیه شریفه است، لذا:

معنی آیه شریفه «تأویل آیه شریفه» این می شود که:

این کتاب یعنی علی بن ابیطالب علیه السلام که هیچ شکّ و تردیدی در او نیست باعث هدایت متّین است «یعنی شیعیان».

علی علیه السلام جای شکّ و تردید ندارد زیرا منصوب از ناحیه خداوند متعال است و کمالات و فضائل و مناقب بی شمار آن حضرت را خداوند متعال و پیامبر اکرم بارها و بارها تصریح فرموده اند.

ب) در آیات دیگری از قرآن کریم نیز لفظ واحدی هم به قرآن کریم اطلاق شده و هم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام، مثلاً: خداوند متعال در آیه ۱۷۴ سوره نساء می فرماید:

۱. تفسیر قمی، جلد اول، صفحه ۱۰۹.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۱۲۲.

تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۱۸۷، حدیث ۱ و ۲ و ۳.

تفسیر نورالقلین، جلد اول، صفحه ۸۵، حدیث ۱۰ «حدیث ۱۲۴».

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا، یعنی:

ای مردم، دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمد «یعنی وجود مقدّس پیامبر اکرم»، همچنین نور آشکاری به سوی شما نازل کردیم «یعنی قرآن کریم». مقصود از نور در این آیه شریفه «تفسیر آیه شریفه» قرآن کریم است، و طبق تأویل آیه شریفه مقصود از نور وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام می باشند.

احادیث فراوانی در این رابطه در تفاسیر صافی، برهان، نورالثقلین و... ذیل این آیه شریفه «آیه ۱۷۴ سوره نساء» نقل شده است، لذا:

مقصود از نور در این آیه شریفه:

هم قرآن کریم است،

هم ائمه معصومین علیهم السلام.

در آیات دیگری نیز این معنی آمده مثلاً:

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ - آیه ۱۵، سوره مائده، یعنی:

از طرف خداوند متعال نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد.

فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ، آیه

۱۷۵، سوره اعراف، یعنی:

کسانی که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آوردند و او را بزرگ داشتند و او را یاری کردند و از نوری که همراه او نازل گردیده تبعیت و پیروی نمودند اهل نجات و رستگاری هستند.

فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا، آیه ۸، سوره تغابن، یعنی:

به خداوند متعال و پیامبرش و نوری که نازل کردیم ایمان بیاورید.

در هر سه آیه شریفه‌ای که ملاحظه فرمودید مقصود از نور:

هم قرآن کریم است «طبق تفسیر آیات شریفه»، و هم ائمه معصومین علیهم السلام «طبق تأویل آیات شریفه که در تفاسیر صافی، برهان، نورالثقلین، المیزان و... دهها حدیث در این خصوص نقل شده است».

ج) خداوند متعال در آیه دهم سوره طلاق می فرماید:

قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا، یعنی:

خداوند متعال ذکر «چیزی که مایه تذکر است» را به شما نازل کرده است.

کلمه ذِکْرُ در این آیه شریفه:

هم قرآن کریم است، و هم وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.

بنابراین:

معنی آیه دوّم سوره بقره «تأویل آیه شریفه و معنی باطنی آن» این می شود که:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که هیچ شک و تردیدی درباره آن حضرت راه ندارد «زیرا حجت خداوند متعال و امام معصوم و منصوب از ناحیه خداوند متعال می باشد» عامل هدایت متّقین است یعنی شیعیان، یعنی: امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام وصی و جانشین بلافضل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و وسیله هدایت برای همه مردم است لیکن فقط شیعیان آن بزرگوار از نور هدایت آن حضرت بهره مند شده و به راه راست هدایت می شوند.

ملاحظه فرمودید که در حدیث شریف که از ناحیه امام صادق علیه السلام صادر شده آمده که:

مقصود از متّقین در این آیه شریفه شیعیان ما هستند، یعنی: فقط شیعیان اثنی

عشری از نور هدایت ائمه معصومین علیهم السلام بهره مند و رستگار می شوند.

ذیل آیه هفتم سوره رعد «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» احادیثی از ائمه معصومین

علیهم السلام نقل شده که:

بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام

و پس از آن حضرت دیگر ائمه معصومین علیهم السلام هادی و هدایت کننده همه

مردم به سوی خداوند متعال هستند و وسیله هدایت و نجات انسان ها می باشند.

۲. امام صادق علیه السلام فرمودند:

مقصود از متّقین در این آیه شریفه «آیه دوّم سوره بقره» شیعیان امیرالمؤمنین علی

بن ابیطالب علیه السلام می باشند، و مقصود از غَیْبُ در آیه سوّم سوره بقره امام غائب



«امام زمان علیه السلام» می باشد.

این حدیث را یحیی بن قاسم از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۳. امام صادق علیه السلام درباره این قسمت از آیه سوّم سوره بقره «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» فرمودند:

مَنْ آمَنَ «مَنْ أقرَّ» بِقِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ حَقٌّ، يَعْنِي:

متّقین کسانی هستند که به قیام امام زمان علیه السلام ایمان دارند «اقرار می کنند» و آن را حق می دانند «ایمان دارند که قیام امام زمان علیه السلام حق است».

این حدیث را داود بن کثیر رقی از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۴. امام صادق علیه السلام درباره قسمت آخر آیه سوّم سوره بقره «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» فرمودند:

آنچه را که ما به آنان آموخته ایم به دیگران تعلیم می دهند و آنها را منتشر می نمایند «ترویج معارف اهل بیت علیهم السلام و نقل احادیث و فرمایشات آن ذوات مقدّسه به دیگران».

این حدیث را محمّد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۳</sup>

۵. امام صادق علیه السلام درباره قسمت آخر آیه سوّم سوره بقره «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» فرمودند:

آنچه را که ما به آنان آموخته ایم به دیگران می آموزند.

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۱۸۹، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۵، حدیث ۱۲ «حدیث ۱۲۶».

۲. المیزان، جلد اول، صفحه ۸۸ - ۸۹.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۱۸۸، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۵، حدیث ۱۱ «حدیث ۱۲۵».

۳. مجمع البیان، جلد اول، صفحه ۶۴.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۱۲۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۵، حدیث ۱۳ «حدیث ۱۲۷».

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۱۰۶ و ۱۰۷.

این حدیث را ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

با توجه به احادیث شریفی که ملاحظه فرمودید معنی آیات اول تا پنجم سوره بقره «تأویل و معنی باطنی آیات شریفه» این می شود که:

### الم «الف - لام - میم» «آیه ۱»

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام «همچنین سایر ائمه علیهم السلام» که هیچ شک و تردیدی در او نیست هادی و راهنمای متقین است یعنی شیعیان، یعنی:

آن حضرت هادی و راهنمای همه انسانها است «پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم»، لیکن:

فقط شیعیان از نور هدایت آن بزرگوار و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام بهره مند شده و هدایت می شوند «آیه ۲».

متقین «یعنی شیعیان اثنی عشری» کسانی هستند که همیشه و در هر حال:

ایمان به غیب دارند، یعنی به دوازدهمین امام و چهاردهمین معصوم یعنی وجود مقدس امام زمان علیه السلام و غیبت آن حضرت ایمان دارند،

اقامه نماز می کنند «نماز را به پا می دارند»، و آنچه را که از ائمه معصومین علیهم السلام آموخته اند به دیگران می آموزند، یعنی احادیث و روایات آن بزرگواران را به دوستان و نزدیکان خویش نقل نموده و معارف اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را ترویج می کنند «آیه ۳».

به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و آنچه که به آن حضرت نازل شده، همچنین به تمام پیامبران قبل از آن حضرت و برنامه های الهی آنان ایمان دارند، همچنین:

۱. المیزان، جلد اول، صفحه ۸۹.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۱۸۸، حدیث ۲ و ۳.

تفسیر نورالقلین، جلد اول، صفحه ۷۵، حدیث ۵ «حدیث ۱۱۹».

به جهان آخرت و قیامت یقین کامل دارند «آیه ۴».

أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ = یعنی شیعیان دوازده امامی بر مسیر هدایت پروردگارشان

هستند، و

أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ، یعنی:

فقط شیعیان اثنی عشری رستگارانند «آیه ۵».

به عبارت دیگر:

تنها راه سعادت و رستگاری و نجات، راه شیعیان دوازده امامی است که با کسب

این پنج صفت و پنج ویژگی «و سایر صفات و ویژگی‌های پسندیده و نیکو که

در آیات دیگر قرآن کریم به آن‌ها اشاره شده» مشمول هدایت الهی شده و فائز و

رستگار هستند.

### آیه ۳۴ سوره بقره:

«وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ، أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ.»

#### ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

هنگامی که به ملائکه گفتیم که به آدم سجده کنید همگی سجده کردند جز ابلیس که امتناع کرد و تکبر ورزید و از کافران شد.<sup>۱</sup>

#### شرح لغات و توضیحات:

سَجَدَ = کلمه سجده در اصل به معنای خضوع و اظهار ذلت است سپس آن را در عبادت و خضوع برای خداوند متعال به کار برده‌اند، و در اصطلاح اسلام قرار دادن پیشانی است بر روی زمین، و یکی از اجزاء نماز می باشد.

إِبْلِيسَ = اسم خاص است و اشاره به همان شیطانی است که حضرت آدم علیه السلام را فریب داد و اکنون هم با لشکریان خویش و با ذریه و نسل خویش در کمین آدمیان است، لیکن: شیطان به هر موجود سرکش و متمرّد و منحرفی اطلاق می شود که همواره سعی دارد تا مردم را از راه راست منحرف کند و بین مردم اختلاف و دو دستگی ایجاد نماید، بنابراین:

شیطان اسم عام است و به هر موجود خبیث و متمرّد و منحرف کننده گفته می شود، اعم از انسان یا جن.

أَبَى = امتناع کرد، به شدت امتناع کرد؛

إِبَاءً = امتناع کردن شدید؛

اسْتَكْبَرَ = خود را بزرگ دانست، استکبار ورزید؛

اسْتِكْبَارًا = خود بزرگ بینی، خود را بزرگ پنداشتن، اظهار بزرگی کردن در حالی که لایق و سزاوار آن نباشد «استکبار و تکبر یک معنی دارند و استکبار همان تکبر

۱. مجمع البیان، جلد اول، صفحه ۱۲۵.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۲۲.

نمودن است».

رَبَّ = ۱- مالک، صاحب؛ ۲- کسی که فرمان او مطاع باشد؛ ۳- اختیاردار، خداوند متعال صاحب و مالک همه هستی می‌باشند و این مالکیت، مالکیت حقیقی است نه اعتباری، لذا وجود و بقاء همه هستی از ناحیه خداوند متعال است که عالم را خلق فرموده و تدبیر امور می‌فرماید، پس:

رَبَّ یعنی خالق و مالک و مدبّر همه هستی، و کلمه رَبَّ به طور مطلق فقط به خداوند متعال گفته می‌شود.

خَرُّوا = به زمین افتادند، به خاک افتادند.<sup>۱</sup>

این آیه شریفه «آیه ۳۴ سوره بقره» مانند چند آیه قبل در رابطه با حضرت آدم و عظمت او می‌باشد. این آیه شریفه به فصل دیگری از عظمت حضرت آدم پرداخته و مقام و عظمتی را که خداوند متعال به او اعطا فرموده بیان می‌کند.

در این آیه شریفه خداوند متعال می‌فرماید:

وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ = هنگامی که به ملائکه «فرشتگان» امر کردیم که: برای حضرت آدم سجده کنید.

فَسَجَدُوا = همه ملائکه «همه فرشتگان» سجده کردند.

إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَ اسْتَكْبَرَ = جز ابلیس که امتناع و سرپیچی کرد و استکبار ورزید «تکبر کرد».

وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ = از کافران شد، یعنی:

ابلیس به خاطر سرپیچی از فرمان خداوند متعال و سجده نکردن بر حضرت آدم از کافران شد.

بنابراین معنی آیه شریفه این می‌شود که:

خداوند متعال پس از اینکه حضرت آدم را خلق کرد به همه ملائکه امر فرمود تا

۱. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۴۱، ۱۲۵، ۱۲۶ و ۱۲۷.

المیزان، جلد اول، صفحه ۳۸ - ۳۹.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۵۴، ۲۲۷، ۲۳۴ و ۲۳۵.

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۱۰۴ «ذیل آیه ۱۰۰ سوره یوسف».

مفردات راغب.

به حضرت آدم سجده کنند که همه ملائکه فرمان خداوند متعال را اجرا کرده و به حضرت آدم سجده نمودند غیر از ابلیس که از فرمان خداوند متعال امتناع و سرپیچی کرد و تکبر ورزید و از سجده کردن به حضرت آدم خودداری نمود، و به خاطر همین سرپیچی و نافرمانی از دستور خداوند متعال بود که از کافران شد.<sup>۱</sup>

قابل ذکر است که:

موضوع خلقت حضرت آدم علیه السلام و دستور خداوند متعال به ملائکه «فرشتگان» مبنی بر سجده کردن به حضرت آدم و سرپیچی و امتناع ابلیس از فرمان خداوند متعال و سجده نکردن او «ابلیس» به حضرت آدم در چند آیه قرآن کریم آمده که ذیلاً ملاحظه می فرمائید.

آیات ۲۸ تا ۳۲ سوره حجر، آیات ۷۱ تا ۷۶ سوره ص، آیه ۱۱ سوره اعراف، آیه ۶۱ سوره اسراء، آیه ۵۰ سوره کهف، آیه ۱۱۶ سوره طه، آیات ۱۱ و ۱۲ سوره اعراف.

### توضیحاتی پیرامون این آیه شریفه «آیه ۳۴ سوره بقره»:

۱. ابلیس از طایفه جن می باشد.  
 در آیه ۵۰ سوره کهف آمده که:  
 «وَ اِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْا اِلَّا اِبْلِیْسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ اَمْرِ رَبِّهِ...»  
 یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

وقتی به ملائکه فرمان دادیم که به حضرت آدم سجده کنند همه ملائکه به آدم سجده کردند غیر از ابلیس که او «ابلیس» از طایفه جن بود و از فرمان پروردگارش سرپیچی کرد.

بنابراین، ابلیس از طایفه جن بود که در بین ملائکه حضور داشت و از فرمان خداوند متعال در خصوص سجده به حضرت آدم سرپیچی کرد و به همین جهت

۱. مجمع البیان، جلد اول، صفحه ۱۲۶.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۲۳.

از کافران شد و مورد لعنت خداوند متعال قرار گرفت.

۲. در بین اجنّه هم مؤمن وجود دارد و هم غیرمؤمن، در حالی که ملائکه الهی و فرشتگان همگی مطیع اوامر خداوند متعال بوده و از اوامر خداوند متعال سرپیچی نمی‌کنند.

در آیه ششم سوره تحریم آمده که:

لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ، یعنی:

آنچه را که خداوند متعال به ملائکه فرمان دهد اجرا می‌کنند و انجام می‌دهند و هرگز از دستورات خداوند متعال سرپیچی نمی‌کنند.

۳. علّت سجده نکردن ابلیس به حضرت آدم کبر و غرور ابلیس بود و او چنین می‌پنداشت که از آدم برتر است.

در آیه ۱۲ سوره اعراف و آیه ۷۶ سوره ص صریحاً به این مطلب اشاره شده و آمده که:

وقتی خداوند متعال به ابلیس فرمود:

ای ابلیس، چه عاملی باعث شد تا از فرمان ما سرپیچی کردی و از سجده به آدم خودداری نمودی.

ابلیس در جواب گفت:

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ، خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ «آیه ۱۲ سوره اعراف و آیه ۷۶ سوره

ص» یعنی:

خداوندا، من «یعنی ابلیس» از آدم بهتر هستم زیرا مرا از آتش خَلَق کردی و آدم را از خاک «گِل».

۴. دستور خداوند متعال در رابطه با سجده ملائکه به حضرت آدم شامل همه ملائکه بوده و همه ملائکه طبق فرمان خداوند متعال حضرت آدم سجده کردند.

در آیات مختلفی از جمله در آیات ۲۸ تا ۳۱ سوره حجر آمده که: وقتی خداوند متعال حضرت آدم را خلق فرمود و به ملائکه دستور داد تا به حضرت آدم سجده

کنند همه ملائکه به حضرت آدم سجده کردند غیر از ابلیس که از سجده به حضرت آدم امتناع نمود.

**در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره حجر آمده که:**

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ، «آیه ۳۰».

إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ، «آیه ۳۱» یعنی:

همه ملائکه بی استثنا به حضرت آدم سجده کردند «آیه ۳۰».

جز ابلیس که ابا کرد و امتناع نمود از اینکه حضرت آدم را سجده کند «امتناع کرد از اینکه با سجده کنندگان باشد».

اینکه حضرت آدم چه مقام و چه فضیلتی داشت که خداوند متعال به همه ملائکه دستور داد تا به او «آدم» سجده کنند انشاءالله تعالی در بخش حدیث خواهد آمد و بیان خواهد شد که علت و دلیل عظمت حضرت آدم چه بود که همه ملائکه مأمور شدند تا به او سجده کنند.<sup>۱</sup>

**توضیحی پیرامون سجده ملائکه به حضرت آدم:**

شک نیست که سجده به منظور پرستش فقط برای خداوند متعال است و بس، زیرا در جهان هیچ معبودی غیر از خداوند متعال نیست و معنی توحید عبادت این است که غیر از خداوند متعال هیچ کس را پرستش نکنیم، بنابراین:

سجده ملائکه به حضرت آدم سجده پرستش نبود بلکه سجده خضوع و احترام بود.

به عبارت دیگر:

سجده ملائکه سجده به خداوند متعال بود به عنوان سجده پرستش، و سجده به

حضرت آدم بود به عنوان احترام و خضوع «نه پرستش».

از این آیه شریفه «آیه ۳۴ سوره بقره» به طور سر بسته و اجمال استفاده می شود

که: سجده به غیر از خدا جایز است «سجده به شخصی غیر از خدا» مشروط بر

۱. مجمع البیان، جلد اول، صفحه ۱۲۶ - ۱۲۷.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۲۷.



اینکه منظور از سجده به آن شخص احترام و تکریم آن شخص باشد و در عین حال خضوع و عبادت و اطاعت امر خداوند متعال نیز باشد، یعنی:  
 اگر انسان یا ملائکه به شخصی سجده می‌کنند «مثلاً به حضرت آدم»، این سجده، سجده عبادت و پرستش خداوند متعال است و در عین حال سجده خضوع و احترام است به فرد سجده‌شونده، بنابراین:  
 عبادت و پرستش و سجده عبادت و پرستش فقط برای خداوند متعال است و بس.

در سوره حمد به خداوند متعال عرض می‌کنیم که خداوندا:

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، یعنی:

خداوندا، فقط تو را می‌پرستیم و فقط تو را عبادت می‌کنیم و فقط از تو یاری می‌جوئیم.

عرض شد که عبادت و پرستش فقط و فقط برای خداوند متعال است و بس، و خداوند متعال یگانه معبود جهان است و هیچ کس جز خداوند متعال لایق عبادت و پرستش نمی‌باشد.  
 قابل ذکر است که:

سجده، عبادت و پرستش ذاتی نیست یعنی: صرف سجده عبادت تلقی نمی‌شود مگر اینکه شخص سجده‌کننده برای مسجود خویش ربوبیت قائل شود که در این صورت عبادت و پرستش به حساب می‌آید، لذا:

اگر انسان به شخصی سجده کند و مقصودش از این سجده اثبات ربوبیت برای سجده‌شونده باشد «یعنی سجده‌شونده را خالق و مالک خودش بداند» در این صورت دچار شرک شده است و چنین سجده‌ای شرعاً جایز نیست و عمل حرام به حساب می‌آید و از اعظم کبائر است، لیکن:

اگر انسان به شخصی سجده کند و منظورش از این سجده صرفاً ادای احترام و خضوع باشد «بدون اینکه برای سجده‌شونده ربوبیت قائل شود» در این صورت نه دلیل شرعی بر حرام بودن چنین سجده‌ای هست و نه دلیل عقلی.

چیزی که هست این است که ذوق دینی اقتضا می‌کند که به طور کلی سجده

کردن «به خاک افتادن و پیشانی بر روی خاک گذاشتن» فقط به خداوند متعال اختصاص پیدا کند و سجده به غیر خدا صورت نگیرد و درست هم همین است، گر چه همان طور که عرض شد اگر سجده به شخصی غیر از خدا صورت بگیرد و صرفاً برای ادای احترام و خضوع باشد و سجده کننده برای سجده شونده ربوبیت قائل نشود یعنی او را خالق و مالک و مدبر هستی و جهان خلقت نداند این سجده از نظر شرعی و عقلی اشکالی ندارد.<sup>۱</sup>

در آیه ۱۰۰ سوره یوسف آمده که:

وقتی پدر و مادر حضرت یوسف و برادرانش به او «یوسف» وارد شدند، حضرت یوسف:

وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَ خَرُّوا لَهُ سُجَّدًا، وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُءْيَايَ مِنْ قَبْلُ... یعنی:  
حضرت یوسف پدر و مادرش را بر تخت نشانند و همگی «پدر و مادر و برادران حضرت یوسف» در برابر یوسف به سجده افتادند و یوسف به پدرش حضرت یعقوب گفت:

پدر جان، این همان تأویل خوابی است که در کودکی دیده بودم.  
موضوع خواب دیدن حضرت یوسف را آیه چهارم سوره یوسف اینگونه بیان می فرماید:

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ، يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ،  
یعنی:

حضرت یوسف به پدرش حضرت یعقوب گفت:

من در خواب دیدم که یازده ستاره و خورشید و ماه در برابر من سجده می کنند  
«این خواب را حضرت یوسف در کودکی دید».

گفته شده زمانی که حضرت یوسف این خواب را دید هفت یا نه یا دوازده سال سن داشته است. به هر حال قدر مسلم این است که حضرت یوسف خردسال بود و این خواب بعد از ده ها سال تعبیر شد و محقق گردید و آن نیز سجده پدر و مادر و برادرانش در مقابل او «یوسف» بود.

در بعضی از نقل‌ها آمده که این خواب بعد از چهل سال محقق شد. ملاحظه می‌فرمائید که هم در آیه چهار و هم در آیه صد سوره یوسف کلمه سجده آمده است مخصوصاً اینکه در آیه صد کلمه خَرُّوا نیز آمده که مفهومی بر زمین افتادن می‌باشد.

خلاصه کلام این می‌شود که:

الف) همه ملائکه بی‌استثنا به حضرت آدم سجده کردند «آیه ۳۴ سوره بقره».

ب) حضرت یوسف در خواب دید که ماه و خورشید و یازده ستاره برابر او سجده می‌کنند «آیه ۴ سوره یوسف».

ج) پدر و مادر و برادران حضرت یوسف در مقابل یوسف خودشان را به زمین انداختند «به خاک انداختند» و در برابر او به سجده افتادند «آیه ۱۰۰ سوره یوسف». همانطور که قبلاً نیز بیان شد سجده عبادت و سجده پرستش فقط و فقط برای خداوند متعال است و لاغیر، لذا سجده ملائکه به حضرت آدم و سجده پدر و مادر و برادران حضرت یوسف به یوسف به عنوان سجده احترام و تواضع بوده است نه سجده پرستش و عبادت.

بنابراین:

سجده تمام ملائکه به حضرت آدم سجده پرستش و عبادت خداوند متعال بود از یک سو، و سجده احترام و تواضع به حضرت آدم از سوی دیگر. اینکه تواضع و احترام همه ملائکه به حضرت آدم و سجده در مقابل او به خاطر خود حضرت آدم بوده و یا اینکه موضوع مهم‌تر دیگری مطرح بوده است انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.<sup>۱</sup>

۱. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۱۲۶.

المیزان، جلد اول، صفحه ۲۳۲ تا ۲۳۴.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۲۸.

تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۳۶۷ - ۳۶۸، «ذیل آیه ۴ سوره یوسف».

تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴ «ذیل آیه ۱۰۰ سوره یوسف».

**حدیث:**

۱. وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام فرمودند:  
 إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ آدَمَ، فَأَوْدَعَنَا صُلْبِهِ، وَ أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ بِالسُّجُودِ لَهُ تَعْظِيماً لَنَا وَ إِكْرَاماً، وَ كَانَ سُجُودُهُمْ لِلَّهِ تَعَالَى عُبُودِيَّةً، وَ لِآدَمَ إِكْرَاماً وَ طَاعَةً لِكُونِنَا فِي صُلْبِهِ، یعنی:  
 پس از اینکه خداوند تبارک و تعالی حضرت آدم را خلق فرمود و ما را در صُلب او قرار داد به ملائکه امر فرمود تا برای اِکرام و تعظیم و بزرگداشت ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» به حضرت آدم سجده کنند، لذا: سجده ملائکه به حضرت آدم از یک جهت عبادت و پرستش خداوند متعال بود، و از جهت دیگر احترام و بزرگداشت حضرت آدم بود به دلیل اینکه ما در صُلب حضرت آدم بودیم.<sup>۱</sup>

**توضیح:**

سجده ملائکه به حضرت آدم عبادت و پرستش خداوند متعال بود از یک سو، و احترام گذاشتن و تواضع کردن به حضرت آدم بود از سوی دیگر، لیکن: احترام گذاشتن همه ملائکه به حضرت آدم به خاطر این بود که وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام در صُلب او بودند، لذا:  
 در واقع همه ملائکه الهی به امر خداوند متعال به وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام احترام گذاشته و به آن ذوات مقدّسه تواضع نمودند، یعنی:  
 همه ملائکه ظاهراً به حضرت آدم ادای احترام نموده و به او تواضع نمودند لیکن حقیقتاً تواضع و احترام ملائکه به وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام بوده است.

۲. امام سجّاد علیه السّلام فرمودند که پدرم سیّد الشهداء سلام الله علیه از پیامبر اکرم نقل نمودند که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۱۳۷، حدیث ۱۰۱ «حدیث ۲۱۵».  
 تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۲۸ - ۲۲۹.

وقتی خداوند متعال اشباح ما را «محمّد و آل محمّد علیهم السّلام» را از فراز عرش به صُلب حضرت آدم منتقل فرمود، حضرت آدم انوار فروزانی را در صلب خویش مشاهده نمود و به خداوند متعال عرضه داشت:

خداوندا:

این انوار چیستند.

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

من این انوار را از شریف‌ترین بقعه‌های عرشم «شریف‌ترین جای عرشم» به صُلب تو «پشت تو» منتقل نمودم و از این جهت به ملائکه فرمان دادم تا تو را سجده کنند «به خاطر این انوار بود که به ملائکه امر کردم تا به تو سجده کنند»، زیرا: تو ظرف و جایگاه این انوار هستی.

حضرت آدم به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

ای کاش آن‌ها را برای من نمایان می‌ساختی.

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

ای آدم، به فراز عرش «بالای عرش» نگاه کن.

حضرت آدم به بالای عرش نگاه نمود و اشباح ما را مشاهده کرد.

حضرت آدم به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

این اشباح چیستند.

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

این‌ها اشباح افضل مخلوقات «بهترین مخلوقات» و آفریدگان من هستند و نام آن‌ها را از نام خودم مشتق نموده‌ام.

من حمید و محمود هستم و او محمّد «صلی الله علیه و آله و سلّم» است،

من علیّ عظیم هستم و او علی است،

من فاطر هستم و خالق آسمان‌ها و زمین می‌باشم و دشمنانم را از رحمتم دور

می‌کنم و او فاطمه است،

من محسن هستم و این دو حسن و حسین هستند.

سپس خداوند متعال حضرت آدم را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

ای آدم:

این‌ها بهترین مخلوقات من و گرامی‌ترین آفریدگانم هستند که اسامی آن‌ها را از

اسم خودم مشتق نموده‌ام.

ای آدم:

به خاطر این‌ها سَلَب می‌کنم،

به خاطر این‌ها می‌بخشم و اعطا می‌کنم،

به خاطر این‌ها مجازات می‌کنم،

به خاطر این‌ها پاداش می‌دهم،

پس، ای آدم:

به وسیله این‌ها به من متوسل شو و اگر حادثه‌ای ناگوار به تو روی داد این‌ها را

به درگاه من شفیع قرار بده که من به ذات خودم سوگند حقی خورده‌ام که هیچ یک

از امیدواران این‌ها را ناامید نکنم و هیچ سائلی را که به وسیله این‌ها به من متوسل

شود بی‌پاسخ نگذارم و رد نکنم.

«شَيْخٌ = سایه، سیاهی که از دور به نظر می‌رسد» جمع شَبَّحٌ می‌شود اشباح»<sup>۱</sup>.

۳. وجود مقدس امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خواب دیدند که افرادی از قبیله

«تیم» و «عدی» و بنی‌امیه بر منبر ایشان «منبر پیامبر اکرم» بالا می‌روند ناراحت و

غمگین شدند که متعاقب آن خداوند متعال این آیه شریفه «إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا

لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى،...» را به منظور دلداری دادن به پیامبر اکرم به آن حضرت

نازل فرموده و به آن حضرت فرمودند:

ای محمد، من فرمان دادم و اطاعت نکردند، پس:

۱. تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۱۶۲ - ۱۶۳.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۹۰ - ۲۹۱، حدیث ۱۳ «ذیل آیات ۳۷ و ۳۸ سوره بقره».

ای رسول ما، تو نیز اگر درباره وصی و جانشین خودت «یعنی وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام» فرمان می دهی و اطاعت نمی کنند غمگین و ناراحت نباش.<sup>۱</sup>

### توضیح:

۱. احادیث شریفی را که ذیل آیه ۳۴ سوره بقره ملاحظه فرمودید تأویل آیه شریفه و معنی باطنی آیه شریفه می باشند نه تفسیر آن.
۲. قبیله «تیم» و قبیله «عدی» مربوط به آن دو نفر می باشد.
۳. این آیه شریفه «اذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ...» در چند سوره قرآن کریم آمده که ذیلاً ملاحظه می فرمائید.
  - سوره بقره «آیه ۳۴».
  - سوره اعراف «آیه ۱۱».
  - سوره اسراء «آیه ۶۱».
  - سوره کهف «آیه ۵۰».
  - سوره طه «آیه ۱۱۶».

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۵۲، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۱۳۷، حدیث ۹۸، «حدیث ۲۱۲».

### آیه ۳۵ سوره بقره:

«وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا، وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ، فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ».

### ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

گفتیم، ای آدم، تو و همسرت «حوّا» در بهشت آرام گیرید «تو با همسرت در بهشت سکونت کن» و هر چه می خواهید از نعمت های آن گوارا بخورید ولی به این درخت نزدیک نشوید که از ظالمان «ستمکاران» خواهید بود «خواهید شد».<sup>۱</sup>

### شرح لغات و توضیحات:

اُسْكُنْ = ۱. آرام بگیر «از سکون به معنی آرامش و اطمینان»؛

۲. ساکن شو، سکونت کن؛

زوج = همسر؛

كُلَا = بخورید «یعنی شما دو نفر»؛

رَغَدٌ = ۱. فراوان؛ ۲. گوارا؛

شِئْتُمَا = خواستید «یعنی شما دو نفر»؛

حَيْثُ شِئْتُمَا = شما دو نفر از هر جای بهشت که خواستید، یا از هر نوع میوه ای که

خواستید بخورید و استفاده کنید.

لَا تَقْرَبَا = نزدیک نشوید «یعنی شما دو نفر»؛

شَجَرٌ = درخت «هر گیاهی که دارای ساقه باشد»، جمع شَجَرٌ می شود اشْجَارٌ،

واحد شَجَرٌ، شَجَرَه است.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۲۲ - ۲۲۴.

مجمع البیان، جلد اول، صفحه ۱۳۱.

المیزان، جلد اول، صفحه ۲۳۸.

۲. مجمع البیان، جلد اول، صفحه ۱۳۱.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۲۴.

مفردات راغب.



پس از اینکه خداوند متعال حضرت آدم را خلق فرمود تا او را به عنوان خلیفه خودش «جانشین خودش» در زمین قرار دهد، پس از اینکه علم اسماء «علم اسرار آفرینش و علم اسرار و خواص موجودات عالم هستی» را به حضرت آدم آموخت، پس از اینکه حضرت آدم را مسجود همه ملائکه قرار داد «یعنی به همه ملائکه امر فرمود تا به حضرت آدم سجده کنند، سجده تواضع و احترام نه سجده پرستش و عبادت»،

خداوند متعال پس از این قضایا به حضرت آدم فرمود:

وَقُلْنَا = به آدم گفتیم «به حضرت آدم فرمودیم» که:

يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ = ای آدم، تو و همسرت حوّا در بهشت ساکن شوید «آرام بگیرید».

بهشتی که حضرت آدم و همسرش حضرت حوّا در آن ساکن شدند بهشت خُلد و بهشت موعود قیامت نبوده است «مقصود از بهشت خُلد و بهشت موعود قیامت بهشتی است که پس از به پا شدن قیامت و رسیدگی به اعمال انسان‌ها جایگاه و منزل مؤمنین است و هر کس وارد آن بهشت شود مخلّد در آن است و هیچ‌گاه از آن بیرون نخواهد شد، و به عبارت دیگر بهشت خُلد بهشتی است که مؤمنین پس از رسیدگی به اعمالشان در روز قیامت وارد و داخل آن می‌شوند و برای همیشه داخل آن خواهند ماند»، اما اینکه این بهشت چه بهشتی بوده است اقوال مختلفی راجع به آن گفته شده است، یعنی:

ممکن است این بهشت: بهشتی بوده باشد در یکی از کرات آسمانی، و یا بهشتی بوده در روی زمین.

قابل ذکر است که بهشت خُلد و بهشت موعود قیامت ضمن اینکه جایگاه ابدی و همیشگی مؤمنین است و ویژگی‌های دیگری نیز دارد که با بهشتی که آدم و حوّا در آن ساکن شدند تفاوت دارد، از جمله اینکه: نعمات بهشت خُلد جاودانی و همیشگی است، ابلیس و شیاطین دیگر «اعم از جنّی و انسی»، داخل آن نخواهند شد و در آن جا جایی ندارند، در بهشت خلد و سوسه‌های شیاطین جنّی و انسی «جنّ و انسان» به هیچ وجه وجود ندارد، در بهشت خلد نافرمانی از خداوند متعال دیده نمی‌شود، و

خلاصه کلام اینک:

بهشتی که حضرت آدم و همسرش حوّا در آن ساکن شدند بهشت خلد و بهشت موعود قیامت نبوده است.

اگر در آیه بعد صحبت از هبوط آدم و حوّا شده است «هبوط = فرود آمدن» ممکن است نزول و فرود آمدن مقامی باشد نه مکانی، و اگر هبوط را به معنی نزول و فرود آمدن مکانی هم در نظر بگیریم هبوط آدم و حوّا به زمین از بهشتی بوده که در یکی از کُرات آسمانی بوده نه هبوط از بهشت خلد به زمین.

بنابراین معنی آیه شریفه تا این جا این شد که:

خداوند متعال پس از خلقت آدم و مورد لطف و عنایت قرار دادن او «از قبیل تعلیم اسماء، مسجود ملائکه قرار دادن و...» به آدم فرمود:  
ای آدم، تو و همسرت حوّا در بهشت ساکن شوید «بهشتی غیر از بهشت خلد و بهشت موعود قیامت».

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال به حضرت آدم و حوّا می فرماید که:

وَ كَلَّا مِنْهَا رَعْدًا حَيْثُ شِئْتُمَا = هر چه می خواهید از نعمت های بهشت گوارا بخورید.  
جمله حَيْثُ شِئْتُمَا اشاره به این دارد که:

شما دو نفر «آدم و حوّا» از هر جای بهشت هر چه که میل داشتید استفاده کنید و تناول کنید.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال از بین همه خوردنی های بهشت یک استثنا قائل شده و خوردن از میوه یک درخت را نهی فرموده است.

در ادامه آیه شریفه آمده است که:

وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ = ای آدم و ای حوّا:

نزدیک این درخت نشوید.

بنابراین:

خداوند متعال به حضرت آدم و همسرش اجازه دادند که در هر قسمت از بهشت از هر خوردنی که دلشان خواست بخورند غیر از میوه یک درخت که خداوند متعال خوردن از میوه آن را ممنوع اعلام فرمود.

مقصود از فرمایش خداوند متعال به حضرت آدم و حوّا مبنی بر نزدیک نشدن به آن درخت خاص نهی از خوردن میوه آن درخت است نه خود درخت، و اگر خداوند متعال فرموده که نزدیک آن درخت نشوید برای این بوده که شدّت نهی و مبالغه در تاکید را برساند، یعنی خداوند متعال به شدّت تاکید می‌فرماید که آدم و حوّا از میوه آن درخت نخورند.

نهی خداوند متعال از خوردن میوه این درخت خاص نهی ارشادی و تنزیهی بوده است نه نهی مولوی و نهی تکلیفی که سرپیچی از آن گناه باشد.

نهی ارشادی و نهی تنزیهی یک نوع نهی خیرخواهانه است، یعنی اگر نافرمانی در رابطه با نهی ارشادی صورت بگیرد معصیت و گناهی انجام نشده است.

نهی ارشادی و تنزیهی مثل این است که شخصی به فرزندش بگوید که پابره‌نه راه نرو، چرا که اگر پا بره‌نه راه بروی ممکن است تیغ یا خار به پای تو فرو برود و خودت ضرر ببینی، اما نهی مولوی و نهی تکلیفی امر لازم و واجب الهی است و اگر کسی آن را نادیده بگیرد مرتکب گناه شده است، لذا:

فرمان خداوند متعال به حضرت آدم و همسرش مبنی بر نخوردن از میوه آن درخت خاص فرمان و نهی ارشادی و تنزیهی بوده و معنی فرمایش خداوند متعال این است که:

ای آدم و حوّا، از میوه این درخت نخورید چرا که اگر از میوه آن بخورید از بهشت بیرون خواهید شد و روی زمین به رنج و تعب خواهید افتاد و دچار سختی و مشکلات خواهید شد.

بنابراین:

نتیجه خوردن از میوه آن درخت خاص بیرون شدن از بهشت بود و هبوط به زمین نه ارتکاب گناه و دور شدن از رحمت الهی، زیرا همه پیامبران الهی مقام عصمت دارند و هرگز مرتکب گناه نمی‌شوند، لذا حضرت آدم با خوردن میوه آن درخت خاص مرتکب گناه نشد بلکه ترک اولی نمود، و ترک اولی یعنی اینکه انسان کار خوب‌تر را رها کند و به سراغ کار خوب برود.

به هر حال، نهی خداوند متعال از نزدیک نشدن به شجره ممنوعه «نخوردن میوه

این درخت خاص» نهی ارشادی و تنزیهی بود «نهی خیرخواهانه» نه نهی تحریمی و مولوی و تکلیفی، لذا حضرت آدم و همسرش با خوردن میوه شجره ممنوعه مرتکب گناه نشدند بلکه ترک اولی نمودند که نتیجه آن بیرون شدن از بهشت بود و مشکلات ناشی از زندگی در زمین.

### شجره ممنوعه چه نوع درختی بوده است:

برای این شجره ممنوعه دو تفسیر بیان شده است که یکی از آنها تفسیر مادی برای شجره ممنوعه است و دیگری تفسیر معنوی.

طبق تفسیر مادی، گفته شده که این شجره ممنوعه گندم بوده است.

بعضی گفته‌اند که مقصود از شجره ممنوعه درخت انجیر بوده است، بعضی گفته‌اند که مقصود درخت انگور بوده است.

قابل ذکر است که عرب به بوته‌های گیاه نیز شجره می‌گویند، مثلاً در آیه ۱۴۶ سوره صافات به بوته کدو شجره گفته شده است.

وَ أَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ - آیه ۱۴۶، سوره صافات، یعنی:

و بوته کدویی بر او «حضرت یونس» رویاندیم.

طبق تفسیر معنوی که در احادیث و روایات به آن اشاره شده مقصود از شجره ممنوعه در این آیه شریفه درخت حسد می‌باشد.

اینکه مقصود از شجره رشک و حسد چیست که حضرت آدم علی‌رغم نهی خداوند متعال به آن نزدیک شد و در نتیجه این عمل از بهشت بیرون شد انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.

ملاحظه فرمودید که خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۳۵ سوره بقره» حضرت آدم را مورد خطاب قرار داده و فرمودند.

ای آدم، تو با همسرت در بهشت سکونت نمائید و از هر جای بهشت و از هر چیزی که خواستید بخورید و تناول نمائید اما هرگز به شجره ممنوعه نزدیک نشوید و از میوه آن نخورید که اگر این کار را بکنید:

فَتَكُونُوا مِنَ الظَّالِمِينَ = از ظالمین و ستمکاران خواهید بود، یعنی:

اگر شما دو نفر «آدم و همسرش حوّا» از میوه درخت ممنوعه بخورید از ظالمین و ستمکاران خواهید بود «خواهید شد» و اینگونه نیز شد.  
بنابراین:

آدم و حوّا با خوردن میوه درخت ممنوعه به خودشان ظلم نمودند یعنی به نفس خودشان ستم کردند نه نافرمانی به خداوند متعال و ارتکاب گناه، و به عبارت دیگر: خوردن از میوه شجره ممنوعه یعنی خروج از بهشت و ساکن شدن در زمین و مواجه شدن با مشکلات ناشی از زندگی در زمین از قبیل: تشنگی، گرسنگی، خستگی، و سایر مشکلاتی که هر انسان در زندگی خویش با آن مواجه می‌باشد و این عمل یعنی ظلم به نفس، لذا به کسی که خودش را از فیض عظیمی محروم می‌کند گفته می‌شود که او به خودش ظلم می‌کند و به خودش ستم می‌نماید.<sup>۱</sup>

### خوردن از میوه شجره ممنوعه و نتایج آن:

۱. در آیه ۳۶ سوره بقره آمده که:

سرانجام ابلیس، آدم و حوّا را به لغزش واداشت «آن‌ها را وسوسه کرد تا از میوه درخت ممنوعه بخورند» و با این کار باعث شد تا آن دو از بهشت بیرون شوند.  
پس از خوردن میوه درخت ممنوعه بود که خداوند متعال به آن دو نفر فرمود:  
وَقُلْنَا اهْبِطُوا ... یعنی:

ما «خداوند متعال» به آن‌ها دستور دادیم که به زمین فرود آئید «از مقام خویش فرود آئید و از بهشت بیرون شوید».

پس از این فرمان خداوند متعال بود که آدم و حوّا از بهشت بیرون شدند.

۲. در سوره اعراف «آیات ۱۹ تا ۲۴» آمده که:

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

۱. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۱۳۲ تا ۱۳۴.

المیزان، جلد اول، صفحه ۲۴۶ تا ۲۴۸.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۲۴ - ۲۲۹ تا ۲۳۱.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۱۴۹ تا ۱۵۱ - ۱۵۳ تا ۱۵۶ «ذیل آیات ۱۹ تا ۲۲ سوره اعراف».

ای آدم، تو و همسرت در بهشت ساکن شوید و از هر جای بهشت و از هر چیزی که خواستید بخورید اما به این درخت نزدیک نشوید که از ظالمین «ستمکاران» خواهید بود.

ابلیس، آدم و حوّا را وسوسه کرد «باعث شد تا آنها از میوه شجره ممنوعه بخورند» و به این ترتیب آدم و حوّا را فریب داد و آنها را از مقامشان فرود آورد. خداوند متعال به آدم و حوّا فرمود:

آیا شما را از این درخت «شجره ممنوعه» نهی نکردم و به شما نگفتم که ابلیس دشمن آشکار شما است.

بعد از اینکه آدم و حوّا از میوه این درخت ممنوعه خوردند خداوند متعال به آنها فرمود:

قَالَ اهْبِطُوا... یعنی، از مقام خویش فرود آئید «از بهشت بیرون شوید».

۳. در سوره طه «آیات ۱۱۵ تا ۱۲۳» آمده که:

خداوند متعال می فرماید:

هنگامی که به ملائکه دستور دادیم که به آدم سجده کنید همه ملائکه سجده کردند غیر از ابلیس که از سجده امتناع نمود.

ما «خداوند متعال» به آدم فرمودیم:

ای آدم، این ابلیس دشمن تو و دشمن همسر تو است، مبادا شما را از بهشت بیرون کند که به رنج و زحمت خواهید افتاد.

ابلیس، آدم و حوّا را وسوسه کرد و سرانجام هر دو آنها از میوه درخت ممنوعه خوردند و بعد از این قضیه بود که خداوند متعال به حضرت آدم و همسرش حوّا فرمود:

قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا... یعنی:

هر دو از بهشت فرود آئید «بیرون شوید».

قبلاً عرض شد که بهشتی که آدم و حوّا در آن سکونت داشتند بهشت خُلد و بهشت جاوید «بهشت موعود قیامت» نبوده بلکه:

بهشتی بوده در یکی از کرات آسمانی که از آنجا به زمین هبوط نمودند «فرود آمدند»، یا بهشتی بوده است در روی زمین «در هر صورت این بهشت، بهشت دنیا بوده است که پس از آن ترک اولی «خوردن میوه شجره ممنوعه» از آن بهشت هبوط نمودند.

قابل ذکر است که:

هبوط حتماً فرود آمدن مکانی نیست یعنی فرود آمدن از بالا به پائین، بلکه ممکن است معنی هبوط فرود آمدن و نزول مقامی باشد، ضمن اینکه خارج شدن از یک منطقه و وارد شدن به منطقه دیگر نیز در قرآن به عنوان هبوط آمده است «رفتن از یک قسمت از زمین به قسمت دیگر».

در آیه ۶۱ سوره بقره خداوند متعال به بنی اسرائیل می فرماید:

اِهْبِطُوا مِصْرًا... یعنی:

در مصر فرود آئید «رفتن از بیابان به مصر».<sup>۱</sup>

راجع به اینکه مقصود از مصر همان کشور مصر است یا اشاره به مفهوم کلی شهر دارد ذیل این آیه شریفه توضیحات لازم در تفاسیر آمده است که به بحث ما مربوط نمی شود، به هر حال:

هبوط علاوه بر فرود آمدن از بالا به پائین «فرود مکانی» عزیمت از نقطه‌ای به نقطه دیگر در روی زمین را نیز شامل می شود «مانند عزیمت بنی اسرائیل از بیابان به مصر»، لذا:

ممکن است بهشتی که آدم و حوّا در آن ساکن بودند بهشت زمینی باشد و بیرون شدن آن دو از بهشت زمینی و استقرار در نقطه دیگر زمین هبوط تلقی شود، یا بهشتی در یکی از کرات آسمانی، لیکن در هر صورت این بهشت، بهشت دنیا بوده است نه بهشت خلد و بهشت موعود قیامت.

همانطور که عرض شد ظاهر آیه شریفه «آیه ۳۵ سوره بقره» مبین این مطلب است که:

حضرت آدم و همسرش از نزدیک شدن به شجره ممنوعه «گندم یا انگور یا

۱. مجمع البیان، جلد اول، صفحه ۱۳۵، «ذیل آیه ۳۶ سوره بقره».

انجیر» و خوردن میوه آن نهی شده بودند، و در ادامه همین آیه شریفه «آیه ۳۵ سوره بقره» عنوان شده بود که:

اگر به این شجره ممنوعه نزدیک شوند و از میوه آن بخورند از ظالمین خواهند بود «یعنی به خودشان ستم خواهند نمود و چه ظلمی از این بالاتر که انسان با یک ترک اولی زندگی آرام و راحت را در بهشت از دست بدهد و گرفتار زندگی دنیوی در روی زمین شود با تمام مصائب و مشکلاتش» اما این آیه شریفه یک تأویل و معنی باطنی نیز دارد که در واقع تفسیر معنوی شجره ممنوعه می باشد. اینک تأویل این آیه شریفه در رابطه با شجره ممنوعه چیست و مقصود از این شجره معنوی چیست که خداوند متعال حضرت آدم و همسرش را به شدت نهی فرموده بود تا نزدیک آن نشوند انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.

### حدیث:

۱. وجود مقدس امام رضا سلام الله علیه فرمودند: وقتی که خداوند متعال حضرت آدم را خلق فرمود و به همه ملائکه دستور داد تا به حضرت آدم سجده کنند «سجده احترام و خضوع نه سجده پرستش و عبادت» و بدین وسیله او را گرمی داشت، حضرت آدم در دل خویش با خود گفت: آیا خداوند متعال بشری بهتر و برتر از من «افضل از من» خلق فرموده است. خداوند متعال از فکر حضرت آدم و از آنچه که از دل او گذشته بود مطلع شد و به حضرت آدم فرمود:

ای آدم، سرت را بلند کن و به ساق عرش نگاه کن.

حضرت آدم سرش را بلند کرده و به ساق عرش «پایه عرش» نگاه کرد و دید که آن جا نوشته شده:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ زَوْجَتُهُ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، يَعْنِي:

خدایی جز الله نیست، محمد رسول خدا است، علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین است و همسرش فاطمه سیده و سرور بانوان عالم است، و حسن و حسین سید و سرور



جوانان بهشت هستند.

حضرت آدم به خداوند متعال عرض کرد:

يَا رَبِّ مَنْ هَؤُلَاءِ، یعنی:

خداوندا، این‌ها کیستند؟

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

هَؤُلَاءِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ،

وَهُمْ خَيْرٌ مِنْكَ وَمِنْ جَمِيعِ خَلْقِي،

وَلَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُكَ وَلَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ وَلَا السَّمَاءَ وَلَا الْأَرْضَ، فَإِيَّاكَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَيْهِمْ

بِعَيْنِ الْحَسَدِ، فَأُخْرِجُكَ مِنْ جَوَارِي؛ یعنی:

ای آدم:

این‌ها از نسل تو و از ذریه تو می‌باشند «یعنی از فرزندان تو هستند»،

این‌ها از تو و از همه مخلوقاتم بهتر و برتر می‌باشند،

اگر این‌ها نبودند تو و بهشت و جهنم و آسمان و زمین را خلق نمی‌کردم «یعنی

همه مخلوقات را به خاطر این‌ها خلق کردم»،

پس، ای آدم:

مبادا به دیده حسد به آن‌ها نگاه کنی «مبادا به آن‌ها حسادت کنی» که در آن

صورت تو را از جوار خودم بیرون خواهم کرد.

اما آدم به آن‌ها به چشم حسد نگریست و مقام و منزلت آنان را آرزو نمود و در

نتیجه شیطان «ابلیس» بر او مسلط شد تا اینکه آدم از آن درختی که نهی شده بود «

از میوه آن درخت» تناول کرد.

حوا نیز به حضرت فاطمه به چشم حسد نگاه کرد و در نتیجه شیطان «ابلیس» بر

او مسلط شد و او نیز مانند آدم از میوه آن درخت تناول نمود و در نتیجه خداوند

متعال هر دو را از بهشت بیرون کرد و آن دو را از جوار خویش به زمین فرستاد.<sup>۱</sup>

۱. المیزان، جلد اول، صفحه ۲۶۷ - ۲۶۸.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۱۶۵ - ۱۶۶.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۷۶ - ۲۷۷، حدیث ۱۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۱۴۳، حدیث ۱۱۲ «حدیث ۲۲۶».

۲. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری در محلّ غدیر خم قطره‌ای از دریای بیکران فضائل امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السلام را بیان فرموده و سپس آن حضرت را به امر خداوند متعال به عنوان امام مسلمین معرّفی و منصوب فرمودند.

وجود مبارک پیامبر اکرم در قسمتی از بیانات خویش فرمودند:

معاشر النّاس «ای مردم»: ابلیس حضرت آدم را با حسد از بهشت بیرون کرد، مبادا شما به علیّ بن ابیطالب حسادت کنید و به او حسد بورزید که در این صورت اعمال شما حَبْطٌ و نابود خواهد شد «حبط شدن اعمال یعنی از بین رفتن اعمال، مثل اینکه اصلاً عمل خیری انجام نشده است»<sup>۱</sup>.

### توضیح:

الف) همان‌طور که ملاحظه فرمودید شجره‌ای که آدم و حوّا از نزدیک شدن به آن نهی شده بودند طبق این حدیث شریف و نورانی هم شجره گندم بوده «یا انگور و انجیر» و هم شجره حسد.

مقتضای معنی اوّل «اینکه این شجره گندم بوده» این است که:

شجره یاد شده پست‌تر و نالایق‌تر از آن بوده که اهل بهشت اشتیاق به خوردن آن را داشته باشند،

و مقتضای معنی دوّم «اینکه این شجره، شجره حسد بوده» این است که:

شجره یاد شده ارزشمندتر و گرانمایه‌تر از آن بوده که آدم و حوّا به آن نزدیک شوند و از آن بهره‌مند شوند، زیرا طبق احادیثی که از ائمه معصومین علیهم‌السلام صادر شده آن شجره‌ای که خداوند متعال آدم و حوّا را از نزدیک شدن به آن نهی فرموده بود شجره علم محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام بوده است، لذا:

تفسیر مادّی این شجره این است که:

این شجره، گندم یا انگور یا انجیر یا... بوده که خداوند متعال به آدم و حوّا فرموده بود که به آن نزدیک نشوند.

۱. احتجاج طبرسی، جلد اوّل - احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم - صفحه ۱۳۳ «صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶» حدیث ۳۲.

تفسیر معنوی این شجره این است که:

این شجره، شجره علم و دانش محمّد و آل محمّد علیهم السّلام بوده «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» که خداوند متعال به آدم و حوّا فرموده بود تا به آن شجره نزدیک نشوند و به آن شجره حسادت نکنند که نتیجه آن هبوط از بهشت خواهد بود.

ب) در این حدیث شریف ملاحظه فرمودید که آدم و حوّا نسبت به مقام و منزلت محمّد و آل محمّد علیهم السّلام به چشم حسد نگریسته و آرزوی مقام و منزلت آن ذوات مقدّسه را نمودند و همین امر باعث هبوط آنها از بهشت شد. با توجّه به اینکه حسد فعل حرام است و انبیاء الهی مقام عصمت دارند لذا مقصود از حسد در این حدیث شریف غبطه می باشد، یعنی: حضرت آدم و حوّا به مقام و منزلت محمّد و آل محمّد علیهم السّلام غبطه خوردند و همین امر باعث هبوط آنها از بهشت شد.<sup>۱</sup>

### توضیحی پیرامون حسد و غبطه:

اگر انسان در دیگران فضیلتی ببیند و از این قضیه ناراحت و غمگین شود که چرا دیگران این فضائل را دارند، این فرد حسادت کرده و به این آدم کلمه حسود اطلاق می شود.

اصطلاحاً به کسی حسود گفته می شود که چشم نداشته باشد داشته های دیگران «اعم از مادّی و معنوی» را ببیند «به این عمل حسادت گفته می شود»، لیکن: در غبطه اینگونه نیست، یعنی اینطور نیست که انسان از داشته های دیگران ناراحت و غمگین باشد بلکه از خداوند متعال درخواست می کند تا آن نعمات را به او نیز اعطا فرماید، مثلاً:

اگر انسان ببیند همسایه اش فرزندان سالم و صالح و عاقلی دارد و از این قضیه ناراحت شود که چرا همسایه اش فرزندان سالم و صالحی دارد این شخص دچار

۱. المیزان، جلد اول، صفحه ۲۶۸ - ۲۶۹.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۱۶۴.

حسادت شده است و حسادت عملی است مذموم و ریشه بسیاری از مفاسد و گناهان می باشد، لیکن:

اگر انسان ببیند همسایه اش فرزندان سالم و صالح و عاقلی دارد و از این قضیه اصلاً ناراحت نشود بلکه از خداوند متعال درخواست نماید تا به او نیز فرزندان سالم و صالحی اعطا فرماید این عمل غبطه خوردن به حساب می آید و عملی است پسندیده و ممدوح.

اما در رابطه با وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام وضع به گونه دیگری است، یعنی:

غبطه خوردن به مقام و منزلت آن ذوات مقدّسه و از خداوند متعال درخواست مقام و منزلت آن بزرگواران نمودن گناهی است بس بزرگ و عظیم، و به همین علت است که انبیاء عظام الهی نیز مقام و منزلت آن ذوات مقدّسه را از خداوند متعال درخواست نمی کنند تا چه رسد به افراد عادی، زیرا:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام افضل همه مخلوقات می باشند و علت غایی خلقت هستند، یعنی:

خداوند متعال به خاطر آن ذوات مقدّسه عالم را خلق فرموده است و حدیثی را نیز که ملاحظه فرمودید مبین همین مطلب است و از همین جهت بود که وقتی آدم و حوا به وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام غبطه خوردند به امر خداوند متعال از بهشت هبوط نمودند.

ذیل آیه ۷۲ سوره احزاب حدیثی از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل شده که خلاصه ای از آن حدیث شریف را که مرتبط با بحث ما می باشد ذیلاً ملاحظه می فرمائید.

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

خداوند متعال ارواح محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمّه بعد از ایشان «سلام الله علیهم اجمعین» را دو هزار سال قبل از خلقت اجساد خلق نموده و فرمودند:

این جماعت «چهارده معصوم علیهم السّلام»، دوستان من، اولیاء من و حجت های

من بر مخلوقاتم می‌باشند،

هیچ مخلوقی را خلق نکردم که محبوب تر از این‌ها باشد،  
بهشت را برای ایشان و محبین ایشان خلق کردم و جهنم را برای دشمنان و  
مخالفین ایشان آفریدم،

هر کس، مقام این‌ها را ادعا کند و هر کس رتبه و مقام آن‌ها را از من مسئلت نماید  
او را عذاب کنم به عذاب الیم و دردناکی که هیچ کس را آنچنان عذاب نکرده باشم  
و او را با مشرکین در طبقه زیرین جهنم قرار خواهم داد. «حدیث اول ذیل آیه ۷۲  
سوره احزاب»

۳. احادیثی از ائمه معصومین علیهم‌السلام مخصوصاً از وجود مقدس امام  
عسکری سلام‌الله علیه صادر شده که آن ذوات مقدسه فرموده‌اند:  
مقصود از شجره‌ای که حضرت آدم و حوا از نزدیک شدن به آن نهی شدند «آیه  
۳۵ سوره بقره»، شجره علم محمد و آل محمد علیهم‌السلام می‌باشد.<sup>۱</sup>

۴. امام هادی علیه‌السلام فرمودند:

شجره‌ای که خداوند متعال آدم و حوا را از خوردن میوه آن نهی فرموده بود  
شجره رشک و حسد بود.

خداوند متعال به آدم و حوا فرموده بود که:

مبادا به حجت‌های من به چشم حسادت نگاه کنید که من آن‌ها را به شما دو نفر  
و به همه مخلوقاتم برتری داده‌ام.<sup>۲</sup>

همانطور که در مقدمه کتاب به عرض رسید احادیث شریف صادره از ناحیه ائمه  
معصومین علیهم‌السلام به صورت خلاصه شده درج و نقل می‌شود تا یادگیری آن‌ها  
آسان باشد مگر احادیثی که کوتاه هستند و نیاز به تلخیص ندارند.

۱. المیزان، جلد اول، صفحه ۲۶۸.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۱۶۴.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۶۳، حدیث ۱.

۲. تفسیر برهان، جلد چهارم، صفحه ۲۱۴، حدیث ۳.

«ذیل آیات ۲۲ تا ۲۴ سوره اعراف»

احادیث شریفی که تاکنون ملاحظه فرموده‌اید و انشاءالله تعالی در ادامه مباحث ملاحظه خواهید فرمود طبق همین روش درج و نقل شده است و خواهد شد. منبع و مأخذ احادیث شریف ذیل هر حدیث نقل شده تا دسترسی عزیزان به اصل حدیث به سهولت امکان‌پذیر باشد.

۵. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

وقتی که خداوند متعال حضرت آدم و همسرش حوّا را در بهشت جای داد به آن‌ها فرمود:

وَايَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ «آیه ۱۹ سوره اعراف»، یعنی:

ای آدم، تو و همسرت در بهشت ساکن شوید و از هر کجای بهشت و از هر نعمت و هر خوردنی که خواستید بخورید اما به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود.

امام صادق علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

آدم و حوّا که در بهشت استقرار یافته بودند درجه و مقام منزلت حضرت محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه بعد از ایشان «سلام الله علیهم اجمعین» را دیده و آن را در عالی‌ترین مقام‌های بهشت یافتند.

آدم و حوّا به خداوند متعال عرض کردند:

خداوندا:

این جاه و مقام و منزلت از آن کیست؟

خداوند متعال به آدم و حوّا فرمود:

سرتان را بلند کرده و به ساق «پایه» عرش نگاه کنید.

آدم و حوّا به ساق عرش نگاه کرده و مشاهده کردند که اسامی مبارک حضرت محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه بعد از ایشان «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام» با نوری از انوار خداوند جبار جلّ جلاله بر ساق عرش نوشته شده است.

آدم و حوّا به خداوند متعال عرضه داشتند:

خداوندا:

صاحبان این مقام و منزلت در درگاه تو بسی عزیز و گرامی هستند و بسی محبوب تو می‌باشند.

خداوند متعال به آدم و حوّا فرمود:

آری چنین است.

اگر به خاطر ایشان نبود «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» شما را خلق نمی‌کردم،

ایشان گنجینه و خزینه علم من هستند،

ایشان امین سرّ من هستند،

ای آدم و ای حوّا:

مبادا به ایشان به چشم حسد نگاه کنید،

مبادا مقام و منزلت و جایگاه رفیع ایشان را آرزو نمائید که در این صورت در حریم نهی من گام گذاشته‌اید و دچار عصیان و نافرمانی شده‌اید «یعنی اگر مقام و منزلت آن‌ها را آرزو کنید از دستورات من [خداوند متعال] سرپیچی کرده‌اید و چیزی را آرزو کرده‌اید که من آن را نهی نموده‌ام»، و اگر این کار را بکنید از ستمکاران خواهید بود «یعنی به خودتان ستم خواهید کرد، زیرا با این عمل خودتان باعث خواهید شد که از بهشت بیرون شوید».

امام صادق علیه‌السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

ولی با این همه ابلیس آن دو را فریب داد «آدم و حوّا را» و آن‌ها را وسوسه کرد و پیش آن‌ها سوگند خورد که من خیرخواه شما هستم و از روی خیرخواهی به شما سخن می‌گویم و نتیجه این شد که آدم و حوّا مقام و منزلت چهارده معصوم علیهم السّلام را آرزو کرده و به آن ذوات مقدّسه به چشم حسد نگاه کردند و خداوند متعال نیز آدم و حوّا را به حال خودشان واگذار کرد و یاری و توفیق خود را از آنان برداشت تا اینکه از درخت گندم خوردند و از بهشت هبوط کردند، و این در حالی بود که خداوند متعال به آدم و حوّا فرموده بود که:

ای آدم و ای حوّا:

به نورهای من و حجّت‌های من به چشم حسد نگاه نکنید که شما را از جوار  
خویش پائین می‌فرستم و خواری را بر شما روا می‌دارم.<sup>۱</sup>

---

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۷۱ تا ۲۷۵، حدیث ۱۱.  
تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، حدیث ۳۵، «حدیث ۳۴۳۰».  
«ذیل آیات ۱۹ تا ۲۲ سوره اعراف»



## آیه ۳۷ سوره بقره:

«فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ، فَتَابَ عَلَيْهِ، إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ».

## ترجمه:

سپس حضرت آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت «دریافت نمود» و با آن توبه کرد، و خداوند متعال توبه او را پذیرفت چرا که خداوند متعال توبه‌پذیر و مهربان است.<sup>۱</sup>

## شرح لغات و توضیحات:

تَلَقَى = گرفت، دریافت کرد «فرا گرفت - آموخت».

كَلِمَةً = لفظ و سخن، گفتار «جمع کَلِمَةً می شود کلمات».

توبه = رجوع و بازگشت، ترک گناه، پشیمانی از گناه گذشته و تصمیم به مرتکب نشدن گناه در آینده.

تَائِبٌ = ۱- توبه‌کننده؛ ۲- توبه‌پذیر.

تَوَّابٌ = ۱- بسیار توبه‌کننده؛ ۲- بسیار توبه‌پذیر.

کلمه توبه هم به انسان نسبت داده می‌شود هم به خداوند متعال،  
لذا:

کلمه توبه اگر به انسان نسبت داده شود به این معنی است که شخص گنهکار از گناه خویش پشیمان شده و تصمیم می‌گیرد که دیگر مرتکب گناه نشود، و در واقع توبه انسان گنهکار یعنی بازگشت او به طرف خداوند «یعنی با ترک گناه به سوی خداوند متعال بازگشته است»، لیکن توبه در رابطه با خداوند متعال یعنی:

بازگشت خداوند متعال به رحمت، یعنی:

رحمتی را که از بنده گنهکار سلب نموده بود بعد از بازگشت بنده به اطاعت و

بندگی به او بازمی‌گرداند، و خلاصه کلام اینکه:

اگر کلمه تَوَّابٌ به انسان نسبت داده شود، یعنی:

۱. تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۳۸.

بسیار توبه‌کننده،

و اگر کلمه تَوَّاب به خداوند متعال نسبت داده شود، یعنی:

بسیار توبه‌پذیر.

قابل ذکر است که:

اگر کلمه توبه در رابطه با انبیاء الهی به کار برود به معنی بازگشت از گناه نیست، چرا که انبیاء الهی مقام عصمت دارند و هرگز مرتکب گناه نمی‌شوند، لذا توبه در رابطه با انبیاء مربوط به ترک اولی است یا احیاناً مربوط به ترک یک عمل مستحب، یعنی اگر از انبیاء ترک اولی صورت بگیرد یا احیاناً مستحب مؤکدی را انجام ندهند به درگاه الهی توبه می‌کنند و توبه حضرت آدم در این آیه شریفه از همین نوع می‌باشد.<sup>۱</sup>

در توضیحات ذیل آیه ۳۴ و ۳۵ سوره بقره ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال پس از اینکه حضرت آدم را خلق فرمود به همه ملائکه دستور داد تا او را سجده کنند «سجده تواضع و احترام نه سجده پرستش و عبادت».

همه ملائکه بدون استثناء به حضرت آدم سجده کردند غیر از ابلیس که از فرمان خداوند متعال سرپیچی کرد و از سجده به حضرت آدم خودداری نمود و به جهت همین نافرمانی از بهشت رانده شد و از کافرین گردید و مورد لعنت خداوند متعال قرار گرفت، سپس:

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

ای آدم، تو و همسرت حوّا در بهشت ساکن شوید و از هر جای بهشت و از هر نعمت بهشتی که دلتان خواست بهره ببرید لیکن به این درخت نزدیک نشوید، و از میوه آن نخورید که اگر این کار را بکنید از ظالمین و ستمکاران خواهید بود.

ابلیس حضرت آدم و حوّا را وسوسه کرد و همین وسوسه ابلیس باعث شد تا حضرت آدم و حوّا به شجره ممنوعه نزدیک شده و از میوه آن بخورند و خوردن از میوه درخت ممنوعه باعث شد تا خداوند متعال آن‌ها را از بهشت بیرون نماید و

۱. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۱۳۹، ۱۴۱.

المیزان، جلد اول، صفحه ۲۵۱.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۳۹، ۲۴۰.

مفردات راغب.

اینگونه بود که آدم و حوّا از بهشت به زمین هبوط نمودند.

آدم و حوّا پس از هبوط به زمین به شدّت ناراحت و غمگین بودند و از عمل خویش نادم و پشیمان، و به همین خاطر روزهای متمادی می‌گریستند و از خداوند متعال درخواست عفو و بخشش داشتند.

خداوند متعال برای اینکه توبه و انابه حضرت آدم و حوّا را بپذیرد جبرئیل را نزد آن دو نفر نازل نموده و کلماتی را به آنها آموخت که توضیحات آن را ذیلاً ملاحظه می‌فرمائید.

خداوند متعال در آیه ۳۷ سوره بقره می‌فرماید:

فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ = پس، حضرت آدم از خداوند متعال کلمات و سخنانی را دریافت کرد و آموخت تا به واسطه آنها و به وسیله آنها به درگاه الهی توبه نماید، یعنی:

وقتی آدم و حوّا از بهشت بیرون شده و به زمین هبوط نمودند از عمل خویش «آرزو کردن مقام و منزلت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام و خوردن از میوه شجره ممنوعه» به شدّت نادم و پشیمان بودند و شب و روز گریه می‌کردند تا بلکه خداوند متعال آنها را بیامرزد و توبه آنها را قبول نماید.

خداوند متعال برای اینکه توبه آدم و حوّا را بپذیرد جبرئیل را نزد آنها فرستاد و کلمات و سخنانی را به آنها تعلیم فرمود تا به وسیله این کلمات و سخنان از درگاه الهی طلب مغفرت و آمرزش نمایند.

آدم و حوّا نیز این کلمات و این سخنان را که جبرئیل از ناحیه خداوند متعال آورده بود فرا گرفته و آموختند و با استفاده از این کلمات و این سخنان و با توسّل به این کلمات به درگاه الهی پناه برده و توبه و استغفار نمودند و در نتیجه خداوند متعال:

فَتَابَ عَلَيْهِ = توبه او را پذیرفت، یعنی:

خداوند متعال توبه آدم و حوّا را پذیرفت، زیرا:

إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ = خداوند متعال توبه‌پذیر «بسیار توبه‌پذیر» و مهربان است. اینک خداوند متعال توبه بندگان گنهکار خویش را پذیرفته و آنها را می‌آمرزد مربوط به تفضّل الهی است که از گناهان توبه‌کنندگان چشم‌پوشی نموده و از عذاب آنها صرف

نظر می فرماید نه اینکه به خداوند متعال واجب باشد تا توبه بندگان را بپذیرد. همان طور که ذیل آیه ۳۵ سوره بقره به عرض می رسید، حضرت آدم و به طور کلی همه انبیاء الهی مقام عصمت دارند و لذا مرتکب گناه نمی شوند، بنابراین: حضرت آدم مرتکب گناه نشد بلکه ترک اولی نمود و همین ترک اولی باعث شد تا از بهشت به زمین هبوط نماید، لذا:

توبه حضرت آدم به درگاه الهی و طلب عفو و بخشش از خداوند متعال برای ترک اولی بود نه ارتکاب گناه.

ملاحظه فرمودید که خداوند متعال توبه آدم و حوّا را پذیرفت و آنها را مورد آمرزش قرار داد لیکن آن دو نفر به بهشت بازگردانده نشدند، زیرا: هبوط از بهشت به زمین «بیرون شدن از بهشت و فرود در زمین» اثر وضعی ترک اولایی بود که از آدم و حوّا سرزده بود و این اثر وضعی با توبه دگرگون نمی شود، یعنی:

اگر انسان گناهی مرتکب شود و سپس توبه نماید «یعنی حقیقتاً از عمل خویش پشیمان شود و در آینده نیز آن را تکرار نکند» خداوند متعال به شخص گنهکار و تائب تفضل نموده و گناه او را می آمرزد لیکن اثر وضعی آن گناه ممکن است از بین نرود، مثلاً:

قطع رحم عمر را کوتاه می کند، حال چنانچه کسی که قطع رحم نموده به درگاه الهی توبه نماید انشاءالله تعالی خداوند متعال با فضل خویش توبه او را پذیرفته و گناه او را می آمرزد لیکن ممکن است اثر وضعی قطع رحم «کوتاه شدن عمر» از بین نرود.<sup>۱</sup>

در آخر آیه شریفه «آیه ۳۷» آمده که:

إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، یعنی خداوند متعال بسیار توبه پذیر و مهربان است.

همین صفت تَوَّاب بودن خداوند متعال «بسیار توبه پذیر بودن» و رحیم بودن

۱. مجمع البیان، جلد اول، صفحه ۱۴۱.

المیزان، جلد اول، صفحه ۲۵۱.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۳۹-۲۴۰.

خداوند سبحان «مهربان بودن نسبت به بندگانش» است که: جبرئیل را نزد آدم و حوّا می‌فرستد و کلمات و سخنانی را به آن دو نفر تعلیم می‌فرماید تا آدم و حوّا با تمسک به آن کلمات توبه نمایند و از خداوند متعال طلب مغفرت کنند، در واقع:

راه توبه و نحوه توبه را خود خداوند متعال به آدم و حوّا هم‌چنین به تمام بندگان گنهکار خویش تعلیم می‌فرماید تا چنانچه در اثر غفلت یا وسوسه شیطان مرتکب گناه شدند از رحمت حق مأیوس نشده و توبه نمایند و مطمئن باشند که خداوند متعال توبه‌پذیر است، و بلکه توّاب است «یعنی بسیار توبه‌پذیر»، و رحیم «یعنی مهربان».

**کلمات و سخنانی که خداوند متعال به آدم و حوّا تعلیم فرمود چه کلمات و چه سخنانی بوده است.**

الف) ممکن است مقصود از این کلمات، آیه ۲۳ سوره اعراف باشد که استغفار و طلب آمرزش آدم و حوّا را بیان فرموده است.

در این آیه شریفه آمده که:

قَالَ رَبِّنا ظَلَمنا اَنْفُسنا وَاِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنا وَتَرْحَمنا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخاسِرِينَ.

یعنی: حضرت آدم و حوّا پس از خوردن میوه شجره ممنوعه و پی بردن به اشتباه خویش به خداوند متعال عرض کردند:  
خداوندا:

ما به خویشتن ستم کردیم «به خودمان ظلم نمودیم» و اگر ما را نیامرزی و رحمت خود را شامل حال ما نکنی از زیانکاران خواهیم بود.

این جمله را آدم و حوّا پس از خوردن میوه شجره ممنوعه در بهشت به خداوند متعال عرض نمودند «یعنی قبل از هبوط به زمین».

در آیه ۲۴ همین سوره «سوره بقره» خداوند متعال به آدم و حوّا فرمود:

قال اهْبِطُوا... یعنی:

فرود آئید «۱- از مقام خویش؛ ۲- خروج از بهشت و فرود در زمین».

ممکن است که آدم و حوّا پس از هبوط نیز این جمله را به خداوند متعال عرض کرده باشند «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا...»

ب) گفته شده که منظور از کلمات که آدم و حوّا از خداوند متعال آموختند تا به وسیله آن به درگاه الهی توبه نمایند این ادعیه بوده است.

اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاعْفِرْ لِي، اِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ،

یعنی:

پروردگارا، معبودی جز تو نیست، پاک و منزّهی، تو راستایش می‌کنم، من به خودم ستم کردم، مرا ببخش و بیامرز که تو بهترین بخشندگان و بهترین آمرزندگان،

اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي، فَارْحَمْنِي، اِنَّكَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ،

یعنی:

خداوندا، معبودی جز تو نیست، تو پاک و منزّهی «منزه و مبرا از هر عیب و نقص»، تو را حمد و ستایش می‌کنم، به خودم ظلم کردم، به من رحم کن که تو بهترین رحم‌کنندگان،

اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي، فَتُبَّ عَلَيَّ، اِنَّكَ أَنْتَ

التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، یعنی:

بارالها، معبودی جز تو نیست، تو پاک و منزّهی، تو را حمد و ستایش می‌کنم، من به خویش ستم کردم، رحمتت را شامل حال من کن و توبه‌ام را بپذیر که تو تواب و رحیمی «بسیار توبه‌پذیر و مهربان»

ج) ممکن است مقصود از کلماتی که خداوند متعال به آدم و حوّا تعلیم فرمود

این ذکر باشد:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، یعنی:

خداوند متعال پاک و منزّه است، حمد و ثنا مخصوص او است، معبودی نیست

جز الله، و خداوند متعال بزرگ‌تر از آن است که وصف شود.

موارد سه‌گانه‌ای که ذکر شد منافاتی با هم ندارند چرا که ممکن است مجموع

این‌ها کلماتی باشند که خداوند متعال به آدم و حوّا تعلیم فرموده باشد تا طبق آن به

درگاه الهی توبه نمایند.

قابل ذکر است که این آیه شریفه «آیه ۳۷ سوره بقره» تأویلی نیز دارد که انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. امام صادق علیه السلام فرمودند:

پس از اینکه حضرت آدم و حوّا مقام و منزلت چهارده معصوم علیهم السلام را آرزو نمودند خداوند متعال آن دو را به حال خودشان وا گذاشت و همین امر باعث شد تا آدم و حوّا از شجره گندم خوردند و پس از این قضیه بود که خداوند متعال آن‌ها را از بهشت بیرون کرد و آن‌ها به زمین هبوط نمودند.

آدم و حوّا در زمین مدّت‌ها گریه کرده و از خداوند متعال طلب عفو و بخشش می نمودند.

وقتی که خداوند متعال اراده فرمود تا آدم و حوّا را ببخشد جبرئیل را نزد آن دو فرستاد و به آن‌ها فرمود:

شما دو نفر آرزوی مقام و منزلت کسانی را نمودید «یعنی چهارده معصوم علیهم السلام» که خداوند متعال آن‌ها را به شما برتری داده، و با همین عمل به خودتان ستم نمودید، پس:

سزای شما این شد که با فرود آمدن از جوار خداوند متعال به سوی زمین «هبوط از بهشت به زمین» مجازات شوید.

جبرئیل در ادامه صحبت خویش با آدم و حوّا به آن‌ها گفت:

پروردگارتان را به حقّ آن نام‌هایی که بر ساق عرش دیدید بخوانید و از خداوند متعال درخواست کنید تا شما را ببخشد.

۱. مجمع‌البیان، جلد اوّل، صفحه ۱۴۰.

المیزان، جلد اوّل، صفحه ۲۵۲، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۷۷.

تفسیر نمونه، جلد اوّل، صفحه ۲۴۰ تا ۲۴۲.

تفسیر نمونه، جلد ششم، صفحه ۱۵۸ «ذیل آیه ۲۳ سوره اعراف».

تفسیر صافی، جلد اوّل، صفحه ۱۷۱.

پس از این قضیه بود که آدم و حوّا به خداوند متعال عرض کردند:  
خداوندا:

به حقّ محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین «سلام الله علیهم اجمعین» و ائمه معصومین علیهم السّلام از ذریّه آنها از تو درخواست می‌کنیم که توبه ما را بپذیری و به ما رحم کنی.

پس از این تقاضا و درخواست بود که:

خداوند متعال توبه آن دو را پذیرفت زیرا خداوند متعال توّاب و رحیم است «بسیار توبه‌پذیر و مهربان».

این حدیث را مفضّل بن عمر از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۲. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

وقتی حضرت آدم و حوّا از بهشت به زمین هبوط کردند از خداوند متعال به حقّ محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام درخواست نمودند تا توبه آنها را بپذیرد و خداوند متعال نیز توبه آنها را پذیرفت.

این حدیث را ابن عبّاس از پیامبر اکرم نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۳. امام صادق علیه السّلام فرمودند:

آدم و حوّا در بهشت به مقام و منزلت خمسه طیّبه «یعنی حضرت محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام» غبطه خورده و مقام و منزلت آنها را آرزو نمودند و همین امر باعث شد تا از بهشت به زمین هبوط نمایند.

آدم و حوّا پس از هبوط به زمین به درگاه الهی توبه کرده و به ولایت خمسه طیّبه اقرار نموده و در حقّ آنان دعا نمودند و پس از این بود که خداوند متعال آدم و حوّا

۱. تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۲۷۱ تا ۲۷۵، حدیث ۱۱.

«ذیل آیات ۳۵ و ۳۶ سوره بقره».

تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۱۵۷، حدیث ۱۴۶، «حدیث ۲۶۰».

تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۱۵۷، حدیث ۱۴۸، «حدیث ۲۶۲».

۲. تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۲۸۶، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۱۵۷، حدیث ۱۴۷، «حدیث ۲۶۱».



را آمرزید و توبه آن‌ها را پذیرفت.

این حدیث را عبدالرحمن بن کثیر از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۴. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

وقتی آن خطا از حضرت آدم سرزد «آرزوی مقام و منزلت وجود مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام و متعاقب آن خوردن از میوه شجره ممنوعه» و از بهشت به زمین هبوط نمود به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا غَفَرْتَ لِي، فَغَفَرَ اللَّهُ لِي، يَعْنِي:

خداوندا، از تو درخواست می‌کنم که به حق محمد و آل محمد علیهم‌السلام مرا ببخشی و بیامری و خداوند متعال نیز او را ببخشد و آمرزید.

این حدیث را معمر بن راشد از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۵. امام عسکری علیه‌السلام فرمودند:

امام سجاد علیه‌السلام از پدر بزرگوارش سیدالشهداء سلام الله علیه و آن حضرت از پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام نقل می‌کند که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

وقتی خداوند متعال اشباح ما را «وجود مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام» از فراز عرش به صُلب حضرت آدم منتقل فرمود، حضرت آدم انوار فروزانی را در صُلب خویش «پشت خویش» مشاهده نمود و به خداوند متعال عرض کرد:  
خداوندا:

این نورها چیستند؟

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

من این انوار را از شریف‌ترین بقعه‌های عرشم «شریف‌ترین جای عرشم» به صُلب تو منتقل نمودم و به همین جهت به ملائکه فرمان دادم تا تو را سجده کنند «به خاطر این نورها بود که به ملائکه دستور دادم تا به تو سجده کنند»، زیرا:

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۸۷، ۲۸۸، حدیث ۱۰.

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۱۵۵، حدیث ۱۴۴، «حدیث ۲۵۸».

تو ظرف و جایگاه این انوار هستی.

حضرت آدم به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

ای کاش آن‌ها را برای من نمایان می‌ساختی.

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

ای آدم، به فراز عرش «بالای عرش» نگاه کن

حضرت آدم به فراز عرش نگاه نمود و اشباح ما را مشاهده کرد.

حضرت آدم به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا:

این اشباح چیستند؟

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

این‌ها اشباح افضل مخلوقات «بهترین مخلوقات» و آفریدگان من هستند و نام

آن‌ها را از نام خودم مشتق نموده‌ام.

من حمید و محمود هستم و او محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» است،

من علی و متعال و عظیم هستم و او علی است،

من فاطر هستم و خالق آسمان‌ها و زمین می‌باشم و او فاطمه است،

من محسن هستم و این دو حسن و حسین هستند.

سپس خداوند متعال حضرت آدم را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

ای آدم:

این‌ها بهترین مخلوقات من، برگزیدگان مخلوقات من و گرامی‌ترین آفریدگانم

هستند.

ای آدم:

به خاطر ایشان سلب می‌کنم،

به خاطر این‌ها می‌بخشم و اعطا می‌کنم،

به خاطر این‌ها مجازات می‌کنم،

به خاطر این‌ها پاداش می‌دهم،

پس، ای آدم:

به وسیله این‌ها به من متوسّل شو، و اگر حادثه‌ای ناگوار به تو روی داد این‌ها را به درگاه من شفیع قرار بده، زیرا:

من به ذات خودم سوگند خورده‌ام که:

هیچ کس از امیدواران این‌ها را ناامید نکنم،

و هیچ سائلی را که به وسیله این‌ها به من متوسّل شود بی‌پاسخ نگذارم و او را از درگاهم رد نکنم.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

از این جهت بود که وقتی آن خطا از حضرت آدم سرزد «آرزو نمودن مقام و منزلت چهارده معصوم علیهم‌السلام و متعاقب آن خوردن از میوه شجره ممنوعه که نتیجه آن هبوط از بهشت به زمین بود» خداوند متعال را به حقّ این‌ها خواند و پس از این بود که:

خداوند متعال توبه او را پذیرفت و او را آمرزید.

شَبَّخُ = سیاهی که از دور به نظر می‌رسد، سایه، «جمع شَبَّخُ می‌شود اشْبَاح»<sup>۱</sup>.

۶. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

مردی یهودی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم رسید و نگاه تندی به آن حضرت نموده و به آن حضرت گفت:

ای محمّد «صلی الله علیه و آله و سلّم»؛

تو بهتر و برتری یا موسی بن عمران که خداوند متعال با او سخن گفت و دریا را به او شکافت «عبور از رود نیل»، و عصا بر او نازل کرد «اژدها شدن عصا و خوردن مارهای ساحرین».

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به مرد یهودی فرمود:

۱. تفسیر صافی، جلد اوّل، صفحه ۱۶۲، ۱۶۳.

تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۲۹۰، ۲۹۱، حدیث ۱۳.

وقتی از حضرت آدم آن خطا سرزد، توبه‌اش اینگونه بود که به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا، به حقّ محمّد و آل محمّد علیهم‌السّلام «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السّلام» از تو درخواست می‌کنم که مرا بیامری، پس: خداوند متعال نیز توبه آدم را پذیرفت و او را آمرزید «اشاره به آیه ۳۵، ۳۶ و ۳۷ سوره بقره که توضیحات لازم ذیل آیات شریفه به عرض رسید».

هنگامی که حضرت نوح سوار کشتی شد و از غرق شدن بیمناک شد به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا، به حقّ محمّد و آل محمّد علیهم‌السّلام از تو درخواست می‌کنم که مرا از غرق شدن نجات دهی، پس: خداوند متعال حضرت نوح را از غرق شدن نجات داد «ذیل آیه ۴۲ سوره هود در این خصوص توضیحات لازم ارائه شده است».

هنگامی که حضرت ابراهیم داخل آتش انداخته شد به خداوند متعال عرض کرد: خداوندا، به حقّ محمّد و آل محمّد علیهم‌السّلام از تو درخواست می‌کنم که مرا از آتش نجات دهی، پس:

خداوند متعال آتش را به حضرت ابراهیم سرد و سلامت نمود. «ذیل آیه ۶۹ سوره انبیاء در این خصوص توضیحات لازم به عرض رسیده است، ضمن اینکه اعطاء مقام امامت به حضرت ابراهیم نیز به احترام محمّد و آل محمّد علیهم‌السّلام بوده و در این خصوص نیز ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره توضیحات لازم به عرض رسیده است».

هنگامی که حضرت موسی سحر ساحران را دید و عصای خودش را به زمین انداخت در دل خویش احساس ترس کرد و به خداوند متعال عرض کرد: خداوندا، به حقّ محمّد و آل محمّد علیهم‌السّلام از تو درخواست می‌کنم که مرا نجات دهی و دلم را آرامش بخشی، پس:

خداوند متعال دل حضرت موسی را آرامش داد و به او فرمود: لا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى - آیه ۶۸ سوره طه، یعنی: ای موسی نترس که از هر جهت

تو ما فوق سَحْرَه «ساحران» هستی و برتر و بالاتر از آن‌ها می‌باشی». «ذیل آیات ۶۷، ۶۸ و ۶۹ سوره طه در این رابطه توضیحات لازم ارائه شده است». وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله و آله و سلّم مجدّداً مرد یهودی را مورد خطاب قرار داده و به او فرمود:

ای یهودی:

اگر حضرت موسی بن عمران مرا می‌یافت «اگر در زمان من بود» و به من و به رسالت و نبوّت من ایمان نمی‌آورد ایمان حضرت موسی و پیامبری حضرت موسی هیچ سودی به او نمی‌رساند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بار دیگر مرد یهودی را مورد خطاب قرار داده و به او فرمود:

ای یهودی:

وقتی فرزند من حضرت مهدی علیه‌السلام ظهور نماید عیسی بن مریم به یاری او می‌آید و او را پیشوا و پیشرو خود قرار می‌دهد و پشت سر حضرت مهدی علیه‌السلام به نماز می‌ایستد «به امام زمان علیه‌السلام اقتدا می‌کند».<sup>۱</sup>

۷. امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ، إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» فرمودند:

کلماتی که حضرت آدم از پروردگارش آموخت این بود که:  
خداوندا:

به حقّ محمّد «صلی الله علیه و آله و سلّم» و علی و فاطمه و حسن و حسین «سلام الله علیهم اجمعین» از تو درخواست می‌کنم که توبه‌ام را بپذیری، پس:  
خداوند متعال نیز توبه حضرت آدم را پذیرفت.<sup>۲</sup>

۸. در روایات متعدّدی که از ائمه معصومین علیهم‌السلام و از اهل بیت پیامبر اکرم

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۹۱، ۲۹۲، حدیث ۱۴،

احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم بر یهودیان، صفحه ۹۷، حدیث ۲۸.

۲. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۹۴، حدیث ۱۷.

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ صادر شده آمده است که:  
 مقصود از کلماتی که خداوند متعال به حضرت آدم آموخت و آیه ۳۷ سوره بقره  
 «فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ...» به آن اشاره می‌فرماید تعلیم اسماء بهترین مخلوق خداوند  
 متعال یعنی وجود مقدس محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام بوده  
 است، و حضرت آدم با توسل به این ذوات مقدسه از درگاه خداوند متعال طلب  
 مغفرت و آمرزش نمود و خداوند متعال نیز توبه حضرت آدم را پذیرفت و او را  
 آمرزید.<sup>۱</sup>

---

۱. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۱۴۰.  
 المیزان، جلد اول، صفحه ۲۷۵.  
 تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۱۷۱، ۱۷۲.  
 تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۸۴، حدیث ۲.  
 تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۱۵۵، حدیث ۱۴۳ «حدیث ۲۵۷».  
 تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۴۲.

## آیه ۴ سوره بقره:

«يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ، وَ أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ».

## ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

ای بنی اسرائیل «ای فرزندان اسرائیل، یعنی ای فرزندان یعقوب» نعمت‌هایی را که من به شما ارزانی داشتم به یاد آورید و به عهد و پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید تا من نیز به عهد و پیمان شما وفا کنم، و تنها از من بترسید.<sup>۱</sup>

## شرح لغات و توضیحات:

ابن = پسر؛

بنی اسرائیل = فرزندان اسرائیل؛

اسرائیل = کلمه‌ای عبری است و نام حضرت یعقوب می باشد،

بنابراین:

یا بنی اسرائیل = ای فرزندان یعقوب؛

حضرت یعقوب فرزند حضرت اسحاق و حضرت اسحاق فرزند حضرت ابراهیم

است «حضرت یوسف فرزند حضرت یعقوب می باشد».

اسرائیل از دو کلمه «اسر» به معنی «عَبْد» و «ئیل» به معنی «الله» تشکیل شده، لذا:

اسرائیل = عبدالله، بنده خدا؛

اُذْكُرُوا = به یاد آورید «از ذِکْر می آید یعنی به یاد آوردن»؛

أَوْفُوا = وفا کنید «ایفاء = به عهد و پیمان وفا نمودن، حق کسی را به طور کامل

ادا کردن»؛

عَهْد = پیمان، میثاق؛

فَارْهَبُونِ = بترسید «از رهب می آید یعنی ترس، خوف، بیم»؛

رَهَب، رَهَب، رَهَبَة = خوف، ترس؛

إِيَّايَ فَارْهَبُونِ = فقط از من بترسید، فقط از مجازات من بترسید.<sup>۱</sup>

خداوند متعال در این آیه شریفه و آیات بعد که به بیش از یکصد آیه می‌رسد عتاب را متوجه ملت یهود نموده و نعماتی را که به آنها اعطا فرموده بیان می‌فرماید، همچنین:

به کفران نعمت قوم یهود نیز اشاره می‌فرماید که به جای شکر نعمت راه عصیان و سرکشی را در پیش گرفته و به جای شکر نعمت کفران نعمت نمودند. خداوند متعال در این آیه شریفه بنی اسرائیل را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ = ای بنی اسرائیل «ای فرزندان یعقوب»: به یاد آورید نعماتی را که به شما ارزانی داشتم. خداوند متعال نعمات فراوانی به ملت یهود «بنی اسرائیل» اعطا فرمود که تعدادی از آنها را ذیلاً ملاحظه می‌فرمائید.

نعمت هدایت و ایمان با فرستادن حضرت موسی در میان آنها،

فضیلت و برتری یافتن به مردم زمان خویش،

نجات از چنگال فرعونیان،

شکافته شدن رودخانه نیل و غرق شدن فرعونیان،

قرار دادن ابر به منزله سایبان در بیابان تا آفتاب سوزان آنها را اذیت نکند،

فرستادن «مَن» و «سَلْوَى» برای آنها «مَن» = شیره مخصوص درختان، سَلْوَى =

پرندگانی شبیه کبوتر» تا گرسنه نمانند و...

بنی اسرائیل به جای اینکه در مقابل این همه لطف و عنایت خداوند متعال شکرگزاری

نمایند و از خداوند متعال ممنون باشند که این همه به آنها عنایت نموده است شروع

به کفران نعمت نموده و با تمرد و عصیان و سرکشی مرتکب گناه شدند.

فقط به دو نمونه از کفران نعمت و تمرد و طغیان بنی اسرائیل اشاره می‌شود:

۱. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۱۴۴ - ۱۴۵.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۴۸.

مفردات راغب.



وقتی که حضرت موسی بن عمران از طور سیناء «کوه طور» بازگشت مشاهده کرد که بنی اسرائیل گوساله پرست شده‌اند. عصیان دیگر بنی اسرائیل این بود که از حضرت موسی خواستند تا خداوند متعال را به آن‌ها نشان بدهد تا آن‌ها خدا را ببینند. قابل ذکر است که بیش از یکصد آیه از آیات سوره بقره در رابطه با یهودیان می‌باشد.

این قوم در شهر مدینه از اهمیّت و اعتبار ویژه‌ای برخوردار بودند، زیرا: قوم یهود معروف‌ترین جمعیت پیروان اهل کتاب در مدینه بودند. اکثر یهودیان مدینه و اطراف مدینه پس از ظهور اسلام همچنان به آئین خود باقی مانده و از گرویدن به اسلام خودداری کردند، ضمن اینکه به طور آشکار و نهان بر علیه اسلام و مسلمین فعالیت نموده و قصد نابود کردن اسلام را داشتند، لذا: سوره بقره که به گفته بعضی از مورّخین و مفسّرین نخستین سوره‌ای است که در مدینه به پیامبر اکرم نازل شده طیّ بیش از یکصد آیه قوم یهود را مورد سرزنش قرار داده و کفران نعمت آن‌ها را بیان می‌فرماید.<sup>۱</sup> ادامه آیه شریفه نیز در رابطه با بنی اسرائیل و قوم یهود بوده و خداوند متعال آن‌ها را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

وَأَوْفُوا بَعْثِدَىٰ أَوْفِ بَعْثِدِ كُمْ = به عهد و پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید تا من نیز به عهد و پیمان شما وفا کنم، یعنی:

اگر شما به عهد و پیمان خویش وفا کنید و به عهد و پیمان خویش وفادار بمانید من نیز «خداوند متعال» به عهد و پیمان شما وفا می‌کنم یعنی شما را وارد بهشت می‌کنم. عهد و پیمان بنی اسرائیل «قوم یهود» با خداوند متعال در آیات ۸۳ و ۸۴ سوره بقره و آیه ۱۲ سوره مائده آمده که بیش از ده مورد را شامل می‌شود که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. المیزان، جلد اوّل، صفحه ۲۷۹-۲۸۰.

مجمع‌البیان، جلد اوّل، صفحه ۱۴۶-۱۴۷.

تفسیر نمونه، جلد اوّل، صفحه ۲۴۵-۲۴۶.

خداوند متعال پس از نجات دادن بنی اسرائیل از چنگال فرعون از آن‌ها پیمان گرفت که:

۱. فقط الله را پرستند و غیر از خداوند متعال معبودی نداشته باشند «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ»؛

۲. به پدر و مادر خویش نیکی کنند؛

۳. نسبت به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان نیکی نمایند؛

۴. نماز را به پا دارند؛

۵. زکات مال خویش را پردازند؛

۶. خون یکدیگر را نریزند؛

۷. یکدیگر را از خانه و کاشانه خود بیرون نکنند؛

۸. «وَأَمْنَتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ» (آیه ۱۲ سوره مائده)، یعنی:

به پیامبران من ایمان بیاورید و آن‌ها را یاری کنید.

همان‌طور که ملاحظه فرمودید خداوند متعال پس از نجات دادن بنی اسرائیل از چنگال فرعون از آن‌ها عهد و پیمان گرفت «که نمونه‌هایی از آن را ملاحظه نمودید» و به آن‌ها فرمود:

ای بنی اسرائیل، شما به عهد و پیمان خویش وفادار بمانید تا من نیز به عهد خود وفا کنم، یعنی شما را وارد بهشت نمایم.

یکی از مهم‌ترین بندهای این عهد و پیمان و شاید مهم‌ترین قسمت این عهد و پیمان «پس از اقرار به یگانگی خداوند متعال و پرستش خدای یگانه» موضوع ایمان آوردن بنی اسرائیل «قوم یهود» به انبیاء بعد از حضرت موسی بن عمران می‌باشد، یعنی:

خداوند متعال از بنی اسرائیل عهد و پیمان گرفت تا چنانچه وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را درک نمودند به آن حضرت ایمان آورده و از آن حضرت اطاعت نموده و بدین وسیله اسلام را تقویت نمایند.

اگر در ادامه بحث ملاحظه فرمودید که ایمان به ولایت مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و سایر ائمه معصومین علیهم السلام بخشی از این پیمان ذکر شده اصلاً جای تعجب ندارد، زیرا یکی از مهم‌ترین و به عبارت دیگر مهم‌ترین

قسمت عهد و پیمان بنی اسرائیل قبول و پذیرش رسالت پیامبر الهی و تقویت آن‌ها بوده است و چون ایمان آوردن به اوصیاء پیامبران نیز دستور خداوند متعال می‌باشد، لذا: ایمان به پیامبران زمانی محقق می‌شود که به اوصیاء آن‌ها نیز ایمان آورده شود، بنابراین:

خداوند متعال از بنی اسرائیل عهد و پیمان گرفت که:

چنانچه وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیاء آن حضرت یعنی ائمه معصومین علیهم السلام را درک نمودند به آن ذوات مقدسه ایمان بیاورند و از آن‌ها اطاعت کنند و فقط در این صورت است که خداوند متعال نیز به عهد خویش عمل نموده و آن‌ها را وارد بهشت می‌نماید.

گر چه مخاطب این آیه شریفه بنی اسرائیل و یهودیان مدینه می‌باشند اما در واقع مخاطب این آیه شریفه همه انسان‌هایی هستند که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیاء آن حضرت «یعنی ائمه معصومین علیهم السلام» را درک می‌کنند که باید به آن حضرت و اوصیاء آن حضرت ایمان آورده و از آن ذوات مقدسه اطاعت نموده و آن بزرگواران را یاری نمایند.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال می‌فرماید:

وَإِتَىٰ فَارُهْبُونٌ = فقط از من بترسید، یعنی:

در راه وفای به عهد و پیمان خودتان با خداوند متعال از هیچ چیز و از هیچ کس ترس و وحشت نداشته باشید و فقط و فقط از خداوند متعال بترسید که اگر به عهد و پیمان خویش عمل نکنید شما را مجازات خواهد نمود.

بنابراین:

خداوند متعال در این آیه شریفه بنی اسرائیل را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

۱. به خاطر بیاورید نعماتی را که به شما اعطا فرمودم.

یاد کردن از نعمات الهی انسان را به معرفت «شناخت» خداوند متعال سوق می‌دهد که نتیجه آن می‌شود شکر نعمت به جای آوردن، یعنی نعمت در همان راهی خرج شود که خداوند متعال امر فرموده، لذا:

خرج کردن نعمات در غیر راه حق یعنی کُفران نعمت و ارتکاب گناه.

۲. به عهد و پیمان خویش با خداوند متعال وفا کنید.

مهم‌ترین قسمت عهد و پیمان خداوند متعال با بنی اسرائیل این بود که: به پیامبران بعد از حضرت موسی مخصوصاً به اشرف انبیاء یعنی وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیاء آن حضرت یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام ایمان بیاورند که فقط در این صورت است که: خداوند متعال نیز به عهد خویش عمل نموده و آنها را وارد بهشت می‌نماید.

۳. فقط از خداوند متعال بترسید.

در راه وفای به عهد خویش و انجام وظایف خویش از هیچ کس و از هیچ چیز نترسید و خوف نداشته باشید، یعنی:

در راه اجرای مواد عهدنامه و مخصوصاً در رابطه با ایمان آوردن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیاء آن حضرت یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام از هیچ کس و از هیچ چیز نترسید و هراس نداشته باشید.

قابل ذکر است که مخاطب این آیه شریفه همه انسان‌ها هستند که باید:

نعمات خداوند متعال را به یاد بیاورند، یعنی:

شکر نعمت را به جای آورده و از کُفران نعمت اجتناب کنند،

به عهد و پیمان خویش با خداوند متعال وفا کنند، یعنی:

اوامر و نواهی خداوند متعال را اجرا نمایند، ضمن اینکه مهم‌ترین قسمت عهد و پیمان انبیاء و پیروان آنها با خداوند متعال این بود که به محمّد و آل محمّد علیهم السّلام ایمان بیاورند،

در راه اجرای مواد عهد و پیمان خویش با خداوند متعال و انجام وظایف شرعی خویش از هیچ کس و از هیچ چیز نترسند و نهراسند،

فقط از خداوند متعال بترسند و مراقب باشند تا در انجام وظایف الهی خویش

کوتاهی نکنند.<sup>۱</sup>

۱. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۱۴۶ تا ۱۴۸.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۴۵ تا ۲۴۸.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۱۷۶ تا ۱۷۷.

**توضیح:**

ذیل آیه ۸۱ سوره آل عمران «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ أُحَادِيثُ مِنْكُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نَقَلَ شَدِيدٌ أَنَّ خَدَاوَنَدَ مَتَعَالٍ مِنْ هَمِّ أَنْبِيَاءٍ وَ أُمَّتِهَا عَهْدٌ وَ پیمان گرفت که اگر وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیاء آن حضرت یعنی ائمه معصومین علیهم السَّلَام را درک نمودند به آن ذوات مقدسه ایمان آورده و آن بزرگواران را یاری نمایند.

**حدیث:**

۱. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره این آیه شریفه «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ...» فرمودند:

به خدا قسم:

حضرت آدم از دنیا رفت در حالی که با قومش پیمان بسته بود تا نسبت به فرزندش شیث که وصی و جانشین او بود وفادار بمانند اما امتش وفای به عهد نمودند، حضرت نوح چشم از جهان فرو بست در حالی که برای وصی و جانشین خویش یعنی سام از امتش پیمان گرفته بود لیکن امتش به عهد خویش وفا نکردند، حضرت ابراهیم دنیا را وداع کرد در حالی که با امتش پیمان بسته بود تا نسبت به فرزندش اسماعیل که وصی و جانشین او بود وفادار بمانند اما امتش وفای به عهد نکردند،

حضرت موسی از دنیا رفت در حالی که در رابطه با وصی و جانشین خویش «یوشع بن نون» از مردم عهد و پیمان گرفته بود لیکن امتش به عهد و پیمان خویش وفا نکردند،

حضرت عیسی بن مریم به آسمان برده شد در حالی که در رابطه با وصی و جانشین خویش «شمعون بن حمون صفا» از مردم عهد و پیمان گرفته بود لیکن امتش به عهد خویش وفا نکردند.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

ای مردم:

من نیز به زودی از میان شما خواهم رفت در حالی که با اَمتَم دربارۀ علی بن ابیطالب پیمان بسته‌ام «در رابطه با امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام»، لیکن علی بن ابیطالب نیز به سرنوشت اوصیاء و جانشینان پیامبران پیشین دچار خواهد شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه بیانات خویش فرمودند:

ای مردم:

بار دیگر عهد و پیمانم را در رابطه با علی بن ابیطالب به شما ابلاغ می‌کنم، پس هر کس پیمان‌شکنی نماید به زیان خویش اقدام نموده است، و کسی که به عهد و پیمان خویش وفادار بماند به زودی اجر و پاداش بزرگی از خداوند متعال دریافت خواهد نمود.

پیامبر اکرم مجدداً مردم را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

ای مردم:

پس از من علی بن ابیطالب امام و رهبر شما است،  
 علی بن ابیطالب وصی و جانشین من است،  
 علی بن ابیطالب برادر و یاور من است،  
 علی بن ابیطالب همسر دختر من و پدر فرزندان من است،

ای مردم:

هر کس از دستورات علی بن ابیطالب سرپیچی کند از دستورات من سرپیچی کرده است،

و هر کس از دستورات من سرپیچی کند از دستورات خداوند متعال سرپیچی کرده است،

ای مردم:

هر کس از علی بن ابیطالب اطاعت کند از من اطاعت کرده است،  
 و هر کس از من اطاعت کند از خداوند متعال اطاعت کرده است،

ای مردم:

هر کس علی بن ابیطالب را در قول و فعل «گفتار و کردار» رد کند مرا رد کرده است،  
و هر کس مرا رد کند خداوند متعال را رد کرده است،  
ای مردم:

علی بن ابیطالب سیدالاصیاء است،  
علی بن ابیطالب مولا و سرور مؤمنین است،  
ای مردم:

مُحِبِّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ مُحِبِّ مَنْ اسْتَغْنَى عَنْهُ «مُحِبِّ = دوستدار» و مُحِبِّ مَنْ مُحِبِّ  
خداوند متعال است،  
ای مردم:

دشمن علی بن ابیطالب دشمن من است،  
و دشمن من دشمن خدا است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پایان فرمایشات خویش فرمودند:  
أَيُّهَا النَّاسُ:

أَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ فِي عَلِيٍّ يُوفِّ لَكُمْ بِالْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، یعنی:  
ای مردم:

به پیمانی که خداوند متعال در رابطه با امامت علی بن ابیطالب از شما گرفته وفا  
کنید تا خداوند متعال نیز در قیامت به شما وفا کند و شما را وارد بهشت نماید.<sup>۱</sup>

۲. امام صادق علیه السلام فرمودند:

مقصود از فرمایش خداوند متعال در آیه ۴۰ سوره بقره که می فرماید:  
أَوْفُوا بِعَهْدِي أَيْنَ اسْتَغْنَى:

ای مردم، شما به ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام وفادار  
باشید،

و مقصود از فرمایش خداوند متعال در این آیه شریفه که می فرماید:  
أَوْفِ بِعَهْدِكُمْ أَيْنَ اسْتَغْنَى:

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۹۷-۲۹۸، حدیث ۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۱۶۵، حدیث ۱۵۹، «حدیث ۲۷۳».

تا من نیز به عهد و پیمان خودم با شما وفا کنم و شما را به بهشت وارد کنم. این حدیث را سماعه از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۳. از امام صادق علیه السلام در رابطه با این آیه شریفه «أَوْفُوا بِعَهْدِي، أَوْفِ بِعَهْدِكُمْ» سؤال شد،

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

تأویل این آیه شریفه این است که:

أَوْفُوا بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ فَرَضًا مِّنَ اللَّهِ، أَوْفِ لَكُمْ الْجَنَّةَ، یعنی:

شما به ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام که از جانب خداوند متعال واجب شده وفا کنید تا خداوند متعال نیز به عهد خویش با شما وفا نماید و شما را به بهشت وارد کند.

این حدیث را نیز سماعه از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۴. امام صادق علیه السلام فرمودند:

نَحْنُ عَهْدُ اللَّهِ فَمَنْ وَفَى بِعَهْدِنَا فَقَدْ وَفَى بِعَهْدِ اللَّهِ،

وَمَنْ خَفَرَهَا،

فَقَدْ خَفَرَ ذِمَّةَ اللَّهِ وَعَهْدِهِ، یعنی:

ما «ائمه معصومین علیهم السلام» عهد و پیمان خداوند متعال هستیم، پس هر کس به عهد ما وفا کند به عهد و پیمان با خداوند متعال وفا نموده است، و هر کس با ما پیمان شکنی کند عهد و پیمان خویش با خداوند متعال را شکسته است.

این حدیث را خیثمه از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۳</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۹۶، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۱۶۷، حدیث ۱۶۰، «حدیث ۲۷۴».

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۴۸.

۲. تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۱۷۶-۱۷۷.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۹۸، حدیث ۷.

۳. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۱۶۷، حدیث ۱۶۱، «حدیث ۲۷۵».



### آیه ۸۱ سوره بقره:

«بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ، فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ».

#### ترجمه:

آری، کسانی که مُرتکب گناه شوند و آثار گناه سراسر وجودشان را در بر گیرد «غرق در گناه شوند» آن‌ها اهل آتش می‌باشند و مخلّد در آتش هستند «برای همیشه داخل جهنّم خواهند ماند».<sup>۱</sup>

#### شرح لغات و توضیحات:

سَيِّئَةٌ = ۱- شرک به خداوند متعال؛ ۲- گناهان کبیره؛ ۳- گناهانی که خداوند متعال به مرتکبین آن‌ها وعده آتش جهنّم داده است.

خَطِيئَةٌ = ۱- شرک به خداوند متعال؛ ۲- گناهان کبیره؛ ۳- پافشاری و اصرار بر گناه؛ ۴- آثار گناه.

كَسَبٌ و اکتساب = تحصیل کردن و به دست آوردن چیزی از روی اراده و اختیار.<sup>۲</sup>  
این آیه شریفه «آیه ۸۱ سوره بقره» جواب قوم یهود است که می‌گفتند آتش جهنّم چند روزی بیش نخواهد بود.

خداوند متعال در این آیه شریفه به مرتکبین گناه وعده عذاب داده و به بعضی از گنهکاران وعده عذاب همیشگی داده و فرموده که مخلّد در آتش خواهند بود و خلود در آتش جهنّم یعنی اقامت دائمی و جاوید در جهنّم.

اینکه چه افرادی هستند که خداوند متعال وعده خلود در آتش جهنّم به آن‌ها داده در ادامه بحث و همچنین در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود.

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

۱. تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۳۷۵.

۲. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۲۳۵ - ۲۳۶.

المیزان، جلد اول، صفحه ۳۹۹.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۳۷۷ - ۳۷۸.

بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً = آری، کسانی که مرتکب گناه شوند.

در بخش لغات ملاحظه فرمودید که کسب و اکتساب یعنی تحصیل کردن و به دست آوردن چیزی از روی اختیار و اراده، در این صورت «مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً» اشاره به کسانی است که با علم و اراده و اختیار مرتکب گناه می‌شوند.

وَ أَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ = گناهانش او را احاطه کند.

مقصود از احاطه گناه این است که:

انسان آنقدر در گناه فرو رود و به اصطلاح غرق در گناه شود که دیگر راه نجاتی

برای وی نباشد.

سَيِّئَةٌ که در لغت به معنی هر عمل زشت و قبیح آمده تقریباً هم‌معنی با خَطِيئَةٌ می‌باشد «یعنی گناه»، لیکن در این آیه شریفه منظور از خَطِيئَةٌ می‌تواند آثار گناه نیز باشد که بر قلب و جان انسان می‌نشیند.

بنابراین معنی آیه شریفه تا این جا این شد که:

کسانی که با علم و اراده و اختیار مرتکب گناه می‌شوند و آنقدر در گناه فرو می‌روند «به اصطلاح غرق در گناه می‌شوند» که راه نجاتی برای آن‌ها نمی‌ماند.

کسی که مرتکب گناه شده و از آن جدا نمی‌شود «پیوسته مرتکب گناه می‌شود» آن گناه او را به طرف گناه دیگری سوق می‌دهد و نتیجه ارتکاب مکرر معاصی باعث می‌شود که انسان غرق در گناه شود و این گناهان آنچنان او را محاصره می‌کنند که روزنه‌ای باقی نمی‌ماند تا نور هدایت به او برسد، در واقع چنین شخصی زندانی گناهان خودش شده که او را محاصره کرده‌اند که هیچ روزنه و منفذی به بیرون ندارد و در این صورت راه نجاتی برای او نیست.

وقتی انسان به چنین مرحله‌ای برسد گناه بر او غالب شده و همه قلب و جان او را فرا می‌گیرد و در نتیجه او مایل به معاصی می‌شود و آن‌ها را نیکو می‌شمارد و کسی که او را از انجام گناه مانع شود دشمن می‌پندارد.

این‌ها کسانی هستند که آیات بعد «مخصوصاً آیه ۸۶» به آن‌ها اشاره نموده و

فرموده که:

این‌ها کسانی هستند که آخرت خودشان را به زندگی دنیا فروخته‌اند لذا عذاب

آن‌ها در جهنم تخفیف داده نخواهد شد.

بنابراین:

کسانی که با علم و اراده مرتکب گناه شوند و گناهان آن‌ها را از هر سو احاطه کنند «به اصطلاح غرق در گناه شوند» در این صورت:

فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ = پس، آن‌ها اهل آتش هستند.

هُم فِيهَا خَالِدُونَ = برای همیشه و برای ابد داخل جهنم خواهند ماند یعنی مخلد در آتش جهنم هستند، پس:

کسانی که مرتکب گناه شوند و اصرار بر گناه داشته باشند و غرق در گناه شوند داخل جهنم خواهند شد و جایگاه همیشگی و ابدی آن‌ها جهنم است و به اصطلاح مخلد در آتش می‌باشند.

خلود در آتش جهنم مخصوص کسانی است که آن‌ها را گناهان از هر سو احاطه کرده و به اصطلاح غرق در گناه شده‌اند «أَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ» این افراد عبارتند از:

۱. مُشْرِكِينَ

خداوند متعال در آیه ۴۸ سوره نساء می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ...

یعنی: خداوند متعال مُشْرِكِينَ را نمی‌آمرزد «کسانی را که به خداوند متعال شرک

می‌ورزند».

۲. کافرین و تکذیب‌کنندگان آیات الهی

خداوند متعال در آیات متعددی این موضوع را بیان فرموده است از جمله در آیه

۳۹ سوره بقره.

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا، أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ، یعنی:

کسانی که کافر شدند «کفر ورزیدند» و آیات ما را تکذیب کردند اصحاب آتش

هستند و مخلد در آتش می‌باشند «جایگاه همیشگی و ابدی آن‌ها جهنم است».

مقصود از کافر که مخلد در آتش جهنم می‌باشد کسی است که به خداوند متعال

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان ندارد، یعنی:  
کسی که به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان نیاورد و آن  
حضرت را به عنوان خاتم پیامبران نداند کافر است و جایگاه او جهنم است و مخلد  
در آتش می باشد.

خداوند متعال در آیه ششم سوره بینه می فرماید:  
إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ  
الْبَرِيَّةِ، یعنی:

کافران از اهل کتاب «یهود و نصاری» و مشرکین در آتش جهنم هستند و جایگاه  
ابدی و همیشگی آنها جهنم است «مخلد در آتش هستند» و آنها بدترین مخلوقات  
می باشند.

تعبیر به کَفَرُوا اشاره به کُفِرَ اهل کتاب و مشرکین در مقابل آئین اسلام می باشد و  
گرنه کُفِرَ و شرک قبلی آنها مطلب تازه ای نبود.  
بنابراین:

کافرین و مشرکین اهل آتش هستند و مخلد در آتش می باشند و مقصود از  
کافرین کسانی هستند که به خداوند متعال و پیامبر اکرم ایمان ندارند.  
ضمن اینکه خداوند متعال کافرین و مشرکین را در آیه ششم سوره بینه شَرُّ الْبَرِيَّةِ  
عنوان فرموده یعنی بدترین مخلوقات.

ملاحظه فرمودید که خلود در آتش جهنم به کافرین و مشرکین اختصاص یافت،  
لیکن چنانچه افرادی باشند که ظاهراً ایمان داشته باشند لیکن غرق در انواع گناهان  
بوده و از ارتکاب هیچ گناهی ابا نداشته باشند این چنین گنهکارانی نیز سرانجام  
گوهر ایمان خویش را از دست خواهند داد و مشرک و بی ایمان از دنیا خواهند رفت  
و در نتیجه مخلد در آتش خواهند بود.

در آیات فراوانی از جمله در آیه ۳۹ سوره بقره، آیه ۳۶ سوره اعراف، آیه ۱۴۷  
سوره اعراف، آیه ۱۰ سوره تغابن و... آمده که:

کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند و در ادامه این آیات شریفه  
وعده خلود در جهنم به آنها داده شده است.

بنابراین:

جایگاه تکذیب‌کنندگان آیات خداوند متعال جهنم است و اینگونه افراد مخلد در آتش جهنم می‌باشند.

ذیل آیه ۱۸ سوره هود و آیات ۱۲۴ تا ۱۲۶ سوره طه احادیثی از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده که ائمه معصومین علیهم‌السلام آیات عظمای خداوند متعال هستند و تکذیب‌کنندگان آن ذوات مقدسه مخلد در آتش جهنم می‌باشند، همچنین: ذیل آیه ۳۷ سوره مائده نیز احادیثی از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده که: دشمنان ائمه معصومین علیهم‌السلام مخلد در آتش جهنم بوده و هرگز از جهنم بیرون نخواهند شد.

در رابطه با اینکه ائمه معصومین علیهم‌السلام آیات عظمای خداوند متعال می‌باشند، به چند حدیث اشاره می‌شود:

۱. امام صادق علیه‌السلام در رابطه با آیه ۱۰۱ سوره یونس «و ما تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ...» فرمودند:  
الْآيَاتُ هُمُ الْأَيْمَةُ، یعنی:

مقصود از آیات خداوند متعال ائمه معصومین علیهم‌السلام هستند.<sup>۱</sup>

۲. امام باقر علیه‌السلام در رابطه با آیه ۴۴ سوره قمر «كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا» فرمودند: مقصود از آیات خداوند متعال اوصیاء پیامبر اکرم می‌باشند.<sup>۲</sup>

۳. امام باقر علیه‌السلام فرمودند که وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فرمودند:

مَا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ آيَةٌ هِيَ أَكْبَرُ مِنِّي، یعنی:

خداوند متعال را آیه‌ای بزرگ‌تر از من نیست «پس از وجود مقدس پیامبر اکرم».<sup>۳</sup>

بنابراین:

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۹۶ - ۲۹۷، حدیث ۱ «حدیث ۵۲۸».

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۹۷، حدیث ۲ «حدیث ۵۲۹».

۳. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۹۷، حدیث ۳ «حدیث ۵۳۰».

۱. کافرین؛
۲. مشرکین؛
۳. تکذیب‌کنندگان آیات خداوند متعال «تکذیب‌کنندگان و منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام»،  
 اهل جهنم بوده و مخلد در آتش جهنم هستند و جایگاه همیشگی و ابدی آنها جهنم می‌باشد.  
 انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیش‌تر به این موضوع پرداخته خواهد شد.<sup>۱</sup>

### توضیح:

اگر اسمی از منافقین برده نشد و نام آنها را در زمره افرادی که مخلد در آتش جهنم هستند ملاحظه نفرمودید به این علت است که:  
 منافقین همان کافرین هستند لیکن با ظاهر اسلامی، یعنی:  
 منافقین کافرینی هستند که صرفاً تظاهر به اسلام می‌نمایند در حالی که قلباً و باطناً نه به خداوند متعال اعتقاد دارند و نه به پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم.  
 خداوند متعال در آیه ۱۴۵ سوره نساء می‌فرماید:  
 إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا، یعنی:  
 منافقین در پائین‌ترین درکات جهنم «پائین‌ترین و بدترین نقطه جهنم» قرار دارند و هرگز یآوری برای آنها نخواهی یافت.  
 قابل ذکر است که دَرَكِ أَسْفَلِ فقط یک بار در قرآن کریم آمده و آن هم در رابطه با منافقین می‌باشد.

۱. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۲۳۵-۲۳۶.

المیزان، جلد اول، صفحه ۳۹۹.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۳۷۷-۳۷۸.

تفسیر نمونه، جلد بیست و هفتم، صفحه ۲۳۰، «ذیل آیه ششم سوره بینه».

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۲۲۵.

**حدیث:**

۱. وجود مقدّس امام باقر و امام صادق سلام الله علیهما درباره این آیه شریفه «بلی مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَ أَحَاطَتْ بِهِ خَاطِبَةُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» فرمودند: إِذَا جَدَّ إِمَامَةٌ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ، یعنی: هر کس امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را انکار کند جایگاهش در جهنّم است و مخلّد در آتش خواهد بود «برای همیشه و برای ابد داخل جهنّم خواهد ماند».<sup>۱</sup>

۲. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم آیه ۸۱ سوره بقره «بلی مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَ أَحَاطَتْ بِهِ خَاطِبَةُ، فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» را تلاوت می فرمودند که تعدادی از اصحاب از آن حضرت سؤال کردند: یا رسول الله:

این اهل آتش که مخلّد در جهنّم هستند چه کسانی می باشند.  
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:  
این ها کسانی هستند که پس از من با علی بن ابیطالب مخالفت کرده و با او می جنگند. این ها به همراه کافرین اهل جهنّم می باشند زیرا وقتی حق به نزد آنها آمد «حق یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و امامت و ولایت آن بزرگوار» به او کفر ورزیدند «امامت او را نپذیرفتند».

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایشات خویش اصحاب را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:  
بدانید و آگاه باشید که علی بن ابیطالب پاره تن من است، پس:  
هر کس با او بجنگد با من جنگیده و پروردگار مرا به خشم آورده است.

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۰۴، حدیث ۸۲ «حدیث ۱۱۶۱».

المیزان، جلد اول، صفحه ۴۰۰.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۲۲۶.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۳۷۹، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۲۱۵، حدیث ۲۵۸ «۳۷۲».

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سپس امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به حضور طلبیده و به او فرمودند:

ای علی:

جنگ با تو جنگ با من است،

و صلح و سازش با تو صلح و سازش با من است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

ملاحظه فرمودید که کافرین و مشرکین و تکذیب کنندگان آیات خداوند متعال «منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام» اهل جهنم بوده و مخلد در آتش جهنم می باشند و جهنم جایگاه همیشگی و ابدی آن ها می باشد. احادیث دیگری نیز از ناحیه وجود مقدس ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده که طی آن احادیث شریف صراحتاً بیان شده که منکرین و دشمنان ائمه معصومین علیهم السلام کافر می باشند، همچنین:

عرض کردیم که قرآن کریم در آیات فراوانی از جمله:

آیه ۳۹ سوره بقره، همچنین آیات ۱۶۱ و ۱۶۲ این سوره مبارکه؛

آیه ۱۱۶ سوره آل عمران؛

آیه ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره نساء؛

آیه ۱۰ سوره تغابن؛

آیه ۶ سوره بینه، و ...؛

صراحتاً اعلام فرموده که:

کافرین اهل جهنم هستند و مخلد در آتش می باشند، لذا:

منکرین ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام کافر هستند و مانند کافرین و مشرکین اهل جهنم بوده و مخلد در آتش جهنم هستند آن هم در بدترین نقطه جهنم «ذیل آیات اول تا ششم سوره منافقون در این رابطه توضیحات مختصری ارائه شده است».

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۳۷۹، حدیث ۳.



نظر عزیزان را به چند حدیث شریف و نورانی جلب می‌کنم.  
 ۱. وجود مقدّس امام عسکری سلام الله علیه از پدر بزرگوارش امام هادی سلام  
 الله علیه نقل می‌کند که:

روز عید غدیر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را اینگونه زیارت کنید.  
 در قسمتی از این زیارتنامه خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض  
 می‌کنیم:

أَشْهَدُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَنَّ الشَّاكَّ فِيكَ مَا آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِينِ، يَعْنِي:

ای امیرالمؤمنین شهادت می‌دهم که:

هر کس درباره تو شک و تردید به خود راه دهد به رسالت و نبوت پیامبر اکرم  
 صلی الله علیه و آله و سلم ایمان نیاورده است.

این فرمایش نورانی امام هادی علیه السلام مبین این مطلب است که:

هر کس درباره امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام شک  
 و تردید داشته باشد «تردید داشته باشد که آیا آن حضرت وصی بلافصل رسول  
 الله می‌باشد یا نه»، چنین شخصی به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم  
 ایمان نیاورده است و کسی که به پیامبر اکرم ایمان نیاورد مسلمان نیست و کسی که  
 مسلمان نباشد قهراً یا کافراً یا مشرک و جایگاه کافر و مشرک نیز جهنم است،  
 آن هم خلود در جهنم یعنی اقامت دائمی و همیشگی در جهنم.

اگر کسی نسبت به امامت و ولایت مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب  
 علیه السلام و وصایت بلافصل آن حضرت شک و تردید داشته باشد چنین سرنوشتی  
 دارد که بیان شد، حال چنانچه شخصی به مرحله‌ای از گمراهی و شقاوت برسد که  
 علناً امامت و ولایت آن بزرگوار را انکار نماید و یا با آن بزرگوار مخالفت نماید و یا  
 با آن حضرت بجنگد، ناگفته پیدا است که چه وضع وخیمی خواهد داشت.

در قسمت دیگری از همین زیارتنامه شریف که از ناحیه امام هادی علیه السلام  
 صادر شده آمده است که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب  
 علیه السلام فرمودند:

وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ،  
 مَا آمَنَ بِي مَن كَفَرَ بِكَ،  
 وَلَا أَقَرَّ بِاللَّهِ مَن جَحَدَكَ، یعنی:

قسم به کسی که مرا به حق مبعوث به رسالت نمود «یعنی قسم به خداوند متعال که مرا به رسالت مبعوث نمود»،

ایمان نیاورده به من کسی که به تو کافر است «یعنی کسی که امامت تو را نپذیرفته به رسالت من ایمان نیاورده است، یعنی چنین شخصی مسلمان نیست»،  
 و اقرار نکرده به خداوند متعال کسی که تو را انکار کند «یعنی کسی که امامت تو را نپذیرفته باشد به خداوند متعال ایمان نیاورده است، یعنی چنین شخصی کافر است»،

خلاصه فرمایش نبی مکرم اسلام این می شود که:  
 کسی که امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را نپذیرفته باشد، چنین شخصی:

نه به خداوند متعال ایمان دارد،

و نه به پیامبر اکرم.

بدیهی است جایگاه چنین شخصی جهنم است آن هم در پست ترین و بدترین نقطه جهنم، ضمن اینکه همراه کفار و مشرکین بوده و مخلد در آتش جهنم می باشد.

قابل ذکر است که این زیارتنامه شریف در مفاتیح الجنان نیز آمده است.

ذکر این نکته ضروری است که وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام از یک نور واحد می باشند و هنگام زیارت هر کدام از آن ذوات مقدسه خدمت آن بزرگواران عرض می کنیم «در زیارت جامعه کبیره»:

أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طَيِّبَتِكُمْ وَاحِدَةٌ، یعنی:

ارواح شما، نور شما، و سرشت شما چهارده معصوم علیهم السلام یکی است، لذا اگر کسی هر کدام از این چهارده وجود مقدس و معصوم علیهم السلام را رد کند مثل این است که همه آن ذوات مقدسه را رد نموده، و هر کس این چهارده وجود مقدس و معصوم را رد کند مثل این است که خداوند متعال را رد و انکار نموده و

انکار خالق متعال یعنی کُفر و جایگاه کافر جهنم است آن هم پست‌ترین و بدترین نقطه جهنم، ضمن اینکه مخلّد در آتش نیز می‌باشد یعنی جهنم جایگاه همیشگی و ابدی چنین افرادی است.

۲. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

نَحْنُ الَّذِينَ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا؛

مَنْ عَرَفَنَا كَانَ مُؤْمِنًا

وَ مَنْ أَنْكَرَنَا كَانَ كَافِرًا، یعنی:

ما هستیم کسانی که خداوند متعال اطاعتشان را واجب نموده است، هر کس ما را بشناسد «به عنوان امام منصوب از ناحیه خداوند متعال» مؤمن است،

و هر کس ما را انکار کند «امامت ما را نپذیرد» کافر است.<sup>۱</sup>

۳. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری در محلّ غدیر خم در حضور جمعیت کثیری از حجاج بیت‌الله الحرام خطبه مفصلی ایراد فرمود و گوشه‌ای از فضائل و مناقب مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را بیان فرموده و سپس به امر خداوند متعال آن حضرت را به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قسمتی از بیانات خویش فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يُتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَّهَ، وَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ، حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ مِمَّنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ، وَ أَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا تُكْرَأُ أَبَدًا الْآبَادِ وَ دَهْرُ الدُّهُورِ، فَأَخَذُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَضَلُّوا نَارًا وَ قَوْدُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ، یعنی:

ای گروه مردم:

به درستی که علی بن ابیطالب از طرف خداوند متعال بر شما امام است «یعنی

خداوند متعال او را به عنوان امام مسلمین منصوب فرموده است»، هر کس ولایت او را انکار کند خداوند متعال هرگز توبه‌اش را نمی‌پذیرد و او را نمی‌آمرزد. بر خداوند متعال حَتْم است که با منکر ولایت علی بن ابیطالب چنین معامله‌ای کند زیرا او با امر خداوند متعال درباره علی بن ابیطالب مخالفت کرده است و خداوند متعال منکر ولایت علی بن ابیطالب را عذاب خواهد کرد، عذابی سخت و همیشگی که انتها نداشته باشد «یعنی منکرین ولایت مخلد در عذاب هستند»، پس: ای مردم، بترسید از مخالفت با علی بن ابیطالب که در این صورت وارد آتشی خواهید شد که هیزم آن مردم «اهل جهنم» و سنگ‌های جهنم می‌باشد که خداوند متعال برای کافرین مهیا نموده است.

### توضیح:

دو قسمت از این فرمایش پیامبر اکرم مرتبط با بحث ما در خصوص آیه ۸۱ سوره بقره و احادیث ذیل آن می‌باشد.

**الف)** منکرین ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و سایر ائمه معصومین علیهم‌السلام مخلد در آتش جهنم هستند.

**ب)** جایگاه منکرین ولایت آن حضرت در جهنم همان جایگاه کافرین می‌باشد، یعنی:

منکرین ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام و کافرین در جهنم کنار هم بوده و هم‌نشین و ملازم یکدیگر می‌باشند، زیرا:

قبلاً به عرض رسید که منکر ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام کافر می‌باشد و همه کافرین در جهنم کنار یکدیگر می‌باشند.

قابل ذکر است که احادیث دیگری نیز از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صادر شده مبنی بر اینکه:

منکرین ولایت علی بن ابیطالب علیه‌السلام و مخالفین آن حضرت کافر می‌باشند، که به عنوان نمونه به دو حدیث اشاره می‌شود.

وجود مقدس پیامبر اکرم فرمودند:

عَلَيْ خَيْرِ الْبَشَرِ، وَ مَنْ أَبِي فَقَدْ كَفَرَ، یعنی:

علی بن ابیطالب بهترین انسان‌ها است «بعد از پیامبر اکرم» و هر کس این مطلب را نپذیرد و آن را منکر شود، کافر است.

لَا تُضَادُّوْا بَعْلِيْ أَحَدًا فَتَكْفُرُوْا، وَلَا تُفْضِلُوْا عَلَيِّهِ أَحَدًا فَتَرْتَدُّوْا، یعنی:

هر کس با علی بن ابیطالب مخالف کند و با او ضدیت داشته باشد کافر است، و هر کس فردی را به علی بن ابیطالب برتری دهد مرتد است «مرتد یعنی کسی که از اسلام خارج شده و کافر شده است».

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایشات خویش «در محل غدیر خم» فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

بِی وَاللّٰهِ بَشَرِ الْاَوْلٰوْنَ مِنَ النَّبِيِّنَ وَ الْمُرْسَلِيْنَ، وَ اَنَا خَاتِمُ «خَاتَمُ» الْاَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِيْنَ وَ الْحُجَّةُ عَلٰی جَمِيْعِ الْمَخْلُوْقِيْنَ مِنْ اَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِيْنَ، فَمَنْ شَكَّ فِيْ ذٰلِكَ فَهُوَ كٰفِرٌ كَفَرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْاُولٰی، وَ مَنْ شَكَّ فِيْ شَيْءٍ مِنْ قَوْلِيْ هٰذَا، فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُ، وَ الشَّاكُّ فِي الْكُلِّ فَلَهُ النَّارُ، یعنی:

ای مردم:

به خدا قسم، تمام انبیاء و رسولان گذشته «پیامبران قبل از من» به رسالت من بشارت داده‌اند و من خاتم پیامبران هستم،

من حجّت خدا بر همه مخلوقات هستم چه در آسمان‌ها و چه در زمین،

پس:

هر کس در این مطلب شک نماید کافر است همچون کُفر دوران جاهلیت، هر کس در یکی از گفته‌های من شک نماید به همه گفته‌های من شک نموده است،

و هر کس به همه گفته‌های من شک کند جایگاهش آتش جهنم است.<sup>۱</sup>

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم، صفحه ۱۲۹ «صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶» - حدیث ۳۲.

شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم - تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی - صفحه ۱۷۲ تا ۱۷۴.

**توضیح:**

یعنی اگر شخصی در رابطه با فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خصوص امامت و ولایت مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام شک و تردید داشته باشد مثل این است که نسبت به همه فرمایشات پیامبر اکرم تردید دارد، یعنی به رسالت و نبوت آن حضرت شک و تردید دارد و چنین شخصی کافر می باشد، لذا نتیجه کلام این می شود که: کسی که به امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام شک و تردید داشته باشد و امامت آن ذوات مقدّسه را انکار نماید کافر است و جایگاه کافر آتش جهنّم است و مخلّد در آتش می باشد.

۴. در زیارت جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدّس امام هادی علیه السلام صادر شده و یک دوره کامل و جامع امام شناسی است هنگام زیارت هر کدام از معصومین علیهم السلام خدمت آن بزرگواران عرض می کنیم:

فَالرَّاغِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ، یعنی:

اعراض کننده از شما از دین خارج است، و خروج از اسلام یعنی ورود در وادی کُفر، بنابراین:

هر کس از ولایت و امامت شما ائمه معصومین علیهم السلام اعراض کند و روی گرداند از دین اسلام خارج شده و کافر می شود. به عبارت دیگر:

اعراض و روی گرداندن از ولایت و امامت شما یعنی خروج از دین خدا و خروج از حزب خدا و ورود به حزب شیطان.

فأی که در اول این جمله آمده برای نتیجه است یعنی:

بعد از اینکه در جملات قبل اشاره شد که شما ائمه معصومین علیهم السلام حجّت خداوند متعال بر مخلوقات هستید و خداوند متعال به شما مقام عصمت اعطا فرموده و شما را به عنوان حجّت خویش انتخاب فرموده و اطاعت از شما را به همه مخلوقات واجب فرموده، پس:

هر کس از شما اعراض کند و روی گردان شود کافر است گرچه به حَسَب ظاهر مسلمان باشد و احکام اسلام بر او جاری باشد زیرا اسلام با گفتن شهادتین «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» تحقق می‌یابد ولو آنکه گوینده شهادتین نه اعتقاد قلبی داشته باشد و نه اعمال دین را انجام دهد، یعنی:

اگر کسی فقط بر زبان خویش شهادتین را جاری سازد مسلمان است و احکام اسلام بر او جاری است ولو اینکه اعتقاد و عملی در کار نباشد لیکن چنین اسلامی دین حق نیست، بلکه:

اسلام واقعی و دین حق دینی است که خداوند متعال و پیامبر اکرم به آن دین راضی هستند و آن دین حق و آن اسلام واقعی دینی است که دارای ولایت باشد، زیرا امام معصوم را که دارای ولایت است خداوند متعال منصوب فرموده و این مقام و منصب، مقام و منصبی است الهی، لذا:

اعراض کنندگان از ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام ظاهراً مسلمانند چون که شهادتین را بر زبان خویش جاری نموده‌اند، لیکن باطناً از دین خارج هستند و کافر می‌باشند زیرا رکن مهمّ دین یعنی ولایت را قبول ندارند و همچنانکه در صفحات قبل عرض شد «با استناد به آیات و روایات»، کافرین اهل جهنّم می‌باشند و مخلّد در آتش هستند یعنی جهنّم جایگاه همیشگی و ابدی آنها است.

همچنین در قسمت دیگری از زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره خدمت حضرات معصومین علیهم السّلام عرض می‌کنیم:

مَنْ جَحَدَكُمُ كَافِرٌ، یعنی:

منکر شما «منکر امامت و ولایت شما ائمه معصومین علیهم السّلام» کافر است،  
وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، یعنی:

هر کس با شما ائمه معصومین علیهم السّلام بجنگد مُشْرک است،

وَمَنْ رَدَّ عَلَيْنَكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، یعنی:

هر کس شما ائمه معصومین علیهم السّلام را رد کند و امامت و ولایت شما را نپذیرد جای او در پست‌ترین و بدترین جای جهنّم است، یعنی قسمتی از جهنّم که عذاب آن‌جا از عذاب همه قسمت‌های جهنّم بیش‌تر است.

راجع به موضوعات فوق به طور اجمال و اختصار توضیحاتی ارائه می‌شود.  
 مَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ، یعنی:

هر کس ولایت و امامت شما ائمه معصومین را انکار کند و آن را نپذیرد کافر است گرچه ظاهراً مسلمان باشد و به زبان خویش شهادتین را جاری سازد، به عبارت دیگر:

منکرین ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام حقیقتاً کافر هستند و روز قیامت با کافرین محشور خواهند شد گرچه ظاهراً مسلمان هستند و شهادتین را بر زبان جاری می‌سازند.

ابوسفیان و معاویه و یزید و دیگر سردمداران ضلالت و گمراهی ظاهراً مسلمان بودند و اقامه نماز می‌نمودند «یعنی ظاهراً خدا و رسول را قبول داشتند» لیکن این افراد حقیقتاً کافر بودند و روز قیامت با کافرین محشور خواهند شد.

قابل ذکر است که فرمایشات ائمه معصومین علیهم السّلام صراحت دارد که:  
 مَنْ أَنْكَرَنَا كَافِرٌ،  
 مَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ، لذا:

وقتی امام معصوم و حجّت خداوند متعال مطلبی را بفرماید ما باید بدون چون و چرا قبول کنیم و آن را بپذیریم و به دنبال دلیل نباشیم تا فرمایش حجّت خدا را اثبات کنیم، بلکه:

اگر بخواهیم مطلبی را اثبات کنیم باید به دنبال کلام معصومین و کلام حجّت خدا باشیم تا با استناد به فرمایش آن بزرگواران مطلبی را اثبات یا رد نمائیم، و در یک کلام اینک:

کلام امام معصوم علیهم السّلام کلام خداوند متعال است و فصل الخطاب می‌باشد و این موضوع نیز در زیارت جامعه کبیره آمده است، لذا:

منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام کافر می‌باشند «گرچه ممکن است به صورت ظاهر مسلمان باشند» و کافرین طبق صریح آیات شریفه قرآن کریم اهل جهنّم هستند و مخلّد در آتش می‌باشند «آیات ۳۹، ۱۶۱ و ۱۶۲ سوره بقره، ۱۶۸ و ۱۶۹ سوره نساء، ۱۰ سوره تغاین، ۶ سوره بینه و... صراحتاً این



مطلب را بیان می‌فرمایند،

وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، یعنی:

هر کس با شما ائمه معصومین علیهم‌السلام بجنگد مشرک است ولو اینکه ظاهراً مسلمان باشد.

این حدیث شریف را شیعه و سنی به طور متواتر نقل کرده‌اند که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مقاطع مختلف به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فرموده‌اند:

يَا عَلِيُّ، حَرْبُكَ حَرْبِي، وَ حَرْبِي حَرْبُ اللَّهِ، یعنی:

علی جان:

جنگ با تو جنگ با من است «هرکس با تو بجنگد مثل این است که با من می‌جنگد».

و جنگ با من جنگ با خدا است «هر کس با من بجنگد مثل این است که با خدا می‌جنگد».

وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي اسْفَلِ دَرْكِ مِنَ الْجَحِيمِ، یعنی:

هر کس امامت و ولایت شما ائمه معصومین علیهم‌السلام را رد کند و آن را نپذیرد جای او در پست‌ترین و بدترین جای جهنّم است، یعنی جایی که عذاب آن از عذاب سایر قسمت‌های جهنّم بیش‌تر است.

این فرمایش نورانی امام هادی علیه‌السلام اشاره به آیه ۱۴۵ سوره نساء دارد که می‌فرماید:

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ، یعنی:

منافقین در پائین‌ترین درکات جهنّم «پست‌ترین و بدترین نقطه جهنّم» قرار دارند «قابل ذکر است که دَرْكِ اسْفَلِ فقط یک بار در قرآن کریم آمده و آن هم در رابطه با منافقین می‌باشد».

ملاحظه فرمودید که طبق این فرمایش نورانی امام هادی علیه‌السلام در زیارت

شریفه جامعه کبیره، منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام:

هم کافر هستند، هم مُشْرک، و هم منافق «کافری که تظاهر به اسلام می‌کند»، و

این هر سه طایفه در پست‌ترین و بدترین نقطه جهنم جای دارند و مخلد در آتش هستند و آیه ۸۱ سوره بقره که مورد بحث ما می‌باشد «بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» به این موضوع اشاره می‌فرماید.<sup>۱</sup>

رَاغِبٌ = از رَعَبٌ می‌آید و رَغَبٌ دو معنا دارد:

۱- اعراض کردن، در صورتی که با عَنُّ بیاید؛

۲- تمایل و رغبت، اگر با «إِلَى» و «فِي» بیاید.

مَارِقٌ = از مَرَقٌ می‌آید و مَرَقٌ یعنی خارج شدن، و لذا به خوارج نهروان مارقین می‌گویند یعنی کسانی که از دین اسلام خارج شدند.  
جَحْدٌ = انکار کردن.

دَرَكٌ = عمیق‌ترین قسمت دریا، دَرَكٌ مانند دَرَجٌ است با این تفاوت که دَرَجٌ برای بالا رفتن و صعود کردن است و دَرَكٌ برای پائین آمدن و نزول کردن و به همین جهت است که مراتب بهشت را درجات می‌گویند و مراتب جهنم را درکات.  
دَرَكٌ = قطعه طنابی که به طناب‌های دیگر گره زده می‌شود تا به عمق دریا برسد، و به همین اعتبار به هر ضرر و زیان بدی که به انسان برسد دَرَكٌ گفته می‌شود.  
أَسْفَلٌ = پست‌ترین، پائین‌ترین.

دَرَكٌ أَسْفَلٌ = پست‌ترین نقطه جهنم - پائین‌ترین نقطه جهنم - بدترین قسمت جهنم - پائین‌ترین درکات جهنم که نقطه مقابل آن بالاترین درجات بهشت می‌باشد.<sup>۲</sup>

### توضیح:

عالم بزرگوار و فقیه و مفسر نامدار شیعه ملامحسن فیض کاشانی ذیل آیه ۸۱ سوره بقره «بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» با استناد به فرمایشات ائمه معصومین علیهم‌السلام بیان نموده که:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت‌الله حاج سید محمدتقی نقوی، صفحه ۳۳۷ - ۳۹۶ تا ۴۰۴.

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف علامه سید حسین همدانی درودآبادی، صفحه ۳۹۰ - ۴۳۶ تا ۴۳۸.

۲. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت‌الله حاج سید محمدتقی نقوی، صفحه ۲۸۲ - ۲۸۳ - ۳۳۱ - ۳۳۷.

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۲۳۶ «ذیل آیه ۱۴۵ سوره نساء».

مفردات راغب - صفحه ۱۵۸ - ۱۸۴.

مُرَاد از سَيِّئَه و گناهی که انسان را احاطه کرده و او را از دین خدا خارج کرده و باعث خلود او در جهنّم می‌شود عبارت است از:  
شُرک به خداوند متعال،  
کُفر به خداوند متعال «انکار خداوند متعال»  
کفر به نبوّت حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم و کفر به ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و دیگر ائمّه معصومین علیهم السّلام «انکار نبوّت پیامبر اکرم و امامت ائمّه معصومین علیهم السّلام»<sup>۱</sup>.

## آیه ۸۷ سوره بقره:

«أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ».

### ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

آیا چنین نیست که:

هر زمان پیامبری مبعوث به رسالت شد و چیزی برخلاف هوای نفس شما آورد شما در برابر او استکبار ورزیدید و تکبر نمودید «از ایمان آوردن به او خودداری کردید»، گروهی از آنها را تکذیب کردید و گروهی از آنها را نیز به قتل رساندید.<sup>۱</sup>

### شرح لغات و توضیحات:

هَوَىٰ = خواهش نفسانی «جمع هَوَى می شود أهواء»؛

بِمَا لَا تَهْوَىٰ = به آنچه برخلاف هوا و خواهش است؛

اسْتَكْبَرْتُمْ = استکبار ورزیدید - تکبر نمودید؛

كِبْرٌ = حالتی است در انسان که خود را نسبت به دیگران ممتاز و برتر بداند.

اسْتِكْبَارٌ = خود بزرگ بینی - خود را بزرگ پنداشتن - اظهار بزرگی کردن در حالی

که لایق و سزاوار آن نیست «استکبار و تکبر تقریباً هم معنی هستند و معنی خود

بزرگ بینی و خود را از دیگران ممتاز و برتر دانستن می دهد».<sup>۲</sup>

روی سخن در این آیه شریفه با بنی اسرائیل «قوم یهود» است و خداوند متعال این

قوم را مورد خطاب قرار داده است، گرچه مفهوم و محتوا و معیارهای آن عمومیت

داشته و همگان را در برمی گیرد، لذا:

مخاطب در این آیه شریفه همه انسانها و خصوصاً قوم یهود می باشند، چه

۱. تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۳۸۹-۳۹۰.

۲. مجمعالبیان، جلد اول، صفحه ۲۴۹.

یهودیانی که قبل از بعثت پیامبر اکرم بودند و پیامبران قبل از رسول الله صلی علیه و آله و سلم را تکذیب نموده و به قتل رساندند و چه یهودیانی که معاصر پیامبر اکرم بودند و از پذیرش اسلام خودداری می نمودند.

به هر حال آیه شریفه عمومیت دارد «مفاهیم و معیارهای آن» و همگان را مورد خطاب قرار می دهد «همه آنهایی که از قبول حق امتناع نموده و از هوی و هوس خویش پیروی نموده و می نمایند».

در ابتدای این آیه شریفه خداوند متعال می فرماید:

ما حضرت موسی را به رسالت مبعوث نمودیم و به او تورات دادیم و بعد از او نیز پشت سر هم پیامبرانی فرستادیم «از قبیل داود، سلیمان، زکریا، عیسی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم».

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال قوم یهود «بنی اسرائیل» را مورد خطاب قرار

داده و می فرماید:

أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ = آیا چنین نیست:

هر زمان که پیامبری مبعوث شد و از جانب خداوند متعال مطالب و احکامی آورد که برخلاف هوای نفس شما بود شما در برابر آن پیامبر استکبار ورزیده و تکبر نمودید و زیر بار فرمائش نرفتید و به او ایمان نیاوردید.

خلاصه این قسمت از آیه شریفه این می شود که:

خداوند متعال به قوم یهود می فرماید:

هر زمان که پیامبرانی را فرستادیم تا پیام الهی را ابلاغ کند و شما را به راه راست هدایت کند شما زیر بار نرفتید و به پیامبر الهی ایمان نیاوردید و در مقابل آن ها استکبار ورزیدید و به جای تبعیت از انبیاء الهی از هوای نفس خودتان پیروی کردید.

معنی این جمله این است که:

اگر فرمایشات انبیاء الهی مطابق میل شما بود و منافع شما را به خطر نمی انداخت با آن حکم موافقت می کردید لیکن چنانچه حکم و فرمانی می رسید که مخالف هوای نفس شما بود با او مخالفت می کردید.

خلاصه کلام این می شود که:

مؤمن واقعی در رابطه با دستورات و احکام خداوند متعال تبعیض قائل نمی‌شود و همه احکام الهی را بدون استثناء می‌پذیرد و آن‌ها را اجرا می‌کند، چه احکامی که موافق میل او باشد و چه احکامی که مخالف میل و هوای نفس او باشد، لذا:

مؤمن واقعی و راستین کسی است که مطیع محض و بی‌قید و شرط همه اوامر و احکام خداوند متعال می‌باشد بدون استثناء.  
در ادامه آیه شریفه آمده که:

این استکبار شما در مقابل حق و تبعیت از هوای نفس خودتان به حدی بود که:  
فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ = گروهی از آن پیامبران را تکذیب کردید و گروهی از آن‌ها را به قتل رساندید.

چون افراد هواپرست بی‌ایمان دعوت انبیاء را هماهنگ با منافع خویش نمی‌دیدند در برابر آن مقاومت نشان داده و از ایمان آوردن به آن‌ها خودداری می‌نمودند، و چون با گذشت زمان ممکن بود تعلیمات انبیاء الهی به فراموشی سپرده شود لذا خداوند متعال برای یادآوری انسان‌ها پیامبران را یکی پس از دیگری می‌فرستاد تا مردم به راه راست هدایت شوند لیکن افراد هواپرست همواره با آن‌ها مخالفت کرده و آن‌ها را تکذیب نموده و یا آن‌ها را به قتل می‌رساندند.

در آیه بعد خداوند متعال این افراد هواپرست و بی‌دین را لعنت کرده و می‌فرماید:  
بَلْ لَعْنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ، یعنی:

خداوند متعال آن‌ها را به خاطر کُفرشان لعنت نموده و از رحمت خویش دور نموده است.

همان‌طور که ملاحظه فرمودید خطاب در این آیه شریفه بنی‌اسرائیل «قوم یهود» هستند که بعد از حضرت موسی از ایمان آوردن به پیامبران بعد از حضرت موسی خودداری نموده و آن‌ها را تکذیب کرده و یا آن‌ها را به قتل رساندند.

همچنانکه به عرض رسید مفاهیم و معیارهای آیه شریفه عمومیت داشته و همگان را در بر می‌گیرد،

یعنی شامل همه افرادی می‌شود که انبیاء الهی و یا اوصیاء آن‌ها را تکذیب نموده و

یا آن‌ها را به شهادت رساندند، چه در امت اسلام و چه در امت‌های قبل.<sup>۱</sup>

### توضیح:

تفسیر آیه شریفه «آیه ۸۷ سوره بقره» همان بود که ملاحظه کردید و آن عبارت بود از:

تمرد و سرکشی بنی اسرائیل نسبت به دستورات خداوند متعال و ایمان نیاوردن به پیامبرانی که بعد از حضرت موسی به رسالت مبعوث شدند و این تمرد و طغیان به حدی رسید که تعدادی از این پیامبران را به قتل رساندند.

خداوند متعال در آیه بعد «آیه ۸۸ سوره بقره» متمرّدین را لعنت نموده و این لعنت را ناشی از کُفر آن‌ها بیان فرموده است.

این آیه شریفه «آیه ۸۷ سوره بقره» معنی باطنی و تأویلی نیز دارد که طبق آن کلیه افرادی که بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از ایمان آوردن به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام خودداری نموده و آن‌ها را به شهادت رساندند مشمول این دو آیه شریفه بوده و خداوند متعال منکرین ولایت آن ذوات مقدّسه را به خاطر کُفرشان لعنت نموده است.

انشاءالله تعالی توضیحات بیش‌تر را در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود.

### حدیث:

۱. امام باقر علیه السلام درباره آیه ۸۷ سوره بقره «أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ» فرمودند:

تأویل آیه شریفه اینگونه است که:

هر گاه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در مورد چیزی که مورد پسند و میل شما نیست،

۱. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۲۵۱-۲۵۲.  
تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۳۸۹ تا ۳۹۲.

یعنی ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام، مطلبی را از جانب خداوند متعال بفرماید شما در مقابل آن استکبار بورزید و در نتیجه گروهی از آل محمد علیهم السلام را تکذیب نمائید و گروهی دیگر از آل محمد علیهم السلام را به قتل برسانید. این حدیث را جابر از وجود مبارک امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۲. وجود مقدس امام باقر علیه السلام درباره آیه ۸۷ سوره بقره « أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ... » فرمودند:

تاویل آیه شریفه و معنی باطنی این آیه این است که: خداوند متعال در این آیه شریفه برای امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم مثلی زده و به آنها فرموده:

اگر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از جانب خداوند متعال چیزی آورد و مطلبی فرمود که مورد پسند شما نبود یعنی موضوع ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، شما در مقابل آن موضوع استکبار می‌ورزید «استکبار ورزیدید»، در نتیجه گروهی از آل محمد علیهم السلام را تکذیب می‌کنید «تکذیب نمودید» و گروهی دیگر از آل محمد علیهم السلام را به قتل می‌رسانید «به قتل رسانیدید».<sup>۲</sup>

### توضیح:

همان‌طور که ملاحظه فرمودید ظاهر آیه شریفه و تنزیل آن در رابطه با قوم یهود «بنی اسرائیل» می‌باشد که خداوند متعال آنها را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: هر پیامبری که مبعوث به رسالت شد و از جانب خداوند متعال مطلبی را آورد و بیان کرد که مورد پسند شما نبود و مخالف هوای نفس شما بود «سفارش در

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۸۵، حدیث ۳۱ «حدیث ۱۱۱۰».

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۳۹۳، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۲۲۷، حدیث ۲۷۶ «حدیث ۳۹۰».

۲. تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۲۴۰.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۳۹۳، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۲۲۷، حدیث ۲۷۵ «حدیث ۳۸۹».



رابطه با ایمان آوردن به پیامبرانی که بعد از حضرت موسی خواهند آمد» در برابر او استکبار ورزیدید و نافرمانی نمودید و به حدی هوای نفس بر شما غلبه کرد که گروهی از انبیاء را تکذیب نمودید و به آنها ایمان نیاوردید «مانند داود، سلیمان، عیسی بن مریم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و سلام الله علیهم اجمعین»، و گروهی از انبیاء را به قتل رساندید «مانند زکریا و یحیی»، لیکن:

تأویل آیه شریفه و معنی باطنی آن «آیه ۸۷ و ۸۸ سوره بقره» این است که: خداوند متعال امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یعنی امت اسلام را مورد خطاب قرار داده «نه همه امت اسلام، بلکه فقط آن دسته از امت اسلام که بعد از رحلت پیامبر اکرم ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و یازده امام معصوم از نسل آن حضرت و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها را مُنکر شده و حقوق آن ذوات مقدسه را غصب نمودند» و می فرماید:

اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از جانب خداوند متعال مطلبی را بیان فرمود که مطابق میل شما نبود، یعنی امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و یازده امام معصوم از نسل آن حضرت، شما با این حکم الهی مخالفت کرده و استکبار ورزیدید و نتیجه این هواپرستی این شد که شما آل محمد علیهم السلام را هم تکذیب و انکار نمودید و هم اینکه آنها را به شهادت رساندید، لذا:

مورد خطاب این آیه شریفه «تأویل و معنی باطنی آن» مسلمانانی هستند که بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم موضوع غدیر خم و آیات قرآن کریم در خصوص اهل بیت پیامبر اکرم و سفارشات مکرر پیامبر اکرم را در رابطه با امامت و ولایت اهل بیت خویش و لزوم اطاعت از آن ذوات مقدسه را تکذیب و انکار نمودند و به جای تبعیت از آن بزرگواران هر زمان که توانستند آنها را مورد اذیت و آزار قرار داده و همه آنها را به شهادت رساندند «حضرت علی علیه السلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها تا وجود مقدس امام عسکری سلام الله علیهم اجمعین».

آیه بعد «۸۸» ادامه آیه ۸۷ می باشد و اعتقادات قلبی مُنکرین امامت و ولایت را

بیان می‌فرماید که این‌ها در مقابل دعوت پیامبر اکرم مبنی بر پذیرش امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌گفتند:

وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ، یعنی دل‌های ما در غلاف و پرده است و کنایه از این است که ما نمی‌توانیم به آنچه که تو دعوت می‌کنی گوش فرا دهیم، یعنی:

دل‌های ما پذیرنده این حرف‌ها نیست و ما از این سخنان چیزی نمی‌فهمیم، زیرا آنچه که تو می‌گویی قابل فهم و درک نیست.

در ادامه آیه شریفه آمده است که:

بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ، یعنی:

خداوند متعال آن‌ها را به خاطر کُفرشان لعنت کرده و از رحمت خویش دور نموده است.

در انتهای آیه شریفه آمده که:

فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ، یعنی:

این افراد «قوم یهود طبق ظاهر آیه شریفه، مُنکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام طبق تأویل آیه شریفه» ایمان ناچیز و اندکی دارند زیرا به بعضی از احکام الهی به صورت ظاهر ایمان دارند و به بعضی دیگر کُفر می‌ورزند و آن را قبول ندارند.

صاحب مجمع‌البیان در رابطه با این قسمت از آیه شریفه می‌فرماید:

آنچه با مرام امامیه «شیعه» در معنای این جمله «فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ» مناسبت دارد این است که:

این افراد اصلاً ایمان ندارند و کلمه «قلیل» گاهی در چنین مورد استعمال می‌شود

مانند «قَلَّ مَا رَأَيْتُ هَذَا قَطُّ»، یعنی:

هیچ‌گاه این چیز را ندیدم، بنابراین:

افرادی که مورد بحث این دو آیه شریفه می‌باشند «آیات ۸۷ و ۸۸ سوره بقره» هم

قوم یهود هستند «طبق ظاهر آیات شریفه» و هم مُنکرین و مخالفین ائمه معصومین

علیهم‌السلام «طبق تأویل آیات شریفه»، که:

خداوند متعال صریحاً آنها را لعنت نموده و علّت لعنت را نیز کُفر ورزیدن آنها بیان فرموده است.<sup>۱</sup>

---

۱. مجمع البیان، جلد اوّل، صفحه ۲۵۲ تا ۲۵۴.  
المیزان، جلد اوّل، صفحه ۴۰۶.  
تفسیر نمونه، جلد اوّل، صفحه ۳۹۱ - ۳۹۵.  
تفسیر صافی، جلد اوّل، صفحه ۲۴۰ - ۲۴۱.

### آیه ۹۰ سوره بقره:

«بِسْمَا اَشْتَرُوا بِهِ اَنْفُسَهُمْ اَنْ يَكْفُرُوا بِمَا اَنْزَلَ اللهُ بَغْيًا اَنْ يُنَزَّلَ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلٰى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، فَبَاثُوا بِغَضَبٍ عَلٰى غَضَبٍ وَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ»

#### ترجمه:

آن‌ها «قوم یهود» در برابر چه بهای بدی خودشان را فروختند.  
 آن‌ها به خاطر حسد به آنچه که خداوند متعال نازل فرموده بود کافر شدند.  
 آن‌ها «قوم یهود»، معترض بودند که:  
 چرا خداوند متعال آیات خود را با فضل خویش بر هر کس از بندگانش که  
 بخواهد نازل می‌کند.  
 شعله‌های خشم خداوند متعال یکی پس از دیگری آن‌ها را فرو گرفت، و برای  
 کافران مجازاتی خوارکننده است.<sup>۱</sup>

#### شرح لغات و توضیحات:

بِسْمَا = بد است آن چیز - بد چیزی است؛

اَشْتَرُوا = فروختند؛

بَغْيًا = از روی حسد - از روی فساد - از روی ستمگری و ستم پیشگی؛

بَاثُوا = بازگشتند - منزل گرفتند. باثوا در این آیه شریفه کنایه از استحقاق پیدا  
 کردن است، یعنی قوم یهود خشم و غضب خداوند متعال را همچون منزل و مکانی  
 برای خودشان برگزیدند و انتخاب کردند؛

مُهِينٌ = خوارکننده - مهین چیزی است که صاحبش را خوار می‌کند و به او لباس  
 ذلت می‌پوشاند. «عذاب مهین یعنی عذاب خوارکننده و تحقیرکننده»<sup>۲</sup>

۱. تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۳۹۶، ۳۹۹ - ۴۰۰.

۲. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۲۵۸ تا ۲۶۱.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۴۰۱ - ۴۰۲.  
 مفردات راغب.

مخاطب در این آیه شریفه «مانند آیه ۸۷ همین سوره» قوم یهود می باشد که چگونه آخرتشان را به دنیای خودشان فروخته و راه کفر را پیمودند.

خداوند متعال در ابتدای این آیه شریفه در رابطه با قوم یهود می فرماید:

بِسْمَا أَشْتَرُوا بِهِ أَنْفُسَهُمْ = قوم یهود در برابر چه بهای بدی خودشان را فروختند.

این قسمت از آیه شریفه در واقع نکوهش قوم یهود می باشد که چه معامله بدی کردند، زیرا در این معامله آخرت خودشان را دادند و دنیا را انتخاب کردند و این بدترین معامله است که انسان دنیای زودگذر را انتخاب کند و در ازاء آن آخرت را که ابدی و همیشگی است از دست بدهد.

اینکه قوم یهود «بنی اسرائیل» چه عملی مرتکب شدند که از آن به عنوان معامله بد و معامله سراسر زیان یاد شده در ادامه آیه شریفه آمده است.

أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا = قوم یهود به خاطر حسادت به آنچه که خداوند متعال

نازل فرموده بود کافر شدند، یعنی:

وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به رسالت مبعوث شد قوم یهود از

ایمان آوردن به آن حضرت خودداری نمودند.

علت ایمان نیاوردن آن ها به پیامبر اکرم به خاطر حسادت آن ها به نبی مکرم اسلام بود و حسادت می کردند که چرا این پیامبر از بنی اسرائیل نیست، و به همین لحاظ به آن حضرت که از ناحیه خداوند متعال مبعوث به رسالت شده بود کافر شدند، یعنی آن حضرت را تکذیب کرده و به او ایمان نیاورند و اسلام اختیار نکردند با اینکه نشانه های پیامبر اکرم را در تورات یافته بودند که پیامبر خاتم در مکه به رسالت مبعوث خواهد شد و سپس به محلی بین دو کوه «عیر» و «أُحُد» یعنی شهر مدینه مهاجرت خواهد فرمود.

قابل ذکر است که حضرت ابراهیم دو پسر داشت یکی به نام اسماعیل و دیگری

به نام اسحاق.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از ذریه و نسل حضرت

اسماعیل است، لیکن قوم یهود «بنی اسرائیل» از نسل حضرت اسحاق می باشند.

حضرت اسحاق پسری داشت به نام یعقوب که اسرائیل نیز نامیده می شد، و چون

قوم یهود از نسل حضرت یعقوب می باشند لذا به آنها بنی اسرائیل گفته می شود.  
بنابراین:

بنی اسرائیل «قوم یهود» با اینکه علائم و نشانه‌های وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در کتاب خودشان یعنی تورات یافته بودند لیکن چون پیامبر اکرم از بنی اسرائیل نبود لذا به آن حضرت حسادت نموده و نسبت به ایشان کُفر ورزیدند یعنی از ایمان آوردن به ایشان خودداری نمودند.  
البته ممکن است دلایل دیگری نیز باشد «گرچه نسبت به دلیل اوّل کم اهمیت تر است» که باعث می شد تا قوم یهود از ایمان آوردن به پیامبر اکرم خودداری نمایند، مثلاً:

ممکن است قوم یهود به خاطر اینکه منافعشان به خطر می افتاد از ایمان آوردن به پیامبر اکرم خودداری نمودند، لیکن عامل اصلی ایمان نیاوردن آنها حسادت بود که چرا پیامبر اکرم از بنی اسرائیل نیست.

به هر حال قوم یهود بد معامله‌ای کردند، زیرا دنیای فانی و زودگذر را انتخاب کرده و جهان آخرت و ابدی را از دست داده و خودشان را گرفتار عذاب همیشگی جهنّم نمودند و بدتر از این معامله معامله‌ای وجود ندارد.

اعتراض یهود به خداوند متعال این بود که:

أَنْ يُنَزَّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَيَّ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ = چرا خداوند متعال آیات خود را بر هر کس از بندگان خود بخواهد به فضل خویش نازل می کند.

قوم یهود به پیامبر اکرم حسادت می کردند و ناراحت بودند از اینکه چرا پیامبر خاتم از بنی اسرائیل نیست و به همین لحاظ معترض بودند که:

چرا خداوند متعال هر کس را که اراده بفرماید مبعوث به رسالت می کند و آیات خویش را به او نازل می کند.

در واقع توقع احمقانه قوم یهود این بود که پیامبر خاتم از بنی اسرائیل باشد چرا که بنی اسرائیل مایل به این امر بودند و این قوم لجوج و عنود نمی فهمیدند که خداوند متعال با فضل خویش هر کس را که اراده بفرماید مبعوث به رسالت می فرماید.

قوم یهود با ایمان نیاوردن به پیامبر اکرم راه کُفر را در پیش گرفته و خودشان را

مستحقّ آتش جهنّم نمودند که در ادامه آیه شریفه آمده است.  
 فَبَاتُوا بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ = پس به خشمی بعد از خشمی گرفتار شدند «یهود گرفتار  
 خشم خداوند متعال شدند آن هم خشمی بعد از خشم دیگر».  
 به عبارت دیگر:

شعله‌های خشم خداوند متعال یکی پس از دیگری قوم یهود را در بر گرفت.  
 منظور از بَاتُوا بِغَضَبٍ این است که:

قوم یهود با پیمودن راه کُفر و ایمان نیاوردن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خودشان را سزاوار لعنت خداوند متعال نمودند و مستحقّ عذاب شدند، یعنی خودشان با پیمودن راه کُفر مستحقّ غضب خداوند متعال شدند و خشم غضب خداوند متعال را بر خودشان هموار نمودند.

بعضی از مفسّرین معتقدند که:

فَبَاتُوا بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ «گرفتار شدن به غضب خداوند متعال آن هم غضبی روی  
 غضب دیگر» تأکید و مبالغه در شدّت گرفتاری قوم یهود می‌باشد، یعنی:  
 چون غضب خداوند متعال از قوم یهود جدا نمی‌شود لذا مثل این است که گویا  
 خشم و غضب خداوند متعال نسبت به این قوم دائماً در حال تکرار است.  
 قوم یهود گناهان بزرگ زیادی مرتکب شدند که نتیجه آن‌ها خشم و غضب  
 خداوند متعال به آن‌ها بود.  
 گفته شده که:

یک مورد از غضب خداوند متعال نسبت به قوم یهود زمانی بود که قوم یهود  
 تورات را تحریف کردند،

مورد دیگر زمانی بود که این قوم گوساله پرست شدند،

مورد دیگر زمانی بود که آن‌ها بعضی از پیامبران را به قتل رساندند «مانند حضرت  
 یحیی و زکریا»،

مورد دیگر زمانی بود که عیسی بن مریم را تکذیب نموده و از ایمان آوردن به  
 او خود داری نمودند،

و بالاخره مورد دیگر زمانی بود که قوم یهود به خاطر حسد و ستم پیشگی پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را تکذیب کرده و از ایمان آوردن به آن حضرت امتناع نمودند و این اعمال کُفرآمیز آن‌ها باعث شد تا مستحقّ خشم و غضب خداوند متعال شوند، آن هم خشمی روی خشم دیگر.

در انتهای آیه شریفه وعده عذاب خوار کننده به این کافران «قوم یهود» داده شده و آمده است که:

وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ = عذاب خوارکننده‌ای در انتظار کافرین «قوم یهود» است.

خداوند متعال در این قسمت از آیه شریفه فرموده «لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»، بلکه فرموده:

وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ، تا علّت و سبب عذاب را بیان فرماید، یعنی:  
عذاب خوار کننده‌ای در انتظار قوم یهود است، زیرا:  
قوم یهود کافر می‌باشند یعنی:

کُفر ورزیدن نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و انکار آن حضرت، همچنین انکار امامت و ولایت اوصیاء آن حضرت «انکار امامت ائمه معصومین علیهم السّلام» یعنی انکار خداوند متعال و انکار خداوند متعال یعنی کافر شدن و گرفتار عذاب مُهین گردیدن.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که تأویل آیه شریفه «آیه ۹۰ سوره بقره» و معنی باطنی آن در رابطه با منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام می‌باشد، یعنی منکرین امامت و ولایت آن ذوات مقدّسه کافر قلمداد شده‌اند و عذاب مُهین در انتظار آنان می‌باشد «عذاب مُهین یعنی عذابی که فرد را خوار و حقیر می‌کند و او را به ذلّت می‌کشاند».

برخی می‌گویند که:

عذاب مُهین عذابی است که منتهی به اعزاز و اِکرام نخواهد شد، لذا:  
کسی که گرفتار عذاب مُهین شود نه اعزازی به دنبال دارد و نه اِکرامی، نه تخفیفی در عذابش داده می‌شود و نه از جهنّم خارج خواهد شد.  
اعزاز = گرمی داشتن - عزیز داشتن؛



اکرام = گرامی داشتن - احسان کردن؛<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

تأویل و معنی باطنی آیه ۹۰ سوره بقره این گونه است:  
بِسْمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْيًا...  
یعنی:

چه بد معامله‌ای کردند آن‌هایی که خودشان را فروختند «آخرت خودشان را فروختند و در ازاء آن دنیا را انتخاب کردند»، به خاطر اینکه از روی حسد و ستم‌پیشگی مُنکر شدند آنچه را که خداوند متعال در رابطه با ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل فرموده بود.<sup>۲</sup>

۲. امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

خداوند متعال در آیه ۹۰ سوره بقره درباره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فرمودند:

أَنْ يُنَزَّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَيَّ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، یعنی:

خداوند متعال آیات خودش را با فضل خویش بر هر کس از بندگانش که بخواهد نازل می‌کند، یعنی:

خداوند متعال با فضل خویش امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و دیگر

۱. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۲۵۸ تا ۲۶۱.

المیزان، جلد دوم، صفحه ۵.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۳۹۶ - ۳۹۹ تا ۴۰۲.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۲۴۷ - ۲۴۸.

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۸۴، حدیث ۲۵ «حدیث ۱۱۰۴».

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۲۴۷.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۴۰۳، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۲۳۳، حدیث ۲۸۲ «حدیث ۳۹۶».

ائمه معصومین علیهم السلام را به عنوان حجج خویش و امام مسلمین منصوب فرموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

ملاحظه فرمودید که:

ظاهر آیه شریفه «آیه ۹۰ سوره بقره» در رابطه با بنی اسرائیل «قوم یهود» بود که خداوند متعال آن‌ها را مورد سرزنش قرار داده و در رابطه با آن‌ها می‌فرماید: قوم یهود چه بد معامله‌ای کردند و خودشان را در برابر چه بهای بدی فروختند «دین و آخرت خودشان را فروخته و دنیا را برگزیدند».

قوم یهود به پیامبر اکرم حسادت ورزیده و منکر رسالت آن حضرت شده و به آن حضرت ایمان نیاوردند، زیرا: قوم یهود معترض بودند که:

چرا خداوند متعال حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به رسالت مبعوث نموده و قرآن را به آن حضرت نازل فرموده است و چرا خداوند متعال پیامبر خاتم را از بنی اسرائیل انتخاب نکرده است.

در انتهای آیه شریفه خداوند متعال قوم یهود را کافر خطاب نموده و به خاطر کفرشان عذاب مهین و خوارکننده را به آن‌ها وعده داده است.

تأویل آیه شریفه و معنی باطنی آیه شریفه «همانطور که در بخش حدیث ملاحظه فرمودید» در رابطه با منکرین امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشد، لذا معنی آیه شریفه «تأویل آیه شریفه» این می‌شود که:

منکرین ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیه السلام چه بد معامله‌ای کردند و خودشان را در ازاء چه بهای بدی فروختند «دین و آخرت خودشان را فروخته و دنیا را انتخاب نمودند»،

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۴۰۳ - حدیث ۳.

تفسیر نورالتقلین، جلد اول، صفحه ۲۳۳، حدیث ۲۸۲ «حدیث ۳۹۶».

منکرین امامت و ولایت در رابطه با امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که از جانب خداوند متعال نازل شده بود به آن حضرت حسد ورزیده و به آن حضرت کافر شدند «منکر امامت آن حضرت شدند»، زیرا:  
معترض بودند که:

چرا خداوند متعال امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به امامت مسلمین منصوب فرموده است.

در انتهای آیه شریفه منکرین امامت کافر قلمداد شده و به خاطر کُفرشان وعده عذاب مُهین به آن‌ها داده شده است.

بنابر این:

**الف)** مخاطب این آیه شریفه «طبق ظاهر آیه شریفه» قوم یهود می‌باشند که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حسادت ورزیده و به آن حضرت کافر شده و از ایمان آوردن به آن حضرت به عنوان پیامبر خاتم خودداری نمودند و لذا در زمره کافرین قرار گرفتند.

**ب)** مخاطب این آیه شریفه «طبق تأویل آیه شریفه» منکرین امامت و ولایت می‌باشند که به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام حسادت ورزیده و به آن ذوات مقدسه کافر شده و از ایمان آوردن به آن بزرگواران به عنوان امام منصوب از ناحیه خداوند متعال خودداری نمودند و لذا در زمره کافرین قرار گرفتند.

قابل ذکر است که در احادیث فراوانی آمده که:

حسادت ورزیدن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت «یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام» باعث حَبْطِ اعمال انسان‌ها و انحراف آن‌ها از صراط مستقیم و راه حق می‌شود.

به عنوان نمونه به قسمتی از فرمایشات پیامبر اکرم در غدیر خم اشاره می‌شود. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری در محل غدیر خم گوشه‌ای از فضائل و مناقب امیرالمؤمنین

علی بن ابیطالب علیه السلام را بیان فرموده و سپس به امر خداوند متعال آن حضرت را به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند.  
وجود مقدس پیامبر اکرم در قسمتی از بیانات خویش فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتُحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ «فَتُحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ»  
وَتَزَلَّ أَقْدَامُكُمْ، فَإِنَّ آدَمَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ «أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ، وَهُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ  
عَزَّوَجَلَّ، فَكَيْفَ بِكُمْ وَأَنْتُمْ وَمِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ...، یعنی:

ای گروه مردم:

ابلیس حضرت آدم را به واسطه حسادت از بهشت بیرون کرد «غبطه خوردن حضرت آدم به وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام و نزدیک شدن به درخت ممنوعه و خوردن از میوه آن»، پس:

ای مردم:

به علی بن ابیطالب حسادت نکنید که اعمال شما حَبَطُ می شود «حَبَطُ شدن اعمال یعنی از بین رفتن اعمال، مثل اینکه اصلاً عملی انجام نشده است تا به آن پاداشی تعلق بگیرد» و قدم‌های شما می‌لرزد و منحرف می‌شوید.

یک خطا و یک ترک اولی باعث شد تا حضرت آدم از بهشت به زمین هبوط نماید «از بهشت رانده شود» با اینکه حضرت آدم صفوة الله بود «برگزیده خدا بود» تا چه رسد به شما «پس چگونه خواهد بود حال شما»، در حالی که بین شما دشمنان خدا نیز وجود دارد «یعنی حضرت آدم با اینکه برگزیده خدا بود و مقام عصمت داشت وقتی به چهارده معصوم علیهم السلام غبطه خورد از بهشت بیرون رانده شد، حال چنانچه انسان‌های عادی به مقام و منزلت آن ذوات مقدسه حسادت بورزند ناگفته پیدا است که چه سرنوشت شومی خواهند داشت»<sup>۱</sup>.

ذیل آیه ۳۵ سوره بقره در خصوص حسد ورزیدن به وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام و عواقب سوء آن مطالبی عنوان شده است.

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم.

صفحه ۱۳۳ «صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶» - حدیث ۳۲.

## آیه ۱۲۴ سوره بقره:

«وَ إِذِ ابْتَلَىٰ اِبْرٰهِيْمَ رَبُّهُ بِكَلِمٰتٍ فَاْتَمَّهِنَّ، قَالَ اِنِّىْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا، قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي، قَالَ لَا يِنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِيْنَ».

## ترجمه:

هنگامی که خداوند متعال حضرت ابراهیم را به چند امر «به اموری» امتحان فرمود و حضرت ابراهیم به خوبی از عهده این امتحانات «آزمایش‌ها» برآمد خداوند متعال به او فرمود:

من تو را امام مردم قرار دادم «تو را برای مردم امام قرار دادم».  
حضرت ابراهیم به خداوند متعال عرض کرد:  
این امامت را برای فرزندان و نسل و دودمان من نیز قرار بده.  
خداوند متعال به حضرت ابراهیم فرمود:

عهد و پیمان من «یعنی امامت مردم» هرگز به ظالمین و ستمکاران نمی‌رسد.<sup>۱</sup>

## شرح لغات و توضیحات:

اِبْتَلَىٰ = امتحان کرد، آزمایش نمود؛

بِكَلِمَاتٍ = به اموری، به چند امر، مقصود از کلمات در این آیه شریفه قضایایی است که حضرت ابراهیم به وسیله آن‌ها آزمایش شد؛

اَتَمَّهِنَّ = آن‌ها را به انجام رسانید، آن‌ها را به اتمام رسانید؛

جَاعِلُكَ = تو را قرار دادم.

ذُرِّيَّةٍ = نسل، دودمان، فرزندان، اولاد؛

لَا يِنَالُ = نمی‌رسد؛

عَهْدٌ = میثاق، پیمان، مقصود از عهد در این آیه شریفه موضوع امامت می‌باشد.<sup>۲</sup>

۱. مجمع‌البیان، جلد دوم، صفحه ۲۳.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۴۹۷.

۲. مجمع‌البیان، جلد دوم، صفحه ۲۳-۲۴-۳۶.

این آیه شریفه موضوع آزمایش شدن و مورد امتحان قرار گرفتن حضرت ابراهیم علیه السلام در سنین کهنسالی را بیان می‌فرماید که حضرت ابراهیم پس از اینکه این آزمایشات الهی را با موفقیت به اتمام رساند آنگاه خداوند متعال به او مقام امامت اعطا فرمود.

در ابتدای این آیه شریفه آمده که:

وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ = هنگامی که خداوند متعال حضرت ابراهیم را به چند طریق «در چند امر» مورد آزمایش و امتحان قرار داد.

خداوند متعال در اواخر عمر حضرت ابراهیم و زمانی که حضرت اسماعیل و اسحاق به دنیا آمده بودند او را مورد آزمایش و امتحان قرار داد.

موارد و موضوعاتی که حضرت ابراهیم علیه السلام به وسیله آنها مورد امتحان و آزمایش قرار گرفت متعدد می‌باشند که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

۱. بردن فرزند به قربانگاه برای قربانی کردن.

منظور خوابی است که حضرت ابراهیم دید و مأموریت یافت تا فرزندش حضرت اسماعیل را به فرمان خداوند متعال قربانی نماید که حضرت ابراهیم با عزمی راسخ اقدام نمود لیکن به امر خداوند متعال گوسفندی قربانی شد و حضرت اسماعیل به حیات خویش ادامه داد.

۲. بردن زن و فرزند به سرزمین خشک و بی‌آب و علف «مکه» در حالی که یک نفر هم در آنجا سکونت نداشت «بردن حضرت اسماعیل و مادرش هاجر از سرزمین فلسطین به مکه».

۳. انداخته شدن داخل آتش توسط نمرود.

۴. قیام در برابر بت پرستان بابل و شکستن بت‌ها و امتناع از اینکه غیر خداوند متعال را پرستش کند.

۵. مهاجرت از سرزمین بت پرستان به سرزمین‌های دوردست برای ادای رسالت خویش.

غیر از موارد فوق موارد دیگری نیز عنوان شده که در تمام این موارد و این آزمایشات حضرت ابراهیم موفق و پیروز از میدان خارج شد.

بعضی از مفسّرین نیز اظهار نموده‌اند که:

منظور از کلمات که حضرت ابراهیم با آن‌ها مورد امتحان و آزمایش قرار گرفت و پیروز از امتحان خارج شد کَلِمَهِ تِکالیفِ عَقَلی و شرعی بوده که خداوند متعال حضرت ابراهیم را به آن‌ها مکلف نموده بود که اهمّ آن‌ها را ملاحظه فرمودید.

این آزمایشات الهی نسبت به حضرت ابراهیم علیه‌السّلام به این منظور بود که صفات باطنی حضرت ابراهیم از قبیل:

اطاعت، شجاعت، سخاوت، حلم و بردباری و... آشکار شود و شایستگی او برای امام شدن معلوم گردد.

قابل ذکر است که امتحان جز با برنامه عملی صورت نمی‌گیرد، و این عمل است که صفات درونی و باطنی انسان را ظاهر می‌سازد نه گفتار.

بنابراین:

مقصود از کلمات یک سلسله وظایف سنگین و مشکل بود که خداوند متعال به دوش حضرت ابراهیم علیه‌السّلام قرار داد و آن حضرت همه آن‌ها را به احسن وجه انجام داد و بدین وسیله نشان داد که شایستگی مقام والای امامت را دارد.

اگر در این آیه شریفه منظور از کلمات را الفاظ نیز بدانیم اشکالی در بحث پیش نمی‌آید، زیرا:

این الفاظ و کلمات وظایف عملی حضرت ابراهیم علیه‌السّلام را معین نموده و از عهد و پیمان‌ها و دستورالعمل‌ها حکایت می‌کند.

قابل ذکر است که:

نسبت دادن امتحان به خداوند متعال مجاز است، زیرا امتحان حقیقی از کسی صادر می‌شود که عاقبت و سرانجام کار را نمی‌داند و می‌خواهد با انجام امتحان و آزمون از آن اطلاع پیدا نماید درحالی که خداوند متعال علامّ الغیوب است و از عواقب امور همه چیزها مطلع می‌باشد و عاقبت و سرانجام همه مخلوقات را می‌داند، لیکن:

مادامی که انسان‌ها مرتکب اعمال خوب و یا بد نشوند خداوند متعال نه به آن‌ها پاداش می‌دهد و نه آن‌ها را مجازات می‌کند، لذا:

به همین مناسبت لفظ امتحان در مورد خداوند متعال به کار برده می‌شود تا

انسان‌ها نیات و صفات درونی خودشان را آشکار کنند و بدین وسیله خوب و بد انسان‌ها از یکدیگر جدا شود تا در مقابل عمل صالح و اعتقاد صحیح به آن‌ها پاداش داده شود و در مقابل عمل قبیح و اعتقاد نادرست به آن‌ها عذاب داده شود.

در ادامه آیه شریفه آمده است که:

فَاتَّمَّهُنَّ = حضرت ابراهیم آن‌ها را به انجام رسانید.

انجام رساندن و تمام کردن کلمات توسط حضرت ابراهیم یعنی حضرت ابراهیم آنچه را که خداوند متعال از او خواسته بود به بهترین نحو ممکن انجام داد و امثال امر نمود.

همان‌طور که ملاحظه فرمودید:

ظاهر آیه شریفه این را بیان فرمود که:

خداوند متعال حضرت ابراهیم را با کلمات مورد آزمایش و امتحان قرار داد و حضرت ابراهیم نیز به خوبی از عهده این امتحانات برآمد.

این امتحانات عبارت بودند از:

قربانی کردن فرزند،

انداخته شدن به داخل آتش،

شکستن بت‌ها و امتناع از پرستش غیر خداوند متعال و...

لیکن:

تأویل آیه شریفه و معنی باطنی آیه شریفه در رابطه با کلمات، وجود مقدّس

چهارده معصوم علیهم‌السّلام می‌باشند که:

حضرت ابراهیم علیه‌السّلام در اواخر عُمر خویش با توسّل به وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السّلام از خداوند متعال مسئلت نمود تا بعد از مقام نبوّت و رسالت مقام امامت را نیز به او اعطا فرماید که خداوند متعال نیز درخواست و تقاضای او را اجابت نموده و به او امامت اعطا فرمود که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به این موضوع اشاره خواهد شد.

پس از اینکه حضرت ابراهیم از عهده این آزمایشات الهی برآمد و از این امتحانات الهی موفق و پیروز خارج شد و شایستگی خود را برای احراز مقام امامت نشان داد



آنگاه خداوند متعال به او فرمود:

قَالَ اِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا = خداوند متعال به حضرت ابراهیم فرمود:

من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم، یعنی:

مقام امامت را به تو اعطا نمودم.

اعطای مقام امامت به حضرت ابراهیم در اواخر عُمر مبارک آن حضرت بود،

یعنی:

خداوند متعال پس از اعطاء نبوت و رسالت، مقام امامت را به حضرت ابراهیم

اعطا فرموده و او را به این مقام مفتخر نمود.

### تفاوت نبوت و رسالت با امامت:

نبی و رسول وحی الهی را دریافت نموده و آن را به مردم می‌رساند، بنابراین:

مقام نبوت و رسالت یعنی:

دریافت وحی از خداوند متعال و سپس ابلاغ وحی به مردم و ترویج و نشر احکام

خداوند متعال و تربیت نفوس «انسان‌ها» از طریق تعلیم و آگاهی بخشیدن، اما:

مقام امامت یعنی:

رهبری و پیشوایی خلق، و در واقع امام کسی است که با تشکیل حکومت الهی

و به دست آوردن قدرت سعی می‌کند تا احکام خداوند متعال را عملاً اجرا و پیاده

نماید، و اگر هم نتواند رسماً تشکیل حکومت دهد تا آن‌جا که امکان دارد در اجرای

احکام الهی می‌کوشد.

به عبارت دیگر:

امام یعنی کسی که:

تشکیل حکومت می‌دهد،

امور ملت و امت را اداره می‌کند،

حدود الهی را جاری می‌کند،

متخلفین از قوانین شرع را مجازات می‌کند،

به افرادی که شایستگی مقام و منصب دارند مقام و منصب اعطا می‌کند،

با کسانی که با دینداران مخالفت می‌کنند و مانع پیشرفت دین می‌شوند به محاربه و جهاد می‌پردازد، و در یک کلام:

امام، رئیس حکومت، پیشوای امت، رهبر مذهبی و مربی اخلاق مردم می‌باشد، و امامت یعنی:

رهبری همه جانبه مادی، معنوی، جسمی، روحانی، ظاهری و باطنی خلق.

بنابراین:

وظیفه نبی و رسول ابلاغ دستورات و احکام الهی است،

لیکن:

وظیفه امام اجرای دستورات و احکام الهی است.

لذا ممکن است که:

کسی مقام نبوت و رسالت را داشته باشد اما مقام امامت را دارا نباشد.

مقام امامت نیازمند شایستگی‌های فراوان در جمیع جهات است و همان مقامی

است که حضرت ابراهیم در اواخر عمر خویش و پس از اینکه از عهده همه

آزمون‌های الهی برآمد به آن رسید و در واقع:

امامت آخرین حلقه سیر تکاملی حضرت ابراهیم بود.

قابل ذکر است که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در

صدر همه انبیاء الهی قرار گرفته و همه مقامات را دارا می‌باشد، یعنی پیامبر اکرم

هم نبی و رسول است و هم امام، ضمن اینکه اوصیاء آن حضرت از امیرالمؤمنین

علی بن ابیطالب علیه السلام تا وجود مقدس امام زمان سلام الله علیه مقام امامت داشته

و حجت و خلیفه خداوند متعال به مخلوقات هستند و اطاعت از آن ذوات مقدسه

دقیقاً مثل اطاعت از پیامبر اکرم بر همه مخلوقات واجب است و تخلف از فرامین و

دستورات آن بزرگواران یعنی تخلف از اوامر و دستورات خداوند متعال.

این موضوع هم در خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم آمده، هم در زیارت شریف

جامعه کبیره و هم در احادیث دیگر، که به عنوان نمونه به فرمایش نورانی امام هادی

علیه السلام در زیارت جامعه کبیره اشاره می‌شود.

در این زیارت نورانی هنگام زیارت هر کدام از ائمه معصومین علیهم السلام به

محضر آن ذوات مقدسه عرض می کنیم:

مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ،

وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، یعنی:

هر کس شما را اطاعت کند خداوند متعال را اطاعت نموده است، و هر کس از دستورات شما سرپیچی کند از دستورات خداوند متعال سرپیچی نموده است. علاوه بر مسائلی که راجع به امام و مقام امامت به عرض رسید یک نکته دیگر نیز قابل ذکر است که:

وظیفه امام هدایت خلق است به سوی حق، یعنی:

امام، هادی خلق است به صراط مستقیم و به سوی خداوند متعال، و پیامبران «نبی

و رسول» نیز وظیفه هدایت مردم را به عهده داشته‌اند،

لیکن:

هدایت انبیاء ارائه طریق است، یعنی نشان دادن راه حق و نشان دادن راه سعادت

و رستگاری مردم از طریق نصیحت و موعظه حسنه، اما:

وظیفه امام تحقق بخشیدن به اهداف مذهب و پیاده کردن برنامه‌های دین می‌باشد،

و در واقع نوع هدایت امام فقط ارائه طریق نیست بلکه نوع هدایت امام ایصال به

مطلوب می‌باشد، یعنی:

امام دست خلق را گرفته و آن‌ها را به مقصد می‌رساند، لذا:

هر جا که در قرآن کریم موضوع امامت مطرح شده هدایت هم به دنبال آن آمده

است، آن هم هدایت به معنی ایصال به مطلوب نه فقط ارائه طریق.

از جمله صفات و ویژگی‌های امام صفت صبر و یقین می‌باشد، آن هم در اعلی

درجه.

دارا بودن صفت صبر یعنی:

صبر در برابر تمام صحنه‌هایی که برای امام پیش می‌آید، و یقین یعنی اینکه

ملکوت و باطن عالم برای امام مکشوف است، لذا امام باطن عالم و باطن مخلوقات

را می‌داند و می‌بیند و به همین لحاظ است که امام به تمام اعمال بندگان خدا «چه

خیر و چه شر» آگاه است مثل اینکه هر کس هر عملی که انجام می‌دهد گویا در

مقابل چشمان امام انجام می دهد.

وقتی که خداوند متعال مقام امامت را به حضرت ابراهیم اعطا فرمود و حضرت ابراهیم بزرگی و عظمت امامت را ملاحظه کرد از فرط خوشحالی به خداوند متعال عرض کرد:

قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي = حضرت ابراهیم به خداوند متعال عرض کرد:  
خداوندا:

از نسل من و از فرزندان من نیز امامانی قرار بده، یعنی:

به فرزندان من و اولاد من نیز مقام امامت اعطا بفرما.

خداوند متعال در پاسخ حضرت ابراهیم به او فرمود:

قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ = خداوند متعال به حضرت ابراهیم فرمود:

عهد و پیمان من یعنی مقام امامت هرگز به ظالمان نخواهد رسید. مقصود از عهد در این آیه شریفه امامت است، و در این صورت معنی این قسمت از آیه شریفه این می شود که:

مقام امامت هرگز به شخص ظالم و ستمکار نخواهد رسید.

منظور از ظلم در این آیه شریفه فقط ظلم به دیگران نیست بلکه معنی وسیعی داشته و مطلق ظلم مدنظر می باشد، اعم از ظلم به نفس «ظلم به خویش» یا ظلم به دیگران، لذا:

کسی که مرتکب گناه می شود ولو یک گناه آن هم در تمام عمر، این شخص ظلم به نفس کرده زیرا در لحظه ارتکاب گناه از رحمت خداوند متعال دور شده است، ضمن اینکه:

کسی که مرتکب گناه می شود «ولو یک گناه آن هم در تمام عمر»، یعنی از فرمان خداوند متعال سرپیچی می کند و این خود بزرگترین ظلم است.

بنابراین: امامت مقام رفیعی است که صرفاً به کسانی اختصاص یافته که علاوه بر صفت صبر و یقین که قبلاً به عرض رسید دارای مقام عصمت باشند و در تمام عمر خویش مرتکب یک گناه صغیره نیز نشوند.

یکی از دلایلی که به لزوم عصمت امام ارائه شده «توسط علماء شیعه»، استناد به

این آیه شریفه می‌باشد که خداوند متعال می‌فرماید:

لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ، یعنی:

امامت به انسان گنهکار نمی‌رسد، یعنی:

امام باید مقام عصمت داشته باشد و معصوم باشد.

نکته قابل توجه این است که:

خداوند متعال در این آیه شریفه به حضرت ابراهیم نفرمود که:

لَا يَنَالُ عَهْدِي ذُرِّيَّتَكَ، یعنی:

امامت به هیچ یک از ذریه و اولاد تو نمی‌رسد، بلکه فرمود:

لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ، یعنی:

امامت به ظالمین و گنهکاران نمی‌رسد، یعنی:

ای ابراهیم، ممکن است به بعضی از فرزندان تو که ظالم نیستند «مرتکب گناه

نمی‌شوند و معصوم هستند» مقام امامت اعطا شود.

با توجه به این آیه شریفه و دیگر آیات شریفه مرتبط با بحث امامت، همچنین

با استفاده از احادیث صادره از ناحیه مقدسه چهارده معصوم علیهم‌السلام این امر

روشن می‌شود که:

۱. امام را خداوند متعال منصوب می‌فرماید، یعنی امامت منصبی است الهی و امام

منصوب از ناحیه خداوند متعال می‌باشد.

۲. امام باید مقام عصمت داشته باشد و معصوم باشد.

۳. مادامی که انسان در روی زمین زندگی می‌کند نباید زمین خالی از امام باشد،

زیرا امام معصوم حجت خداوند متعال بر مخلوقات است و واسطه فیض الهی است

«واسطه فیض بین خداوند و مخلوقاتش» و عامل هدایت مردم به سوی حق تعالی، آن

هم هدایت از نوع ایصال به مطلوب

۴. اعمال بندگان خدا هرگز از نظر امام پوشیده نیست و امام از اعمال همه مردم

آگاه است و آنچه را که مردم انجام می‌دهند می‌بیند و از آن آگاه است.

۵. امام به تمام امور انسان‌ها و تمام حوائج آن‌ها علم و آگاهی دارد، چه در امر

معاش و دنیای آن‌ها و چه در امر معاد و آخرت آن‌ها.

۶. امام افضل مخلوقات است و مقرب‌ترین فرد به درگاه الهی می‌باشد، و ویژگی‌های دیگری که در احادیث و روایات آمده که به جهت جلوگیری از طولانی شدن کلام از ذکر آنها خودداری می‌شود.

خطبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم و زیارت جامعه کبیره بخشی از فضائل و مناقب ائمه معصومین علیهم السلام را بیان فرموده‌اند.

### توضیح:

**الف)** عرض شد که وظیفه امام هدایت است آن هم هدایت ایصال به مطلوب یعنی گرفتن دست خلق و رساندن آنها به مقصد، لیکن این حرف به این معنی نیست که امام مردم را اجباراً به حق واصل می‌کند و به حق می‌رساند بلکه مقصود این است که:

مردم با حفظ اصل اختیار و داشتن آمادگی و شایستگی می‌توانند از نفوذ و تأثیر ظاهری و باطنی و نفوذ روحانی امام استفاده برده و هدایت شوند، مثل اینکه:

خورشید را خداوند متعال خلق فرموده تا با اشعه حیات بخش خویش گیاهان را پرورش دهد و موجودات زنده با استفاده از اشعه خورشید رشد و نمو نمایند، لیکن این امر زمانی محقق می‌شود که خود موجودات آماده پذیرش باشند، به عبارت دیگر:

امام با استفاده از ولایت خویش دست همه مردم را گرفته و آنها را به سوی حق می‌برد مگر کسانی که خودشان را از زیر چتر ولایت خارج کرده و راه انحراف را پیمایند.

**ب)** عرض شد که مقام امامت از مقام رسالت و نبوت برتر و بالاتر می‌باشد، لیکن این به این معنا نیست که هر امام باید نخست به مقام نبوت و رسالت برسد آنگاه به مقام امامت نائل شود، زیرا:

جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مقام امامت داشتند بدون اینکه قبلاً به مقام نبوت و رسالت رسیده باشند، یعنی لزومی ندارد که امام قبلاً به مقام

نبوت و رسالت برسد، بلکه اگر قبل از امام پیامبری باشد که هم نبی بوده، هم رسول و هم امام «مانند وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم»، در این صورت جانشینان او یعنی ائمه معصومین علیهم السلام که مقام رفیع امامت را دارا می‌باشند برنامه امامت آن حضرت را تداوم می‌بخشند.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام مفضل بن عمر نقل می‌کند که از امام صادق علیه السلام سؤال کردم که:

یا بن رسول الله، منظور از کلمات در این آیه شریفه «إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ، قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» آیه ۱۲۴ سوره بقره چیست؟  
وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

هِيَ الْكَلِمَاتُ الَّتِي تَلَقَّاهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ، وَهُوَ أَنَّهُ قَالَ: يَا رَبِّ اسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا تَبَّتْ عَلَيَّ، فَتَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ، إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ.

فَقُلْتُ لَهُ، يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ:

فَمَا يَعْنِي عَزَّوَجَلَّ بِقَوْلِهِ فَأَتَمَّهُنَّ.

قَالَ يَعْنِي فَأَتَمَّهُنَّ إِلَى الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اثْنِي عَشَرَ إِمَامًا تَسْعَةَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

### ترجمه:

مفضل بن عمر می‌گوید که از محضر مبارک امام صادق علیه السلام سؤال کردم که:

یا بن رسول الله، منظور از «کلمات» در آیه ۱۲۴ سوره بقره چیست؟

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

منظور از کلمات در این آیه شریفه همان کلماتی هستند که حضرت آدم از

۱. مجمع البیان، جلد دوم، صفحه ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۴ تا ۳۶.

المیزان، جلد دوم، صفحه ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰ تا ۱۰۸.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۴۹۹ تا ۵۰۱، ۵۰۳ تا ۵۰۵، ۵۰۷ تا ۵۰۹.

خداوند متعال دریافت کرد و فراگرفت «اشاره به آیه ۳۷ سوره بقره» و با توسل به آن کلمات توبه نمود و خداوند متعال نیز توبه او را پذیرفت، زیرا خداوند متعال بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

و ماجرا اینگونه بود که:

حضرت آدم به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا، از تو درخواست می‌کنم و مسئلت می‌نمایم که به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام «خمس طیبه علیهم‌السلام» توبه مرا بپذیری.

خداوند متعال نیز توبه حضرت آدم را پذیرفت،

زیرا خداوند متعال بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

مفضل بن عمر می‌گوید:

خدمت امام صادق علیه‌السلام عرض کردم:

یا بن رسول الله، مقصود خداوند متعال از «أَتَمَّهَنْ» چیست؟ «منظور خداوند متعال

از اینکه می‌فرماید حضرت ابراهیم کلمات را به پایان رسانید چیست؟»

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

مقصود از فرمایش خداوند متعال مبنی بر اینکه حضرت ابراهیم کلمات را به

پایان رسانید این است که:

حضرت ابراهیم نام مبارک خمس طیبه را تا نام حضرت قائم یعنی تا دوازدهمین

امام تکمیل کرد که نه تن از آن بزرگواران از فرزندان امام حسین علیه‌السلام هستند.

امام صادق علیه‌السلام در ادامه فرمایشات خویش به مفضل بن عمر فرمودند:

ای مفضل، امامت منصبی است الهی و خلافت و جانشینی خداوند متعال است

و خداوند متعال به هر کس که صلاح بداند اعطا می‌فرماید.<sup>۱</sup>

۱. مجمع‌البیان، جلد دوم، صفحه ۲۸ - ۲۹.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۲۹۱-۲۹۲.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۴۵۸، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۲۷۳، حدیث ۳۳۸ «حدیث ۴۵۲».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۱۵۷، حدیث ۱۴۸ «حدیث ۲۶۲».

معانی الاخبار، جلد اول، باب ۶۳، صفحه ۲۹۰، حدیث ۱.



**توضیح:**

**الف)** این حدیث شریف را علاوه بر مفضل بن عمر، صفوان جمال نیز از وجود مقدس ائمه معصومین علیهم السلام نقل نموده و در تفاسیر المیزان، صافی و برهان آمده است.<sup>۱</sup>

**ب)** ذیل آیه ۶۹ سوره انبیاء نیز حدیثی از وجود مقدس امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده که:

وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام به دستور نمرود به داخل آتش انداخته شد جهت نجات از آتش به محمد و آل محمد علیهم السلام توسل نمود و خداوند متعال را به آن ذوات مقدسه سوگند داد و به خداوند متعال عرض کرد:

يَا اللَّهُ يَا وَاحِدًا يَا أَحَدًا يَا صَمَدًا، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ؛  
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنْهَا،

یعنی:

ای خداوند یکتای یگانه بی نیاز که همه نیازمندان قصد او می کنند و حاجات و نیازهای خود را از او می خواهند،

ای خداوندی که نه فرزند کسی هستی و نه فرزندی داری،

ای خداوندی که هیچ شبیه و نظیر و مثل و مانندی نداری،

از تو مسئلت می کنم و تقاضا می نمایم که:

به حق محمد و آل محمد علیهم السلام مرا از آتش نجات دهی «یعنی خداوندا

به حق وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام مرا از این آتش حفظ کن و مرا نجات بده».

پس از این توسل و درخواست بود که خداوند متعال به آتش امر فرمود که:

يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ اِبْرَاهِيمَ، یعنی:

ای آتش، برای حضرت ابراهیم سرد و سلامت باش.

۱. المیزان، جلد دوم، صفحه ۱۱۶-۱۱۷.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۲۹۲.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۴۶۸، حدیث ۶.

پس از این دستور خداوند متعال بود که:  
آتش تبدیل به گلستان شد و به حضرت ابراهیم علیه السلام آسیبی وارد نگردید.

(ج) ذیل آیه ۳۷ سوره بقره به عرض رسید که:

وقتی حضرت آدم و همسرش در بهشت مقام و منزلت وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام را آرزو نمودند خداوند متعال آن دو را به حال خودشان واگذاشت و همین امر باعث شد تا آدم و حوا از میوه شجره ممنوعه بخورند، و سپس به امر خداوند متعال به زمین هبوط نمایند.

آدم و حوا پس از هبوط به زمین به شدت نادم و پشیمان بودند تا اینکه جبرئیل علیه السلام به امر خداوند متعال به زمین نازل شد و به آدم و حوا فرمود:

پروردگارتان را به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام «خمس طیبه سلام الله علیهم اجمعین» بخوانید و از خداوند متعال درخواست کنید تا به حق این ذوات مقدسه شما را ببخشد و توبه شما را بپذیرد.

آدم و حوا نیز خداوند متعال را به حق خسمه طیبه سوگند دادند و خداوند متعال نیز توبه آنها را پذیرفت.

چون امر امامت امر بسیار مهمی است لذا حضرت ابراهیم خداوند متعال را به حق خمس طیبه و ذریه آنها یعنی دیگر ائمه معصومین علیهم السلام از وجود مقدس امام سجاد تا امام زمان سلام الله علیهم اجمعین سوگند داد «یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام» تا خداوند متعال مقام امامت را به حضرت ابراهیم اعطا فرماید.

پس از این توسل و درخواست حضرت ابراهیم بود که خداوند متعال به حضرت ابراهیم فرمود:

إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا، یعنی:

تو را برای مردم امام قرار دادم.

وقتی مقام امامت به حضرت ابراهیم اعطاء شد و آن حضرت بزرگی و عظمت امامت را ملاحظه کرد از فرط خوشحالی از خداوند متعال درخواست نمود تا امامت

را برای فرزندان او نیز قرار دهد، که خداوند متعال به او فرمود:

لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ، یعنی:

امامت هرگز به ظالمین نمی‌رسد.

ذیل آیه ۳۵ و ۳۷ سوره بقره به عرض رسید که:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام اشرف مخلوقات هستند و علّت غایی

خلقت می‌باشند، یعنی:

خداوند متعال همه عالم را به خاطر آن ذوات مقدّسه خلق فرموده و به همین

خاطر است که انبیاء الهی به این ذوات مقدّسه متوسّل شده و خداوند متعال را

به این بزرگواران سوگند داده و از خداوند متعال حوائج مهمّ خویش را مسئلت

می‌نمودند.<sup>۱</sup>

۲. عبدالعزیز بن مسلم می‌گوید:

ما در شهر مرو و در مسجد جامع این شهر در خدمت وجود مقدّس امام رضا

علیه السّلام بودیم و کسانی که در مسجد بودند راجع به موضوع امامت گفتگو

می‌کردند.

من خدمت مولا و سرورم امام رضا علیه السّلام رفته و به عرض آن حضرت

رساندم که حاضرین در مسجد راجع به امامت بحث می‌کنند.

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام فرمودند:

خداوند متعال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم را قبض روح نفرمود مگر

اینکه دین او را کامل کرد «دین اسلام را کامل کرد».

در حَجَّةُ الْوَدَاعِ که سال آخر عُمر مبارک پیامبر اکرم بود خداوند متعال آیه سوّم

سوره مائده را به آن حضرت نازل نموده و فرمودند:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا، یعنی:

امروز «روز نصب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام به عنوان امام مسلمین»

۱. تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۴۶۷ تا ۴۷۱، حدیث ۵ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۲۷۵، حدیث ۳۴۰ - ۳۴۲، «حدیث ۴۵۴ و ۴۵۶».

دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین و آئین شما پذیرفتم و پسندیدم.

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام در ادامه فرمایشات خویش فرمودند: موضوع امامت کمال دین است «بدون امامت دین اسلام کمال پیدا نکرده است».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم از دنیا نرفت مگر اینکه راه حق را به مردم نشان داد و مردم را به راه حق قرار داد، یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را به امر خداوند متعال به عنوان امام منصوب فرمود.

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام در ادامه بیانات نورانی خویش فرمودند: مگر مردم مقام و منزلت و جایگاه رفیع امامت را می شناسند که انتخاب امام به عهده آنها واگذار شود.

امامت قدرش والاتر، شأنش بزرگتر، منزلتش عالی تر، مکانش منیع تر و عمقش بیش تر از آن است که مردم با عقل خویش به آن برسند و یا با آراء خویش به آن دست یابند.

امامت مقامی است که خداوند متعال پس از نبوت و رسالت به حضرت ابراهیم اعطا فرمود و او را با دادن امامت شرافت داد و نامش را بلند نمود و به او فرمود:

إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا، یعنی:

من تو را امام مردم قرار دادم.

حضرت ابراهیم از نهایت شادی به خداوند متعال عرض کرد:

وَمِنْ ذُرِّيَّتِي، یعنی از فرزندان من هم «یعنی امامت را در فرزندان من نیز قرار

بده».

وجود مبارک امام رضا علیه السّلام در ادامه فرمایشات خویش فرمودند:

خداوند متعال امامت را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم اعطا فرمود و پیامبر اکرم نیز به دستور خداوند متعال امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را به امامت منصوب فرمود و امر امامت در نسل آن حضرت قرار گرفت. امامت فقط به فرزندان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام اختصاص دارد تا روز قیامت، زیرا

پس از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبری نیست «یعنی پیامبر اکرم خاتم پیامبران است».

امامت، خلافت و جانشینی خداوند متعال و پیامبر اکرم است و مقام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام می باشد. امام است که حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام می کند و حدود الهی را به پا می دارد و از دین خدا دفاع می کند.

امام، امین خداوند متعال است در میان خلق خدا،

امام، حجت خداوند است بر بندگان خدا،

امام، خلیفه و جانشین خداوند است در روی زمین،

امام، از گناهان پاک است و از عیوب مبرّا «امام، معصوم است»

امام، نظیر و مانند ندارد،

تمام فضیلتها مخصوص به امام است،

همه فضائل را خداوند متعال با فضل خویش به امام اعطا فرموده است.<sup>۱</sup>

۳. وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

اگر در پیشگاه خداوند متعال نامی برتر از نام امام بود خداوند متعال ما را به آن می نامید «اگر مقامی رفیع تر و ارجمندتر از امامت وجود می داشت خداوند متعال آن را به ما اعطا می فرمود».<sup>۲</sup>

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۸۳ تا ۲۹۰، حدیث ۱ «حدیث ۵۱۸».

«باب نادر و جامع در فضیلت و صفت امام علیه السلام».

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۴۶۷ - ۴۶۸، حدیث ۵.

عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد اول، باب ۲۰، صفحه ۴۴۴ تا ۴۵۸ «حدیث ۱».

«فرمایشات امام رضا علیه السلام در وصف امام و امامت».

۲. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۴۷۰، حدیث ۸.

### آیه ۱۴۳ سوره بقره:

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...».

#### ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

ما شما را امت وسط قرار دادیم تا:

شاهد و گواه بر مردم باشید و پیامبر اکرم نیز گواه و شاهد بر شما باشد.<sup>۱</sup>

#### شرح لغات و توضیحات:

**شهید** = شاهد، گواه، ناظر، بیننده «جمع شهید می شود شهداء».

بحث در این آیه شریفه راجع به گواهان و شاهدان اعمال انسانها در روز قیامت

می باشد، یعنی:

وقتی که قیامت به پا می شود در آن روز به اعمال انسانها رسیدگی می شود و به

اعمال نیک آنها ثواب و به اعمال بد آنها عقاب داده می شود. هنگام رسیدگی به

اعمال انسانها در روز قیامت شاهدان و گواهانی نیز هستند که در محضر عدل الهی

شهادت می دهند که این شخص در دنیا این کار خیر و عمل صالح و یا این عمل بد

و گناه را انجام داده، لذا:

این شاهدان «شهادت دهندگان» باید کسانی باشند که از اعمال همه انسانها مطلع

باشند، خواه این عمل خیر باشد خواه شر، خواه در حضور آنها انجام شده باشد «در

حضور شاهدان» خواه در خلوت، خلاصه کلام اینکه:

گواهان و شاهدان اعمال امت کسانی هستند که به اعمال همه انسانها در تمام

نقاط کره زمین آگاه بوده و آن را می بینند و به همین لحاظ در روز قیامت در محضر

عدل الهی شهادت می دهند که این شخص این کار خوب را انجام داده و یا اینکه

۱. مجمع البیان، جلد دوم، صفحه ۹۳.

المیزان، جلد دوم، صفحه ۱۸۹.

مرتکب فلان فعل حرام شده است.

شاهدان و گواهان اعمال مردم حتماً باید دو ویژگی را داشته باشند.

۱. در دنیا مطلع به اعمال همه انسان‌ها باشند یعنی اعمال همه انسان‌ها را ببینند و شاهد و ناظر آن باشند، چه دور و چه نزدیک، چه شب و چه روز.

۲. این شاهدان و گواهان اعمال مردم باید مقام عصمت داشته باشند تا خداوند متعال شهادت آن‌ها را بپذیرد، لذا:

این شاهدان و گواهان اعمال امت کسانی نیستند مگر ائمه معصومین علیهم السلام که حجت خداوند متعال بر مردم بوده و اعمال همه مردم در تمام نقاط عالم را می‌بینند و از آن اطلاع دارند و روز قیامت شهادت می‌دهند.

از طرف دیگر وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز شاهد و گواه بر ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشد، لذا ائمه معصومین علیهم السلام امت وسط هستند، یعنی واسطه میان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مردم می‌باشند، یعنی:

این ذوات مقدسه روز قیامت شاهد و گواه اعمال امت هستند و پیامبر اکرم نیز شاهد و گواه بر این بزرگواران .

پس از این توضیحات مختصر می‌پردازیم به اصل بحث و ترجمه آیه شریفه.

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا = ما این چنین شما را امت وسط قرار دادیم.

کلمه کَذَلِكَ یعنی این چنین، در تشبیه چیزی به چیز دیگر به کار می‌رود و ظاهراً آیه شریفه می‌خواهد بفرماید:

همانطور که خداوند متعال بر اساس حکمت خویش هر کس را که بخواهد به راه راست هدایت می‌فرماید،

و همانطور که خداوند متعال به زودی قبله را برای شما برمی‌گرداند «از بیت المقدس به سوی کعبه در شهر مکه»، لذا:

خداوند متعال اراده فرموده تا شما را امت وسط قرار دهد.

در ادامه آیه شریفه آمده است که:

لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ = تا شما گواه مردم باشید، یعنی شما اُمَّت وسط در روز قیامت شاهد و گواه بر اعمال مردم باشید «شاهد و گواه بر اعمالی که انسان‌ها در دنیا انجام داده‌اند».

بنابراین:

خداوند متعال اُمَّت وسط را شاهد و گواه بر اعمال مردم قرار داده است.

### آیا مقصود از اُمَّت وسط همه مسلمانان هستند یا عده‌ای از آن‌ها.

قطعاً و یقیناً مقصود از اُمَّت وسط عده‌ای خاص و برگزیده از اُمَّت اسلام هستند که خداوند متعال آن‌ها را انتخاب کرده و برگزیده تا روز قیامت شاهد و گواه بر اعمال مسلمین باشند و هرگز مقصود از اُمَّت وسط در این آیه شریفه همه مسلمین و همه اُمَّت اسلام نمی‌باشند، در واقع وصف بعض به کل نسبت داده شده است زیرا این بعض در آن کل هستند.

خداوند متعال در آیات ۴۷ و ۱۲۲ سوره بقره می‌فرماید:

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ، یعنی:

خداوند متعال می‌فرماید:

ای بنی اسرائیل، به خاطر بیاورید نعمت‌هایی را که به شما ارزانی داشتم و شما را بر جهانیان برتری دادم.

معنی این آیه شریفه این نیست که بنی اسرائیل به همه اُمَّت‌ها برتری دارند، زیرا: خداوند متعال در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران اُمَّت اسلام را بهترین اُمَّت‌ها دانسته

و می‌فرماید:

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ...، یعنی:

شما مسلمانان بهترین و برترین اُمَّتی هستید که پدیدار گشته‌اید،

ضمن اینکه همه بنی اسرائیل انسان‌های خوب و مؤمن نبودند «حتی در بین انسان‌های زمان خودشان» و در بین آن‌ها افراد منحرف و گنهکار زیادی دیده می‌شد که به عنوان نمونه می‌توان به گوساله‌پرست شدن آن‌ها اشاره نمود که در غیاب



حضرت موسی گوساله پرست شدند، همچنین می توان به برادران حضرت یوسف اشاره نمود که او را به داخل چاه انداخته و قصد از بین بردن او را داشتند، بنابراین: معنی آیه ۴۷ و ۱۲۲ سوره بقره این می شود که:

افرادی که به همه مردم زمان خویش برتری داشتند در بین بنی اسرائیل بودند، لذا:

مقصود از برتری دادن بنی اسرائیل به همه انسان های زمان خودشان یعنی برتری دادن بعضی از نیکان بنی اسرائیل «انبیاء بنی اسرائیل» به مردم زمان خودشان، بنابراین:

مقصود از امت وسط که شاهد و گواه اعمال مسلمانان خواهند بود «روز قیامت» همه امت اسلام نیست زیرا متقی ترین افراد امت اسلام و علمای امت اسلام از اعمال همسایه خویش نیز خبر ندارند که بخوانند در روز قیامت به اعمال آنها شهادت دهند تا چه رسد به اینکه بخوانند به اعمال همه انسان ها گواهی و شهادت دهند. حال وقتی علماء امت و متقی ترین افراد امت اسلام از اعمال همسر و فرزند و همسایه خویش مطلع نیستند که بخوانند به آنها شهادت و گواهی دهند در این صورت اوضاع و احوال گنهکاران امت اسلام و افراد لابلالی کاملاً روشن است. بنابراین:

مقصود از امت وسط در این آیه شریفه «آیه ۱۴۳ سوره بقره» افراد خاص و ویژه ای از امت اسلام هستند که خداوند متعال آنها را برگزیده و به آنها مقام عصمت اعطا فرموده و قدرتی به آنها داده که اعمال همه مردم را در همه نقاط عالم می بینند و شاهد و ناظر بر اعمال همه انسان ها هستند و روز قیامت به اعمال آنها شهادت و گواهی خواهند داد.

این افراد وجود مقدس ائمه معصومین علیهم السلام می باشند که در این آیه شریفه از آن ذوات مقدسه تعبیر به امت وسط شده که میان پیامبر اکرم و مسلمانان می باشند، یعنی:

ائمه معصومین علیهم السلام امت وسط هستند که واسطه میان پیامبر اکرم و مردم می باشند و در روز قیامت شاهد و گواه اعمال مردم خواهند بود و وجود مقدس

پیامبر اکرم نیز شاهد و گواه بر ائمه معصومین علیهم السلام.

بنابراین معنی آیات شریفه به اختصار این می شود که:

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا = خداوند متعال می فرماید:

ما شما ائمه معصومین علیهم السلام را امت وسط قرار دادیم «واسطه بین پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مردم»

لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ = تا در روز قیامت شاهد و گواه بر مردم باشید، یعنی:

اعمالی را که مسلمین در دنیا انجام داده اند «چه خیر و چه شر» شما در روز قیامت

به انجام شدن آن اعمال توسط عاملین آنها شهادت و گواهی بدهید.

در ادامه آیه شریفه آمده است که:

وَ يَكُونُ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا = وجود مقدس پیامبر اکرم نیز شاهد و گواه بر شما

ائمه معصومین علیهم السلام باشد.

در مجمع البیان آمده که:

بعضی از مفسرین این قسمت از آیه شریفه را اینگونه معنی کرده اند که:

وجود مقدس پیامبر اکرم روز قیامت به نفع شما «ائمه معصومین علیهم السلام»

شهادت خواهد داد که:

آنچه که شما ائمه معصومین علیهم السلام شهادت می دهید راست می گوئید، و

در واقع:

شاهد و گواه بودن پیامبر اکرم به ائمه معصومین در روز قیامت اینگونه می شود

که:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمایشات ائمه معصومین

علیهم السلام را تصدیق فرموده و شهادت می دهد که آن بزرگواران هر چه می فرمایند

عین واقع می باشد، یعنی شهادتی روی شهادت دیگر.<sup>۱</sup>

۱. مجمع البیان، جلد دوم، صفحه ۹۳ - ۹۵.

المیزان، جلد دوم، صفحه ۱۹۴ - ۱۹۷ تا ۱۹۹ - ۲۰۱ - ۲۰۲.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۳۱۲.

**توضیح:**

۱. شهادت بر اعمال انسان‌ها مختص به ائمه معصومین علیهم‌السلام نمی‌باشد «گرچه این ذوات مقدسه در صدر شهیدان و گواهان اعمال انسان‌ها واقع شده‌اند و اساساً از لحاظ رتبه و مقام قابل قیاس با سایر شهیدان و گواهان اعمال انسان‌ها نیستند» بلکه:

روز قیامت هر شیئی و هر چیزی که در دنیا با انسان در ارتباط بوده به اعمال او شهادت می‌دهد، مثلاً:

زمان و مکانی که انسان در آن‌جا و در آن زمان عمل صالح و یا عمل بد و گناه انجام داده به نفع یا ضرر آن شخص گواهی خواهند داد، حتی اعضاء و جوارح انسان روز قیامت به اعمالی که انسان انجام داده شهادت و گواهی خواهند داد.

خداوند متعال در آیه ۲۴ سوره نور می‌فرماید:

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمُ السِّتْنَةُمْ وَاَيُّدِيهِمْ وَاَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ، یعنی:

روز قیامت زبان‌ها و دست‌ها و پاهای انسان‌ها به اعمالشان «عملی که شخص در دنیا مرتکب شده» گواهی و شهادت خواهند داد.

همانطور که عرض شد مهم‌ترین شاهدان و گواهان اعمال انسان‌ها حجج خداوند متعال یعنی وجود مقدس ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشند که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

۲. عرض شد که شاهدین و گواهان اعمال انسان‌ها اولاً باید مقام عصمت داشته باشند تا احتمال شهادت دروغ متصور نباشد، ثانیاً این شاهدین و گواهان باید قدرتی داشته باشند که بتوانند اعمال همه انسان‌ها را در دنیا ببینند تا روز قیامت به آن شهادت و گواهی دهند، و این دو ویژگی در وجود مقدس ائمه معصومین علیهم‌السلام وجود دارد.

راجع به عصمت این ذوات مقدسه ذیل آیه ۳۳ سوره احزاب توضیحات کامل ارائه شده است.

همچنین ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره و آیه ۱۰۵ سوره توبه توضیحاتی به عرض

رسیده که:

وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم السّلام اعمال تک تک انسان‌ها را می‌بینند و از آن اطلاع کامل دارند و بر همین اساس روز قیامت به اعمال انسان‌ها شهادت و گواهی خواهند داد.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:  
 إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَهَّرَنَا وَعَصَمَنَا وَجَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَحُجَّتَهُ فِي أَرْضِهِ، وَجَعَلَنَا مَعَ الْقُرْآنِ، وَجَعَلَ الْقُرْآنَ مَعَنَا، لَا نُفَارِقُهُ وَلَا يُفَارِقُنَا، یعنی:  
 خداوند تبارک و تعالی ما را مطهّر و پاکیزه نمود «پاک و مطهّر از هر عیب و نقص و رجس و پلیدی» و ما را نگاهمان داشت، و ما را شاهد و گواه بر اعمال مخلوقاتش قرار داد،

و ما را در زمینش حجّت خود قرار داد،

و ما را با قرآن و قرآن را با ما همراه نمود،

نه ما از قرآن جدا می‌شویم و نه قرآن از ما جدا می‌شود.<sup>۲</sup>

۲. امام باقر علیه السّلام درباره این آیه شریفه «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» فرمودند:  
 نَحْنُ الْأُمَّةُ الْوَسْطَى، وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ حُجَجُهُ فِي أَرْضِهِ، یعنی:  
 ما هستیم اّمّت وسط «اّمّت میانه»،  
 ما هستیم شاهدان و گواهان خداوند متعال بر مخلوقاتش،  
 ما هستیم حجّت‌های خداوند متعال در زمینش «زمین خدا».

۱. مجمع‌البیان، جلد دوم، صفحه ۹۴ - ۹۵.

المیزان، جلد دوم، صفحه ۲۰۳.

المیزان، جلد بیست و چهارم، صفحه ۲۳۲ «ذیل آیه ۸۹ سوره نحل».

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۳۱۴.

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۷۱ - ۱۷۲، حدیث ۵ «۴۹۵».

این حدیث را بَرید عجلی از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۳. امام صادق علیه السلام در باره این آیه شریفه «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» فرمودند:

نَحْنُ الْأُمَّةُ الْوَسْطَى، وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ حُجَّجُهُ فِي أَرْضِهِ، يَعْنِي:  
ما هستیم اُمَّتِ وَسَطَى «اُمَّتِ وَسَطَى»،  
ما هستیم گواهان و شاهدان خداوند متعال بر خلقش،  
ما هستیم حجت‌های خداوند متعال در زمینش.<sup>۲</sup>

۴. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام درباره این آیه شریفه «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» فرمودند:

ما گواهان و شاهدان خداوند متعال بر مخلوقاتش هستیم،  
و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شاهد و گواه بر ما است،  
ما حجت خداوند متعال در زمین هستیم،  
و مقصود از اُمَّتِ وَسَطِ در این آیه شریفه ما هستیم.<sup>۳</sup>

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۷۱، حدیث ۴ «حدیث ۴۹۴».

مجمع البیان، جلد دوم، صفحه ۹۴.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۳۱۲.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۴۹۹، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۳۰۵، حدیث ۴۰۳ «حدیث ۵۱۸».

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۷۰، حدیث ۲ «حدیث ۴۹۲».

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۴۹۸، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۳۰۵، حدیث ۴۰۲ «حدیث ۵۱۷».

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۵۵۸.

۳. مجمع البیان، جلد دوم، صفحه ۹۴.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۳۱۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۳۰۵، حدیث ۴۰۶ «حدیث ۵۲۱».

۵. امام باقر علیه السلام در باره این آیه شریفه «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ...» فرمودند:

ما گواهان و شاهدان بر مردم هستیم.

این حدیث را ابوالورد از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۶. امام باقر و امام صادق علیهما السلام درباره این آیه شریفه «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» فرمودند:

ما شاهدان و گواهان مردم بر اموال حلال و حرام آنها می باشیم،

ما شاهد و گواه رعایت نکردن حلال و حرام مردم هستیم.

این حدیث شریف را ابی بصیر از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۷. امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» فرمودند:

گواهان و شاهدان اعمال مردم کسی نیست مگر ائمه معصومین علیهم السلام و

پیامبران،

معقول نیست که خداوند متعال امتی را گواه اعمال مردم قرار دهد و از آنها

شهادت بطلبد درحالی که در بین امت کسانی هستند که شهادت آنها در دنیا به اندازه

پر کاهی ارزش ندارد.

این روایت را حمزان بن اعین از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۳</sup>

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۳۰۷، حدیث ۴۱۰ « حدیث ۵۲۵ ».

۲. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۴۹۹ - ۵۰۰، حدیث ۶ و ۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۳۰۳، حدیث ۴۰۱ « حدیث ۵۱۶ ».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۳۰۷، حدیث ۴۰۸ « حدیث ۵۲۳ ».

۳. المیزان، جلد دوم، صفحه ۲۱۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۳۰۷، حدیث ۴۱۱ « حدیث ۵۲۶ ».

**توضیح:**

الف) طبق این حدیث شریف و دیگر احادیثی که ملاحظه فرمودید مقصود از اُمَّت وسط در این آیه شریفه «آیه ۱۴۳ سوره بقره» وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم السّلام هستند که خداوند متعال به آن بزرگواران عصمت اعطا فرموده و به آن ذوات مقدّسه قدرتی داده که می‌توانند اعمال همه مردم را در دنیا ببینند و روز قیامت به آن اعمال و صدور آن اعمال از ناحیه عاملین آن‌ها شهادت و گواهی دهند.

ب) هرگز مقصود از اُمَّت وسط در این آیه شریفه «آیه ۱۴۳ سوره بقره» اُمَّت اسلام و یا سایر اُمَّت‌ها نیستند، زیرا: اُمَّت‌ها از اعمال آحاد مردم و حتّی از اعمال نزدیکان خویش نیز آگاهی ندارند که بخواهند روز قیامت به آن شهادت دهند،

ضمن اینکه اُمَّت‌ها عصمت نداشته و مرتکب گناه می‌شوند «بعضی کم و بعضی زیاد»، لذا شهادت و گواهی بسیاری از آن‌ها در دنیا پیشیزی ارزش ندارد «مخصوصاً گنهکاران اُمَّت‌ها» تا چه رسد به شهادت و گواهی دادن آن‌ها در روز قیامت.

ج) پیامبران الهی «پیامبران قبل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم» شاهد و گواه بر افراد اُمَّت خودشان هستند، و وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم شاهد بر شهیدان است یعنی شاهد و گواه بر پیامبران الهی، همچنین شاهد و گواه به ائمه معصومین علیهم السّلام<sup>۱</sup>

د) ذیل آیات ۷۷ و ۷۸ سوره حج نیز احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که:

ائمه معصومین علیهم السّلام شاهد و گواه اعمال اُمَّت اسلام هستند و وجود

---

۱. المیزان، جلد دوم، صفحه ۲۱۹، ذیل آیه ۱۴۳ سوره بقره، و جلد بیست و چهارم، صفحه ۲۳۴ ذیل آیه ۸۹ سوره نحل، و جلد اول، صفحه ۳۳۳، ذیل آیه ۴۷ و ۴۸ سوره بقره. تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۲۹۷، ذیل آیه ۲۵۳ سوره بقره.

مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم شاهد و گواه بر آن ذوات مقدّسه.

۸. در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدّس امام هادی علیه السّلام صادر شده و یک دوره کامل و جامع امام شناسی است هنگام زیارت هر کدام از ذوات مقدّسه معصومین علیهم السّلام خدمت آن بزرگواران عرض می کنیم:

وَ رَضِيكُمْ خُلَفَاءَ، فِي أَرْضِهِ،

وَ حُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ،

وَ خَزَنَةَ لِعِلْمِهِ،

وَ شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ،

أَنْتُمْ الصُّرَاطُ الْأَقْوَمِ،

وَ شُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ،

وَ شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ، يَعْنِي:

خداوند متعال شما معصومین علیهم السّلام را:

خلیفه و جانشین خویش در روی زمین قرار داد،

حجّت خویش بر مخلوقاتش قرار داد،

خزانه داران علم خویش قرار داد «شما معصومین علیهم السّلام خزینه داران علم

خداوند متعال هستید»،

شاهدان و گواهان اعمال مخلوقات خویش قرار داد.

شما معصومین علیهم السّلام:

صراط مستقیم هستید،

گواهان بر اعمال خلق در دنیا می باشید،

شفاعت کنندگان در قیامت هستید.

منظور از «شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ» و «شُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ» این است که:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام شاهد و ناظر بر اعمال خلق می باشند

و اعمالی که خلق در دنیا انجام می دهند از نظر آن ذوات مقدّسه مخفی نیست و آن

بزرگواران از اعمال همه مخلوقات مّطلع و آگاه می باشند و بر اساس همین آگاهی



و اطلاع کامل می‌باشد که روز قیامت به انجام شدن این اعمال توسط عاملین آنها گواهی و شهادت خواهند داد.

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام خلیفه و جانشین خداوند متعال در تمام زمین هستند و اطاعت از آن ذوات مقدّسه بر همه مخلوقات و همه موجودات فرض و واجب است، زیرا در این زیارت شریف آمده که:

رَضِيكُم خُلَفَاءَ فِي اَرْضِهِ وَ نَفَرَمُودَهُ فِي النَّاسِ.

همچنین:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام حجت خداوند متعال بر همه مخلوقات می‌باشند اعم از انسان‌ها، اجنه و ملائکه، زیرا در این زیارت شریف آمده که:

حُجَجًا عَلٰى بَرِيَّتِهِ وَ نَفَرَمُودَهُ عَلٰى النَّاسِ «بَرِيَّتِهِ = خلق - مخلوق».

همچنین در قسمت دیگری از این زیارت شریف آمده که:

وَ حُجَجِ اللهُ عَلٰى اَهْلِ الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ وَ الْاَوْلٰى، یعنی:

شما چهارده معصوم علیهم السّلام حجت خداوند متعال بر اهل دنیا و آخرت و عالم ذر می‌باشید «عالم ذر، عالمی است که خداوند متعال در آن عالم از همه مخلوقات در رابطه با ولایت چهارده معصوم علیهم السّلام میثاق و پیمان گرفت»، بنابراین:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام:

خلیفه و جانشین خداوند متعال در تمام زمین هستند،

و حجت خداوند متعال بر همه مخلوقات بدون استثناء، چه در عالم ذر، چه در دنیا و چه در آخرت، و از آنجا که این ذوات مقدّسه مخزن علم خداوند متعال هستند، لذا:

از اعمال و رفتار همه مخلوقات در دنیا مطلع بوده و روز قیامت به آنها شهادت و گواهی خواهند داد.

در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره «در قسمت‌های مختلف این زیارت نورانی» آمده که وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام:

خُزَانُ الْعِلْمِ، عَيْبَةُ عَلَيْهِ، وَارْتِضَاكُمْ لِعَيْبِهِ، خَزَنَةٌ لِعِلْمِهِ، می‌باشند، یعنی:  
وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام:

خزانه‌دارانِ علمِ خداوند متعال هستند «مَظْهَرِ عِلْمِ خِداوندِ متعال هستند» و جایگاه  
سِرِّ عِلْمِ خِداوندِ متعال می‌باشند،

خداوند متعال آن‌ها را برای غیب خویش انتخاب نموده است «عِلْمِ غیب به آن‌ها  
اعطا فرموده»، لذا:

این ذوات مقدّسه شاهد و گواه اعمال همه خلائق از اوّلین و آخرین می‌باشند،  
یعنی شاهد و گواه بر تمام پیامبران و مرسلین و ملائکه و انسان‌ها و اجنّه و دیگر  
مخلوقات می‌باشند، زیرا:

وجود این بزرگواران بر وجود همه خلائق احاطه دارد و این ذوات مقدّسه ظرف  
مشیتِ خداوند متعال بوده و عِلْمِ گذشته و حال و آینده تا روز قیامت نزد ایشان  
است و به همین جهت هیچ یک از امور خلق از ابتدای خلقت تا روز قیامت از این  
بزرگواران مخفی و پنهان نیست.<sup>۱</sup>

### توضیح:

ذیل آیه ۸۹ سوره نحل، آیه ۱۲ سوره یس و آیه ۲۶ سوره جن در رابطه با عِلْمِ  
وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام مطالبی عنوان شده و احادیثی نقل شده  
که آن ذوات مقدّسه وقایع گذشته و حال و آینده را تا روز قیامت می‌دانند و همه  
این‌ها را خداوند متعال به آن بزرگواران اعطا فرموده و هیچ امری در این جهان از  
نظر آن ذوات مقدّسه پوشیده و پنهان نیست و به همین لحاظ روز قیامت شاهد و  
گواه اعمال خلق خواهند بود.

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۱۵۰ تا ۱۵۴، ۲۲۲ - ۲۴۲، ۲۵۵ تا  
۲۵۷ - ۲۶۴، ۲۷۳ تا ۲۷۶، ۳۶۹ تا ۳۷۲.

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف علامه سیّد حسین همدانی درودآبادی، صفحه ۲۳۲ تا ۲۳۵، ۳۴۷ - ۳۵۰ تا ۳۵۳.  
تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۳۳۴، حدیث ۴، «ذیل آیه سوره نساء»

## آیه ۱۴۸ سوره بقره:

«فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ، أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا، إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

## ترجمه:

خداوند متعال می‌فرماید:

در اعمال خیر و نیکی‌ها بر یکدیگر سبقت بگیرید، هر کجا که باشید خداوند متعال همه شما را حاضر می‌کند، زیرا خداوند متعال بر هر کاری توانا است.<sup>۱</sup>

## شرح لغات و توضیحات:

اسْتَبِقُوا = سبقت بگیرید، پیشی بگیرید.<sup>۲</sup>

خداوند متعال در این آیه شریفه مردم را امر به انجام اعمال خیر و نیک نموده و می‌فرماید:

فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ = در انجام اعمال خیر و نیکی‌ها بر یکدیگر سبقت و پیشی بگیرید «در اطاعت خداوند متعال از یکدیگر سبقت بگیرید».

مراد از خیرات در این آیه شریفه می‌تواند موارد ذیل باشد:

۱. طاعات و عبادات

۲. همه اموری که خداوند متعال دستور انجام آن‌ها را داده است.

بنابراین معنی این قسمت از آیه شریفه این می‌شود که:

خداوند متعال دستور می‌دهد که مردم بشتابند به سوی اعمال خیر و نیک «اعم از واجبات یا مستحبات»، و سعی کنند در انجام اعمال خیر بر یکدیگر سبقت بگیرند،

یعنی:

هر کس سعی کند کار خیر بیش‌تری انجام دهد و در انجام کار خیر مسامحه نکند و آن را در اسرع وقت انجام دهد و در انجام کار خیر بر دیگران سبقت بگیرد.

کار خیر میدان وسیع و گسترده‌ای دارد، لذا:

۱. تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۵۷۳.

۲. مجمع‌البیان، جلد دوم، صفحه ۱۰۹.

هر عملی که انجام آن موجب جلب رضایت خداوند متعال شود و خداوند متعال به آن پاداش و ثواب دهد عمل خیر نامیده می شود که ممکن است در حوزه واجبات باشد یا در حوزه مستحبات.

قابل ذکر است که خیرات در این آیه شریفه که خداوند متعال امر فرموده تا مردم در انجام آن بر یکدیگر سبقت بگیرند مصداق اتم و اکملی نیز دارد که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال می فرماید:

«إِنَّ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً» = هر کجا که باشید خداوند متعال همه شما را حاضر خواهد کرد، یعنی:

در هر نقطه از کره زمین که بمیرید خداوند متعال شما را روز قیامت زنده نموده و در محشر حاضر خواهد کرد.

در ابتدای آیه شریفه ملاحظه فرمودید که خداوند متعال مردم را امر به انجام کارهای خیر نموده و دستور داده تا در انجام کار خیر بر یکدیگر سبقت بگیرند.

این قسمت از آیه شریفه «إِنَّ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً» در واقع یک نوع تشویق و در عین حال یک نوع تهدید می باشد.

تشویق برای عده ای که کارهای خیر انجام داده و در انجام کار خیر بر یکدیگر سبقت می گیرند،

و تهدید برای کسانی که از انجام کارهای خیر و انجام فرائض و واجبات خودداری می کنند.

این تشویق و تهدید بدین نحو است که خداوند متعال می فرماید:

شما انسان ها در هر نقطه از زمین که از دنیا بروید ما روز قیامت شما را زنده کرده و در محشر حاضر می کنیم و به حساب شما رسیدگی می کنیم و به انسان های مؤمن و انجام دهندگان کارهای خیر پاداش داده و به کسانی که از انجام کارهای خیر و فرائض و واجبات خودداری نموده اند عقاب و عذاب خواهیم داد.

این قسمت از آیه شریفه «جمع شدن و حاضر شدن انسان ها به امر خداوند متعال» نیز تأویلی دارد که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال می‌فرماید:  
 إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ = یقیناً و محققاً خداوند متعال بر انجام هر کاری توانا است.  
 این قسمت از آیه شریفه در واقع به منزله دلیل است برای قسمت قبلی «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً» و می‌خواهد بفرماید:  
 خداوند متعال قادر مطلق است و بر انجام هر کاری توانا است، لذا:  
 در هر نقطه‌ای که از دنیا رفته باشید شما را روز قیامت زنده کرده و در محشر حاضر نموده و به اعمال شما رسیدگی خواهد کرد، زیرا:  
 إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، یعنی:  
 خداوند متعال بر انجام هر کاری «از جمله زنده کردن اموات و حشر آن‌ها در قیامت» قادر و توانا است.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. امام باقر علیه‌السلام فرمودند:  
 مقصود از خیرات در این آیه شریفه «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ، أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً»، ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشد.<sup>۲</sup>
۲. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:  
 منظور از خیرات در آیه ۱۴۸ سوره بقره «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ...» ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشد.<sup>۳</sup>

---

۱. مجمع‌البیان، جلد دوم، صفحه ۱۱۱.  
 تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۵۷۳ - ۵۷۴.  
 تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۳۲۰.  
 ۲. تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۳۲۰.  
 تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۵۰۷ - ۵۰۸، حدیث ۸.  
 تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۳۱۷، حدیث ۴۲۷ «حدیث ۵۴۲».  
 المیزان، جلد ۳۲، صفحه ۳۰۸.  
 «بحث روایتی ذیل آیات ۳۱ تا ۵۴ سوره سبا»  
 ۳. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۵۰۷، حدیث ۷.

### توضیح:

ملاحظه فرمودید که طبق فرمایش امام باقر و امام صادق سلام الله علیهما مقصود از خیرات در آیه ۱۴۸ سوره بقره ولایت اهل بیت عصمت و طهارت یعنی ولایت ائمه معصومین علیهم السلام می باشد، و در این صورت معنی این قسمت از آیه ۱۴۸ سوره بقره «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» این می شود که:

خداوند متعال به مردم دستور می دهد که:

بشتابید به سوی ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام و در رابطه با پذیرش ولایت آن ذوات مقدسه بر یکدیگر سبقت بگیرید.

قابل ذکر است که فرمایش امام باقر و امام صادق علیهما السلام در رابطه با اینکه مقصود از خیرات در آیه ۱۴۸ سوره بقره ولایت ائمه معصومین علیهم السلام می باشد معنی باطنی و تأویل آیه شریفه است نه معنی ظاهری آن.

۳. امام صادق علیه السلام فرمودند:

این قسمت از آیه ۱۴۸ سوره بقره «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً...» درباره اصحاب حضرت قائم علیه السلام نازل شده است.

آن ها شب هنگام از بستر خویش ناپدید شده «شب هنگام از جایگاه خویش حرکت می کنند» و هنگام صبح در مکه هستند «در محضر مبارک امام زمان علیه السلام».

این حدیث شریف را مفصل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۴. روایات فراوانی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که آن ذوات مقدسه

فرموده اند که این قسمت از آیه ۱۴۸ سوره بقره «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً» در باب اصحاب امام زمان علیه السلام می باشد.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۳۲۰.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۵۰۷ حدیث ۶.

تفسیر الثقلین، جلد اول، صفحه ۳۱۵، حدیث ۴۲۵ «حدیث ۵۴۰».

۲. مجمع البیان، جلد دوم، صفحه ۱۱۱.

المیزان، جلد دوم، صفحه ۲۲۳.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۳۲۰.

۵. امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

منظور از این آیه شریفه «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً» اصحاب امام قائم علیه‌السلام می‌باشد که تعداد آن‌ها سیصد و سیزده نفر است. امام باقر علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: به خدا قسم اصحاب حضرت مهدی علیه‌السلام در یک لحظه گرد هم می‌آیند. این حدیث را ابو خالد از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۶. امام سجّاد علیه‌السلام فرمودند:

این آیه شریفه «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً» در شأن اصحاب حضرت قائم علیه‌السلام می‌باشد که تعداد آن‌ها سیصد و سیزده نفر است که از بستر خویش ناپدید می‌شوند «از جایگاه خویش جهت پیوستن به امام زمان علیه‌السلام حرکت می‌کنند» و هنگام صبح در مکه هستند.<sup>۲</sup>

۷. امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

منظور از این آیه شریفه «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً» اصحاب حضرت قائم علیه‌السلام می‌باشند که تعداد آن‌ها سیصد و سیزده نفر است که مانند پاره‌های ابر پائیزی پراکنده هستند و خداوند متعال آن‌ها را گرد یکدیگر جمع می‌فرماید و آن‌ها کنار خانه خدا «بین رکن و مقام» با امام زمان علیه‌السلام بیعت می‌کنند.

این حدیث را جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۳</sup>

---

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۵۰۷، حدیث ۷.  
تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۳۱۷، حدیث ۴۲۷ «حدیث ۵۴۲».  
تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۵۷۵.  
۲. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۵۰۵، حدیث ۱.  
تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۵۰۷، حدیث ۵.  
تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۳۱۵، حدیث ۴۲۴ «حدیث ۵۳۹».  
۳. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۵۰۶، حدیث ۴.

۸. امام هادی علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم منظور این آیه شریفه «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً» این است که: اگر قائم «حضرت مهدی علیه السلام» قیام کند خداوند متعال شیعیان آن حضرت را از تمام سرزمین‌ها نزد او گرد می‌آورد.<sup>۱</sup>

۹. امام جواد علیه السلام فرمودند:

امام قائمی که زمین را از اهل کفر و انکار پاک نموده و آن را پُر از عدل و داد می‌نماید کسی است که از دیدگان مردم غایب است. آن حضرت هم نام و هم کنیه رسول خدا است و او کسی است که زمین در اختیار او است و هر امر مشکلی بر او آسان می‌شود. اصحاب آن حضرت به تعداد جنگجویان بدر هستند «سیصد و سیزده نفر» که از دورترین نقاط زمین گرد او جمع می‌شوند و این همان فرمایش خداوند متعال است که می‌فرماید:

أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً، یعنی:

هر کجا که باشید خداوند متعال شما را گرد هم می‌آورد.

وقتی این تعداد از مردم در کنار آن حضرت گرد آمدند خداوند متعال امر آن حضرت را «دعوت آن حضرت را» آشکار می‌سازد و ده هزار مرد با آن حضرت پیمان می‌بندند و سپس آن حضرت به اذن خداوند متعال قیام نموده و دشمنان خدا را به قتل می‌رساند.

آن حضرت وقتی وارد مدینه می‌شوند لات و عزری را بیرون آورده «آن دو نفر را از قبر بیرون آورده» و آن دو را آتش می‌زند.<sup>۲</sup>

۱۰. امام رضا علیه السلام فرمودند:

وَاللَّهِ أَنْ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا، يَجْمَعُ اللَّهُ إِلَيْهِ شِيعَتَنَا مِنْ جَمِيعِ الْبُلْدَانِ، یعنی:

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۵۱۲ - ۵۱۳، حدیث ۱۱.

۲. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۵۱۶، حدیث ۱۴.

تفسیر نورالقلین، جلد اول، صفحه ۳۱۵، حدیث ۴۲۳ «حدیث ۵۳۸».



به خدا قسم هنگامی که قائم ما حضرت مهدی علیه السلام قیام نماید خداوند  
متعال همه شیعیان ما را از تمام شهرها گرد او جمع می کند.<sup>۱</sup>

---

۱. مجمع البیان، جلد دوم، صفحه ۱۱۱.  
تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۳۲۰.  
تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۳۱۷، حدیث ۴۲۸ «حدیث ۵۴۳».  
تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۵۷۵.

### آیه ۱۵۹ سوره بقره:

«إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ»

### ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

کسانی که آیات روشن و هدایت‌هایی را که نازل کردیم کتمان نمایند بعد از آنکه آن را برای مردم در کتاب روشن ساختیم، اینگونه اشخاص را خداوند متعال لعنت می کند و همه لاعنان «لعنت‌کنندگان» نیز آن‌ها را لعنت می کنند.<sup>۱</sup>

### شرح لغات و توضیحات:

کتمان = پنهان کردن و پوشیده داشتن حق که بایستی ظاهر و آشکار شود.

بیّنات = آیات روشن و واضح الهی

هُدَى = معارف و احکام دین که پیروان دین را به سوی سعادت می بَرَد «معارفی

که پیروان دین را به سوی سعادت می بَرَد».

لاعنون = لعنت‌کنندگان<sup>۲</sup>

### شأن نزول:

اغلب مفسّرین معتقدند که:

مراد از این آیه شریفه «آیه ۱۵۹ سوره بقره» علمای یهود و نصاری می باشند که رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را کتمان نمودند با اینکه علائم و نشانه‌های آن حضرت را در تورات و انجیل دیده بودند و آن را می شناختند.

---

۱. المیزان، جلد دوّم، صفحه ۳۳۱.

تفسیر صافی، جلد اوّل، صفحه ۳۳۵.

۲. المیزان، جلد دوّم، صفحه ۳۳۱.

مفردات راغب.

گرچه روی سخن در این آیه شریفه متوجّه علمای یهود و نصاری می‌باشد لیکن آیه شریفه عمومیت داشته و شامل حال کلیّه افرادی می‌شود که حق را کتمان می‌کنند و آن را پوشیده می‌دارند.

به عبارت دیگر:

کلیّه افرادی که کتمان می‌کنند آنچه را که از جانب خداوند متعال نازل شده، این افراد مشمول این آیه شریفه خواهند بود.

بنابر این:

اگر کسی کتمان کند آنچه را که از جانب خداوند متعال نازل شده این فرد مشمول این آیه شریفه خواهد بود، خواه این فرد یهودی و نصرانی باشد خواه مسلمان.

لذا، علمای یهود و نصاری که علائم و نشانه‌های وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم را در تورات و انجیل دیده بودند پس از بعثت پیامبر اکرم وظیفه داشتند مطالبی را که در تورات و انجیل دیده بودند «در رابطه با بعثت پیامبر اکرم» به اطلاع یهودیان و مسیحیان برسانند که اگر این کار را می‌کردند قطعاً عدّه کثیری از یهودیان و مسیحیان، اسلام اختیار می‌کردند، لیکن:

علمای یهود و نصاری این موضوع را کتمان کرده و از بازگو نمودن این حقیقت مهم در بین یهودیان و مسیحیان خودداری نمودند، و چون توده مردم یهود و نصاری از تورات و انجیل اطلاع کامل نداشتند «به علت بی‌سواد بودن» لذا از اینکه اسلام اختیار کنند امتناع نمودند.

بدیهی است بار سنگین این گناه عظیم «کتمان نمودن و پوشیده داشتن علائم و نشانه‌های پیامبر خاتم یعنی پیامبر اکرم که در تورات و انجیل آمده بود» بر عهده علمای یهود و نصاری می‌باشد که آیه شریفه آن را بیان می‌فرماید.

بنابراین:

کتمان حق و کتمان آنچه که از جانب خداوند متعال نازل شده گناهی است بس عظیم و نابخشودنی، چرا که در اثر این کتمان عدّه کثیری به گمراهی می‌افتند و در این صورت بار سنگین این گناه در مرحله اوّل متوجّه کسانی خواهد بود که حق را کتمان نموده و مردم را گمراه نمودند، و در مرحله بعد متوجّه مردم می‌شود که چرا

به دنبال تحقیق نرفته و حقیقت را کشف ننمودند.

همانطور که در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود افرادی نیز که موضوع ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و سایر ائمه معصومین علیهم السلام را کتمان نمودند و باعث انحراف عده کثیری از مسلمین شدند مشمول این آیه شریفه «آیه ۱۵۹ سوره بقره» می شوند که خداوند متعال آن‌ها را لعنت می کند، زیرا:

ولایت و امامت امری الهی است و مقام و منصبی است که خداوند متعال به ائمه معصومین علیهم السلام اعطا فرموده است، بنابراین:

کلیه افرادی که در زمان حیات پیامبر اکرم موضوع امامت و ولایت مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را از لسان مبارک رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنیده بودند لیکن پس از رحلت پیامبر اکرم از بازگو نمودن فرمایشات آن حضرت درباره امامت و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام خودداری نموده و آن را کتمان نمودند و اسلام را از مسیر اصلی خویش منحرف کردند مشمول این آیه شریفه بوده و به تصریح این آیه شریفه مورد لعنت خداوند متعال، همچنین مورد لعنت لاعنین «لعنت کنندگان» خواهند بود.

قابل ذکر است که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم طی ۲۳ رسالت خویش بارها و بارها امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان وصی و جانشین بلافصل خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی فرموده بود که یکی از این موارد مربوط به روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری می باشد که آن حضرت به امر خداوند متعال امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند، لذا:

عمل کتمان کنندگان این امر عظیم الهی مانند عمل علمای یهود و نصاری می باشد که موضوع رسالت پیامبر اکرم را کتمان نمودند.

نتیجه این می شود که:

این دو گروه «کتمان کنندگان نبوت که یهودی و نصرانی بودند و کتمان کنندگان امامت و ولایت که ظاهراً مسلمان بودند.» مشمول آیه ۱۵۹ سوره بقره شده و مورد

لعنت خداوند متعال و مورد لعنت لاعین خواهند بود.<sup>۱</sup>  
 خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۱۵۹ سوره بقره» درباره کتمان‌کنندگان آیات الهی می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يُكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ = کسانی که آیات روشن ما و وسائل هدایتی را که ما نازل کردیم کتمان می‌کنند.  
 در بخش مربوط به شرح لغات عرض شد که:  
 مقصود از بیّنات آیات روشن خداوند متعال است، و مقصود از هُدی معارف دین است که پیروان دین را به سوی سعادت هدایت می‌کند.  
 قابل ذکر است که:

بیّنات و هُدی معنی وسیعی داشته و همه وسائل هدایت را در بر می‌گیرند که هدف آن‌ها هدایت انسان به سوی رستگاری است.  
 چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و قرآن کریم و آیات نورانی و شریف آن و وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم السّلام به امر خداوند متعال مسئولیت هدایت انسان‌ها را به عهده دارند، لذا:  
 کتمان آن‌ها و یا کتمان بعضی از اوامر و دستورات آن‌ها یعنی کتمان آیات روشن و واضح خداوند متعال.

در ادامه آیه شریفه آمده است که:  
 مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ = بعد از اینکه در کتاب برای مردم بیان نمودیم،  
 یعنی:

بعد از اینکه ما در تورات و انجیل علائم و نشانه‌های پیامبر خاتم یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را بیان نمودیم.  
 بنابراین معنی آیه شریفه تا این جا این شد که:  
 خداوند متعال می‌فرماید:

۱. مجمع‌البیان، جلد دوم، صفحه ۱۳۴.  
 تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۶۲۱-۶۲۲.  
 تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۳۳۳.

کسانی که آیات روشن ما و وسائل هدایتی را که نازل فرمودیم کتمان می‌کنند، آن هم بعد از اینکه در تورات و انجیل آن را برای مردم بیان نمودیم، یعنی: بعد از اینکه ما در تورات و انجیل علائم و نشانه‌های پیامبر خاتم یعنی پیامبر اکرم را برای مردم بیان نمودیم، چنانچه افرادی این حقیقت را کتمان نمایند مورد لعنت ما قرار خواهند گرفت که در ادامه آیه شریفه آمده است.

همانطور که عرض شد:

ظاهر آیه شریفه در رابطه با علمای یهود و نصاری می‌باشد لیکن معنی باطنی و تأویل آیه شریفه در رابطه با کسانی است که امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم‌السلام را کتمان نمودند که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال این کتمان‌کنندگان را مورد لعنت قرار داده و می‌فرماید:

أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ = خداوند متعال آن‌ها را لعنت می‌کند

وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ = همه لعنت‌کنندگان نیز آن‌ها را لعنت می‌کنند.

یعنی، کتمان‌کنندگان حق به طور عام، و کتمان‌کنندگان مدّ نظر این آیه شریفه را «علمای یهود و نصاری - کتمان‌کنندگان امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام» هم خداوند متعال لعنت می‌کند و هم لَاعِنُونَ «لعنت‌کنندگان».

مراد از لَاعِنُونَ چه کسانی هستند:

۱. مقصود از لَاعِنُونَ وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام می‌باشند.

۲. ممکن است ملائکه و مؤمنین باشند.

۳. ممکن است همه موجودات زنده باشند.

۴. ممکن است همه مخلوقات باشند اعم از جاندار و بی‌جان.

قابل ذکر است که همه مخلوقات اعم از جاندار و بی‌جان همواره مشغول تسبیح خداوند متعال می‌باشند و این موضوع در آیات فراوانی آمده است لیکن ما از تسبیح آن‌ها بی‌خبر هستیم.

وقتی همه اشیاء تسبیح خداوند متعال را می‌گویند یعنی دارای نوعی عقل و شعور هستند لیکن متفاوت با عقل و شعور ما، لذا این اشیاء هم می‌توانند از لاعنون «لعت کنندگان» باشند.

خداوند متعال می‌فرماید:

إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ «آیه ۴۴ سوره اسراء»، یعنی: هیچ موجودی نیست مگر اینکه تسبیح و حمد خدا را می‌گوید لیکن شما «انسان‌ها» تسبیح آن‌ها را درک نمی‌کنید.

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ «آیه ۱ سوره حدید»، یعنی:

آنچه در آسمان‌ها و زمین است خداوند متعال را تسبیح می‌گویند.

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ «آیه ۱ سوره حشر و سوره صف»

یعنی: آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است خداوند متعال را تسبیح می‌گویند.

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ «آیه ۱ سوره جمعه و سوره تغابن»

یعنی: آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است همواره تسبیح خداوند متعال را می‌گویند.

بنابراین:

هر چهار مورد که ذکر شد می‌توانند مصادیق لاعنون باشند زیرا با یکدیگر منافات ندارند.

بنابراین معنی این قسمت از آیه شریفه این شد که:

خداوند متعال و لاعنون «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام، ملائکه،

مؤمنین، همه موجودات و مخلوقات» کتمان‌کنندگان حق را لعنت می‌کنند، یعنی:

خداوند متعال و وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام و ملائکه الهی و

مؤمنین و تمام مخلوقات خدا کتمان‌کنندگان نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و

سلم و کتمان‌کنندگان امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام را به طور مدام و

پیوسته لعنت می‌کنند.

قابل ذکر است که کلمه يَلْعَنُ در این آیه شریفه دو بار تکرار شده و این امر تاکید

را می‌رساند، ضمن اینکه يَلْعَنُ فعل مضارع می‌باشد و استمرار را می‌رساند، یعنی:

خداوند متعال و وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام و ملائکه الهی و مؤمنین و دیگر مخلوقات خداوند متعال به طور مستمر و لاینقطع کتمان‌کنندگان نبوّت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و کتمان‌کنندگان امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام را لعنت می‌کنند و این شدیدترین مجازاتی است که ممکن است برای انسانی تعیین شود.

از آن‌جا که خداوند متعال توبه‌پذیر است لذا برای کتمان‌کنندگان آیات الهی نیز راه توبه باز است، لیکن:

توبه این کتمان‌کنندگان حق فقط به این خلاصه نمی‌شود که از اعمال خویش ابراز ندامت نمایند و تصمیم بگیرند که بعد از این مرتکب این گناه نشوند، بلکه: کتمان‌کنندگان نبوّت پیامبر اکرم و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام «اعم از اینکه یهودی و نصرانی هستند و یا مسلمان می‌باشند» وظیفه دارند که:

۱. توبه نمایند، یعنی:

از اعمال گذشته خویش ابراز ندامت نموده و تصمیم قاطع داشته باشند تا دیگر گناهان گذشته خودشان را تکرار نکنند.

۲. در مقام جبران و اصلاح اعمال خود برآیند و حقایقی را که پنهان کرده بودند برای مردم آشکار نمایند، یعنی:

این کتمان‌کنندگان آیات الهی باید برای مردم بیان کنند آنچه را که کتمان کرده بودند، یعنی:

طوری توبه نمایند که همه مردم از توبه آنان باخبر شوند و لازمه چنین توبه‌ای این است که:

آنچه را که کتمان نموده بودند علناً در بین مردم اظهار نمایند و صراحتاً به مردم بگویند:

ما در این مدّت حقیقت مطلب را کتمان کرده بودیم.

اگر کتمان‌کنندگان آیات الهی با این شرایط توبه نمایند توبه آن‌ها قبول می‌شود،

در غیر این صورت:

توبه آن‌ها توبه نیست و هنوز توبه نکرده‌اند، زیرا:



تاکنون حق را کتمان می‌کردند، لیکن:  
امروز و الآن کتمان خود را کتمان می‌کنند.  
دلیل اینکه این افراد باید در حضور مردم توبه کرده و حقایق را بیان نمایند این  
است که:

عده کثیری از مردم به علت کتمان حقیقت توسط این افراد دچار گمراهی شدند،  
لذا:

وظیفه کتمان‌کنندگان حقیقت این است که در حضور مردم حقایق را بیان نمایند  
و صراحتاً به مردم بگویند که تاکنون حق را نگفته بودند و حق را کتمان نموده بودند  
تا بلکه بدینوسیله مردم از راه ضلالت و گمراهی به صراط مستقیم هدایت شوند.<sup>۱</sup>  
اگر با ذکر مصداق بخواهیم مثال بزنیم این می‌شود که:

۱. علمای یهود و نصاری بایستی به یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر اکرم عنوان  
می‌نمودند که ما تاکنون حقیقت را کتمان می‌کردیم و از بازگو نمودن آن خودداری  
می‌کردیم، اما حقیقت این است که:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرستاده خداوند متعال است و تمام علائم  
و نشانه‌های آن حضرت را ما در تورات و انجیل دیده‌ایم و بر آن صحه می‌گذاریم.

۲. تمام افرادی که پس از رحلت پیامبر اکرم فضائل و مناقب امیرالمؤمنین  
علی بن ابیطالب علیه السلام را نادیده گرفته و سفارشات پیامبر اکرم درباره آن حضرت  
را کتمان کرده و مردم را گمراه نمودند اگر بخواهند توبه کنند «اگر می‌خواستند توبه  
کنند» بایستی در حضور همه مسلمانان عصر خویش لب به سخن گشوده و به مردم  
می‌گفتند که:

ما از لسان مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بارها و بارها فضائل و  
مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را شنیدیم، و شنیدیم که پیامبر اکرم  
فرمودند:

---

۱. المیزان، جلد دوم، صفحه ۳۳۵ و ۳۳۶ «ذیل آیه ۱۶۰ سوره بقره».  
تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۶۲۲ تا ۶۲۵ - ۶۲۷.

علی بن ابیطالب وصی و جانشین بلا فصل من و امام مسلمین است و...  
خلاصه کلام اینکه:

کتمان کنندگان فضائل و مناقب اهل بیت پیامبر اکرم و کتمان کنندگان امامت و ولایت آن ذوات مقدسه اگر قصد توبه داشتند بایستی در حضور همه مسلمین با صراحت تمام اظهار می کردند که:

حق با علی بن ابیطالب است و علی رغم اینکه این مطلب را بارها و بارها از پیامبر اکرم شنیدیم لیکن آن را تا به امروز کتمان نموده بودیم و همین عمل ما باعث شد تا حق آن بزرگوار غصب شود.

### توضیح:

**الف) بینات یعنی آیات خداوند متعال**

کلمه بینات در کلام خداوند سبحان وصفی است مخصوص آیات نازل شده از جانب خداوند متعال و بر این اساس:

منظور از کتمان آیات خداوند متعال ممکن است کتمان اصل آیه باشد، و یا اینکه ممکن است کتمان کنندگان آیات آیه را طوری تفسیر و معنی کنند که آیه از آیت بودن «نشانه نزول از طرف خدا بودن» بیفتد.<sup>۱</sup>

**ب) تفاوت لعنت خداوند متعال با لعنت مخلوقات**

معنی لعنت خداوند متعال نسبت به فرد یا افراد این است که:

خداوند متعال آن فرد یا افراد را از رحمت خود دور می کند، یعنی:

آن‌ها را از سعادت و رستگاری دور می نماید، و دور شدن از رحمت خداوند

متعال یعنی گرفتار عذاب الهی شدن.

اما لعنت مخلوقات نسبت به فرد یا افراد این است که:

این مخلوقات از خداوند متعال درخواست می کنند تا آن فرد یا افراد را از رحمت

خود دور کند.

بدیهی است هر قدر این لعنت‌کنندگان در پیشگاه خداوند متعال مقام و منزلت بالاتری داشته باشند لعنت‌شوندگان دچار عذاب بیش‌تری خواهند شد، و در یک کلام:

وای به حال فرد یا افرادی که هم خداوند متعال آن‌ها را لعنت نماید و هم مقرب‌ترین مخلوقات الهی یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السّلام.<sup>۱</sup>

### ج) مفساد کتمان حق

انسان فطرتاً و ذاتاً حق‌طلب است و خواهان حق، لذا:

کسانی که حق را کتمان می‌کنند در واقع جوامع انسانی را از رسیدن به کمال باز می‌دارند، بنابراین:

کتمان حق می‌تواند امت‌ها و نسل‌هایی را در گمراهی و ضلالت نگه دارد همچنان‌که اظهار حق و بیان حق می‌تواند باعث نجات امت‌ها شود.

اگر علمای یهود و نصاری پس از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم آنچه را که راجع به آن حضرت در تورات و انجیل یافته بودند اظهار می‌کردند و حقایق مربوط به آن حضرت را کتمان نمی‌کردند، قطعاً همه و یا اکثر یهودیان و مسیحیان اسلام اختیار می‌کردند و هر سه ملت زیر یک پرچم گرد هم می‌آمدند، و اگر مسلمانان پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم آنچه را که از آن حضرت درباره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السّلام شنیده بودند «در خصوص امامت و ولایت آن حضرت» اظهار می‌کردند و به طور آشکار بیان می‌نمودند و حق را کتمان نمی‌نمودند حقوق اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمه معصومین علیهم‌السّلام و بالخصوص حق امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السّلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام‌الله علیها غصب نمی‌شد و اسلام از مسیر اصلی خویش منحرف نمی‌گردید و اهل بیت پیامبر اکرم مورد ظلم واقع نمی‌شدند.

کتمان حق مسلماً منحصر به کتمان آیات الهی و نشانه‌های نبوت و امامت نیست «گرچه این موارد در صدر همه موضوعات هستند»، بلکه کتمان و اخفای هر چیزی

که می تواند مردم را به واقعیت برساند و باعث سعادت و رستگاری اخروی آنها شود در مفهوم وسیع این کلمه قرار دارد.

### حدیث:

۱. امام صادق علیه السلام فرمودند:

این آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ، أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» در شأن امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شده است.

این حدیث را ابن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۲. امام باقر علیه السلام فرمودند:

منظور از این آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ...» ما هستیم.

این حدیث را حرمان از وجود مقدس امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۳. یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام از آن حضرت درباره این آیه شریفه

«إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ...» سؤال نمود.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

منظور از این آیه شریفه و مراد از آیات الهی و هدایت ما هستیم.<sup>۳</sup>

۱. المیزان، جلد دوم، صفحه ۳۳۹.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۵۳۲، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۳۳۵، حدیث ۴۷۳ «حدیث ۵۸۸».

۲. المیزان، جلد دوم، صفحه ۳۳۸.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۵۳۳، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۳۳۵، حدیث ۴۷۴ «حدیث ۵۸۹».

۳. المیزان، جلد دوم، صفحه ۳۳۸.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۵۳۳، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۳۳۷، حدیث ۴۷۵ «حدیث ۵۹۰».

۴. امام صادق علیه السلام فرمودند:

مقصود از لَاعِنُونَ «لعنت کنندگان» در این آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ، أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» ما هستیم.

این حدیث را عبدالله بن بکیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

**الف)** طبق این احادیث شریف و نورانی «حدیث ۱ تا ۳» معنی باطنی و تأویل این آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ، أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» در رابطه با کسانی است که ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام را کتمان نمودند، یعنی در رابطه با مسلمانانی است که در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فضائل و مناقب اهل بیت آن حضرت، همچنین موضوع امامت و ولایت و خلافت بلا فصل امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و امامت سایر ائمه معصومین علیهم السلام را بارها و بارها از لسان مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیده بودند لیکن پس از رحلت آن حضرت سکوت اختیار کرده و از اظهار کردن و بیان نمودن فرمایشات پیامبر اکرم در رابطه با امامت و ولایت اهل بیت آن حضرت خودداری کرده و حق را کتمان نمودند و آن را مخفی نگه داشتند و همین امر باعث شد تا حقوق آن ذوات مقدسه غصب شود، لذا در این آیه شریفه کتمان کنندگان ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام مورد لعنت خداوند متعال و مورد لعنت لاعنون «لعنت کنندگان» قرار گرفته اند.

**ب)** در حدیث چهارم ملاحظه فرمودید که منظور از لاعنون در این آیه شریفه «آیه ۱۵۹ سوره بقره» وجود مقدس معصومین علیهم السلام می باشند، یعنی:

۱. المیزان، جلد دوم، صفحه ۳۳۹.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۳۳۳.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۵۳۴، حدیث ۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۳۳۷، حدیث ۴۷۷ «حدیث ۵۹۲».

کتمان‌کنندگان امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام را هم خداوند متعال لعنت می‌کند هم وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام، بدیهی است فرد یا افرادی که مورد لعنت خداوند متعال و مورد لعنت حجج خداوند متعال «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام» قرار بگیرند جایگاه همیشگی و ابدی این گونه افراد آتش جهنّم خواهد بود.

ج) وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری در محلّ غدیر خم «پس از بازگشت از زیارت خانه خدا و هنگام مراجعت به مدینه» در حضور بیش از یکصد هزار نفر از حجّاج بیت‌الله الحرام گوشه‌ای از فضائل و مناقب مولی‌المؤمنین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را بیان فرموده و سپس به امر خداوند متعال آن حضرت را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند.

وجود مبارک پیامبر اکرم طیّ این خطبه مفصّل بیش از پنج بار علی بن ابیطالب علیه‌السلام را به عنوان امیرالمؤمنین یاد فرموده و آن حضرت را به عنوان امیرالمؤمنین معرفی نموده و فرمودند:

أَلَا إِنَّهُ لَيْسَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أَخِي هَذَا، وَلَا تَحِلُّ أَمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ، یعنی:  
ای مردم:

بدانید که امیرالمؤمنینی غیر از این علی و غیر از این برادرم نیست، و بدانید که لقب امیرالمؤمنین برای احدی غیر از علی بن ابیطالب حلال نمی‌باشد «یعنی غیر از برادرم علی بن ابیطالب لقب امیرالمؤمنین برای دیگران حرام است و این لقب مختصّ به ایشان است».

وجود مقدّس پیامبر اکرم در ادامه فرمایش خویش حاضرین را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

با علی بن ابیطالب به عنوان امیرالمؤمنین و با حسن و حسین و امامان بعد از آنها بیعت کنید «به عنوان امام مسلمین».

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به حضّار فرمودند:

ای مردم:

آنچه را که در مورد علی بن ابیطالب به شما گفتم برای دیگران که در این مجلس حضور ندارند باز گو کنید «یعنی موضوع امامت آن حضرت را کتمان نکنید و مخفی ننمائید».

پیامبر اکرم سپس به مردم فرمودند:

به علی بن ابیطالب به عنوان امیرالمؤمنین سلام کنید.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قسمت دیگری از فرمایش خویش فرمودند:

ای مردم:

من، باز سخن خودم را تکرار می کنم که:

نماز را به پا دارید،

زکات را پردازید،

امر به معروف نمائید،

و نهی از منکر کنید.

ای مردم:

بدانید که بالاترین امر به معروف آن است که سخن مرا بفهمید و آن را به کسانی که حاضر نیستند برسانید و آن‌ها را به قبول کردن و پذیرفتن آن امر کنید و از مخالفت با آن بر حذر دارید «یعنی امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به مردم بگوئید و آن را آشکار نمائید، یعنی امر ولایت و امامت را کتمان نکنید و مخفی نگه ندارید»<sup>۱</sup>.

اگر همه مسلمانان و مخصوصاً مسلمانان صاحب نام و با نفوذ پس از رحلت پیامبر اکرم سکوت اختیار نکرده و موضوع امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را کتمان نمی نمودند و آن را مخفی نگه نمی داشتند «موضوع مورد بحث آیه ۱۵۹ سوره بقره» بلکه آن را صراحتاً و به طور آشکار در بین مردم مدینه ابراز می نمودند، در این صورت:

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم، صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶، حدیث ۳۲.

حقّ امیر المؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام غصب نمی شد، آن هم بلافاصله پس از رحلت پیامبر اکرم، صدّیقه کُبری فاطمه زهرا سلام الله علیها به شهادت نمی رسید، آن هم هفتاد و پنج روز یا نود و پنج روز پس از شهادت پیامبر اکرم، امام مجتبی علیه السّلام و دیگر ائمّه معصومین علیهم السّلام یکی پس از دیگری به شهادت نمی رسیدند.

حال، چنانچه مسلمانان مخصوصاً افراد با نفوذ آنها و افراد سرشناس آنها در امر تبلیغ و بیان امامت امیر المؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام کوتاهی نمی کردند و آن را کتمان نمی نمودند و مخفی نگه نمی داشتند باز هم امکان داشت که حقوق اهل بیت پیامبر اکرم غصب شده و خود آن ذوات مقدّسه نیز توسط منافقین امت به شهادت برسند، لیکن در این صورت آنها مشمول آیه ۱۵۹ سوره بقره نمی شدند که به علّت کتمان امامت و ولایت امیر المؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام مورد لعنت خداوند متعال و مورد لعنت لاعنین یعنی مورد لعنت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام قرار بگیرند.

قابل ذکر است که حدود هفتاد روز پس از واقعه عظیم غدیر پیامبر اکرم رحلت نمود و بلافاصله پس از رحلت آن حضرت آن همه فجایع عظیم به وقوع پیوست.



## آیه ۱۶۵ سوره بقره:

«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا، يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ...»

## ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

بعضی از مردم غیر خدا را مانند خدا اتخاذ می کنند «معبودهایی غیر از خدا برای خودشان انتخاب می کنند» و آن‌ها را همچون خدا دوست می دارند.<sup>۱</sup>

## شرح لغات و توضیحات:

انداد = جمع ند یعنی مثل - مانند<sup>۲</sup>

در آیات قبل سخن در رابطه با خداوند متعال بود و اثبات یگانگی خداوند متعال از طریق نظام آفرینش، لیکن در این آیه شریفه روی سخن متوجه کسانی است که در راه شرک و تعدد خدایان گام برداشته و در مقابل این معبودان پوشالی سر تعظیم فرود آورده و به آن‌ها عشق می ورزند.

خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید:

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا = بعضی از مردم غیر خدا را مانند خدا اتخاذ

می کنند، یعنی:

بعضی از مردم معبودهایی غیر از خداوند متعال برای خودشان انتخاب می کنند، و

يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ = آنچنان به این معبودها عشق می ورزند که گویی به خداوند

متعال عشق می ورزند.

ظاهراً مُشْرِكِينَ و بُت پرست‌ها مصداق این آیه شریفه می باشند که برای خداوند

متعال شریک قائل بوده و انواع بُت‌های چوبی و سنگی را می پرستیدند، لیکن:

اینگونه مشرکین «بُت پرست‌ها» تنها مصداق این آیه شریفه نیستند بلکه می توان

گفت که مهم ترین مصداق این آیه شریفه کسانی هستند که از ائمه ظلم و جور و از

۱. مجمع البیان، جلد دوم، صفحه ۱۵۰.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۶۳۸.

۲. مجمع البیان، جلد دوم، صفحه ۱۵۱.

رهبران ضلالت و گمراهی تبعیت و پیروی نموده و آنچنان که باید خداوند متعال را دوست داشته باشند این رهبران ضلالت را دوست می‌دارند.

به نظر می‌رسد که قول دوّم صحیح‌تر باشد، زیرا:

بُت‌پرست‌ها خودشان هم می‌دانستند که این بت‌های سنگی و چوبی نفع و ضرری به انسان نمی‌رسانند و قادر به این کار نیستند لذا بعید است که بت‌پرستان بت‌ها را مانند خداوند متعال دانسته و مانند خدا آن‌ها را دوست داشته باشند.

اگر هم چنین بت‌پرستانی وجود داشته‌اند آیات بعد دلالت بر این دارد که مقصود از اَنَداد که در این آیه شریفه آمده ائمه ظلم و جور و رهبران ضلالت و گمراهی می‌باشند که روز قیامت وقتی عذاب الهی را می‌بینند از پیروان خویش تبرّی می‌جویند و پیروان آن‌ها نیز از آن‌ها تبرّی می‌جویند «پیروان ائمه ظلم و جور و ائمه ظلم و جور از یکدیگر تبرّی می‌جویند.»

ضمن اینکه حدیثی نیز از وجود مقدّس امام باقر علیه‌السّلام نقل شده که آن حضرت فرمودند:

به خدا قسم منظور این آیه شریفه «آیه ۱۶۵ سوره بقره» ائمه ظلم و جور می‌باشند «رهبران ضلالت و گمراهی و پیشوایان ستمکار».

قابل ذکر است که:

مصدق اتمّ و اکمل این آیه شریفه، غاصبین خلافت و پیروان آن‌ها می‌باشند که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

بنابراین معنی آیه شریفه این شد که:

بعضی از مردم غیر خدا را مانند خدا اتّخاذ کرده و آن‌ها را همچون خدا دوست می‌دارند و از آن‌ها اطاعت می‌کنند.

لازم به ذکر است که:

اطاعت کردن از غیر خدا و اطاعت کردن از غیر کسانی که خداوند متعال اطاعت از آن‌ها را واجب دانسته نوعی شرک است، یعنی: فقط خداوند متعال واجب‌الاطاعه است و کسانی که خداوند متعال اطاعت از آن‌ها را واجب نموده است.

خداوند متعال در آیه ۵۹ سوره نساء می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، یعنی:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید «ای مؤمنین»،

از خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از صاحبان امر یعنی از ائمه معصومین علیهم السلام اطاعت کنید.

بنابراین:

واجب است که:

خداوند متعال را اطاعت کنیم و کسانی را که خداوند متعال امر فرموده تا از آنها اطاعت نمائیم، لذا:

اطاعت از افرادی که خداوند متعال امر به اطاعت از آنها فرموده، نوعی شرک است.

بنابراین، روی سخن در این آیه شریفه متوجه کسانی است که:

به جای اطاعت از خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام و کسانی که این ذوات مقدسه اطاعت از آنها را لازم دانسته‌اند از ائمه ظلم و جور و از رهبران ضلالت و گمراهی و پیشوایان ستمکار اطاعت و تبعیت نموده و آنها را دوست می‌دارند، یعنی:

تبعیت و اطاعت از ائمه ظلم و جور و تقرب به آنها و بندگی به آنها را دوست می‌دارند،

در حالی که بایستی اطاعت و بندگی خدا را دوست داشته باشند و به امر خداوند متعال اطاعت از حجج خداوند متعال را.

لذا:

کسانی که از ائمه ظلم و جور و از رهبران ضلالت و گمراهی اطاعت و تبعیت می‌کنند مثل این است که آنها را معبود خودشان قرار داده‌اند و به همین جهت است که خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا، یعنی:

بعضی از مردم معبودهایی غیر از خداوند متعال برای خودشان انتخاب می‌کنند، و يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ، یعنی:

این معبودها را چنان دوست می‌دارند که باید خداوند متعال را دوست داشته باشند «آنطور که باید خداوند متعال را دوست داشته باشند این معبودها را دوست می‌دارند»<sup>۱</sup>.

در ادامه این آیه شریفه و طیّ دو آیه بعد «آیات ۱۶۶ - ۱۶۷» خداوند متعال به اوضاع و احوال ائمه ظلم و جور «رهبران ضلالت و گمراهی و به طور خاص یعنی غاصبین خلافت» و پیروان آنها در روز قیامت اشاره می‌فرماید که چگونه از یکدیگر تبری می‌جویند.

در این آیات شریفه آمده که:

وقتی که قیامت به پا می‌شود و ائمه ظلم و جور و پیروان آنها عذاب الهی را مشاهده می‌کنند می‌فهمند که تمام قدرت‌ها از آن خداوند متعال است «چیزی را که در دنیا اصلاً نفهمیده بودند» و عذاب خدا نیز شدید می‌باشد.

ائمه ظلم و جور و پیروان آنها با مشاهده آتش جهنم و پی بردن به عذاب شدیدی که در انتظار آنها است از یکدیگر تبری می‌جویند.

پیروان ائمه ظلم و جور وقتی می‌بینند از معبودان خویش «یعنی ائمه ظلم و جور» کاری ساخته نیست و آنها خودشان از دیگران نیازمندتر می‌باشند آرزو کرده و با خودشان می‌گویند:

ای کاش ما بار دیگر به دنیا بازمی‌گشتیم و از ائمه ظلم و جور تبری و بیزاری می‌جستیم «در آیه ۳۸ سوره زخرف نیز نظیر این سخن به چشم می‌خورد که اعراض کنندگان از حق به انسان‌هایی که آنها را در دنیا فریب داده بودند می‌گویند:

ای کاش زمانی که در دنیا بودیم به اندازه مشرق تا مغرب بین ما فاصله بود،

یعنی این اندازه از شما دور بودیم تا به وسیله شما منحرف نمی‌شدیم».

آری، روز قیامت ائمه ظلم و جور و پیروان آنها به شدت نادم و پشیمان هستند که چگونه در دنیا با خداوند متعال و حُجج خداوند متعال یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام مخالفت کرده و حقوق آنها را غصب نموده و آن

۱. مجمع‌البیان، جلد دوم، صفحه ۱۵۱ - ۱۵۲.

المیزان، جلد دوم، صفحه ۳۶۵ - ۳۶۹ - ۳۷۳.

تفسیر نمونه، جلد اول - صفحه ۶۳۹ - ۶۴۱.

ذوات مقدّسه را به شهادت رساندند، اما این حسرت خوردن و این ابراز ندامت فایده‌ای ندارد زیرا کار از کار گذشته و جهنّم در انتظار آنها است.

در حالی که ائمه ظلم و جور و پیروان آنها از مشاهده عذاب جهنّم وحشت نموده و حسرت می‌خورند که چرا آخرت خودشان را فدای دنیای خویش نموده و به جای اطاعت از خداوند متعال مرتکب گناه شدند در همین حال به داخل آتش جهنّم انداخته می‌شوند که جایگاه ابدی و همیشگی آنها است و برای همیشه داخل آن خواهند ماند.

خداوند متعال در انتهای آیه ۱۶۷ در رابطه با حسرت خوردن ائمه ظلم و جور و پیروان آنها و مخلّد بودن آنها در آتش جهنّم می‌فرماید:

كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ، یعنی:

اینگونه خداوند متعال اعمال و کردار آنها را مایه حسرت و پشیمانی آنها قرار می‌دهد.

وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ، یعنی:

آنها هرگز از آتش جهنّم خارج نخواهند شد، یعنی:

ائمه ظلم و جور و رهبران ضلالت و گمراهی و پیروان آنها مخلّد در آتش جهنّم بوده و جهنّم جایگاه ابدی و همیشگی آنها است.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام درباره آیه ۱۶۵ سوره بقره «وَمِنَ النَّاسِ مَن

يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ» فرمودند:

هُمُ وَاللَّهُ أَوْلِيَاءُ فُلَانٍ وَفُلَانٍ، اِتَّخَذُوهُمْ أَيْمَةً دُونَ الْإِمَامِ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا، یعنی:

به خدا قسم آنها پیروان و دوستان فلانی و فلانی هستند «پیروان آن دو نفر» که آن دو نفر را برای خودشان امام قرار دادند و از امامی که خداوند متعال برای آنها قرار داده بود «یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام» اعراض نموده و

۱. مجمع‌البیان، جلد دوم، صفحه ۱۵۴ تا ۱۵۶.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۶۴۰ تا ۶۴۲.

روی برگرداندند.

سپس امام باقر علیه السلام آیات ۱۶۶ و ۱۶۷ سوره بقره را که بیانگر اوضاع و احوال خلفای ظلم و جور و پیروان آنها می باشد تلاوت فرموده و در پایان فرمایش خویش فرمودند:

هُم وَ اللهُ يَا جَابِرِ، اَئِمَّةُ الظُّلْمَةِ وَ اَشْيَاءُهُمْ، يَعْنِي:

ای جابر:

به خدا قسم اینها ائمه ظلم و جور «ائمه ظلمت و تاریکی» و پیروان آنها می باشند.<sup>۱</sup>

### توضیح:

**الف)** وجود مقدس امام باقر علیه السلام در ابتدای فرمایش خویش فرمودند که: مقصود از این آیه شریفه خلفای ظلم و جور و پیروان آنها می باشند.

به عبارت دیگر:

مقصود این آیه شریفه کسانی هستند که امام منصوب از ناحیه خداوند متعال را رها کرده و به جای آن بزرگوار آن دو نفر را به عنوان امام خویش برگزیدند.

**ب)** امام باقر علیه السلام در پایان فرمایش خویش فرمودند:

مقصود از این آیه شریفه ائمه ظلم و جور و پیروان آنها می باشند.

یعنی همه ائمه ظلم و جور و پیروان آنها مشمول این آیه شریفه می باشند.

۲. امام صادق علیه السلام فرمودند:

وقتی که قیامت به پا می شود ندادهنده ای از بطنان عرش «اندرون عرش - وسط

عرش» ندا می دهد که:

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۰۲ و ۲۰۳، حدیث ۱۱ «حدیث ۹۶۲».

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۳۳۸.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۵۳۹، حدیث ۱.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۵۴۰ - ۵۴۱، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۳۴۱ و ۳۴۲، حدیث ۴۸۶ «حدیث ۶۰۱».

أَيْنَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، یعنی:

خلیفه خداوند متعال در روی زمین کجاست «جانشین خدا در روی زمین کجا است».

بعضی از انبیاء الهی از جا برمی خیزند.

از جانب خداوند متعال ندا می رسد که:

هر چند شما هم خلیفه خدا «جانشین خدا» در روی زمین بوده اید لیکن منظور من شما نیستید.

بار دوم از اندرون عرش ندا می رسد که:

خلیفه خداوند متعال در روی زمین کجا است.

این بار وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام از جای خود برمی خیزد.

از جانب خداوند متعال ندا می رسد که:

يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ:

هذا علی بن ابیطالب، خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ...، یعنی:

ای مخلوقات:

این علی بن ابیطالب خلیفه خدا بر روی زمین و حجت خدا بر بندگان خدا می باشد، پس:

هر کس در دنیا به ریسمان ولایت او چنگ زده امروز نیز به ریسمان او چنگ بزند تا از نور او روشنی بگیرد «تا با نور او راه خود را پیدا کند» و با او به درجات بالای بهشت برود.

امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایشات خویش فرمودند:

مردمی که در دنیا به ریسمان آن حضرت چنگ زده بودند «مردمی که امامت آن حضرت را پذیرفته و آن حضرت را جانشین بلافصل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می دانستند، یعنی شیعیان آن حضرت» از جای خویش بلند شده و به دنبال آن حضرت به بهشت می روند.

سپس از جانب خداوند متعال ندا می رسد که:

هر کس در دنیا از امامی پیروی کرده در آخرت نیز باید به دنبال او برود «اشاره به آیه ۷۱ سوره اسرا که خداوند متعال می‌فرماید:

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ، یعنی:

روز قیامت هر گروهی را با امامشان می‌خوانیم».

و این جا است که آیات ۱۶۶ و ۱۶۷ سوره بقره اوضاع و احوال ائمه ظلم و جور را بیان می‌فرماید که:

ائمه ظلم و جور و پیروان آنها وقتی آتش جهنم و عذاب الهی را مشاهده می‌کنند از یکدیگر تبرّی و بیزار می‌جویند، لیکن تبرّی جستن آنها از یکدیگر و حسرت خوردن آنها فایده‌ای به حالشان ندارد و جایگاه ابدی و همیشگی آنها جهنم است، وَ مَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ، یعنی:

ائمه ظلم و جور و پیروان آنها هرگز از داخل جهنم بیرون نخواهند شد.

این حدیث را ابان بن عثمان از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۳. یکی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام به نام منصور بن حازم می‌گوید:

از وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام درباره این قسمت از آیه ۱۶۷ سوره بقره «وَ مَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ» سؤال کردم.

وجود مبارک امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

دشمنان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام هستند که مخدّد در آتش جهنم

بوده و هرگز از داخل جهنم بیرون نخواهند شد.<sup>۲</sup>

### توضیح:

الف) ذیل آیات ۳۶ تا ۳۹ سوره زخرف حدیثی از امام باقر علیه‌السلام به عرض

رسید که آن حضرت فرمودند:

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۵۴۰، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۳۴۱، حدیث ۴۸۵ «حدیث ۶۰۰».

۲. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۵۴۲، حدیث ۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۳۴۳، حدیث ۴۸۸ «حدیث ۶۰۳».



روز قیامت ائمه ظلم و جور از یکدیگر تبرّی جسته و هر یک به دیگری می گوید: ای کاش زمانی که در دنیا بودم به اندازه شرق تا غرب عالم از تو فاصله داشتم و تحت تأثیر القائنات شیطانی تو قرار نمی گرفتم.<sup>۱</sup>

ب) ذیل آیه سوره ۳۷ مائده «يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ» حدیثی از وجود مقدّس امام باقر علیه السلام به عرض رسید که آن حضرت فرمودند:

دشمنان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام مخلّد در آتش بوده و هرگز از جهنّم خارج نخواهند شد و جهنّم جایگاه ابدی و همیشگی آنها است.<sup>۲</sup>

۴. در زیارت جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدّس امام هادی علیه السلام صادر شده، هنگام زیارت هر کدام از ذوات مقدّسه معصومین علیهم السلام خدمت آن بزرگواران عرض می کنیم:

بَرِّئْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، بیزاری و برائت می جویم به سوی خدا؛  
 مِنْ أَعْدَائِكُمْ، از دشمنان شما؛  
 وَمِنَ الْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ، و از جبّت و طاغوت «مقصود از جبّت و طاغوت، ائمه ظلم و جور هستند»؛

وَالشَّيَاطِينِ وَحِزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ، و از شیاطین و یاران و همکاران آنها «دو حزب بیش تر نداریم یکی حزب الله و دیگری حزب شیطان، کسانی که تابع خدا و رسول خدا و ائمه معصومین علیهم السلام هستند حزب الله می باشند،

۱. تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۱۹.

تفسیر قمی، جلد چهارم، صفحه ۳۵۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۸۲۹، حدیث ۴۹ «حدیث ۱۰۱۹۶»

۲. المیزان، جلد دهم، صفحه ۱۹۸.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۰۸.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۴۳، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوم، صفحه ۳۸۹، حدیث ۱۸۰ «حدیث ۲۷۴۰»

و کسانی که تابع غیر خدا و غیر حُجج خدا هستند حزب شیطان می باشند اعم از اینکه شیطان انسی باشد یا شیطان جنی، لیکن مصداق بارز شیطان و حزب شیطان که در این قسمت از زیارت شریف جامعه کبیره آمده ائمه ظلم و جور و پیروان آنها می باشند.»

الْجَاهِدِينَ لِحَقِّكُمْ، و از کسانی که مُنکر حق شما هستند «شدند»،  
وَالْمَارِقِينَ مِنْ وِلَايَتِكُمْ، و از کسانی که از ولایت شما خارج شدند،  
وَالغَاصِبِينَ لِإِثْمِكُمْ، و از کسانی که ارث شما را غصب کردند،  
الشَّاكِينَ فِيكُمْ، و از کسانی که در حَقَّانیت شما و امامت شما شک کردند،  
الْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ، و از کسانی که می دانند «می دانستند» شما حجت خدا هستید  
لیکن از ولایت شما انحراف پیدا کردند،

وَكُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ، و بیزاری می جویم از هر مُطاعی غیر از شما، یعنی:  
تبری و بیزاری می جویم از هر اطاعت شونده ای غیر از شما اهل بیت پیامبر اکرم  
«مُطاع = اطاعت شونده - اطاعت شده - هر کسی که اطاعت می شود - هر کس که  
فرمانش اطاعت شود»، یعنی:

در عالم هستی بعد از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اطاعت  
از شما اهل بیت پیامبر اکرم و اطاعت از شما ائمه معصومین علیهم السلام واجب  
است، زیرا اطاعت از شما اطاعت از خداوند متعال است و نافرمانی از شما نافرمانی  
از خداوند متعال، لذا:

اطاعت از هر مُطاعی غیر از شما بزرگواران شرک و کُفر است،  
وَمِنَ الْأُمَّةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ، و بیزاری می جویم از امامانی که مردم را به سوی  
جهنم دعوت نموده و سوق می دهند «مقصود از امامانی که مردم را به سوی جهنم  
دعوت می کنند، ائمه ظلم و جور و رهبران ضلالت و گمراهی می باشند».  
بنابراین:

فقط خداوند متعال بر مخلوقات ولایت دارد و به امر خداوند متعال فقط وجود  
مقدس چهارده معصوم علیهم السلام بر مخلوقات ولایت دارند و لا غیر.  
لذا:

اطاعت از خداوند متعال بر همه مخلوقات واجب است، و به امر خداوند متعال، اطاعت از وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام نیز بر همه مخلوقات واجب، بنابراین:

اگر کسی، غیر از این ذوات مقدّسه و غیر از کسانی که این ذوات مقدّسه امر به اطاعت از آنها نموده‌اند از افراد دیگری اطاعت نماید از ولایت خداوند متعال و حُجج خداوند متعال خارج شده و دچار کُفر و شرک شده است، یعنی:

اگر مردم افرادی غیر از این ذوات مقدّسه را به عنوان امام خویش انتخاب نموده و از آنها تبعیّت و پیروی نمایند مشمول آیه ۱۶۵ سوره بقره شده و مثل این است که معبودی غیر از خداوند متعال برای خودشان انتخاب نموده‌اند، و جایگاه چنین مردمی جهنّم است،

وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ، یعنی:

برای همیشه داخل جهنّم خواهند ماند.<sup>۱</sup>

---

۱. شرح جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی، صفحه ۴۸۰ تا ۵۰۱.  
شرح جامعه کبیره، علامه سیّد حسین همدانی درودآبادی، صفحه ۵۵۵ تا ۵۵۸.

### آیه ۱۸۹ سوره بقره:

«لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا، وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى، وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا، وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.»

#### ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

نیکی آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد خانه شوید، بلکه نیکی آن است که متقی و پرهیزکار باشید و از درهای خانه‌ها وارد خانه‌ها شوید، و از خدا بترسید تا رستگار شوید.<sup>۱</sup>

#### شرح لغات و توضیحات:

بِرٌّ = نیکی - نیکوکاری.

ظَهْرٌ = پشت.

باب = درب «در»<sup>۲</sup>

اعراب در زمان جاهلیت «قبل از ظهور اسلام» هنگامی که به منظور انجام مراسم حج مُحْرِمٌ می‌شدند «لباس احرام به تن می‌نمودند»، تا زمانی که مُحْرِمٌ بودند از راه معمولی و از درب خانه وارد خانه خودشان نمی‌شدند و معتقد بودند که این کار برای شخص مُحْرِمٌ ممنوع است، لذا دیوار پشت خانه را سوراخ کرده «یکی از دیوارهای خانه را سوراخ کرده» و مادامی که در حال احرام بودند از طریق سوراخی که در دیوار ایجاد کرده بودند به منزل خویش وارد می‌شدند.

اعراب دوران جاهلیت «اعراب قبل از ظهور اسلام» معتقد بودند که این عمل آنها «رفت و آمد به منزل از طریق سوراخ ایجاد شده در دیوار و عدم رفت و آمد به منزل از درب خانه» یک کار نیک و یک کار پسندیده است، زیرا:

این عمل یک ترک عادت است و چون در حال احرام شخص مُحْرِمٌ عادات زیادی را ترک می‌کند باید با این ترک عادت تکمیل شود، یعنی یک کار نیک به

۱. مجمع‌البیان، جلد دوم، صفحه ۲۲۶.

۲. مجمع‌البیان، جلد دوم، صفحه ۲۲۶-۲۲۷.

کارهای او اضافه شود.

آیه ۱۸۹ سوره بقره به این رسم و عادت خرافاتی اعراب دوران جاهلیت اشاره فرموده و مردم را از انجام این عمل بیهوده و خرافاتی نهی می‌فرماید.

خداوند متعال در این آیه شریفه این عمل خرافاتی را نهی نموده و می‌فرماید:

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا = نیکی و نیکوکاری این نیست که از پشت خانه‌های خویش وارد منزل خویش شوید، یعنی نیکی و نیکوکاری این نیست که دیوار منزل خودتان را سوراخ کرده و به جای اینکه از درب منزل خویش وارد منزلتان شوید از سوراخ دیوار رفت و آمد نمائید.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال عمل نیک را به همگان معرفی نموده و می‌فرماید:

وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى = نیکی آن است که متقی و پرهیزکار باشید، یعنی:

نیکی و نیکوکاری این است که تقوا پیشه نمائید، یعنی تقوا و پرهیزکاری این است که انسان مرتکب گناه نشود و این امر زمانی محقق می‌شود که شخص به تکالیف شرعی و الهی خویش عمل نماید یعنی انجام واجبات و ترک محرمات.

خداوند متعال پس از نهی مردم از اعمال خرافاتی اعراب جاهلیت و گوشزد کردن این مطلب که انجام این عمل خرافاتی هیچ خیری برای صاحب آن ندارد مردم را به تقوا و پرهیزگاری امر فرموده که منشأ خیر فراوانی برای صاحبش می‌باشد.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه به مردم امر می‌فرماید که:

وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا = از درب منزل خویش وارد منازل خویش بشوید.

این قسمت از آیه شریفه دستوری است به مردم که:

به جای اینکه از سوراخ دیوار پشت منزل به منازل خویش تردد نمایند از راه معمولی استفاده کرده و وارد منازل خویش شوند، یعنی:

از درب منزل وارد منزل شوند نه از طریق پشت بام و سوراخ دیوار.

این آیه شریفه یک پیام و دستور همگانی و فراگیر است به همه انسان‌ها در تمام موارد و موضوعات و آن این است که:

لازم است انسان‌ها برای اقدام در هر کاری اعم از اینکه این کار یک کار دینی

باشد یا غیردینی از طریق صحیح وارد آن کار شوند نه از طریق انحرافی و وارونه،  
لذا:

برای یافتن نیکی‌ها و انجام دادن آن‌ها باید به سراغ اهلش رفت و از غیراهلش طلب نمود، زیرا کسی که در کار دین اهلیت نداشته باشد ممکن است باطل را حق جلوه دهد و راه انحرافی را به عنوان راه راست و صراط مستقیم معرفی نماید.

بدیهی است برای رفتن به سوی خدا و تقرّب یافتن به درگاه خداوند متعال باید به سوی حُجج خداوند متعال رفت که درب ورود به قلعه محکم توحید می‌باشند و به اصطلاح باب‌الله هستند و مَهبط وحی الهی، و هیچ‌گاه انسان عاقل و مؤمن درب را رها ننموده و مثل سارقین از طریق دیوار وارد منزل نمی‌شود.

خداوند متعال در انتهای آیه شریفه مجدداً به موضوع تقوا اشاره فرموده و تقوا و پرهیزگاری را عامل فلاح و رستگاری انسان‌ها دانسته و می‌فرماید:

وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ = از خدا بترسید و مرتکب گناه نشوید تا رستگار شوید،

یعنی:

تقوا پیشه کنید تا رستگار شوید.

تقوا پیشه کردن یعنی:

اطاعت از اوامر و نواهی خداوند متعال که حُجج خداوند متعال یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام از ناحیه خداوند متعال می‌فرمایند.

به عبارت دیگر، تقوا و پرهیزگاری یعنی:

عمل به تکالیف شرعی که حُجج خداوند متعال از جانب خداوند متعال معین فرموده‌اند.<sup>۱</sup>

ظاهر آیه شریفه همان بود که ملاحظه فرمودید، یعنی:

نهی از ورود به منزل از طریق پشت بام و سوراخ دیوار و نهی از ورود به منزل از طریق غیرعادی و غیرمعمولی، و از طرف دیگر:

۱. مجمع‌البیان، جلد دوم، صفحه ۲۲۷ - ۲۲۸.

المیزان، جلد سوم، صفحه ۷۷.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۲۱ - ۲۲.

امر به ورود منزل از طریق درب ورودی و ورود به منزل از راه عادی و معمول که همه انسان‌های عاقل انجام می‌دهند.

آیه شریفه معنی باطنی و تأویلی نیز دارد که در رابطه با تقرّب به خداوند متعال و وصول به حق می‌باشد و بیان می‌فرماید که درب ورود به دین و درب ورود به توحید چیست و چه می‌باشد و چه افرادی به منزله درب ورود به دین و وصول به حق تعالی می‌باشند.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث به این موضوع اشاره خواهد شد.

### حدیث:

۱. وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در رابطه با این آیه شریفه «لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا، وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى، وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا...» و اینکه منظور از بیوت و ابواب در این آیه شریفه چیست فرمودند:

نَحْنُ الْبُيُوتُ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ بِهَا أَنْ تُوتَى مِنْ أَبْوَابِهَا،  
نَحْنُ بَابُ اللَّهِ وَبُيُوتُهُ الَّتِي يُوتَى مِنْهُ،

فَمَنْ بَايَعَنَا وَاقْرَأَ بُولَانَا فَقَدْ أَتَى الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا،  
وَمَنْ خَالَفَنَا وَفَضَّلَ عَلَيْنَا غَيْرَنَا فَقَدْ أَتَى الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا، یعنی:

ما آن بیوتی هستیم که خداوند متعال امر فرموده تا از درب‌های آن وارد شوید، ما درب و بیوت الهی هستیم که رسیدن و وصول به خدا از آن طریق میسر است،

پس:

هر کس با ما بیعت کند و به ولایت ما اقرار و اعتراف نماید از درب خانه وارد خانه شده است،

و هر کس با ما مخالفت کند و دیگران را بر ما برتری و ترجیح دهد از پشت خانه «از دیوار و پشت بام» وارد خانه شده است.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:  
فَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَنَا وَعَرَفْنَا،

وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَنَا وَ أَنْكَرْنَا،  
وَذَلِكَ بَانَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَوْشَاءَ عَرَفَ النَّاسَ نَفْسَهُ حَتَّى يَعْرِفُوهُ وَحَدَّهُ وَيَأْتُوهُ مِنْ بَابِهِ،  
وَ لَكِنَّهُ جَعَلْنَا أَبْوَابَهُ وَ صِرَاطَهُ وَ سَبِيلَهُ وَ بَابَهُ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ، یعنی:

هیچ کس به بهشت وارد نمی‌شود مگر اینکه ما او را بشناسیم «به عنوان اینکه شیعه ما است» و او ما را بشناسد «امامت و ولایت ما را پذیرفته باشد»،  
هیچ کس وارد جهنم نمی‌شود مگر اینکه مُنکر ما بوده «امامت و ولایت ما را نپذیرفته» و ما نیز او را انکار کنیم،

اگر خداوند متعال می‌خواست که خودش را به مردم بشناساند تا خدا را به یکتایی بشناسند همین کار را می‌کرد، لیکن:

خداوند متعال ما را باب معرفت خویش، همچنین صراط و راه و باب خودش قرار داد،

همان بابی که مردم باید از آن در آیند «همان باب و همان دربی که مردم باید از طریق آن درب وارد قلعه توحید شده و خدا را بشناسند».  
این حدیث شریف را اصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۲. امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «لَيْسَ الْبِرُّ بَانَ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا، وَلَكِنَّ الْبِرَّ مِنَ اتَّقَى، وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» فرمودند:  
آلُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَبْوَابُ اللَّهِ، وَ سُبُلُهُ، وَ الدُّعَاةُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَ الْقَادَةُ إِلَيْهَا، وَ الْإِدْلَاءُ عَلَيْهَا  
إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، یعنی:

اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ب‌های خداوند متعال و راه‌های وصول به خداوند متعال هستند، همچنین:

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۵۰۸ - ۵۰۹، حدیث ۱۲۹.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۳۸۰.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۶۰۲، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۳۹۷، حدیث ۶۲۰ «حدیث ۷۳۵».



آن ذوات مقدّسه دعوت کنندگان مردم به سوی بهشت و راهنمایان مردم به سوی بهشت می باشند تا روز قیامت.<sup>۱</sup>

۳. امام صادق علیه السلام فرمودند:

الْأَوْصِيَاءُ هُمْ أَبْوَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ الَّتِي يُؤْتَى مِنْهَا،  
وَلَوْلَا هُمْ مَا عَرَفَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ،

وَبِهِمْ اِحْتَجَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ، یعنی:

اوصیاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم «ائمه معصومین علیهم السلام» درب های خداوند عزوجل هستند «باب و درب شناخت خداوند متعال هستند، و رسیدن به خدا و شناخت خداوند متعال تنها از طریق آن ذوات مقدّسه میسر می باشد»،

اگر آن ذوات مقدّسه نبودند شناخت خداوند متعال شناخته نمی شد، یعنی اگر بیانات این ذوات مقدّسه بزرگواران نبودند خداوند متعال شناخته نمی شد، یعنی اگر بیانات این ذوات مقدّسه و تبلیغ آن ها نبود مردم به راه راست هدایت نمی شدند که خداوند متعال را بشناسند و او را عبادت کنند»،

و خداوند متعال به وسیله این بزرگواران «ائمه معصومین علیهم السلام» بر مخلوقات خویش احتجاج نموده است «خداوند متعال آن ذوات مقدّسه را حجت خویش بر تمام مخلوقاتش قرار داده است».<sup>۲</sup>

۴. وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، وَلَا تُوتَى الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا، یعنی:

۱. مجمع البیان، جلد دوم، صفحه ۲۲۸.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۳۸۰.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۶۰۲، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۳۹۹، حدیث ۶۲۲ «حدیث ۷۳۷».

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۲۲.

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۷۵، حدیث ۲ «حدیث ۵۰۷».

المیزان، جلد سوم، صفحه ۸۰.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۶۰۲، حدیث ۲.

من شهر علم هستم و علی بن ابیطالب علیه السلام درب آن شهر می باشد، و نمی توان به این شهر وارد شد مگر از طریق درب این شهر.

در روایت دیگری آمده است که:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

أَنَا مَدِينَةُ الْحِكْمَةِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا، وَلَا تُوتَى الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا، یعنی:

من شهر حکمت هستم و علی بن ابیطالب علیه السلام درب آن شهر، پس وارد این شهر نشوید مگر از طریق درب آن.<sup>۱</sup>

۵. امام باقر علیه السلام فرمودند:

نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ، وَ نَحْنُ بَابُ اللَّهِ، وَ نَحْنُ لِسَانُ اللَّهِ، وَ نَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ، وَ نَحْنُ عَيْنُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ،

وَ نَحْنُ وِلَاةُ أَمْرِ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ، یعنی:

ما حجت خداوند متعال هستیم،

ما باب الله هستیم «درب معرفت خداوند متعال»

ما زبان خداوند متعال هستیم،

ما وجه الله هستیم «جلوه خداوند متعال»،

– ما چشم خداوند متعال در میان مخلوقاتش هستیم،

ما متولیان امر خداوند متعال در میان بندگانش هستیم.

این حدیث را اسود بن سعید از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۶. امام باقر علیه السلام فرمودند:

هر کس نزد آل محمد علیهم السلام بیاید وارد چشمه زلالی می شود که دانش

الهی از آن نشأت می گیرد و دانش آن تمام نشدنی است.

۱. مجمع البیان، جلد دوم، صفحه ۲۲۸.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۳۸۰.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۶۰۳، حدیث ۱۱.

تفسیر نورالتقلین، جلد اول، صفحه ۳۹۹، حدیث ۶۲۴ «حدیث ۷۳۹».

۲. بصائر الدرجات، جلد اول، جزء دوم، باب سوم، صفحه ۲۵۴، حدیث ۱ «حدیث ۲۵۴».

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۶۰۲، حدیث ۳.

اگر خداوند متعال می‌خواست خودش را به مردم می‌شناساند تا از درب خدا خود خدا را بشناسند، لیکن:

خداوند متعال اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را درب شناخت و معرفت خویش قرار داد، و رسیدن به خداوند متعال و وصول به حق تعالی تنها از طریق اهل بیت پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام میسر می‌باشد.<sup>۱</sup>

### توضیح:

معنی احادیث شریفی که ملاحظه فرمودید و ملاحظه خواهید فرمود این است که:

رفتن به سوی خداوند متعال و وصول به حق از طریقی باید صورت بگیرد که خود خداوند متعال مقرر فرموده است، یعنی:

اگر بخواهیم سراغ خداوند متعال برویم و نسبت به خداوند متعال معرفت و شناخت پیدا کنیم باید از طریق حُجج خداوند متعال یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام عازم مقصد شویم زیرا این ذوات مقدّسه باب الله هستند یعنی درب ورود به قلعه محکم توحید، لذا:

توحید بدون ولایت توحید نیست، زیرا:

انکار ولایت یعنی سرپیچی و نافرمانی از دستور خداوند متعال، چرا که امامت منصبی است الهی و امام معصوم منصوب از ناحیه خداوند متعال می‌باشد و راهنمای خلق است جهت سیر الی الله.

بنابراین:

اطاعت خداوند متعال، شناخت خداوند متعال و تقرب به درگاه خداوند متعال باید از طریق حُجج خداوند متعال باشد، در غیر این صورت اعمال انسان‌ها پذیرفته نخواهد شد.

ذیل آیه ۸۲ سوره طه و آیه ۲۳ سوره فرقان احادیثی نقل شده که:

اگر کسی تمام عمر بین رکن و مقام در حال عبادت خداوند متعال باشد اما

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۶۰۳ - ۶۰۴، حدیث ۱۲.

ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام را نپذیرفته باشد خداوند متعال او را با صورت به داخل جهنّم پرتاب خواهد نمود.

جهت پی بردن به اهمّیت ولایت و اینکه توحید بدون ولایت توحید واقعی نیست به حدیثی از وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام اشاره می شود که در مفاتیح الجنان نیز آمده است «فصل مربوط به فضیلت زیارت امام رضا علیه السّلام».

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام در شهر نیشابور فرمودند:  
خداوند متعال می فرماید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي، يَعْنِي:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ «اقرار به یگانگی خداوند متعال» قلعه محکم من است و هر کس وارد این قلعه شود «اقرار به یگانگی خداوند متعال نماید» از عذاب من در امان خواهد بود.

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام پس از بیان این حدیث قدسی و پس از بیان این فرمایش خداوند متعال افزودند:

بِشُرُوطِهَا، وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا، يَعْنِي:

با شرایطش، و من از آن شرایط هستم، یعنی:

آن دسته از اهل توحید از عذاب الهی در امان هستند که از درب قلعه توحید وارد قلعه توحید شوند یعنی از طریق پذیرش ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام.

خلاصه کلام اینکه:

حُجَجِ خَدَاوَنَدِ مَتَعَالِ يَعْنِي وَجُودَ مَقَدَّسِ چهارده معصوم علیهم السّلام باب الله

هستند، یعنی:

ورود به قلعه توحید و ورود در دینی که مورد رضایت خداوند متعال می باشد باید از درب آن صورت بگیرد تا مورد پذیرش خداوند متعال واقع شود و وارد شوندگان به این قلعه از عذاب الهی در امان باشند.

۷. در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدّس امام هادی

علیه‌السلام صادر شده و یک دوره کامل و جامع امام‌شناسی است هنگام زیارت هر کدام از ذوات مقدسه معصومین علیهم‌السلام به محضر آن بزرگواران عرض می‌کنیم.

السَّلَامُ عَلَى مَحَلِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، یعنی:

سلام بر جایگاه‌های شناخت خداوند متعال

محلّ = جمع محلّ است و محل اسم مکان می‌باشد یعنی مکان حلول، بنابراین معنی این قسمت از زیارت جامعه کبیره این می‌شود که:

سلام بر شما ائمه معصومین علیهم‌السلام و سلام بر شما اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم، که:

محل‌های معرفت خداوند متعال هستید «جایگاه‌های شناخت خداوند متعال می‌باشید».

این قسمت از زیارت جامعه کبیره اشاره به این موضوع می‌کند که:

معرفت و خداشناسی واقعی فقط از طریق اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم ممکن و میسر می‌باشد و راه دیگری ندارد زیرا این ذوات مقدسه باب‌الله هستند، یعنی باب معرفت خدا.

اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم واسطه بین خداوند متعال و مخلوقات خداوند متعال هستند و چون هیچ مخلوقی از آن ذوات مقدسه به خداوند متعال نزدیک‌تر نمی‌باشد «قرب معنوی نه قرب جسمی و مکانی» لذا خداوند متعال را بهتر از دیگران می‌شناسند و به آن معرفت دارند.

بنابراین:

انسان‌ها اگر بخواهند خداوند متعال را بشناسند باید به اهل بیت پیامبر اکرم تمسک نمایند در غیر این صورت از طریق معرفت منحرف می‌شوند.<sup>۱</sup>

در قسمت دیگری از زیارت شریف جامعه کبیره خدمت ذوات مقدسه معصومین علیهم‌السلام عرض می‌کنیم که:

مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ، یعنی:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۱۵۵-۱۵۶.

هر کس آهنگ خدا کند باید از شما شروع نماید،

وَمَنْ وَحَدَّهُ قَبْلَ عَنكُمْ، یعنی:

هر کس بخواهد خداوند متعال را به یگانگی بشناسد طریق توحیدش را از شما

می‌پذیرد «هر کس بخواهد موحد و خداشناس شود باید آن را از شما بیاموزد»،

وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، یعنی:

هر کس که قصد خداوند متعال می‌کند باید به شما بزرگواران توجه کند «هر کس

قصد رسیدن به مقام قرب حق تعالی را دارد باید شما را واسطه قرار دهد».

بَدَأَ = فعل ماضی است و مصدر آن بَدَأَ می‌باشد یعنی شروع کردن - ابتدا کردن

وَحَدَّهُ = فعل ماضی است و مصدر آن توحید است، یعنی خدا را بی‌همتا و

بی‌شریک دانستن.

مَنْ ارَادَ اللهُ بَدَأَ بِكُمْ، یعنی:

هر کس آهنگ خدا کند باید از شما «چهارده معصوم علیهم‌السلام» شروع نماید،

یا:

هر کس بخواهد خداوند متعال را بشناسد و نسبت به حق تعالی معرفت پیدا کند

این کسب معرفت باید از طریق راهنمایی شما باشد.

در معنای این عبارت دو توجیه به نظر می‌رسد:

الف) این ذوات مقدسه خلیفه‌الله «جانشین خدا»، عین‌الله، وجه‌الله، سبیل‌الله،

صراط‌الله، باب‌الله، حجّت‌الله، ولی‌الله، جنب‌الله و... هستند و اشرف و اکمل مخلوقات

می‌باشند و علت غایی خلقت هستند «خداوند متعال عالم هستی را به خاطر آن

ذوات مقدسه خلق فرموده است» و عالم به طفیل وجود آن بزرگواران خلق شده

است، همچنین:

این ذوات مقدسه مقرب‌ترین مخلوقات در درگاه الهی می‌باشند، همچنین:

این بزرگواران مظهر اتم و اکمل صفات خداوند متعال می‌باشند، و در یک

کلام:

این ذوات مقدسه آینه تمام نمای حق هستند، لذا:

ایمان به آنها ایمان به خدا، کفر به آنها کفر به خدا، معرفت به آنها معرفت به

خدا، جهل به آن‌ها جهل به خدا و توجّه به آن‌ها توجّه به خداوند متعال است. در روایاتی که از ناحیه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام صادر شده آمده است که:

مَنْ رَأَى بِالنُّورِ نَبِيَّةً فَقَدْ رَأَى الْحَقَّ، یعنی:

هر کس مرا با نورانیت ببیند مثل اینکه حق را دیده است «نه اینکه نعوذ بالله خداوند متعال را دیده است بلکه مقصود این است که آینه تمام نمای حق را دیده، زیرا این ذوات مقدّسه مظهر اتمّ و اکمل صفات خداوند متعال می‌باشند».

مَعْرِفَتِي بِالنُّورِ نَبِيَّةٍ مَعْرِفَةُ اللَّهِ، یعنی:

شناختن من به نورانیت شناختن خداوند متعال است.

یکی از بهترین راه‌ها برای شناختن این بزرگواران مطالعه دقیق و عمیق زیارت شریف جامعه کبیره است که بخشی از فضائل و مناقب فراوان و کثیر آن ذوات مقدّسه را بیان می‌فرماید، همچنین مطالعه فضائل و مناقب آن بزرگواران که در قرآن کریم آمده و موضوع بحث کتاب حاضر می‌باشد.

بنابراین:

این ذوات مقدّسه با داشتن این اوصاف تنها راهنمای انسان‌ها هستند جهت شناختن خداوند متعال، لذا:

شناخت خداوند متعال باید از طریق این بزرگواران و راهنمایی این ذوات مقدّسه باشد و غیر از این راهی نیست.

ب) این بزرگواران بهتر از هر مخلوقی خدا را می‌شناسند، چون اقرب به خداوند متعال هستند «مقرب‌تر از همه مخلوقات و نزدیک‌تر از همه مخلوقات به خداوند متعال می‌باشند، مقصود از این قُرب، قُرب معنوی است نه قُرب مکانی، زیرا خداوند متعال جسم نیست که جا و مکان داشته باشد»، لذا:

هر کس بخواهد خداوند متعال را بشناسد باید از طریق آن بزرگواران و با راهنمایی آن ذوات مقدّسه باشد و دلیل این امر نیز کاملاً روشن است، زیرا:

دیگران هر چه درباره ذات و صفات خداوند متعال بگویند از پیش خود گفته‌اند

لذا حرف و سخن آن‌ها مورد اعتماد نیست، لیکن:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام هر چه درباره ذات و صفات خداوند متعال بفرمایند، عین واقع می‌باشد،

زیرا مُستند به وحی الهی است، ضمن اینکه این بزرگواران خلیفه خداوند متعال و حجّت خداوند متعال بر مخلوقات بوده و مقام عصمت دارند، لذا:  
فرمایش آن بزرگواران، فرمایش خداوند متعال است.

وَمَنْ وَحَدَّهُ قَبْلَ عَنكُمْ، یعنی:

هر کس بخواهد موحد باشد «هر کس بخواهد اهل توحید شود و خدا را به یگانگی بشناسد» باید گوش به فرمان شما ائمه معصومین علیهم السّلام باشد و طریق توحید و خداشناسی را از شما بزرگواران بیاموزد،

زیرا توحید واقعی جز از طریق اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم شناخته نمی‌شود.

وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، یعنی:

هر کس قصد خداوند متعال نماید باید به شما معصومین علیهم السّلام توجه کند.  
به عبارت دیگر:

هر کس قصد رسیدن به مقام قرب حق را دارد باید شما حُجج خداوند متعال را واسطه قرار دهد.

معنی این قسمت از فرمایش امام هادی علیه السّلام اشاره به این مطلب دارد که:  
قصد حق نمودن و قصد خدا کردن بدون توجه به این ذوات مقدّسه امکان ندارد،  
زیرا:

رسیدن به مقصد بدون راهنما ممکن و میسر نیست.

به عبارت دیگر:

وقتی سالک الی الله قصد می‌کند که به مقام قرب برسد چون از راه بی‌خبر است به ناچار باید از کسی استمداد بطلبد که راه را به درستی می‌شناسد و چون مقرب‌ترین مخلوقات الهی این راه را خوب می‌شناسد لذا تمسّک به مقرب‌ترین مخلوقات الهی شرط لازم و اساسی جهت وصول به حق می‌باشد، بنابراین:



سالک الی الله جهت نائل شدن به مقام قُرب حق تعالی یک راه بیش تر ندارد  
 «یعنی راه حق یک راه بیش تر نیست» و آن این است که:  
 سالک الی الله به محمّد و آل محمّد علیهم السّلام که مقرب ترین مخلوقات الهی  
 بوده و ابواب الله و ابواب الرّحمن هستند و واسطه بین خداوند متعال و مخلوقات  
 می باشند توجّه و توسّل و تمسّک نماید تا وصول به حق امکان پذیر گردد.<sup>۱</sup>

---

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمّد تقی نقوی، صفحه ۵۱۸ تا ۵۲۰.  
 شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف علامه سیّد حسین همدانی درودآبادی، صفحه ۵۷۴ تا ۵۷۶، ۴۸۸-۴۸۹-۶۴۷.

### آیه ۲۰۷ سوره بقره:

«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَاللَّهُ رَئُوفٌ بِالْعِبَادِ»

#### ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

بعضی از مردم به خاطر خشنودی خداوند متعال جان خود را می فروشند، و خداوند متعال نسبت به بندگانش رئوف و مهربان است.<sup>۱</sup>

#### شرح لغات و توضیحات:

یَشْرِي = می فروشد «از شِراء می آید یعنی فروختن».

مرضات = اصل آن از رضا است به معنی خشنودی.

رضایت بنده نسبت به خداوند متعال بدین معنا است که آنچه از قضای الهی در مورد وی جاری شود ناپسند نشمارد.

رضایت خداوند متعال از بنده بدین معنا است که خداوند متعال آن شخص را نسبت به اوامر و نواهی خود مطیع و فرمانبردار ببیند.

ابْتِغَاءَ = کوشش و اجتهاد در طلب «طلب کردن - به دست آوردن»<sup>۲</sup>

آیات قبل «آیات ۲۰۴ تا ۲۰۶» در رابطه با منافقینی است که خدمت پیامبر اکرم رسیده و نسبت به آن حضرت اظهار ارادت و محبت نموده و خود را مسلمان و پیرو آن حضرت می دانستند، حتی خداوند متعال را نیز بر این امر گواه و شاهد می گرفتند در حالی که ذره‌ای ایمان نداشتند و در زمره‌ی سرسخت‌ترین دشمنان پیامبر اکرم بودند.

این منافقین در حضور پیامبر اکرم خودشان را مسلمان و مُحَبِّ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نشان می دادند لیکن به محض اینکه از محضر مبارک پیامبر اکرم

۱. تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۹۶.

۲. مجمع‌البیان، جلد دوم، صفحه ۲۶۸.

مفردات راغب.

خارج می شدند مرتکب انواع گناهان شده و در روی زمین فساد به پا می کردند. خداوند متعال نیز در آن آیات شریفه وعده عذاب به آن‌ها داده و جایگاه آن‌ها را جهنم دانسته است.

این آیه شریفه «آیه ۲۰۷ سوره بقره» اوضاع و احوال مؤمنین را بیان می فرماید که درست در نقطه مقابل منافقین قرار گرفته اند.

به عبارت دیگر:

آیات ۲۰۴ تا ۲۰۶ سوره بقره در رابطه با منافقین خودخواه و متکبری است که تظاهر به دین می نمایند لیکن ذره‌ای ایمان در دلشان نیست و اعمال و افعالشان نتیجه و ثمری جز فساد دین و نابودی انسانیت ندارد، لیکن:

آیه ۲۰۷ سوره بقره اوضاع و احوال مؤمنین از جان گذشته‌ای را بیان می فرماید که چیزی جز رضایت و خشنودی خداوند متعال نمی خواهند و جهت جلب رضایت خداوند متعال جان خویش را به خداوند متعال فروخته‌اند، یعنی جهت جلب رضایت خداوند متعال با کمال افتخار از جان خود می گذرند.

با فداکاری این مؤمنین است که امر دین و دنیای مردم اصلاح می شود و حق زنده و پایدار می ماند و درخت اسلام تنومند شده و بارور می گردد.

طبق احادیثی که در تفاسیر صافی، برهان و نورالثقلین آمده مصداق اتم و اکمل منافقین مد نظر آیات ۲۰۴ تا ۲۰۶ سوره بقره غاصبین خلافت و مخصوصاً آن دو نفر می باشند،

و اما مصداق اتم و اکمل مؤمنینی که در راه رضای خداوند متعال از همه چیز خویش و حتی از جان خویش می گذرند وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.<sup>۱</sup>

خداوند متعال در آیه ۲۰۷ سوره بقره در توصیف مؤمنین راستین و واقعی که جز جلب رضایت خداوند متعال هدفی ندارند می فرماید:

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ = بعضی از مردم جان خودشان را به

۱. المیزان، جلد سوم، صفحه ۱۳۷-۱۳۸.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۹۸.

خاطر خشنودی خداوند متعال می فروشند، یعنی از میان مردم کسانی هستند که برای جلب رضایت و خشنودی خداوند متعال از جان خویش می گذرند.  
در این آیه شریفه صحبت از یک معامله است و شرح حال مؤمنینی است که با خداوند متعال معامله می کنند و در این معامله:

خریدار خداوند متعال است،

فروشنده مؤمن واقعی و راستین است،

متاع مورد معامله جان مؤمن است، و بالاخره:

بهای معامله خشنودی و رضایت خداوند متعال است، یعنی:

مؤمن راستین و واقعی با خداوند متعال بدین نحو معامله می کند که جان خویش را به خداوند متعال می فروشد و در ازاء آن خشنودی و رضایت خداوند متعال را به دست می آورد.

چون انسان مملوک خدا است لذا جان و مال او به خداوند متعال تعلق دارد زیرا خداوند متعال آن‌ها را به او اعطا فرموده است، لیکن خداوند متعال این جان را که خودش به انسان اعطا فرموده از او خریداری می کند و در ازاء آن بیشترین بها را به او می پردازد، یعنی:

خشنودی و رضایت را، و این یعنی فضل و بخشش بیکران خداوند متعال که اعطائی خودش را خودش مجدداً خریداری می کند، آن هم به این بهای سنگین.  
این آیه شریفه با کلمه مِنْ شروع شده و کلمه مِنْ در این آیه شریفه تبعیضیه است، یعنی:

فقط بعضی از مردم و بعضی از مؤمنین هستند که قادرند به این کار فوق العاده دست بزنند، یعنی جان خودشان را تقدیم کنند تا در ازاء آن خشنودی و رضایت خداوند متعال را کسب نمایند.

در ادامه آیه شریفه آمده که:

وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ = خداوند متعال نسبت به بندگانش رؤوف و مهربان است.

این قسمت از آیه شریفه با ابتدای همین آیه شریفه تناسب دارد و می خواهد این

حقیقت مهم را روشن سازد که:

وجود چنین انسان‌های مؤمن و ایثارگر و فداکار در میان مردم ناشی از رأفت و مهربانی فوق‌العاده خداوند متعال نسبت به بندگانش می‌باشد، زیرا:

اگر چنین انسان‌های مؤمن و فداکار و از خود گذشته وجود نداشت «در مقابل آن منافقینی که در آیات ۲۰۴ تا ۲۰۶ از آن‌ها صحبت شد و به عرض رسید که جز فساد در روی زمین نقشی نداشتند» ارکان دین از هم می‌پاشید و از بنیان آن اثری باقی نمی‌ماند، اما خداوند رثوف و مهربان همیشه آن باطل را به وسیله این حق از بین می‌برد و افساد و خرابکاری دشمنانش را با اصلاحات دوستانش جبران می‌کند.

قابل ذکر است که این آیه شریفه عام بوده و همه مؤمنینی را در بر می‌گیرد که در راه رضای خداوند متعال و جهت جلب رضایت خداوند سبحان از جان خویش می‌گذرند، لیکن در عین عام بودن شأن نزول خاص دارد، یعنی نزول این آیه شریفه به طور خاص و ویژه در رابطه با مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد و به خاطر آن وجود مبارک نازل شده است که انشاءالله تعالی در ادامه بحث بیان خواهد شد.<sup>۱</sup>

### شأن نزول آیه شریفه:

روایات زیادی از طریق شیعه و سنی نقل شده که این آیه شریفه «آیه ۲۰۷ سوره بقره» در شأن مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام نازل شده و مربوط به زمانی است که آن حضرت در بستر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خوابیده و کشته شدن در راه خدا را با آغوش باز پذیرفتند و پیامبر اکرم به غار ثور رفته و از آن جا به مدینه مهاجرت فرمودند.

شرح ماجرا از این قرار است که:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از اینکه مبعوث به رسالت شدند تبلیغ دین اسلام را شروع نموده و مردم را به توحید و پرستش خدای یگانه دعوت نمودند.

۱. المیزان، جلد سوم، صفحه ۱۳۷-۱۳۸.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۹۸-۹۹.

کفار و مشرکین قریش «در شهر مکه» به طرق مختلف کوشیدند تا مانع تبلیغ پیامبر اکرم شوند و به هر کاری دست زدند تا پیامبر اکرم را از ادامه تبلیغ اسلام منصرف نمایند لیکن در این راه موفقیتی کسب نکردند. سران کفار و مشرکین مکه در دارالندوه «محلّ انعقاد جلسات مشورتی بزرگان مکه» اجتماع نموده و پس از بحث و مشورت فراوان راه‌های مختلفی برای مقابله با پیامبر اکرم پیشنهاد شد، از جمله اینکه:

پیامبر اکرم را در مکه و در منزلی زندانی کنند تا خود به خود از بین برود، یا اینکه پیامبر اکرم را از مکه اخراج کنند تا آن حضرت نتواند در شهر مکه مردم را به اسلام دعوت نماید.

سران کفار و مشرکین قریش با هر دو پیشنهاد مخالفت کردند لیکن نهایتاً قرار شد از هر قبیله یک نفر با شمشیر برهنه هنگام صبح به منزل پیامبر اکرم حمله کرده و آن حضرت را به شهادت برسانند و چون از هر قبیله و از هر طایفه یک نفر در این قتل سهم داشته لذا همه قبایل و طوایف مکه در قتل پیامبر اکرم نقش خواهند داشت و در این صورت قبیله بنی هاشم که پیامبر اکرم از آن قبیله بودند کاری از پیش نخواهند برد و نهایت کار این می‌شود که بنی هاشم خون‌بهای پیامبر اکرم را مطالبه کنند که قبایل مختلف خون‌بها را پرداخت خواهند کرد و موضوع فیصله پیدا خواهد کرد. این موضوع در سیزدهمین سال بعثت نبی مکرم اسلام روی داد و چون سران طوایف و قبایل قریش در دارالندوه گرد هم آمده بودند به داستان دارالندوه و اجتماع دارالندوه معروف می‌باشد.

پس از این تصمیم شیطانی کفار و مشرکین قریش بود که جبرئیل به امر خداوند متعال خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شده و موضوع اجتماع سران قبایل و طوایف قریش در دارالندوه را به اطلاع آن حضرت رساند. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از اطلاع از این قضیه به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که در آن زمان ۲۳ سال از عمر مبارکشان می‌گذشت فرمود:

یا علی، آیا جان خودت را فدای من می‌کنی.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به پیامبر اکرم عرض کرد:  
بله یا رسول الله.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام  
فرمود:

پس امشب در فراش و رختخواب و جایگاه من بخواب.  
وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام آن شب را در منزل پیامبر  
اکرم و در بستر آن حضرت خوابید و جبرئیل علیه السلام نیز دست پیامبر اکرم را  
گرفته و از منزل خارج نمود.

پیامبر اکرم پس از خروج از منزل به طرف غار ثور «غاری در نزدیکی مکه»  
حرکت نموده و سپس از غار ثور به طرف مدینه حرکت نمودند و بدین ترتیب پیامبر  
اکرم از مکه به مدینه مهاجرت فرمود.

افراد مسلح قبایل و طوایف مختلف قریش که اطراف منزل پیامبر اکرم خوابیده  
بودند تا هنگام صبح به داخل منزل یورش برده و پیامبر اکرم را به قتل برسانند حوالی  
صبح وقتی وارد منزل شدند با کمال تعجب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام  
را در منزل پیامبر اکرم و در بستر آن حضرت یافتند و بدین ترتیب نقشه و توطئه  
آن‌ها خنثی شد.

افراد مسلح قبایل قریش وقتی پیامبر اکرم را پیدا نکردند از منزل خارج شده و  
شروع به جستجو نموده و تا نزدیکی غار ثور نیز آمدند لیکن به امر خداوند متعال  
عنکبوتی دهانه غار را با تارهای خویش پوشاند و در نتیجه کسانی که در تعقیب  
پیامبر اکرم بودند یقین حاصل کردند که کسی در غار نیست چرا که اگر کسی وارد  
غار شده بود بایستی تارهای عنکبوت از بین می‌رفت.

پس از اینکه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در بستر پیامبر اکرم خوابیدند  
و حاضر شدند جان خودشان را فدای پیامبر اکرم نمایند و بدین طریق رضایت  
خداوند متعال را کسب نمایند «حفاظت از وجود مقدس پیامبر اکرم یعنی کسب  
رضایت خداوند متعال» خداوند متعال این آیه شریفه را در شأن مولی الموحّدين  
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نازل فرمودند و آن شب تاریخی به لیلۃ المبیت

معروف شد.

«بیتوته و مَبِیت = شب در جایی ماندن - شب را به صبح رساندن»  
 انشاءالله تعالی در بخش حدیث نیز به این موضوع اشاره خواهد شد.<sup>۱</sup>  
 قابل ذکر است که جریان لَيْلَةُ الْمَبِیت و خوابیدن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب  
 علیه السّلام در بستر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به منظور گذشتن از جان  
 خویش و سلامت ماندن پیامبر اکرم و متعاقب آن نزول آیه ۲۰۷ سوره بقره در شأن  
 مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را بسیاری از علمای شیعه و  
 سنی در کتاب‌های خویش نقل نموده‌اند که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

### الف: کتب شیعه

علامه مجلسی در بحار الأنوار؛

علامه امینی در الغدیر؛ و...

### ب: کتب اهل سنت

ابن ابی‌الحدید در شرح نهج البلاغه؛

غزالی در احیاء العلوم؛

گنجی در کفایة الطالب؛

صفوری در نزهة المجالس؛

ابن صباغ مالکی در فصول المهمّة؛

سبط ابن جوزی در تذکرة الخواص؛

شبلینجی در نورالابصار؛

احمد در مُسنَد؛

ابن سعد در طبقات؛

۱. مجمع‌البیان، جلد دوم، صفحه ۲۶۸ - ۲۶۹.

مجمع‌البیان، جلد دهم، صفحه ۲۰۳ «ذیل آیه ۳۰ سوره انفال».

المیزان، جلد هفدهم، صفحه ۱۲۲ تا ۱۲۸ «ذیل آیه ۳۰ سوره انفال».

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۹۶ تا ۹۹.

تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۱۸۴ تا ۱۸۹ «ذیل آیه ۳۰ سوره انفال».

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۶۶۰، حدیث ۱۲.



ابن هشام در سیره؛

حلبی در سیره، همچنین تاریخ طبری و تاریخ یعقوبی.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدّس امام سجّاد علیه السّلام فرمودند:

این آیه شریفه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَاللَّهُ رَئُوفٌ بِالْعِبَادِ» درباره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام نازل شد هنگامی که آن حضرت در بستر و در رختخواب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم خوابیدند. این حدیث شریف را حکیم بن جبیر از وجود مقدّس امام سجّاد علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۲. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

این آیه شریفه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَاللَّهُ رَئُوفٌ بِالْعِبَادِ» در شأن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام نازل شد در شبی که کفّار قریش تصمیم داشتند تا پیامبر اکرم را به شهادت برسانند. در آن شب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام جان خود را برای خدا و رسول خدا در طبق اخلاص گذاشت و در بستر و رختخواب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم خوابید و این آیه شریفه «آیه ۲۰۷ سوره بقره» در شأن آن حضرت نازل شد.<sup>۳</sup>

۳. در کتاب مناقب ابن شهر آشوب، همچنین در کتاب مناقب خوارزمی «از علمای اهل تسنن» از وجود مقدّس امام سجّاد علیه السّلام نقل شده که آن حضرت فرمودند:

۱. تفسیر نمونه، جلد دوّم، صفحه ۹۷.

۲. تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۶۵۵ - ۶۵۶، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۴۵۳، حدیث ۷۵۷ «حدیث ۸۷۳».

المیزان، جلد سوّم، صفحه ۱۳۹.

۳. تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۶۵۸، حدیث ۶.

اولین کسی که جان خود را فروخت «برای کسب رضایت خداوند متعال» و جهت حفاظت از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دست از جان خود شست و آماده شهادت گردید وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود که در بستر پیامبر اکرم خوابید، زیرا کفار و مشرکین قریش قصد داشتند در آن شب پیامبر اکرم را به شهادت برسانند.

این حدیث را عبدالملک عکبری و ابو مظفر سمعانی از امام سجاد علیه السلام نقل نموده‌اند.<sup>۱</sup>

۴. هنگام زیارت وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در روز عید سعید غدیر خم به محضر آن بزرگوار عرض می‌کنیم:

وَ أَشْبَهْتَ فِي الْبَيْتِ عَلَى الْفِرَاشِ الذَّبِيحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِذْ أَجَبْتَ كَمَا أَجَابَ، وَ اطَّعْتَ كَمَا اطَّاعَ إِسْمَاعِيلَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، إِذْ قَالَ لَهُ:

يا بُنَيَّ ائْتِي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى، قَالَ يَا أَبَتِ أَفْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ، وَ كَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا أَبَاتَكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ أَمَرَكَ أَنْ تَضْجَعَ فِي مَرْقَدِهِ وَاقِيًا لَهُ بِنَفْسِكَ، أَسْرَعْتَ إِلَى اجَابَتِهِ مُطِيعًا وَ لِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُوْطِنًا، فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى طَاعَتَكَ، وَ أَبَانَ عَن جَمِيلِ فِعْلِكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ:

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»، یعنی:

یا امیرالمؤمنین، یا علی بن ابیطالب «علیه السلام»:

تو هنگامی که در بستر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خوابیدی «در لیلۃ المبیت» شبیه به حضرت اسماعیل شدی «این کار تو شبیه کار حضرت اسماعیل ذبیح الله شد»، زیرا:

تو نیز مانند حضرت اسماعیل پذیرفتی و مانند حضرت اسماعیل اطاعت کردی، در آن هنگام که:

حضرت ابراهیم به حضرت اسماعیل فرمود:

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۶۵۹، حدیث ۹.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۶۶۱، حدیث ۱۳.

ای پسر، من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم «سَر تو را می‌بُرم»، پسرم رأی و نظر تو چیست.

حضرت اسماعیل به پدرش حضرت ابراهیم عرض کرد:

ای پدر، به آنچه که از جانب خداوند متعال مأمور شده‌ای عمل کن و آن دستور را انجام بده «مرا ذبح کن و سَرَم را از تنم جدا کن» که انشاءالله تعالی مرا صابر و شکیب‌خواهی یافت.

همچنین، شما ای امیرالمؤمنین:

هنگامی که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تو را در بستر و رختخواب خویش خواباند و به تو دستور داد که در بستر و رختخواب آن حضرت بخوابی و با فدا کردن خودت و گذشتن از جانت جان پیامبر اکرم را حفظ نمایی «خودت را فدای پیامبر اکرم نمایی»،

ای امیرالمؤمنین، ای علی بن ابیطالب «علیه السلام»:

تو نیز سریعاً دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را اجابت نمودی و از آن حضرت اطاعت کردی «در رختخواب پیامبر اکرم خوابیدی» و خودت را برای کشته شدن آماده نمودی.

خداوند متعال نیز این اطاعت تو را «اطاعت تو از پیامبر اکرم را» قدردانی نمود، و پرده از این عمل نیک و پسندیده تو برداشت و در رابطه با تو فرمود:

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ.

این زیارت نورانی و شریف از ناحیه وجود مقدس امام هادی سلام الله علیه صادر شده و در مفاتیح الجنان نیز آمده است.

### آیه ۲۰۸ سوره بقره:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً، وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ، إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»

#### ترجمه:

خداوند متعال همه مؤمنین را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی در مقام تسلیم درآئید و به دنبال راه‌های شیطان «گام‌های شیطان» نروید که شیطان دشمن آشکار شما است.<sup>۱</sup>

#### شرح لغات و توضیحات:

سِلْم = تسلیم شدن، مطیع و فرمانبردار شدن «سِلْم و اسلام و تسلیم یک معنی دارند»؛

کافه = همگی؛

خُطْوَه = قدم، گام «فاصله بین دو پا هنگام راه رفتن»؛

شیطان = شیطان اسم عام است و به هر موجود منحرف و خبیث و متمردی اطلاق می‌شود «اعم از انسان یا جن» که همواره سعی دارد تا مردم را از راه راست منحرف نماید، لیکن:

ابلیس اسم خاص است و اشاره به همان شیطانی است که حضرت آدم و حوا را فریب داد و اکنون نیز با لشکریان خویش و با ذریه و نسل خویش در کمین آدمیان است تا آن‌ها را منحرف نماید.

«ذیل آیه ۳۴ سوره بقره در رابطه با ابلیس و شیطان توضیحاتی ارائه شده است».<sup>۲</sup>

آیات گذشته «آیات ۲۰۴ تا ۲۰۷» اشاره به دو گروه داشت.

۱. گروه منافقین مُفسد که مصداق اتم و اکمل آن‌ها طبق احادیث صادر از ناحیه

---

۱. مجمع‌البیان، جلد دوم، صفحه ۲۶۹.

۲. المیزان، جلد سوم، صفحه ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۴.  
مفردات راغب.

ائمه معصومین علیهم السلام ائمه ظلم و جور و رهبران ضلالت و گمراهی می باشند، مخصوصاً آن دو نفر «ذیل آیات ۲۰۴ تا ۲۰۶ سوره بقره در تفاسیر صافی، برهان و نورالتقلین احادیثی در این رابطه نقل شده است».

۲. گروه مؤمنین بسیار خالص «مؤمنین راستین و واقعی و فداکار» که مصداق اتم و اکمل آن وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد «ذیل آیه ۲۰۷ سوره بقره احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام به عرض رسید».

خداوند متعال پس از اشاره به اوضاع و احوال این دو گروه، در این آیه شریفه «آیه ۲۰۸ سوره بقره» همه مؤمنین را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً = ای کسانی که ایمان آورده‌اید «ای مؤمنین»:  
همگی در مقام تسلیم در آئید.

کافه کلمه تأکید است، یعنی همگی.

خداوند متعال در این آیه شریفه همه مؤمنین را مورد خطاب قرار داده و به آنها دستور می دهد که:

همگی تسلیم اوامر خدا و رسول خدا شوید و از پیش خودتان اظهار نظر و اظهار رأی نکنید و بدون دستور خدا و پیامبر اکرم از پیش خود راه و روشی اتخاذ نکنید. به عبارت دیگر:

خداوند متعال به همه مؤمنین دستور می دهد که:

مطیع محض اوامر خداوند متعال و پیامبر اکرم باشند و اوامر و نواهی خداوند متعال و پیامبر اکرم را بی قید و شرط بپذیرند و آن را اجرا نمایند.

بنابراین:

این قسمت از آیه شریفه لزوم اطاعت بی قید و شرط از خداوند متعال و پیامبر اکرم را بیان می فرماید آن هم با کلمه تأکید کافه، یعنی:

همه مؤمنین بدون استثناء موظف به اطاعت بی قید و شرط از خداوند متعال و پیامبر اکرم می باشند.

بنابراین:

دخول در سِلْم یعنی:

دخول در فرمان خدا و رسول و اطاعت بی قید و شرط از اوامر و نواهی خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سِلْم.

قابل ذکر است که دخول در سِلْم در این آیه شریفه معنی باطنی و تأویلی نیز دارد که ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام می باشد، یعنی خداوند متعال به همه مؤمنین دستور می دهد که همگی داخل در ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام شوید و ولایت آن ذوات مقدّسه را بپذیرید که انشاء الله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.

قابل ذکر است که از این آیه شریفه تا آیه ۲۱۴ سوره بقره که با «أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ» پایان می پذیرد «هفت آیه» در رابطه با وحدت بوده و راه حفظ و نگهداری این وحدت را بیان می فرماید، یعنی:

رمز وحدت در بین مؤمنین دخول در سِلْم می باشد، یعنی:

رمز وحدت در بین مؤمنین از نظر ظاهر آیه شریفه «تنزیل آیه شریفه» داخل شدن در فرمان خدا و رسول می باشد «تسلیم محض و بی قید و شرط اوامر و نواهی خداوند متعال و پیامبر اکرم بودن»، لیکن:

رمز وحدت در بین مؤمنین از نظر باطن آیه شریفه «تأویل آیه شریفه» داخل شدن در ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام می باشد «پذیرفتن ولایت و امامت آن ذوات مقدّسه و اطاعت بی قید و شرط از آن بزرگواران».

در این هفت آیه شریفه «آیه ۲۰۸ تا ۲۱۴» گوشزد شده است که:

هیچ گاه رشته این وحدت گسیخته نمی شود،

و هیچ گاه سعادت دنیا و آخرت مردم از بین نمی رود،

مگر اینکه:

مردم از دخول در سِلْم «تسلیم امر خدا و رسول و ائمه معصومین علیهم السّلام

شدن» خودداری نمایند:

به عبارت دیگر:

اگر مردم داخل در سِلْم شوند «از خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین

عليهم السّلام اطاعت کنند، اطاعت بی قید و شرط آن هم در تمام موارد» هم وحدت بین آنها حفظ می شود،

هم سعادت دنیا و آخرت آنها تأمین می گردد. خداوند متعال در ادامه آیه شریفه مؤمنین را از پیروی و تبعیت شیطان برحذر داشته و می فرماید:

وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ = از گام های شیطان پیروی نکنید.

همانطور که عرض شد به هر موجود منحرف و خبیثی که همواره سعی دارد مردم را از راه راست منحرف نماید شیطان گفته می شود، اعم از اینکه این موجود منحرف و خبیث و گمراه کننده انسان باشد یا جن.

یکی از مهم ترین کارهای شیاطین و یا شاید مهم ترین کار شیاطین «شیاطین انسی و یا جنی» این است که:

باطل را زینت داده و به صورت حق جلوه می دهند، همچنین: چیزهایی را که از دایره دستورات دین خارج است داخل دستورات دین می کنند.

خلاصه کلام اینکه:

خروج از اطاعت خدا و رسول و ائمه معصومین عليهم السّلام یعنی خروج از سلّم و این عمل یعنی تبعیت و پیروی از شیطان و گام گذاشتن در جای گام های او. در انتهای آیه شریفه آمده است که:

إِنَّهُ لَكُمُ عَدُوٌّ مُّبِينٌ = به درستی که شیطان دشمن آشکار شما است. دشمنی ابلیس و اعوان و انصار او با انسانها موضوعی است کاملاً روشن و آشکار.

در آیات شریفه سوره ص «آیات ۷۰ به بعد» صریحاً به این مطلب اشاره شده است.

در این آیات شریفه آمده که:

وقتی ابلیس از درگاه خداوند متعال رانده شد و مورد لعنت خداوند سبحان قرار گرفت به عزّت و جلال خداوند متعال سوگند خورد که همه مردم را گمراه خواهد

نمود، غیر از مخلصین،

و خداوند متعال نیز سوگند یاد فرمود که ابلیس و پیروانش را داخل جهنم خواهد نمود و جهنم را از شیطان صفتان پُر خواهد کرد.

خداوند متعال پس از اینکه در این آیه شریفه «آیه ۲۰۸» مؤمنین را به دخول در سلّم فرمان داد در آیه بعد «آیه ۲۰۹» مؤمنین را مورد تهدید قرار داده و به آنها هشدار می‌دهد که:

فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ، فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ = اگر بعد از این همه حجت‌ها و دلایل روشن که به سوی شما آمد «از قبیل: وحی الهی - معجزات پیامبر اکرم - دلایل عقلی و...» لغزش پیدا کنید و داخل در سلّم نشوید در این صورت از شیطان تبعیت کرده‌اید و قدم جای قدم‌های شیطان گذاشته‌اید، و بدانید که در این صورت خداوند عزیز و حکیم شما را مجازات خواهد کرد و هیچ چیز نمی‌تواند جلو عذاب خدا را بگیرد.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. امام باقر علیه‌السلام درباره آیه ۲۰۸ سوره بقره «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً...» فرمودند:

أَدْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً، یعنی:

ای مؤمنین همگی در ولایت ما اهل بیت پیامبر اکرم وارد شوید.

«خداوند متعال به همه مؤمنین دستور می‌دهد تا ولایت اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم را پذیرفته و از آن بزرگواران اطاعت نمایند».

این حدیث را عبدالله بن عجلان از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱. المیزان، جلد سوّم، صفحه ۱۴۱ - ۱۴۲ - ۱۴۴.

مجمع‌البیان، جلد دوّم، صفحه ۲۷۱.

۲. اصول کافی، جلد دوّم، صفحه ۲۸۵، حدیث ۲۹ «حدیث ۱۱۰۸».

تفسیر صافی، جلد اوّل، صفحه ۴۰۹ - ۴۱۰.

تفسیر برهان، جلد دوّم، صفحه ۶۶۱، حدیث ۱.

تفسیر نورالتقلین، جلد اوّل، صفحه ۴۵۵، حدیث ۷۶۴ «حدیث ۸۸۰».



۲. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

منظور از «أَدْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً» در آیه ۲۰۸ سوره بقره این است که: ای مؤمنین همگی در ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام وارد شوید،

و منظور از «وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ» این است که:

از غیر علی بن ابیطالب علیه‌السلام تبعیت و پیروی نکنید.

این حدیث را محمد بن ابراهیم از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۳. امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

منظور از «أَدْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً»، وارد شدن در ولایت ما است.

این حدیث را فضیل بن یسار از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۴. امام صادق علیه‌السلام به ابو بصیر فرمود:

ای ابا بصیر، آیا می‌دانی معنی سِلْم در این آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي

السِّلْمِ كَافَّةً» چیست.

ابو بصیر می‌گوید:

به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم.

خیر، یا بن رسول‌الله؛

وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام فرمود:

منظور از سِلْم در این آیه شریفه «آیه ۲۰۸ سوره بقره» ولایت امیرالمؤمنین

علی بن ابیطالب علیه‌السلام و امامان بعد از آن حضرت می‌باشد.

امام صادق علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش به ابو بصیر فرمود:

به خدا قسم منظور از خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ در این آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۶۶۱، حدیث ۲.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۶۶۳، حدیث ۱۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۴۵۷، حدیث ۷۶۶ «حدیث ۸۸۲».

۲. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۶۶۱، حدیث ۳.

السَّلْمِ كَافَّةً، وَلَا تَتَّبِعُوا خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» ولایت آن دو نفر است.<sup>۱</sup>

۵. امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً» فرمودند:

خداوند متعال در این آیه شریفه به همه مؤمنین دستور داده تا به ما شناخت پیدا کنند.

این حدیث را زراره، حمران، و محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل نموده‌اند.<sup>۲</sup>

۶. امام باقر علیه السلام فرمودند:

مقصود از سَلْم در این آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً» آل محمد علیهم السلام هستند که خداوند متعال امر فرمودند تا همه مؤمنین در آن وارد شوند «ولایت و امامت آن ذوات مقدسه را بپذیرند».

این حدیث را جابر از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۳</sup>

۷. امام باقر علیه السلام فرمودند:

مقصود از این آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً» ولایت ما است «یعنی خداوند متعال به همه مؤمنین دستور می‌دهد که داخل ولایت ائمه معصومین علیهم السلام شده و ولایت و امامت آن ذوات مقدسه را بپذیرند».

۱. تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۴۱۰.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۶۶۲، حدیث ۴.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۶۶۲، حدیث ۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، تفسیر ۴۵۷، حدیث ۷۶۷، «حدیث ۸۸۳».

۲. تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۴۱۰.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۶۶۲، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۴۵۷، حدیث ۷۶۸ «حدیث ۸۸۴».

۳. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۶۶۲، حدیث ۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۴۵۷، حدیث ۷۶۹ «حدیث ۸۸۵».

این حدیث را ابوبکر کلبی از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۸. امام صادق علیه‌السلام از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

وای بر کسی که از عترت و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اعراض کند و دوری نماید «ولایت آنها را نپذیرد»، چرا که اهل بیت پیامبر اکرم باب سلم «دروازه سلم» در این آیه شریفه هستند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً، وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ».

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

پس، ای مردم همگی در این باب سلم «دروازه سلم» وارد شوید و دنباله‌رو شیطان نباشید و از شیطان تبعیت نکنید «ولایت و امامت اهل بیت پیامبر اکرم را بپذیرید و از پیروی دیگران خودداری نمائید».

این حدیث را مسعده بن صدقه از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

### توضیح:

الف) معنی این آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً، وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» طبق ظاهر آیه شریفه «تنزیل آیه شریفه» این می‌شود که:

خداوند متعال همه مؤمنین را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید «ای مؤمنین»:

همگی در مقام تسلیم درآئید «همگی داخل در سلم شوید»، یعنی:

تسلیم محض خدا و رسول شوید و مطیع محض اوامر و فرامین خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باشید، و دنبال راه‌های شیطان نباشید «از

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۶۶۲، حدیث ۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۴۵۷، حدیث ۷۷۰ «حدیث ۸۸۶».

۲. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۶۶۳، حدیث ۱۰.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۴۵۷، حدیث ۷۷۱ «حدیث ۸۸۷».

شیاطین تبعیت و پیروی نکنید»، زیرا:

شیطان دشمن آشکار شما است.

در آیه بعد «آیه ۲۰۹» خداوند متعال مؤمنین را تهدید نموده و به آنها هشدار می‌دهد که:

اگر از شیطان تبعیت کنند و دنباله‌رو شیطان باشند خداوند متعال آنها را عذاب خواهد کرد و هیچ کس نمی‌تواند جلو عذاب خدا را بگیرد.

ب) طبق احادیث شریفی که ملاحظه فرمودید معنی باطنی آیه شریفه «تأویل آیه شریفه» این می‌شود که:

خداوند متعال همه مؤمنین را مورد خطاب قرار داده و به آنها دستور می‌دهد که:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید «ای مؤمنین»:

همگی وارد ولایت اهل بیت پیامبر اکرم شوید و ولایت و امامت آن ذوات مقدّسه را بپذیرید «ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام»، و از آن دو نفر و سایر غاصبین خلافت تبعیت و پیروی نکنید.

خداوند متعال در آیه بعد «آیه ۲۰۹ سوره بقره» مؤمنین را تهدید کرده و به آنها هشدار می‌دهد که:

اگر از آن دو نفر و سایر غاصبین خلافت تبعیت و پیروی کنید خداوند متعال شما را عذاب خواهد کرد و هیچ کس قادر نیست جلو عذاب خدا را بگیرد و هیچ کس نمی‌تواند عذاب الهی را از شما دور نماید.

## آیه ۲۵۳ سوره بقره:

«تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ، مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَ رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ، وَ آتَيْنَا عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ، وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَ لَكِنْ اِخْتَلَفُوا، فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ، وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا، وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ»

## ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم، برخی از آنها «بعضی از پیامبران» خداوند متعال با او سخن گفت، خداوند متعال درجه و مقام بعضی از پیامبران را بالا برد، به عیسی بن مریم نشانه‌های روشن دادیم «حجّت‌ها و معجزات آشکار دادیم» و او را به وسیله روح القدس یعنی حضرت جبرئیل علیه‌السلام تأیید نمودیم «نیرو بخشیدیم»،

اگر خداوند متعال می‌خواست و اراده می‌فرمود پس از فرستادن پیامبران و معجزات آشکار آنها مردم با یکدیگر جنگ و خونریزی نمی‌کردند، ولی مردم «امت‌ها» با یکدیگر اختلاف پیدا کردند، برخی از آنها ایمان آوردند و برخی نیز کافر شدند،

اگر خداوند متعال می‌خواست و اراده می‌فرمود مردم «امت‌ها» با هم جنگ نمی‌کردند، ولی خداوند متعال آنچه را که بخواهد انجام می‌دهد.<sup>۱</sup>

## شرح لغات و توضیحات:

رُسُل = جمع رسول می‌باشد، یعنی پیامبران، فرستادگان خداوند متعال، رسولان الهی؛

۱. مجمع‌البیان، جلد سوم، صفحه ۹۹.  
تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۲۹۵.

فَضَّلْنَا = برتری دادیم، فضیلت دادیم؛

بَيِّنَات = جمع بَيِّنَةٌ می باشد یعنی دلایل روشن و آشکار «اعم از اینکه این دلایل عقلی باشند یا حسی»؛

رُوحُ الْقُدُس = جبرئیل، به جبرئیل روح القدس گفته می شود زیرا فرامین و دستوراتی را از جانب خداوند متعال می آورد که باعث تطهیر و پاکی نفوس می شود.<sup>۱</sup>  
این آیه شریفه اشاره به درجات و مراتب پیامبر الهی می نماید و بیان می فرماید که مقام و منزلت همه پیامبران یکسان نمی باشد.

خداوند متعال در این رابطه می فرماید:

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ = بعضی از پیامبران را به بعضی دیگر برتری دادیم.

تِلْكَ «آن» اسم اشاره به دور است و برای احترام به کار می رود.

چون خداوند متعال خواسته تا به امر رسولان و پیامبران احترام بگذارد کلمه تِلْكَ را به کار برده است.

بنابراین معنی آیه شریفه این شد که:

خداوند متعال می فرماید:

ما بعضی از پیامبران را به بعضی دیگر برتری دادیم تا مردم به غلط فکر نکنند که مقام و منزلت همه پیامبران یکسان می باشد، یعنی:

با اینکه همه پیامبران مشمول فضل خداوند متعال هستند زیرا رسالت فضیلتی است که خداوند متعال به همه رسولان و پیامبران اعطا فرموده، لیکن مقام و منزلت انبیاء الهی یکسان نیست و خداوند متعال صریحاً در این آیه شریفه بیان می فرماید که:

ما بعضی از انبیاء را به بعضی دیگر برتری دادیم.

در ادامه آیه شریفه به بعضی از ویژگی های انبیاء اشاره نموده و می فرماید:

مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ = بعضی از این پیامبران بودند که خداوند متعال با او سخن گفت،

یعنی:

۱. مفردات راغب.

بعضی از پیامبران این امتیاز و این ویژگی را داشته‌اند «خداوند متعال به آن‌ها اعطا فرموده بود» که خداوند متعال با آن‌ها تکلم فرموده است.

منظور از این پیامبر عظیم‌الشان که خداوند متعال با او تکلم کرده و با او سخن گفته حضرت موسی بن عمران است که به کلیم الله معروف شده است.

خداوند متعال در آیه ۱۶۴ سوره نساء می‌فرماید:

وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا، یعنی:

خداوند متعال با حضرت موسی تکلم فرمود و با او صحبت کرد.

قابل ذکر است که حضرت موسی در کوه طور بود که خداوند متعال با او تکلم فرمود.

خداوند متعال با وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که اشرف انبیاء و اشرف مخلوقات می‌باشد نیز تکلم فرموده است و این تکلم زمانی صورت گرفت که پیامبر اکرم به معراج رفتند.

در آیات هشتم و نهم و دهم سوره نجم آمده که:

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى «آیه ۸»؛

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى «آیه ۹»؛

فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ «آیه ۱۰»، یعنی:

سپس پیامبر اکرم نزدیکتر و نزدیکتر شد «خداوند متعال وقتی پیامبر اکرم را به معراج برد او را به خودش نزدیکتر و نزدیکتر نمود»، تا اینکه فاصله پیامبر اکرم با خداوند متعال به اندازه دو کمان و یا کم‌تر از دو کمان بود «خداوند متعال جسم نیست که جا و مکان داشته باشد، لیکن پیامبر اکرم در شب معراج به جایی رفت که پای هیچ انسانی و ملکی به آن‌جا نرسیده بود و نخواهد رسید، حتی جبرئیل نیز اجازه نداشت به آن‌جا برود. لذا، جایی که خداوند متعال خلق صوت می‌فرمود و بدون هیچ واسطه‌ای با پیامبر اکرم تکلم می‌فرمود و صحبت می‌کرد فاصله‌اش با پیامبر اکرم به اندازه دو کمان یا کم‌تر از دو کمان بود، در سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى»، سپس در آن‌جا خداوند متعال آنچه را وحی کردنی بود به بنده‌اش یعنی وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وحی نمود.

بنابراین:

خداوند متعال هم با موسی بن عمران علیه السلام تکلم فرموده است و هم با وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، لیکن: در کوه طور با خداوند متعال تکلم کردن کجا و در سِدْرَةَ الْمُتْنَهی با خداوند سبحان تکلم نمودن کجا. تکلم خداوند متعال با پیامبر اکرم در شب معراج و فرمایشات خداوند سبحان به پیامبر اکرم در آن شب تاریخی به احادیث قدسی معروف و مشهور می باشد. ذیل آیه اوّل سوره اسراء در رابطه با معراج پیامبر اکرم مطالبی به عرض رسیده است.<sup>۱</sup>

در ادامه آیه شریفه آمده است که:

خداوند متعال بعضی از پیامبران را درجاتی برتر داد.

در این قسمت از آیه شریفه خداوند متعال می فرماید:

وَرَفَعَ بَعْضُهُمْ دَرَجَاتٍ = بعضی از پیامبران را ترفیع درجه داد، یا:

درجات بعضی از پیامبران را بالا برد.

مقصود از این قسمت از آیه شریفه وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد که خداوند متعال درجه و مقام آن حضرت را از همه انبیاء برتر و بالاتر قرار داده و آن حضرت را به تمامی انبیاء برتری داده است.

وقتی دین آن حضرت کامل ترین ادیان می باشد «یعنی دین اسلام»، و وقتی دین اسلام آخرین ادیان است و دین همه انسان ها تا روز قیامت می باشد، لذا:

پیامبری که دین او کامل ترین ادیان می باشد خود او نیز باید برترین آن ها باشد.

همه انبیاء در زمان حیات خویش دارای معجزاتی بوده اند لیکن معجزه ای از آن ها باقی نمانده است، لیکن:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیات مبارک خویش معجزات فراوانی داشته اند که تعداد آن ها از هزار تجاوز می نماید «عالم بزرگوار شیخ

۱. المیزان، جلد چهارم، صفحه ۱۸۲ - ۱۸۳.

تفسیر صافی، جلد اوّل، صفحه ۴۸۷.

تفسیر نمونه، جلد دوّم، صفحه ۲۶۹ - ۲۷۹.

تفسیر نمونه، جلد بیست و دوّم، صفحه ۵۱۲ تا ۵۱۵ «ذیل آیات سوره نجم».



حرّ عاملی در کتاب اثبات الهداة به تعدادی از معجزات پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام اشاره نموده است» اما آن حضرت معجزه باقیه‌ای نیز دارند که تا روز قیامت باقی است، و داشتن معجزه ماندگار نیز یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد پیامبر اکرم در بین تمام انبیاء می‌باشد، و این معجزه باقیه قرآن کریم است.

دلایل دیگری نیز وجود دارد که اثبات می‌کند که:

درجه و مقام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برتر و بالاتر از سایر انبیاء الهی است.

ذیلاً به تعدادی از این ادله اشاره می‌شود.

۱. پیامبر اکرم مبعوث به تمام انسان‌ها «یعنی همه عالم» هستند.

خداوند متعال در آیه ۲۸ سوره سبا و آیه ۱ سوره فرقان می‌فرماید:

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ «آیه ۲۸ سوره سبا»، یعنی:

ای پیامبر ما تو را نفرستادیم مگر برای همه مردم جهان.

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا «آیه ۱ سوره فرقان»، یعنی:

زوال‌ناپذیر و پربرکت است خداوندی که قرآن کریم را به بنده‌اش «یعنی وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» نازل فرمود تا همه جهانیان را انداز نماید.

همچنین خداوند متعال در آیه ۱۰۷ سوره انبیاء می‌فرماید:

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ، یعنی:

ای پیامبر تو را نفرستادیم جز برای رحمت همه عالم «رحمت برای همه عالم».

۲. خداوند متعال قرآن کریم را به پیامبر اکرم داده که ما فوق تمامی کتب آسمانی

است و بیانگر هر چیزی است و کتابی است که خداوند متعال آن را از تحریف محفوظ و مصون نگه داشته و معجزه باقیه است که تا آخرین روز دنیا اعجازش باقی است.

خداوند متعال در آیه ۴۸ سوره مائده و آیه ۸۹ سوره نحل می‌فرماید:

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ «آیه ۴۸ سوره

مائده»، یعنی:

ای پیامبر:

ما قرآن را به حق بر تو نازل کردیم در حالی که کُتب پیشین را تصدیق می‌کند  
 «یعنی تورات و انجیل و زبور و ... را تصدیق می‌کند» و مُهیمِن بر آنها است،  
 یعنی حافظ و مراقب به آنها است و مافوق آنها می‌باشد.

آنچه از هیمنه به دست می‌آید این است که:

یک چیزی سلطنت و تفوق بر چیز دیگری داشته باشد در حفظ و مراقبت از او،  
 و قدرت داشته باشد در اقسام تصرّفات در او.

مُهَيِّمِنٌ به معنی چیزی است که:

حافظ، مراقب، نگهدارنده، شاهد و امین بر چیز دیگری باشد، لذا:

قرآن کریم نسبت به کُتب آسمانی دیگر مُهَيِّمِنٌ می‌باشد.<sup>۱</sup>

و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ «آیه ۸۹ سوره نحل»، یعنی:

ای پیامبر،

ما این قرآن را به تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است.

۳. خداوند متعال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مبعوث به دینی نموده

«دین اسلام» که قیّم است، یعنی:

این دین، مستقیم و استوار است و از عهده تأمین تمامی مصالح دنیا و آخرت

انسان‌ها برمی‌آید.

خداوند متعال در آیات ۳۰ و ۴۳ سوره روم می‌فرماید:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا، فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا، لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ، ذَلِكَ الدِّينُ

الْقَيِّمُ... «آیه ۳۰ سوره روم»، یعنی:

ای پیامبر:

۱. المیزان، جلد دهم، صفحه ۲۲۰.

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۵۰۸.

ذیل آیه ۴۸ سوره مائده.

توجّه خود را «روی دل خودت را» متوجّه آئین خالص پروردگار کن «روی دلت را متوجّه دین حنیف نما یعنی دین اسلام»، این فطرتی است که خداوند متعال انسانها را بر آن آفریده «خداوند متعال دین اسلام را در ذات و فطرت انسانها قرار داده است»، دگرگونی در آفرینش خداوند متعال نیست، این است دین قیّم «آئین استوار».

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَدِيمِ «آیه ۴۳ سوره روم»، یعنی:

ای پیامبر:

روی دلت را متوجّه دین قیّم کن «دین اسلام»، یعنی آئین مستقیم و پایدار.

۴. روز قیامت هر پیغمبری شاهد و گواه بر اعمال امت خویش می‌باشد، لیکن: خداوند متعال وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم را شاهد و گواه بر تمام پیامبران و انبیاء الهی قرار داده است، و این قضیه یعنی برتری دادن و فضیلت دادن پیامبر اکرم بر سایر انبیاء الهی.

خداوند متعال در آیه ۴۱ سوره نساء می‌فرماید:

«فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ، وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا»، یعنی:

ای پیامبر:

حال آنها چگونه خواهد بود روزی که «روز قیامت» برای هر امتی شاهد و گواه بر اعمال آنها می‌آوریم، و ای پیامبر تو را شاهد و گواه بر آن گواهان قرار خواهیم داد «پیامبران گواه بر اعمال امت خویش خواهند بود، و پیامبر اکرم گواه و شاهد بر پیامبران»<sup>۱</sup>.

۱. مجمع‌البیان، جلد سوّم، صفحه ۱۰۲.

المیزان، جلد چهارم، صفحه ۱۸۴ - ۱۸۵.

تفسیر نمونه، جلد دوّم، صفحه ۲۹۷.

تفسیر صافی، جلد اوّل، صفحه ۴۸۷.

### توضیح:

(الف) با توضیحاتی که به عرض رسید:  
مقصود از وَ رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وجود مقدس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ می باشد که خداوند متعال درجه و مقام آن حضرت را به تمام انبیاء برتری داده است.

(ب) ذیل آیات ۳۴ و ۳۵ سوره بقره احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام به عرض رسید که:  
وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السّلام اشرف و افضل همه مخلوقات هستند، و خداوند متعال همه عالم را به خاطر این ذوات مقدسه خلق فرموده است.

(ج) انشاءالله تعالی در بخش حدیث نیز به عرض خواهد رسید که:  
وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السّلام بر تمام پیامبران برتری دارند.

(د) ذیل آیه ۱۴۳ سوره بقره نیز عرض شد که:  
پیامبران شاهد و گواه بر اعمال امت خویش هستند و وجود مقدس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ شاهد و گواه بر انبیاء و پیامبران الهی می باشد.  
در ادامه آیه شریفه امتیازات و ویژگی های حضرت عیسی بیان شده و آمده است که:

وَآتَيْنَا عِيسَىٰ بِنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ = خداوند متعال می فرماید:  
ما به عیسی بن مریم حجّت ها، دلایل و نشانه های روشن دادیم، یعنی معجزاتی که به آن حضرت اعطا شده بود، از قبیل:  
شفا دادن بیماران، شفا دادن کور مادرزاد، زنده کردن مرده، خبر دادن به مردم از اینکه چه چیزهایی در خانه دارند و ... .

وَإِيذْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ = عیسی بن مریم را به وسیله رُوحِ الْقُدُسِ که همان جبرئیل باشد کمک نمود و یاریش کردیم.  
جبرئیل را رُوحِ الْقُدُسِ می گویند، زیرا:

جنبه روحانیت در ملائکه «فرشتگان» مسئله روشن و واضحی است، لذا اطلاق روح بر آنها کاملاً صحیح است، و از طرفی اضافه کردن آن به الْقُدُس «قُدُس و تقدیس یعنی پاک و منزّه داشتن، به پاکی ستودن، پاک شمردن» اشاره به پاکی و قداست فوق العاده این فرشته دارد،  
ضمن اینکه:

جبرئیل فرامین و دستوراتی را از جانب خداوند متعال می آورد که موجب تطهیر و پاکی نفوس می شود.  
قابل ذکر است که خداوند متعال در آیه ۸۷ سوره بقره نیز درباره حضرت عیسی علیه السلام فرموده:

وَ آتَيْنَا عِيسَىٰ بِنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ اٰتَيْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ.

خداوند متعال حضرت عیسی را به وسیله جبرئیل یاری و کمک نمود.  
آنچه که خداوند متعال در این آیه شریفه به عنوان فضیلت برای حضرت عیسی ذکر فرموده «دادن بیّنات - تأیید و کمک به وسیله روح القدس» مشترک میان همه رسولان می باشد «طبق آیات ذیل»

لَقَدْ اَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ «آیه ۲۵ سوره حدید»، یعنی:

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم.

يُنزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ اَمْرِهٖ عَلٰى مَنْ يَشَاءُ «آیه ۲ سوره نحل»، یعنی:

خداوند متعال فرشتگان را با روح به فرمانش بر هر کس از بندگانش که اراده بفرماید نازل می کند.

بنابراین:

گرچه دادن بیّنات و تأیید به روح القدس مشترک میان همه رسولان می باشد، لیکن:

در خصوص عیسی علیه السلام به نحوی خاص می باشد،

ضمن اینکه در اسم حضرت عیسی در این آیه شریفه «آیه ۲۵۳ سوره بقره»

خصوصیت دیگری نیز وجود دارد و در آن آیت روشنی مشاهده می شود و آن این است که:

عیسی پسر مریم است که بدون پدر از مریم متولد شده، و این نیز فضیلتی است

برای عیسی<sup>۱</sup>.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال به اوضاع و احوال امت‌ها و اختلافات بین افراد امت‌ها پس از پیامبران «بعد از رحلت پیامبران» اشاره نموده و می‌فرماید:

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلْنَا الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ = اگر خداوند متعال می‌خواست و اراده می‌فرمود،

کسانی که بعد از آن‌ها بودند با یکدیگر جنگ و ستیز نمی‌کردند، یعنی اگر خدا می‌خواست امت این پیامبران بعد از آنان با یکدیگر به جنگ و ستیز بر نمی‌خواستند.

مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ = پس از آنکه آن همه نشانه‌های روشن برای آنان آمد، یا: پس از اینکه این همه حجت و دلیل سوی آن‌ها آمد.

یعنی خداوند متعال می‌توانست همه افراد امت‌ها را به زور وادار به ایمان نماید و از کفر آن‌ها جلوگیری نماید «چه در زمان حیات پیامبران و چه بعد از رحلت آن‌ها» و در این صورت بین افراد امت‌ها نزاع و اختلاف پیش نمی‌آمد چرا که به امر خداوند متعال همه آن‌ها اجباراً مؤمن بودند لیکن خداوند متعال چنین کاری نمی‌کند، یعنی:

خداوند متعال پیامبران را با معجزات فراوان برای هدایت مردم می‌فرستد و وصی و جانشین پیامبران را نیز معرفی و منصوب می‌فرماید تا بعد از رحلت پیامبران مردم بلا تکلیف و سرگردان نباشند، لیکن:

مردم مختار هستند که بین راه هدایت و ضلالت یکی را انتخاب کنند. اگر از پیامبران الهی و اوصیاء آن‌ها تبعیت نمودند راه هدایت را انتخاب کرده‌اند و به بهشت می‌روند،

و اگر از پیامبران الهی و اوصیاء آن‌ها تبعیت ننموده و از شیاطین جنی و انسی

۱. مجمع‌البیان، جلد سوم، صفحه ۱۰۲.

مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۲۵۰ - ۲۵۱ «ذیل آیه ۸۷ سوره بقره».

المیزان، جلد چهارم، صفحه ۲۰۳ - ۲۰۴.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۲۹۸.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۳۹۳ «ذیل آیه ۸۷ سوره بقره».

و از هوای نفس خویش تبعیت نمودند راه ضلالت را انتخاب کرده‌اند که به جهنم منتهی می‌شود.

به عبارت دیگر:

اگر امت‌ها در زمان حیات پیامبران از پیامبران تبعیت می‌کردند و بعد از رحلت پیامبران از اوصیاء آنها تبعیت می‌نمودند هرگز بین آنها اختلاف نمی‌افتاد و بین آنها جنگ و خونریزی روی نمی‌داد، لیکن:

وَلَكِنْ اِخْتَلَفُوا = لیکن اختلاف کردند، یعنی:

پس از رحلت انبیاء همه افراد امت به اوصیاء آنها ایمان نیاوردند و در نتیجه بین افراد امت اختلاف افتاد «بین عده‌ای که از اوصیاء انبیاء تبعیت نموده بودند و آنهایی که از اوصیاء تبعیت نکرده بودند، و در واقع نزاع بین مؤمنین امت بود و کافرین امت». خداوند متعال در این قسمت از آیه شریفه اختلاف را به خود مردم نسبت داده است نه به خداوند سبحان، زیرا:

این مردم هستند که راه اختلاف را می‌پیمایند و نتیجه این می‌شود که:

فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ = بعضی از آنها ایمان آوردند و بعضی از آنها کافر

شدند، یعنی:

اگر بعد از رحلت پیامبران بین افراد امت اختلاف می‌افتد ناشی از این است که: تعدادی از افراد امت کافر می‌شوند یعنی از وصی و جانشین پیامبر که منصوب از ناحیه خداوند متعال است تبعیت نکرده و در نتیجه راه مخالف را در پیش گرفته و با مؤمنین امت «کسانی که از جانشین پیامبران تبعیت نموده‌اند» به جنگ برمی‌خیزند.

بنابراین:

بعضی از آنها ایمان آوردند، یعنی:

از اوصیاء پیامبران الهی تبعیت نمودند و تبعیت از اوصیاء پیامبران یعنی تبعیت از پیامبران و تبعیت از پیامبران الهی یعنی تبعیت از خداوند متعال،

و بعضی از آنها کافر شدند، یعنی:

از اوصیاء پیامبران الهی تبعیت نکردند و نافرمانی از اوصیاء پیامبران یعنی نافرمانی از پیامبران و نافرمانی از پیامبران الهی یعنی نافرمانی از خداوند متعال، بنابراین:

اختلاف بین اُمَّت‌ها پس از رحلت پیامبران بین دو گروه است.

۱. گروه مؤمنین، یعنی:

گروهی که به جانشین پیامبران ایمان آورده و از آنها تبعیت نمودند.

۲. گروه کافرین، یعنی:

کسانی که به جانشین پیامبران ایمان نیاورده و از تبعیت آنها خودداری نمودند.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال مجدداً تأکید می‌فرماید که:

این کار برای خدا آسان بود که به حکم اجبار جلوی اختلاف آنها را بگیرد.

خداوند متعال در این رابطه می‌فرماید:

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلْتُمْ = اگر خداوند متعال می‌خواست و اراده می‌فرمود هرگز آنها

با یکدیگر جنگ نمی‌کردند «همه آنها را به زور و به اجبار مؤمن می‌کرد و در این

صورت هیچ‌گاه بین آنها جنگ و خونریزی روی نمی‌داد».

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال می‌فرماید:

وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ = ولی خداوند متعال آنچه را که می‌خواهد انجام می‌دهد،

یعنی:

آنچه که حکمت اقتضا کند خداوند متعال انجام می‌دهد، یعنی:

اراده خداوند متعال بر اساس حکمت و هماهنگی با هدف آفرینش انسان است و

آن نیز آزادی اراده و اختیار انسان است، گرچه گروهی از مردم از این آزادی نتیجه‌ی

منفی می‌گیرند.

خلاصه کلام اینکه:

خداوند متعال انسان را آزاد گذاشته، و در نتیجه:

گروهی از مردم ایمان را می‌پذیرند «فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ»،

و گروهی از مردم نیز کُفر را انتخاب می‌کنند «وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ»<sup>۱</sup>.

۱. مجمع‌البیان، جلد سوم، صفحه ۱۰۲ - ۱۰۳.

المیزان، جلد چهارم، صفحه ۲۰۵ - ۲۰۶.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۲۹۸ - ۲۹۹.



**حدیث:**

۱. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنِّي،

وَلَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي، یعنی:

خداوند متعال خلقی برتر از من و با فضیلت تر از من خلق نکرده است،

و هیچ کس را بیش تر از من گرامی نداشته است.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش به

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

يَا عَلِيُّ:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَضَّلَ أَنْبِيَائَهُ الْمُرْسَلِينَ عَلَى مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ،

وَفَضَّلَنِي عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ،

وَالْفَضْلُ بَعْدِي لَكَ يَا عَلِيُّ وَاللَّائِمَةَ مِنْ بَعْدِكَ،

وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَخُدَّامُنَا وَخُدَّامُ مُحِبِّينَا، یعنی:

ای علی:

خداوند تبارک و تعالی همه پیامبرانش را بر ملائکه مقرب خویش برتری و

فضیلت داده،

و مرا بر همه پیامبرانش برتری و فضیلت داده است،

ای علی، این فضل و برتری بعد از من از آن تو و ائمه بعد از تو می باشد،

ای علی، ملائکه خدام ما «خدمتکار ما» و خدام محبین ما هستند.<sup>۱</sup>

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد اول، باب ۲۶، صفحه ۵۳۸، حدیث ۲۲.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۴۸۷ - ۴۸۸.

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۲۰۱ «ذیل آیه ۵۵ سوره اسرا».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول صفحه ۵۵۷، حدیث ۱۰۱۲ «حدیث ۱۱۲۸».

**توضیح:**

طبق این حدیث شریف و نورانی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام افضل و اشرف همه مخلوقات هستند و این فضیلت و برتری را خداوند متعال به آن ذوات مقدّسه اعطا فرموده است.

۲. اصبح بن نُباته نقل می کند که:

در جنگ جَمَل خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام بودم که مردی از لشکریان آن حضرت خدمت آن حضرت رسید و عرض کرد:

یا امیرالمؤمنین:

قوم دشمن «سپاهیان طلحه و زبیر» تکبیر می گویند همچنان که ما می گوئیم،

آن ها لا اِلهَ الاَ اللهُ می گویند همچنان که ما می گوئیم،

آن ها نماز می خوانند همچنان که ما می خوانیم.

یا علی، پس برای چه و به چه علّت با این ها می جنگیم.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام به آن سرباز فرمود:

بر سر این آیه شریفه با آن ها می جنگیم «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ... وَلَوْ

شَاءَ اللهُ مَا أَفْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اِخْتَلَفُوا، فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ

وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ...»

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش

به آن سرباز فرمود:

به حُکم این آیه شریفه اَمّت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بعد از آن

حضرت دو گروه شدند، گروه مؤمن و گروه کافر.

ما گروه مؤمن هستیم «فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ»،

و گروه مقابل ما «لشکر طلحه و زبیر» کافر هستند «وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ».

پس از این فرمایشات امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام آن سرباز به محضر

علی بن ابیطالب علیه السّلام عرض کرد:

به خدای کعبه سوگند لشکر مقابل ما کافر شدند «کافر هستند»، و سپس به لشکر

طلحه و زبیر حمله کرد و جنگید تا اینکه به شهادت رسید.<sup>۱</sup>  
 ذیل آیات ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران و آیات ۲۵ و ۲۶ سوره مبارکه محمد  
 صلی الله علیه و آله و سلم نیز در رابطه با ارتداد مردم پس از رحلت پیامبر اکرم صلی  
 الله علیه و آله و سلم مطالبی عنوان شده است.

۳. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

این آیه شریفه «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ... وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَ لَكِنْ اِخْتَلَفُوا، فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ...» دلالت دارد بر اینکه اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از رحلت آن حضرت دو دسته شدند، بعضی کافر و بعضی مؤمن «یعنی بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عده‌ای از اصحاب آن حضرت از پذیرش امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام امتناع کرده و مُنکر امامت و ولایت آن حضرت شده و به همین جهت کافر شدند».<sup>۲</sup>

### توضیح:

**الف)** روایات فراوانی از ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده مبنی بر اینکه مُنکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام کافر می‌باشند.  
 قابل ذکر است که منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام حقیقتاً کافر هستند لیکن به صورت ظاهر مسلمان می‌باشند و احکام اسلام به آنها انطباق دارد زیرا اسلام با گفتن شهادتین محقق می‌شود ولو اینکه گوینده شهادتین به سخن

۱. المیزان، جلد چهارم، صفحه ۲۰۶ - ۲۰۷.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۴۸۸ - ۴۸۹.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۷۷۲ تا ۷۷۵، حدیث ۲ و ۴ و ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۵۵۵، حدیث ۱۰۱۰ «حدیث ۱۱۲۶».

۲. المیزان، جلد چهارم، صفحه ۲۰۶.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۴۸۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۵۵۹، حدیث ۱۰۱۵ «حدیث ۱۱۳۱».

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۷۴، حدیث ۹ «ذیل آیه ۱۴۴ سوره آل عمران».

خویش قلباً اعتقاد نداشته باشد.

به دو روایت در این رابطه اشاره می شود.

۱. در زیارت جامعه کبیره آمده که:

مَنْ جَحَدَكُمُ كَافِرٌ، یعنی:

مُنکرین امامت و ولایت شما ائمه معصومین علیهم السّلام کافر می باشند.

۲. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند.

مَنْ عَرَفَنَا كَانَ مُؤْمِنًا، وَمَنْ أَنْكَرَنَا كَانَ كَافِرًا، یعنی،

هر کس ما را بشناسد «به امامت ما معتقد باشد» مؤمن است،

و هر کس مُنکر ما باشد «امامت و ولایت ما را انکار نماید» کافر است.

معنا و مفهوم این احادیث شریف این است که:

مُنکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام حقیقتاً کافر می باشند گر چه

ظاهراً مسلمان هستند و احکام اسلام راجع به آنان جاری است.<sup>۱</sup>

ب) ذیل آیات ۲۵ و ۲۶ سوره مبارکه محمّد «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ» احادیثی

به عرض رسید که:

کسانی که بعد از رحلت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ ولایت و امامت

علی بن ابیطالب علیه السّلام را انکار نموده و با او دشمنی کردند مرتد شده و از ایمان

برگشتند «بازگشت از اسلام به کُفر جاهلی».

یعنی دشمنان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و منکرین امامت و ولایت

آن حضرت ظاهراً خدا را به یگانگی می شناختند، رسالت پیامبر اکرم را قبول داشتند،

نماز می خواندند و .... یعنی ظاهراً مسلمان بودند، لیکن:

حقیقتاً کافر بودند و روز قیامت همنشین کُفار و مُشرکین خواهند بود.

در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره صراحتاً به این موضوع اشاره شده و

آمده است که:

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۶۶، حدیث ۱۱ «حدیث ۴۸۴».

مَنْ خَافَكُمْ فَالْتَأَرْ مَثْوَاهُ،

وَمَنْ حَبَدَكُمُ كَافِرٌ،

وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ،

وَمَنْ رَدَّ عَلَيَّكُمْ فِي اسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، یعنی:

هر کس با شما ائمه معصومین علیهم السلام مخالفت کند جایگاه او آتش است،

هر کس مُنکر شما شود «مُنکر امامت و ولایت شما» کافر است،

هر کس با شما بجنگد مُشرک است،

هر کس شما را رد کند در پست‌ترین نقطه جهنم خواهد بود.

(ج) در روایات آمده که ابلیس «شیطانی که آدم و حوّا را فریب داد و باعث بیرون شدن آن‌ها از بهشت شد» شش هزار سال خداوند متعال را عبادت کرده بود، لیکن: وقتی از دستور خداوند متعال سرپیچی کرد و از سجده به حضرت آدم خودداری نمود «سجده خضوع و خشوع به حضرت آدم نه سجده پرستش» از درگاه الهی رانده شد و خداوند متعال او را کافر خطاب نموده و او را لعنت نمود.

در آیه ۳۴ سوره بقره خداوند متعال می‌فرماید:

وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ،

یعنی:

وقتی به ملائکه دستور دادیم که برای آدم سجده کنید همه ملائکه سجده کردند غیر از ابلیس که امتناع کرد و تکبر ورزید و از سجده به آدم خودداری کرد و به خاطر همین نافرمانی از کافران شد.

خداوند متعال در آیات ۷۱ تا ۷۴ سوره ص می‌فرماید:

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ «آیه ۷۱».

فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي، فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ «آیه ۷۲».

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ «آیه ۷۳».

إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ «آیه ۷۴»، یعنی:

هنگامی که پروردگارت به ملائکه فرمود: من بشری را از گل می‌آفرینم، «خلق

می‌کنم» آیه ۷۱.

هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم برای او به سجده بیفتید «امر به ملائکه جهت سجده به حضرت آدم» آیه ۷۲.  
همه ملائکه به حضرت آدم سجده کردند «سجده خشوع نه سجده پرستش» آیه ۷۳.

غیر از ابلیس که تکبر ورزید «به آدم سجده نکرد» و از کافران شد «بود» آیه ۷۴.  
خداوند متعال به ابلیس فرمود:

مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي، أَسْتَكْبِرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ «آیه ۷۵»، یعنی:

ای ابلیس، چه چیز مانع شد که بر مخلوقی که من «خدا» با قدرت خودم او را خلق کردم سجده کنی، آیا تکبر کردی و یا از برترین‌ها بودی «خداوند به ابلیس فرمود، چرا به حضرت آدم سجده نکردی».

ابلیس به خداوند متعال عرض کرد:

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ، خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ «آیه ۷۶»، یعنی:

من از آدم بهترم، زیرا مرا از آتش خلق کردی و آدم را از گل،

خداوند متعال به ابلیس فرمود:

قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ «آیه ۷۷».

وَ إِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ «آیه ۷۸»، یعنی:

ای ابلیس، از آسمان‌ها و از صفوف ملائکه خارج شو که تو رانده شده درگاه من

هستی آیه ۷۷.

و مسلماً لعنت من «خدا» تا روز قیامت شامل حال تو «ابلیس» خواهد بود «تا روز

قیامت مورد لعنت خواهی بود و در آخرت نیز وارد جهنم خواهی شد» آیه ۷۸.

ابلیس به خداوند متعال عرض کرد:

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ «آیه ۷۹».

خداوندا، تا روزی که انسان‌ها برانگیخته می‌شوند «روز قیامت» به من مهلت بده.

خداوند متعال به ابلیس فرمود:

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ «آیه ۸۰».

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ «آیه ۸۱»، یعنی:

ای ابلیس، تو از مهلت داده شدگانی «به تو مهلت دادم» آیه ۸۰.

تا روز و زمان معین «تا روز قیامت، یا تا زمان ظهور امام زمان سلام الله علیه، یا تا

هر روزی که خداوند متعال اراده بفرماید» آیه ۸۱.

ابلیس به خداوند متعال عرض کرد:

فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ «آیه ۸۲».

خداوندا، به عزتت سوگند همه را گمراه خواهم کرد.

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ «آیه ۸۳».

مگر بندگان خالص تو.

خداوند متعال به ابلیس فرمود:

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ «آیه ۸۴».

لَا مَلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ «آیه ۸۵»، یعنی:

به حق سوگند، و حق می گویم «آیه ۸۴»

که جهنم را از تو «ابلیس» و از پیروان تو «هر کس که از تو پیروی کند» پر خواهم

کرد «آیه ۸۵».

در این آیات ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال ابلیس را دو مرتبه کافر خطاب فرمودند «آیه ۳۴» سوره بقره، «آیه

۷۴» سوره ص.

ابلیس در حالی کافر قلمداد شد که:

۱. شش هزار سال خداوند متعال را عبادت کرده بود.

۲. تازمانی که از سجده کردن به حضرت آدم امتناع نمود موحد و مطیع اوامر خداوند

متعال بود «بعد از تمرّد و نافرمانی نیز خداوند متعال را به یگانگی می شناخت».

۳. ابلیس پس از تمرّد از دستور خداوند متعال نیز خداوند متعال و خالقیت او را

قبول داشت.

ملاحظه فرمودید که در رابطه با علت سجده نکردن خویش به حضرت آدم به

خداوند متعال عرض کرد:

من از آدم بهترم زیرا آدم را از گل خلق کردی و مرا از آتش «آیه ۷۶».

۴. ابلیس قیامت را نیز قبول داشت، زیرا:

به خداوند متعال عرض کرد:

مرا تا روز قیامت مهلت بده «آیه ۷۹».

۵. ابلیس عزّت و شکست ناپذیری خداوند متعال را نیز قبول داشت، زیرا:

به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا، به عزّت قسم همه مردم را گمراه خواهم کرد غیر از بندگان خالص تو

«آیه ۸۲ و ۸۳ سوره ص».

«عزیز = کسی که همواره پیروز است و هیچ گاه شکست نمی خورد، غالب

غیر مغلوب، قاهر غیر مقهور»

بنابراین:

ابلیس، هم خداوند متعال را به یگانگی می شناخت، هم به خالقیت خداوند معتال

اعتقاد داشت، هم می دانست خداوند متعال عزیز است و شکست ناپذیر، و هم به

قیامت اعتقاد داشت، لیکن:

چون از دستور خداوند متعال سرپیچی کرد و از سجده به حضرت آدم خودداری

نمود در زمره کافرین قرار گرفت «هر معنایی که برای کافر قائل باشیم، چه کُفر

اعتقادی و چه کُفر عمَلی» و اهل آتش شد.

طبق روایاتی که از ناحیه ائمه معصومین علیهم السّلام صادر شده بدترین نقطه

جهنّم مخصوص ابلیس است و چند نفر دیگر «از قبیل مُحرّفین تورات و انجیل و

دو نفر از منافقین امت اسلام که پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم

حقّ امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را غصب نمودند»، لذا:

شرط رستگاری و نجات فقط در ایمان داشتن به خدا و رسول و قیامت خلاصه

نمی شود، بلکه:

پذیرش ولایت خداوند متعال و اطاعت محض و بی قید و شرط از دستورات



خداوند سبحان شرط لازم و اساسی برای رستگاری و نجات است، و نتیجه اطاعت بی قید و شرط از فرامین خداوند متعال ایمان آوردن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام می باشد، و به دنبال آن اطاعت بی قید و شرط از آن ذوات مقدسه، لذا:

ایمان یعنی:

پذیرش ولایت خداوند متعال و حُجج خداوند متعال یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام،

و اطاعت محض و بی قید و شرط از دستورات خداوند متعال و وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام.

بنابراین:

انکار امامت و ولایت یکی از ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام یعنی سرپیچی از دستور خداوند متعال، و سرپیچی از دستور خداوند متعال یعنی خروج از دایره ایمان و ورود به دایره کُفر «زیرا امامت و ولایت این ذوات مقدسه از ناحیه خداوند متعال بوده و این بزرگواران منصوب از جانب خداوند سبحان می باشند».

ملاحظه فرمودید که:

منکرین و مخالفین ائمه معصومین علیهم السلام کافر بوده و منحلّ در آتش جهنّم می باشند گر چه ممکن است ظاهراً مسلمان باشند، زیرا اسلام با گفتن شهادتین محقّق می شود گر چه گوینده شهادتین اعتقاد قلبی نداشته باشد.

فرمایش پیامبر اکرم در روز عید غدیر نیز گواه بر این مطلب می باشد که انشاءالله تعالی ملاحظه خواهید فرمود.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری و در محلّ غدیر خم «هنگام بازگشت از زیارت خانه خدا و در راه مراجعت به مدینه» خطبه مفصلی ایراد فرموده و پس از حمد و ثنای خداوند متعال گوشه ای از فضائل و مناقب مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را بیان فرموده و سپس به امر خداوند متعال آن حضرت را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قسمتی از بیانات خویش فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:  
 أَنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ،  
 وَ لَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَهُ،  
 وَ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ،  
 حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ،  
 وَ أَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نَكْرًا أَبَدَ الْأَبَادِ وَ دَهْرَ الدُّهُورِ،  
 فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ،  
 فَتَصِلُوا نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ وَ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ، یعنی:  
 ای گروه مردم:

علی بن ابیطالب از جانب خداوند متعال بر شما امام است،  
 خداوند متعال هرگز توبه مُنکرین ولایت آن حضرت را قبول نخواهد کرد،  
 و هرگز مُنکر ولایت آن حضرت را نخواهد آمرزید،  
 بر خداوند متعال حتم است که با منکر ولایت آن حضرت چنین معامله‌ای بکند  
 زیرا مُنکر ولایت آن حضرت با او امر خداوند متعال مخالف کرده است.  
 حتم است بر خداوند متعال که مُنکر ولایت علی بن ابیطالب را به شدت عذاب  
 نماید، عذابی سخت و شدید و همیشگی که انتها نداشته باشد.  
 پس ای مردم:

از مخالفت با علی بن ابیطالب بر حذر باشید «بترسید از اینکه با آن حضرت  
 مخالفت نمائید»، زیرا در این صورت:  
 گرفتار آتشی خواهید شد «وارد آتشی خواهید شد» که هیزم آن مردم و سنگ‌های  
 جهنم هستند که خداوند برای کافران مهیا نموده است.<sup>۱</sup>

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶ «صفحه ۱۲۹»، حدیث ۳۲.  
 «احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم».

**توضیح:**

در این بیان نورانی و شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چند موضوع تصریح شده است.

۱. امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام از جانب خداوند متعال است،

یعنی:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را خداوند متعال به عنوان امام مسلمین منصوب فرموده است.

۲. خداوند متعال هرگز مُنکرین ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را نمی آمرزد.

در این قسمت از فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کلمه لَنْ آمده که به معنای نفی اَبَد می باشد، یعنی:

خداوند متعال مُنکرین ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را هرگز نخواهد آمرزید.

۳. منکرین امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام مخلّد در آتش جهنّم می باشند، یعنی:

جهنّم جایگاه ابدی و همیشگی منکرین امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد و راه نجاتی برای آنها نیست.

۴. منکرین ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و مخالفین آن حضرت وارد آتشی می شوند که خداوند متعال آن آتش را برای کافرین مهیّا نموده است، یعنی: منکرین امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و مخالفین آن حضرت در جهنّم همنشین کافرین می باشند.

قابل ذکر است که انکار هر کدام از چهارده وجود مقدّس و معصوم علیهم السلام به منزله انکار همه آن ذوات مقدّسه می باشد، یعنی:

اگر شخصی امامت و ولایت یکی از ذوات مقدّسه معصومین علیهم السلام را

انکار نماید مثل این است که ولایت همه آن بزرگواران را انکار نموده، و جایگاه ابدی و همیشگی چنین شخصی جهنم می باشد.<sup>۱</sup>

---

۱. شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تالیف: آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۱۷۲ تا ۱۷۴.

### آیه ۲۵۵ سوره بقره:

«مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ»

#### ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

کسیست که در نزد خداوند متعال جز به فرمان خداوند متعال شفاعت نماید «هیچ کس نمی تواند بدون اذن خداوند متعال شفاعت کند»<sup>۱</sup>.

#### شرح لغات و توضیحات:

شَفِيع = شفاعت کننده «جمع شفیع می شود شَفَاعَاءِ»؛

شَافِع = شفاعت کننده؛

شَفَاعَت = این کلمه از ریشه شَفَع می باشد یعنی جُفَت، که نقطه مقابل آن وَثَر است

یعنی تک «تنها»، بنابراین:

شفاعت یعنی: ضمیمه شدن و پیوستن کسی به کس دیگر به این منظور که او را کمک نماید، طلب یاری کردن، وساطت در افاضه، ضمیمه شدن و پیوستن فرد قوی تر به فرد ضعیف تر به منظور کمک کردن به او، کمک کردن یک موجود قوی به موجود ضعیف تر تا موجود ضعیف بتواند مراحل رشد خود را با موفقیت طی کند.

در واقع کسی که متوسل به شفیع می شود نیروی خودش به تنهایی برای رسیدن به هدف کافی نیست لذا نیروی خودش را به نیروی شفیع گره می زند تا بدین وسیله بتواند به هدف خویش برسد زیرا اگر این کار را نمی کرد نمی توانست به هدف خویش برسد زیرا خودش ضعیف بود و نیروی خودش به تنهایی کافی نبود.

۱. مجمع البیان، جلد سوم، صفحه ۱۰۸.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۳۰۵ - ۳۱۱.

**خلاصه کلام اینکته:**

انسان‌ها از نظر قُرب به درگاه الهی با یکدیگر تفاوت دارند، یعنی مقام و منزلت انسان‌ها در پیشگاه خداوند متعال یکسان نمی‌باشد، لذا مقرب‌ترین مخلوقات الهی «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام» از درگاه خداوند متعال تقاضا می‌کنند تا خداوند متعال از گناه بعضی از انسان‌ها چشم‌پوشی کرده و آن‌ها را ببخشد و بیامرزد، خداوند متعال نیز این تقاضای بندگان مقرب خویش را پذیرفته و گناه گنهکاران مؤمن را می‌آمرزد، و به این عمل شفاعت گفته می‌شود.  
بنابراین:

شفیعیان و در رأس همه آن‌ها وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام در روز قیامت از گنهکاران امت یعنی از شیعیان خویش شفاعت می‌کنند، یعنی:  
از خداوند متعال تقاضا می‌کنند که شیعیان گنهکار را از آتش جهنّم نجات دهد یا تخفیف در عذاب آن‌ها داده شود.<sup>۱</sup>

شفاعت بالاصاله و بالاستقلال متعلّق به خداوند متعال است،  
یعنی: شفیع علی الاطلاق خداوند متعال است.

قبل از پرداختن به بحث لازم است راجع به شفیع بودن خداوند متعال توضیح مختصری ارائه شود.

خداوند متعال جسم نیست که منضمّ به مخلوق شود تا نقص او را برطرف کند «گناه او را از بین ببرد» یا او را به کمال برساند «باعث علوّ مقام او شود»، بنابراین: منظور از شفاعت خدا و منظور از اینکه خداوند متعال شفیع بندگان خویش می‌شود این است که:

رحمت خداوند متعال مُنضم به بنده‌اش می‌شود «ضمیمه شدن و پیوستن رحمت خداوند متعال به بندگان» تا این بندگان:

الف) گناهانشان بخشیده شود «از جهنّم نجات پیدا کنند یا اینکه اصلاً وارد جهنّم نشوند».

۱. المیزان، جلد اول، صفحه ۲۹۲ «ذیل آیه ۴۸ سوره بقره».

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۷۱ - ۲۸۱ «ذیل آیه ۴۱ سوره بقره».

ب) علوّ مقام پیدا کنند، یعنی مقام و منزلت آن‌ها بالا برود. قابل ذکر است که شفاعت نوعاً بند «الف» را شامل می‌شود یعنی بخشیده شدن گناهان، گرچه بند «ب» نیز در رابطه با شفاعت است. اینکه شفیعان چه کسانی هستند و چه افرادی مشمول شفاعت می‌شوند انشاءالله تعالی در ادامه بحث بیان خواهد شد. عرض شد که شفیع علی الاطلاق خداوند متعال است.

خداوند متعال در آیه ۴۴ سوره زمر می‌فرماید:

قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا، یعنی:

ای پیامبر به مردم بگو:

تمام شفاعت از آن خداوند متعال است «همه شفاعت‌ها مخصوص خداوند متعال است»، یعنی:

فقط و فقط خداوند متعال است که اگر اراده بفرماید رحمت خویش را به بندگانش منضم نموده و گناهان آن‌ها را می‌بخشد «یعنی بندگانش را مورد شفاعت قرار می‌دهد و گناهان آن‌ها را می‌آمرزد»، لیکن:

خداوند متعال این اذن را به بندگان مقرب خویش و به حُجج خویش نیز اعطا فرموده تا آن‌ها نیز شفیع شوند و گنهکاران را شفاعت کنند، اما همانطور که عرض شد شفاعت این شفیعان بالعرض است یعنی خداوند متعال به آن‌ها اعطا فرموده و از پیش خود چیزی ندارند.

خداوند متعال شفیع علی الاطلاق است لیکن آن را به هر مقدار که صلاح دانسته به اولیاء خویش و به حُجج خویش نیز اعطا فرموده است، همچنین:

موارد دیگری نیز نظیر این قضیه دیده می‌شود، مثلاً:

خداوند متعال عزیز علی الاطلاق است لیکن به اولیاء خویش نیز اعطا فرموده است. خداوند متعال در آیه ۱۳۹ سوره نساء و آیه ۶۵ سوره یونس و آیه ۱۰ سوره فاطر

می‌فرماید:

إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا «آیه ۱۳۹» سوره نساء، آیه ۶۵ سوره یونس» یعنی:

همه عزت‌ها از آن خداوند متعال است.

فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا «آیه ۱۰ سوره فاطر»، یعنی:

تمام عزّت از آن خداوند متعال است.  
تمام عزّت از آن خداوند متعال است و عزیز علی الاطلاق خداوند متعال می باشد،  
لیکن:

خداوند متعال به اولیاء خویش و به مؤمنین نیز عزّت اعطا فرموده است.

خداوند متعال در آیه هشتم سوره منافقین می فرماید:

وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ، یعنی:

عزّت از آن خدا و رسول خدا و مؤمنین است.

غیب نیز مخصوص خداوند متعال است و لاغیر.

خداوند متعال در آیه ۲۰ سوره یونس و آیه ۱۲۳ سوره هود می فرماید:

إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ «آیه ۲۰ سوره یونس»، یعنی:

غیب «علم غیب» تنها از آن خداوند متعال است.

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ «آیه ۱۲۳ سوره هود»، یعنی:

غیب آسمانها و زمین تنها از آن خداوند متعال است، لیکن:

خداوند متعال به هر میزان که صلاح دانسته از علم غیب خویش به وجود مقدّس

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت آن حضرت اعطا فرموده است.

خداوند متعال در آیه ۲۶ و ۲۷ سوره جن می فرماید:

عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ، یعنی:

خداوند متعال عالم به همه غیبها است و هیچ کس را به علم غیب خویش آگاه

و مطلع نمی سازد مگر کسانی را که پسندیده و آنها را به عنوان رسول انتخاب کرده

است «ذیل آیات ۲۶ و ۲۷ سوره جن احادیثی به عرض رسید که خداوند متعال به

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام علم غیب اعطا فرموده است».

بنابراین:

شفیع علی الاطلاق خداوند متعال است و تمام شفاعت از آن خداوند متعال

می باشد و هیچ کس بدون اذن خداوند متعال اجازه شفاعت ندارد «آیات شریفه ای را

که متضمّن این معنا هستند ذیلاً ملاحظه خواهید فرمود»، لیکن:

خداوند متعال به عده ای از حجج خویش اجازه شفاعت داده که انشاء الله تعالی



در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۲۵۵ سوره بقره» که مورد بحث ما می‌باشد می‌فرماید:

مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ = کیست که در نزد خداوند متعال جز به فرمان خداوند متعال شفاعت کند، یعنی:

هیچ کس بدون اجازه خداوند متعال نمی‌تواند شفاعت کند.  
ملاحظه می‌فرمائید که:

این آیه شریفه نه تنها شفاعت را رد نمی‌کند بلکه به طور صریح آن را تأیید می‌کند لیکن آن را مشروط به اذن خداوند متعال می‌فرماید، بنابراین:

شفاعت در دین مبین اسلام امری است قطعی و انکارناپذیر لیکن امر شفاعت باید به اذن خداوند متعال باشد، یعنی:

شفیعان که مأذون از ناحیه خداوند متعال هستند مؤمنین گنهکار را شفاعت می‌کنند و این مقام را «مقام شفاعت» خداوند سبحان به شفیعان اعطا فرموده است.

آیات شریفه دیگری نیز این معنا را بیان می‌فرمایند که:

هیچ کس بدون اذن خداوند متعال قادر به شفاعت نیست و نمی‌تواند شفاعت کند.

خداوند متعال در آیه ۲۳ سوره سبأ و آیه ۱۰۹ سوره طه می‌فرماید:

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ «آیه ۲۳ سوره سبأ»، یعنی:

هیچ شفاعتی سودی ندارد مگر شفاعت کسانی که خداوند متعال به آن‌ها اذن و اجازه شفاعت داده است.

يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ «آیه ۱۰۹ سوره طه»، یعنی:

روز قیامت شفاعت هیچ کس سودی نمی‌بخشد مگر شفاعت کسی که خداوند رحمان به او اجازه شفاعت داده است.

ملاحظه فرمودید که طبق این دو آیه شریفه:

شفاعت با اذن و اجازه خداوند متعال وجود دارد و برای شفاعت‌شونده نافع و

سودمند است، لیکن:

شفاعت بدون اذن و اجازه خداوند متعال وجود ندارد و اساساً هیچ کس بدون اذن خداوند متعال نمی تواند شفاعت کند و قادر به این کار نیست.

از بیان این آیات شریفه نتیجه می گیریم که:

۱. شفیع مطلق و شفیع علی الاطلاق فقط و فقط خداوند متعال است و بس، لذا: تمام شفاعت از آن خداوند متعال است و لاغیر.

۲. قرآن کریم در آیات متعددی شفاعت را تأیید نموده لیکن آن را مقید به اذن و اجازه خداوند متعال نموده است.

۳. اولیاءِ خداوند متعال و حُججِ خداوند سبحان روز قیامت به اذن خداوند متعال شفاعت می کنند «نسبت به مؤمنین گنہکار» و خداوند رحمان نیز شفاعت آن ها را می پذیرد.

### توضیح:

اگر در آیاتی از قرآن کریم شفاعت نفی شده این آیات شریفه شفاعت بدون اذن خداوند متعال را رد نموده اند، یا اینکه این آیات شریفه در رابطه با کسانی است که به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام ایمان نداشته و ندارند. خداوند متعال در آیه ۴۸ سوره مدثر می فرماید:

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ، یعنی:

شفاعت شافعین سودی به حال آن ها ندارد «به حال شفاعت شونده گان».

این آیه شریفه مربوط به کسانی است که در دنیا:

۱. نماز نمی خواندند «لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ آیه ۴۳ سوره مدثر»

۲. اطعام مسکین نمی نمودند. بیش تر مفسرین مقصود از عدم اطعام مسکین را ندادن زکات واجب «حقوق شرعی واجب اعم از خمس و زکات» عنوان نموده اند «لَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمِسْكِينَ آیه ۴۴ سوره مدثر».

۳. پیوسته با اهل باطل همنشین و هم‌صدا بودند «وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ آیه ۴۵ سوره مدثر»

۴. روز قیامت را انکار می‌کردند «وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ آیه ۴۶ سوره مدثر»  
در آیه بعد «آیه ۴۷ سوره مدثر» آمده که:  
این افراد با چهار خصوصیتی که ذکر شد تا آخرین لحظه عمر خویش این صفات را داشته‌اند.

حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ، یعنی تا زمانی که مرگ ما فرارسید.  
قابل ذکر است که بهشتیان از اهل جهنم که در سَقَر گرفتار شده‌اند (از بدترین نقاط جهنم) سؤال می‌کنند که چه چیز باعث شد تا شما وارد سَقَر شدید، و به دنبال این سؤال است که اهل سَقَر چهار موضوع را که باعث جهنمی شدن آن‌ها شده عنوان می‌دارند «چهار موضوعی که بیان شد».

در آیه ۴۸ سوره مدثر عنوان شده که:

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ، یعنی:

شفاعت هیچ شفاعت‌کننده‌ای به حال این‌ها سودی ندارد.

در بعضی از تفاسیر عنوان شده که:

این آیه شریفه در رابطه با کفار است که شفاعت برای آن‌ها سودی ندارد.

اگر از نماز و زکات «نخواندن نماز و ندادن زکات» و همنشینی با اهل باطل

صحبت به میان آمده مبین این مطلب است که:

کفار و مشرکین و منافقین همان‌گونه که مکلف به اصول دین هستند به فروع دین

نیز مکلف می‌باشند و در رابطه با فروع دین نیز مورد بازخواست قرار می‌گیرند.<sup>۱</sup>

۱. المیزان، جلد چهارم، صفحه ۲۲۵.

المیزان، جلد اول، صفحه ۲۹۲ تا ۲۹۴ - ۲۹۷ تا ۲۹۹ - ۳۱۱ - ۳۱۴ - ۳۱۵.

«ذیل آیه ۴۸ سوره بقره».

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۳۱۱ - ۳۱۷.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۷۱ - ۲۸۰ - ۲۸۱ «ذیل آیه ۴۸ سوره بقره».

تفسیر نمونه، جلد بیست و پنجم، صفحه ۲۵۷ تا ۲۶۱ «ذیل آیات سوره مدثر».

### خلاصه کلام اینکده:

موضوع شفاعت از احادیث متواتر می‌باشد و شیعه و سنی آن را پذیرفته‌اند. مسئله شفاعت به حدی روشن و واضح است که: حتی پیروان ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب که در این گونه مسائل لجاجت و عناد خاصی دارند به تواتر روایات در رابطه با موضوع شفاعت اعتراف کرده‌اند. در کتاب فتح‌المجید تألیف شیخ عبدالرحمن بن حسن که از معروف‌ترین کُتب وهابی‌ها می‌باشد و هم‌اکنون در بسیاری از مدارس دینی حجاز به عنوان یک کتاب درسی شناخته می‌شود آمده که:

احادیث در زمینه شفاعت مجرمان از ناحیه پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» متواتر است و صحابه و اهل سنت عموماً بر این موضوع اجماع دارند و مُنکر آن را بدعت‌گذار می‌دانند و به او انتقاد می‌کنند و او را گمراه می‌شمارند.<sup>۱</sup>

### توضیح:

۱. ارائه دلیل و برهان برای این بود که مسئله شفاعت اثبات شود، گرچه با وجود ده‌ها حدیث در رابطه با شفاعت که از ناحیه ائمه معصومین علیهم‌السلام صادر شده نیازی به ارائه دلیل جهت اثبات شفاعت وجود نداشت.

۲. غیر از کفار و مشرکین و منافقین که مخلد در آتش جهنم بوده و شفاعت شامل حال آن‌ها نمی‌شود افراد دیگری نیز هستند که مشمول شفاعت شافعین «شفاعت‌کنندگان» نمی‌شوند که انشاءالله تعالی در ادامه بحث به آن‌ها اشاره خواهد شد.

قابل ذکر است که:

شفاعت شافعین شامل حال مؤمنین می‌شود.  
مؤمن در روایات و احادیث یعنی کسانی که:

۱. تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۷۹ - ۲۸۰ «ذیل آیه ۴۸ سوره بقره».  
مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۱۶۴ «ذیل آیه ۴۸ سوره بقره».

خداوند متعال را به یگانگی بشناسند، رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را پذیرفته باشند، به امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام ایمان داشته باشند، و در یک کلام:

مؤمن یعنی شیعه اثنی عشری؛

بنابراین:

شفاعت شامل حال شیعیان گنهکار می شود، یعنی: مجرمین و گنهکاران مؤمن «شیعه» روز قیامت مورد شفاعت وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام واقع شده و در نتیجه: الف) از ورود آنها به جهنم جلوگیری می شود، یا ب) از جهنم بیرون آورده می شوند، یا ج) در عذاب آنها تخفیف داده می شود.

بنابراین:

شرط لازم و اساسی برای شفاعت شوندگان ایمان می باشد.

خداوند متعال در آیه ۸۷ سوره مریم می فرماید:

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا، یعنی:

تنها کسانی مالک شفاعت هستند «تنها کسانی مورد شفاعت واقع می شوند» که نزد خداوند رحمان عهد و پیمان دارند.

در روایاتی که از ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده و انشاء الله تعالی به طور مفصل در بخش حدیث به عرض خواهد رسید منظور از عهد در این آیه شریفه اقرار و ایمان به ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام می باشد، بنابراین:

شفاعت تنها برای شیعیان اثنی عشری است و لا غیر.

قابل ذکر است که:

امت های پیشین نیز «امت های پیامبران قبل از پیامبر اکرم» چنانچه از اوصیاء انبیاء تبعیت کرده باشند مشمول شفاعت آن پیامبر و اوصیاء او قرار خواهند گرفت. مجرمین و گنهکاران امت اسلام دو دسته هستند.

الف) مجرمین و گنهکاران مؤمن «گنهکارانی که به خدا و رسول و ائمه معصومین علیهم السّلام ایمان دارند».

ب) مجرمین و گنهکاران غیر مؤمن.  
 مجرمین و گنهکاران مؤمن کسانی هستند که:  
 ایمان دارند «به خدا و رسول و ائمه معصومین علیهم السّلام»، لیکن:  
 اعمال صالح انجام نداده‌اند، یا اینکه:  
 عمل صالح انجام داده‌اند لیکن مرتکب گناه نیز شده‌اند.  
 این عدّه مشمول شفاعت ائمه معصومین علیهم السّلام واقع می‌شوند، یعنی:  
 یا اصلاً وارد جهنّم نمی‌شوند،  
 یا پس از تحمّل عذاب جهنّم از آتش جهنّم نجات پیدا می‌کنند،  
 یا اینکه در عذاب آن‌ها تخفیف داده می‌شود.  
 موارد فوق بستگی به میزان جرم و گناه آن‌ها دارد.  
 اما گروه دوّم، یعنی:  
 مجرمین و گنهکاران غیر مؤمن،  
 این‌ها کسانی هستند که در اصول اعتقادی اشکال دارند، یعنی:  
 به ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام ایمان ندارند ضمن اینکه مرتکب فسق و فجور نیز می‌شوند.  
 این عدّه مشمول شفاعت نخواهند شد و جایگاه آن‌ها جهنّم است.  
 قابل ذکر است که:

مجرمین و گنهکاران مؤمن نیز دو دسته می‌باشند:  
 الف) مجرمین و گنهکاران مؤمنی که پس از ارتکاب گناه نادم و پشیمان می‌شوند.  
 این عدّه مشمول شفاعت ائمه معصومین علیهم السّلام واقع خواهند شد «انشاءالله تعالی».

ب) مجرمین و گنهکاران مؤمنی که پس از ارتکاب گناه نادم و پشیمان نشده و توبه نمی‌کنند.

این عده مشمول شفاعت واقع نشده و باید مدّت زمانی را که خداوند متعال مقرر فرموده در جهنّم بمانند و سزای اعمال خودشان را ببینند و پس از انقضای مدّت مجازات از جهنّم خارج شوند.

این مجرمین و گنهکاران چون به خدا و رسول و ائمه معصومین علیهم السّلام ایمان دارند بالاخره از جهنّم خارج خواهند شد، لیکن:

چون مشمول شفاعت نشده‌اند زمان اقامت آن‌ها در جهنّم بسیار طولانی خواهد بود «زمان اقامت در جهنّم بستگی به میزان جرم و گناه آن‌ها دارد».

ابن ابی عمیر می‌گوید:

از وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام سؤال کردم:

یا بن رسول الله، چگونه برای مرتکبین گناهان کبیره شفاعت ممکن است در حالی

که خداوند متعال در آیه ۲۸ سوره انبیاء می‌فرماید:

لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى، یعنی:

شفاعت کنندگان از کسی شفاعت نمی‌کنند مگر اینکه خداوند متعال از او راضی

باشد «شافعین از کسی شفاعت می‌کنند که خدا از او راضی باشد»، و مسلم است

کسی که مرتکب گناه کبیره می‌شود خداوند متعال از او راضی و خشنود نیست.

وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام در پاسخ فرمودند:

هر فرد مؤمنی که مرتکب گناه می‌شود طبعاً از گناه خویش پشیمان می‌شود و

پشیمانی از گناه توبه است، لیکن کسی که پس از ارتکاب گناه پشیمان نمی‌شود

مؤمن واقعی نیست، لذا:

چنین شخصی مشمول شفاعت نخواهد بود.

به هر حال شرط اساسی برای اینکه انسان‌ها مشمول شفاعت شوند داشتن ایمان

است «ایمان به خدا و رسول و ائمه علیهم السّلام»، لذا اگر مؤمنین گنهکار از گناهان

خویش نادم و پشیمان شوند مشمول شفاعت خواهند شد، در غیر این صورت باید

وارد جهنّم شده و مدّت محکومیت خویش را سپری نمایند و پس از تحمّل عذاب

الهی که ممکن است بسیار طولانی نیز باشد از جهنّم خارج خواهند شد، زیرا:

کسانی که به خدا و رسول و ائمه معصومین علیهم السّلام ایمان دارند مخلّد در

آتش جهنم نخواهند بود گرچه ممکن است توقّف آنها در جهنم بسیار طولانی باشد.<sup>۱</sup>

قابل ذکر است که:

از جمله افرادی که روز قیامت به هیچوجه مورد شفاعت واقع نخواهند شد نواصب می‌باشند «دشمنان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم‌السلام».

در تفسیر نورالثقلین «ذیل آیه ۴۸ سوره بقره» از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده که آن ذوات مقدّسه فرموده‌اند:

به خدا قسم اگر تمام ملائکه مقرب الهی و تمام انبیاء مرسَل الهی شخص ناصبی را شفاعت کنند شفاعت آنها پذیرفته نخواهد شد.<sup>۲</sup>

### توضیح:

انبیاء الهی و ملائکه مقرب خداوند متعال هرگز برای دشمنان ائمه معصومین علیهم‌السلام شفاعت نخواهند کرد، زیرا:

اولیاء الهی فقط برای کسانی شفاعت می‌کنند که:

۱. به خدا و رسول و ائمه معصومین علیهم‌السلام ایمان داشته باشند «اشاره به آیه

۸۷ سوره مریم»

۲. خداوند متعال از آنها راضی باشد «اشاره به آیه ۲۸ سوره انبیاء»

لذا:

شافعین «شفاعت‌کنندگان» هرگز برای دشمنان ائمه معصومین علیهم‌السلام شفاعت نخواهند کرد زیرا نواصب و دشمنان ائمه معصومین علیهم‌السلام شرایط یاد

۱. المیزان، جلد اول، صفحه ۳۱۷ تا ۳۱۹، ۳۲۳، ۳۴۰.

«ذیل آیه ۴۸ سوره بقره».

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۷۷ - ۲۷۸ «ذیل آیه ۴۸ سوره بقره».

تفسیر نمونه، جلد سیزدهم، صفحه ۱۵۴ - ۱۵۵ «ذیل آیه ۸۷ سوره مریم».

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۱۷۷، حدیث ۱۸۴ «حدیث ۲۹۸».



شده در هر دو بند فوق‌الاشاره را ندارند، بنابراین:

موضوعی که در این حدیث شریف آمده به منظور تأکید در قضیه می‌باشد و فرض محال را مطرح می‌کند «زیرا فرض محال، محال نیست» که:

اگر همه شافعین برای دشمنان اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم طلب شفاعت نمایند خداوند متعال شفاعت آن‌ها را نمی‌پذیرد.

لازم به ذکر است که راجع به آیات ۸۷ سوره مریم و ۲۸ سوره انبیاء در صفحات قبل مطالبی به عرض رسید.

دلیل اینکه دشمنان و منکرین ائمه معصومین علیهم‌السلام روز قیامت شفاعتی نخواهند داشت کاملاً واضح و روشن است، زیرا:

خداوند متعال در آیه ۷۱ سوره اسراء می‌فرماید:

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ، یعنی:

روز قیامت هر گروه و طایفه‌ای را با امام آن‌ها می‌خوانیم، یعنی:

هر گروه و طایفه‌ای را با امام و رهبرشان محشور می‌کنیم.

ذیل این آیه شریفه به عرض رسیده است که:

این آیه شریفه همه انسان‌ها را شامل می‌شود، یعنی:

هر کس در دنیا از فردی تبعیت کرده و او را به عنوان امام و رهبر خویش انتخاب

نموده در آخرت نیز با او محشور خواهد شد، لذا:

افرادی که در دنیا از ائمه هدایت یعنی ائمه معصومین علیهم‌السلام پیروی و تبعیت نموده‌اند در آخرت نیز با آن ذوات مقدسه محشور شده و انشاءالله تعالی از شفاعت آن بزرگواران بهره‌مند خواهند شد، و افرادی که در دنیا از ائمه ضلالت و گمراهی پیروی و تبعیت نموده‌اند در آخرت نیز با آن‌ها محشور خواهند شد.

ناگفته پیدا است که:

ائمه ضلالت و گمراهی روز قیامت از همه مردم گرفتارتر می‌باشند زیرا بار گناهان پیروان خویش را نیز به دوش خواهند کشید بدون اینکه ذره‌ای از گناهان پیروان آن‌ها کاسته شود، بنابراین:

پیروان ائمه ضلالت و گمراهی یعنی منکرین و مخالفین و دشمنان ائمه معصومین

عليهم السلام روز قیامت شفيعی نخواهند داشت و جایگاه ابدی و همیشگی آنها جهنم است.

بدیهی است جایگاه ابدی و همیشگی ائمه ضلالت و گمراهی نیز جهنم می باشد آن هم پست ترین نقطه جهنم.

### توضیحی پیرامون علت وجود شفاعت:

خداوند متعال شفاعت را برای اولیاء خویش و حُجج خویش قرار داده تا بدین وسیله رحمت خود را شامل حال بندگانش قرار دهد.  
به عبارت دیگر:

خداوند رحمان همواره می خواهد رحمتش را شامل حال بندگانش نموده و آنها را وارد بهشت نماید و برای این کار اسباب و عللی مهیا فرموده است که مهم ترین آنها شفاعت می باشد.

مقصود دیگر از شفاعت این است که:

خداوند متعال بدین وسیله اولیاء خویش و حُجج خویش و مقرّبین درگاهش را به بندگانش معرفی نموده و مقام و منزلت آنها را به مردم نشان می دهد تا مردم از آنها تبعیت کرده و به آنها توسّل نموده و از این طریق سعادت مند شوند.

علّت اینکه بندگان خدا در دنیا به حُجج خداوند متعال توسّل پیدا کرده و در آخرت از شفاعت آنها بهره مند می شوند این است که:

آن ذوات مقدّسه واسطه فیض بین خالق و مخلوق می باشند و فیوضات الهی از طریق این بزرگواران به مردم می رسد،  
بنابراین:

فلسفه شفاعت این است که:

۱. خداوند متعال به احترام شافعین «شفاعت کنندگان» گناه گنهکاران مؤمن را می

بخشد و در نتیجه:

یا از ورود گنهکاران مؤمن به جهنم جلوگیری می شود،  
یا اینکه گنهکاران مؤمن در جهنم توقّف طولانی پیدا نمی کنند،

یا اینکه در عذاب گنهکاران مؤمن تخفیف داده می‌شود.

۲. حُجج خداوند متعال و مقرّبین درگاه الهی را بندگان خدا در دنیا شناخته و در سایه اطاعت از آن ذوات مقدّسه و توسّل به آن بزرگواران از شفاعت آن‌ها بهره‌مند شوند.

بنابراین:

فلسفه شفاعت این است که انسان‌ها ساخته شوند، یعنی:

مردم وقتی مقام و منزلت شافعین را به خوبی فهمیدند از آن بزرگواران اطاعت نمایند تا شافعین از آن‌ها شفاعت نموده و از خداوند متعال درخواست نمایند تا نواقص اعمال بندگان گنهکار را ببخشد و آن‌ها را عذاب نکند.

بنابراین:

شفاعت برای این نیست که مؤمنین گنهکار به پشتوانه شفاعت مُرتکب گناه شوند و امنیّت خاطر داشته باشند که مورد شفاعت شافعین قرار گرفته و وارد بهشت خواهند شد.

اگر فلسفه شفاعت این باشد در واقع شفاعت مشوّق مردم به انجام گناه است در حالی که این امر خلاف عقل و خلاف شرع می‌باشد، زیرا:

هدف از ارسال رُسل و انزال کُتب هدایت انسان‌ها و اجتناب آن‌ها از معاصی می‌باشد، اما در عین حال اگر از مؤمنین گناهی سر بزند اما پس از ارتکاب گناه نامد و پشیمان شوند در این صورت مورد شفاعت شافعین قرار گرفته و انشاءالله تعالی گناهان آن‌ها بخشیده می‌شود.

برای اینکه مؤمنین در رابطه با شفاعت دچار سوء تعبیر نشده و به اطمینان شفاعت مُرتکب انواع گناهان نشوند و اصرار بر انجام گناه نداشته باشند موضوع شفاعت در آیات شریفه قرآن کریم به طور سر بسته بیان شده، یعنی:

الف) خداوند متعال با صراحت تمام نفرموده که چه گناهی با شفاعت بخشیده می‌شوند، همچنین:

ب) نفرموده که در چه زمانی بخشیده می‌شوند «قبل از رسیدگی به اعمال - بعد

از رسیدگی به اعمال - داخل جهنم»، همچنین:

(ج) نفرموده که شفاعت مانع جهنم رفتن مؤمنین گنهکار می شود، همچنین:

(د) نفرموده که چه مقدار تخفیف در عذاب داده می شود و....  
بنابراین:

از مجموعه این بحث نتیجه گیری می شود که:

۱. شفاعت امری است قطعی و مسلم و شک در آن راه ندارد.

۲. شافعین «انبياء الهی و اوصیاء آن‌ها و در صدر همه آن‌ها وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت، و قرآن کریم و ...» از مؤمنین گنهکار شفاعت نموده و باعث آمرزش گناهان آن‌ها می شوند.

۳. شفاعت فقط و فقط شامل حال مؤمنین گنهکار می شود، و مؤمنین کسانی هستند که:

به خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت «یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام» ایمان داشته باشند.

۴. شفاعت شافعین شامل حال مؤمنین گنهکاری می شود که پس از ارتکاب گناه نادم و پشیمان شوند و این ندامت و پشیمانی یعنی توبه از گناه، در غیر این صورت مشمول شفاعت نخواهند شد، یعنی باید سزای عمل خویش را ببینند و دوران محکومیت خویش را که ممکن است طولانی نیز باشد در جهنم سپری نمایند، ضمناً ذیل آیات ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ سوره یونس «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَأَخَوْفُ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» حدیثی نقل شد که شفاعت شامل حال مسرفین در گناه نخواهد شد مگر بعد از سیصد هزار سال.

قابل ذکر است که مؤمنین مجرم و گنه کار مخلد در آتش جهنم نخواهند بود، اما در صورت عدم شفاعت اقامت آن‌ها در جهنم بسیار طولانی خواهد بود، لیکن: مجرمین و گنهکاران غیرمؤمن مخلد در آتش بوده و جهنم جایگاه ابدی و

همیشگی آنها است.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:  
 شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي، یعنی:  
 شفاعت من مخصوص افرادی از امت من است که مرتکب گناهان کبیره  
 شده‌اند.

مجمع‌البیان حدیث دیگری از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و  
 سلّم نقل نموده که آن حضرت فرمودند:  
 إِدْخَرْتُ شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي، یعنی:  
 من شفاعتم را برای گنهکاران امتم که مرتکب گناهان کبیره شده‌اند ذخیره  
 نموده‌ام.<sup>۲</sup>

۲. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:  
 روز قیامت:

من شفاعت می‌کنم و شفاعتم پذیرفته می‌شود،  
 علیّ بن ابیطالب علیه‌السلام شفاعت می‌کند و شفاعت او پذیرفته می‌شود،  
 اهل بیت من شفاعت می‌کنند و شفاعت آنها پذیرفته می‌شود.<sup>۳</sup>

۳. از ائمه معصومین علیهم‌السلام روایت شده که آن ذوات مقدّسه فرموده‌اند:  
 به خدا قسم اگر تمام ملائکه مقرب الهی و تمام انبیاء مُرسِل خداوند متعال

۱. المیزان، جلد اول، صفحه ۳۰۷ تا ۳۰۹ - ۳۱۲ - ۳۱۸ - ۳۱۹ - ۳۲۵.  
 «ذیل آیه ۴۸ سوره بقره»

۲. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۱۶۴ «ذیل آیه ۴۸ سوره بقره».  
 المیزان، جلد اول، صفحه ۳۲۵ - ۳۲۶ «ذیل آیه ۴۸ سوره بقره».  
 تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۱۷۷، حدیث ۱۸۶ «حدیث ۳۰۰».  
 «ذیل آیه ۴۸ سوره بقره».

۳. مجمع‌البیان، جلد اول، صفحه ۱۶۴ «ذیل آیه ۴۸ سوره بقره».

شخص ناصبی «دشمن ائمه معصومین علیهم السّلام» را شفاعت کنند شفاعت آنها پذیرفته نخواهد شد «خداوند متعال شفاعت آنها را نخواهد پذیرفت»<sup>۱</sup>.

۴. وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي، یعنی:

شفاعت من برای مرتکبین گناهان کبیره ائمتّم می باشد.

ابن ابی عمیر که راوی این حدیث می باشد می گوید:

خدمت امام کاظم علیه السّلام عرض کردم:

یا بن رسول الله:

چگونه مرتکبین گناهان کبیره مشمول شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می شوند درحالی که خداوند متعال می فرماید:

لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى، آیه ۲۸ سوره انبیاء، یعنی:

شافعین از کسی شفاعت نمی کنند مگر اینکه خداوند متعال از او «شفاعت شونده»

راضی باشد، و معلوم است که خداوند متعال از مرتکبین گناهان کبیره راضی

نیست.

وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام فرمودند:

هیچ مؤمنی مرتکب گناه نمی شود مگر اینکه ارتکاب گناه ناراحتش می کند و در

نتیجه از اینکه مرتکب گناه شده نادم و پشیمان می شود، و پیامبر اکرم صلی الله علیه

و آله و سلّم فرموده اند که:

ندامت و پشیمانی از گناه توبه است.

همچنین، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرموده اند که:

کسی که از حسنه خود «کار نیک خود» خوشحال شود و از گناه خود ناراحت

شود او مؤمن است، پس:

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۱۷۷، حدیث ۱۸۴ «حدیث ۲۹۸».

«ذیل آیه ۴۸ سوره بقره».

کسی که پس از ارتکاب گناه از عمل خویش پشیمان نمی‌شود مؤمن واقعی نیست و مشمول شفاعت نخواهد شد و چنین شخصی در زمره ظالمین و ستمکاران است که خداوند متعال درباره آنها فرموده:

«مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ، وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ، آیه ۱۸ سوره مؤمن، یعنی: روز قیامت ظالمین و ستمکاران نه دوست و دلسوزی دارند و نه شفיעی که شفاعتش پذیرفته شود».

راوی می‌گوید:

خدمت امام کاظم علیه‌السلام عرض کردم:

یا بن رسول الله:

چگونه کسی که پس از ارتکاب گناه نادم و پشیمان نمی‌شود مؤمن نیست.

وجود مقدس امام کاظم علیه‌السلام فرمودند:

اگر انسان یقین داشته باشد که به خاطر ارتکاب گناه عذاب خواهد شد از ترس عذاب الهی از اینکه مرتکب گناه شده نادم و پشیمان می‌شود و همین که پشیمان شد تائب است «پشیمانی از گناه یعنی توبه» و مستحق شفاعت می‌شود،

لیکن:

چنانچه شخص پس از ارتکاب گناه از عمل خویش پشیمان نگردد همچنان بر انجام گناه اصرار خواهد ورزید و کسی که اصرار بر گناه داشته باشد آمرزیده نمی‌شود، زیرا:

چنین شخصی مؤمن نیست و به عقوبت گناه خویش ایمان ندارد، چرا که اگر ایمان داشت قطعاً پس از ارتکاب گناه پشیمان می‌شد.<sup>۱</sup>

۱. المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۱۹۳ «ذیل آیه ۱۸ سوره مؤمن».

المیزان، جلد اول، صفحه ۳۳۶ - ۳۳۷ «ذیل آیه ۴۸ سوره بقره».

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۳۲۵ - ۳۲۶ حدیث ۵ «ذیل آیه ۲۸ سوره انبیاء».

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۴۳۸ «ذیل آیه ۲۸ سوره انبیاء».

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۷۷ - ۲۷۸ «ذیل آیه ۴۸ سوره بقره».

تفسیر نورالتقلین، جلد چهارم، صفحه ۸۶۹، حدیث ۵۰ «حدیث ۷۰۹۷» «ذیل آیه ۲۸ سوره انبیاء».

تفسیر صافی، جلد ۵، صفحه ۵۷۶ «ذیل آیه ۱۸ سوره مؤمن».

۵. معاویة بن عمّار می گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

یا بن رسول الله:

منظور از شفیعان در این آیه شریفه «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، آیه ۲۵۵ سوره

بقره» چه کسانی هستند.

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

نَحْنُ أَوْلِيَاكَ الشَّافِعُونَ، یعنی:

ما هستیم آن شفاعت کنندگان.<sup>۱</sup>

### توضیح:

ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي، یعنی:

شفاعت من شامل حال گناهکاران امّت می شود «شامل حال گناهکاران امّت که

مرتکب گناهان کبیره می شوند».

همچنین ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال در آیه ۸۷ سوره مریم فرمودند که:

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا، یعنی:

آن ها هرگز مالک شفاعت نیستند، تنها کسانی مالک شفاعت هستند که نزد خداوند

رحمان عهد و پیمان دارند، یعنی:

تنها این دسته هستند که:

مشمول شفاعت شافعین می شوند، و یا:

مقامشان از این هم برتر است و توانایی دارند از گناهکارانی که لایق شفاعت

۱. المیزان، جلد چهارم، صفحه ۲۴۱ «ذیل آیه ۲۵۵ سوره بقره»

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۷۷۶ - ۷۸۲، حدیث ۲ و ۱۳ «ذیل آیه ۲۵۵ سوره بقره»

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۵۶۵، حدیث ۱۰۳۲ «حدیث ۱۱۴۸» «ذیل آیه ۲۵۵ سوره بقره»



هستند شفاعت کنند.<sup>۱</sup>

ذیل این آیه شریفه احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که:

مقصود از این عهد و پیمان:

ایمان به یگانگی خداوند متعال و نبوت پیامبر اکرم و امامت ائمه معصومین

علیهم السلام می باشد، لذا:

شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شامل حال مرتکبین گناهان

کبیره ای می شود که امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام را قبول دارند.

به عبارت دیگر:

شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شامل حال شیعیانی می شود که

مرتکب گناهان کبیره شده اند «به شرط اینکه از ارتکاب گناهان خویش پشیمان شده

باشند».

بنابراین:

شفاعت پیامبر اکرم شامل حال شیعیان گنهکار است نه همه امت.

۶. امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ

الرَّحْمَنِ عَهْدًا» فرمودند:

مشمول شفاعت نمی شود مگر کسی که به ولایت و امامت امیرالمؤمنین

علی بن ابیطالب علیه السلام و ائمه بعد از آن حضرت معتقد باشد.

این حدیث را ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر نمونه، جلد سیزدهم، صفحه ۱۵۴.

ذیل آیه ۸۷ سوره مریم.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۲۷۴، ذیل آیه ۴۸ سوره بقره.

۲. المیزان، جلد بیست و هفتم، صفحه ۱۷۵ «ذیل آیه ۸۷ سوره مریم».

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۳۶۵ «ذیل آیه ۸۷ سوره مریم».

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۲۰۳ - ۲۰۴ حدیث ۱ «ذیل آیه ۸۷ سوره مریم».

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۲۱۸، حدیث ۱۷ «ذیل آیه ۸۷ سوره مریم».

تفسیر نورالثقلین، جلد چهارم، صفحه ۷۳۵، حدیث ۱۵۷ «حدیث ۶۸۳۶» «ذیل آیه ۸۷ سوره مریم».

تفسیر نورالثقلین، جلد چهارم، صفحه ۷۳۹، حدیث ۱۶۰ «حدیث ۶۸۳۹» «ذیل آیه ۸۷ سوره مریم».

تفسیر نمونه، جلد سیزدهم، صفحه ۱۵۵ «ذیل آیه ۸۷ سوره مریم».

۷. وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام فرمودند که:  
 وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام درباره این آیه شریفه «يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا» فرمودند:  
 روز قیامت فقط کسی به شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم دست می یابد که:  
 خداوند متعال به او توفیق اطاعت از آل محمّد علیهم السّلام را اعطا فرموده باشد،  
 و با محبّت آل محمّد علیهم السّلام زندگی کرده باشد، و با محبّت آن بزرگواران از دنیا رفته باشد.<sup>۱</sup>

۸. وجود مبارک امام باقر و امام صادق سلام الله علیهما فرمودند:  
 «وَاللّٰهُ لَنَشْفَعَنَّ فِي الْمُذْنِبِينَ مِنْ شِيعَتِنَا، حَتَّى تَقُولُ اَعْدَاؤُنَا اِذَا رَاؤْ ذٰلِكَ: «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَاصْدِيقٍ حَمِيمٍ، فَلَوْ اَنَّ لَنَا كَرَّةً، فَتَكُوْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ» یعنی:  
 امام باقر و امام صادق علیهما السّلام فرمودند:  
 به خدا قسم روز قیامت آنقدر شیعیان گنهکارمان را شفاعت می کنیم که دشمنان ما با دیدن آن «دیدن شفاعت ما» می گویند:  
 افسوس که امروز ما نه شفاعت کننده ای داریم و نه دوست صمیمی و دلسوزی،  
 ای کاش به دنیا بازمی گشیتیم و از مؤمنان می شدیم.<sup>۲</sup>

### توضیح:

(الف) این حدیث شریف را، هم ابو اسامه، و هم حمران بن اعین از وجود مقدّس امام باقر و امام صادق علیهما السّلام نقل نموده اند.

۱. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۲۸۰ - ۲۸۱، حدیث ۴.

«ذیل آیه ۱۰۹ سوره طه».

۲. مجمع البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۳۵ «ذیل آیات ۱۰۰ تا ۱۰۲ سوره شعراء».

المیزان، جلد سی ام، صفحه ۱۶۳ «ذیل آیات ۱۰۰ تا ۱۰۲ سوره شعراء».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۷۲ «ذیل آیات ۱۰۰ تا ۱۰۲ سوره شعراء».

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۷۴۱، حدیث ۱۵ «ذیل آیات ۱۰۰ تا ۱۰۲ سوره شعراء».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۴۷۳، حدیث ۵۹ «حدیث ۸۱۳۵» «ذیل آیات ۱۰۰ تا ۱۰۲ سوره شعراء».

ب) منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام و دشمنان آن ذوات مقدسه روز قیامت می بینند که:

ائمه معصومین علیهم السّلام شیعیان گنهکار خویش را شفاعت نموده و در نتیجه مانع جهنم رفتن آنها می شوند، و یا آنها را «شیعیان را» از داخل جهنم بیرون می آورند، و در همین حال:

منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام و دشمنان آن ذوات مقدسه که یار و یاور و شفיעی ندارند که آنها را از عذاب جهنم نجات دهد با حسرت و اندوه فراوان می گویند

«فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ آیه ۱۰۰ سوره شعراء»، یعنی:

افسوس که ما امروز شفיעی نداریم «شفاعت کننده ای نداریم»،

و «وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ آیه ۱۰۱ سوره شعراء»، یعنی:

دوست صمیمی و دلسوزی نداریم که ما را یاری کند.

منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام و دشمنان آن ذوات مقدسه وقتی متوجه می شوند که شفیع و یار و یآوری ندارند که آنها را از عذاب جهنم نجات دهد و باید برای ابد و برای همیشه داخل جهنم بمانند با حسرت و اندوه فراوان می گویند:

فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَنَّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ «آیه ۱۰۲ سوره شعراء»، یعنی:

ای کاش بار دیگر به دنیا باز می گشتیم و از مؤمنان می شدیم، یعنی:

ای کاش به دنیا باز می گشتیم و در دنیا از ائمه معصومین علیهم السّلام تبعیت و پیروی می نمودیم و در نتیجه در صفوف مؤمنین قرار می گرفتیم «ما نیز شیعه می شدیم» و مثل سایر شیعیان از شفاعت ائمه معصومین علیهم السّلام بهره مند می شدیم و در نتیجه:

یا اصلاً وارد جهنم نمی شدیم،

و یا اینکه از آتش جهنم نجات پیدا می کردیم و مخلّد در آتش نمی شدیم.

صاحب المیزان می گوید:

مقصود امام باقر و امام صادق سلام الله علیهما این است که: منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام و دشمنان آن ذوات مقدسه روز قیامت ایمان می آورند «ایمان به امامت ائمه معصومین علیهم السلام» و به مرحله یقین می رسند، زیرا تمام حقایق را هم با چشم دل و هم با چشم سر می بینند لیکن ایمان آوردن در آن روز سودی به حالشان نخواهد داشت چرا که دنیا محلّ ایمان و عمل است و آخرت محلّ حساب و پاداش و عقاب.

۹. امام باقر علیه السلام فرمودند:

شفاعت درباره نواصب «دشمنان ائمه معصومین علیهم السلام» مورد قبول واقع نمی شود.

این حدیث را عبدالحمید وابشی از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۱۰. امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب خویش به نام فضل بن عبدالملک فرمودند:

ای فضل:

از شیعیان فقیر ما کناره گیری نکنید، زیرا:

هر کدام از آنان در روز قیامت به اندازه افراد قبیله ربیع و مضر را شفاعت می کنند «کنایه از این است که افراد زیادی را شفاعت می کنند».

امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

ای فضل:

مؤمن «شیعه اثنی عشری» بدین جهت مؤمن نامیده شده که:

با تأیید خداوند متعال دیگران را ایمنی می بخشد «به دیگران امنیّت می دهد»، و

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۷۲.

«ذیل آیات ۱۰۰ تا ۱۰۲ سوره شعراء».

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۷۳۸، حدیث ۷.

«ذیل آیات ۱۰۰ تا ۱۰۲ سوره شعراء».

تفسیر نورالقلین، جلد پنجم، صفحه ۴۷۳، حدیث ۶۰ «حدیث ۸۱۳۶».

«ذیل آیات ۱۰۰ تا ۱۰۲ سوره شعراء».

خداوند متعال اجازه امان دادنش را صادر می‌کند.

وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام سپس فضل بن عبدالملک را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

ای فضل:

آیا این فرمایش خداوند متعال را نشنیده‌ای که می‌فرماید:

«فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ آیه ۱۰۰ سوره شعراء - وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ آیه ۱۰۱ سوره شعراء».

ای فضل:

این کلام خداوند متعال حکایت حال دشمنان شما است «دشمنان شیعیان» که روز قیامت وقتی می‌بینند هر فرد از شما شیعیان دوستان شیعه خودشان را شفاعت می‌کنند با خودشان می‌گویند:

فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ، یعنی:

افسوس که ما امروز شفیعی نداریم «امام معصومی از ما شفاعت نمی‌کند».

وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ، یعنی:

دوست صمیمی و دلسوزی نداریم «دوست شیعه‌ای نداریم که ما را شفاعت کند».<sup>۱</sup>

### توضیح:

**الف)** مقصود از مؤمن در احادیث صادره از وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم‌السلام یعنی کسی به یگانگی خداوند متعال و نبوّت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام ایمان دارد، و در یک کلام:

مؤمن در لسان مبارک ائمه معصومین علیهم‌السلام یعنی شیعه دوازده امامی.

---

۱. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۷۳۹ - ۷۴۰، حدیث ۱۰.

«ذیل آیات ۱۰۰ تا ۱۰۲ سوره شعراء».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۴۷۵، حدیث ۶۲ «حدیث ۸۱۳۸».

«ذیل آیات ۱۰۰ تا ۱۰۲ سوره شعراء».

ب) در حدیثی که از وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام صادر شده آمده است که شیعیان نیز روز قیامت شفاعت می کنند «شیعه اهل بهشت»، و کم ترین عده ای را که یک مؤمن «شیعه» شفاعت می کند سی نفر است.<sup>۱</sup>

۱۱. امام باقر علیه السّلام فرمودند:

خداوند متعال روز قیامت شفاعت اَحَدی از انبیاء را نمی پذیرد مگر اینکه به او اذن شفاعت دهد، غیر از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم، زیرا:

خداوند متعال قبل از قیامت به آن حضرت اذن شفاعت اعطا فرموده است، پس:

شفاعت حقّ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و ائمه معصومین علیهم السّلام از نسل آن حضرت می باشد، و بعد از آن بزرگواران نوبت به دیگر انبیاء می رسد.<sup>۲</sup>

۱۲. امام باقر علیه السّلام فرمودند:

ما أَحَدٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْأَخْرِينَ إِلَّا وَ هُوَ مُحْتَاجٌ إِلَى شَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، یعنی:

تمام گذشتگان و آیندگان «همه انسان ها از حضرت آدم تا روز قیامت» در روز قیامت نیازمند و محتاج به شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشند «یعنی پیامبر اکرم هم شفیع گنهکاران است، و هم شفیع شفیعان».

۱. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۷۳۸ - ۷۳۹، حدیث ۷.

تفسیر الثقلین، جلد پنجم، صفحه ۴۷۳، حدیث ۶۰ «حدیث ۸۱۳۶».

«ذیل آیات ۱۰۰ تا ۱۰۲ سوره شعراء».

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۵۴۹، حدیث ۳.

«ذیل آیه ۲۳ سوره سبا».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۸۴.

«ذیل آیه ۲۳ سوره سبا».

این حدیث را ابوالعبّاس مکبر از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

قبلاً و ابتدای بحث به عرض رسید که:

شفاعت برای شفاعت شونندگان دو نتیجه دارد:

الف) گناهان آنها بخشیده می شود و در نتیجه: یا اصلاً به جهنّم وارد نمی شوند، یا اینکه از آتش جهنّم نجات پیدا می کنند.

ب) علوّ مقام پیدا می کنند، یعنی:

مقام و منزلت آنها بالا می رود.

بنابراین:

روز قیامت همه خلائق نیازمند و محتاج به شفاعت وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشند، یعنی:

آنهایی که گنهکار هستند نیازمند به شفاعت می باشند تا گناهان آنها بخشیده شود، و آنهایی که گنهکار نیستند نیازمند به شفاعت پیامبر اکرم هستند تا علوّ مقام پیدا کنند، یعنی پیامبر اکرم شفیع شفیعان نیز هست همچنان که شاهد و گواه بر شاهدان و گواهان نیز می باشد.

۱۳. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

۱. المیزان، جلد اوّل، صفحه ۳۲۷ تا ۳۳۳.

«ذیل آیه ۴۸ سوره بقره».

المیزان، جلد بیست و پنجم، صفحه ۳۰۳.

بحث روایتی ذیل آیه ۷۹ سوره اسراء.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۸۴.

«ذیل آیه ۲۳ سوره سبا».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۵۴۸ - ۵۴۹ حدیث ۲.

«ذیل آیه ۲۳ سوره سبا».

تفسیر نمونه، جلد اوّل، صفحه ۲۸۱.

«ذیل آیه ۴۸ سوره بقره».

يا عَلِيُّ:

شيعتكَ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ،

فَمَنْ أَهَانَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَهَانَكَ،

وَمَنْ أَهَانَكَ فَقَدْ أَهَانَنِي،

وَمَنْ أَهَانَنِي أَدَخَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَبئْسَ الْمَصِيرُ،

يا عَلِيُّ:

أَنْتَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ،

رُوْحُكَ مِنْ رُوْحِي وَ طِينَتُكَ مِنْ طِينَتِي،

وَ شِيَعَتُكَ خُلِقُوا مِنْ فَضْلِ طِينَتِنَا،

فَمَنْ أَحَبَّهُمْ فَقَدْ أَحَبَّنَا، وَ مَنْ أَبْغَضَهُمْ فَقَدْ أَبْغَضَنَا،

وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَانَا، وَ مَنْ وَدَّهْمُ فَقَدْ وَدَّنَا،

يا عَلِيُّ:

إِنَّ شِيَعَتَكَ مَغْفُورٌ لَهُمْ عَلَيَّ مَا كَانَ فِيهِمْ مِنْ ذُنُوبٍ وَ عُيُوبٍ،

يا عَلِيُّ:

أَنَا الشَّفِيعُ لِشِيَعَتِكَ عَدَا إِذَا قُضِيَ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ فَبَشِّرْهُمْ بِذَلِكَ،

يا عَلِيُّ:

شِيَعَتُكَ شِيَعَةُ اللَّهِ،

وَ أَنْصَارُكَ أَنْصَارُ اللَّهِ،

وَ أَوْلِيَاؤُكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ،

وَ حِزْبُكَ حِزْبُ اللَّهِ،

يا عَلِيُّ:

سَعَدَ مَنْ تَوَلَّاكَ،

وَ شَقِيَ مَنْ عَادَاكَ، يَعْنِي:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مولی الموحّدين امیر المؤمنین

علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:



یا علی:

شیعیان تو در روز قیامت همان رستگارانند «فقط شیعیان تو در روز قیامت فائز و رستگار می‌باشند»، پس:

هر کس به یکی از شیعیان تو اهانت نماید به تو اهانت کرده است،  
و هر کس به تو اهانت نماید به من اهانت کرده است،  
و هر کس به من اهانت نماید خداوند متعال او را به جهنم داخل خواهد نمود  
و مخلّد در آتش جهنم خواهد بود «برای همیشه داخل جهنم خواهد ماند» و جهنم  
چه جایگاه بدی است.

یا علی:

تو از من هستی و من از تو،  
روح تو از روح من است و طینت و سرشت تو از طینت و سرشت من،  
و شیعیان تو از باقیمانده سرشت ما «گل ما» خَلق شده‌اند، پس:  
هر کس آن‌ها را «شیعیان تو را» دوست بدارد ما را دوست داشته،  
و هر کس با آن‌ها دشمنی نماید با ما دشمنی نموده است،  
هر کس با آن‌ها کینه و عداوت داشته باشد با ما کینه و عداوت دارد،  
و هر کس به آن‌ها محبت بورزد به ما محبت ورزیده است.

یا علی:

بی‌تردید شیعیان تو هر چه عیب و گناه داشته باشند آمرزیده خواهند شد.

یا علی:

من روز قیامت شفیع شیعیان تو خواهم بود «شیعیان تو را شفاعت خواهم کرد»  
آن هنگام که در مقام محمود قرار می‌گیرم،

پس ای علی، به شیعیانت این مژده و بشارت را بده.

یا علی:

شیعیان تو شیعیان خداوند متعال هستند،  
و یاران تو یاران و انصار خدا می‌باشند،  
و دوستداران تو دوستداران خدا هستند،

و حزب تو حزب خدا می باشد.

یا علی:

سعادت‌مند است هر کسی که دوستی و ولایت «امامت» تو را بپذیرد،

و شقی و بدبخت است هر کسی که با تو دشمنی نماید.

این حدیث را ابن عباس از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

مقام محمود مقام ممتاز و ویژه‌ای است که خداوند متعال به وجود مقدس پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اعطا فرموده است.

مقام محمود نهایت قرب به خداوند متعال است که اختصاص به وجود مقدس

پیامبر اکرم دارد، همچنین:

مقام محمود مقام شفاعت کبرای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد

که همه مخلوقات بدون استثناء «از حضرت آدم تا روز قیامت» نیازمند و محتاج آن

می باشند،

یا برای بخشیده شدن گناهانشان،

یا برای علو مقام و بالا رفتن مقامشان.

بنابراین:

وجود مقدس پیامبر اکرم در روز قیامت شفیع همه مخلوقات است،

هم شفیع گنهکاران،

هم شفیع شافعان.

قابل ذکر است که:

شفاعت پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام مربوط به شیعیان و گنهکاران

۱. امالی شیخ صدوق، مجلس چهارم، صفحه ۳۱، حدیث ۸.

تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۹۱۹، حدیث ۸.

«ذیل آیه ۷۹ سوره اسراء»

شیعه می‌باشد نه همه امت اسلام که انشاءالله تعالی در ادامه بحث به آن اشاره خواهد شد.

مقام محمود که در این حدیث شریف از آن یاد شد و در احادیث بعد نیز از آن یاد خواهد شد اشاره به آیه ۷۹ سوره اسراء دارد که خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ، عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا.

یعنی:

ای پیامبر:

پاره‌ای از شب را پس از خوابیدنت بیدار باش «پس از اینکه مقداری از شب را خوابیدی از خواب برخیز» و مشغول نماز شو «نماز شب بخوان»، تا خداوند متعال در روز قیامت به تو مقام محمود اعطا نماید. روایات فراوانی از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده که آن ذوات مقدسه فرموده‌اند:

مقام محمود که در آیه ۷۹ سوره اسراء به آن اشاره شده مقام شفاعت کبرای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد که آن حضرت روز قیامت در آن مقام قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup>

۱۴. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که این آیه شریفه «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ، عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا.» را تلاوت می‌فرمود وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را مورد خطاب قرار داده و به آن حضرت فرمود:

---

۱. مجمع‌البیان، جلد چهاردهم، صفحه ۱۹۴ «ذیل آیه ۷۹ سوره اسراء». المیزان، جلد بیست و پنجم، صفحه ۲۷۹ - ۳۰۳ «ذیل آیه ۷۹ سوره اسراء». تفسیر نمونه، جلد دوازدهم، صفحه ۲۵۱ - ۲۵۸ «ذیل آیه ۷۹ سوره اسراء». تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۲۲۲ «ذیل آیه ۷۹ سوره اسراء». تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۹۲۴ حدیث ۱۲ «ذیل آیه ۷۹ سوره اسراء». تفسیر نورالثقلین، جلد چهارم، صفحه ۴۳۷، حدیث ۴۰۲ «حدیث ۶۲۹۲». «ذیل آیه ۷۹ سوره اسراء».

یا علی:

خداوند متعال برای شفاعت از اهل توحید اَمتَم به من اختیار کامل داده است، اَمّا این نعمت را در حقّ منکران تو و منکران فرزندان تو منع کرده است «شفاعت من به مُنکران و دشمنان تو و ذَرِیّه تو نمی‌رسد».

این حدیث را انس بن مالک از وجود مقدّس پیامبر اکرم نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

ملاحظه فرمودید که اهل توحید اَمت اسلام «یکتا پرستان مسلمان» مورد شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم قرار می‌گیرند، لیکن مُنکرین و دشمنان ائمه معصومین علیهم السّلام هرگز مورد شفاعت پیامبر اکرم واقع نخواهند شد، یعنی: منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام و دشمنان آن ذوات مقدّسه اهل توحید نیستند، یعنی:

مُنکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام و دشمنان آن ذوات مقدّسه نه به خدا اعتقاد دارند و نه به رسول خدا، و به همین جهت در خطبه غدیریّه پیامبر اکرم «خطبه‌ای که پیامبر اکرم در محلّ غدیر خم ایراد فرمودند» و در زیارت جامعه کبیره و در بسیاری از احادیث و روایات از آن‌ها به عنوان کافر و مُشرک و منافق یاد شده است.

در زیارت مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام در روز عید غدیر که از ناحیه وجود مقدّس امام هادی علیه السّلام صادر شده صراحتاً به این مطلب اشاره شده به نحوی که جای هیچگونه تأویل و تفسیر نبوده و قابل انکار نیست چرا که مطلب با صراحت و روشنی تمام بیان شده است.

در قسمتی از این زیارت نورانی و شریف آمده که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمود:

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۹۱۷، حدیث ۳ «ذیل آیه ۷۹ سوره اسراء». تفسیر نورالتقلین، جلد چهارم، صفحه ۴۳۱، حدیث ۳۹۷ «حدیث ۶۲۸۶» «ذیل آیه ۷۹ سوره اسراء».

وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ،  
 مَا آمَنَ بِي مَن كَفَرِيكَ،  
 وَلَا أَقَرَّ بِاللَّهِ مَن جَحَدَكَ،  
 وَقَدْ ضَلَّ مَن صَدَّ عَنْكَ،  
 وَلَمْ يَهْتَدِ إِلَى اللَّهِ وَلَا إِلَيَّ مَن لَا يَهْتَدِي بِكَ،  
 وَهُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ،  
 وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ إِلَّا وَلَا يَتَّبِعُكَ.  
 یعنی:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

قسم به خداوند متعال که مرا به حق برانگیخت «مبعوث به رسالت نمود» به من ایمان نیاورده کسی که به تو کافر است «کسی که امامت تو را قبول ندارد به رسالت من نیز ایمان نیاورده است»،

و کسی که تو را انکار کند اقرار به خدا ننموده است «کسی که امامت تو را انکار کند خداوند متعال را به یگانگی نشناخته است»، گمراه است کسی که مردم را از تو باز دارد «کسی که مانع ایمان آوردن مردم به تو می شود چنین شخصی گمراه است و در راه ضلالت گام برمی دارد»،

کسی که به وسیله تو رهبری نیافته به سوی خدا و به سوی من هدایت نشده است «کسی که امامت و رهبری تو را نپذیرفته نه به سوی خدا هدایت شده است و نه به سوی من، یعنی: هدایت به سوی خداوند متعال و پیامبر اکرم در گرو پذیرش امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد».

علی جان:

این کلام خداوند تبارک و تعالی است که می فرماید «آیه ۸۲ سوره طه» من می آمرزم کسی را که:

توبه نماید،

و ایمان بیاورد «به خدا و رسول»،

و عمل صالح انجام دهد،  
و به سوی ولایت تو راه یابد «امامت و ولایت تو را بپذیرد».  
«این زیارت شریفه در مفاتیح الجنان نیز آمده است».  
بنابراین:

مقصود از اهل توحید در این حدیث شریف که روز قیامت مورد شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم واقع می‌شوند فقط و فقط شیعیان اثنی عشری هستند و لا غیر.

ذیل آیه ۱۵۹ سوره انعام «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعَاءً...» حدیثی از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عرض رسید که آن حضرت فرمودند:

سَتَفَرِّقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً، كُلُّهَا فِي النَّارِ إِلَّا وَاحِدَةً وَ هِيَ الَّتِي تَتَّبِعُ وَصِيَّيَ عَلِيًّا، يَعْنِي:

امت من هفتاد و سه فرقه خواهند شد و همگی آنها اهل آتش می‌باشند مگر یک فرقه که اهل نجات می‌باشد، و آن فرقه‌ای است که از وصی و جانشین من علی بن ابیطالب تبعیت و پیروی نماید.

قابل ذکر است که:

ذیل آیه ۲۵۳ سوره بقره «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ...» نیز در رابطه با کافر و مشرک و منافق بودن منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام و دشمنان آن ذوات مقدسه مطالبی به عرض رسیده است.

ضمناً، ذیل آیه ۸۲ سوره طه احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که خداوند متعال کسانی را می‌آمرزد که امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام را پذیرفته باشند.

۱۵. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

وقتی که قیامت می‌شود و همه مردم در آن جا محشور می‌شوند از جانب خداوند

متعال ندا می‌رسد که:

ای رسول خدا:

خداوند جلّ و جلاله به تو اختیار و قدرت داده تا به محییّن و دوستداران خودت و اهل بیت هر چه می‌خواهی پاداش بدهی.

من به خداوند متعال عرض می‌کنم:

خداوندا:

من برای آن‌ها بهشت می‌خواهم.

سپس از جانب خداوند متعال به من ندا می‌شود که:

ای رسول خدا:

هر کجای بهشت که می‌خواهی آن‌ها را اسکان بده.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در پایان فرمایشات خویش

فرمودند:

این مقام محمود است که خداوند متعال به من وعده داده است.<sup>۱</sup>

۱۶. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

روز قیامت وقتی در مقام محمود قرار بگیرم برای گنهکاران امتّم «شیعیان گنهکار» شفاعت می‌کنم و خداوند متعال نیز شفاعت مرا قبول می‌کند، اما به خدا سوگند هرگز در مورد کسانی که ذرّیه مرا اذیت نموده‌اند شفاعت نخواهم کرد.<sup>۲</sup>

۱۷. دو تن از اصحاب امام صادق علیه‌السلام به نام مفضّل بن عمر، و خیمه نقل

می‌کنند که:

ما دو نفر یک شب در محضر امام صادق علیه‌السلام بودیم و کس دیگری غیر از

ما دو نفر آن‌جا حضور نداشت، لذا:

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۹۱۸ - ۹۱۹ حدیث ۷ «ذیل آیه ۷۹ سوره اسراء».  
تفسیر نورالثقلین، جلد چهارم، صفحه ۴۳۱، حدیث ۳۹۶ «حدیث ۶۲۸۵». «ذیل آیه ۷۹ سوره اسراء».  
۲. تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۲۲۲. «ذیل آیه ۷۹ سوره اسراء».  
تفسیر نورالثقلین، جلد چهارم، صفحه ۴۳۱، حدیث ۳۹۸ «حدیث ۶۲۸۷». «ذیل آیه ۷۹ سوره اسراء».

به امام صادق علیه السلام عرض کردیم:

یا بن رسول الله،

حدیثی را برای ما بیان فرمائید تا خوشحال شویم.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

وقتی که قیامت به پا می شود همه خلائق محشور می شوند تا به حساب آنها

رسیدگی شود.

افرادی که محشور شده اند آنقدر می ایستند «آنقدر در محشر توقف می کنند»

که عرق آنها تمام وجودشان را در بر می گیرد، به حدی که عرق آنها به دهانشان

می رسد «غرق در عرق خویش می شوند».

در این حال آنها می گویند:

ای کاش خداوند متعال میان ما حکم می کرد «زودتر به حساب ما رسیدگی

می کرد» حتی اگر سرنوشت ما جهنم باشد.

محشورشندگان «افرادی که محشور شده اند» نزد حضرت آدم رفته و از او

درخواست می کنند تا از خداوند متعال مسئلت نماید تا خداوند متعال زودتر به

اعمال آنها رسیدگی کند.

حضرت آدم آنها را به سوی حضرت نوح راهنمایی می کند.

محشورشوندگان به سوی حضرت نوح رفته و از او می خواهند تا از خداوند

متعال تقاضا نماید تا زودتر به اعمال آنها رسیدگی شود «توقف در صحرای محشر

و غرق شدن در عرق به حدی عذاب آور شده که خلائق یعنی محشورشوندگان از

پیامبر الهی تقاضای می کنند تا آنها از خداوند متعال درخواست کنند تا زودتر به

اعمال آنها رسیدگی شده و تکلیف آنها معلوم شود حتی اگر جایگاه آنها جهنم

باشد، زیرا خیال می کنند که داخل جهنم راحت تر از این جا هستند، لیکن این خیال،

خیال باطلی است چرا که عذاب جهنم الیم و دردناک است و خداوند متعال عذاب

جهنم را دردناک توصیف فرموده است».

حضرت نوح آنها را به سوی حضرت ابراهیم راهنمایی می کند، و به همین نحو

حضرت ابراهیم به سوی حضرت موسی، و حضرت موسی به سوی حضرت عیسی



راهنمایی می کند.

همه انسان‌ها که در صحرای محشر محشور شده‌اند به سوی حضرت عیسی رفته و تقاضای خویش را تکرار می کنند.

حضرت عیسی به مردم می گوید:

من صاحب شما نیستم، لیکن:

شما را به سوی پیامبری راهنمایی می کنم که در دنیا وجود آن حضرت را به شما بشارت داده بودم، نام او احمد است سوی آن حضرت بروید.

وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

هیچ پیامبری از عهد آدم تا خاتم وجود ندارد مگر اینکه تحت لواء و پرچم حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم قرار دارد.

مردم خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم آمده و به آن حضرت عرض می کنند:

یا محمّد «صلی الله علیه و آله و سلّم»:

از پروردگارت بخواه تا بین ما حکم کند «به کار ما رسیدگی کند» هر چند به سوی آتش باشد.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به مردم می فرماید:

آری، من صاحب شما هستم.

سپس پیامبر اکرم به سوی بهشت رفته و وقتی به درب بهشت می رسد حلقه درب بهشت را می کوبد و درب بهشت را برای آن حضرت باز می کنند.

پیامبر اکرم می فرماید:

وقتی درب بهشت باز شد به سوی خداوند متعال «به سوی رحمت و کرامت خداوند متعال» توجّه نموده و سپس خداوند متعال را آنچنان حمد و ثنا می گویم که پیش از من هیچ کس اینگونه حمد و ثنا نگفته و پس از من نیز نخواهد گفت، آنگاه به سجده می افتم.

از جانب خداوند متعال ندا می رسد که:

ای محمّد:

از سجده برخیز و سرت را بلند کن و سخن بگو،  
 که هر چه بگویی شنیده می شود،  
 و شفاعت کن،  
 که شفاعتت پذیرفته می شود،  
 و هر چه می خواهی بخواه،  
 که عطا می شود.  
 پیامبر اکرم می فرمایند:  
 دوباره حمد و ثنای خدا را می گویم، بهتر و برتر از بار اول، و سپس به سجده  
 می افتم.

از جانب خداوند متعال ندا می رسد که:  
 ای محمد:

از سجده برخیز و سرت را بلند کن و سخن بگو،  
 که ما سخن تو را می شنویم،  
 و شفاعت کن،  
 که شفاعتت را می پذیریم.  
 مجدداً پیامبر اکرم به سجده افتاده و همان قضایا تکرار می شود.  
 پیامبر اکرم می فرمایند:  
 این بار سر از سجده بلند کرده و به خداوند متعال عرض می کنم:  
 خداوندا:

بین بندگانت حکم فرما «دستور فرما تا به حساب بندگانت رسیدگی شود» هر  
 چند به سوی آتش باشد «هر چند نتیجه رسیدگی این باشد که تعدادی از آنها به  
 جهنم بروند».

خداوند متعال در پاسخ پیامبر اکرم می فرماید:  
 بسیار خوب.

امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:  
 آنگاه پیامبر اکرم سوار بر ناقه ای شده و در مقام محمود استقرار می یابد، و سپس

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نیز در کنار پیامبر اکرم قرار می گیرد.  
در همین حال از جانب خداوند رحمان ندا می رسد که:  
ای خلائق:

آیا این عدالت نیست که امروز «روز قیامت»، ولی و سرپرست هر قوم همان کسی باشد که در دنیا ولی و سرپرست آن‌ها بوده است.  
«آیا این عدالت نیست که هر کس با امام خویش محشور شود، یعنی:  
هر کس در دنیا فردی را به عنوان امام انتخاب نموده الآن نیز با همان امام خویش محشور شود».

همه خلائق که در محشر حضور دارند به خداوند متعال عرض می کنند:  
آری، این عین عدالت است.  
پس از این قضایا:

شیطانی که در زمان حضرت عیسی بن مریم مردم را گمراه کرده و حضرت عیسی را به عنوان خدا و پسر خدا معرفی کرده بود از جای خود بلند شده و به طرف جهنم حرکت می کند و پیروانش نیز دنبال او راه افتاده و عازم جهنم می شوند.  
«شیطان به هر موجود منحرف و متمرّدی اطلاق می شود که مردم را از راه راست منحرف می نماید، اعم از اینکه از جنس انسان باشد یا جن، لذا: شیطان اسم عام می باشد، لیکن ابلیس اسم خاص است یعنی همان شیطان است که حضرت آدم و حوا را فریب داد»

شیاطین امت‌های قبل از امت اسلام «انسان‌های منحرف که بعد از رحلت انبیاء امت‌های آن‌ها را گمراه کرده بودند» هر کدام از جای خود بلند شده و عازم جایگاه ابدی خویش می شوند «یعنی جهنم» و پیروان آن‌ها نیز به دنبال آن‌ها رهسپار جهنم می شوند تا اینکه نوبت به شیاطین امت اسلام می رسد.

امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:  
مجدداً از جانب خداوند متعال ندا می رسد که:

ای خلائق:

آیا عدالت نیست که:

هر قوم و گروهی که در دنیا فردی را به عنوان امام خویش انتخاب کرده و از او تبعیت نموده امروز «روز قیامت» نیز در کنار او باشد و از او تبعیت نماید.

همه خلائق به خداوند متعال عرض می کنند:

آری، این عین عدالت است.

پس از این قضایا:

شیاطین امت اسلام به ترتیب از جای خود بلند شده و رهسپار جهنم می شوند و پیروان آنها نیز به دنبال آنها عازم جهنم می گردند.

پس از فلانی و فلانی و فلانی نوبت به معاویه می رسد که او نیز از جای خود بلند شده و رهسپار جهنم می شود و پیروان او نیز به دنبال او عازم جهنم می گردند.

بعد از معاویه، یزید بن معاویه و سپس سایر خلفای بنی امیه از جای خود بلند شده و رهسپار جهنم می شوند و پیروان آنها نیز به دنبال آنها روانه جهنم می گردند.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نیز از جای خود بلند شده و عازم بهشت می شود و شیعیان آن حضرت نیز به دنبال آن حضرت روانه بهشت می گردند.

پس از آن حضرت وجود مقدس امام مجتبی، سپس امام حسین، آنگاه امام سجاد، و بعد از آن حضرت، امام باقر «علیهم السلام» از جای خود بلند شده و شیعیان آن بزرگواران نیز به دنبال آن ذوات مقدسه حرکت می کنند.

امام صادق علیه السلام سپس فرمودند:

آنگاه من برمی خیزم و شیعیان من نیز به دنبال من حرکت می کنند و گویی می بینم که شما دو نفر نیز به دنبال من هستید «یعنی مفضل بن عمر، و خيثمه».

امام صادق علیه السلام در پایان فرمایش خویش فرمودند:

در این هنگام ما «ائمہ معصومین علیهم السلام» بر روی عرش الهی استقرار پیدا می کنیم «می نشینیم» و در همان حال نامه اعمال مردم را می آورند و در کنار ما قرار می دهند و ما نیز:

بر علیه دشمنانمان گواهی و شهادت می دهیم،

و برای شیعیان خودمان شفاعت می‌کنیم.<sup>۱</sup>

### توضیح:

علاوه بر مفضل بن عمر، سماعه بن مهران و عیص بن قاسم نیز این حدیث شریف را از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل نموده‌اند.

۱۸. در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدس امام هادی علیه‌السلام صادر شده و حقیقتاً یک دوره کامل و جامع امام‌شناسی است هنگام زیارت هر کدام از ذوات مقدسه معصومین علیهم‌السلام خدمت آن بزرگواران عرض می‌کنیم:

بِمُؤَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ،

و لَكُمْ الْمَوْدَّةُ الْوَاجِبَةُ، وَ الدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ، وَ الْمَقَامُ الْمَحْمُودُ، یعنی:

به موالات شما (با پذیرش امامت و ولایت شما) طاعات و عبادات ما مورد قبول واقع می‌شود (یعنی قبول شدن نماز و روزه و حج و... سایر اعمال واجب منوط به پذیرش ولایت و امامت شما بزرگواران می‌باشد)،

و برای شما است مودت واجب، یعنی:

مودت داشتن به شما ائمه معصومین علیهم‌السلام واجب است و آن را خداوند متعال واجب نموده است «اشاره به آیه ۲۳ سوره شوری که می‌فرماید: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»،

برای شما است درجات رفیع و بلند، یعنی:

مقام و منزلت شما در پیشگاه خداوند متعال رفیع و بلند است و احدی از مخلوق الهی این درجه و مقام را ندارد،  
وَالْمَقَامُ الْمَحْمُودُ، یعنی:

شما ائمه معصومین علیهم‌السلام دارای مقام محمود هستید، یعنی:

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۹۱۹ - ۹۲۲، حدیث ۹. «ذیل آیه ۷۹ سوره اسراء». تفسیر نورالثقلین، جلد چهارم، صفحه ۴۳۱ تا ۴۳۵، حدیث ۴۰۰ «حدیث ۶۲۸۹». «ذیل آیه ۷۹ سوره اسراء».

مقام شفاعت «اشاره به آیه ۷۹ سوره اسراء که راجع به آن توضیحات لازم ارائه شد».

همچنین در قسمت‌های دیگری از این زیارت نورانی و شریف خدمت آن ذوات مقدسه عرض می‌کنیم:

أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ،

و شَهْدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ،

و شَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ، یعنی:

شما اهل بیت پیامبر اکرم:

صراط مستقیم هستید «اشاره به آیه ۶ سوره حمد»

و شاهد و گواه بر اعمال خلق می‌باشید «اشاره به آیه ۱۴۳ سوره بقره»

و شفاعت‌کنندگان در روز قیامت هستید «اشاره به آیه ۲۵۵ سوره بقره»

مُسْتَشْفَعُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ،

و مُتَقَرَّبُ بِكُمْ إِلَيْهِ،

و مُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَ حَوَائِجِي وَ إِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَ أُمُورِي، یعنی:

شفاعت شما را در پیشگاه خداوند متعال طلب می‌کنم،

به وسیله شما به سوی خداوند متعال تقرب می‌جویم «اشاره به آیه ۳۵ سوره

مائده»،

شما را در جمیع احوال و امورم پیشاپیش حوائج و اراده‌ام قرار می‌دهم «یعنی در

جمیع موارد شما را واسطه بین خودم و خداوند متعال قرار می‌دهم تا به خاطر شما

خواسته‌های من به اجابت برسند».

وَرَزَقَنِي شَفَاعَتَكُمْ، یعنی:

خداوند متعال شفاعت شما را روزی من فرماید «خداوند متعال شفاعت شما را

نصیبم کند».

وَلَكُمْ الْمَوَدَّةَ الْوَاجِبَةَ،

و الْجَاهُ الْعَظِيمُ،

و الشَّانُ الْكَبِيرُ،

وَ الشَّفَاعَةُ الْمُقْبُولَةُ، یعنی:

برای شما است مودّت واجب «یعنی مودّت داشتن و محبت داشتن به شما را خداوند متعال واجب نموده است»،

و برای شما است جاه و مقام عظیم،

و برای شما است شأن و رتبه کبیر و بزرگ «این جملات اشاره به مقام و منزلت ممتاز و استثنایی اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دارد که احدی از مخلوقات الهی این مقام را ندارند»، و برای شما است شفاعت مقبوله «یعنی شفاعت شما در حق شیعیان را خداوند متعال می پذیرد».

فَبِحَقِّ مَنِ اتَّيَمَّنَكُمْ عَلَى سِرِّهِ،

وَ اسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ،

وَ قَرْنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ،

لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي،

وَ كُنْتُمْ شُفَعَائِي، یعنی:

پس: به حق خداوند متعال که شما را امین بر سرّ و راز خویش قرار داد، و امور خلق را به شما واگذار فرمود «زعامت امور خلق را به شما واگذار کرد»، و طاعت شما را به طاعت خود قرین ساخت «یعنی خداوند متعال اطاعت از شما را در کنار اطاعت خویش قرار داد و به مردم دستور داد تا از خدا و رسول و صاحبان امر یعنی ائمه معصومین علیهم السلام اطاعت نمایند، اطیعوا الله و اطیعوا الرّسول و اُولی الامر منکم، آیه ۵۹ سوره نساء» پس با این همه مقام و منزلتی که دارید:

از خداوند متعال تقاضا نمائید و بخواهید،

تا خداوند متعال گناهان مرا ببخشد،

و شما را شفیع من قرار دهد.

اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ،

لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي، یعنی:

خداوندا:

من اگر شفعايي «شفاعت کنندگانی» مقرب تر از محمد و آل محمد علیهم السلام

«یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» پیدا می‌کردم آن‌ها را شفیعیان خودم قرار می‌دادم، یعنی:

در بین مخلوقات الهی و بین همه انبیاء الهی و اوصیاء آن‌ها هیچ‌کس به اندازه چهارده معصوم علیهم السّلام مقرب به درگاه خداوند متعال نیست، و به همین لحاظ به خداوند متعال عرض می‌کنم:

اگر شفیعیانی مقرب‌تر از این ذوات مقدّسه را به درگاهت پیدا می‌کردم آن‌ها را شفیعیان خودم قرار می‌دادم، یعنی:

مقرب‌تر از این ذوات مقدّسه را نیافتم، لذا:

آن بزرگواران را شفعا «شفاعت‌کنندگان» خودم قرار دادم.  
فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيَّكَ،  
أَسْئَلُكَ،

أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ،  
وَفِي زُمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ،  
إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، یعنی:

خداوندا:

به حقّ آن ذوات مقدّسه «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام»، حقّی که مراعات آن را بر خودت واجب نمودی،

از تو مسئلت می‌کنم و درخواست می‌نمایم که:

مرا عارف به آن ذوات مقدّسه و عارف به حقّ آن بزرگواران قرار دهی «یعنی بدانیم که آن بزرگواران خلیفه‌الله و حجج الله هستند، لذا اطاعت از آن بزرگواران اطاعت خداوند متعال است، و سرپیچی از دستورات آن بزرگواران سرپیچی از دستورات خداوند متعال می‌باشد»، و نیز در زمره کسانی قرار دهی که به خاطر شفاعت آن ذوات مقدّسه مشمول رحمت تو شده‌اند «مرحوم = کسی که مورد رحمت خداوند متعال قرار گرفته، رحمت شده»،

خداوندا، به درستی که تو مهربان‌ترین مهربانان هستی.



## آیه ۲۵۶ سوره بقره:

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ، فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا، وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»

## ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

در قبول دین اکراهی نیست «اجباری نیست»، زیرا:

راه درست از راه انحرافی روشن شده است «راه هدایت از راه ضلالت آشکار شده است»، بنابراین:

کسی که به طاغوت «طغیانگران» کفر بورزد «از اوامر طاغوت نافرمانی کند» و به خدا ایمان بیاورد «از خدا اطاعت کند» به دستگیره محکمی چنگ زده است که گسستنی نیست، و خداوند متعال شنوا و دانا است.<sup>۱</sup>

## شرح لغات و توضیحات:

اِكْرَاهٌ = اجبار، وادار کردن انسان به چیزی که از آن کراهت دارد؛

رُشْدٌ = هدایت، راه درست «ضد رشد، غَيٌّ می باشد»؛

غَيٌّ = ضلالت، گمراهی؛

طَّاغُوتٌ = از طغیان گرفته شده و معنی آن طغیانگر می باشد، و به طور کلی به هر

موجود طغیانگر طاغوت گفته می شود، لذا:

شیطان «اعم از شیطان جنّی و انسی» طاغوت است، همچنین:

رهبران ضلالت و گمراهی و ائمه ظلم و جور طاغوت می باشند، همچنین:

به بُت ها نیز طاغوت گفته می شود، و در یک کلام:

هر متبوع و هر مُطاعی که خداوند متعال راضی به پیروی از آنها نیست طاغوت

می باشد «متبوع = کسی که تبعیت می شود، کسی که پیروی می شود، و مُطاع = کسی

۱. مجمع البیان، جلد سوم، صفحه ۱۱۱.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۳۲۶.

که اطاعت می شود، اطاعت شونده» طاغوت هم در مورد مذکر به کار می رود هم در مورد مؤنث، و مفرد و جمع آن نیز یکسان است.

تَمْسُک = چنگ زدن «اعتصام و تمسک یک معنا دارند»، چیزی را محکم چسبیدن؛

عُرْوَه = دستگیره «مانند دستگیره کوزه، دسته دَلْو و امثال آن»؛

وَثِیق = محکم، استوار

أَوْثَقُ = محکم تر، استوارتر

وُثْقَى = محکم تر، استوارتر «وُثْقَى، مؤنث أَوْثَقُ می باشد»؛

انْفِصَام = شکسته شدن، بریده شدن، گسستن، انقطاع.<sup>۱</sup>

این آیات شریفه بیان می فرمایند که:

در قبول دین و پذیرش دین اجبار و اکراهی در کار نیست، زیرا راه حق و راه هدایت از راه انحرافی و راه ضلالت کاملاً روشن شده است.

در ابتدای این آیه شریفه خداوند متعال می فرماید:

لا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ = در پذیرش دین و در قبول کردن دین هیچگونه اجبار و اکراهی

در کار نیست، زیرا:

با اجبار و با زور نمی توان شخصی را معتقد به یک موضوع نمود.

كُفْرٌ هُمْ هَمِينَ طُورًا اسْت، یعنی:

کفر یک مسئله قلبی است و با زور نمی توان فرد را کافر نمود.

بنابراین:

اگر کسی را با اجبار و با زور وادار کنیم که شهادتین را بر زبان جاری کند، چنانچه آن شخص بدون اعتقاد قلبی به معنا و مفهوم شهادتین فقط به خاطر اجبار

آن را بر زبان جاری نماید دیندار نمی شود «مسلمان نمی شود»، همچنین:

اگر با اجبار و با زور کسی را وادار به گفتن کلمات کفرآمیز نمائیم «انکار خدا

۱. مجمع البیان، جلد سوم، صفحه ۱۱۲.

المیزان، جلد چهارم، صفحه ۲۴۷ - ۲۴۸.

مفردات راغب.

و رسول» چنانچه آن شخص قلباً به گفته‌های کفرآمیز خویش اعتقاد نداشته باشد و فقط به خاطر ترس از جان خویش چنین کلماتی را بر زبان خویش جاری نماید کافر نمی‌شود.

بنابراین:

اجبار و اکراه در پذیرش دین وجود ندارد، زیرا:

دین امری قلبی و باطنی است و به زور نمی‌توان کسی را متدین نمود «مسلمان نمود» و یا کافر کرد، و کاربرد اجبار و زور صرفاً در اعمال ظاهری است.

مراد از دین در این آیه شریفه دین اسلام است، لیکن:

این قسمت از آیه شریفه تأویلی نیز دارد که انشاءالله تعالی ذیل آیه ۲۵۷ سوره بقره بیان خواهد شد و ملاحظه خواهید فرمود که دین واقعی که مدّ نظر خدا و رسول می‌باشد تشیع می‌باشد یعنی دینی که پیروان آن از ائمه معصومین علیهم‌السلام تبعیت می‌نمایند. صاحب تفسیر شریف صافی نیز با استناد به حدیثی که ابن ابی یغفور از وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام نقل نموده مقصود از دین در این آیه شریفه «دین واقعی که مدّ نظر خدا و رسول است» را تشیع دانسته است «این حدیث شریف ذیل آیه ۲۵۷ سوره بقره درج شده است».

ادامه آیه شریفه قسمت اول آیه را تعلیل می‌کند، یعنی:

دلیل اجباری نبودن پذیرش دین اسلام را بیان می‌فرماید.

در قسمت اول آیه شریفه ملاحظه فرمودید که خداوند متعال فرمودند:

در قبول کردن دین اسلام و پذیرش دین اسلام هیچ اجبار و اکراهی وجود ندارد، زیرا:

قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ = راه درست از راه انحرافی روشن شده است، یعنی:

راه هدایت از راه ضلالت و گمراهی آشکار شده است.

یعنی:

دلایل عقلی و آیات قرآن کریم و دهها معجزه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم «که یک نمونه آن قرآن کریم است که معجزه باقیه آن حضرت تا روز قیامت می‌باشد و اگر جنّ و انس جمع شوند نمی‌توانند یک سوره نظیر سوره‌های قرآن

کریم را بیاورند» حق را به طور واضح و آشکار بیان نموده‌اند، لذا: ایمان از کُفر و حق از باطل کاملاً جدا شده و هر انسانی می‌تواند آن‌ها را از یکدیگر تمیز دهد.

اجبار و زور زمانی به کار می‌آید که:

وقتی یک شخص قدرتمند بخواهد مطلبی را به افراد ضعیف‌تر از خودش تبیین نماید لیکن نتواند با دلیل و برهان آن را تفهیم کند در این زمان متوسّل به زور شده و عقاید خویش را به زور به زیردستان خویش تحمیل می‌کند، لیکن: چنانچه برای این کار ده‌ها دلیل عقلی و منطقی داشته باشد در این صورت نیاز به زور و اجبار نیست.

آیه شریفه این موضوع را با استدلال و منطق بیان می‌فرماید که:

در پذیرش دین اسلام هیچگونه اجبار و اکراهی نیست، زیرا راه راست و راه هدایت از راه انحراف و راه ضلالت و گمراهی کاملاً جدا شده است، یعنی: دین اسلام که پیامبر اکرم به آن مبعوث شده سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها را تأمین می‌فرماید و حقایق آن کاملاً روشن و واضح می‌باشد، لذا: حاجت و نیاز به زور نیست و لزومی ندارد که پیامبر اکرم مردم را مجبور به پذیرش دین اسلام نماید، یعنی:

بعد از اینکه حقایق دین را پیامبر اکرم بیان فرمودند و خیر و شر را به مردم نشان دادند در این صورت:

انسان‌ها مختار و آزاد هستند که دین اسلام را انتخاب نمایند که آن‌ها را به طرف رستگاری و سعادت در دنیا و آخرت راهنمایی می‌کند، و یا اینکه: از دین اسلام اعراض نموده و راه‌های انحرافی را طی کنند.

بدیهی است نتیجه این دو انتخاب «رفتن به سوی ایمان یا رفتن به سوی کُفر» در آخرت یکسان نیست، یعنی:

پس از اینکه پیامبر اکرم با آوردن آیات الهی و نشان دادن معجزات فراوان راه هدایت را از راه ضلالت و حق را از باطل جدا نموده و مردم را به پذیرش حق «دین اسلام، و حقیقت اسلام یعنی تشیع» دعوت فرمودند در این صورت انسان‌ها مختار

و آزاد هستند که:

**الف)** راه حق را انتخاب کرده و در آخرت به بهشت بروند.

**ب)** از حق اعراض نموده و راه باطل را انتخاب نموده و در آخرت وارد جهنم شوند و برای همیشه داخل جهنم بمانند.

از بیان مطلب فوق این نتیجه حاصل می شود که:

اساس و مبنای دین اسلام بر پایه اجبار و اکراه و زور و شمشیر نیست چرا که با وجود این همه دلایل روشن و معجزات آشکار نیازی به این امور نیست، لذا: آن‌هایی که گفته‌اند:

اسلام دین شمشیر است و به دنبال آن موضوع جهاد را به عنوان مهم‌ترین وسیله برای ترویج دین اسلام عنوان نموده‌اند سخت اشتباه کرده‌اند، زیرا: اسلام در موارد خاصی به زور متوسل شده و از طریق نظامی اهداف خویش را دنبال کرده است که این موارد عبارتند از:

**الف)** در رابطه با محو آثار شرک و بت‌پرستی، زیرا:

از نظر اسلام بت‌پرستی دین و آئین نیست بلکه راهی است انحرافی و صد در صد غلط، لذا:

اسلام، مشرکین و بت‌پرستان را به سوی توحید دعوت نمود «از راه تبلیغ»، لیکن چنانچه آن‌ها مقاومت کردند متوسل به زور شد و بت‌خانه‌ها را در هم کوبید. آیات قتال با مشرکین «از قبیل آیه ۱۹۳ سوره بقره وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً» ناظر به همین موضوع می‌باشد.

قابل ذکر است که آیه ۱۹۱ سوره بقره «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ» نیز در رابطه با مشرکین و بت‌پرستان بوده و جنگ با آن‌ها را بیان می‌فرماید.

**ب)** جنگ با کسانی که نقشه نابودی اسلام را داشتند،

این جنگ‌ها که در واقع جهاد دفاعی بودند با کسانی بوده که نقشه نابودی اسلام را در سر می‌پروراندند.

شاید بیش تر جنگ‌هایی که در زمان حیات پیامبر اکرم روی داده از همین قبیل باشد، مانند:

جنگ احد، احزاب، حنین، تبوک و ...

(ج) برای کسب آزادی در تبلیغ، زیرا:

اسلام نیز مانند هر دین و آئینی حق دارد آزادانه و به طور منطقی خودش را معرفی نماید، لذا:

اگر کسانی مانع این کار شوند اسلام می‌تواند با زور احقاق حق نماید.  
نتیجه کلام اینک:

در پذیرش دین اسلام هیچگونه اجبار و اکراهی نیست، زیرا:  
راه درست و راه هدایت از راه انحرافی و راه ضلالت روشن شده است، یعنی:  
پیامبر اکرم با دلایل روشن و معجزات آشکار حق را از باطل و راه هدایت را از ضلالت و گمراهی جدا نموده و آن‌ها را مشخص و آشکار کرده است، لذا:  
انسان‌ها آزاد و مختار هستند که حق را انتخاب نموده و به بهشت بروند و یا اینکه از حق اعراض نموده و سراغ باطل بروند که نتیجه آن ورود به جهنم می‌باشد، بنابراین:

اسلام هیچ‌گاه نخواستہ تا با زور و اجبار و اکراه دین را گسترش دهد، لیکن جهاد را رکن شمرده تا از حق دفاع کند، لذا:

قسمتی از جنگ‌های زمان پیامبر اکرم جنبه دفاعی داشته و قسمتی نیز که جنبه جهاد ابتدایی داشته برای کشورگشایی و اجبار مردم به پذیرش اسلام نبوده بلکه برای واژگون کردن نظام‌های غلط بوده تا مردم بتوانند آزادانه درباره مذهب و شیوه زندگی خویش تصمیم بگیرند.<sup>۱</sup>

ادامه آیه شریفه در واقع نتیجه‌گیری از مطالب قبل می‌باشد، یعنی:

۱. مجمع‌البیان، جلد سوم، صفحه ۱۱۴.

المیزان، جلد چهارم، صفحه ۲۴۴ تا ۲۴۶.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۳۲۷ - ۳۳۰ تا ۳۳۲.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۴۹۵.

وقتی فهمیدیم که اجبار و زور در پذیرش دین نیست، زیرا هدایت و ضلالت «گمراهی» کاملاً روشن شده‌اند، لذا مردم در انتخاب دین آزاد و مختار هستند.

ادامه آیه شریفه نتیجه این مباحث است، یعنی:

با این مطالبی که بیان شد، پس:

فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ = پس، هر کس به طاغوت کُفر بورزد.

در بخش شرح لغات ملاحظه فرمودید که:

هر مُطاع و هر متبوعی که اطاعت از آن‌ها موجب رضایت خداوند متعال نباشد

طاغوت است، زیرا:

اطاعت فقط و فقط از خداوند متعال واجب است و از حُجج خداوند متعال «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» و از کسانی که مأذون از ناحیه حُجج خداوند متعال می‌باشند، لذا:

بُت‌ها، حکام ستمگر، شیاطین جنّی و انسی، رهبران ضلالت و گمراهی، ائمه ظلم و جور و غاصبین خلافت همگی از مصادیق آشکار طاغوت می‌باشند، بنابراین:

هر کس که به طاغوت کُفر بورزد، یعنی:

هر کس از طاغوت اعراض نموده و از طاغوت اطاعت نکند، و:

يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ = ایمان به خداوند متعال بیاورد، یعنی:

به خداوند یگانه ایمان آورده و از خداوند متعال اطاعت نماید.

قابل ذکر است که:

هر جا صحبت از ایمان می‌باشد مقصود ایمان کامل است، یعنی:

ایمان به خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین

علیهم السّلام، زیرا:

این ذوات مقدّسه حجت خداوند متعال هستند و منصوب از ناحیه خداوند

سبحان، لذا:

ایمان نیاوردن به این بزرگواران یعنی تمرد و نافرمانی از امر خداوند متعال، و

نافرمانی نسبت به اوامر خداوند متعال و انکار حُجج او یعنی خروج از دایره ایمان

و ورود به دایره کفر.

بنابراین:

معنی این قسمت از آیه شریفه این شد که:

هر کس به طاغوت «رهبران ضلالت و گمراهی، ائمه ظلم و جور، و در یک کلام رهبران غیرالهی» کُفر بورزد، یعنی از طاغوت اعراض نموده و از او اطاعت نکند، و در مقابل آن:

به خداوند متعال و حجج خداوند متعال ایمان آورده و از آن‌ها اطاعت نماید،

چنین شخصی:

فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَأَنْفِصَامَ لَهَا = به یک دستگیره و دستاویز محکمی چسبیده و چنگ زده است که آن دستگیره و دستاویز هیچ‌گاه گسستنی، شکستنی و از بین رفتنی نیست.

اینکه کفر به طاغوت و ایمان به خداوند متعال و حجج خداوند متعال به عُرْوَةُ الْوُثْقَى «دستگیره و دستاویز محکم» تشبیه شده، تشبیه یک حقیقت غیرقابل حس و غیرقابل رؤیت به یک حقیقت قابل حس و قابل رؤیت می‌باشد تا مطلب کاملاً روشن شود و همگان معنی آن را به خوبی بفهمند.

اگر انسان در کنار پرتگاهی قرار بگیرد یا در یک سرایشی تند واقع شود یا در محلی قرار بگیرد که احتمال سقوط وجود دارد، چنانچه به یک دستگیره و دستاویز محکمی چنگ بزند و آن را بچسبد از خطر سقوط در امان است و احساس امنیت خواهد نمود، لذا:

کفر به طاغوت و ایمان به خدا و حجج خدا به دستگیره محکم و ناگسستنی تشبیه شده که هر کس به آن چنگ بزند و به آن تمسک نماید از خطر سقوط در امان است، یعنی از خطر سقوط به داخل جهنم در امان می‌باشد.

اینکه مصداق عینی این عُرْوَةُ الْوُثْقَى «دستگیره و دستاویز محکم» چه کسانی هستند که اگر به آن‌ها تمسک نمائیم و به آن‌ها چنگ بزنیم «به آن‌ها ایمان بیاوریم و مطیع محض آن‌ها باشیم» وارد بهشت می‌شویم، و اگر از آن‌ها اعراض کنیم وارد جهنم شده و مخلد در آتش می‌شویم انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.

در انتهای آیه شریفه آمده است که:



وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ = خداوند متعال شنوا و دانا است.  
 عرض شد که ایمان به کُفر موضوعی است قلبی و باطنی، لذا:  
 خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید که:  
 خداوند متعال شنوا و دانا است، یعنی:  
 هر کجا صحبت کنید خداوند متعال آن را می شنود گرچه در جلسات خصوصی  
 و پنهانی باشد، همچنین از اسرار دل شما آگاه است، یعنی:  
 کُفر و ایمان هر کس برای خداوند متعال روشن و آشکار می باشد.  
 این قسمت از آیه شریفه تشویقی است به مؤمنین واقعی، و تهدیدی است نسبت  
 به منافقین که تظاهر به اسلام می نمایند، یعنی:  
 همه مردم باید بدانند که خداوند متعال ناظر به اعمال آنها است و از اسرار دل  
 آنها باخبر است.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:  
 مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا، فَلْيَتَمَسَّكَ بِوَلَايَةِ أَخِي وَوَصِيِّ  
 عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ، فَإِنَّهُ لَا يَهْلِكُ مِنْ أَحَبِّهِ وَتَوَلَّاهُ، وَ لَا يَنْجُو مَنْ أَبْغَضَهُ وَ عَادَاهُ، یعنی:  
 وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:  
 هر کس دوست دارد به دستگیره و دستاویز محکم و ناگسستنی تمسک نماید و  
 چنگ بزند پس به ولایت برادرم و جانشینم علی بن ابیطالب علیه السلام چنگ بزند  
 «تمسک نماید»، زیرا:  
 هر کس او را دوست بدارد و ولایت و امامتش را بپذیرد هرگز هلاک نمی شود  
 «وارد جهنم نمی شود»،  
 و هر کس بغض او را در دل داشته باشد و با او دشمنی بورزد هرگز نجات

۱. مجمع البیان، جلد سوم، صفحه ۱۱۴ - ۱۱۵.

المیزان، جلد چهارم، صفحه ۲۴۷ - ۲۴۸.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۳۲۹ - ۳۳۰.

نمی یابد «هرگز از جهنم نجات نمی یابد».

این حدیث شریف را ابن عباس از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدس امام هادی سلام الله علیه صادر شده هنگام زیارت هر کدام از ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام خدمت آن بزرگواران عرض می کنیم:

مَنْ آتَاكُمْ نَجِي،

وَ مَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكٌ، یعنی:

هر کس به سوی شما «چهارده معصوم علیهم السلام» بیاید و ولایت شما را بپذیرد و از شما تبعیت نماید اهل نجات است و وارد جهنم نمی شود «خداوند متعال او را وارد جهنم نمی کند»،

و هر کس به سوی شما نیاید و ولایت شما را نپذیرد و از شما اطاعت نکند اهل هلاکت است و جایگاه ابدی او جهنم می باشد.<sup>۲</sup>

۲. وجود مقدس امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ، فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى» فرمودند:

مقصود از عُرْوَةُ الْوُثْقَى «دستگیره و دستاویز محکم» در این آیه شریفه مودت و محبت ما اهل بیت پیامبر اکرم می باشد.<sup>۳</sup>

۱. تفسیر صافی، جلد اول، صفحه، ۴۹۵ - ۴۹۶.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه، ۷۸۶، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۵۷۷، حدیث ۱۰۶۳ «حدیث ۱۱۷۹».

۲. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۳۸۳ تا ۳۸۵.

شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف علامه سید حسین همدانی درود آبادی، صفحه ۴۲۲ تا ۴۲۴.

۳. تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۴۹۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۵۷۵، حدیث ۱۰۵۴ «حدیث ۱۱۷۰».

### توضیح:

الف) این حدیث شریف را ابوالجارود از وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.

ب) این حدیث نورانی و شریف از وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام نیز نقل شده است.<sup>۱</sup>

۳. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، فَلْيَتَمَسَّكَ بِحُبِّ عَلِيٍّ وَ أَهْلِ بَيْتِي، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

هر کس دوست دارد به عُرْوَةُ الْوُثْقَى تمسّک نماید «به دستگیره و دستاویز محکم چنگ بزند» پس باید به دوستی و محبّت علی بن ابیطالب علیه السّلام و اولاد او که اهل بیت من می باشند تمسّک نماید «باید علی بن ابیطالب علیه السّلام و اولاد او را که اهل بیت من می باشند دوست داشته باشد».<sup>۲</sup>

۴. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

الْأَيْمَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ،

مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ،

وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ،

هُمُ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى،

وَ هُمْ الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

ائمه معصومین علیهم السّلام از فرزندان امام حسین علیه السّلام هستند،

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۵۷۵، حدیث ۱۰۵۴ «حدیث ۱۱۷۰».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۹۸، حدیث ۲. «ذیل آیه ۲۲ سوره لقمان».

۲. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۷۸۷، حدیث ۷.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۷۸۷، حدیث ۱۰.

عیون اخبار الرضا علیه السّلام، جلد دوم، باب ۳۱، صفحه ۹۴، حدیث ۲۱۶.

هر کس از آن‌ها اطاعت نماید از خداوند متعال اطاعت کرده است،  
و هر کس از دستورات آن‌ها سرپیچی نماید «از آن‌ها نافرمانی کند» از دستورات  
خداوند متعال سرپیچی نموده است،  
آن‌ها عُرْوَةُ الْوُثْقَى هستند «دستگیره و دستاویز محکم»،  
آن‌ها وسیله تقرّب به درگاه الهی می‌باشند.<sup>۱</sup>

### توضیح:

ذیل آیه ۳۵ سوره مائده «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ، وَأَبْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» احادیثی از  
ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که طبق آن احادیث نورانی و شریف وجود  
مقدس چهارده معصوم علیهم السلام وسیله تقرّب به درگاه خداوند متعال هستند و  
خداوند متعال به مردم امر فرموده تا به وسیله آن ذوات مقدّسه به درگاه خداوند  
متعال تقرّب جویند.

۵. وجود مقدّس امام رضا علیه السلام فرمودند که:  
وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:  
مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النِّجَاةِ وَيَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَيَعْتَصِمَ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ، فَلْيُؤَالِ  
عَلِيًّا بَعْدِي، وَ لِيُعَادِ عَدُوًّا، وَ لِيَأْتِمَّ بِالْأُمَّةِ الْهُدَاةِ مِنْ وُلْدِهِ، يَعْنِي:  
وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:  
هر کس دوست دارد به سفینه نجات «کشتی نجات» سوار شده و به عُرْوَةُ الْوُثْقَى  
تمسک نماید «به دستگیره و دستاویز محکم چنگ بزند» و اعتصام به حبل الله کند «به  
ریسمان الهی چنگ برند» پس باید:

بعد از من علی بن ابیطالب را دوست بدارد، و دشمنان علی بن ابیطالب را دشمن  
خود بدانند، و ائمه هدایت را که از اولاد آن حضرت می‌باشند امام خود بدانند.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۷۸۷، حدیث ۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۵۷۵، حدیث ۱۰۵۷ «حدیث ۱۱۷۳».

عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد دوم، باب ۳۱، صفحه ۹۴، حدیث ۲۱۷.

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۵۷۵، حدیث ۱۰۵۶ «حدیث ۱۱۷۲».

۶. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

تو همان عُرْوَةُ الْوُثْقَى هستی «تو همان دستگیره و دستاویز محکم و استوار می باشی».

این حدیث را خطیب خوارزمی «از علمای معروف اهل تسنّن» در کتاب خویش «مناقب» نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۷. وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

سَيَكُونُ بَعْدِي فِتْنَةٌ مُظْلِمَةٌ،  
 النَّاجِي مِنْهَا مَنْ تَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى،  
 قَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ:  
 وَمَا الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى،  
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:  
 وَلايَةُ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ،  
 قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ:  
 وَمَنْ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ،  
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:  
 أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ،  
 قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ:  
 وَمَنْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ،  
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:  
 مَوْلَى الْمُسْلِمِينَ وَآمَهُمْ بَعْدِي،  
 قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ:  
 وَمَنْ مَوْلَى الْمُسْلِمِينَ وَآمَهُمْ بَعْدَكَ،

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۷۸۷، حدیث ۹.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

أَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَعْنِي:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

بعد از من فتنه‌ای تاریک و ظلمانی پدید می‌آید و فقط کسانی از این فتنه نجات پیدا می‌کنند که به عُرْوَةُ الْوُثْقَى تمسک نمایند «به دستگیره و دستاویز محکم چنگ بزنند»،

اصحاب عرض کردند:

یا رسول الله:

عُرْوَةُ الْوُثْقَى چیست؟

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

ولایت سیدالوصیین «سید اوصیاء».

اصحاب عرض کردند:

یا رسول الله:

سیدالوصیین کیست «سید اوصیاء کیست»؟

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

امیرالمؤمنین،

اصحاب عرض کردند:

یا رسول الله:

امیرالمؤمنین کیست؟

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

مولا و سرور مسلمانان و امام مسلمین بعد از من.

اصحاب عرض کردند:

یا رسول الله:

مولا و سرور مسلمین و امام مسلمین بعد از شما کیست؟

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

برادر م علی بن ابیطالب «علیه السلام»<sup>۱</sup>

۸. امام صادق علیه السلام از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل کردند که آن حضرت فرمودند:  
 أَنَا حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينِ، وَأَنَا عُرْوَةُ اللَّهِ الْوُثْقَى، يَعْنِي:  
 مِنْ حَبْلِ اللَّهِ هَسْتُمْ «رِيسْمَانِ مُحْكَمِ الْهَى»،  
 مِنْ عُرْوَةِ اللَّهِ الْوُثْقَى هَسْتُمْ «دَسْتَكِغِرَه وَ دَسْتَاوِيزِ مُحْكَمِ الْهَى».  
 این حدیث را ابو بصیر از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

### توضیح:

ذیل آیه ۱۰۳ آل عمران احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که طبق آن احادیث نورانی و شریف وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام حبل الله هستند و خداوند متعال به مردم امر فرموده تا به آن ذوات مقدسه اعتصام و تمسک نمایند.  
 «اعتصام = تمسک = چنگ زدن، چسبیدن».

۹. امام رضا علیه السلام فرمودند:

نَحْنُ حُبُّجُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ نَحْنُ عُرْوَةُ الْوُثْقَى، يَعْنِي:

ما «چهارده معصوم علیهم السلام» حجت های خداوند متعال در روی زمین هستیم،

همچنین:

ما عُرْوَةُ الْوُثْقَى مِی بَاشِیم.<sup>۳</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۷۸۸، حدیث ۱۱.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۷۹ - ۸۰ «ذیل آیه ۲۲ سوره لقمان».

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۵۷۷، حدیث ۱۰۶۱ «حدیث ۱۱۷۷».

۳. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۵۷۷، حدیث ۱۰۶۲ «حدیث ۱۱۷۸».

**آیه ۲۵۷ سوره بقره:**

«اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ، أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ».

**ترجمه:**

خداوند متعال ولی و سرپرست و صاحب اختیار کسانی است که ایمان آورده‌اند، و خداوند متعال آن‌ها را «ایمان آورندگان را» از ظلمات و تاریکی‌ها بیرون آورده و به طرف نور می‌برد.

اما کسانی که کافر شدند ولی و سرپرست آن‌ها طاغوت می‌باشد که آن‌ها را «کافرین را» از نور خارج کرده و به طرف ظلمات و تاریکی‌ها می‌برد. این‌ها «کافرین» اهل آتش بوده و مخلد در آتش هستند.<sup>۱</sup>

**شرح لغات و توضیحات:**

ولی = سرپرست، رهبر «اعم از مادی یا معنوی»، صاحب اختیار «جمع ولی می‌شود اولیاء»؛

طاغوت = هر مُطاعی که اطاعت از او مورد رضایت خداوند متعال نیست «هر کسی که اطاعت از او مورد رضایت خداوند متعال نیست»؛ بنابراین:

بُت‌ها، حکام ستمگر، شیاطین جنّی و انسی، رهبران ضلالت و گمراهی و ائمه ظلم و جور همه از مصادیق طاغوت می‌باشند. ذیل آیه ۲۵۶ سوره بقره نیز راجع به طاغوت توضیحاتی ارائه شده است.

مُطاع = اطاعت‌شونده، کسی که اطاعت می‌شود.<sup>۲</sup>

۱. مجمع‌البیان، جلد سوم، صفحه ۱۱۱.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۳۳۳.

۲. تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۳۳۴.

تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۵۳۳ «ذیل آیه ۵۵ سوره مائده».  
مفردات راغب.



در آیه قبل «آیه ۲۵۶ سوره بقره» آمده که:

در پذیرش دین اسلام اکراه و اجباری نیست، زیرا:

خداوند متعال به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم راه درست و راه هدایت را از راه انحرافی و راه ضلالت و گمراهی مشخص فرموده است، بنابراین: اگر کسی به طاغوت کُفر بورزد «از طاغوتِ اعراض نموده و از او اطاعت نکند» و به خدا و رسول و اوصیاء رسول الله ایمان بیاورد چنین انسانی به دستگیره و دستاویز محکمی تمسک نموده «چنگ زده» که هیچ گاه گسسته نمی شود «گسستنی نیست». این آیه شریفه «آیه ۲۵۷ سوره بقره» ادامه آیه قبل بوده و وضع مؤمنین و کافرین را از نظر ولایت و رهبری بیان می فرماید.

خداوند متعال در این آیه شریفه ابتدا وضعیّت مؤمنین را از نظر ولایت و رهبری بیان فرموده و سپس به اوضاع کافرین اشاره می فرماید.

خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید:

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا = خداوند متعال ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند، یعنی:

خداوند متعال ولی و سرپرست مؤمنین است.

همانطور که قبلاً نیز به عرض رسیده و در بخش حدیث ذیل همین آیه شریفه نیز عرض خواهد شد مقصود از مؤمنین در آیات و روایات یعنی کسانی که ایمان کامل دارند، یعنی:

مؤمنین کسانی هستند که:

به خداوند متعال و پیامبر اکرم و اوصیاء آن حضرت یعنی ائمه معصومین علیهم السلام ایمان دارند، لذا:

خداوند متعال ولی و سرپرست و یار و یاور کسانی است که به خدا و رسول و ائمه معصومین علیهم السلام ایمان دارند.

به عبارت دیگر:

خداوند متعال ولی و سرپرست و یار و یاور مؤمنین است در آنچه که آنها نیاز دارند و به مصلحت آنها می باشد «امور مربوط به دین و دنیا و آخرت آنها».

در ادامه آیه شریفه آمده است که:

يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ = خداوند متعال مؤمنین را از ظلمات و تاریکی‌ها بیرون آورده و آن‌ها را به طرف نور می‌برد.

بنابراین:

خداوند متعال ولی و سرپرست مؤمنین است و در پرتو این ولایت و رهبری مؤمنین را از ظلمات و تاریکی‌ها به طرف نور می‌برد.

در این آیه شریفه ایمان و هدایت به نور تشبیه شده و کُفْر و ضلالت «گمراهی» به ظلمت، لذا:

این قسمت از آیه شریفه «يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» کنایه از این است که:

خداوند متعال مؤمنین را به سمت ایمان و هدایت سوق می‌دهد.

ممکن است گفته شود که:

این موضوع تحصیل حاصل است، یعنی:

مؤمنین دارای ایمان هستند و به راه راست هدایت شده‌اند، بنابراین خارج کردن آن‌ها از ظلمات «کُفْر و ضلالت» به طرف نور «ایمان و هدایت» چه معنایی دارد.

جواب این است که:

گرچه مؤمنین دارای مراتبی از ایمان و هدایت هستند لیکن همین مؤمنین در مسیر هدایت و قُرب به درگاه خداوند متعال شدیداً نیازمند راهنمایی‌های خداوند متعال هستند و نیازمند هدایت خداوند متعال در هر قدم و هر لحظه می‌باشند تا همیشه در صراط مستقیم باشند و ایمان آن‌ها محفوظ بماند، لذا:

در هر نماز از خداوند متعال درخواست می‌کنند که:

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، یعنی:

خداوندا پیوسته ما را به راه راست هدایت فرما،

ضمن اینکه هدایت و ایمان درجاتی دارند و خداوند متعال هدایت و ایمان

مؤمنین را افزایش می‌دهد.

در آیه هفدهم سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم آمده که:

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ، یعنی:

کسانی که هدایت یافته‌اند خداوند متعال بر هدایت آن‌ها می‌افزاید و روح تقوا و پرهیزکاری به آن‌ها می‌بخشد.

افزودن به هدایت مؤمنین یعنی:

بالا بردن درجه ایمان آن‌ها «از نظر اعتقاد»،

و بخشیدن روح تقوا و پرهیزکاری به آن‌ها «از نظر عمل»، یعنی:

کمک کردن به مؤمنین از جهت اجتناب از گناه و عمل نمودن به واجبات «از نظر عمل»، بنابراین:

لطف و عنایت خداوند متعال به مؤمنین خارج کردن آن‌ها از ظلمات گناهان است نه ظلمات کُفر و ضلالت «زیرا مؤمنین در کُفر و ضلالت نیستند» و بردن آن‌ها به طرف نور هدایت و ایمان یعنی به طرف نور توبه و مغفرت، و این لطف الهی درباره مؤمنین در دو زمینه می‌باشد:

الف) در بُعد اعتقاد «افزودن به هدایت و ایمان آن‌ها»،

ب) در بُعد عمل «تقویت روح تقوا و پرهیزکاری که نتیجه آن اجتناب از محرّمات است و عمل به واجبات، به نحوی که از گناه متنفر می‌شوند و به طاعت و انجام واجبات عشق می‌ورزند»<sup>۱</sup>.

در ادامه آیه شریفه به وضع کافرین «از نظر ولایت و رهبری آن‌ها» اشاره شده و آمده است که:

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ = کسانی که کافر شدند اولیاء و سرپرستان آن‌ها طاغوت می‌باشد، یعنی:

طاغوت «رهبران و ائمه ضلالت و گمراهی» ولی و سرپرست کفار می‌باشد و نتیجه ولایت طاغوت این می‌شود که:

يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ = آن‌ها را از نور به طرف ظلمات و تاریکی‌ها می‌برند، یعنی:

۱. مجمع‌البیان، جلد سوم، صفحه ۱۱۶.

المیزان، جلد چهارم، صفحه ۲۵۰.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۳۳۳ - ۳۳۴.

طاغوت که سرپرست و ولی کفار می باشد آن‌ها را «کفار را» از نور خارج کرده و به طرف ظلمت می برند.

قبلاً عرض شد که:

در این آیه شریفه ایمان به نور تشبیه شده و کُفر به ظلمت، بنابراین:

طاغوت «رهبران غیرالهی، اعم از شیاطین جنّی و انسی، حُکام ستمگر، رهبران ضلالت و گمراهی، ائمه ظلم و جور» که ولی و سرپرست کافرین هستند آن‌ها را از ایمان خارج کرده و به سوی کُفر می برند.

ممکن است این سؤال مطرح شود که:

کافرین که ایمان و نوری ندارند که طاغوت آن‌ها را از سوی ایمان و نور به طرف کُفر و ظلمت سوق بدهد.

پاسخ این است که:

همه انسان‌ها وقتی که به دنیا می آیند نور ایمان در فطرت آن‌ها وجود دارد اما پس از رسیدن به سنّ رشد و بلوغ به سه گروه تقسیم می شوند:

۱. گروهی از آن‌ها به خدا و رسول و اوصیاء رسول الله ایمان آورده و به تکالیف شرعی خویش عمل می کنند، و در نتیجه:

نور ایمان خویش را که فطری است تقویت نموده و در صفوف مؤمنین قرار می گیرند و در نتیجه خداوند متعال ولایت آن‌ها را به عهده می گیرد.

۲. گروهی دیگر از ایمان آوردن به خدا و رسول و اوصیاء رسول الله اجتناب نموده و مرتکب گناه می شوند، و در نتیجه:

نور ایمان خویش را که فطری است خاموش کرده و در صفوف کافرین قرار می گیرند و در نتیجه ولایت و سرپرستی آن‌ها را طاغوت به عهده گرفته و آن‌ها را هر چه بیشتر به طرف ظلمت «یعنی کُفر و ضلالت» سوق می دهند.

بنابراین:

کفار در زمان کُفر خویش هیچ نوری ندارند «نور ایمان در وجود آن‌ها نیست» و

اگر بیان شد که کفار توسط طاغوت از نور ایمان به سوی کفر و ضلالت برده می‌شوند مربوط به نور ایمان فطری آن‌ها می‌باشد.

۳. گروهی نیز هستند که اسلام اختیار نموده و نور ایمان فطری خویش را تقویت نمودند لیکن این افراد پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از ایمان آوردن به ائمه معصومین علیهم السلام و تبعیت از آن ذوات مقدسه اعراض نموده و از رهبران ضلالت و گمراهی و از ائمه ظلم و جور تبعیت نموده و آن‌ها را به عنوان ولی و سرپرست خویش انتخاب نمودند، و این رهبران ضلالت و گمراهی «یعنی طاغوت»، پیروان خویش را که مسلمان بودند و بهره‌ای از نور ایمان داشتند به طرف ظلمت «کفر و ضلالت» سوق دادند.

مطلب فوق مضمون حدیثی است که ابن ابی یعفر از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل نموده و انشاء الله تعالی در بخش حدیث به عرض خواهد رسید. در ادامه آیه شریفه به جایگاه این دو گروه منحرف «گروه دوّم و سوّم که توسط طاغوت از ایمان به طرف کفر سوق داده شده‌اند» در روز قیامت اشاره شده و آمده است که:

أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ = آن‌ها اهل آتش می‌باشند و مخلّد در آتش هستند، یعنی:

جایگاه ابدی و همیشگی این افراد آتش جهنّم می‌باشد و برای همیشه داخل جهنّم خواهند ماند.

بنابراین:

افرادی که از طاغوت تبعیت نموده و طاغوت را به عنوان ولی و سرپرست خویش انتخاب نمودند به وسیله طاغوت از نور ایمان به طرف ظلمت کفر و ضلالت برده می‌شوند و نتیجه رفتن از سوی ایمان به طرف کفر داخل شدن در جهنّم است و اقامت دائمی و همیشگی در آن.<sup>۱</sup>

۱. مجمع البیان، جلد سوّم، صفحه ۱۱۷ - ۱۱۸.

المیزان، جلد چهارم، صفحه ۲۵۱.

تفسیر نمونه، جلد دوّم صفحه ۳۳۴ - ۳۳۵.

**حدیث:**

۱. یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام عبدالله بن ابی یعفور نقل می کند که:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

یا بن رسول الله:

من با مردم در معاشرت هستم و بسیار متعجب می شوم از کسانی که پیرو شما نیستند «شیعه نیستند و به ولایت شما ایمان ندارند و از فلانی و فلانی تبعیت و پیروی می کنند» (از خلفای غاصب تبعیت می کنند)، لیکن:

امین و راستگو و باوفا هستند «اهل امانت و صدق و وفا می باشند»،

و در مقابل، مردمی را می بینم که امامت و ولایت شما ائمه معصومین علیهم السلام را پذیرفته اند، لیکن:

امانت و وفا و راستگویی آنها را ندارند.

ابن ابی یعفور می گوید:

پس از این سخنان من وجود مقدس امام صادق علیه السلام با حالتی خشمگین و غضبناک به من فرمودند:

لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ اللَّهَ بِوَلَايَةِ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَلَا عَتَبَ عَلَى مَنْ دَانَ بِوَلَايَةِ إِمَامٍ عَادِلٍ  
مِنَ اللَّهِ، یعنی:

کسی که از امام جائر و ستمکاری که منصوب از ناحیه خداوند متعال نیست تبعیت کند و ولایت «سرپرستی و رهبری» او را بپذیرد دین ندارد، و کسی که ولایت و امامت امام عادل و معصوم منصوب از ناحیه خداوند متعال را پذیرفته و از او تبعیت می کند عتاب و سرزنش ندارد.

ابن ابی یعفور می گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

یا بن رسول الله:

پیروان ائمه ظلم و جور دین ندارند،

و برای پیروان شما ملامت و سرزنشی نیست.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

آری،

پیروان ائمه ظلم و جور دین ندارند،

و برای پیروان ما و شیعیان ما ملامت و سرزنشی نیست.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایشات خویش ابن ابی یعفور را

مورد خطاب قرار داده و به او فرمودند:

آیا این کلام خداوند متعال را نشنیده‌ای که می‌فرماید:

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ «آیه ۲۵۷ سوره بقره»، و منظور

آیه شریفه این است که:

خداوند متعال شیعیان ائمه معصومین علیهم السلام را به خاطر اطاعت و تبعیت

آن‌ها از امام معصوم منصوب از ناحیه خدا از ظلمات و تاریکی‌های گناهان به طرف

نور توبه و هدایت و مغفرت می‌برد.

امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

مقصود از این آیه شریفه «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ، يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى

الظُّلُمَاتِ، آیه ۲۵۷ سوره بقره» این است که:

آن‌ها بر نور اسلام بودند،

لیکن:

وقتی ولایت امام جائز و ستمگری را که منصوب از ناحیه خداوند متعال نبود

پذیرفتند با پذیرش این ولایت از نور اسلام خارج شده و به طرف ظلمت کفر

رفتند،

و پذیرش ولایت ائمه ظلم و جور باعث شد که خداوند متعال آتش جهنم را بر

آنان و بر کفار واجب نماید.

سپس امام صادق علیه السلام فرمودند:

«أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ، آیه ۲۵۷ سوره بقره»، یعنی:

پیروان ائمه ظلم و جور به همراه کفار اهل جهنم هستند و مخلد در آتش می‌باشند

«جایگاه ابدی و همیشگی آن‌ها جهنم می‌باشد»<sup>۱</sup>.

### توضیح:

صاحب تفسیر عیاشی در ادامه این حدیث «حدیث شماره ۱ که ملاحظه فرمودید» اضافه نموده که:

ابن ابی یعفور به امام صادق علیه‌السلام عرض کرد:  
یا بن رسول‌الله:

وقتی خداوند متعال می‌فرماید «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ، يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ»، آیا:

منظور از وَالَّذِينَ كَفَرُوا، کفار نمی‌باشند «ابن ابی یعفور با این سؤال خویش می‌خواهد این مطلب را بگوید که این قسمت از آیه ۲۵۷ سوره بقره در رابطه با کفار می‌باشد، البتّه این را از امام صادق علیه‌السلام سؤال می‌کند».

وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام به ابن ابی یعفور فرمودند:  
کافر در زمان کُفر خویش نوری ندارد که خداوند متعال او را از نور خارج نماید و به طرف ظلمت و تاریکی ببرد، بنابراین:

خداوند متعال با این آیه شریفه «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ...» خواسته تا این مطلب را بیان فرماید که:

پیروان ائمه ظلم و جور قبل از پذیرش ولایت آن‌ها بر نور اسلام بودند «نور اسلام را داشتند»، لیکن:

وقتی ولایت امام جائز و ستمگر غیر منصوب از ناحیه خدا را پذیرفتند و از آن‌ها تبعیت و پیروی نمودند از نور اسلام خارج شده و به ظلمات کُفر وارد شدند و خداوند متعال نیز آن‌ها را به همراه کفار اهل آتش قرار داد و فرمود:

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۰۵ حدیث ۳ «حدیث ۹۶۶».

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۴۹۶ - ۴۹۷.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۷۸۵ - حدیث ۱.

تفسیر نورالتقلین، جلد اول، صفحه ۵۸۱ - حدیث ۱۰۷۰ «حدیث ۱۱۸۶».



أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ، یعنی:

پیروان خلفای غاصب به همراه کفار اهل جهنم هستند و مخلد در آتش می‌باشند.<sup>۱</sup>  
طبق این حدیث نورانی و شریف:

الف) پیروان ائمه ظلم و جور دین ندارند، یعنی:

هر کس غیر از ائمه معصومین علیهم‌السلام «که منصوب از ناحیه خداوند متعال می‌باشند» از افراد دیگری تبعیت نماید و ولایت آن‌ها را بپذیرد دین ندارد، لذا چنانچه:

فرد بی‌دین، اهل صدق و وفا و امانت باشد و ده‌ها عمل نیک دیگر نیز انجام دهد این اعمال نیک فایده‌ای برای صاحبش نخواهد داشت، زیرا:

اصول دین مقدم بر فروع می‌باشند و به همین جهت در آیات شریفه قرآن کریم ایمان مقدم بر عمل صالح می‌باشد، یعنی در همه آیات شریفه قرآن کریم «یا در اکثر قریب به اتفاق آیات شریفه قرآن کریم» آمده که:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...

و سپس خداوند متعال وعده پاداش داده است.

اگر در بعضی از آیات شریفه قرآن کریم صحبت از عمل صالح شده بلافاصله موضوع ایمان نیز مطرح شده است، مثلاً در آیه چهلم سوره مؤمن «غافر» خداوند متعال می‌فرماید:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ، فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ، یعنی:

هر کس عمل صالح انجام دهد «عمل خوب و عمل نیک» خواه مرد باشد و خواه زن، درحالی که مؤمن باشد «ایمان به خدا و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام داشته باشد» وارد بهشت می‌شود و در بهشت رزق و روزی بی حساب به آن‌ها داده خواهد شد.

بارها به عرض رسیده که:

۱. تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۴۹۷.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۷۸۸ - ۷۸۹ - حدیث ۱۳.

هر جا صحبت از ایمان و مؤمنین شده مقصود از آن ایمان کامل می باشد، یعنی: ایمان به خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام، و فقط با داشتن ایمان کامل عمل صالح برای صاحب آن سود دارد، در غیر این صورت عمل صالح با گناه آنچنان تفاوتی ندارد.

در حدیثی که از امام صادق علیه السلام نقل شده آمده است که:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس امامی از ائمه معصومین علیهم السلام را انکار نماید و از دین او براءت جوید کافر و مرتد است، زیرا:

ائمه معصومین علیهم السلام منصوب از ناحیه خداوند متعال می باشند و دین آنها دین خداوند متعال است

همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند:

اگر کسی با امامت ما مخالف باشد برای او فرقی نمی کند که نماز بخواند یا زنا کند «در هر حال جای او جهنم است»،

همچنین در حدیث دیگری آمده که:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

دشمن ما اهل بیت نباید اهمیّت بدهد که نماز می خواند یا زنا می کند یا دزدی می نماید، زیرا جایگاه او در آتش است.

همچنین در حدیثی آمده است که:

وجود مقدس امام کاظم علیه السلام فرمودند:

افرادی هستند که هنگامی که نماز می خوانند در حالی که مشغول نماز می باشند خداوند متعال آنها را لعنت می کند.

خدمت امام کاظم علیه السلام عرض شد:

به چه علت آنها مورد لعنت خداوند متعال واقع می شوند.

امام کاظم علیه السلام فرمودند:

به دلیل انکار و تکذیب ما «به دلیل انکار امامت و ولایت ما».

روایت در این باب فراوان است و فقط به عنوان نمونه به این احادیث شریف اشاره

شد «تفسیر برهان، جلد اوّل، گفتار اوّل، فصل دوّم، باب دوّم، صفحه ۸۷ تا ۸۹».

ب) مسلمین مادامی که ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام را پذیرفته باشند نور اسلام را دارند، لذا:

به محض اینکه ولایت و امامت آن ذوات مقدّسه را انکار نمایند و ولایت افراد دیگر را بپذیرند از نور اسلام به طرف ظلمت کُفر حرکت کرده و در زمره کفّار قرار می گیرند.

ج) جایگاه منکرین ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام جهنّم می باشد و در جهنّم همنشین کفّار هستند، ضمن اینکه:

مُنکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام و کفّار مخلّد در آتش جهنّم می باشند، یعنی جایگاه ابدی و همیشگی آنها جهنّم است و برای همیشه داخل جهنّم خواهند ماند.

در این رابطه «مخلّد بودن مُنکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام در آتش جهنّم» علاوه بر حدیثی که ابن ابی یعفور از امام صادق علیه السّلام نقل نموده و ملاحظه فرمودید قبلاً نیز احادیثی به عرض رسیده و انشاءالله تعالی در ادامه بحث نیز به احادیث شریفی در این رابطه اشاره خواهد شد.

د) شیعیان دوازده امامی به علّت داشتن ایمان کامل «ایمان داشتن به خدا و رسول و ائمه معصومین علیهم السّلام» همواره دارای نور اسلام بوده و در صراط مستقیم هستند، لذا:

اگر در آیه ۲۵۷ سوره بقره «اللّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...» عنوان شده که خداوند متعال آنها را از ظلمت به سوی نور می بَرَد مسئله ظلمت اعتقادی و کُفر نیست که خداوند متعال آنها را ظلمت کُفر به طرف نور اسلام و ایمان سوق دهد، بلکه:

مقصود از این ظلمت، ظلمت گناه است که خداوند متعال آنها را از این ظلمت «ظلمت گناه» به طرف نور هدایت و نور ایمان و مغفرت و آمرزش سوق

می دهد، یعنی:

توفیق توبه به شیعیان گنهکار اعطا فرموده و آن‌ها را می‌آمرزد، ضمن اینکه در اثر سوق یافتن آن‌ها از ظلمت گناه به طرف نور هدایت و مغفرت، هدایت آن‌ها افزایش یافته و نور اسلام و ایمان آن‌ها نیز تقویت می‌شود.

اینکه عرض شد شیعیان اثنی عَشْری ایمان کامل دارند و دین آن‌ها کامل می‌باشد در روایات فراوانی مورد تاکید قرار گرفته و عنوان شده که:

کسانی که ولایت ندارند دین ندارند «حدیثی که ابن ابی یعفور از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده و ملاحظه فرمودید ناظر به این معنا می‌باشد»، همچنین: در روایات فراوانی آمده که:

هر کس از دنیا برود در حالی که به امام معصوم زمان خویش ایمان نداشته باشد مرگ او مانند مرگ زمان جاهلیت است، یعنی مرگ در حال کُفر و شرک و نفاق.

ذیل آیه سوّم سوره مائده نیز به عرض رسید که:

وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری به امر خداوند متعال امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را به عنوان امام و ولی امر مسلمین منصوب فرمود، خداوند متعال این آیه شریفه را نازل فرمودند:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي، وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا، یعنی:

امروز «روز نَصَب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام به عنوان امام مسلمین» دین و آئین شما یعنی دین اسلام را کامل کردم و نعمت خودم را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین و آئین شما پذیرفتم.

بنابراین:

کسانی که اعتقاد به ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام ندارند دین ندارند،

و کسی که دین نداشته باشد جایگاهش جهنم است و مخلّد در آتش می‌باشد.

۲. امام صادق علیه‌السلام فرمودند که:

خداوند متعال فرمودند:

هر قوم و هر گروهی را که از امام غیر منصوب از ناحیه خدا تبعیت کند عذاب خواهیم کرد حتی اگر آن قوم و گروه در عمل نیکوکار و پرهیزکار باشند «هر کس از امام غیر معصوم تبعیت کند عذاب می‌شود ولو اینکه انسان پرهیزکاری باشد و اعمال صالح انجام دهد».

و هر قوم و هر گروهی را که از امام منصوب از ناحیه خدا تبعیت کند خواهیم بخشید حتی اگر اعمال آن‌ها بد باشد «هر کس از امام معصوم تبعیت کند بخشیده می‌شود ولو اینکه اعمال بدی انجام داده باشد».

راوی این حدیث شریف که مهزم اسدی نام دارد می‌گوید:

خدمت امام صادق علیه‌السلام عرض کردم:

یا بن رسول الله:

آن گروه باتقوا و پرهیزکار عذاب می‌شوند،

و این گروه بدکار بخشیده می‌شوند.

وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

آری،

خداوند متعال می‌فرماید:

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ - آیه ۲۵۷ سوره بقره»، و سپس وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام بیاناتی فرمودند که عین همان فرمایشاتی است که ابن ابی یعفور از آن حضرت نقل کرد و در حدیث اول آن را ملاحظه فرمودید «یعنی این حدیث شریف را هم ابن ابی یعفور نقل نموده، هم مهزم اسدی».

وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام در پایان فرمایشات خویش فرمودند:

دشمنان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام مخلد در آتش هستند «برای ابد و برای همیشه داخل جهنم خواهند بود» حتی اگر در نهایت زهد و تقوا و عبادت باشند، و ایمان آورندگان به امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام برای ابد و برای همیشه در بهشت خواهند بود، حتی اگر در عمل برخلاف گروه اول

باشند «حتی اگر زهد و تقوا و عبادت چندانی هم نداشته باشند».<sup>۱</sup>

### توضیح:

شبیبه به این حدیث در اصول کافی نیز آمده که به عنوان نمونه به دو حدیث اشاره می‌شود:

الف) امام باقر علیه‌السلام فرمودند که:

خداوند متعال فرمودند:

لَا عَذَابَ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَايَةِ كُلِّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ، وَإِنْ كَانَتْ الرَّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِيَّةً، وَلَا عَفْوَ عَنْ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَايَةِ كُلِّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ، وَإِنْ كَانَتْ الرَّعِيَّةُ فِي أَنْفُسِهَا ظَالِمَةً مُسِيئَةً، يَعْنِي:

خداوند متعال فرمودند:

من عذاب می‌کنم مردم مسلمانی را که ولایت امام جائر و ستمکاری را پذیرفته‌اند که منصوب از ناحیه خداوند متعال نیست اگر چه این مردم مسلمان در اعمالشان نیکوکار و پرهیزکار باشند، و می‌بخشم و می‌آمرزم مردم مسلمانی را که ولایت امام عادل را پذیرفته‌اند که منصوب از ناحیه خداوند متعال می‌باشد گرچه این مردم مسلمان نسبت به خودشان ستمکار و بدکار باشند.

این حدیث شریف را حبیب سجستانی از وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

ب) امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يُعَذِّبَ أُمَّةً دَانَتْ بِإِمَامٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ، وَإِنْ كَانَتْ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِيَّةً، وَإِنَّ اللَّهَ لَيْسَتْ حِيَابِي أَنْ يُعَذِّبَ أُمَّةً دَانَتْ بِإِمَامٍ مِنَ اللَّهِ، وَإِنْ كَانَتْ فِي أَعْمَالِهَا ظَالِمَةً مُسِيئَةً، يَعْنِي: خداوند متعال شرم نمی‌کند از اینکه امتی را عذاب کند که آن امت از امامی تبعیت

۱. تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۴۹۷.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۷۸۹، حدیث ۱۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۵۷۹ حدیث ۱۰۶۷ «حدیث ۱۱۸۳».

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۰۶ - حدیث ۴ «حدیث ۹۶۷».

کرده‌اند که منصوب از ناحیه خداوند متعال نیست گر چه آن امت در اعمالشان نیکوکار و پرهیزکار باشند،

اما خداوند متعال شرم می‌کند از اینکه امتی را عذاب کند که آن امت از امامی تبعیت کرده‌اند که منصوب از ناحیه خداوند متعال می‌باشد گر چه آن امت در اعمالشان ستمکار و بدکار باشند.

این حدیث شریف را عبدالله بن سنان از وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۳. امام باقر علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ، أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» آیه ۲۵۷ سوره بقره» فرمودند:

مقصود از وَالَّذِينَ كَفَرُوا در این آیه شریفه کسانی هستند که نسبت به ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام کُفر ورزیدند،

و منظور از أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ در این آیه شریفه دشمنان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام هستند که پیروان خویش را از نور بیرون بردند و به طرف ظلمت سوق دادند،

و منظور از نور همان ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشد.<sup>۲</sup>

### توضیح:

طبق این حدیث شریف:

الف) منظور از طاغوت در این آیه شریفه «آیه ۲۵۷ سوره بقره» ائمه ظلم و جور می‌باشند.

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۰۶ - حدیث ۵ «حدیث ۹۶۸».

۲. تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۷۹۰، حدیث ۱۶ «ذیل آیه ۲۵۷ سوره بقره» به نقل از مناقب ابن شهر آشوب.

ب) منظور از وَالَّذِينَ كَفَرُوا «کسانی که کفر ورزیدند» پیروان طاغوت می باشند، یعنی پیروان ائمه ظلم و جور.

ج) منظور از نور ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام است.

د) منظور از ظلمات ولایت و رهبری دشمنان ائمه معصومین علیهم السلام می باشد. قابل ذکر است که در این آیه شریفه «آیه ۲۵۷ سوره بقره» نور به صیغه مفرد آمده لیکن ظلمات به صیغه جمع «ظلمات جمع ظلمت می باشد»، و علت این موضوع این است که:

حق همیشه یکی است و اختلاف و پراکندگی در آن راه ندارد در حالی که: باطل مرکز انواع اختلافها و پراکندگیها می باشد.

۴. امام صادق علیه السلام فرمودند:

مقصود از نور در این آیه شریفه «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ، أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ، آیه ۲۵۷ سوره بقره» آل محمد علیهم السلام می باشند، و مقصود از ظلمات دشمنان آنها هستند.

این حدیث را مسعدة بن صدقه از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۵. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند که:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این آیه شریفه «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ، أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ، آیه ۲۵۷ سوره بقره» را تلاوت می فرمودند که یکی از اصحاب به آن حضرت عرض کرد:

۱. المیزان، جلد چهارم، صفحه ۲۵۳.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۴۹۶.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۷۸۹، حدیث ۱۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۵۷۹، حدیث ۱۰۶۶ «حدیث ۱۱۸۲».



يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ أَصْحَابُ النَّارِ، يَعْنِي:

یا رسول الله،

اصحاب آتش «اصحاب جهنم» چه کسانی هستند.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

اصحاب آتش کسانی هستند که پس از من با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

جنگ می کنند،

کسانی که با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام جنگ می کنند همراه با کافران

هستند «روز قیامت همنشین کفار می باشند»، زیرا:

پس از آنکه حق به سوی آنها آمد آن را انکار کرده و از آن اعراض نمودند «انکار

ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام»، همچنان که کفار نیز وقتی

با حق مواجه شدند آن را انکار کرده و به آن کفر ورزیدند «ایمان نیوردن کفار به

رسالت پیامبر اکرم»، بنابراین:

کسانی که با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام جنگیدند همراه کفار می باشند

«روز قیامت همنشین کفار می باشند».<sup>۱</sup>

**گفتار تعدادی از فقهاء عظام شیعه درباره مقام ائمه معصومین علیهم السلام و کافر**

**بودن مُنکرین ولایت آن ذوات مقدّسه:**

شیخ صدوق در کتاب اعتقادات خویش می فرماید:

باید هر فرد اعتقاد داشته باشد که:

خداوند متعال بهتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن بزرگوار

«یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام» خلق نفرموده است، و اینکه:

آن ذوات مقدّسه عزیزترین و گرامی ترین بندگان نزد خداوند متعال می باشند،

همچنین:

هر فرد باید اعتقاد داشته باشد که:

خداوند متعال هر چه خلق فرموده به خاطر پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۵۸۱، حدیث ۱۰۷۱ «حدیث ۱۱۸۷».

و ائمه معصومین علیهم السلام می باشد و اگر آن ذوات مقدسه نبودند خداوند متعال آسمان و زمین و بهشت و جهنم و آدم و حوا و ملائکه را خلق نمی فرمود، یعنی هیچ مخلوقی را خلق نمی کرد «همه مخلوقات اعم از جاندار و بی جان»، همچنین: هر فرد باید ایمان داشته باشد که:

ایمان جز با پذیرش ولایت آن بزرگواران و دشمنی با دشمنان آن ذوات مقدسه کامل نمی شود، همچنین: هر فرد باید بداند که:

ایمان جز با دوستی اولیاء خدا «اولیاء الله» و دشمنی با دشمنان خدا کامل نمی شود، و چهارده معصوم علیهم السلام اولیاء خداوند متعال هستند، همچنین: هر فرد باید بداند که:

دشمنان ائمه معصومین علیهم السلام کافرانی هستند که مخلد در آتش جهنم می باشند، گرچه ظاهراً مسلمان باشند و تظاهر به اسلام نمایند، بنابراین: هر کس خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت «یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام» را بشناسد و به آنها ایمان داشته باشد و نسبت به آنها تولی داشته باشد و از دشمنان آنها تبری جوید مؤمن است، و هر کس:

چهارده معصوم علیهم السلام را انکار کند، یا:

در مورد همه آنان یا یکی از آنان شک کند، یا:

با دشمنان آن ذوات مقدسه دوستی نماید، چنین انسانی گمراه و کافر است و هیچ عملی برای او سودمند نیست و هیچ عبادتی از او پذیرفته نمی شود.

شیخ صدوق اعلی الله مقامه الشریف در ادامه سخن خویش می فرماید:

اعتقاد ما شیعیان در خصوص انکار امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام این است که:

هر کس آن بزرگواران را انکار کند و منکر ولایت آنان شود نبوت و رسالت همه انبیاء علیهم السلام را انکار کرده است، و اگر کسی به ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام ایمان داشته باشد لیکن امامت و ولایت ائمه بعد از آن

حضرت را انکار نماید مثل کسی است که:

رسالت و نبوت همه پیامبران الهی را قبول دارد لیکن نبوت و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را قبول ندارد و به آن حضرت ایمان نیاورده است و چنین شخصی کافر است.

علامه بزرگوار محمّد باقر مجلسی نیز در بحارالانوار پس از ذکر سخنان شیخ صدوق «که بیان گردید» می‌فرماید:

فضل و برتری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام بر انبیاء الهی از روایات متواتر است و امری است حتمی و یقینی که شک در آن راه ندارد و اخباری که امامیه بر آن استناد می‌نمایند بیش از آن است که به شماره درآید.

شیخ مفید رضوان الله تعالی علیه در کتاب مسائل می‌فرماید امامیه اجماع دارند که: هر کس امامت یکی از ائمه معصومین علیهم السّلام را انکار کند و اطاعت از آن بزرگواران را که خداوند متعال واجب فرموده مُنکر شود چنین انسانی کافر و گمراه است و مخلّد در آتش می‌باشد.

همچنین، شیخ مفید اعلی الله مقامه الشّریف در کتاب مقنعه می‌فرماید: جایز نیست که شیعیان، مخالفین و منکرین ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام را غسل دهند و یا بر آن‌ها نماز بخوانند «نماز میّت».

شیخ طوسی اعلی الله مقامه الشّریف در توجیه این سخن شیخ مفید «غسل ندادن و نماز نخواندن بر اموات مُنکرین ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام» می‌فرماید: دلیل این سخن آن است که:

مخالفین ائمه معصومین علیهم السّلام کافر می‌باشند و حُکم آن‌ها حُکم کُفّار می‌باشد.

سیّد مرتضی قدّس الله نفسه الزّکیّه در رساله خویش که موسوم به «الرّسالة الباهرة فی العترة الطاهرة» می‌باشد می‌فرماید:

خداوند متعال ما را به این نکته راهنمایی فرموده که:

شناخت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام شناخت خود او است «یعنی

خداوند متعال»،

و جهل و شک در شأن و عظمت آن ذوات مقدّسه مانند جهل و شک به خداوند متعال می‌باشد، و نتیجه شک و جهل این می‌شود که:  
 آن شخص از دایره ایمان خارج شده و کافر می‌گردد.  
 سید مرتضی اعلی الله مقامه الشریف در ادامه سخنان خویش می‌گوید:  
 فقهای امامیه اجماع دارند که:  
 شناخت امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام شرط ایمان است،  
 و ایمان نداشتن به امامت و ولایت آن ذوات مقدّسه کُفر است و خروج از ایمان،  
 لذا:

کسی که امامت آن ذوات مقدّسه را انکار کند کافر است.<sup>۱</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد اوّل «مقدمه»، گفتار اوّل، فصل دوّم، باب اوّل، صفحه ۸۲ تا ۸۵.

## «سوره آل عمران»

### آیه ۷ سوره آل عمران:

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ، فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ، وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ...» «آیه ۷».

### ترجمه:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:  
اوست خدایی که قرآن کریم را بر تو نازل فرمود که برخی از آیات شریفه آن آیات محکم است «صریح و روشن»، که این آیات محکم اصل و اساس قرآن کریم هستند،

و برخی از آیات قرآن کریم آیات متشابه می باشند «در بدو امر پیچیده و مبهم به نظر می رسند»،

کسانی که در دلشان انحراف است «دل آنها تمایل به باطل دارد»،  
به دنبال آیات متشابه می روند «رفته» تا با تأویل کردن آنها فتنه ایجاد کنند «مردم را گمراه کنند»،

در حالی که تأویل آیات شریفه قرآن کریم را غیر از خداوند متعال و غیر از

راسخون در علم هیچ کس نمی‌داند.<sup>۱</sup>

### شرح لغات و توضیحات:

آیات مُحکم = آیاتی هستند که معنا و مفهوم آن‌ها به قدری روشن است که جای گفتگو و بحث در آن نیست و جای هیچگونه انکار، توجیه و سوءاستفاده در آن وجود ندارد، زیرا مراد و منظور آیه شریفه کاملاً روشن و واضح است، مثلاً:

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ «آیه ۱ سوره اخلاص» یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

ای پیامبر به مردم بگو: او است خدای یگانه «خدای متعال یکتا و یگانه است».

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ «آیه ۱۱ سوره شوری» یعنی:

هیچ چیز شبیه و همانند خداوند متعال نیست.

اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ «آیه ۶۲ سوره زمر، آیه ۱۰۲ سوره انعام، آیه ۱۶ سوره رعد، آیه

۶۲ سوره غافر» یعنی:

خداوند متعال خالق و آفریننده همه چیز است.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا «آیه ۴۴ سوره یونس» یعنی:

خداوند متعال هیچ «اصلاً» به مردم ظلم نمی‌کند.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ «آیه ۴۰ سوره نساء» یعنی:

خداوند متعال به اندازه یک ذره هم به کسی ستم نمی‌کند.

آیات مُتَّشابه = واژه متشابه به معنی چیزی است که قسمت‌های مختلف آن شبیه

یکدیگر باشند، به همین جهت به جملات و کلماتی گفته می‌شود که معنی آن‌ها

پیچیده و مبهم است و گاهی احتمالات مختلف درباره آن داده می‌شود، و منظور از

آیات متشابه قرآن کریم «متشابهات» همین است، یعنی:

آیاتی که در بدو امر پیچیده و مبهم به نظر می‌رسند و احتمالات متعددی درباره

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۶۶۹.

مجمع‌البیان، جلد سوم، صفحه ۲۳۰.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۵۰۲.

آن‌ها ممکن است داده شود گرچه با رجوع به آیات محکم قرآن کریم «محکّمات» معنا و مفهوم آن‌ها کاملاً روشن است.  
 افراد منحرف معمولاً می‌کوشند این آیات را دستاویز قرار داده و آن‌ها را برخلاف حق معنی کنند تا در میان مردم فتنه‌انگیزی کرده و مردم را از راه راست منحرف نمایند.

آیات ذیل نمونه‌ای از آیات متشابه می‌باشند.

يَدُلُّهُ فَوْقَ اَيْدِيهِمْ «آیه ۱۰ سوره فتح» یعنی:

دست خداوند متعال بالای دست آن‌ها است.

این آیه شریفه از آیات متشابه می‌باشند، زیرا:

خداوند متعال جسم نیست که دست داشته باشد «به معنی عضو مخصوص».

وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ «آیه ۲۲۴ سوره بقره» یعنی:

خداوند متعال شنوا و دانا است.

این آیه شریفه نیز از آیات متشابه می‌باشد، زیرا:

خداوند متعال جسم نیست که گوش داشته باشد «عضو مخصوص در سر انسان

که وسیله شنیدن می‌باشد».

وَ نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ «آیه ۴۷ سوره انبیاء» یعنی:

خداوند متعال می‌فرماید:

ما روز قیامت ترازوهای عدالت را برپا می‌کنیم.

این آیه شریفه نیز از آیات متشابه می‌باشد، زیرا:

اینگونه نیست که روز قیامت ترازوهای شبیه ترازوهای ما انسان‌ها گذاشته شود

تا اعمال انسان‌ها را وزن کنند، بنابراین:

سه آیه شریفه‌ای که به عنوان آیات متشابه از آن‌ها یاد شد به ترتیب اشاره به

مفاهیم کلی قدرت و علم و وسیله سنجش می‌باشد.

به یک آیه متشابه دیگر نیز اشاره می‌شود تا مطلب کاملاً روشن گردد.

الرَّحْمٰنُ عَلٰى الْعَرْشِ اسْتَوٰى «آیه ۵ سوره طه» یعنی:

خداوند متعال بر عرش قرار گرفته است.

این آیه شریفه نیز از آیات مُتَشَابِه می باشد، زیرا:  
 خداوند متعال جسم نیست که روی عرش استقرار پیدا کرده باشد.  
 بنابراین:

وقتی به آیه ۱۱ سوره شوری مراجعه کنیم که می فرماید:  
 لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، یعنی خداوند متعال شبیه چیزی نیست،  
 در این صورت و با توجّه به معنی این آیه شریفه «آیه ۱۱ سوره شوری» معلوم  
 می شود که:

منظور از آیه ۵ سوره طه استقرار جسمانی بر روی عرش نیست بلکه منظور  
 احاطه و تسلّط کامل خداوند متعال بر مُلک و جهان هستی می باشد.  
 زَيْغٌ = انحراف، انحراف از راستی و درستی،  
 فتنه = فساد

اِئْتِغَاءٌ = طلب کردن

راسخون در عِلْم = کسانی که در علم و دانش ثابت قدم و صاحب نظر هستند.  
 راسخون در عِلْم کسانی هستند که:

تحت تأثیر شبهات واقع نشده و دچار تزلزل و تردید نمی گردند،  
 راسخون در علم هدایت یافتگانی هستند که در عِلْم و اعتقاد خویش استوار و  
 محکم و ثابت قدم بوده و قلوب آنها از راه راست منحرف نمی شود و هرگز از فتنه  
 و فساد تبعیت نمی کنند.

راسخ = ثابت، استوار، محکم، پا برجا «جمع راسخ می شود راسخون».<sup>۱</sup>

۱. مجمع البیان، جلد سوّم، صفحه ۲۳۲ تا ۲۳۵.

المیزان، جلد پنجم، صفحه ۳۶ - ۱۰۳ تا ۱۰۵.

تفسیر نمونه، جلد دوّم، صفحه ۵۰۵ تا ۵۰۷ - ۵۱۶.

مفردات راغب



### مطالبی پیرامون ظاهر و باطن آیات شریفه قرآن کریم و معنی تأویل:

تأویل = از ماده أول به معنی رجوع به اصل است، بنابراین:  
 تأویل یعنی بازگرداندن کلام به مقصود و مراد حقیقی، اما:  
 مقصود از تأویل در آیه هفتم سوره آل عمران یعنی پی بردن به معنی باطنی آیات شریفه قرآن کریم، زیرا:  
 آیات شریفه قرآن کریم ظاهری دارند و باطنی که ظاهر آن تنزیل است و باطن آن تأویل.

مقصود از ظاهر، معنایی است که در نظر ابتدایی از یک آیه شریفه به ذهن انسان خطور می‌کند.<sup>۱</sup>

آنچه مفسرین می‌گویند مربوط به ظاهر آیات شریفه قرآن کریم است، اما بطون قرآن کریم را فقط معصومین علیهم‌السلام می‌دانند.<sup>۲</sup>  
 عالم بزرگوار ابوالحسن عاملی نباطی فتونی که از مشاهیر قرن دوازدهم هجری است مقدمه‌ای تحت عنوان «مرآت الأنوار و مشکات الاسرار» به تفسیر شریف برهان نوشته و در قسمتی از این مقدمه عنوان نموده که:

هر آیه‌ای از آیات کلام الله مجید ظاهری دارد و باطنی «تفسیری دارد و تأویلی»، و آنگونه که از اخبار برمی‌آید هر آیه شریفه چندین بطن دارد «چندین معنی باطنی». احادیث بسیاری که نزدیک به تواتر می‌باشد دلالت بر آن دارد که:

بطن‌ها و تأویل‌های آیات شریفه قرآن کریم و نیز بسیاری از تنزیل‌ها و تفسیرهای آیات قرآن کریم درباره فضائل و شأن و مقام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام می‌باشد. شک نیست که تمام آیات قرآن کریم برای توجه دادن به آن ذوات مقدسه و اطلاع دادن از شأن و مقام آن بزرگواران و بیان علوم و احکام در حق آن ذوات مقدسه و دستور به اطاعت آنان و ترک مخالفت آن‌ها نازل شده است. خداوند متعال تمام بطن و عمق آیات شریفه قرآن کریم را در دعوت به امامت و

۱. المیزان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۱.

۲. تفسیر نمونه، جلد بیست و چهارم، صفحه ۳۶۸ «ذیل آیات ۲۸ تا ۳۰ سوره ملک».

ولایت قرار داده است کما اینکه بیشتر ظاهر آیات شریفه قرآن کریم در امر دعوت به توحید و نبوت و رسالت می باشد.<sup>۱</sup>

در رابطه با این مطلب که آیات شریفه قرآن کریم دارای ظاهر و باطن هستند «تنزیل و تأویل» به چند حدیث اشاره می شود.

۱. یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام به نام جابر نقل می کند که از امام باقر علیه السلام چیزی از تفسیر قرآن کریم سؤال نمودم و آن حضرت نیز پاسخ دادند. جابر می گوید:

پس از مدتی مجدداً همان سؤال را از محضر امام باقر علیه السلام سؤال نمودم و امام باقر علیه السلام نیز پاسخ دادند، لیکن این پاسخ غیر از پاسخ اول بود.

خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم: یا بن رسول الله، همین مسئله را چندی قبل از محضر شما سؤال کردم جوابی غیر از جواب امروز دادید.

وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

ای جابر:

قرآن کریم باطنی دارد و آن باطن هم باطن دیگری دارد، همچنین:

قرآن کریم ظاهری دارد و آن ظاهر نیز ظاهر دیگری دارد.

ای جابر:

عقل مردم ناتوان تر از آن است که بتواند قرآن را تفسیر کند زیرا ممکن است آغاز آیه شریفه راجع به چیزی باشد، وسط آن راجع به چیز دیگر، و آخر آیه راجع به موضوع دیگری باشد، با اینکه این آیه شریفه یک کلام متصل می باشد لیکن دارای وجوه متعددی است.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد اول، مقدمه تفسیر برهان، صفحه ۲۲ - ۲۹.

۲. المیزان، جلد پنجم، صفحه ۱۳۸ - ۱۳۹.

تفسیر صافی، جلد اول، مقدمه چهارم، صفحه ۴۸، حدیث ۱.

تفسیر برهان، جلد اول، گفتار اول، فصل اول، باب اول، صفحه ۳۵.

تفسیر برهان، جلد دوم، مبحث هفتم، صفحه ۶۸، صفحه ۱۳.

۲. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:  
هیچ آیه‌ای در قرآن کریم نیست مگر اینکه ظاهری دارد و باطنی.  
راوی این حدیث که فضیل بن یسار نام دارد می‌گوید:  
از وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام سؤال کردم:  
یا بن رسول‌الله، منظور از ظاهر و باطن آیات شریفه قرآن کریم چیست.  
وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:  
ظاهر قرآن کریم تنزیل آن است،  
و باطن قرآن کریم تأویل آن.<sup>۱</sup>  
مقصود از تنزیل «ظاهر آیات شریفه» معنایی است که در نظر ابتدایی از آیه شریفه  
به ذهن انسان خطور می‌کند.<sup>۲</sup>

۳. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:  
قرآن کریم ظهّری دارد و بطنی «ظاهری دارد و باطنی، یا: تنزیلی دارد و تأویلی»،  
و هر بطن آن بطنی دارد تا هفت بطن دیگر.<sup>۳</sup>

### توضیح:

عدد هفت در این حدیث شریف ممکن است کثرت را نشان بدهد،  
در این صورت هر آیه شریفه ده‌ها بطن دارد.  
قابل ذکر است که تمام آیات شریفه قرآن کریم «اعم از آیات محکم و متشابه»  
تأویل دارند، یعنی:

۱. المیزان، جلد پنجم، صفحه ۱۳۷.

تفسیر صافی، جلد اول، مقدّمه چهارم، صفحه ۴۸، حدیث ۳.

تفسیر برهان، جلد اول، گفتار اول، فصل اول، باب اول، صفحه ۳۶ - ۳۷.

تفسیر برهان، جلد دوم، مبحث هفتم، صفحه ۶۷، حدیث ۱۰.

۲. المیزان، جلد پنجم، صفحه ۱۴۱.

۳. المیزان، جلد پنجم، صفحه ۱۳۷.

تفسیر صافی، جلد اول، مقدّمه چهارم، حدیث ۱۳.

هم آیات محکم قرآن کریم تأویل دارند و هم آیات متشابه آن! حال که معنی آیات محکم و آیات متشابه را فهمیدیم «محکّمات و متشابهات» و فهمیدیم که:

آیات شریفه قرآن کریم ظاهری دارند و باطنی، و ظاهر آنها نیز ظاهری دارند و باطن آنها باطنی، و فهمیدیم که:

منظور از ظاهر آیات شریفه قرآن کریم تنزیل آیات شریفه است، و منظور از باطن آیات شریفه قرآن کریم تأویل آیات شریفه قرآن کریم، اینک می‌پردازیم به توضیح آیه هفتم سوره آل عمران.

خداوند متعال در این آیه شریفه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ = اوست خداوندی که این کتاب را بر تو نازل فرمود.

منظور از کتاب در این آیه شریفه قرآن کریم می‌باشد.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال اوصاف آیات شریفه قرآن کریم را بیان کرده و می‌فرماید:

مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ = برخی از آیات شریفه قرآن کریم از آیات مُحكَم می‌باشند «یعنی از محکّمات هستند»، که این آیات محکم اصل و اساس قرآن کریم هستند، یعنی:

برخی از آیات شریفه قرآن کریم از آیات مُحكَم می‌باشند، آیاتی که صریح و روشن بوده و مفهوم آنها به قدری روشن است که جای بحث و گفتگو در آنها نیست و جای هیچگونه انکار و توجیه و سوءاستفاده وجود ندارد، مانند این آیات شریفه:

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ «آیه ۱ سوره اخلاص» یعنی:

به مردم بگو، خداوند متعال یگانه و یکتا است.

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ «آیه ۱۱ سوره شوری» یعنی:

هیچ چیز شبیه و همانند خداوند متعال نیست.

اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ «آیه ۶۲ سوره زمر- آیه ۱۰۲ سوره انعام» یعنی:

خداوند متعال خالق و آفریدگار همه مخلوقات است «خداوند متعال خالق همه چیز است»، و آیات دیگری که در بخش شرح لغات و توضیحات، ذیل توضیحات مربوط به آیات مُحکم درج شد.

این آیات محکم «مُحکَمات» اُمُّ الْکِتَابِ هستند، یعنی:

اصل و اساس و مرجع و مفسّر و توضیح‌دهنده آیات دیگر قرآن کریم هستند، یعنی:

هر گونه پیچیدگی و ابهام در آیات دیگر قرآن کریم با مراجعه به این آیات محکم «مُحکَمات» برطرف می‌گردد.

قابل ذکر است که واژه اُمُّ در لغت به معنی اصل و اساس هر چیزی است، و اگر به مادر اُمُّ گفته می‌شود به این جهت است که ریشه خانواده و پناهگاه فرزندان در حوادث و مشکلات می‌باشد،

و به این ترتیب آیات محکم «مُحکَمات»، اساس و ریشه و مادر آیات دیگر قرآن کریم هستند و هر گونه ابهام و پیچیدگی در آیات دیگر قرآن کریم با رجوع به این آیات مُحکم بر طرف می‌گردد.

مثلاً در آیه ۲۲ و ۲۳ سوره قیامت آمده که:

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ «آیه ۲۲»

إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ «آیه ۲۳»، یعنی:

روز قیامت صورت‌هایی شاداب و خندان و نورانی و زیباست «آیه ۲۲ سوره قیامت که اشاره به حال و وضع مؤمنین در روز قیامت دارد»، این‌ها «مؤمنین شاداب و خندان» در روز قیامت به پروردگارشان نگاه می‌کنند و می‌نگرند «آیه ۲۳».

این آیه شریفه «آیه ۲۳ سوره قیامت» از آیات متشابه قرآن کریم می‌باشد و ممکن است افرادی که دل آن‌ها دچار انحراف می‌باشد تصوّر کنند که روز قیامت خداوند متعال با چشم سر دیده می‌شود.

با مراجعه به آیات مُحکم قرآن کریم متوجه می‌شویم که خداوند متعال هیچ‌گاه

نه در دنیا و نه در آخرت با چشم سر قابل رؤیت نخواهد بود،  
لذا نگاه به خداوند متعال در روز قیامت با چشم دل و شهود باطنی و قلبی است  
«شهود = دیدن»، همچنین:

نگاه به خداوند متعال در روز قیامت نگاه به رحمت و فضل بیکران الهی است  
که نصیب مؤمنین «شیعیان» شده است.

آیه ۱۰۳ سوره انعام که از محکّمات می باشد «آیات محکم» موضوع رؤیت  
خداوند متعال را نفی می فرماید.

در این آیه شریفه آمده است که:

لَا يُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ، یعنی:

چشم‌ها خداوند متعال را نمی بینند «هرگز خداوند متعال با چشم سر دیده نخواهد  
شد»، لیکن خداوند متعال همه چشم‌ها را می بیند.

بنابراین:

با مراجعه به آیه شریفه «آیه ۱۰۳ سوره انعام» که از محکّمات می باشد ابهام و  
پیچیدگی آیه ۲۳ سوره قیامت مرتفع می شود.

قابل ذکر است که مؤمنین واقعی هنگام تلاوت آیات شریفه قرآن کریم و مواجه  
شدن با متشابهات «آیات متشابه» هرگز دچار شک و تردید و ابهام نمی شوند زیرا  
احادیث و روایات صادره از ناحیه ائمه معصومین علیهم السّلام راهگشا بوده و راه  
راست را به انسان نشان می دهد، لیکن دور شدن از ائمه معصومین علیهم السّلام  
باعث می شود که وقتی انسان با آیات متشابه مواجه شد دچار انحراف شود، مثلاً:  
بسیاری از اهل تسنن معتقدند که:

اگر در دنیا خداوند متعال با چشم سر دیده نشود روز قیامت با چشم سر دیده  
خواهد شد.<sup>۱</sup>

در ادامه آیه شریفه آمده که:

وَأَخْرَجْنَا مَثَابَهُتُّ = برخی از آیات قرآن کریم از متشابهات می باشند، یعنی:

۱. تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۴۷۲. «توضیحات ذیل آیه ۱۰۳ سوره انعام، و جلد بیست و پنجم، صفحه  
۳۰۶، ذیل آیه ۲۳ سوره قیامت».

برخی از آیات قرآن کریم از آیات متشابه می‌باشند، یعنی:  
 آیاتی که در بدو امر پیچیده و مبهم به نظر می‌رسند و احتمالات مختلفی ممکن است به ذهن انسان خطور کند لیکن با مراجعه به آیات مُحکم قرآن کریم این ابهام و پیچیدگی برطرف شده و مفهوم و تفسیر آیه متشابه روشن و آشکار می‌گردد  
 «برای آن‌هایی که در دلشان انحراف و آلودگی وجود ندارد».

نمونه‌هایی از آیات متشابه عبارتند از:

يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ «آیه ۱۰ سوره فتح».

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى «آیه ۵ سوره طه».

إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ «آیه ۲۳ سوره قیامت».

اما کسانی که در دل‌های آن‌ها انحراف و آلودگی وجود دارد به جای تبعیت و پیروی از آیات مُحکم قرآن کریم به دنبال متشابهاات می‌روند «آیات متشابه» تا به اهداف پلید خویش برسند.

ادامه آیه شریفه در رابطه با این افراد منحرف بوده و درباره آن‌ها می‌فرماید:

فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ = کسانی که در قلوب و دل‌های آن‌ها انحراف است،

یعنی:

کسانی که قلباً و باطناً ایمان مُحکم و استواری ندارند و در قلب آن‌ها اعراض از حق و توجّه به باطل دیده می‌شود.

این افراد که در دلشان انحراف دیده می‌شود:

فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ = کسانی که در دلشان انحراف وجود

دارد و در دل آن‌ها رویگردانی از حق و توجّه باطل دیده می‌شود، این‌گونه افراد:

از آیات متشابه «متشابهاات» پیروی و تبعیت می‌کنند تا بین مردم فتنه‌انگیزی کرده

و مردم را گمراه نمایند و از دینشان برگردانند.

به عبارت دیگر:

کسانی که در دلشان انحراف وجود دارد و ایمان مُحکم و استواری ندارند و در

دل آن‌ها اعراض از حق و توجّه به باطل دیده می‌شود و به علت اینکه خودشان

گمراه هستند، لذا:

دنبال آیات متشابه «متشابهات» می‌روند و از آیات متشابه تبعیت و پیروی می‌کنند تا به دو نتیجه برسند:

۱. اِبْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ، یعنی:

فتنه‌انگیزی کرده و فساد به پا کنند و مردم را از راه راست و صراط مستقیم منحرف نمایند و مردم را از دین برگردانند.

۲. وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ = به تأویل قرآن نائل شوند، پس:

افراد منحرف که در دل آن‌ها انحراف وجود دارد دنبال آیات متشابه می‌روند تا: علاوه بر فتنه‌انگیزی و ایجاد فساد و گمراه کردن مردم به امر بزرگ‌تری نائل شوند که آن امر مهم تأویل آیات قرآن کریم می‌باشد، یعنی: طبق امیال خویش و خواهش‌های نفسانی خودشان به آیات متشابه تمسک نموده و بدون توجه به آیات مُحکم قرآن کریم آیات متشابه را تأویل نموده و معنای خلاف حق برای آن‌ها درست می‌کنند. به عبارت دیگر:

دوّمین هدف این منحرفین و بیماردلان این است که:

آیات متشابه را آنگونه که دلشان می‌خواهد تأویل کنند و نتیجه این تأویل خلاف حق چیزی جز گمراه کردن مردم و ایجاد فتنه و فساد در دین مردم نخواهد بود. ادامه آیه شریفه صراحتاً اعلام می‌فرماید که تأویل آیات شریفه قرآن کریم و معنی باطنی آیات شریفه را غیر از خداوند متعال و راسخون در علم احدی نمی‌داند. قبلاً به عرض رسید که:

تمام آیات شریفه قرآن کریم تأویل دارند، اعم از اینکه این آیات شریفه از مُحکمات باشند یا از مُتشابهات.

در رابطه با اینکه فقط خداوند متعال و راسخون در علم از تأویل و معنی باطنی آیات شریفه قرآن کریم اطلاع دارند خداوند متعال می‌فرماید:

وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ = تأویل آیات شریفه قرآن کریم را غیر از خداوند متعال و راسخون در علم هیچ کس نمی‌داند.



راسخون در علم کسانی هستند که در علم و اعتقاد خویش محکم و استوار و ثابت قدم بوده و هرگز قلوب آنها منحرف نمی‌شود و هرگز قلب آنها از حق به باطل توجّه پیدا نمی‌کند،

و هرگز از فتنه و فساد تبعیت نمی‌کنند و این افراد همان مطهّرين هستند که خداوند متعال آنها را از هر رجس و پلیدی و گناه دور نموده و آنها را تطهیر نموده است.<sup>۱</sup>

### دلایلی که طبق آن دلائل مقصود از راسخون در علم وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام می‌باشند:

دلائل فراوانی وجود دارد که راسخون در علم وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام هستند که قلوب آنها هرگز از حق به باطل میل ننموده و همواره در اعتقاد خویش محکم و استوار و ثابت قدم بوده و هرگز از فتنه و فساد تبعیت ننموده‌اند و همواره از هر عیب و نقص و پلیدی مبرا بوده و عالم به علم تأویل آیات شریفه قرآن کریم هستند و تمام علم کتاب «قرآن کریم» نزد آن ذوات مقدّسه می‌باشد «تمام علم کتاب، اعم از تأویل و تنزیل».

زیلاً به تعدادی از این دلائل اشاره می‌شود، گرچه در بخش حدیث نیز ملاحظه خواهید فرمود که وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام راسخون در علم بوده و علم به آیات شریفه قرآن کریم «اعم از تأویل و تنزیل» نزد آن بزرگواران می‌باشد.

الف) خداوند متعال در آیات ۷۷، ۷۸ و ۷۹ سوره واقعه می‌فرماید:

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ «آیه ۷۷»

فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ «آیه ۷۸»

لَا يَمَسُّهُ الْمَطَهَّرُونَ «آیه ۷۹»، یعنی:

۱. مجمع‌البیان، جلد سوّم، صفحه ۲۳۲ تا ۲۳۴.

المیزان، جلد پنجم، صفحه ۳۵ تا ۳۷، ۴۰، ۴۱، ۵۰، ۵۲، ۹۹، ۱۲۱، ۱۳۷، ۱۳۸.

تفسیر نمونه، جلد دوّم، صفحه ۵۰۴ تا ۵۰۹ - ۵۱۶.

تفسیر صافی، جلد اوّل، صفحه ۵۶۴ - ۵۶۵.

آنچه که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم آورده است قرآن کریم می باشد «آیه ۷۷».

قرآن کریم در کتاب مکنون است یعنی در لوح محفوظ «آیه ۷۸».

قرآن کریم را غیر از مطهرون مس نمی کنند «آیه ۷۹».

مقصود از مطهرون در این آیه شریفه کسانی هستند که:

خداوند متعال آن‌ها را از هر گونه رجس و پلیدی و گناه پاک نموده و به آن‌ها مقام عصمت بخشیده است، لذا:

هیچ گاه مرتکب گناه نمی شوند، حتی فکر گناه نیز به قلب آن‌ها خطور نمی کند، مطهرون افرادی هستند که طهارت به قلب مبارک آن‌ها نازل شده و این طهارت را خداوند متعال به قلب آن‌ها نازل فرموده است.

مطهرون کسانی هستند که خداوند متعال در آیه ۳۳ سوره احزاب درباره آن‌ها فرموده:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً، یعنی:

خداوند متعال اراده فرموده تا رجس و پلیدی و گناه را فقط و فقط از شما اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دور کند و شما را پاک نماید، پاک کامل «ذیل آیه ۳۳ سوره احزاب در این رابطه توضیحات کامل ارائه شده است»، بنابراین:

مطهرون وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام می باشند.

حال که مصداق منحصر به فرد مطهرون روشن شد و معلوم گردید که:

مقصود از مطهرون در آیه ۳۳ سوره احزاب فقط و فقط وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام می باشند، بازمی گردیم به آیات ۷۷ تا ۷۹ سوره واقعه.

در این آیات شریف آمده که:

قرآن کریم را مس نمی کنند مگر مطهرون.

با توجه به اینکه مصداق منحصر به فرد مطهرون وجود مقدس چهارده معصوم

علیهم السلام می باشند لذا معنی آیه ۷۹ سوره واقعه این می شود که:

قرآن کریم را مس نمی کنند مگر وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام.

### مَسِّ قرآن کریم چه معنایی دارد.

منظور از مَسِّ قرآن کریم دست کشیدن به خطوط قرآن کریم نیست گرچه دست کشیدن به خطوط قرآن کریم نیز نوعی مَسِّ قرآن به حساب می آید، لیکن: مقصود و منظور اصلی و حقیقی از مَسِّ قرآن کریم، یعنی: علم پیدا کردن به معارف قرآن کریم و فهمیدن حقایق و مفاهیم آیات نورانی کلام خداوند متعال.

بنابراین:

معنی آیه ۷۹ سوره واقعه این می شود که:

قرآن کریم را مَسِّ نمی کنند مگر مَطْهَرُونَ، یعنی:

معارف و حقایق و مفاهیم عمیق آیات شریفه قرآن کریم را نمی فهمند مگر مَطْهَرُونَ، یعنی:

معارف و حقایق و مفاهیم عمیق آیات شریفه قرآن کریم را نمی فهمند مگر وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام که مصداق انحصاری مَطْهَرُونَ می باشند، بنابراین:

معارف و حقایق مفاهیم عمیق آیات شریفه قرآن کریم و علم به تأویل آیات شریفه قرآن کریم را مَطْهَرُونَ درک کرده و می فهمند، لذا:

مَطْهَرُونَ همان راسخون در علم هستند که علم به تمام آیات قرآن کریم دارند «اعم از تأویل و تنزیل»، و نتیجه کلام:

مَطْهَرُونَ و راسخون در علم فقط و فقط وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام می باشند که خداوند متعال آن‌ها را از هر عیب و نقص و رجس و پلیدی و گناه دور نموده و به آن‌ها عصمت بخشیده و علم به تمام آیات قرآن کریم را به آن ذوات مقدسه تعلیم فرموده است «علم به تمام آیات قرآن کریم اعم از تأویل آیات شریفه و تنزیل آیات شریفه».

با توجه به اینکه آیات شریفه قرآن کریم ظاهری دارند و ظاهر آن‌ها نیز ظاهری، همچنین باطنی دارند و باطن آن‌ها نیز باطنی، لذا:

آیه ۷۹ سوره واقعه «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» می تواند معنای دیگری نیز داشته باشد

و آن معنا این است که:

جز پاکان نمی‌توانند به آیات شریفه قرآن کریم دست بزنند. در واقع این آیه شریفه مَس نمودن و دست کشیدن به خطوط قرآن کریم را بدون داشتن غسل و وضو منع نموده است.

بنابراین، در این معنی دوّم از آیه ۷۹ سوره واقعه مَس کردن قرآن کریم یعنی دست کشیدن به خطوط قرآن کریم می‌باشد،

و مقصود از مطّهرون یعنی کسانی که طهارت داشته باشند یعنی با وضو یا با غسل باشند «یعنی بدون غسل و بدون وضو نمی‌شود به خطوط قرآن دست زد». هر دو معنا از آیه ۷۹ سوره واقعه صحیح است زیرا با یکدیگر منافاتی ندارند.<sup>۱</sup>

ب) خداوند متعال در آیه ۸۹ سوره نحل وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ، یعنی:

ای پیامبر، ما این قرآن کریم را به تو نازل فرمودیم که بیانگر همه چیز می‌باشد. ذیل این آیه شریفه احادیثی از وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام نقل شده که آن حضرت فرموده‌اند:

إِنِّي لَا أَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ،

وَأَعْلَمُ مَا فِي الْجَنَّةِ وَأَعْلَمُ مَا فِي النَّارِ،

وَأَعْلَمُ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ، یعنی:

می‌دانم و علم دارم به آنچه که در آسمان‌ها و زمین است،

می‌دانم و علم دارم به آنچه که در بهشت و جهنّم است،

و می‌دانم و علم و آگاهی دارم به آنچه که تاکنون اتّفاق افتاده و آنچه که تا روز

قیامت اتّفاق خواهد افتاد.

وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام در ادامه فرمایشات خویش فرمودند:

۱. المیزان، جلد پنجم، صفحه ۱۰۳ تا ۱۰۵ «ذیل آیه ۷ سوره آل عمران».

المیزان، جلد سی و هفتم، صفحه ۲۸۲ تا ۲۸۴ «ذیل آیه ۷۹ سوره واقعه».

تفسیر نمونه، جلد بیست و سوم، صفحه ۲۷۹ «ذیل آیه ۷۹ سوره واقعه».

عَلِمْتُ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ:  
فِيهِ تَبْيَانٌ كُلِّ شَيْءٍ، یعنی:

همه این اطلاعات و همه این علوم را از قرآن کریم آموخته‌ام زیرا بیان همه چیز در قرآن کریم می‌باشد و خداوند متعال می‌فرماید، قرآن کریم تبیان «بیان» همه چیزها است.

ملاحظه فرمودید که وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام اطلاع به همه چیزها دارند، آن هم از بدو خلقت تا روز قیامت، آن هم در کُلِّ عَالَمٍ یعنی در همه آسمان‌ها و زمین، و سپس امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند که همه این‌ها را از قرآن کریم آموخته‌ام و خداوند متعال به من تعلیم فرموده است، یعنی:

وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام و در یک کلام وجود مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام عالم و آگاه به تمام آیات قرآن کریم می‌باشند و علوم آن را می‌دانند اعم از تأویل آیات شریفه و تنزیل آن‌ها.

غیر از وجود مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام هیچ کس عالم به تمام آیات شریفه قرآن کریم نمی‌باشد زیرا از گذشته و آینده اطلاعی ندارد چرا که اگر عالم به تأویل و تنزیل آیات شریفه قرآن کریم می‌بود بایستی به آنچه که تا کنون اتفاق افتاده و آنچه که تا قیامت اتفاق خواهد افتاد اطلاع داشته باشد زیرا قرآن کریم تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ می‌باشد،

البته هیچ کس نیز غیر از این ذوات مقدسه چنین ادعایی نکرده، زیرا: غیر از وجود مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام هر کس چنین ادعایی بنماید بلافاصله رسوا خواهد شد چرا که هیچ کس از آنچه که در حال حاضر در منزل همسایه‌اش اتفاق می‌افتد خبر ندارد تا چه رسد به تمام عالم و تمام آسمان‌ها و زمین آن هم از بدو خلقت تا روز قیامت، بنابراین:

وجود مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام راسخون در علم هستند و عالم به تمام آیات قرآن کریم می‌باشند اعم از تأویل و تنزیل، و این علم را خداوند متعال فقط به آن ذوات مقدسه تعلیم فرموده است و بس، و احدی غیر از این بزرگواران از تأویل آیات قرآن کریم اطلاعی ندارد.

قابل ذکر است که ذیل آیه ۸۹ سوره نحل در این رابطه توضیحات کامل ارائه شده است.

ج) خداوند متعال در آیه ۴۳ سوره رعد به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

و يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ،  
یعنی:

ای پیامبر:

گفار می‌گویند که تو پیامبر نیستی «فرستاده خدا نیستی»،  
به آن‌ها بگو:

من برای اثبات رسالتم دو شاهد و دو گواه دارم.  
۱. خداوند متعال.

۲. کسی یا کسانی که تمام علم کتاب «قرآن» نزد آن‌ها است و آن‌ها علم به تمام آیات شریفه آن دارند، اعم از تأویل آیات شریفه و تنزیل آن‌ها، علم به محکّمات و متشابهات آیات شریفه، علم به ناسخ و منسوخ آیات شریفه قرآن کریم، و...»  
ذیل این آیه شریفه احادیثی نقل شده که:

وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم السّلام علم به تمام قرآن کریم دارند و عِلْمُ الْكِتَابِ تماماً نزد آن بزرگواران می‌باشد.

بنابراین:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام راسخون در علم هستند که علم به تمام آیات شریفه قرآن کریم دارند، اعم از تأویل آیات شریفه و تنزیل آن‌ها.  
ذیل آیه ۴۳ سوره رعد در این رابطه توضیحات کامل ارائه شده است.

د) خداوند متعال در آیه ۴۹ سوره عنکبوت می‌فرماید:

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ، یعنی:

قرآن کریم آیات روشنی است که خداوند متعال آن را در سینه کسانی قرار داده که به آن‌ها علم اعطا فرموده است.

ذیل این آیه شریفه احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که قرآن کریم در سینه وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام می باشد و این بزرگواران کسانی هستند که خداوند متعال به آنها علم اعطا فرموده و قرآن کریم را به سینه آن ذوات مقدّسه نازل فرموده است، لذا:

این بزرگواران قرآن ناطق می باشند، یعنی:

عِلْم به تمام آیات قرآن کریم دارند، اعم از تأویل و تنزیل،

و به عبارت دیگر آن ذوات مقدّسه تجسّم قرآن کریم می باشند، لذا:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام راسخون در علم هستند و علم به تمام آیات شریفه قرآن کریم دارند، اعم از تأویل و تنزیل آیات شریفه قرآن کریم. ذیل آیه ۴۹ سوره عنکبوت در این رابطه توضیحات کامل ارائه شده است.

در بخش حدیث نیز ملاحظه خواهید فرمود که وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام راسخون در علم هستند «موضوع مورد بحث در رابطه با آیه هفتم سوره آل عمران» و تأویل همه آیات شریفه قرآن کریم را می دانند، و این علم را خداوند متعال فقط و فقط به آن ذوات مقدّسه اعطا فرموده است.

### حدیث:

۱. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ نَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ، یعنی:

ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» راسخون در علم هستیم،

و ما «چهارده معصوم علیهم السّلام» تأویل آیات شریفه قرآن کریم را می دانیم.

این حدیث را ابی بصیر و ابی الصّباح کنانی از امام صادق علیه السّلام نقل نموده اند.<sup>۱</sup>

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۰۸، حدیث ۱ «حدیث ۵۴۹».

اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۶۴، حدیث ۶ «حدیث ۴۷۹».

المیزان، جلد پنجم، صفحه ۱۳۲.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۵۶۵.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۵، حدیث ۳ و ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۶۷۹، حدیث ۳۳ «حدیث ۱۳۷۸».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۶۷۹، حدیث ۳۴ «حدیث ۱۳۷۹».

۲. وجود مقدّس امام باقر و امام صادق سلام الله علیهما درباره آیه هفتم سوره آل عمران «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» فرمودند:

فَرَسُولُ اللَّهِ أَفْضَلُ الرَّاسِخِينَ فِي الْعِلْمِ،  
 قَدْ عَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ جَمِيعَ مَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مِنَ التَّنْزِيلِ وَالتَّأْوِيلِ،  
 وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُنْزِلَ عَلَيْهِ شَيْئًا لَمْ يَعْلَمْهُ تَأْوِيلَهُ،  
 وَأَوْصِيَاؤُهُ مِنْ بَعْدِهِ يَعْلَمُونَهُ كُلَّهُ، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بزرگ‌ترین و برترین راسخین در علم می‌باشد،

خداوند متعال آنچه را که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل فرموده بود به آن حضرت تعلیم فرموده بود، چه در رابطه با تأویل آیات شریفه قرآن کریم و چه در رابطه با تنزیل آیات شریفه قرآن کریم،

خداوند متعال هرگز بر پیامبر اکرم آیه‌ای نازل نفرمود، که تأویل آن را به آن حضرت تعلیم نفرماید «یعنی خداوند متعال تأویل همه آیات قرآن کریم را به پیامبر اکرم تعلیم فرمود»،

و اوصیاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم «یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام» نیز همه آن‌ها را می‌دانند «یعنی تأویل و تنزیل همه آیات شریفه قرآن کریم را ائمه معصومین علیهم السّلام می‌دانند».

این حدیث را برید بن معاویه از امام باقر و امام صادق علیهما السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۳. امام صادق علیه السّلام درباره آیه هفتم سوره آل عمران «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۰۹ - حدیث ۲ «حدیث ۵۵۰».

مجمع‌البیان، جلد سوم، صفحه ۲۳۶.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۵، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۶۸۱، حدیث ۳۵ «حدیث ۱۳۸۰».

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۵۱۳،

صافی، جلد اول، صفحه ۵۶۵ و ۵۶۶.



وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» فرمودند:

آل محمّد عليهم السّلام همان راسخون در علم هستند.

این حدیث را ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۴. امام صادق علیه السّلام درباره آیه هفتم سوره آل عمران «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ

وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» فرمودند:

راسخون در علم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و ائمه بعد از آن حضرت

هستند.

این حدیث را عبدالرحمن بن کثیر از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۵. امام باقر علیه السّلام فرمودند:

هیچ آیه‌ای در قرآن کریم نیست مگر اینکه ظاهری دارد و باطنی.

ظاهر قرآن کریم تنزیل آن است،

و باطن قرآن کریم تأویل آن.

وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام در ادامه فرمایشات خویش آیه هفتم سوره آل

عمران «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» را تلاوت نموده و فرمودند:

مقصود از راسخون در علم ما هستیم «چهارده معصوم عليهم السّلام».

این حدیث را فضیل بن یسار از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۳</sup>

---

۱. المیزان، جلد پنجم، صفحه ۱۲۹ - ۱۳۳.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۱۶ - ۱۷، حدیث ۷ و ۱۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۶۷۹، حدیث ۲۹ «حدیث ۱۳۷۴».

۲. اصول کافی، جلد اوّل، صفحه ۳۰۹، حدیث ۳ «حدیث ۵۵۱».

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۱۴، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۶۸۱، حدیث ۳۶ «حدیث ۱۳۸۱».

۳. المیزان، جلد پنجم، صفحه ۱۳۷.

تفسیر صافی، جلد اوّل، مقدّمه چهارم، صفحه ۴۸، حدیث ۳.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۱۹، حدیث ۱۴.

تفسیر برهان، جلد اوّل، گفتار اوّل، فصل اوّل، باب اوّل، صفحه ۳۶ و ۳۷.

تفسیر برهان، جلد دوّم، مبحث هفتم، صفحه ۶۷، حدیث ۱۰.

۶. امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند:

غیر از اوصیاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هیچ کس نمی تواند ادعا کند که علم همه قرآن کریم چه علم ظاهر آن و چه علم باطن آن «یعنی تنزیل و تأویل آیات شریفه قرآن کریم» نزد او است «یعنی غیر از چهارده معصوم علیهم السلام هیچ کس علم به تأویل آیات شریفه قرآن کریم ندارد»<sup>۱</sup>.

۷. امام صادق علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم همه علم کتاب «علم به قرآن کریم» نزد ما است، و آن حضرت این کلام را سه بار تکرار فرمودند.<sup>۲</sup>

۸. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری هنگام بازگشت از مکه به مدینه «پس از انجام مناسک حج در آخرین سال عمر مبارک خویش که به حجة الوداع معروف است» در محل غدیر خم خطبه مفصلی ایراد فرموده و پس از بیان گوشه‌ای از فضائل و مناقب مولی الموحدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به دستور خداوند متعال آن حضرت را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین منصوب فرمودند. وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قسمتی از بیانات خویش فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَأَفْهَمُوا آيَاتِهِ،

وَأَنْظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَلَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ،

قَوْلَ اللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَلَا يُوضِحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا أَخِذُ بِيَدِهِ وَمُضْعِدُهُ إِلَيَّ وَ

شَائِلُ بَعْضِهِ وَمُعَلِّمُكُمْ:

أَنَّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيُّ مَوْلَاهُ، وَهُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّ وَمُؤَالَاتِهِ مِنَ اللَّهِ

۱. تفسیر برهان، جلد اول «مقدمه»، صفحه ۱۴.

تفسیر برهان، جلد اول «مقدمه»، گفتار اول، فصل اول، باب پنجم، صفحه ۷۱.

۲. تفسیر برهان، جلد اول «مقدمه»، گفتار اول، فصل اول، باب پنجم، صفحه ۷۱.

عَزَّوَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ، یعنی:

ای مردم:

در قرآن کریم تدبّر نمائید و آیات آن را بفهمید و به دنبال محکّمات آن بروید «به مُحکّمات آن نظر کنید» و از آیات متشابه آن پیروی نکنید «به دنبال متشابهات آن نروید».

ای مردم:

به خدا قسم هیچ کس نمی تواند حقایق و دقائق و باطن قرآن کریم را برای شما تفسیر کند و بیان نماید مگر همین شخص که من دست او را گرفته و او را بر روی دست بلند کرده‌ام، یعنی علی بن ابیطالب که او معلّم شما است.

ای مردم:

هر کس که من مولا و صاحب اختیار و سرپرست او هستم علی بن ابیطالب مولا و صاحب اختیار و سرپرست او است، علی بن ابیطالب برادر من و جانشین من است و موالات او «ولایت و امامت او» از طرف خداوند متعال بر من نازل شده است.<sup>۱</sup>

### توضیحاتی پیرامون ضرورت تلاوت قرآن کریم و تدبّر در آیات شریفه آن:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در محلّ غدیر خم، در روز عرفه، در مسجد خیف، روزی که از دنیا رفتند «بالای منبر»، و در بستر خویش «آخرین روزهای حیات مبارک خویش» حدیثی را فرمودند که به حدیث ثَقَلَيْنِ معروف می باشد «ثَقَلَيْنِ = دو شیئی سنگین» «ثَقَلَيْنِ = دو متاع نفیس و گرانبها».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ، یعنی:

من شما را ترک می کنم و در میان شما دو چیز گرانبها را باقی می گذارم، کتاب

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم، صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶ «صفحه ۱۳۰»، حدیث ۳۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۶۷۷، حدیث ۲۴ «حدیث ۱۳۶۹».

خدا «قرآن کریم» و اهل بیتم را.  
 مادامی که به این دو متاع گرانبها «قرآن کریم، اهل بیت پیامبر» تمسک نمائید و  
 چنگ بزنید گمراه نخواهید شد،  
 این دو شیئی گرانبها «قرآن، اهل بیت» هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا اینکه  
 کنار حوض کوثر بر من «پیامبر اکرم» وارد شوند.

معنی این حدیث شریف این است که:

راه نجات و راه سعادت و رستگاری تمسک به هر دو ثقل می باشد، یعنی  
 تمسک به قرآن کریم و تمسک به اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم،  
 بنابراین:

تمسک به یکی از این دو یادگار پیامبر اکرم و اعراض از یادگار دیگر یعنی  
 ضلالت و گمراهی، زیرا:

قرآن کریم و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم «ائمّه معصومین  
 علیهم السّلام» یک حقیقت هستند و هر دو منسوب به خداوند متعال، یعنی:  
 قرآن کریم کلام خداوند متعال است،

و ائمّه معصومین علیهم السّلام حجت خداوند متعال بر مخلوقاتش، ضمن اینکه  
 طبق آیه ۴۹ سوره عنکبوت «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ»، قرآن  
 کریم در سینه ائمّه معصومین علیهم السّلام می باشد و طبق فرمایش پیامبر اکرم در  
 خطبه غدیر:

قرآن و اهل بیت پیامبر اکرم موید یکدیگر و موافق یکدیگر بوده و هر یک از این  
 دو ثقل از دیگری خبر می دهد.<sup>۱</sup>

و به همین جهت است که وجود مقدّس امام سجّاد سلام الله علیه فرموده اند:

الْإِمَامُ يَهْدِي إِلَى الْقُرْآنِ، وَالْقُرْآنُ يَهْدِي إِلَى الْإِمَامِ، یعنی:

ائمّه معصومین علیهم السّلام مردم را به طرف قرآن کریم هدایت می فرمایند «ایمان  
 آوردن به قرآن کریم و تبعیت از آن»،

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم، صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶ «صفحه ۱۳۱»، حدیث ۳۲.  
 شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت الله سید محمد تقی نقوی، صفحه ۲۰۰ - ۲۰۱ - ۲۲۳ تا ۲۲۸.

و قرآن کریم مردم را به طرف ائمه معصومین علیهم السّلام هدایت و راهنمایی می‌فرماید «ایمان آوردن به ائمه معصومین علیهم السّلام و اطاعت از آن ذوات مقدّسه، آن هم اطاعت محض و اطاعت بی قید و شرط»<sup>۱</sup>.  
وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام درباره عظمت قرآن کریم و اعجاز آن مطالبی بیان نموده و سپس فرمودند:

هُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينِ، وَ عُرْوَةُ اللَّهِ الْوُثْقَى، یعنی:

قرآن کریم ریسمان محکم الهی است،

و دستگیره و دستاویز محکم خداوند متعال می‌باشد.<sup>۲</sup>

ذیل آیه ۲۵۶ سوره بقره و آیه ۱۰۳ آل عمران احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده است که ائمه معصومین علیهم السّلام و قرآن کریم حَبْلُ اللَّهِ «ریسمان محکم خداوند متعال»، و عُرْوَةُ اللَّهِ الْوُثْقَى «دستگیره و دستاویز محکم الهی» هستند و تمسّک و اعتصام «چنگ زدن» به هر دو آنها «قرآن کریم - اهل بیت پیامبر اکرم یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام» باعث رستگاری و نجات انسانها است، لذا:

تمسّک به یکی از آنها و ترک دیگری یعنی مخالفت با خدا و رسول، و مخالفت با خدا و رسول یعنی خروج از صراط مستقیم و رفتن به سوی جهنّم.  
با توجه به اینکه آیه هفتم سوره آل عمران در رابطه با قرآن کریم می‌باشد لذا در رابطه با تلاوت آیات شریفه قرآن کریم و تدبّر در آیات این مُصحف شریف مطالبی به عرض می‌رسد.

مستدعی است مطالب این بخش را با دقّت هر چه تمام‌تر مطالعه فرمائید و حتماً هر سه ماه یک بار مطالب آن را مرور فرمائید تا ملکه ذهن شما شود.

خداوند متعال در آیه بیستم سوره مزمل می‌فرماید:

فَأَقْرُوا مَا نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ، یعنی:

۱. معانی الاخبار شیخ صدوق، جلد اول، باب ۶۵، معنی عصمت امام، صفحه ۳۰۷ - ۳۰۸، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۱۱، حدیث ۳۰۶ «حدیث ۱۶۵۱».

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد اول صفحه ۵۷۷، حدیث ۱۰۵۸ «حدیث ۱۱۷۴».

آنچه که برای شما میسر است قرآن بخوانید.  
 در همین آیه شریفه و در اواسط این آیه خداوند متعال مجدداً موضوع تلاوت قرآن کریم را مطرح نموده و می فرماید:  
 فَأَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ، یعنی:  
 به اندازه‌ای که برای شما ممکن است قرآن تلاوت کنید.  
 ممکن است این سؤال پیش بیاید که:  
 آیا تلاوت آیات شریفه قرآن کریم که دو بار در این آیه شریفه به آن امر شده واجب است یا جنبه استحباب دارد.  
 برخی گفته‌اند که:  
 مسلماً جنبه استحباب دارد، لیکن:  
 بعضی نیز احتمال وجوب داده‌اند، زیرا:  
 تلاوت آیات شریفه قرآن کریم موجب آگاهی بر دلایل توحید، ارسال رُسل، موضوع ولایت و امامت و فراگیری سایر واجبات دین می‌گردد، لذا:  
 به نظر این عده «که احتمال وجوب داده‌اند» تلاوت قرآن کریم مقدمه واجب است و واجب می‌باشد،  
 ولی باید توجه داشت که در این صورت «احتمال وجوب تلاوت قرآن کریم» لازم نیست که قرآن کریم شبانه تلاوت شود زیرا آیه بیستم سوره مزمل در رابطه با تهجد و شب زنده‌داری مطالبی عنوان فرموده، و حتی برخی معتقدند که:  
 مقصود از تلاوت قرآن کریم در این آیه شریفه نماز شب می‌باشد زیرا در نماز شب حتماً سوره حمد خوانده می‌شود لذا مثل این است که قرآن تلاوت می‌شود.  
 به هر حال به هر مکلفی لازم است که:  
 به مقدار لازم برای تعلیم و تربیت و آگاهی بر اصول و فروع اسلام و تبلیغ آن‌ها به همسر و فرزندان و نسل‌های آینده آیات شریفه قرآن کریم را تلاوت نماید.  
 قابل ذکر است که:  
 فضیلت تلاوت قرآن کریم در زیاد خواندن آن نیست بلکه در خوب خواندن و تدبّر و اندیشه کردن در آیات شریفه آن می‌باشد.

بنابراین:

قرآن کریم تنها برای تلاوت کردن و ثواب نیست، بلکه هدف نهایی قرآن کریم مواردی است که بخشی از آنها را ذیلاً ملاحظه می‌فرمائید.

(الف) قرآن کریم ذکر است، یعنی:

قرآن کریم باعث بیداری، آگاهی، تذکر و یادآوری انسان‌ها است. خداوند متعال در آیه ۵۰ سوره انبیاء می‌فرماید:  
هَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ، یعنی:

قرآن کریم ذکر مبارکی است که نازل فرمودیم. تعبیر به مبارک در این آیه شریفه برای این است که: قرآن کریم دارای خیر مستمر و مداوم می‌باشد.

(ب) قرآن کریم انذاردهنده است «انذار = بیم دادن»

خداوند متعال در آیه ۱۹ سوره انعام می‌فرماید:  
وَ أَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأَنْذِرْكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ، یعنی:  
این قرآن بر من وحی شده «بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» تا شما و تمام کسانی را که این قرآن به آنها می‌رسد انذار کنم و بیم دهم. بیم دادن انسان‌ها از مخالفت کردن با فرامین و دستورات خداوند متعال و حجج خداوند متعال.

(ج) قرآن کریم خارج‌کننده انسان‌ها از ظلمات به نور می‌باشد.

خداوند متعال در آیه اول سوره ابراهیم می‌فرماید:  
كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، یعنی:  
قرآن کریم کتابی است که به تو نازل فرمودیم «به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم»، تا:

مردم را از ظلمات «تاریکی‌ها» به سوی نور ببری، یعنی:

مردم را از کُفر و شِرک و نفاق به سوی ایمان راهنمایی و هدایت نمایی.

د) قرآن کریم شفا و رحمت است.

خداوند متعال در آیه ۸۲ سوره اسراء می فرماید:

ما «خداوند متعال» قرآن را نازل می کنیم و هر بخشی از آن که نازل می شود به تنهایی باعث شفا و رحمت است برای مؤمنین.

به عبارت دیگر:

و از قرآن کریم آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنین نازل می کنیم.

شفا یعنی:

پاکسازی از انواع بیماری های فکری و اخلاقی در فرد و جامعه،

و رحمت یعنی:

جوانه زدن شکوفه های فضائل انسانی در فرد و جامعه.

در واقع:

شفا اشاره به پاکسازی دارد،

و رحمت اشاره به نوسازی،

که به تعبیر عرفاء:

شفا اشاره به مقام تخلیه دارد «پاکسازی نَفَس از رذائل»، و رحمت اشاره به

تخلیه «آراستن نَفَس به فضائل»

«تخلیه = خالی کردن، تهی کردن» «تخلیه = زینت کردن، آراستن»

قابل ذکر است که:

قرآن کریم شفا و رحمت است برای مؤمنین، نه برای همه انسان ها، یعنی:

قرآن کریم نازل شده تا همه انسان ها را شفا بدهد «از بیماری های فکری و

اخلاقی»، همچنین:

قرآن کریم نازل شده تا رحمت باشد برای همه انسان ها، لیکن:

این فقط مؤمنین هستند که مشمول شفا و رحمت قرآن کریم می شوند، و مؤمن

کسی است که:



ایمان او کامل باشد، یعنی:

به یگانگی خداوند متعال و رسالت و نبوت پیامبر اکرم و به ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام ایمان داشته باشد.

بنابراین:

قرآن کریم شفا و رحمت است تنها برای مؤمنین، یعنی کسانی که دارای ایمان کامل

هستند

ذیل آیه ۲۵۷ سوره بقره توضیحات کاملی به عرض رسید که:

مقصود از مؤمنین، شیعیان اثنی عشری «شیعیان دوازده امامی» می باشند و انشاءالله تعالی بعداً نیز در این رابطه مطالبی به عرض خواهد رسید.

ه) قرآن کریم کتاب هدایت است.

خداوند متعال در آیه ۱۸۵ سوره بقره می فرماید:

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ، هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ، یعنی:

ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن نازل شده، همان قرآنی که باعث هدایت مردم است و دارای نشانه‌های هدایت و معیارهای سنجش حق و باطل می باشد.

ذیل آیه دوم سوره بقره توضیحات لازم عرض شده است که:

با اینکه قرآن کریم برای هدایت همه انسان‌ها نازل شده، لیکن فقط متقین از نور هدایت قرآن کریم بهره مند می شوند.

ذیل آیات ۵۴ و ۵۵ سوره قمر توضیحات کاملی به عرض رسیده که مقصود از

متقین در آیات شریفه قرآن شیعیان اثنی عشری هستند.

موارد فوق‌الذکر «انذار، شفا، رحمت و...» زمانی محقق می شود که:

ما در آیات شریفه قرآن کریم تدبیر نمائیم و آن را بفهمیم.

«تدبیر = در امری اندیشیدن و به غایت آن رسیدن»

خداوند متعال در آیه ۲۹ سوره «ص» می فرماید:

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ، یعنی:

قرآن کریم کتاب مبارک و پربرکتی است که بر تو «پیامبر اکرم» نازل کردیم تا مردم

در آیات آن تدبّر کنند و صاحبان عقل متذکّر شوند «بیدار شوند، آگاه شوند، پند بگیرند، عبرت بگیرند».

بنابراین:

هدف از نزول قرآن کریم این نبوده که تنها به تلاوت و لقلقه زبان قناعت شود و از این تلاوت ثوابی نصیب انسان گردد، بلکه:

هدف از نزول قرآن کریم هدایت و انذار و شفا و ... بوده تا آیات نورانی قرآن کریم سرچشمه فکر و اندیشه شده و باعث بیدار شدن وجدان انسان‌ها شود، و این نیز به نوبه خود حرکتی در مسیر عمل به وجود آورد «یعنی فهمیدن منجر به عمل شود»، و این حاصل نمی‌شود مگر با تدبّر در آیات شریفه قرآن کریم.

بنابراین:

تلاوت قرآن کریم باید همراه با تدبّر در آیات شریفه آن باشد و نتیجه تدبّر در آیات الهی نیز افزایش معرفت انسان است، ضمن اینکه عمل به احکام قرآن نیز حتماً باید صورت بگیرد زیرا ایمان بدون عمل یا بی‌فایده است و یا بسیار کم‌فایده.

وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام در رابطه با تلاوت آیات شریفه قرآن کریم و تدبّر در آیات شریفه آن و رعایت حقّ تلاوت قرآن کریم «تلاوت قرآن کریم آنچنان که شایسته است» می‌فرماید:

يُرْتَلُونَ آيَاتِهِ،

وَ يَتَفَقَّهُونَ فِيهِ،

وَ يَعْمَلُونَ بِأَحْكَامِهِ،

وَ يَرْجُونَ وَعْدَهُ،

وَ يَخَافُونَ وَعِيدَهُ،

وَ يَعْتَبِرُونَ بِقِصَصِهِ،

وَ يَأْتَمِرُونَ بِأَمْرِهِ،

يَتَنَاهَوْنَ عَنِ نَوَاهِيهِ،

ما هُوَ وَ اللهُ حَفِظُ آيَاتِهِ وَ دَرَسُ حُرُوفِهِ،  
وَ تِلَاوَةُ سُورِهِ وَ دَرَسُ أَعْشَارِهِ وَ أَحْمَاسِهِ،

حَفِظُوا حُرُوفَهُ،

وَ أَضَاعُوا حُدُودَهُ،

وَ إِنَّمَا تَدَبَّرُ آيَاتِهِ وَ الْعَمَلُ بِأَحْكَامِهِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ، «آیه ۲۹ سوره ص»، یعنی:

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

منظور از رعایت کردن و به جا آوردن حقّ تلاوت آیات شریفه قرآن کریم این است که:

تلاوت کنندگان آیات شریفه قرآن کریم باید:

آیات شریفه آن را با دقّت و شمرده شمرده بخوانند،

حقایق آن را درک کنند،

به احکام آن عمل کنند،

به وعده‌های آن امیدوار باشند و از وعیده‌های آن ترسان،

از داستان‌ها و قصص آن عبرت بگیرند،

اوامر آن را اطاعت کرده و نواهی آن را ترک کنند.

به خدا قسم:

به جا آوردن حقّ تلاوت آیات شریفه قرآن کریم این نیست که:

انسان آیات آن را حفظ کند،

به حرفش آگاهی پیدا کند،

سوره‌های قرآن کریم را تلاوت کرده و اعشار و اَخماس آن را دریابد «منظور از

اعشار و اَخماس یعنی یک دهم و یک پنجم، و این‌ها تقسیماتی است که در قرآن

می‌شود، مانند تقسیم قرآن به سی جزء و یا هر جزء به چهار حزب و امثال آن»،

افرادی هستند که حروف آن را کاملاً از مخرج اداء می‌کنند، لیکن:

حدود آن را ضایع می‌کنند «به دستورات قرآن کریم عمل نمی‌کنند».

امام صادق علیه السلام سپس فرمودند:

منظور از رعایت حقّ تلاوت آیات شریفه قرآن کریم این است که:

در آیات شریفه قرآن کریم تدبّر کنند،

و به احکام آن «دستورات آن» عمل کنند، همچنان که خداوند متعال در آیه ۲۹ سوره «ص» می‌فرماید:

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ...، یعنی:  
ای پیامبر:

قرآن کریم کتاب مبارک و پربرکتی است که بر تو نازل کردیم تا مردم در آیات شریفه آن تدبّر کنند.<sup>۱</sup>

### نحوه تدبّر در آیات شریفه قرآن کریم:

مفسّرین محترم طیّ سالیان متمادی در آیات شریفه قرآن کریم تدبّر نموده و به تحقیق و تتبع پرداخته‌اند که نتیجه آن تفاسیر ارزشمندی است که اکنون در اختیار ما می‌باشد، لذا:

اگر ما بخواهیم در آیه‌ای تدبّر نموده و آن را خوب بفهمیم لازم است ابتدا آیات مورد نظرمان را در تفاسیر مجمع‌البیان، المیزان و نمونه به دقت مطالعه نموده و اطلاعات لازم را کسب کنیم، آنگاه به تفاسیر روایی گرانقدر شیعه یعنی تفاسیر صافی، برهان و نورالثقلین مراجعه کرده و احادیث ذیل آیات شریفه را ملاحظه کنیم، زیرا:

این احادیث شریف نوعاً تأویل آیات شریفه بوده و معنی باطنی آیات شریفه را بیان می‌فرمایند که در واقع حقیقت قرآن کریم می‌باشند، گرچه ظاهر و باطن قرآن حقیقت است.

### مقایسه فضیلت تلاوت قرآن کریم با تدبّر آیات آن:

اگر شخصی مقدار قابل توجهی از ساعات شبانه روز را به تلاوت قرآن کریم، اقامه نماز، خواندن ادعیه و سایر عبادات اختصاص دهد به چنین شخصی گفته می‌شود عابد، لیکن:

۱. المیزان، جلد دوم، صفحه ۸۹ «ذیل آیه ۱۲۱ سوره بقره».

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۴۵۶ - ۴۵۷ - حدیث ۲. «ذیل آیه ۱۲۱ سوره بقره».

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۴۹۳ «ذیل آیه ۱۲۱ سوره بقره».

اگر شخصی در آیات شریفه قرآن کریم تدبّر نماید، مخصوصاً تدبّر در آیاتی که در رابطه با وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام می باشد، در این صورت این شخص در راه عالم شدن گام برداشته است «عالم دین شدن» و فرق بسیار است بین:

طلب علم و عالم شدن،

و عبادت کردن و عابد شدن.

شخص عابد در پیشگاه حق تعالی مقام والایی دارد، لیکن:

مقام عالم دین چیز دیگری است.

از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که آن حضرت

فرمودند:

بین عالم و عابد صد درجه فاصله است و فاصله هر درجه با درجه دیگر به اندازه

هفتاد سال مسافت می باشد.<sup>۱</sup>

این حدیث شریف در واقع تشبیه معقول به محسوس می باشد تا ما انسانها

متوجّه اهمّیت قضیّه بشویم، و نتیجه این تشبیه این می شود که:

عالم دین با عابد اصلاً قابل قیاس نیست.

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

شخصی که احادیث ما را نقل کند و دل های شیعیان ما را محکم نماید «اعتقادات

آن ها را تقویت کند» از هزار عابد بهتر و برتر است.

معنی این حدیث شریف این نیست که مثلاً یک عالم با هزار و صد عابد برابر

است، بلکه:

معنی این حدیث شریف این است که:

یک عالم دین از هزاران عابد بهتر و برتر می باشد.

شاهد این مدّعا حدیثی از امام باقر علیه السّلام است که آن حضرت فرمودند:

۱. تفسیر برهان، جلد دوم، محثّ اول، فضیلت عالم و متعلم، صفحه ۲۱، حدیث ۸.

تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۲۸۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد هفتم، صفحه ۵۲۱، حدیث ۳۹ «حدیث ۱۱۳۷۳» «ذیل آیه ۱۱ تا ۱۳ سوره مجادله».

عالم دین که از علم خویش بهره ببرد «یا مردم از علم او بهره ببرند» از هفتاد هزار عابد بهتر و برتر می باشد.<sup>۱</sup>

قابل ذکر است که:

این همه فضیلت شامل حال هر عالم دین نمی شود، بلکه:

آن عالم دین مشمول این همه فضیلت می شود که:

عامل به احکام الهی باشد و ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام را در اعلی درجه داشته باشد، و از حریم مقدّس ولایت آن ذوات مقدّسه دفاع نماید.

چنانچه عالمی با این اوصاف از دنیا برود طبق فرمایش امام صادق علیه السّلام شکافی در جهان اسلام پیش می آید که هیچ چیز جای آن را نمی گیرد، یعنی:

ثُمَّ فِي الْإِسْلَامِ ثُلْمَةٌ لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ.<sup>۲</sup>

این همه فضائل بازگشت به یک مسئله دارد و آن نیز اهمّیت ولایت اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد که کراراً در بخش حدیث «ذیل آیات شریفه قرآن کریم» به عرض رسیده است.

حال، چنانچه مؤمنین:

قرآن کریم را تلاوت نکنند،

در آیات شریفه قرآن کریم تدبّر ننمایند،

و به دستورات و احکام قرآن کریم عمل نکنند، در این صورت:

مشمول آیه ۳۰ سوره مبارکه فرقان می شوند که می فرماید:

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا، یعنی:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به خداوند متعال عرض می کند «عرض کرد»:

خداوندا:

این قوم من و این امت من قرآن را ترک گفتند «قرآن را متروک ساختند» و از

آن دوری جستند.

۱. اصول کافی، جلد اول، باب فضل علم، صفحه ۴۰، حدیث ۷ و ۸ «حدیث ۵۰ و ۵۱».

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۴۶ و ۴۷، حدیث ۲ و ۳ «حدیث ۷۲ و ۷۳».

«مَجْهُورٌ = ترک شده، متروک، فرو گذاشته شده»

عده‌ای از مفسرین بر این عقیده هستند که:

این سخن را پیامبر اکرم در دنیا به خداوند متعال عرض نموده و از امت خویش گله و شکایت نموده که قرآن کریم را ترک نموده و از توجه به مضامین و تعالیم و دستورات آن خودداری نمودند.

برخی از مفسرین نیز از قبیل علامه طباطبایی معتقدند که:

این سخن پیامبر اکرم مربوط به قیامت است و فعل ماضی «قال» معنی مضارع «یَقُولُ» می‌دهد، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز قیامت در پیشگاه مبارک خداوند متعال لب به شکایت گشوده و از امت خویش شکایت می‌کند که خداوندا:

این امت من قرآن کریم را ترک کرده و آن را کنار گذاشتند، یعنی:

به تعالیم قرآن کریم و دستورات این کتاب آسمانی توجه ننمودند.

هر دو قول صحیح است زیرا منافاتی با یکدیگر ندارند.

ناگفته پیدا است که اگر شخصی مورد شکایت پیامبر اکرم واقع شود چه سرنوشت شومی در انتظار او خواهد بود.

قابل ذکر است که:

توجه به قرآن کریم فقط شامل تلاوت آیات شریفه آن و احیاناً حفظ نمودن آیات

قرآن کریم نیست «گرچه این‌ها هم لازم است»، لیکن:

توجه به قرآن کریم و نکو داشت آن یعنی:

۱. تلاوت آیات شریفه آن «روزانه و به طور منظم و لاینقطع»

۲. تدبیر در آیات شریفه آن و توجه ویژه داشتن به احادیث ائمه معصومین

علیهم‌السلام که تأویل آیات شریفه بوده و حقیقت قرآن کریم و معانی باطنی آیات

قرآن کریم را بیان می‌فرمایند.

۳. عمل به دستورات و احکام قرآن کریم

بنابراین:

مصدق این آیه شریفه «آیه ۳۰ سوره فرقان» کسانی هستند که:

به احکام و دستورات قرآن کریم عمل نمی‌کنند، همچنین:

مصدق اتمّ و اکمل آیه ۳۰ سوره فرقان کسانی هستند که:

خودشان را مسلمان دانسته و ندای حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ را سر می‌دهند، لیکن:

صدها آیه شریفه قرآن کریم را که فضائل و مناقب اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را بیان می‌فرماید و اطاعت از آن ذوات مقدّسه را واجب می‌داند نادیده گرفته و آن بزرگواران را مثل سایر مردم دانسته و آن‌ها را هم‌ردیف مردم عادی می‌داند، لذا:

ممکن است انسان‌های زیادی باشند که همواره قرآن کریم را تلاوت نموده و بسیاری از آیات آن را حفظ می‌باشند، لیکن:

در زمره کسانی قرار بگیرند که قرآن کریم را کنار گذاشته‌اند، زیرا:

نتیجه تلاوت آیات نورانی قرآن کریم و تدبّر در آیات آن عمل به احکام و دستورات این مُصحف شریف است که در صدر آن‌ها پس از اقرار به یگانگی خداوند متعال ایمان آوردن به رسالت نبی مُکرم اسلام و امامت ائمّه معصومین علیهم السّلام می‌باشد، و سپس عمل به احکام قرآن کریم که از لسان مبارک آن ذوات مقدّسه صادر شده است.

بنابراین:

برای اینکه مشمول آیه ۳۰ سوره فرقان نشویم باید:

**الف)** قرآن کریم را به طور مداوم و مستمر تلاوت نمائیم.

**ب)** در آیات شریفه قرآن کریم تدبّر نمائیم و هر روز بدون استثناء مقداری از وقت خودمان را به این عمل اختصاص دهیم «توجّه به تفسیر آیات شریفه و مخصوصاً توجّه ویژه به تأویل آیات شریفه که باطن قرآن کریم را بیان می‌فرمایند، یعنی احادیث ذیل آیات شریفه»

**ج)** به احکام و دستورات قرآن کریم که از لسان مبارک حجج خداوند متعال



یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام صادر شده عمل نمائیم. مقصود از تدبّر در آیات شریفه قرآن کریم این نیست که فقط آن‌ها را بفهمیم، بلکه:

مطالعه و تدبّر در آیات شریفه باید به نحوی باشد که بتوانیم آن مفاهیم را به دیگران بفهمانیم، یعنی:

باید مطالب را به طور عمیق یاد بگیریم تا آن‌ها را به دیگران منتقل نمائیم، ابتدا به همسر و فرزندان و سپس به دوستان و آشنایان.

خداوند متعال در آیه ۲۱۴ سوره شعراء به پیامبر اکرم می‌فرماید:

وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ، یعنی:

ای پیامبر، خویشاوندان نزدیکت را انذار کن.

تا سال سوّم بعثت دعوت به اسلام توسط پیامبر اکرم مخفیانه صورت می‌گرفت، لذا وقتی که این آیه شریفه نازل شد و پیامبر اکرم مأموریت یافت تا دعوت خویش را آشکار کند، طبق دستور خداوند متعال موظّف شد تا نخست از خویشاوندان شروع کند.

بنابراین:

بیان فضائل و معارف اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام «که در صدها آیه قرآن کریم آمده» به همسر و فرزندان از وظایف شرعی ما است و ما موظّف و مکلف به این عمل هستیم تا طوری نشود که خودمان اهل ولایت باشیم لیکن خانواده ما بی‌اطلاع از این موضوع، که در این صورت ما نیز مقصّریم و بلکه عمده تقصیر متوجّه ما است.

ذیل آیات شریفه سوره عصر در خصوص ضرورت بیان فضائل و مناقب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام به همسر و فرزندان و نسل‌های بعد مطالبی به عرض رسیده است.

بنابراین:

جهت نیل به این مقصود لازم است مطالب مندرج در کتاب حاضر بارها و بارها عمیقاً مطالعه شود «بدون استثناء هر روز اقلّ بیست دقیقه» تا هم ثواب تلاوت قرآن

کریم نصیب شود،

و هم ثواب فوق العاده تدبّر در آیات شریفه قرآن کریم، آن هم تدبّر در آیاتی که در رابطه با اعظم آیات الهی می باشد، زیرا:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام آیات عظمای حق تعالی می باشند و نتیجه این مطالعه مستمر باعث می شود تا این مطالب ملکه ذهن ما بشود.

تدبّر در آیات شریفه قرآن کریم نتایج مثبت فراوانی در اعتقادات و اعمال ما دارد که به عنوان نمونه به نوزده مورد آن اشاره می شود، یعنی:

اگر در آیات شریفه قرآن کریم تدبّر نمائیم، انشاءالله تعالی:

۱. اهل ریا و نفاق نمی شویم.

۲. اهل کبر و غرور نمی شویم.

۳. اهل اسراف و تبذیر نمی شویم.

۴. اهل کثرت نمی شویم.

۵. اهل تکاثر و تفاخر نمی شویم «راجع به موضوعات بند سوّم و چهارم و پنجم

ذیل آیات سوره عادیات و تکاثر مطالبی به عرض رسیده است».

۶. به حقوق دیگران تجاوز نمی کنیم

۷. حبّ جاه و مقام و حبّ دنیا ما را به خودمان مشغول نمی کند تا از آخرت

غافل شویم.

۸. با افراد غیرولایی و بی ولایت انس و الفت برقرار نمی کنیم، و یا حدّ اقل انس

و الفت عمیق برقرار نمی نمائیم، و اگر هم حشر و نشری با آنها پیدا می کنیم به

منظور هدایت و ارشاد آنها صورت می گیرد.

۹. بیشترین احترام و خدمت را به متّقی ترین افراد و ولایتمدارترین آنها اختصاص

می دهیم، زیرا گرامی ترین انسانها نزد خداوند متعال متّقی ترین آنها می باشد، لذا:

گرامی ترین افراد در نزد ما نیز باید متّقی ترین آنها باشند.

خداوند متعال در آیه ۱۳ سوره حجرات می فرماید:

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ.

ذیل آیات ۵۴ و ۵۵ سوره قمر راجع به متّقیین توضیحات لازم ارائه شده است.

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام می فرماید:

أَعْرِفُوا مَنَازِلَ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ رَوَايَتِهِمْ عَنَّا، یعنی:

منزلت مردم را به اندازه روایتی که از ما نقل می کنند بشناسید، یعنی:

هر کس احادیث و روایات بیشتری از ائمّه معصومین علیهم السّلام نقل کند و

آن‌ها را بهتر بیان نماید مقام و منزلت و رتبه اش بالاتر است،

لذا چنین افرادی باید مورد احترام بیشتری قرار بگیرند.<sup>۱</sup>

اگر در آیات شریفه قرآن کریم تدبّر نمائیم و به تأویل آیات شریفه قرآن کریم

توجّه کنیم متوجّه می شویم که:

۱۰. بسیاری از آیات شریفه قرآن کریم در رابطه با وجود مقدّس چهارده معصوم

علیهم السّلام بوده و فضائل و مناقب آن ذوات مقدّسه را بیان می فرماید.

همچنین خواهیم فهمید که:

۱۱. دین یعنی پذیرش ولایت خداوند متعال و ولایت اولیاء خداوند متعال

«وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام»، و مناسک دین یعنی نماز و روزه و

خمس و زکات و... سایر عبادات «مناسک = جمع منسک یعنی عبادت، طریق

عبادت»

۱۲. دین یعنی اطاعت محض و بی قید و شرط از حُجج خداوند متعال «وجود

مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» و عمل به دستورات آن ذوات مقدّسه، زیرا:

آن بزرگواران خلفاء و جانشینان خداوند متعال هستند و حجّت خداوند متعال بر

مخلوقات، لذا:

امر آن‌ها امر خداوند متعال است و نهی آن‌ها نهی خداوند متعال،

نه یک کلمه کم نه یک کلمه زیاد.

اگر در آیات شریفه قرآن کریم تدبّر نمائیم در این صورت:

۱۳. آخرت‌مان را به دنیای خودمان نخواهیم فروخت، مخصوصاً اینکه آخرت

خودمان را به دنیای دیگران نخواهیم فروخت «از همسر و فرزندان گرفته تا اقوام

و دوستان».

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۶۴، حدیث ۱۳ «حدیث ۱۳۶».

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

علی جان:

بدترین مردم کسی است که آخرت خویش را به دنیایش بفروشد،  
و بدتر از او کسی است که آخرت خویش را به دنیای دیگران بفروشد.<sup>۱</sup>  
۱۴. توأصی به حق «سفارش به حق» را جدی می‌گیریم، مخصوصاً به همسر و  
فرزندان سپس به دیگران «ذیل آیات شریفه سوره عصر در این خصوص توضیحاتی  
ارائه شده است».

اگر در آیات شریفه قرآن کریم تدبیر نمائیم و به تأویل آیات شریفه قرآن کریم  
توجه کنیم در این صورت:

۱۵. حق و باطل را به راحتی تمیز خواهیم داد.

۱۶. حقوق شرعی خویش را به طور کامل خواهیم پرداخت «خمس و زکات و...»

۱۷. نماز را به پا خواهیم داشت، با تمام شرایطش.

۱۸. عامل به تمام احکام دین خواهیم بود، نه اینکه فقط به یک نماز قناعت کرده

و خودمان را متدین بدانیم، زیرا:

اگر نماز با تمام شرایطش اقامه نشود اصلاً فایده ندارد، یا اینکه کم فایده است.

خداوند متعال در آیه چهارم سوره ماعون می‌فرماید:

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ، یعنی:

وای بر نمازگزاران

در آیه بعد «آیه پنجم» توضیح داده می‌شود که:

وای بر نمازگزارانی که:

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ، یعنی:

وای بر نمازگزارانی که نماز خودشان را به دست فراموشی می‌سپارند، یعنی:

ارزشی برای نماز خویش قائل نیستند،

به اوقات نماز اهمیّت نمی‌دهند،

ارکان و شرایط و آداب نماز را مراعات نمی‌کنند «خواندن نماز بدون رعایت کامل مقدمات آن که در رساله‌های عملیه آمده است»،

در نمازهای خود ریا می‌کنند، و ...

علامه طباطبایی در المیزان در خصوص سوره ماعون و آیات این سوره مبارکه «از جمله، آیه چهارم و پنجم این سوره» می‌گوید:

سوره ماعون تهدید کسانی است که خودشان را مسلمان معرفی کرده‌اند لیکن متخلّق به اخلاق منافقین می‌باشند، از قبیل:

سهو از نماز، ریا کردن در اعمال، مضایقه کردن از احسان به دیگران و ...

در توضیح آیات و چهارم و پنجم سوره ماعون در المیزان آمده که:

وای بر نمازگزارانی که از نماز خویش غافل هستند و اهمّامی به امر نماز ندارند و از فوت شدن نماز خویش لایبالی هستند «بی‌خیال هستند»، چه اینکه نماز آن‌ها به کلی فوت شود، چه اینکه بعضی اوقات فوت شود، چه اینکه وقت فضیلتش از دست برود، چه اینکه نمازگزار ارکان و شرایط و احکام و مسائل نماز را نداند. در این سوره مبارکه تکذیب‌کنندگان روز قیامت به چنین نمازگزارانی تطبیق شده است، زیرا:

حرف «فا» که بر سر این آیه شریفه آمده «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ» می‌فهماند که جمله مزبور «آیه چهارم و پنجم سوره ماعون» نتیجه تکذیب روز جزا می‌باشد، و می‌رساند که چنین نمازگزارانی خالی از نفاق نیستند، زیرا:

تکذیب روز جزا و تکذیب روز قیامت فقط به این نیست که انسان به کلی آن را منکر شود، بلکه:

کسی هم که تظاهر به ایمان می‌کند و نماز مسلمانان را می‌خواند اما طوری می‌خواند که عملاً نشان می‌دهد باکی از روز جزا ندارد، او نیز روز جزا و روز قیامت را تکذیب کرده است.

قابل ذکر است که:

محلّ نمازگزار نباید غصبی باشد،

آبی که انسان با او وضو می‌گیرد و غسل می‌کند باید مباح باشد یعنی با پول

حلال تهیه شده باشد،

لباس نمازگزار نباید غصبی باشد، یعنی باید با پول حلال تهیه شده باشد و ...»  
 حال چنانچه مالی که انسان کسب می کند حلال نباشد، یا اینکه حقوق شرعی آن  
 «خمس و زکات و ...» پرداخت نشده باشد و با این پول لباس و مسکن و آب تهیه  
 شود «آب برای غسل کردن و وضو گرفتن» و سپس نماز خوانده شود این نماز فقط  
 شباهت ظاهری به نماز دارد بدون اینکه حقیقتی داشته باشد.

ذیل آیات اوّل تا پنجم سوره بقره احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل  
 شد که آن ذوات مقدّسه فرمودند:

کسانی که حقوق شرعی خویش «خمس و زکات و ...» را نپردازند نمازشان مورد  
 قبول واقع نخواهد شد.

اگر در آیات شریفه قرآن کریم تدبّر کنیم و به تأویل آیات شریفه قرآن کریم  
 توجه نمائیم «توجه به احادیث ذیل آیات شریفه قرآن کریم که از لسان مبارک ائمه  
 معصومین علیهم السّلام صادر شده» در این صورت می فهمیم که:

۱۹. قرآن کریم و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم:  
 هر دو نور هستند. «اشاره به آیه ۱۷۴ سوره نساء، آیه ۱۵۷ سوره اعراف، آیه ۸  
 سوره تغابن و ...»،

هر دو حَبْلُ الله هستند. «اشاره به آیه ۱۰۳ سوره آل عمران»،  
 هر دو عُرْوَةُ الوُثْقَى هستند. «اشاره به آیه ۲۵۶ سوره بقره»  
 ذیل آیات شریفه فوق‌الاشاره توضیحات لازم به عرض رسیده است و خلاصه  
 کلام اینکه:

قرآن کریم و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم:  
 هر دو یک حقیقت هستند، و هر دو منسوب به خداوند متعال،  
 یکی کلام خداوند متعال است،

و دیگری حَجّت خداوند متعال بر همه مخلوقات، که:  
 اطاعت از آن ذوات مقدّسه اطاعت از خداوند متعال است،  
 و سرپیچی از دستورات آن بزرگواران سرپیچی از دستورات خداوند متعال،

و انکار آن ذوات مقدّسه یعنی کُفر.

قرآن کریم و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم:

هر دو یادگار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می باشند که:

هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند،

و هر دو آن‌ها روز قیامت و در کنار حوض کوثر به وجود مقدّس پیامبر اکرم

صلی الله علیه و آله و سلّم ملحق خواهند شد،

و در آن روز خداوند متعال رسیدگی به حساب مردم را به پیامبر اکرم و اهل بیت

آن حضرت واگذار می فرماید،

و در آن روز است که همگان مقام و منزلت رفیع و ممتاز اهل بیت عصمت و

طهارت علیهم السّلام را به وضوح خواهند دید.

در پایان این مبحث از محضر شما عزیزان تقاضا می کنم که مطالب این مبحث را

که تحت عنوان «توضیحاتی پیرامون ضرورت تلاوت قرآن کریم و تدبّر در آیات

شریفه آن» ملاحظه فرمودید حتماً هر سه ماه یک بار مطالعه بفرمائید که انشاءالله

تعالی خیری در آن هست و فواید زیادی دارد.

### آیه ۳۱ سوره آل عمران:

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

#### ترجمه:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

ای پیامبر، به مردم بگو:

اگر خداوند متعال را دوست می دارید از من «پیامبر اکرم» تبعیت و پیروی نمائید تا خداوند متعال نیز شما را دوست بدارد و گناهان شما را ببخشد، که خداوند متعال آمرزنده و مهربان است.<sup>۱</sup>

#### شأن نزول:

درباره این آیه شریفه «آیه ۳۱ سوره آل عمران» و شأن نزول آن آمده است که: عده‌ای از مردم در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و در حضور آن حضرت ادعای محبت خداوند متعال را می نمودند و اظهار می کردند که خداوند متعال را دوست می دارند لیکن عمل به احکام الهی در آن‌ها کمتر دیده می شد.

به عبارت دیگر:

ادعا می کردند که خداوند متعال را دوست می دارند لیکن خیلی مقید به انجام دستورات الهی نبودند،

و به همین مناسبت بود که این آیه شریفه «آیه ۳۱ سوره آل عمران» نازل شد و پاسخ آن‌ها را داد.<sup>۲</sup>

همانگونه که در شأن نزول آیه شریفه ملاحظه فرمودید عده‌ای بودند که در زمان پیامبر اکرم ادعا می کردند که خداوند متعال را دوست دارند لیکن عمل به احکام الهی نداشتند، لذا:

خداوند متعال آیه ۳۱ سوره آل عمران را نازل فرمود تا دوست داشتن حقیقی را از

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۳۶.

۲. تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۵۹۶.



دوست داشتن دروغین و کاذب جدا نموده و مُحَبِّ واقعی و راستین خداوند متعال را به مردم بشناساند.

خداوند متعال در این آیه شریفه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:  
قُلْ = بگو، یعنی:

ای پیامبر به مردم بگو:

إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي = اگر واقعاً خداوند متعال را دوست دارید از من که فرستاده و رسول خدا هستم تبعیت و پیروی کنید تا:

يُحِبِّبْكُمْ اللَّهُ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ = تا خداوند متعال نیز شما را دوست بدارد و گناهان شما را ببامرزد.

این آیه شریفه محبّت حقیقی به خداوند متعال را مشروط و منوط به اطاعت از پیامبر اکرم اعلام می‌فرماید، یعنی:

محبّت فقط و فقط یک علاقه قلبی نیست بلکه باید آثار آن در عمل انسان منعکس باشد، لذا:

کسی که مدّعی عشق و علاقه به خداوند متعال می‌باشد اولین و مهم‌ترین اثر و نشانه‌اش این است که از فرستاده او و رسول او پیروی و تبعیت نماید، بنابراین:

اگر شخصی ادّعی این را دارد که محبّ و علاقمند به خداوند متعال است لیکن از حجت خدا یعنی پیامبر اکرم اطاعت و پیروی نمی‌کند قطعاً این شخص دروغ می‌گوید و ادّعی او دروغی بیش نیست.

همچنین:

اگر کسی ادّعی می‌کند که پیامبر اکرم را دوست دارد لیکن از اهل بیت آن حضرت و ائمه معصومین علیهم‌السلام اطاعت و پیروی نمی‌کند او نیز دروغ می‌گوید و ادّعی دوست داشتن پیامبر اکرم دروغی بیش نیست زیرا همانطور که عرض شد:

محبّت و دوست داشتن حقیقی و راستین حتماً آثار عملی دارد،

یعنی اگر ادّعی می‌کنیم که خداوند متعال را دوست می‌داریم باید عملاً آن را نشان بدهیم که مهم‌ترین اثر عملی آن اطاعت محض و بی‌قید و شرط از پیامبر اکرم

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌باشد و سپس اطاعت از ائمه معصومین علیهم‌السلام،  
زیرا:

اطاعت از آن ذوات مقدّسه را خداوند متعال واجب نموده،  
لذا سرپیچی از دستورات آن بزرگواران یعنی سرپیچی از فرمان الهی چرا که آن  
بزرگواران منصوب از ناحیه خداوند متعال می‌باشند.

معنی آیه شریفه تا این جا این شد که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:

ای پیامبر به مردم بگو:

اگر خداوند متعال را دوست می‌دارید از من اطاعت و پیروی کنید تا خداوند  
متعال نیز شما را دوست بدارد و گناهان شما را ببخشد و بیامرزد.

در ادامه آیه شریفه آمده است که:

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ = خداوند متعال آمرزنده و مهربان است.

آیه بعد نیز در ادامه این آیه شریفه بوده و موضوع اطاعت از خداوند متعال و  
پیامبر اکرم را مطرح می‌فرماید.

در این آیه شریفه «آیه ۳۲ سوره آل عمران» نیز خداوند متعال پیامبر اکرم را مورد  
خطاب قرار داده و می‌فرماید:

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ = ای پیامبر به مردم بگو، ای مردم:

از خداوند متعال و رسول خدا اطاعت کنید، یعنی:

ای مردم، اگر شما ادّعا می‌کنید که خدا را دوست می‌دارید باید از خداوند متعال  
و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اطاعت کنید و ادّعای خودتان را اثبات  
کنید، یعنی:

اگر از خداوند متعال و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اطاعت نمودید و  
مطیع محض خدا و رسول بودید و همه اوامر و دستورات خدا و رسول را بی‌چون  
و چرا اجرا کردید مُحَبِّ و واقعی و علاقمند راستین خداوند متعال هستید،

در غیر این صورت دروغ می‌گوئید و اظهار محبّت شما به خداوند متعال ادّعایی

بیش نیست.

در ادامه آیه شریفه آمده که:

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ = اگر مردم از دستورات خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سرپیچی نمایند «اگر از دستورت خدا و رسول سرپیچی کنید» خداوند متعال کافرین را دوست ندارد.  
ملاحظه می فرمائید که:

خداوند متعال در آیه شریفه نفرمود:

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّهُمْ: اگر مردم از دستورات خداوند متعال و پیامبر اکرم سرپیچی کنند خداوند متعال آن‌ها را دوست ندارد،  
بلکه فرمود:

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ: اگر مردم از دستورات خداوند متعال و پیامبر اکرم سرپیچی نمایند خداوند متعال کافرین را دوست ندارد،  
یعنی:

سرپیچی از دستورات خداوند متعال و پیامبر اکرم «اعراض از خداوند متعال و پیامبر اکرم» کُفر است و کسانی که از دستورات خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سرپیچی نمایند کافر می‌باشند.

### توضیح:

الف) عشق و محبت انسان به خداوند متعال به این جهت است که خداوند متعال منبع و سرچشمه اصلی هر نوع کمال است و وقتی انسان بفهمد که کمال حقیقی از آن خداوند متعال می‌باشد لذا مُحِبٌّ و عاشق خدا می‌شود، زیرا:  
علاقه انسان به هر چیزی به خاطر کمالی است که انسان در آن چیز یافته است لذا وقتی انسان بفهمد که خداوند متعال منبع هر نوع کمال می‌باشد عاشق و مُحِبٌّ خدا می‌شود.

ب) وقتی انسان فهمید که خداوند متعال منبع و سرچشمه هر نوع کمال می‌باشد خواهد فهمید که:

خداوندی که منبع هر کمال می باشد دستورات و برنامه هایش نیز کامل است لذا دستورات و برنامه های او را اجرا می کند، بنابراین:

علامت و نشانه محبت و علاقه انسان به خداوند متعال اجرای برنامه ها و دستورات خداوند متعال می باشد که اگر اطاعت و اجراء نمود مُحَبِّ واقعی است، و اگر از دستورات خداوند متعال سرپیچی کرد محبت او کاذب و دروغین بوده و محبت او به خداوند متعال ادعایی بیش نبوده است.

ج) نتیجه و اثر محبت خداوند متعال به بندگان این است که خداوند سبحان از بندگان اعلام رضایت نموده و گناهان آنها را می بخشد و می آمرزد.

د) علامت و نشانه حُبِّ انسان به خداوند متعال اطاعت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السّلام می باشد.

ه) خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۳۲ سوره آل عمران» اطاعت از پیامبر اکرم را قرین اطاعت خودش قرار داده است، یعنی:

اطاعت خدا و اطاعت پیامبر اکرم از یکدیگر جدا نیستند، یعنی:

هر کس از پیامبر اکرم اطاعت کند مثل این است که خداوند متعال را اطاعت نموده، و هر کس از دستورات پیامبر اکرم سرپیچی نماید مثل این است که از دستورات خداوند متعال سرپیچی نموده است.

و) خداوند متعال در آیه ۵۹ سوره نساء «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» اطاعت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السّلام را قرین اطاعت خودش قرار داده و اطاعت از آن ذوات مقدسه را واجب دانسته است، لذا:

اطاعت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السّلام یعنی اطاعت از خداوند متعال، و سرپیچی از دستورات آن ذوات مقدسه یعنی سرپیچی از دستورات و اوامر خداوند متعال، و اینکه:

هر کس از آن ذوات مقدسه تبعیت و پیروی نماید یعنی خداوند متعال را دوست

دارد و خداوند متعال نیز او را دوست دارد، و هر کس از آن ذوات مقدسه تبعیت و پیروی ننماید یعنی خداوند متعال را دوست ندارد و خداوند متعال نیز او را دوست ندارد.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس خوشحال می شود از اینکه خداوند متعال او را دوست بدارد «هر کس می خواهد خداوند متعال او را دوست بدارد» باید به دستورات خداوند متعال عمل کند و از ما تبعیت نماید.

امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

آیا نشنیده اید که خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:  
 قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ، وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ.

امام صادق علیه السلام پس از تلاوت این آیه شریفه فرمودند:

به خدا قسم هر بنده ای که خداوند متعال را اطاعت کند خداوند متعال پیروی از ما را نیز بر آن بنده واجب نموده است،

به خدا قسم هر بنده ای که از ما تبعیت و پیروی نماید خداوند متعال او را دوست خواهد داشت،

به خدا قسم هیچ کس دست از اطاعت ما برنمی دارد مگر اینکه با ما دشمن باشد «هر کس از ما تبعیت نکند با ما دشمن است»،

به خدا قسم هر کس با ما دشمنی کند از دستورات خداوند متعال سرپیچی کرده و نافرمانی نموده است،

و هر کس در حالت نافرمانی از خدا بمیرد خداوند متعال او را خوار نموده و او را با صورت به داخل جهنم خواهد انداخت.

۱. المیزان، جلد پنجم، صفحه ۲۹۱ - ۲۹۳ - ۲۹۴ - ۲۹۶.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۵۹۷ - ۶۰۰.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۵۸۷ - ۵۹۰.

این حدیث را اسماعیل بن جابر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

خلاصه و مضمون این حدیث شریف این است که:

(الف) هر کس از ائمه معصومین علیهم السلام تبعیت و پیروی نماید خداوند متعال او را دوست خواهد داشت، و طبق آیه ۳۱ سوره آل عمران خداوند متعال هر کس را که دوست بدارد گناهان او را می بخشد و می آمرزد.

(ب) اطاعت و پیروی از ائمه معصومین علیهم السلام را خداوند متعال واجب فرموده است.

(ج) هر کس از ائمه معصومین علیهم السلام اطاعت و پیروی ننماید از دستورات خداوند متعال سرپیچی نموده و خداوند متعال را نافرمانی نموده است.

(د) هر کس در حال نافرمانی از خداوند متعال از دنیا برود خداوند متعال او را با صورت به داخل جهنم خواهد انداخت.  
قابل ذکر است که:

وقتی در احادیث عنوان می شود که خداوند متعال بعضی از افراد را با صورت به داخل جهنم پرتاب می کند حاکی از شدت غضب خداوند متعال به آن شخص می باشد، و گرنه فرقی نمی کند که انسان با صورت به داخل جهنم پرتاب شود یا از پشت و یا طریق دیگر،

لذا پرتاب شدن بعضی از گنهکاران به داخل جهنم با صورت حاکی از شدت گناهان و شدت غضب خداوند متعال به آن شخص می باشد.

---

۱. المیزان، جلد پنجم، صفحه ۲۹۶.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۵۸۸.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۳۴، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۰۱، حدیث ۸۶ «حدیث ۱۴۳۱».

۲. امام صادق علیه السلام این آیه شریفه «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» را تلاوت نموده و فرمودند:

هر کس حق ما را بشناسد «امامت و ولایت ما را پذیرفته باشد» و ما را دوست بدارد خداوند متعال را دوست داشته است.

این حدیث را حفص بن غیاث از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۳. یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام به نام برید بن معاویه عجلای نقل می کند که:

روزی من در محضر امام باقر علیه السلام بودم که مردی از خراسان به خدمت امام باقر علیه السلام رسید در حالی که قسمت عمدہ‌ای از راه را «از خراسان تا مدینه» پیاده آمده بود و به همین جهت پاهای او پینه بسته و ترک برداشته بود.

آن مرد خراسانی پاهای ترک برداشته خودش را به امام باقر علیه السلام نشان داد و به محضر آن حضرت عرض کرد.

یا بن رسول الله:

به خدا قسم فقط محبت شما اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مرا از خراسان به مدینه آورد «فقط محبت به شما اهل بیت پیامبر اکرم باعث شد تا من از خراسان به مدینه بیایم».

وجود مقدس امام باقر علیه السلام به آن مرد خراسانی فرمود:

وَاللَّهِ لَوْ أَحَبَّنَا حَجَرٌ حَشَرَهُ اللَّهُ مَعَنَا، وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ، یعنی:

به خدا قسم اگر سنگی ما را دوست بدارد «چهارده معصوم علیهم السلام را» خداوند متعال آن سنگ را روز قیامت با ما محشور خواهد کرد «روز قیامت همراه ما خواهد بود».

وجود مقدس امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش به آن مرد خراسانی فرمود:

هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ، یعنی:

۱. تفسیر نورالتقلین، جلد اول، صفحه ۷۰۳ - حدیث ۸۸ «حدیث ۱۴۳۳».

آیا دین چیزی جز محبت است «محبت به خداوند متعال و حُجج خداوند متعال یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السّلام».<sup>۱</sup>

۴. یکی از اصحاب امام صادق علیه السّلام به نام ربیع بن عبدالله نقل می کند که: عده‌ای از اصحاب امام صادق علیه السّلام به محضر آن حضرت عرض کردند، یا بن رسول الله:

ما شیعیان نام مبارک شما و نام مبارک اجداد طاهریں شما را برای نامگذاری فرزندانمان انتخاب می کنیم «فرزندانمان را به نام‌های شما نامگذاری می کنیم»، آیا این کار برای ما نفعی دارد.

وجود مقدس امام صادق علیه السّلام در پاسخ اصحاب فرمودند:

به خدا قسم آری، و سپس فرمودند:

هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ، یعنی:

آیا دین چیزی جز محبت است.

امام صادق علیه السّلام در پایان فرمایشات خویش به آیه ۳۱ سوره آل عمران استشهاد نموده و فرمودند که خداوند متعال می فرماید:

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ.<sup>۲</sup>

### توضیح:

طبق این آیه شریفه «آیه ۳۱ سوره آل عمران» و احادیث ذیل این آیه شریفه: الف) هر کس خداوند متعال را دوست دارد باید از پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت «یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السّلام» اطاعت و تبعیت نماید، زیرا:

طبق آیه ۳۱ سوره آل عمران، آیه ۵۹ سوره نساء، فرمایشات پیامبر اکرم در

۱. تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۳۷، حدیث ۹.

تفسیر الثقلین، جلد اول، صفحه ۷۰۵، حدیث ۹۳ «حدیث ۱۴۳۸».

۲. تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۳۷، حدیث ۱۰.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۰۵ - حدیث ۹۴ «حدیث ۱۴۳۹».



غدیر خم «خطبه غدیریّه»، فرمایش امام صادق علیه السّلام و دهها آیه شریفه دیگر و احادیث ذیل آن آیات شریفه، خداوند متعال اطاعت از وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام را واجب فرموده است به نحوی که اطاعت از آن ذوات مقدّسه اطاعت از خداوند متعال است، و سرپیچی از دستورات آن بزرگواران سرپیچی از دستورات خداوند متعال.

در زیارت شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدّس امام هادی علیه السّلام صادر شده هنگام زیارت هر کدام از ذوات مقدّسه معصومین علیهم السّلام خدمت آن بزرگواران عرض می‌کنیم.

مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ،

وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، یعنی:

هر کس از شما اطاعت کند خداوند متعال را اطاعت نموده است،  
و هر کس از دستورات شما سرپیچی کند از دستورات خداوند متعال سرپیچی کرده است.

ب) هر کس خداوند متعال را دوست می‌دارد باید وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام را نیز دوست داشته باشد، زیرا:

طبق آیه ۲۳ سوره شوری و طبق فرمایش امام هادی علیه السّلام در زیارت نورانی جامعه کبیره و صدها حدیث شریف که از ناحیه ائمه معصومین علیهم السّلام صادر شده دوست داشتن آن بزرگواران را خداوند متعال واجب فرموده، به نحوی که:  
هر کس آن ذوات مقدّسه را دوست داشته باشد خداوند متعال را دوست داشته است،

و هر کس نسبت به آن ذوات مقدّسه بغض داشته باشد به خداوند متعال بغض داشته است.

در زیارت جامعه کبیره هنگام زیارت هر کدام از ذوات مقدّسه معصومین علیهم السّلام به محضر آن بزرگواران عرض می‌کنیم:

وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ، یعنی:

برای شما است مودّت واجب، یعنی:

محبت داشتن نسبت به شما و دوست داشتن شما را خداوند متعال به همه مخلوقات واجب فرموده است.

مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ،

وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ،

وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ،

وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، یعنی:

هر کس شما را دوست داشته باشد خداوند متعال را دوست داشته است،  
 هر کس شما را دشمن بدارد خداوند متعال را دشمن داشته است،  
 هر کس به شما محبت داشته باشد به خداوند متعال محبت داشته است،  
 و هر کس به شما بغض و کینه داشته باشد به خداوند متعال بغض و کینه داشته است.

بنابراین:

شیعه واقعی کسی است که:

اولاً: مطیع محض دستورات چهارده معصوم علیهم السّلام باشد و اوامر و نواهی آن ذوات مقدّسه را مو به مو اجرا نماید،  
 ثانیاً: آن بزرگواران را دوست داشته باشد و نسبت به دشمنان آن ذوات مقدّسه تنفّر و دشمنی، و همچنین:

با دوستان و محبتین آن بزرگواران دوست باشد،

و با دشمنان آن ذوات مقدّسه دشمن.

همچنان که قبلاً به عرض رسیده زیارتنامه‌های ائمه معصومین علیهم السّلام که از ناحیه آن بزرگواران صادر شده فقط برای خواندن و ثواب بردن نیست، بلکه:

هدف عمده این زیارتنامه‌ها و ادعیه آشنا نمودن ما با معارف اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام می‌باشد که اگر با معارف آن ذوات مقدّسه آشنا شویم و مقام و منزلت آن ذوات مقدّسه را درک نمائیم «در حدّ محدودی که درک فضائل آن بزرگواران برای ما انسان‌ها مقدور و میسر می‌باشد» و به دستورات آن بزرگواران

عمل نمائیم، در این صورت سکوت ما نیز به منزله عبادت تلقی شده و خداوند متعال به آن ثواب می‌دهد تا چه رسد به خواندن زیارتنامه آن ذوات مقدسه، لیکن عمده این است که به محتوا و مضمون این ادعیه و زیارتنامه‌ها دقت نموده و به آن عمل کنیم.

موضوع مورد بحث در این آیه شریفه «آیه ۳۱ سوره آل عمران» و احادیث ذیل این آیه شریفه «که در رابطه با دوست داشتن خداوند متعال و حُجج خداوند متعال می‌باشد، همچنین بغض داشتن نسبت به دشمنان خدا و رسول» از مواردی است که در اکثر زیارتنامه‌ها آمده است.

در زیارت عاشورا هنگام زیارت سید و سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام خدمت آن بزرگوار عرض می‌کنیم:

إِنِّي سَلَّمُ لِمَنْ سَأَلْتُكُمْ،  
وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ،  
وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ،  
وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ، یعنی:

در صلح هستم با کسی که با شما در صلح است،  
و در جنگ هستم با کسی که با شما در جنگ است تا روز قیامت «یعنی تا روز قیامت بر این عقیده استوار و مصمم می‌باشم»،  
دوست هستم با کسی که شما را دوست دارد،  
و دشمن هستم با کسی که شما را دشمن دارد.

در زیارت دیگر ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز این مسئله آمده است، مثلاً:  
هنگام زیارت وجود مقدس امام کاظم سلام‌الله علیه خدمت آن بزرگوار عرض می‌کنیم:

يَا مَوْلَايَ أَنَا أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكَ،  
وَ اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِمُؤَالَاتِكَ،  
مُؤَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ،  
مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، یعنی:

ای مولای من و ای سرور من،  
برائت و بیزاری می جویم به درگاه خداوند متعال از دشمنانت،  
و تقرّب می جویم به پیشگاه خداوند متعال به وسیله دوستی تو،  
محبّ و دوستدار دوستان تو هستم،  
و دشمن دشمنان تو.

علامت و نشانه محبّت داشتن ما به وجود مقدّس امام کاظم سلام الله علیه و  
دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام و دشمن بودن با دشمنان آن ذوات مقدّسه این  
است که:

**الف)** مطیع محض اوامر و نواهی آن ذوات مقدّسه باشیم و از معاصی دوری کنیم،  
یعنی:  
واجبات را انجام داده و از محرّمات اجتناب نمائیم.

**ب)** همیشه و همه جا مُحَبِّ آن ذوات مقدّسه بوده و به تبع آن با دوستان آن  
بزرگواران دوست باشیم،

و با دشمنان آن بزرگواران دشمن، نه اینکه:

فقط هنگام خواندن زیارتنامه در منزل یا مسجد یا حسینیه، خودمان را شیعه و  
پیرو حضرات معصومین علیهم السّلام دانسته و نسبت به دوستان آن بزرگواران  
اظهار دوستی و نسبت به دشمنان آن بزرگواران اظهار دشمنی نمائیم، لیکن به  
محض تمام شدن زیارتنامه و خروج از منزل و مسجد و حسینیه با هر کس و ناکس  
طرح دوستی بریزیم و با آنها رفت و آمد نمائیم و معاشرت داشته باشیم،  
اعمّ از اینکه آنها مُحَبِّ اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام هستند یا  
بی تفاوت یا خدای نکرده معاند، لذا:

اولویّت در برقراری ارتباط با دیگران و معاشرت و رفت و آمد و وصلت و... باید  
موضوع ولایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام باشد.

در پایان این مبحث به یک حدیث نورانی دیگر در رابطه با اهمیّت دوست داشتن  
و حُبّ اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم اشاره می شود.

۵. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُوراً،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِباً  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِناً مُسْتَكْمِلاً الْإِيمَانِ،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بَشَّرَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ ثُمَّ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ يَزْفُ إِلَى الْجَنَّةِ كَمَا تَزْفُ الْعُرُوسُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فَتُحَّ لَهٗ فِي قَبْرِهِ بَابَانِ إِلَى الْجَنَّةِ،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ جَعَلَ اللهُ قَبْرَهُ مَزَارَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوباً بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللهِ،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِراً،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشُمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ، يَعْنِي:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

هر کس با حُب آل محمد علیهم السلام از دنیا برود شهید از دنیا رفته است «هر کس از دنیا برود در حالی که آل محمد علیهم السلام را دوست می داشته و محبت آنها را در دل داشته این شخص شهید از دنیا رفته است»،  
 ای مردم:

آگاه باشید و بدانید:

هر کس با حُب آل محمد علیهم السلام از دنیا برود آمرزیده شده از دنیا رفته است،

آگاه باشید، هر کس با محبت آل محمد علیهم السلام از دنیا برود تائب از دنیا رفته است «با توبه از دنیا رفته است»،

آگاه باشید، هر کس با حُب آل محمد علیهم السلام از دنیا برود مؤمن کامل الایمان «مؤمن با ایمان کامل» از دنیا رفته است،

آگاه باشید، هر کس با محبت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا برود ملک الموت «فرشته مأمور مرگ» او را به بهشت بشارت می دهد و سپس نکیر و

منکر «دو فرشته مأمور سؤال در قبر» او را به بهشت مژده می دهند، آگاه باشید، هر کس با حُبِّ آلِ مُحَمَّدِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ از دنیا برود ملائکه الهی او را با احترام به بهشت می برند آنچنان که عروس به خانه داماد برده می شود،

بدانید و آگاه باشید، هر کس با محبَّت آلِ مُحَمَّدِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از دنیا برود از قبر او دو درب به بهشت گشوده می شود «یعنی قبر او می شود بهشت»، بدانید و آگاه باشید، هر کس با حُبِّ آلِ مُحَمَّدِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ از دنیا برود خداوند متعال قبر او را زیارتگاه ملائکه رحمت خویش قرار می دهد، بدانید و آگاه باشید که:

هر کس با بُغْضِ و عداوت آلِ مُحَمَّدِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ از دنیا برود روز قیامت در حالی وارد صحرای مَحْشَرِ می شود که در پیشانی او نوشته شده که این شخص محروم از رحمت خدا می باشد،

بدانید و آگاه باشید، هر کس با بُغْضِ و دشمنی آلِ مُحَمَّدِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از دنیا برود کافر از دنیا رفته است «اگر کسی از دنیا برود درحالی که دشمن آلِ مُحَمَّدِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بوده و بُغْضِ آن‌ها را در دل داشته چنین شخصی کافر از دنیا رفته است»،

بدانید و آگاه باشید، هر کس با بُغْضِ و عداوت آلِ مُحَمَّدِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ از دنیا برود بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد «استشمام نکردن بوی بهشت کنایه از این است که چنین افرادی هرگز به بهشت وارد نخواهند شد و برای همیشه محروم از ورود به بهشت می باشند».

حُبِّ و محبَّت = ۱- دوست داشتن، علاقه داشتن؛ ۲- دوستی، علاقه.

بُغْضِ = دشمنی، عداوت، کینه.

شَمِّ = بوئیدن، بو کردن.

رائحه = بو

این حدیث شریف را بسیاری از علمای اهل سنت نیز نقل نموده اند، از قبیل: تفسیر کشاف، زمخشری؛

تفسیر قرطبی، محمد بن احمد الانصاری القرطبی؛  
تفسیر مفاتیح الغیب، فخر رازی؛  
تفسیر ثعلبی، و...<sup>۱</sup>

### توضیح:

م‌نظور از آل محمد علیهم السّلام وجود مقدّس امیر المؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام و صدّیقه کُبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و یازده امام معصوم از ذرّیه و نسل آن دو بزرگوار می‌باشند که نزدیک‌ترین خویشاوندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به حساب می‌آیند.

ذیل آیه ۳۳ و ۵۶ سوره احزاب، همچنین ذیل آیه ۲۳ سوره شوری و آیه ۲۶ سوره اسراء توضیحات لازم به عرض رسیده و بیان شده که:

مقصود از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و آل آن حضرت و اقربا و خویشاوندان نزدیک ایشان، وجود مقدّس مولی الموحدین امیر المؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام و صدّیقه کُبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار می‌باشند که این همه فضائل برای آن ذوات مقدّسه بیان شده است.

این بزرگواران یادگار گرانقدر پیامبر اکرم می‌باشند که آن وجود مقدّس از خود به یادگار گذاشته و روز قیامت با قرآن کریم «که دیگر یادگار نبی مکرم اسلام می‌باشد» در کنار حوض کوثر به آن حضرت ملحق خواهند شد.

ذیل آیات فوق‌الاشاره به عرض رسید که:

از طایفه نسوان فقط و فقط یک نفر در زمره اهل بیت پیامبر اکرم و آل آن حضرت قرار دارد و آن هم وجود مقدّس صدّیقه کُبری فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌باشد که خداوند متعال به آن حضرت مقام عصمت اعطا فرموده است.

به عنوان حُسن ختام این بحث به یک حدیث شریف اشاره می‌شود.

یکی از اصحاب امام صادق علیه السّلام به نام عبدالله بن میسره می‌گوید:

۱. تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۴۳۶ تا ۴۳۸. «ذیل آیه ۲۳ سوره شوری».

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

یا بن رسول الله، وقتی ما شیعیان صلوات می فرستیم و می گوئیم اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، بعضی از افراد «مخصوصاً از بانوان، و شاید از همسران آن حضرت» می گویند:

مقصود از آل محمد ما هستیم.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّمَا آلُ مُحَمَّدٍ مَنْ حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَي مُحَمَّدٍ نِكَاحَهُ، یعنی:

به درستی که آل محمد فقط کسی است که خداوند عزوجل ازدواج او را بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حرام کرده است.<sup>۱</sup>  
بنابراین:

طبق این حدیث شریف «علاوه بر صدها دلیل دیگر»، همسران پیامبر اکرم در

زمره اهل بیت پیامبر اکرم و آل آن حضرت نمی باشند، لذا:

مقصود از آل پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت در طایفه نسوان فقط و فقط

صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد و لا غیر.

ذیل آیه ۳۳ سوره احزاب توضیحات کاملی راجع به اهل بیت پیامبر اکرم صلی

الله علیه و آله و سلم ارائه شده و بیان شده است که مقصود از آل محمد علیهم السلام

و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چه کسانی هستند.

۱. معانی الاخبار، باب ۳۴، معنی آل پیامبر، صفحه ۲۲۱، حدیث ۱.



## آیه ۴۲ و ۴۳ سوره آل عمران:

«وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»  
 «یا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدِي وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ»

## ترجمه:

هنگامی که ملائکه «فرشتگان» به حضرت مریم گفتند:  
 ای مریم، خداوند متعال تو را برگزید و انتخاب نمود و تو را پاک و مطهر گردانید  
 و تو را بر زنان جهان برتری داد «آیه ۴۲».  
 ای مریم، برای پروردگارت قنوت کن و سجده به جای بیاور و با رکوع کنندگان  
 رکوع نما.<sup>۱</sup>

## شرح لغات و توضیحات:

اصْطَفَى از صَفُوْ می آید «بر وزن عَفُو»؛  
 صَفُوْ = خالص شدن، عاری شدن از ناخالصی؛  
 اصْطَفَاءُ = انتخاب کردن قسمت خالص یک چیز،  
 یک چیز و یک شیئی خالص و ناب را برگزیدن؛  
 قُنُوتٌ = اطاعت کردن، خضوع کردن، ملازم داشتن اطاعت با خضوع «اطاعت  
 همراه با خضوع و خشوع».<sup>۲</sup>  
 دو خواهر بودند به نام‌های «اشیاع» و «حَنَّة»، که اولی یعنی اشیاع با حضرت زکریا  
 ازدواج کرد و خداوند متعال حضرت یحیی را به آنها اعطا فرمود،  
 و دوومی یعنی حَنَّة با عمران ازدواج کرد و خداوند متعال حضرت مریم را به آنها  
 اعطا فرمود، بنابراین:

۱. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۶۴.

۲. المیزان، جلد ششم، صفحه ۵.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۰۲. «ذیل آیه ۳۳ سوره آل عمران».  
 مفردات راغب.

حضرت یحیی و حضرت مریم پسرخاله و دخترخاله بودند.  
قابل ذکر است که مقصود از عمران در آیه ۳۳ آل عمران «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوْحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ...»، پدر حضرت مریم می باشد نه پدر حضرت موسی «موسی بن عمران»<sup>۱</sup>.

سالها از ازدواج عمران و حنّه می گذشت لیکن فرزندی نداشتند تا اینکه حنّه نذر کرد و از خداوند متعال درخواست نمود تا خداوند سبحان به او پسری اعطا فرماید تا خادم خانه خدا شود.  
مدتی نگذشت که دعای این بانوی بزرگوار «حنّه» مستجاب شد و او باردار گردید.

پس از اینکه دوران بارداری سپری شد و او وضع حمل نمود ملاحظه کرد که فرزند او دختر می باشد «یعنی همان حضرت مریم».

حنّه به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا، من دختر به دنیا آوردم، یعنی:

فرزند من دختر است و نمی تواند خادم خانه تو «خانه خدا» بشود و خدمتگزار خانهات باشد «بیت المقدّس»

حنّه نام دخترش را مریم انتخاب نمود و به خداوند متعال عرض کرد:

دخترم مریم و ذریّه و نسل او را از شرّ شیطان به تو می سپارم.

با اینکه فرزند حنّه دختر بود «همان حضرت مریم»، لیکن خداوند متعال به نذر او «حنّه» رضایت داد که مریم در بیت المقدّس خدمت نماید در حالی که قبل از حضرت مریم هیچ بانویی برای این کار انتخاب نشده بود.

گفته شده که پدر حضرت مریم یعنی عمران قبل از تولّد حضرت مریم از دنیا رفت،

لذا کفالت و سرپرستی حضرت مریم به حضرت زکریّا سپرده شد که شوهرخاله حضرت مریم بود.

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۴۵. «ذیل آیات ۳۵ و ۳۶ سوره آل عمران».  
تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۰۶ - ۶۰۹. «ذیل آیه ۳۳ و ۳۵ و ۳۶ سوره آل عمران».

حضرت مریم پس از اینکه به سنّ بلوغ رسید، حضرت زکریّا برای او محرابی ساخت «داخل معبد»، تا حضرت مریم در آنجا به عبادت مشغول شود. محراب را بالاتر از سطح زمین می ساختند که کاملاً از نظر مردم و نگاه مردم محفوظ باشد. ورود به محراب یا با نردبان ممکن بود یا اینکه چند پله داشت که تا از طریق این پله‌ها وارد آن شوند.

گفته شده که غیر از حضرت زکریّا کسی نزد حضرت مریم نمی رفت و حضرت زکریّا بود که برای حضرت مریم غذا می برد.

حضرت زکریّا وقتی به دیدن حضرت مریم می رفت «در محراب» مشاهده می کرد که غذا و میوه‌هایی در کنار حضرت مریم است که او «زکریّا» آن‌ها را نیاورده است، لذا:

از حضرت مریم سؤال می کرد که این غذاها و میوه‌ها از کجا آمده و چه کسی آن‌ها را آورده است.

حضرت مریم به حضرت زکریّا می گفت «گفت»:

قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ «آیه ۳۷ سوره آل عمران»

یعنی:

این غذاها و میوه‌ها از جانب خداوند متعال است و خداوند متعال به هر کس که بخواهد و اراده بفرماید بی حساب روزی می دهد. قابل ذکر است که:

حضرت زکریّا و همسرش «اشیاع» فرزندی نداشتند و با اینکه حضرت زکریّا که نسل بود و همسرش نیز نازا و عقیم بود از خداوند متعال درخواست نمود تا خداوند متعال به آن‌ها فرزندی اعطا نماید و خداوند متعال نیز دعای حضرت زکریّا را اجابت نموده و حضرت یحیی را به او اعطا فرمود.

لازم به ذکر است که:

حضرت یحیی پسرخاله حضرت مریم بود و شش ماه از عیسی بن مریم بزرگ‌تر بود و به پیامبری رسید، همچنین:

حضرت یحیی نخستین کسی بود که نبوت حضرت عیسی بن مریم را تصدیق

نمود و مردم را به سوی حضرت عیسی دعوت کرد.<sup>۱</sup>  
 خداوند متعال در آیه ۳۳ سوره آل عمران می فرماید:  
 إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ، یعنی:  
 خداوند متعال، حضرت آدم، حضرت نوح، آل ابراهیم و آل عمران «حضرت مریم  
 و عیسی بن مریم» را برگزید و انتخاب کرد و آن‌ها را بر مردم جهان زمان خودشان  
 برتری داد.<sup>۲</sup>

خداوند متعال پس از اینکه در این آیه شریفه «آیه ۳۳ سوره آل عمران» فضیلت و  
 برتری آل عمران یعنی حضرت مریم را به همه زنان هم عصر خودش بیان فرمود و  
 در آیات بعد «آیه ۳۴ تا ۴۱» راجع به تولد حضرت مریم و دادن میوه و غذای بهشتی  
 به او مطالبی بیان فرمود بار دیگر در این آیات شریفه که مورد بحث ما می باشد «آیات  
 ۴۲ و ۴۳ سوره آل عمران» صحبت از حضرت مریم است و مقامات والای او.  
 خداوند متعال در این آیات شریفه می فرماید:

وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ = هنگامی که ملائکه الهی به دستور خداوند متعال به  
 حضرت مریم «مریم بنت عمران» گفتند:

ای مریم:

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ = خداوند متعال تو را برگزید و تو را انتخاب نمود، یعنی:  
**الف)** خداوند متعال تو را برگزید و تو را انتخاب کرد و تو را به عنوان خادم  
 و خدمتگزار خویش پذیرفت «خدمت در بیت المقدس» و غذاهای بهشتی به تو  
 فرستاد و به تو این توفیق را داد که:  
 همواره مشغول عبادت خداوند متعال باشی و از این طریق موجبات رضایت  
 خداوند متعال را فراهم نمایی.

ب) تو را برگزید و تو را انتخاب کرد تا حضرت عیسی فرزند تو باشد، یعنی:

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۴۵ تا ۴۸، ۵۱ تا ۵۳، ۵۵ تا ۵۷. «ذیل آیات ۳۵ تا ۳۹ سوره آل عمران».

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۰۹ تا ۶۱۷، ۶۲۱ تا ۶۲۲. «ذیل آیات ۳۵ تا ۳۹ سوره آل عمران».

۲. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۴۰.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۰۳.

خداوند متعال تو را برگزید برای ولادت حضرت عیسی آن هم بدون اینکه شوهر اختیار کرده باشی.

هر دو قولی که عرض شد می تواند صحیح باشد زیرا منافاتی با یکدیگر ندارند.

ملائکه الهی در ادامه صحبت خویش به حضرت مریم گفتند:

وَ طَهَّرَكِ = تو را پاک و مطهر نمود، یعنی:

ای مریم:

خداوند متعال با دادن ایمان و دادن توفیق عبادت و بندگی خدا تو را پاک گردانید،

همچنین:

خداوند متعال تو را از اخلاق زشت و ناروا و هر گونه آلودگی اخلاقی و معنوی

پاک گردانید، همچنین:

گفته شده که:

ممکن است منظور از اینکه خداوند متعال حضرت مریم را پاک و مطهر نموده این

باشد که «علاوه بر موارد فوق الاشاره»:

خداوند متعال حضرت مریم را از عادت ماهانه پاک نموده بود تا هیچ وقت عادت

ماهانه نشود تا بتواند همواره در بیت المقدس خدمت نماید.

همه مواردی که اشاره شد می تواند صحیح باشد، زیرا:

همه موارد فوق الذکر از مصادیق پاکی و طهارت می باشند.

ملائکه الهی در ادامه سخن خویش به حضرت مریم گفتند:

وَ اصْطَفَاكِ عَلٰى نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ = تو را به زنان جهان برتری داد.

یعنی ای مریم، خداوند متعال تو را به همه زنان عالم برتری داد.

مقصود از این که حضرت مریم به همه زنان جهان برتری داده شده این است که:

خداوند متعال حضرت مریم را به تمام زنان زمان حضرت مریم برتری داده است،

یعنی مریم در زمان خویش به همه بانوان زمان خودش برتری داشته است نه به تمام

زنان عالم از بدو خلقت تا روز قیامت، زیرا:

همچنان که در بخش حدیث به عرض خواهد رسید وجود مقدس صدیقه کبری

فاطمه زهرا سلام الله علیها سیده نساء العالمین می باشند، یعنی: مقامشان از مقام تمام

بانوان عالم برتر و بالاتر می‌باشد، از بدو خلقت تا روز قیامت. انشاء الله تعالی در بخش حدیث به عرض خواهد رسید که: وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها نه تنها به تمام زنان عالم از ابتدای خلقت تا روز قیامت برتری دارد، بلکه:

آن حضرت، کُفُو «هم‌شان، هم‌طراز، هم‌رتبه» مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام بوده و پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مقام و منزلتشان از مقام تمام انبیاء الهی نیز برتر و بالاتر می‌باشد. ممکن است این سؤال مطرح شود که:

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۴۲ سوره آل عمران» فرموده‌اند که:  
وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، یعنی:

خداوند متعال حضرت مریم را به تمام بانوان عالم برتری داده نه به تمام بانوان زمان خودش.

پاسخ این است که:

آیات شریفه دیگری نیز در قرآن کریم هست که کلمه عالمین «جهانیان» در آن آیات شریفه به کار رفته لیکن مقصود از عالمین کُلّ هستی و تمام جهان نبوده بلکه مربوط به یک عصر خاص بوده است.

«عالمین جمع عالم می‌باشد یعنی تمام جهان هستی، ضمن اینکه کلمه عالم به تنهایی معنی جمع دارد و معنی آن جهان هستی است»<sup>۱</sup>.

خداوند متعال در آیات ۴۷ و ۱۲۲ سوره بقره بنی اسرائیل را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ، یعنی:

ای بنی اسرائیل نعمت‌هایی را که به شما دادم به خاطر بیاورید، همچنین به خاطر بیاورید که من «خداوند متعال» شما بنی اسرائیل را بر جهانیان برتری دادم.

قطعاً منظور از فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ در این آیات شریفه «آیات ۴۷ و ۱۲۲ سوره

۱. مفردات راغب.

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۵۴ و ۵۵، «ذیل آیه دوم سوره حمد».

بقره» این نیست که:

خداوند متعال تمام بنی اسرائیل را به تمام انسان‌ها در تمام زمان‌ها برتری داده است، زیرا:

اولاً: همه بنی اسرائیل انسان‌های خوبی نبوده‌اند بلکه عدّه زیادی از آن‌ها «عدّه قابل توجّهی از آن‌ها» گنهکار بودند، مثلاً:

همین قوم بنی اسرائیل بودند که در غیاب حضرت موسی بن عمران گوساله‌پرست شدند، و برادران حضرت یوسف از همین بنی اسرائیل بودند که حضرت یوسف را داخل چاه انداختند و حتّی قصد کشتن او را داشتند.

ثانیاً: خداوند متعال امت اسلام را بهترین امت دانسته و درباره آن‌ها در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران فرموده:

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ...، یعنی:

شما مسلمانان بهترین امت در همه زمان‌های می‌باشید «بودید» که خلق شدید «پدیدار شدید»، بنابراین:

معنی فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ در آیه ۴۷ و ۱۲۲ سوره بقره این می‌شود که:

خداوند متعال بعضی از بنی اسرائیل را به انسان‌های زمان خودشان برتری داد نه همه بنی اسرائیل را به همه انسان‌ها در تمام ادوار از بدو خلقت تا روز قیامت.

با این توضیحاتی که به عرض رسید معنی این قسمت از آیه ۴۲ سوره آل عمران «وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» این می‌شود که:

ملائکه الهی به حضرت مریم گفتند که ای مریم:

خداوند متعال تو را به تمام بانوان زمان خودت برتری داد «نه به تمام بانوان عالم از اوّل خلقت تا روز قیامت».

آیه بعد «آیه ۴۳ سوره آل عمران» ادامه صحبت ملائکه الهی با حضرت مریم می‌باشد.

در این آیه آمده است که:

يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ = ای مریم:

برای پروردگارت قنوت کن، یعنی او را عبادت کن و در عبادت خویش خالص باش و خداوند متعال را سجده کن و همراه رکوع کنندگان رکوع نما. در واقع خطاب ملائکه الهی به حضرت مریم این گونه است که: ای مریم:

حال که خداوند متعال تو را برگزید تا مادر حضرت عیسی باشی، و تو را به عنوان خدمتگزار بیت المقدس پذیرفت تا همواره خداوند متعال را عبادت نمایی،

و تو را پاک و مطهر نمود «از هر نوع آلودگی اخلاقی و معنوی»، و تو را به تمام بانوان زمان خودت برتری داد، پس:

ای مریم:

به شکرانه این نعمات:

خداوند متعال را قنوت کن، یعنی:

خداوند متعال را با خضوع و خشوع تمام عبادت نما و در عبادت خویش خالص باش،

و خداوند متعال را سجده کن،

و همراه با رکوع کنندگان خداوند متعال را رکوع نما.

قابل ذکر است که در آیه ۴۲ سوره آل عمران از سه نعمت بزرگ یاد شده که خداوند متعال به حضرت مریم اعطا فرموده است، یعنی:

۱. اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰکِ «تو را برگزید»؛

۲. وَطَهَّرْکِ «تو را پاک و مطهر نمود»؛

۳. وَاصْطَفٰکِ عَلٰی نِسَاءِ الْعٰلَمِیْنَ «تو را به تمام بانوان زمان خودت برتری داد».

و در آیه ۴۳ سوره آل عمران به حضرت مریم دستور داده شده تا در مقابل این سه نعمت سه عمل انجام دهد، یعنی:

۱. اَقْنَتِیْ لِرَبِّکِ «پروردگارت را با خضوع و خشوع کامل عبادت کن»؛

۲. وَاسْجُدِیْ «به پروردگارت سجده نما»؛

۳. وَارْکَعِیْ مَعَ الرَّاكِعِیْنَ «همراه رکوع کنندگان پروردگارت را رکوع کن».



بعید نیست که هر یک از این سه عمل و سه عبادت که حضرت مریم مأمور و موظف به انجام آن شده به ترتیب در برابر سه فضیلت و سه نعمتی باشد که خداوند متعال به حضرت مریم اعطا فرموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

در آیات ۴۲ و ۴۳ سوره آل عمران و چند آیه قبل از این دو آیه شریفه برای حضرت مریم بنت عمران «مادر حضرت عیسی» سه فضیلت و سه ویژگی بیان شده است «به قرار ذیل».

۱. برای حضرت مریم غذا و میوه بهشتی می آمد «زمانی که حضرت مریم در بیت المقدس مشغول عبادت بود».

۲. ملائکه الهی «فرشتگان» با حضرت مریم سخن می گفتند.

۳. سیده نساء زمان خودش بود «برترین بانوی بانوان زمان خودش بود»، یعنی:

مقام حضرت مریم از مقام همه بانوان زمان خویش برتر و بالاتر بود.

همچنان که در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها سه ویژگی و سه فضیلتی را که حضرت مریم دارند در عالی ترین درجه دارا می باشد، ضمن اینکه وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها ویژگی هایی دارند که خداوند متعال آن ویژگی ها را فقط به تعداد معدودی از انبیاء اعطا فرموده است که از جمله آن ها نزول جبرئیل امین به محضر آن حضرت می باشد که انشاء الله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

### حدیث:

بخش حدیث را در سه قسمت ملاحظه خواهید فرمود «قسمت الف، ب، ج»  
الف) آمدن مائده و غذای بهشتی خدمت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها.

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۶۵ - ۶۶.

المیزان، جلد ششم، صفحه ۵.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۳۲ - ۶۳۳.

وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:  
 امور زندگی و منزل بین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و صدّیقه کُبری فاطمه زهرا سلام الله علیها تقسیم شده بود، یعنی:  
 کارهای بیرون از منزل از قبیل تهیه هیزم و غذا «آرد، گوشت و...» به عهده امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام بود،  
 و کارهای داخل خانه از قبیل پختن نان و غذا و نظافت منزل به عهده صدّیقه کُبری فاطمه زهرا سلام الله علیها.

روزی علی علیه السّلام از حضرت زهرا سلام الله علیها پرسید:  
 آیا غذایی در منزل موجود است.

حضرت زهرا علیها السّلام عرض کرد:

خیر، غذایی در منزل موجود نیست.

حضرت علی علیه السّلام فرمود:

چرا مرا آگاه نساختی «چرا نگفتی که در منزل غذا موجود نیست».

حضرت زهرا سلام الله علیها عرض کرد:

سفارش پدرم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم بود که چیزی از تو درخواست

نکنم «یعنی تو را به زحمت نیندازم».

پس از این قضیه حضرت علی علیه السّلام از منزل بیرون رفت و از شخصی یک

دینار قرض گرفت تا با آن پول برای منزل غذا تهیه کند لیکن در بین راه مقدار بن

اسود را دید و از مقدار سؤال کرد:

یا مقدار به چه منظوری از منزل خارج شده ای.

مقداد بن اسود به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام عرض کرد:

یا امیرالمؤمنین:

گرسنگی مرا از منزل بیرون کشانده است.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام یک دیناری را که قرض

کرده بود به مقداد بن اسود داد و دست خالی به منزل بازگشت.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام وقتی دست خالی به منزل

بازگشتند ملاحظه فرمودند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم داخل منزل هستند و ظرف سرپوشیده‌ای نیز مقابل آن حضرت است و وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز مشغول نماز می‌باشند.

وقتی نماز حضرت زهرا سلام الله علیها به پایان رسید حضرت ایشان سرپوش ظرف را برداشتند و معلوم شد که داخل ظرف پُر از غذای مخصوص می‌باشد. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:

أَنْتِ لِكِ هَذَا، یعنی:

یا فاطمه، این غذا را از کجا آوردی «این غذا از کجا رسیده».

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:

هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ، یعنی:

این غذا از ناحیه خداوند متعال رسیده است و خداوند متعال به هر کس که اراده بفرماید بی حساب روزی می‌دهد «خداوند متعال به هر کس که اراده بفرماید بی شمار اعطای می‌فرماید».

این جا بود که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

این قضیه مانند قضیه حضرت زکریا می‌باشد که وقتی در کنار محراب حضرت مریم می‌آمد و غذای مخصوص در کنار او می‌دید به او می‌گفت:

يَا مَرْيَمُ أَنْتِ لِكِ هَذَا، قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ «آیه ۳۷ سوره

آل عمران»، یعنی:

ای مریم، این غذا را از کجا آورده‌ای «این غذا از کجا رسیده است»، و حضرت مریم به حضرت زکریا می‌گفت که این غذا از ناحیه خداوند متعال رسیده است و خداوند متعال به هر کس که اراده بفرماید بی حساب «بی شمار» روزی می‌دهد.

امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها یک ماه از آن غذا خوردند و آن ظرف اکنون نزد ما است و حضرت قائم علیه السلام در آن

ظرف غذا خواهند خورد.<sup>۱</sup>

### توضیح:

تفسیر فوق‌الذکر این حدیث شریف را ذیل آیه ۳۷ سوره آل عمران درج نموده‌اند «تفسیر برهان این حدیث را ذیل آیه ۴۳ و ۴۴ سوره آل عمران نیز نقل نموده است». این حدیث را مفسرین اهل سنت نیز در تفاسیر خویش نقل نموده‌اند، از قبیل: زمخشری در تفسیر کشاف؛ بیضاوی در انوار التنزیل؛<sup>۲</sup>

ب) سخن گفتن ملائکه الهی با صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها:  
۱. امام صادق علیه السلام فرمودند:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها به این دلیل مُحَدَّثَةٌ نامیده شد که ملائکه الهی خدمت آن حضرت نازل شده و با آن حضرت سخن می‌گفتند همان‌گونه که با مریم بنت عمران «مادر حضرت عیسی علیه السلام» سخن می‌گفتند. امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: ملائکه الهی خدمت فاطمه زهرا سلام الله علیها نازل شده و به آن حضرت عرض می‌کردند:

يَا فَاطِمَةُ:

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَأَصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

يَا فَاطِمَةُ:

أَقْنَتِي لِرَبِّكِ وَأَسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ، یعنی:

یا فاطمه:

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۹ - ۱۰.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۵۰ - ۵۱ - ۵۵، حدیث ۸ و ۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۱۷، حدیث ۱۱۷ «حدیث ۱۴۶۲».

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۱۸ - ۶۱۹.

۲. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۱۰ «ذیل آیه ۳۷ سوره آل عمران».

خداوند متعال تو را برگزید و تو را پاک نمود و تطهیر کرد «از تمام عیوب و آلودگی‌ها» و تو را به تمام بانوان عالم برتری داد،  
یا فاطمه:

به شکرانه این نعمات عظیم پروردگارت را عبادت کن «قنوت کن» و برای پروردگارت سجده نما و همراه رکوع‌کنندگان برای پروردگارت رکوع کن.  
امام صادق علیه‌السلام در ادامه بیانات خویش فرمودند:

ملائکه الهی با فاطمه زهرا سلام‌الله علیها سخن می‌گفتند و آن حضرت نیز با ملائکه الهی سخن می‌گفت و طی این صحبت‌ها بود که ملائکه الهی به فاطمه زهرا سلام‌الله علیها عرض کردند:  
یا فاطمة:

أَنَّ مَرْيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا، وَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكَ وَ عَالَمِهَا وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأَوَّلِينَ وَ الْأَخِيرِينَ، یعنی:  
ای فاطمه:

مریم بنت عمران سیده نساء زمان خویش بود «حضرت مریم برترین و با فضیلت‌ترین بانوی بانوان زمان خودش بود»، لیکن:  
ای فاطمه:

خداوند متعال تو را سرور و سیده بانوان زمان خودت و سرور و سیده بانوان زمان مریم و سرور بانوان تمام عالم قرار داده است، از اولین تا آخرین «از ابتدای خلقت تا روز قیامت».

این حدیث را زید بن علی بن حسین علیه‌السلام از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۱۵ و ۱۶، «ذیل آیات ۴۱ تا ۴۴ سوره آل عمران».  
تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۲۵، حدیث ۱۳۱ «حدیث ۱۴۷۶».  
تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۳۲، «ذیل آیه ۴۲ و ۴۳ سوره آل عمران».  
علل الشرایع، جلد اول، باب ۱۴۶، صفحه ۵۹۵، حدیث ۱.

**توضیح:**

طبق این حدیث شریف وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها هم مُحَدَّثَه بوده‌اند «یعنی ملائکه خداوند متعال خدمت آن حضرت نازل شده و با ایشان سخن می‌گفتند».

هم سیده نساء العالمین بوده‌اند «یعنی برترین بانوی بانوان عالم از اوّل خلقت تا روز قیامت» و مقام آن حضرت از مقام تمام بانوان عالم برتر و بالاتر می‌باشد. قبل از اینکه به ادامه بحث پردازیم و احادیثی در رابطه با مُحَدَّثَه بودن آن حضرت و سیده نساء بودن ایشان به عرض برسانیم لازم است راجع به معنی مُحَدَّثَه توضیحاتی به عرض رسانده شود.

سَیِّد = آقا، بزرگ، سرور «مونت سید می‌شود سَیِّدَه»؛

حدیث = سخن، خبر «اصطلاحاً به فرمایشات وجود مقدّس چهارده معصوم

علیهم السّلام حدیث گفته می‌شود، و جمع حدیث می‌شود احادیث»؛

مُحَدِّثٌ = گوینده سخن، کسی که به او سخن می‌گوید؛

مُحَدَّثٌ = شنونده سخن، کسی که به او سخن و خبر گفته می‌شود.

مُحَدَّثٌ اسم مفعول است و مونت آن می‌شود مُحَدَّثَه.

ائمه معصومین علیهم السّلام مُحَدَّثٌ می‌باشند و وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله

علیها مُحَدَّثَه، یعنی:

خداوند متعال ملائکه را خدمت آن بزرگواران نازل فرموده و ملائکه الهی با آن ذوات مقدّسه سخن می‌گفتند و مطالب و اخبار و علمی را که خداوند متعال امر فرموده بود به اطلاع آن بزرگواران می‌رساندند.<sup>۱</sup>

در جلد دوم اصول کافی «کتاب الحجّه، باب مُحَدَّثٌ بودن ائمه معصومین علیهم السّلام، صفحه ۱۳ تا ۱۵» پنج حدیث نقل شده «حدیث ۷۰۳ تا ۷۰۷» که طبق آن احادیث شریف ائمه معصومین علیهم السّلام مُحَدَّثٌ می‌باشند،

یعنی ملائکه الهی با آن ذوات مقدّسه سخن می‌گفتند، همچنان که وجود مقدّس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز مُحَدَّثَه بودند،

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۱۰، حدیث ۴ «حدیث ۶۹۹».

یعنی ملائکه الهی خدمت آن حضرت شرفیاب شده و با ایشان سخن می گفتند «قابل ذکر است که مُحَدَّثَه یکی از نام‌های مبارک آن حضرت می باشد».

در بعضی از روایات آمده که:

مُحَدَّثٌ و مُحَدَّثَه «کسانی که ملائکه الهی با آنها سخن می گویند» صدای ملائکه را می شنوند لیکن خود ملائکه را نمی بینند.

علامه طباطبایی در بحث روایتی ذیل آیات ۴۲ تا ۶۰ سوره آل عمران «المیزان، جلد ششم، صفحه ۵۵ و ۵۶» در رابطه با محدث می گوید:

ملاک اصلی مُحَدَّثٌ بودن آن است که:

صدای مَلَك «فرشته» را بشنود اما دیدن مَلَك لازم نیست، لذا اگر برای کسی اتّفاق بیفتد که در حین شنیدن صدای ملائکه خود ملائکه را ببیند این رویت ملائکه از جهت مُحَدَّثٌ بودنش نیست زیرا در قرآن کریم صریحاً بیان شده که: بعضی از مُحَدَّثِین در حین شنیدن صدای مَلَك خود مَلَك را نیز دیده‌اند.

خداوند متعال در آیه ۱۷ سوره مریم می فرماید:

فَارْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا، یعنی:

ما روح خود را «یکی از ملائکه را» به سوی حضرت مریم «مریم بنت عمران» فرستادیم و این مَلَك در شکل یک انسان کامل و بی عیب و نقص و خوش قیافه‌ای بر مریم ظاهر شد.

حضرت مریم به آن فرشته که به صورت یک انسان کامل و زیبا ظاهر شده بود گفت:

إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا «آیه ۱۸ سوره مریم» یعنی:

من از شرّ تو به خداوند رحمان پناه می برم اگر پرهیزکار هستی.

مَلَكی که به صورت انسان ظاهر شده بود به حضرت مریم گفت:

أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا «آیه ۱۹ سوره مریم» یعنی:

من فرستاده پروردگار تو هستم و آمده‌ام تا پسر پاکیزه‌ای «یعنی حضرت عیسی» به تو ببخشم.

بنابراین:

مریم بنت عمران که مُحَدَّثَه بود مَلَك را می‌دید و با او سخن می‌گفت، لذا ائمه معصومین علیهم السلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها به طریق اولی ملائکه را می‌بینند و با آنها سخن می‌گویند زیرا مقام این ذوات مقدسه از مقام انبیاء عظام الهی برتر و بالاتر می‌باشد تا چه رسد به مقام حضرت مریم «در ادامه بحث انشاء الله تعالی به این موضوع اشاره خواهد شد».

لذا:

اگر در بعضی از احادیث و روایات دیده شدن ملائکه توسط مُحَدَّث و مُحَدَّثَه نفی شده ممکن است:

الف) دیدن حقیقت مَلَك «فرشته» نفی شده باشد، نه در صورتی که به شکل دیگری مُمَثَل شده باشد «مُمَثَل به چیزی می‌گویند که به صورت و به شکل دیگری ظاهر و نمایان شود»،

ب) یا اینکه آن دیدنی نفی شده باشد که همراهش وحی تشریحی باشد، به نحوی که مَلَك ظاهر شود و حُکم شرعی را بر او القاء نماید. قابل ذکر است که ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره در رابطه با تفاوت امام و رسول توضیحاتی ارائه شده است.

انشاء الله تعالی در ادامه بحث به عرض خواهد رسید که اعظم ملائکه یعنی جبرئیل که امین وحی الهی است خدمت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها نازل می‌شد و با آن حضرت سخن می‌گفت.

پس از ارائه توضیحات مختصری در رابطه با مُحَدَّث و مُحَدَّثَه به ادامه بخش حدیث می‌پردازیم «احادیث مربوط به سخن گفتن ملائکه الهی با صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها».

۲. امام صادق علیه السلام فرمودند:

فاطمه زهرا سلام الله علیها بعد از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هفتاد و پنج روز در دنیا بود و از دوری و فراق پدر بزرگوار خویش بسیار



اندوهگین، و در این مدّت کوتاه جبرئیل نزد فاطمه زهرا سلام الله علیها می آمد و آن حضرت را در مرگ پدر تسلیت می داد و خوشدل می ساخت و از احوال و مقام پیامبر اکرم به او خبر می داد و سرگذشت اولاد و فرزندان حضرت زهرا را به آن حضرت می گفت «آنچه را که پس از حضرت زهرا به فرزندان آن حضرت روی خواهد داد بیان می کرد»، و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام آن ها را می نوشت و آن نوشته ها مُصحف فاطمه علیها سلام می باشد.<sup>۱</sup>

قابل ذکر است که:

حضرت جبرئیل علیه السلام که امین وحی الهی است طی این مدّت کوتاه هفتاد و پنج روزه «بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم تا زمان شهادت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها» به طور مکرّر به حضور حضرت زهرا علیها سلام می رسید و با آن حضرت مراوده داشت و به امر خداوند متعال مطالبی به آن حضرت می گفت، و وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام آن مطالب را می نوشت و این مطالب به نام مُصحف حضرت فاطمه سلام الله علیها می باشد که دو یا سه برابر قرآن کریم است، لیکن مطالب قرآن کریم در آن نیست «چیزی از ظاهر قرآن کریم در مُصحف حضرت فاطمه سلام الله علیها نیست».

در رابطه با نزول جبرئیل خدمت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و مُصحف حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها چند حدیث دیگر نیز در اصول کافی وجود دارد<sup>۲</sup> که جهت رعایت اختصار از درج آن ها خودداری می گردد.

قابل ذکر است که ذیل آیات شریفه سوره قدر در رابطه با نزول ملائکه خدمت ائمه معصومین علیهم السلام توضیحاتی ارائه شده است.

ج) صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها سیده نساء عالمین است، یعنی مقام آن حضرت از تمام بانوان عالم برتر و بالاتر می باشد، از اوّل خلقت تا روز قیامت. احادیث فراوانی از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمه

۱. اصول کافی، جلد اوّل، صفحه ۳۴۸ - ۳۴۹، حدیث ۵ «حدیث ۶۳۳».

۲. اصول کافی، جلد اوّل، صفحه ۳۴۴ تا ۳۵۰، حدیث ۶۲۹ تا ۶۳۶.

معصومین علیهم السّلام صادر شده که وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها سیّده و سرور بانوان عالم می باشد، از اوّل خلقت تا روز قیامت.

به عنوان نمونه به تعدادی از این احادیث نورانی اشاره می شود.

۱. امام صادق علیه السّلام فرمودند:

ملائکه الهی خدمت فاطمه زهرا سلام الله علیها نازل شده و به آن حضرت عرض

می کردند:

یا فاطمةُ:

أَنْ مَرِيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةً نِسَاءِ عَالَمِهَا، وَأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكِ وَ عَالِمِهَا وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، یعنی:

ملائکه الهی به حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها عرض می کردند:

یا فاطمه:

مریم بنت عمران «مادر حضرت عیسی» سیّده بانوان زمان خودش بود «برترین و با

فضیلت ترین بانو در بین بانوان زمان خودش بود»، لیکن:

ای فاطمه:

خداوند متعال تو را سیّده بانوان زمان خودت و سیّده بانوان زمان مریم و سیّده بانوان عالم قرار داده است، از اوّلین تا آخرین «یعنی حضرت زهرا سلام الله علیها با فضیلت ترین بانو در بین تمام بانوان عالم می باشد، از بدو خلقت تا روز قیامت».

این حدیث را زید بن علی بن حسین علیه السّلام از امام صادق علیه السّلام نقل

نموده است.<sup>۱</sup>

۲. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

مَلَكِي «فرشته ای» از جانب خداوند متعال نزد من نازل شد و به من بشارت داد که

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۱۵ و ۱۶.

«ذیل آیات ۴۱ تا ۴۴ سوره آل عمران».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، حدیث ۱۳۱ «حدیث ۱۴۷۶».

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۳۳ «ذیل آیه ۴۲ و ۴۳ سوره آل عمران».

علل الشرایع، جلد اول، باب ۱۴۶، صفحه ۵۹۵، حدیث ۱.

دخترت فاطمه سیده بانوان عالم می باشد.

این حدیث شریف را حذیفه از وجود مقدس پیامبر اکرم نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۳. یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام مفضل بن عمر نقل می کند که محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم:

یا بن رسول الله:

مرا از فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آگاه کن که آن حضرت درباره فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمودند:

إِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ «یعنی فاطمه زهرا سیده و سرور بانوان عالم است»

یا بن رسول الله:

آیا فاطمه زهرا سلام الله علیها سیده و برترین بانوان زمان خودش بود.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال مفضل بن عمر فرمود:

ذَاكَ لِمَرْيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا، وَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،

یعنی:

این مقام برای حضرت مریم است که سیده و سرور و برترین بانوان زمان خودش

بود، لیکن:

فاطمه زهرا سلام الله علیها سیده و سرور و برترین بانوی بانوان جهان می باشد از

اول خلقت تا پایان «تا روز قیامت».<sup>۲</sup>

۴. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

حَسْبُكَ مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ حَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ «صلی الله علیه و آله و سلم»

وَ آسِيَةُ امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۰۲ «ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران».

۲. تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۴۹ - حدیث ۷. «ذیل آیه ۴۲ سوره آل عمران».

معانی الاخبار، جلد اول، باب ۴۱ صفحه ۲۵۳، حدیث ۱.

شریف‌ترین زنان جهان عبارتند از:

مریم بنت عمران «مادر حضرت عیسی علیه‌السلام»،

خدیجه بنت خویلد «مادر گرانقدر حضرت زهرا سلام‌الله علیها»،

فاطمه بنت محمد «فاطمه زهرا سلام‌الله علیها دختر گرانقدر پیامبر اکرم صلی الله

علیه و آله و سلم»،

آسیه همسر فرعون.

این حدیث شریف به طرق مختلف از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده و شیعه و سنی آن را در کتاب‌های خویش آورده‌اند که تعدادی از آنها را ذیلاً ملاحظه می‌فرمائید.

انس این حدیث را از پیامبر اکرم نقل نموده و سیوطی «از علمای اهل تسنن» در کتاب خویش «درالمنثور» آورده است.

در همین کتاب «درالمنثور»، این حدیث شریف علاوه بر انس از ابن عباس، حسن و عبدالرحمن بن ابی لیلی نیز نقل شده است، همچنین:

این حدیث را ثعلبی «از علمای اهل تسنن» نیز نقل نموده است.

راوی این حدیث ابی هریره می‌باشد «ثعلبی از ابی هریره نقل نموده است».<sup>۱</sup>

### توضیح:

احادیث و روایات با این مضمون از طریق شیعه و سنی زیاد نقل شده است. بدیهی است هر چهار بانوی گرانقدر که از آنها یاد شده شریف‌ترین بانوان عالم می‌باشند، لیکن حضرت زهرا سلام‌الله علیها افضل آنها می‌باشد، یعنی: هیچ منافاتی ندارد که یکی از آن بانوان شریف‌ترین بانوان عالم باشد از ابتدای خلقت تا روز قیامت.

به عبارت دیگر:

منافاتی ندارد که هر چهار بانوی فوق‌الذکر برگزیده خداوند متعال باشند در عین

۱. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۴۸.

المیزان، جلد ششم، صفحه ۴۶ - ۴۷.

حال مقام و منزلت آن‌ها یکسان نباشد.

خداوند متعال در آیه ۳۳ سوره آل عمران می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ، یعنی:

خداوند متعال حضرت آدم و حضرت نوح و آل ابراهیم و آل عمران «خاندان حضرت ابراهیم و خاندان عمران یعنی اسماعیل، اسحاق، یعقوب، مریم، عیسی و ...» برگزید و آن‌ها را بر مردم زمان خودشان برتری داد.

ملاحظه می‌فرمائید که حضرت آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همگی برگزیدگان خداوند متعال هستند لیکن بعضی بر بعضی دیگر برتری دارند، یعنی:

پیامبران اولوالعزم «حضرت نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیهم‌السلام و وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» بر سایر انبیاء برتری دارند، و وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که سیدالانبیاء می‌باشد بر حضرت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم‌السلام برتری دارد. ذیل آیه ۲۵۳ سوره بقره در رابطه با فضیلت و برتری بعضی از پیامبران بر پیامبران دیگر توضیحات مختصری ارائه شده است.<sup>۱</sup>

۵. وجود مبارک صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام‌الله علیها فرمودند:

پدرم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود:

یا فاطمةُ:

أَنْتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ لَا مَرِيْمٌ الْبِتُولُ، یعنی:

ای فاطمه:

تو سیده و سرور و برترین بانوی بانوان بهشت هستی نه مریم بتول «مریم بنت عمران».

این حدیث شریف را ابن ابی شیبه، همچنین ابن جریر از وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام‌الله علیها نقل نموده‌اند،

و سیوطی «از علمای اهل تسنن» آن را در کتاب خویش «درالمنتور» آورده است.<sup>۱</sup>

۶. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

أَرْبَعُ نِسْوَةٍ سَادَاتِ عَالَمِهِنَّ،

مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ،

آسِيَةُ بِنْتُ مِزْحَمٍ،

خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ،

وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ»، وَ أَفْضَلُهُنَّ عَالِمًا فَاطِمَةُ، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

چهار زن سیده و سرور بانوان زمان خودشان بودند:

مریم دختر عمران «مریم مادر حضرت عیسی»

آسیه همسر فرعون،

خدیجه دختر خویلد «خدیجه مادر گرانقدر حضرت زهرا سلام الله علیها»،

فاطمه دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم «حضرت زهرا سلام الله

علیها»،

لیکن:

فاطمه بنت محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» از حیث دوران و زمان از آنها

برتر و بالاتر است، یعنی:

وجود مقدّس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها سیده بانوان عالم می باشد از

اوّل خلقت تا روز قیامت.

این حدیث شریف را ابن عباس از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

و سلم نقل نموده است.<sup>۲</sup>

همان طور که عرض شد روایاتی که از طریق شیعه و سنی نقل شده «در رابطه با

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۴۵.

«بحث روایتی ذیل آیات ۴۲ تا ۶۰ سوره آل عمران».

۲. المیزان، جلد ششم، صفحه ۴۵.

«بحث روایتی ذیل آیات ۴۲ تا ۶۰ سوره آل عمران».

اینکه حضرت زهرا سلام الله علیها سیده بانوان عالم می باشد» فراوان است که تعدادی از آنها را ملاحظه فرمودید.

جهت رعایت اختصار فقط به دو حدیث دیگر اکتفا می شود.

۷. وجود مقدس سید الشهداء ابا عبدالله الحسین سلام الله علیه فرمودند:

وقتی فاطمه زهرا سلام الله علیها از دنیا رفت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام او را پنهانی به خاک سپرد و جای قبرش را ناپدید کرد و آنگاه رو به قبر مطهر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نمود و به محضر پیامبر اکرم عرض کرد:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي،

وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ عَنِ ابْنَتِكَ وَ زَائِرَتِكَ وَ الْبَائِتَةِ فِي الثَّرَى بِبُقْعَتِكَ وَ الْمُخْتَارِ اللَّهُ لَهَا سُرْعَةَ  
اللَّحَاقِ بِكَ،

قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي وَ عَفَا عَنِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ تَجَلُّدِي قَدْ اسْتُرْجِعْتِ  
الْوَدِيْعَةَ،

وَ أَخَذَتِ الرَّهِيْنَةَ،

وَ أَخْلَسَتِ الزَّهْرَاءِ،

أَمَا حُزْنِي فَسَرَمْتُ، وَ أَمَا لَيْلِي فَمُسَهَّدْتُ،

إِلَى اللَّهِ أَشْكُو،

وَ سَتَّبِعْتُكَ ابْنَتِكَ بِتَطَافُرِ أُمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا،

فَأَخْفَهَا السُّؤَالَ وَ اسْتَخْبِرَهَا الْحَالَ،

فَكَمَ مِنْ غَلِيلٍ مُعْتَلَجٍ بِصَدْرِهَا لَمْ تَجِدِ إِلَيَّ بَنَّةً سَبِيلاً وَ سَتَّقُولُ،

وَ يَحْكُمُ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ، یعنی:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام پس از دفن بدن مطهر صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها رو به قبر مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نمود و به آن حضرت عرض کرد:

سلام بر تو ای رسول خدا از جانب من و از جانب دخترت که اکنون به دیدار تو آمده و در خاک آرمیده است.

یا رسول الله:

صبر و شکیبائی من از فراق زهرا که محبوب تو و برگزیده تو بود کم شده است، و فراق و جدایی از سیده بانوان عالم «یعنی حضرت زهرا سلام الله علیها» طاقت و توان خویشتنداری را از من سلب نموده است.

اینک امانت پس گرفته شد «یعنی حضرت زهرا سلام الله علیها امانتی بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام سپرده بود، اکنون به نزد پیامبر اکرم بازگشت» و گروگان به صاحبش رسید «امانت به صاحبش رسید»،

و زهرا از دستم ربوده شد.

اندوه من همیشگی است و شب‌های من به بی خوابی می‌گذرد «غم و اندوه من همیشگی خواهد بود و خواب به چشمان من نخواهد آمد»، تنها به خداوند متعال شکایت می‌کنم.

یا رسول الله:

به زودی دخترت زهرا به تو خبر خواهد داد که چگونه اَمّت تو با یکدیگر همدست شده و به او «حضرت زهرا» ظلم نموده و حقّ او را ربودند.

یا رسول الله:

راجع به همه وقایعی که بعد از رحلت تو به وقوع پیوست از دخترت زهرا سؤال کن و از او گزارش بخواه و همه را پیرس،

زیرا دخترت حضرت زهرا چه بسیار دردهایی در دل داشت که مانند آتش در سینه‌اش می‌جوشید و موج می‌زد لیکن در دنیا راهی برای گفتن آنها و شرح دادن آنها نیافت ولی اکنون به شما خواهد گفت.

خداوند متعال داوری می‌کند «داوری خواهد کرد» و خداوند متعال بهترین داوران

است.<sup>۱</sup>

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۵۶ - ۳۵۷، حدیث ۳ «حدیث ۱۲۳۸».

«باب زندگانی حضرت زهرا سلام الله علیها».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۲۵، حدیث ۱۳۲ «حدیث ۱۴۷۷».



**توضیح:**

در این حدیث شریف ملاحظه فرمودید که وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: فراق و جدایی از سیده بانوان عالم طاق و توان خویشنداری را از من سلب نموده است، یعنی:

شهادت سیده بانوان عالم حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها طاق و توان خویشنداری را از حضرت علی علیه السلام سلب نموده و صبر و شکیبائی آن حضرت به علت فراق و دوری از حضرت زهرا سلام الله علیها کم شده است. قابل ذکر است که:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری هنگام بازگشت از مکه به مدینه «پس از اتمام مناسک حج» در محل غدیر خم خطبه مفصلی ایراد فرموده و پس از حمد و ثنای خداوند متعال قطره‌ای از دریای بیکران فضائل و مناقب مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را بیان نمودند و سپس به امر خداوند متعال آن حضرت را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند: وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قسمتی از فرمایشات خویش فرمودند:

إِنِّي أَنْذِرُكُمْ أَنَّي رَسُولُ اللَّهِ، قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ، أَفَإِنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ انْقَلَبْتُمْ عَلَيَّ أَعْقَابِكُمْ،  
وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَيَّ عَقْبِيهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا،  
وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ،  
أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ،  
ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِي،

ای مردم:

من شما را انذار می‌کنم و بیم می‌دهم که من رسول خدا هستم و قبل از من هم رسولانی بوده‌اند.

ای مردم:

اگر من بمیرم یا کشته شوم شما به زمان جاهلیت بازمی گردید «یعنی راه شرک و کُفر را در پیش می گیرید»،

هر کس به عقب برگردد «به شرک و کُفر جاهلیت برگردد که قبل از اسلام در آن سرزمین رواج داشت» به خداوند متعال ضرر و زیان نرسانده است «به خداوند متعال زیان نمی رسد»،

و به زودی خداوند متعال اجر و پاداش شاکرین و صابرین را اعطا خواهد فرمود. ای مردم:

بدانید و آگاه باشید که علی بن ابیطالب «علیه السلام» به صبر و شکر توصیف شده است «به زیور صبر و شکر آراسته شده و صبار و شکور می باشد» و پس از او فرزندان من که از صُلب او هستند «یعنی ائمه معصومین علیهم السلام» این چنین می باشند «یعنی صبار و شکور هستند»<sup>۱</sup>.

ملاحظه فرمودید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این خطبه شریف وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، همچنین دیگر ائمه معصومین علیهم السلام را به داشتن صفت صبر و شکر معرفی فرمودند،

لیکن همین علی بن ابیطالب علیه السلام پس از شهادت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها در غم فراق آن حضرت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض می کند:

صبر و شکیبائی من از دوری و فراق حضرت زهرا سلام الله علیها کم شده و طاقت و توان خویشنداری از من سلب شده است.

یعنی:

شهادت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و فراق و دوری آن حضرت به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به حدی سخت و ناگوار و سنگین بود که اینگونه با پیامبر اکرم سخن می گوید.

اما امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در این مصیبت عظمی صبر پیشه نمود و همانگونه که ملاحظه فرمودید به پیامبر اکرم عرض کرد:

۱. شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۳۷۷ - ۳۸۰.

تنها به خداوند متعال شکایت می‌کنم و خداوند متعال بین ما و دشمنان ما حکمیت و داوری خواهد فرمود و خداوند متعال بهترین داوران می‌باشد. این فرمایش رسول خدا در غدیر خم مبنی بر اینکه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و ائمه معصومین علیهم‌السلام معدن صبر و شکر می‌باشند و موصوف به صبر و شکر هستند شاید اشاره به این باشد که ائمه معصومین علیهم‌السلام و مخصوصاً وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گرفتار مصائب بسیار شدیدی خواهند شد، لیکن صبر پیشه خواهند نمود و استقامت خواهند کرد و راضی به رضای خداوند متعال خواهند بود.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در خطبه شقشقیه می‌فرمایند:  
**صَبْرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجَى، یعنی:**  
 صبر کردم در حالی که خار در دیده داشتم و استخوان در گلو.

۸. وجود مقدس فاطمه زهرا سلام‌الله علیها در حضور عده‌ای از مردم مدینه ابوبکر و عمر را مورد خطاب قرار داده و به آنها فرمود:  
 آیا نشنیدید که پدرم رسول خدا فرمود:  
**إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، یعنی:**  
 به درستی که «یقیناً» دخترم فاطمه سیده بانوان بهشت می‌باشد.  
 همه افرادی که آن‌جا حضور داشتند عرض کردند:  
 ای دختر پیامبر، به خدا قسم این سخن را از پیامبر اکرم شنیدیم.  
 حضرت زهرا سلام‌الله علیها فرمودند:

آیا سیده بانوان بهشت ادّعی باطل و بی‌اساس می‌کند و می‌خواهد چیزی را تملک و تصاحب کند «یعنی فدک را» که متعلق به او نیست.<sup>۱</sup>

قابل ذکر است که پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و غضب فدک وجود مقدس فاطمه زهرا سلام‌الله علیها برای باز پس‌گیری فدک با ابوبکر و

۱. کتاب فاطمه زهرا سلام‌الله علیها سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله احمد رحمانی همدانی، صفحه ۴۰۰-۴۰۱.

عمر احتجاجاتی داشته و مطالبی بیان فرموده است که مورد اخیر یکی از فرمایشات آن حضرت می باشد که به اختصار نقل شد و ملاحظه فرمودید.

احادیث و روایات در رابطه با اینکه وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها سیده نساء عالمین من الاولین و الآخیرین است و آن حضرت سیده بانوان بهشت می باشد فراوان است لیکن به همین مقدار اکتفا می شود.

### توضیح:

سیده بانوان عالم بودن برای صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها فضیلت به شمار می رود لیکن برای آن وجود مقدس، سیده بانوان عالم بودن فضیلت فوق العاده ای نیست، یعنی:

اگر بگوئیم شأن و مقام صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها از مقام همه بانوان عالم از ابتدای خلقت تا روز قیامت برتر و بالاتر می باشد سخن درستی گفته ایم و حقیقتی را بیان کرده ایم، لیکن فضیلت و مقام واقعی آن حضرت را اظهار ننموده ایم، زیرا:

مگر در بین تمام بانوان عالم از ابتدای خلقت تا روز قیامت چند زن مقام و موقعیت فوق العاده و ویژه ای دارند که برتر بودن مقام حضرت زهرا سلام الله علیها از آن بانوان ممتاز فضیلت ویژه ای برای آن حضرت به شمار رود.

وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها نه تنها سیده بانوان عالم می باشد و مقام آن حضرت از مقام همه بانوان عالم برتر و بالاتر می باشد، بلکه: مقام و منزلت حضرت زهرا سلام الله علیها بعد از وجود نازنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از همه مخلوقات برتر و بالاتر می باشد «غیر از وجود مقدس مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام».

به عبارت دیگر:

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها کفو و هم شأن مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بوده و مقام و منزلت آن حضرت «حضرت زهرا سلام الله علیها» پس از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از

مقام تمام انبیاء الهی برتر و بالاتر می باشد.

در این رابطه فقط به سه حدیث اشاره می شود:

۱. وجود مقدس امام رضا سلام الله علیه فرمودند:

وقتی که خداوند متعال حضرت آدم را خلق فرمود و به همه ملائکه دستور داد تا به حضرت آدم سجده کنند «سجده احترام و خضوع، نه سجده پرستش» حضرت آدم در دل خویش با خود گفت:

ایا خداوند متعال بشری بهتر و برتر از من «افضل از من» خلق فرموده است.

خداوند متعال از فکر حضرت آدم و از آنچه که از دل او گذشته بود مطلع شد

و به حضرت آدم فرمود:

ای آدم سَرَت را بلند کن و به ساق عرش نگاه کن.

حضرت آدم سرش را بلند کرده و به ساق عرش «پایه عرش» نگاه کرد و دید

که آن جا نوشته شده:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ،

عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ زَوْجَتُهُ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، یعنی:

خدایی جز الله نیست،

محمد رسول خدا است،

علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین است و همسرش فاطمه سیده بانوان عالم است،

و حسن و حسین سید و سرور جوانان بهشت می باشند.

حضرت آدم به خداوند متعال عرض کرد:

يَا رَبِّ، مَنْ هُوَ لَاءِ، یعنی:

خداوندا این ها کیستند.

خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:

هُوَ لَاءِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ،

وَهُمْ خَيْرٌ مِنْكَ وَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِي،

وَلَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُكَ، وَلَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ لَا الْأَرْضَ، فَإِيَّاكَ أَنْ تَنْظُرَ  
إِلَيْهِمْ بَعِينِ الْحَسَدِ، فَأُخْرِجُكَ مِنْ دِيَارِي، یعنی:  
خداوند متعال به حضرت آدم فرمود:  
ای آدم:

این‌ها از نسل تو و از ذریه تو می‌باشند «یعنی از فرزندان تو هستند»، این‌ها از تو  
و از همه مخلوقاتم بهتر و برتر می‌باشند،  
اگر این‌ها نبودند تو و بهشت و جهنم و آسمان و زمین را خلق نمی‌کردم «یعنی  
همه مخلوقات را به خاطر این‌ها خلق کردم»، پس،  
ای آدم:

مبادا به دیده حسد به آن‌ها نگاه کنی «مبادا به آن‌ها حسادت کنی» که در آن  
صورت تو را از جوار خودم بیرون خواهم کرد.  
اما حضرت آدم به آن ذوات مقدسه به چشم حسد نگریست و مقام و منزلت  
آن‌ها را آرزو نمود و در نتیجه شیطان «ابلیس» بر او مسلط شد تا اینکه آدم از آن  
درختی که نهی شده بود «از میوه درخت ممنوعه» تناول کرد.  
حوا نیز به حضرت فاطمه به چشم حسد نگاه کرد و در نتیجه شیطان «ابلیس»  
بر او نیز مسلط شد و او نیز مانند آدم از میوه درخت ممنوعه تناول کرد و در نتیجه  
خداوند متعال هر دو را از بهشت بیرون کرد و آن دو را از جوار رحمت خویش به  
زمین فرستاد.

این حدیث شریف ذیل آیه ۳۵ سوره بقره درج شده است.<sup>۱</sup>

۲. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب  
علیه السلام فرمود:  
ای علی:

۱. المیزان، جلد اول، صفحه ۲۶۷ - ۲۶۸.

تفسیر صافی، جلد اول، صفحه ۱۶۵ - ۱۶۶.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۲۷۶ - ۲۷۷، حدیث ۱۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۱۴۳؛ حدیث ۱۱۲ «حدیث ۲۲۶».

در مورد ازدواج دخترم فاطمه با تو بزرگانی از قریش مرا سرزنش کرده و به من گفتند:

ما فاطمه را از تو خواستگاری کردیم ولی او را به ما ندادی بلکه به عقد علی بن ابیطالب درآوردی.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

من به آنان «بزرگان قریش» گفتم:

به خدا قسم من این کار را نکردم، بلکه:

خداوند متعال فاطمه را به شما نداد و او را به عقد علی بن ابیطالب درآورد.

پیامبر اکرم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

جبرئیل از جانب خداوند متعال به من نازل شد و گفت:

ای محمد:

خداوند متعال می فرماید:

لَوْ لَمْ أَخْلُقْ عَلِيًّا لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ ابْنَتِكَ كُفُوٌ عَلَيَّ وَجِهَ الْأَرْضِ، آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ، یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

ای محمد، اگر علی بن ابیطالب را خلق نکرده بودم برای دخترت فاطمه در روی زمین از آدم تا روز قیامت کفو و همتایی نبود «هیچ کس هم‌شان و هم‌رتبه فاطمه زهرا سلام الله علیها نبود تا با او ازدواج کند»<sup>۱</sup>.

۳. وجود مبارک امام صادق علیه السلام فرمودند:

لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا سَلَامٌ، مَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَيَّ ظَهْرِ

الْأَرْضِ مِنْ آدَمَ وَ مَنْ دُونَهُ، یعنی:

اگر خداوند تبارک و تعالی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را برای حضرت فاطمه سلام الله علیها خلق نمی کرد در روی زمین از حضرت آدم گرفته

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد اول، باب ۲۱، صفحه ۴۶۳، حدیث ۲.

کلیات حدیث قدسی «ترجمه جواهر السنیه شیخ حر عاملی»، صفحه ۴۳۸، حدیث ۴۰۸ - ۷۹.

تا هر بَشَر دیگری بعد از او «حضرت آدم و انسان‌های دیگر تا روز قیامت» کُفُو و همتایی برای حضرت فاطمه نبود «هیچ کس لیاقت همسری حضرت زهرا علیها سلام را نداشت، از حضرت آدم تا روز قیامت»<sup>۱</sup>.

---

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۶۰، حدیث ۱۰ «حدیث ۱۲۴۵».

«باب زندگی حضرت زهرا سلام‌الله علیها».



## آیه ۶۱ سوره آل عمران:

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ، فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاتِكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ، ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ».

## ترجمه:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:  
ای پیامبر:

بعد از اینکه از طریق وحی به احوال عیسی بن مریم علم و آگاهی پیدا کردی چنانچه کسانی در رابطه با حضرت عیسی با تو محاجّه و ستیزه کنند به آن‌ها بگو: بیائید ما فرزندان خودمان را دعوت کنیم شما هم فرزندان خودتان را، ما زنان خودمان را دعوت کنیم شما هم زنان خودتان را، ما نفّس‌های خودمان را دعوت کنیم و شما نفّس‌های خودتان را،  
آنگاه:

مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.<sup>۱</sup>

## شرح لغات و توضیحات:

مُحَاجَّه = مخاصمه و جدال و ستیز دو نفر یا دو گروه با یکدیگر به منظور اینکه طرف مقابل را از راه و دلیلش منصرف نماید.

تَعَالَوْا = بیائید «تعال» = فعل امر است یعنی بیا؛

دَعُو، دُعَاء = خواندن، یاری خواستن، درخواست کردن، دعوت کردن؛

ابْنٌ = پسر؛ جمع ابْنٌ می شود «ابناء» و «بنون»؛

نَفْسٌ = جان، روح، نفّس گاهی معنای شخص نیز می دهد؛

نِسَاءٌ = زنان؛

ابْتِهَالٌ = یکدیگر را لعن کردن، لعن و نفرین کردن برای هلاک یکدیگر؛

۱. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۹۸.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۷۱.

مباهله = لعن و نفرین کردن دو نفر یا دو گروه برای هلاکت و نابودی یکدیگر؛<sup>۱</sup>

## شأن نزول:

گفته شده که:

حدود هشتاد آیه از آیات شریفه سوره آل عمران درباره مسیحیان نَجْران و نمایندگان آنها نازل شده که جهت تحقیق درباره دین اسلام به مدینه وارد شده بودند.

لازم به ذکر است که:

نَجْران محلی است در مناطق شمالی یمن در فاصله ده منزلی صنعاء که اراضی آن متعلق به قبیله هَمْدان بوده است.

نصارای نجران که به مدینه وارد شدند شصت نفر بودند که چهارده نفر آنها از اشراف و سران نَجْران بودند و سه نفر از این چهارده نفر سمت ریاست داشتند. یکی از این سه نفر فردی بود به نام عاقِب که او را عبدالمسیح نیز می گفتند. عاقِب امیر و رئیس قوم خود محسوب می شد و قوم او هیچ گاه با رأی و نظر او مخالفت نمی کردند.

نفر دوّم فردی بود به نام سید که او را اَيِّهَم نیز می گفتند. این فرد مسئولیت تنظیم برنامه سفر را به عهده داشت و مورد اعتماد مسیحیان بود.

نفر سوّم فردی بود به نام ابو حارثه که مردی دانشمند و صاحب نفوذ بود و بیشتر کُتب دینی مسیحیان را حفظ بود.

این گروه شصت نفره مسیحیان نَجْران به مدینه آمده و وارد مسجد النبی شده و طبق مذهب خویش نماز به جای آوردند.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به آنها فرمود:  
به آئین اسلام درآئید و تسلیم خداوند متعال شوید.

---

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۹۹ تا ۱۰۳.

تفسیر نمونه، جلد دوّم، صفحه ۶۷۱.

مفردات راغب.

یکی از آن سه نفر به نمایندگی از طرف دیگر مسیحیان به پیامبر اکرم عرض کرد: ما پیش از تو اسلام آورده ایم «قبل از تو تسلیم خداوند شده ایم». وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به آن‌ها فرمود: شما چگونه بر آئین حق هستید و چگونه اظهار تسلیم بودن به پیشگاه خداوند متعال می‌نمائید در حالی که اعمال شما خلاف گفته‌های شما را ثابت می‌کند، زیرا:

برای خداوند متعال فرزند قائل هستید و حضرت عیسی را پسر خداوند متعال می‌دانید و این مسئله مخالف آئین حق می‌باشد.

آن‌ها به پیامبر اکرم عرض کردند:

پس شما ما را به چه چیز دعوت می‌کنید.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به آن‌ها فرمود:

شما را دعوت می‌کنم:

۱. به سوی خداوند متعال و اینکه خدایی نیست جز خداوند یگانه؛

۲. به اینکه من رسول خدا هستم؛

۳. و اینکه حضرت مسیح «عیسی بن مریم» مخلوق خدا و بنده خدا بود «است»

و حالات بشری داشت، یعنی:

می‌خورد و می‌آشامید و از او حَدَثُ سر می‌زد «بول و غائط نمودن».

یکی از آن سه نفر به نمایندگی از طرف نصاری نجران به پیامبر اکرم عرض

کرد:

اگر عیسی مسیح پسر خدا نیست پس پسر کیست «پدر او کیست».

پس از این سؤال بود که خداوند متعال این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره آل عمران»

را نازل فرموده و جواب نصاری نجران را دادند.

در این آیه شریفه خداوند متعال فرمود «می‌فرماید»:

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ، یعنی:

مثل حضرت عیسی و کیفیت خلقت او در نزد خداوند متعال همچون مثل

حضرت آدم است و شبیه به کیفیت خلقت حضرت آدم می‌باشد که خدا او را

«آدم را» از خاک آفرید و فرمود کُنْ «موجود باش»، و حضرت آدم هم بلافاصله موجود شد «خَلَقَ شَدَّ». معنی قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ این است که خداوند متعال در خلقت موجودات احتیاج و نیاز به اسباب ندارد.

خداوند متعال با این استدلال کوتاه لیکن بسیار قوی و منطقی و محکم به مسیحیان نجران فرمود:

اگر عیسی بدون پدر به دنیا آمد هیچ جای تعجب ندارد و این قضیه دلیل بر این نمی‌شود که شما مسیحیان حضرت عیسی را پسر خدا و یا خود خدا بدانید، زیرا: خلقت حضرت آدم هم همین‌گونه بود بلکه شگفت‌انگیزتر، یعنی: حضرت آدم نه پدر داشت و نه مادر، لذا:

اگر حضرت عیسی را پسر خدا می‌دانید باید حضرت آدم را نیز پسر خدا بدانید، و اگر حضرت عیسی را خدا می‌دانید باید حضرت آدم را نیز خدا بدانید. با توجه به اینکه مسیحیان نسبت به حضرت آدم چنین تصویری ندارند «یعنی حضرت آدم را نه خدا می‌دانند نه پسر خدا»، لذا: باید قبول کنند و بپذیرند که:

حضرت عیسی نیز نه خدا است و نه پسر خدا.

با نزول این آیه شریفه «آیه ۵۹ سوره آل عمران» و این استدلال قوی و محکم متأسفانه مسیحیان نجران حاضر به قبول حق نشده و کماکان به عقیده باطل خویش اصرار ورزیدند، و این‌جا بود که خداوند متعال آیه ۶۱ سوره آل عمران را نازل فرموده و به پیامبر اکرم دستور داد تا نصارای نجران را به مباحله دعوت نماید «انشاءالله تعالی ذیل آیه ۶۱ سوره آل عمران و احادیث ذیل این آیه شریف در خصوص مباحله پیامبر اکرم با مسیحیان نجران توضیحات لازم به عرض خواهد رسید»<sup>۱</sup>.

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران» پیامبر اکرم صلی الله

۱. مجمع‌البیان، جلد سوم، صفحه ۲۲۴ - ۲۲۵. «ذیل آیات اول تا پنجم سوره آل عمران».

المیزان، جلد پنجم، صفحه ۲۴ - ۲۵. «بحث روایتی ذیل آیات اول تا ششم سوره آل عمران».

المیزان، جلد ششم، صفحه ۴۱ تا ۴۳. «ذیل آیه ۵۹ سوره آل عمران».

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۴۸۰ - ۴۸۱. «ذیل آیات اول تا چهارم سوره آل عمران».

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۶۸ - ۶۶۹. «ذیل آیه ۵۹ سوره آل عمران».

علیه و آله و سلم را مورد خطاب قرار داده و به پیامبر اکرم دستور می دهد که: ای پیامبر، حال که مسیحیان نَجْران تسلیم حق نشدند آن ها را به مباحله دعوت کن «مباحله = لعن و نفرین کردن برای هلاک یکدیگر».

خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید:

فَمَنْ حَاجَّكَ = ای پیامبر، هر کس با تو مُحَاجَّه و ستیز و جدل نماید.

فیه = درباره حضرت عیسی

مَنْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ = بعد از آنکه از طریق وحی به احوال حضرت عیسی عِلْم و آگاهی پیدا کردی.

حرف «فاء» در فَمَنْ حَاجَّكَ برای تفریع است، یعنی:

پس از اینکه نحوه خلقت حضرت عیسی را بیان کردیم «در آیه ۵۹ سوره آل عمران» و فرمودیم که کیفیت خلقت حضرت عیسی مثل کیفیت خلقت حضرت آدم می باشد و هر دوی آن ها را ما «خداوند متعال» خلق نمودیم و آن ها بنده من «خدا» می باشند،

با این توضیحات و با این دلایل و براهین چنانچه نصارای نجران و یا سایر مسیحیان تسلیم حق نشوند و راه باطل خودشان را ادامه دهند «حضرت عیسی را پسر خدا و یا خدا بدانند» و به جای پذیرش این مطلب که عیسی عبد و مخلوق خدا است با تو «پیامبر اکرم» مُحَاجَّه و جدل کنند و مخاصمه نمایند، پس:

ای پیامبر آن ها را به مباحله دعوت کن.

بنابراین معنی آیه شریفه تا این جا این شد که:

خداوند متعال با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

ای پیامبر:

بعد از اینکه از طریق وحی به احوالات حضرت عیسی عِلْم پیدا کردی، و بعد از اینکه کیفیت خلقت حضرت عیسی را بیان کردیم و گفتیم که عیسی بنده خدا و مخلوق خدا می باشد، چنانچه:

مسیحیان نجران و سایر مسیحیان پس از شنیدن این حقایق و فهمیدن این قضیه که عیسی بنده خدا است به جای پذیرش حق و تسلیم شدن در مقابل خداوند

متعال با تو «پیامبر اکرم» به مخاصمه و ستیزه برخاستند و به راه باطل خویش ادامه دادند، پس آن‌ها را به مباحله دعوت کن، یعنی:

ای پیامبر،

قُلْ = ای پیامبر، به نصارای نجران بگو.

تَعَالُوا = بیایید.

نَدْعُ = دعوت کنیم.

أَبْنَانًا = ما فرزندانمان را.

وَأَبْنَائِكُمْ = و شما هم فرزندانمان را.

وَنِسَائِنَا = ما زنان خویش را.

وَنِسَائِكُمْ = و شما زنان خویش را.

وَأَنْفُسِنَا = ما خودمان را، کسانی را که به منزله خودمان هستند.

وَأَنْفُسِكُمْ = و شما خودتان را - کسانی را که به منزله خودتان هستند.

ثُمَّ نَبْتَهِلُ = سپس مباحله می‌کنیم «سپس مباحله کنیم».

فَنَجْعَلُ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ = و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می‌دهیم «قرار

دهیم».

معنی این قسمت از آیه شریفه این شد که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم فرمود:

ای پیامبر:

اگر نصارای نجران تسلیم حق نشدند و با تو به محاجّه و ستیز برخاستند و به راه

باطل خویش ادامه دادند و به جای اینکه عیسی را بنده خدا بدانند او را به عنوان

خدا یا پسر خدا دانستند،

پس: ای پیامبر، آن‌ها را به مباحله دعوت کن، یعنی:

به نصارای نجران بگو:

ما فرزندان خودمان و زنان خودمان و نفُس خودمان «کسانی که به منزله جان ما

هستند» را می‌آوریم،

شما هم فرزندان خودتان و زنان خودتان و نفُس خودتان «یعنی عزیزترین فرد

از خانواده خویش» را بیاورید، تا:

با یکدیگر مباحله نمائیم، یعنی:

همدیگر را لعن و نفرین کنیم و هلاکت او را از خداوند متعال بخواهیم یعنی:  
لعنت خداوند را برای دروغگویان قرار دهیم.  
به عبارت دیگر:

از خداوند متعال درخواست کنیم تا هر کس را که دروغ می گوید لعنت نماید.  
قابل ذکر است که:

منظور از مباحله این نبوده که:

پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت از یک طرف و مسیحیان نجران از طرف دیگر  
در یک محل جمع شده و یکدیگر را لعن و نفرین نموده و سپس متفرق شوند، زیرا  
این عمل به تنهایی هیچ فایده و ثمری نمی توانست داشته باشد، بلکه:  
هدف واقعی و اصلی مباحله این بوده که:

پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت و نصاری نجران در یک محل جمع شده و  
یکدیگر را لعن و نفرین نمایند به نحوی که آثار نفرین ظاهر شده و آنهایی که دروغگو  
هستند و راه باطل را طی می کنند گرفتار عذاب الهی شده و به هلاکت برسند.

در واقع مباحله آخرین حربه در نظر گرفته شده است، یعنی:

پس از اینکه منطوق و استدلال موثر واقع نشد و نصاری نجران حق را نپذیرفتند  
مباحله به عنوان آخرین حربه در نظر گرفته شد تا گروه دروغگو و گروه باطل به  
هلاکت برسند.

در حدیث است که:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند.

اگر مسیحیان نجران با من مباحله می کردند بیابان بر مسیحیان نجران به وادی  
آتش تبدیل می شد و یک نفر از آن ها جان سالم به در نمی برد و همگی آن ها هلاک  
می شدند.<sup>۱</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۷۹ - ۸۰، حدیث ۱۶.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۲۸ - ۲۹.

روایات فراوانی از ائمه معصومین علیهم السّلام صادر شده که آن ذوات مقدّسه فرموده‌اند:

کسانی که همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم حاضر شدند تا با نصاری نجران مباحله کنند عبارت بودند از:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام، فاطمه زهرا سلام الله علیها، و حسنین سلام الله علیهما «امام حسن و امام حسین علیهما السّلام». ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم طبق دستور خداوند متعال نصاری نجران را به مباحله دعوت نموده و به آن‌ها فرمود:

تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ ابْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ، یعنی:

بیایید ما فرزندانمان را بخوانیم «دعوت کنیم» و شما هم فرزندانمان را، ما زنان خودمان را و شما زنان خودتان را، ما نفس خودمان را و شما نفس خودتان را.

تمام مفسّرین شیعه و بسیاری از مفسّرین و علمای اهل تسنّن اجماع دارند که: مراد از أَبْنَاءِ رسول الله «فرزندان رسول الله» در این آیه شریفه وجود مقدّس امام حسن مجتبی و امام حسین سلام الله علیهما می‌باشند که همراه پیامبر اکرم در مباحله حاضر شدند، همچنین:

تمام مفسّرین شیعه و کثیری از مفسّرین و علمای اهل تسنّن اجماع دارند که: مراد از نِسَاءَنَا «زنان ما» وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌باشد که همراه پیامبر اکرم در مباحله حاضر شد، و این قضیه «علاوه بر ده‌ها دلیل دیگر» مؤید این مطلب است که:

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها برترین و با فضیلت‌ترین بانو در بین بانوان خاندان پیامبر اکرم می‌باشد، و حدیث صحیح حذیفه است که می‌گوید:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

ملکی «فرشته‌ای» از جانب خداوند متعال نازل شد و مرا بشارت داد که دخترت فاطمه زهرا سلام الله علیها سیده نساء عالمین می‌باشد، یعنی سیده بانوان عالم از اوّل



خلقت تا روز قیامت، همچنین:

تمام مفسرین شیعه و بسیاری از علماء و مفسرین اهل سنت اجماع دارند که: مراد از أَنفُسَنَا «خودمان - جان ما - کسانی که به منزله جان ما هستند» در این آیه شریفه وجود مقدس مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می‌باشد، زیرا:

خود پیامبر اکرم نمی‌تواند مراد باشد، برای اینکه:

پیامبر اکرم دعوت‌کننده است و معنی ندارد که انسان خودش را دعوت کند و همیشه، داعی «دعوت‌کننده» غیر از مدعو «دعوت‌شده» است و دعوت‌کننده نمی‌تواند دعوت‌شده باشد، پس:

مراد از نَفْسِ پیامبر اکرم در این آیه شریفه وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می‌باشد، زیرا در جریان مباحثه با نصارای نجران غیر از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و حسنین سلام الله علیهما افراد دیگری در محضر پیامبر اکرم حضور نداشته‌اند.

بنابراین:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام:

نَفْسِ پیامبر اکرم می‌باشد،

جان پیامبر اکرم می‌باشد.

به چند حدیث شریف در این خصوص اشاره می‌شود «اینکه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نَفْسِ و جان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد»:

**الف)** وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌خواستند مطلبی را به اصحاب خویش بفرمایند، لذا از اطرافیان خویش خواستند تا یکی از اصحاب به محضر پیامبر اکرم برسد.

افرادی که آنجا بودند به پیامبر اکرم عرض کردند:

یا رسول الله:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام حاضر است «یعنی حضرت علی علیه السلام

در همین حوالی است، اگر اراده بفرمائید او را صدا بزنیم». وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: من از نفس خودم نپرسیدم، یعنی: من از شما خواستم یکی از اصحاب را خدمت من حاضر کنید، نه علی بن ابیطالب علیه السلام را، زیرا:

علی بن ابیطالب علیه السلام نفس من و جان و روح من می باشد، یعنی: علی بن ابیطالب علیه السلام به منزله خود من «پیامبر اکرم» است.

ب) وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به فردی به نام بریده اسلمی فرمودند: ای بریده:

علی بن ابیطالب علیه السلام را دشمن مدار «با علی بن ابیطالب علیه السلام دشمنی نکن»، زیرا: علی از من است و من از علی.

ج) در جنگ اُحد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام شجاعانه می جنگید «مثل سایر جنگ‌ها» و از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دفاع می کرد و محافظت می نمود تا خطری متوجه آن حضرت نشود. در همین حال جبرئیل علیه السلام خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شد و به آن حضرت عرض کرد: یا رسول الله:

علی بن ابیطالب علیه السلام واقعاً با شما مواسات کرد و جانفشانی نمود. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به جبرئیل فرمود: عَلِيُّ مِنِّي،

وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ، یعنی:

علی بن ابیطالب علیه السلام از من است، و من از علی بن ابیطالب.

بنابراین:

علی بن ابیطالب علیه السلام، نَفْسِ پیامبر اکرم، و جان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ می باشد.

«مواسات = برابری، یعنی انسان دیگری را مانند خودش بداند.»

قابل ذکر است که علی علیه السلام فدایی پیامبر اکرم بود و از جان خود می گذشت تا پیامبر اکرم زنده بماند. ذیل آیه ۲۰۷ سوره بقره در این رابطه توضیحاتی ارائه شده است.<sup>۱</sup>

د) امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به عثمان بن عفان، سعد بن ابی وقاص، طلحه، زبیر و عبدالرحمن بن عوف «اعضای شورای تعیین خلیفه» فرمودند:

آیا بین شما کسی هست که پیامبر اکرم به او فرموده باشد:

أَنْتَ كَنْفَسِي، حُبُّكَ حُبِّي وَ بُغْضُكَ بُغْضِي، یعنی:

آیا بین شما کسی هست که پیامبر اکرم به او فرموده باشد، تو مانند نفس من هستی «تو به منزله‌ی خود من هستی»، دوستی با تو دوستی با من است و دشمنی با تو دشمنی با من. همه آن‌ها گفتند: خیر.<sup>۲</sup>

### توضیح:

در آیه ۶۱ سوره آل عمران ملاحظه فرمودید که ضمائر به صورت جمع آمده‌اند «أَبْنَاءَنَا، نِسَائِنَا، أَنْفُسَنَا» لیکن مصادیق آن‌ها جمع نمی باشد، یعنی:

آیه شریفه به لفظ جمع آمده لیکن معنی مفرد و یا تثنیه از آن‌ها اراده شده است.

به عبارت دیگر:

خداوند متعال به پیامبر اکرم فرمودند:

۱. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۰۱ تا ۱۰۳.

المیزان، جلد ششم، صفحه ۵۷ تا ۵۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۴۷ - حدیث ۱۶۲ «حدیث ۱۵۰۷».

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۷۳ - ۶۷۴.

۲. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بر اهل شورا، صفحه ۲۷۸ تا ۲۹۹ «صفحه ۲۹۳»، حدیث ۵۵.

ای پیامبر به نصارای نجران بگو:

تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَانَنَا وَ أَبْنَائِكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَائِكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ، ثُمَّ نَبْتَهِلُ...، یعنی:

ای پیامبر:

به نصارای نجران بگو:

بیائید ما فرزندان خود را بیاوریم «أَبْنَانَنَا» و شما فرزندانتان را،

ما زنان خویش را بیاوریم «نِسَاءَنَا» و شما زنانتان را،

ما نَفْسُ های خودمان را بیاوریم «کسانی را بیاوریم که به منزله خودمان هستند

یعنی أَنْفُسَنَا» و شما نَفْسُ های خودتان را، آنگاه:

مباهله کنیم «یکدیگر را لعن و نفرین کنیم تا هر کدام که در راه باطل گام

برمی دارد به هلاکت برسد».

همان طور که قبلاً به عرض رسید و انشاء الله تعالی در بخش حدیث به عرض

خواهد رسید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همراه اهل بیت خویش برای

مباهله با نصارای نجران حاضر شدند، یعنی:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به همراه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب و

فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام برای مباهله حاضر شدند.

ممکن است این سؤال مطرح شود که:

أَبْنَانَنَا «فرزندان ما - پسران ما» جمع می باشد، پس:

چگونه ممکن است منظور از أَبْنَانَنَا امام حسن و امام حسین علیهما السلام باشند

در حالی که در عرب برای دو نفر صیغه جمع به کار برده نمی شود «در عرب برای

سه نفر و بیشتر از سه نفر صیغه جمع به کار برده می شود».

نِسَاءَنَا «زنان ما» جمع می باشد، یعنی:

چگونه ممکن است منظور از نِسَاءَنَا فقط و فقط وجود مقدس صدیقه کبری

فاطمه زهرا سلام الله علیها باشد، یعنی:

چگونه ممکن است صیغه جمع برای یک نفر به کار برود.

أَنْفُسَنَا «نَفْسُ های ما - جان های ما - کسانی که به منزله خود ما هستند».

چگونه ممکن است منظور از أَنْفُسَنَا فقط و فقط وجود مقدس امیرالمؤمنین

علی بن ابیطالب علیه السلام باشد، یعنی:

چگونه ممکن است صیغه جمع برای یک نفر به کار برود.

جواب این است که:

(الف) اجماع علمای اسلام و احادیث فراوانی که از طریق شیعه و سنی به دست

ما رسیده تصریح دارد که:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای مباحله با نصارای نجران

غیر از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله

علیها و حسنین سلام الله علیهما فرد یا افراد دیگری را به همراه خویش نبردند.

می دانیم که:

از جمله قرائنی که آیات شریفه قرآن کریم را تفسیر می کند شأن نزول قطعی

آیات شریفه قرآن کریم می باشد، و این شأن نزول برای آیه ۶۱ سوره آل عمران

قطعی است و علماء و مفسرین اسلام بر آن اجماع دارند.

(ب) اطلاق صیغه جمع بر مفرد و تشبیه در آیات دیگر قرآن کریم نیز دیده می شود،

یعنی:

آیات شریفه ای در قرآن کریم دیده می شود که به صیغه جمع آمده لیکن معنای

مفرد از آن ها اراده شده است.

به عنوان نمونه به چند آیه شریفه اشاره می شود.

۱. خداوند متعال در آیه ۱۸۱ سوره آل عمران می فرماید:

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَ نَحْنُ أَغْنِيَاءُ، یعنی:

خداوند متعال سخنان آن ها را شنید که می گفتند:

خداوند فقیر است و ما بی نیازیم.

در شأن نزول این آیه شریفه آمده که:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به یهود بنی قینقاع نامه ای مرقوم

فرموده و طی آن آن ها را به پرداخت زکات و انفاق در راه خدا دعوت نمود.

این نامه وقتی به دست یهود بنی قینقاع رسید بزرگ ترین عالم و دانشمند آن ها با

تمسخر و استهزاء گفت:

اگر سخنان شما درست است، بنابراین:

خدا فقیر است و ما بی‌نیاز.

ملاحظه فرمودید که:

یکی از علماء یهود این مطلب را بیان کرد «خدا فقیر است و ما بی‌نیاز»، لیکن در

آیه ۱۸۱ سوره آل عمران آمده که:

خداوند متعال سخنان آن‌ها را شنید که می‌گفتند:

خدا فقیر است و ما بی‌نیاز، بنابراین:

آیه ۱۸۱ سوره آل عمران به لفظ جمع آمده لیکن مصداق آن مفرد می‌باشد.

۲. خداوند متعال در آیه ۲۷ سوره انفال می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ...، یعنی:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خداوند متعال و پیامبر اکرم خیانت نکنید.

ملاحظه می‌فرمائید که این آیه شریفه به لفظ جمع آمده «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا =

ای کسانی که ایمان آورده‌اید»، در حالی که مصداق آن یک نفر بود به نام ابوباباه

«گرچه مفهوم آیه شریفه عام است و دستوری است به همه مؤمنین تا به خدا و

رسول خیانت نکنند».

در شأن نزول این آیه شریفه آمده که:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور دادند تا سپاهیان اسلام یهود بنی قریظه

را محاصره نمایند «طایفه‌ای از یهود که در اطراف مدینه سکونت داشتند».

این محاصره حدود بیست روز طول کشید و در نتیجه یهود بنی قریظه پیشنهاد

صلح داده و حاضر شدند از اطراف مدینه کوچ نموده و به سوی شام «سوریه فعلی»

بروند.

چون پیشنهاد صلح یهود بنی قریظه مشکوک به نظر می‌رسید لذا پیامبر اکرم از

پذیرش پیشنهاد صلح امتناع نموده و به یهود بنی قریظه پیشنهاد نمودند تا حکمیت

سعد بن معاذ را بپذیرند.

یهود بنی قریظه از پیامبر اکرم تقاضا نمودند تا آن حضرت یکی از اصحاب خویش به نام ابولبابه را نزد آنها بفرستند تا با او مذاکره نمایند. قابل ذکر است که ابولبابه با یهود بنی قریظه سابقه دوستی داشت. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیشنهاد یهود بنی قریظه را پذیرفت و ابولبابه را به سوی آنها روانه نمود.

آنها با ابولبابه مذاکره کرده و با او مشورت نمودند که آیا صلاح است که حکمیت سعد بن معاذ را بپذیرند یا اینکه صلاح نیست. ابولبابه به گلوی خویش اشاره نمود و به یهود بنی قریظه فهماند که اگر حکمیت سعد بن معاذ را بپذیرند کشته خواهند شد لذا یهود بنی قریظه را از پذیرش حکمیت سعد بن معاذ بر حذر داشت، و بدین طریق به خداوند متعال و پیامبر اکرم خیانت نمود.

در همین حال که ابولبابه یهود بنی قریظه را از قبول حکمیت سعد بن معاذ منصرف می نمود جبرئیل خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسید و آیه ۲۷ سوره انفال «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ...» را نازل نموده و خیانت ابولبابه را برملا ساخت.

ابولبابه که به گناه خویش واقف شده بود به مسجدالنبی در مدینه وارد شد و خودش را با طناب به یکی از ستونهای مسجدالنبی بست و اظهار توبه و ندامت نمود و سوگند یاد کرد که چیزی نخواهم خورد و نخواهم نوشید و طناب را از خودم باز نخواهم کرد مگر اینکه پیامبر اکرم طناب را باز کند و از خداوند متعال درخواست نماید تا توبه مرا بپذیرد.

ملاحظه فرمودید که آیه شریفه به صیغه جمع بود لیکن مصداق آن مفرد.

۳. خداوند متعال در آیه اول سوره ممتحنه می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ...، یعنی:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید «ای مؤمنین»:

دشمن من «دشمن خدا» و دشمن خودتان را دوست خویش قرار ندهید، یعنی:

ای مؤمنین، هرگز با دشمنان خدا و دشمنان خودتان دوست نشوید. ملاحظه می‌فرمائید که در این آیه شریفه صیغه جمع به کار رفته و خداوند متعال همه مؤمنین را مورد خطاب قرار داده است لیکن شأن نزول آیه شریفه در رابطه با یک نفر بوده به نام حاطب بن ابی بلتعه. قابل ذکر است که:

نظیر این آیات شریفه در قرآن کریم فراوان است که به لفظ جمع آمده‌اند و صیغه جمع در آن‌ها به کار رفته است لیکن مصداق و شأن نزول آن‌ها خاص بوده و معنای مفرد از آن‌ها اراده شده است.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:  
 نصارای نجران به مدینه آمده و به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسیدند و در وقت نماز طبق مذهب خویش نماز به جای آوردند. وقتی نمازشان تمام شد به پیامبر اکرم عرض کردند.  
 ما را به چه دعوت می‌کنی.  
 وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به آن‌ها فرمود:  
 شما را دعوت می‌کنم به اینکه:  
 خدایی نیست جز خداوند یگانه «شما را دعوت می‌کنم به سوی خداوند یگانه»،  
 و اینکه من رسول خدا هستم،  
 و اینکه حضرت عیسی بنده خدا و مخلوق خدا است «بنده خدا و مخلوق خدا بود» که هم می‌خورد و هم می‌آشامید و هم از او حدّث سر می‌زد «قضاء حاجت می‌نمود».

نصارای نجران به پیامبر اکرم عرض کردند:

۱. تفسیر قمی، جلد اول، «مقدّمه مؤلف» صفحه ۶۵ - ۶۶.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۷۹ تا ۶۸۱.

المیزان، جلد ششم، صفحه ۵۹ - ۶۰.



اگر این چنین است «اگر عیسی مخلوق خدا است و پسر خدا نمی‌باشد» پس پدر او کیست «اگر عیسی پسر خدا نیست پس پسر کیست».

از جانب خداوند متعال به پیامبر اکرم وحی نازل شد که ای پیامبر: به نصارای نجران بگو:

شما درباره حضرت آدم چه می‌گوئید و چه نظری دارید، آیا حضرت آدم بنده خدا و مخلوق خدا بود یا نه.

نصارای نجران به پیامبر اکرم عرض کردند:

آری، حضرت آدم بنده خدا و مخلوق خدا بود.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به نصارای نجران فرمود: پدر حضرت آدم کیست.

نصارای نجران مات و مبهوت مانده و جوابی برای این سؤال نداشتند، و همین زمان بود که خداوند متعال آیه ۵۹ سوره آل عمران را نازل نموده و فرمود:

«إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»، یعنی:

مثل حضرت عیسی نزد خداوند متعال همچون مثل حضرت آدم است «قضیه حضرت عیسی مانند قضیه حضرت آدم است» که خداوند متعال او را «حضرت آدم را» از خاک آفرید و سپس فرمود: موجود باش و بلافاصله موجود شد «حضرت آدم بلافاصله خلق شد و موجود گردید».

چون نصارای نجران تسلیم حق نشدند لذا خداوند متعال آیه ۶۱ سوره آل عمران «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ، فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاتِكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَائِكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ، ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» را نازل نموده و به پیامبر اکرم فرمود تا با نصارای نجران مباحله نماید.

پیامبر اکرم نیز طبق دستور خداوند متعال نصارای نجران را به مباحله دعوت نموده و به آنها فرمود:

بیاید مباحله نمائیم،

اگر من راستگو بودم لعنت الهی بر شما نازل شود «شما از بین بروید»،

و اگر من دروغگو بودم لعنت الهی بر من نازل شود «من از بین بروم».

نصارای نجران فرمایش پیامبر اکرم را پذیرفته و به آن حضرت عرض کردند: به انصاف سخن گفتی «سخن منصفانه‌ای است»، و بدین نحو قرار شد مباحله صورت بگیرد.

رؤسای نجران وقتی از محضر پیامبر اکرم مرخص شدند به مشورت با یکدیگر پرداخته و به این نتیجه رسیدند که:

اگر پیامبر اکرم با جمعی از مسلمانان به مباحله آمدند با او مباحله می‌کنیم، اما اگر فقط با اهل بیت خویش به مباحله آمد با او مباحله نخواهیم کرد، زیرا: کسی که اهل بیت خویش را به مباحله می‌آورد حتماً صادق و راستگو می‌باشد «تا به حقانیت خویش یقین نداشته باشد اهل بیتش را به خطر نمی‌اندازد». صبح روز بعد وقتی نصارای نجران در محلّ معین شده برای مباحله حاضر شدند مشاهده کردند که پیامبر اکرم به همراه یک مرد و یک زن و دو کودک برای مباحله حاضر شده است.

نصارای نجران سؤال کردند که این افراد چه کسانی هستند. به آن‌ها گفته شد که:

آن مرد پسر عم و داماد و وصّی «جانشین» پیامبر اکرم می‌باشد و نامش علی بن ابیطالب است،

آن زن فاطمه است و دختر پیامبر اکرم می‌باشد،

و آن دو کودک حسن و حسین هستند و فرزندان دخترش فاطمه می‌باشند.

نصارای نجران وقتی وضع را این‌گونه دیدند به پیامبر اکرم عرض کردند:

ما را از مباحله معاف بدار که تو را راضی خواهیم نمود، و پیامبر اکرم نیز با آن‌ها مصالحه فرمود که جزّیه «مالیات» پردازند و آن‌ها نیز پذیرفتند.<sup>۱</sup>

۲. در جلسه مناظره امام رضا علیه‌السلام با فرقه‌های مختلف اسلامی که با

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۶۷-۶۸.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۲۹-۳۰.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۶، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۴۵، حدیث ۱۵۷ «حدیث ۱۵۰۲».

حضور علمای آن‌ها صورت گرفت و مأمون ملعون نیز در آن شرکت داشت در خصوص تفاوت بین اهل بیت پیامبر اکرم و عترت آن حضرت با سایر مسلمین بحث شد و از محضر مبارک امام رضا علیه‌السلام سؤال شد که آیا اهل بیت پیامبر اکرم بر سایر مسلمان‌ها فضیلت و برتری دارند یا خیر، و آیا خداوند متعال در قرآن کریم موضوع اصطفاً «برگزیده شدن، اینکه خداوند متعال عده‌ای از بندگان را برگزیده و آن‌ها را به دیگران برتری داده است مانند انبیاء» را شرح و تفسیر داده است یا نه.

وجود مقدّس امام رضا سلام‌الله علیه فرمودند:

غیر از آنچه که در باطن قرآن کریم «تأویل آیات شریفه قرآن کریم» راجع به اصطفاً و برگزیده شدن اولیاء خدا مطالبی مطرح شده در ظاهر قرآن کریم «آنچه که در ظاهر آیات شریفه آمده و همگان آن را به وضوح می‌فهمند» در دوازده موضع این موضوع بیان شده است.

وجود مقدّس امام رضا علیه‌السلام سپس این مواضع را بیان نموده و فرمودند:

اما موضع سوّم آن‌جا است که خداوند متعال بندگان پاک و مطهّر خویش را از سایر مخلوق خویش جدا نموده و در آیه مباهله «فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ، فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبْنَانَا وَ ابْنَاتِكُمْ وَ نِسَائِنَا وَ نِسَائِكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ، ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لِعُنَّةِ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ - آیه ۶۱ سوره آل عمران» به پیامبرش حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم دستور داده که به همراه آن‌ها با نصارای نجران مباهله نماید.

علمای فریق «فرقه‌ها» مختلف اسلامی که در جلسه حضور داشتند به امام رضا

علیه‌السلام عرض کردند:

منظور از أَنْفُسَنَا در این آیه شریفه خود پیامبر اکرم می‌باشد، نه علی بن ابیطالب.

وجود مقدّس امام رضا علیه‌السلام به آن‌ها فرمود:

اشتباه کردید و خطا رفتید، زیرا:

مقصود از أَنْفُسَنَا در این آیه شریفه فقط و فقط وجود مقدّس امیرالمؤمنین

علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد که نفس و جان پیامبر اکرم است و نه فرد دیگر،

و دلیل بر این مطلب فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به بنو ولیعه

می باشد که فرمود:

اگر طایفه بنو ولیعہ دست از کارهای مجرمانه خویش برندارند علی بن ابیطالب را که نفس و جان من می باشد به سوی آنها خواهم فرستاد «به جنگ با آنها خواهم فرستاد».

وجود مقدس امام رضا علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: مقصود از ابناء در آیه مباحله «آیه ۶۱ سوره آل عمران» حسن و حسین علیهما السلام هستند،

و منظور و مراد از نساء در آیه مباحله فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد. وجود مقدس امام رضا سلام الله علیه در پایان فرمایشات خویش فرمودند: اینها امتیازات و ویژگیهای این ذوات مقدسه است «خمسه طیبه علیهم السلام» که هیچ کس بر آنها سبقت و پیشی نخواهد گرفت و فضیلتی است که هیچ بشری به آن نخواهد رسید و شرافتی است که قبلاً نیز هیچ انسانی به آن نرسیده است، و این جا است که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نفس و جان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معرفی شده است.

این حدیث را ریّان بن صلت از امام رضا علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

الف) در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدس امام هادی علیه السلام صادر شده هنگام زیارت هر کدام از ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام محضر آن بزرگواران عرض می کنیم.

وَ أَنْ أَرْوَا حُكْمَ وَ نُورَكُمْ وَ طَيِّبَتِكُمْ وَاحِدَةً، یعنی:

همانا ارواح و نور و سرشت شما معصومین علیهم السلام یکی است،

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۶۸.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۷۵ - ۷۶، حدیث ۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۴۹، حدیث ۱۶۳ «حدیث ۱۵۰۸».

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۷۹.

بنابراین:

ویژگی‌ها و امتیازاتی که در آیه مباحثه برای خمسه طئیه بیان شده شامل بقیه معصومین علیهم‌السلام نیز می‌شود، یعنی:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام فضائل و امتیازاتی دارند و صاحب شرافتی هستند که هیچ انسانی به آن‌ها نرسیده و نخواهد رسید، چه قبل از آن بزرگواران و چه بعد از آن‌ها «از بدو خلقت تا روز قیامت».

ب) بنو ولیعه تیره‌ای از طایفه کنده بودند که در طائف اسکان داشتند. افراد این طایفه مسلمانان را مورد اذیت و آزار قرار داده و هنگام احساس خطر به قلعه‌های محکم خویش پناه می‌بردند.<sup>۱</sup>

۳. امام کاظم علیه‌السلام فرمودند:

هارون الرّشید ملعون از من سؤال کرد:

چگونه شما خودتان را از نسل و از ذریّه پیامبر اکرم می‌دانید در حالی که پیامبر اکرم بلاعقب بود «فرزند پسری نداشت که نسل او باقی بماند»، زیرا ادامه نسل انسان از پسر است نه دختر، و شما فرزندان دختر پیامبر اکرم می‌باشید. هارون الرّشید ملعون در ادامه صحبت خویش به امام کاظم علیه‌السلام عرض کرد:

شما که ادّعا می‌کنید تأویل همه آیات شریفه قرآن کریم را می‌دانید و خودتان را از همه علمای دیگر عالم‌تر می‌دانید باید از قرآن کریم دلیل اقامه نمائید که شما «ائمّه معصومین علیهم‌السلام» از نسل و ذریّه پیامبر اکرم می‌باشید، زیرا شما می‌گوئید که همه چیز در قرآن کریم آمده و بارها این آیه شریفه «ما فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ، یعنی ما هیچ چیز را در این کتاب «قرآن کریم» فروگذار نکردیم - آیه ۳۸ سوره انعام» را تلاوت کرده و به آن احتجاج می‌کنید.

وجود مقدّس امام کاظم سلام‌الله علیه در پاسخ به سؤال هارون الرّشید آیات ۸۴

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۶۸ «پاورقی مترجم».

و ۸۵ سوره انعام را تلاوت نمودند.

«وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ»

آیه ۸۴،

«وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ» آیه ۸۵، یعنی:

حضرت داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را که از نسل و ذریه حضرت ابراهیم می‌باشند هدایت کردیم، و اینگونه محسنین و نیکوکاران را پاداش می‌دهیم، آیه ۸۴،

همچنین، حضرت زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را که از نسل و ذریه حضرت ابراهیم می‌باشند هدایت نمودیم، و همه این‌ها از صالحان بودند، آیه ۸۵. وجود مقدس امام کاظم سلام الله علیه پس از تلاوت آیات ۸۴ و ۸۵ سوره انعام به هارون الرشید فرمود:

ای هارون، پدر حضرت عیسی کیست.

هارون الرشید به امام کاظم علیه السلام عرض کرد:

حضرت عیسی پدر ندارد.

وجود مبارک امام کاظم صلوات الله و سلامه علیه به هارون الرشید ملعون فرمود: خداوند متعال حضرت عیسی را از ناحیه مادرش حضرت مریم به ذریه پیامبران ملحق نموده است، همچنین خداوند متعال ما را «أئمه معصومین علیهم السلام» از ناحیه مادرمان فاطمه زهرا سلام الله علیها به پیامبر اکرم ملحق نموده و ما را ذریه پیامبر اکرم قرار داده است.

وجود مقدس امام کاظم علیه السلام به هارون الرشید فرمود:

برای اثبات این مطلب که ما «أئمه معصومین علیهم السلام» از نسل ذریه پیامبر اکرم هستیم آیا می‌خواهی دلیل دیگری از قرآن کریم ارائه نمایم.

هارون الرشید به امام کاظم علیه السلام عرض کرد: آری

وجود مقدس امام کاظم سلام الله علیه آیه ۶۱ سوره آل عمران «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ، فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاتَكَمُ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ، ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لُغْتَهُ لَآلِهَةً عَلَى الْكَافِرِينَ» را تلاوت نموده و به هارون الرشید فرمود:

هیچ کس ادعا نکرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هنگام مباحله با نصارای نجران غیر از علی بن ابیطالب و فاطمه زهرا و حسن و حسین علیهم السلام افراد دیگری را همراه خود برده است.

بنابراین، ای هارون:

مراد و منظور از اَبْنائنا در این آیه شریفه «آیه ۶۱ سوره آل عمران» حسن و حسین علیهما السلام هستند،

مراد و منظور از نِسائنا در این آیه شریفه فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد، و مراد و منظور از اَنْفُسنا در این آیه شریفه علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.<sup>۱</sup>

۴. وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

عده‌ای از اصحاب از وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام تقاضا نمودند تا فضائل خویش را بیان فرماید.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام پس از شمردن تعدادی از فضائل خویش بیان فرمودند:

وقتی نصارای نجران خدمت پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله و سلم شرفیاب شده و راجع به حضرت عیسی مطالبی گفتند، خداوند متعال آیه ۵۹ تا ۶۱ سوره آل عمران را نازل نموده و به پیامبر اکرم دستور داد تا نصارای نجران را به مباحله دعوت کند.

پس از نزول این آیات شریفه بود که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به منزل آمده و دست من «علی بن ابیطالب» و دست فاطمه زهرا سلام الله علیها و دست حسنین علیهما السلام را گرفته و از منزل خارج شد تا با نصارای نجران مباحله نماید، لیکن:

---

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۶۹-۷۰.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۲۹.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۹، حدیث ۳.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۷۶-۷۷، حدیث ۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۴۷ تا ۷۴۹، حدیث ۱۶۲ «حدیث ۱۵۰۷».

نصارای نجران وقتی این وضع را دیدند از مباحله خودداری کرده و حاضر به مصالحه شدند.

این حدیث شریف را حریر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

احادیث فراوانی از طریق شیعه نقل شده که مضامین آنها شبیه به یکدیگر بوده و همه این احادیث شریف مبین این مطلب هستند که:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از نزول آیه مباحله «آیه ۶۱ سوره آل عمران» نصارای نجران را به مباحله دعوت نمودند و هنگامی که می خواستند به مباحله حاضر شوند امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها، امام حسن مجتبی و امام حسین سلام الله علیهما در محضر پیامبر اکرم بودند.

تعدادی از این احادیث شریف را شیخ در امالی آورده است.

این احادیث شریف را شیخ در کتاب امالی از عامر بن سعد نقل نموده است، در همین کتاب «امالی شیخ» عبدالرحمن بن کثیر این حدیث را از امام صادق علیه السلام نقل نموده است،

باز در همین کتاب «امالی شیخ» این حدیث را سالم بن ابی جعد نقل نموده است، در همین کتاب «امالی شیخ» ربیع بن ناجد این حدیث را از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل نموده است.

شیخ مفید در کتاب اختصاص این حدیث را از طریق محمد بن زبرقان از وجود مقدس امام کاظم علیه السلام نقل کرده است.

در همین کتاب «کتاب اختصاص شیخ مفید» این حدیث شریف از طریق محمد بن منکدر نقل شده است.

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۷۰-۷۱.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۷۷، حدیث ۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۴۵، حدیث ۱۵۸ «حدیث ۱۵۰۳».



عیاشی در تفسیر خویش این حدیث را از طریق محمد بن سعید ازدی و او از موسی بن محمد بن رضا نقل نموده است،  
 در همین کتاب «تفسیر عیاشی» این حدیث را ابی جعفر احوال از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل کرده است.  
 باز در همین کتاب «تفسیر عیاشی» این حدیث را منذر از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل نموده است.  
 فرات در تفسیر خویش این حدیث را از وجود مقدس امام باقر علیه السلام نقل کرده است.<sup>۱</sup>  
 قابل ذکر است که:

بسیاری از علما و مفسرین اهل سنت نیز این حدیث شریف را به طرق مختلف نقل نموده‌اند که انشاءالله تعالی در پایان بخش حدیث به تعدادی از آنها اشاره خواهد شد.

۵. وجود مقدس امام حسن مجتبی صلوات الله و سلامه علیه فرمودند:  
 وقتی خداوند متعال آیه مباهله «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ، فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبْنَانَا وَابْنَاتِكُمْ وَنِسَانَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ، ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لُغْنَةَ اللَّهِ عَلَي الْكَافِرِينَ - آیه ۶۱ سوره آل عمران» را نازل نموده و به پیامبر اکرم دستور دادند تا با نصارای نجران مباهله نماید، وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از آنفس پدرم علی بن ابیطالب را، و از آنبا برادرم حسین را، و از نساء مادرم فاطمه زهرا را برای مباهله همراه خود برد.

وجود مقدس امام مجتبی سلام الله علیه در ادامه فرمایش خویش فرمودند:  
 ما «علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام» اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشیم و گوشت و خون و نفس «جان - روح» آن حضرت هستیم،

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۷۱.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۷۰ تا ۷۸، حدیث ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۳.

ما از او هستیم «ما از پیامبر اکرم هستیم»،  
و او از ما «و پیامبر اکرم از ما».<sup>۱</sup>

### توضیح:

پس از نزول آیه مباحله «آیه ۶۱ سوره آل عمران» و دستور خداوند متعال به پیامبر اکرم مبنی بر مباحله با نصارای نجران، وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در مقام امتثال دستور خداوند متعال علی بن ابیطالب علیه السلام، فاطمه زهرا سلام الله علیها و حسنین سلام الله علیهما را برای مباحله با نصارای نجران به همراه خود بردند،

بنابراین:

حسنین سلام الله علیهما تنها مصداق ابْنائنا بودند،  
فاطمه زهرا سلام الله علیها تنها مصداق نَسائنا بودند،  
و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام تنها مصداق انْفُسنا.  
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم پس از آوردن این ذوات مقدّسه «برای مباحله» به خداوند متعال عرض کرد:  
خداوند!

این ها اهل بیت من هستند.<sup>۲</sup>

۶. هنگامی که زمان وفات عمر بن خطاب فرا رسید مقرر کرد پس از فوتش شش نفر یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، عثمان بن عفّان، طلحة بن عبیدالله، زبیر بن عوّام، عبدالرحمن بن عوف و سعد بن ابی وقاص در اطّاقی نشسته و پیرامون خلافت مشاوره کرده و از بین خودشان یک نفر را به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب نمایند.

پس از فوت عمر بن خطاب شورای شش نفره تشکیل شد و نهایتاً عثمان بن

۱. تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۶۸، حدیث ۲.

۲. المیزان، جلد ششم، صفحه ۸۱.

عَفَّان به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب شد.

قابل ذکر است که:

نتیجه تصمیم این شورای شش نفره از قبل معلوم بود، یعنی:  
قطعی و مسلم بود که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام هرگز به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب نخواهد شد، زیرا:

فقط زبیر بن عوّام تمایل به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام داشت و بقیه  
اعضاء شورا حامی و طرفدار عثمان بن عفّان بودند، لذا واگذاری امر انتخاب خلیفه  
به این شورای شش امری صوری و ظاهری بود و از قبل معلوم بود که عثمان بن  
عفّان انتخاب خواهد شد، و یا لاقلاً این قضیه حتمی و مسلم بود که امیرالمؤمنین  
علی بن ابیطالب علیه السلام قطعاً انتخاب نخواهد شد،

زیرا عثمان و طلحه و عبدالرحمن بن عوف و سعد بن ابی وقاص همفکر و  
همرأی بودند و در واقع از اعضای یک حزب و یک باند به شمار می رفتند و قطعی  
بود که یکی از آن چهار نفر انتخاب خواهند شد گرچه پیدا بود که عثمان بن عفّان  
در رأس قرار دارد.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام برای اتمام حجّت و به  
منظور روشن ساختن حقیقت از جای خویش بلند شده و اعضای شورا را مورد  
خطاب قرار داده و به آنها فرمود:

گفتار مرا بشنوید، چنانچه سخنان من حق بود آن را بپذیرید و چنانچه باطل بود  
آن را انکار کنید.

سپس وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فضائل و مناقب  
خویش را بیان می فرمود و عثمان و طلحه و زبیر و عبدالرحمن بن عوف و سعد  
بن ابی وقاص آن را تأیید می کردند.

یکی از چیزهایی که وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بیان  
فرمود موضوع مباحله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت  
با نصارای نجران بود.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام اعضای شورا را مورد

خطاب قرار داده و فرمودند:

نَشَدْتُكُمْ بِاللَّهِ، هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ أَخَذَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِيَدِهِ وَ يَدِ امْرَأَتِهِ وَ ابْنَيْهِ، حِينَ أَرَادَ أَنْ يُبَاهِلَ نَصَارَى أَهْلِ نَجْرَانَ غَيْرِي، قَالُوا، لَا، يَعْنِي:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به اعضاء شورا فرمود:

شما را به خدا سوگند، آیا در میان شما غیر از من کسی هست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دست او و دست همسر و دو پسرش را گرفته و برای مباحله با مسیحیان نجران همراه خود برده باشد. اعضاء شورا گفتند: خیر.<sup>۱</sup>

۷. وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

پس از اینکه ابوبکر به خلافت رسید پیوسته در این فکر بود که با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام خلوتی نموده و رضایت آن حضرت را جلب نماید. مجلس منعقد شد و ابتدا ابوبکر مطالبی عنوان نمود، سپس مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام شروع به صحبت نموده و گوشه‌ای از فضائل و مناقب خویش را بیان فرموده و پس از بیان هر فضیلت از ابوبکر سؤال می کرد که آیا مطلب همین است که من گفتم یا نه، و ابوبکر نیز فرمایشات آن حضرت را تصدیق می کرد.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در این جلسه بیش از سی فضیلت از فضائل بی شمار خویش را بیان فرمود و ابوبکر نیز تمام آن‌ها را تصدیق کرد.

یکی از مواردی که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به ابوبکر فرمود در رابطه با مباحله پیامبر اکرم با نصاری نجران بود.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به ابوبکر فرمود:

۱. تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۶۹، حدیث ۴.

احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت امیر علیه السلام به اعضاء شورا، صفحه ۲۷۸ تا ۲۹۹ «صفحه ۲۸۵»، حدیث ۵۵.

ای ابوبکر:

تو را به خدا سوگند:

آیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای مباحله با نصارای نجران من و اهل بیت من و فرزندان من را به همراه خود برد یا تو و خانواده تو و فرزندان تو را.

ابوبکر به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض کرد:

پیامبر اکرم تو و اهل بیت تو و فرزندان تو را برای مباحله با خود برد.<sup>۱</sup>

۸. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

وقتی که خداوند متعال آیه مباحله «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ، فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ، ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لُغْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» - آیه ۶۱ سوره آل عمران را نازل فرموده و به پیامبر اکرم دستور دادند تا با نصارای نجران مباحله نماید وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، من و همسر فاطمه زهرا و حسنین را برای مباحله همراه خودشان بردند، و در این آیه شریفه:

نَفْسٍ مِنْ نَفْسٍ رَسُولِ خِدا بُود،

منظور از نِسَاءَنَا فاطمه زهرا سلام الله علیها بود،

و منظور از ابْنَاءَنَا حسنین علیهما السلام بودند.<sup>۲</sup>

## توضیح:

(الف) بسیاری از علماء و مفسرین اهل سنت در کتابهای خویش تصریح کرده‌اند که آیه مباحله «آیه ۶۱ سوره آل عمران» درباره اهل بیت پیامبر اکرم صلی

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۵۱، حدیث ۱۶۵ «حدیث ۱۵۱۰».

احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر ابوبکر، صفحه ۲۶۱ تا ۲۷۳ «صفحه ۲۶۵»، حدیث ۵۳. خصال صدوق، جلد دوم، باب خصال چهل گانه و بیشتر صفحه ۳۲۵، حدیث ۱۷.

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۵۱، حدیث ۱۶۶ «حدیث ۱۵۱۱».

خصال صدوق، جلد دوم، باب خصال چهل گانه و بیشتر، صفحه ۳۵۵ تا ۳۸۰ «صفحه ۳۶۲»، حدیث ۲۲، سی و چهارمین منقبت از مناقب حضرت امیر علیه السلام.

الله علیه و آله و سلم نازل شده و آن ذوات مقدسه مصادیق انحصاری و منحصر به فرد آیه مباهله هستند، و اتفاق نظر دارند که:

أَبْنَاءُنَا در آیه مباهله اشاره به حسن و حسین علیهما السلام دارد،

نِسَائِنَا در آیه مباهله اشاره به فاطمه زهرا سلام الله علیها دارد،

و أَنْفُسَنَا در آیه مباهله اشاره به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام دارد.

اسامی تعدادی از علماء و مفسرین بزرگ و معروف اهل سنت را ذیلاً ملاحظه می فرمائید که صراحتاً اعلام نموده اند که آیه مباهله درباره خمسه طیبه می باشد و لاغیر.

۱. مسلم بن حجاج نیشابوری صاحب صحیح؛

۲. ترمذی صاحب صحیح.

قابل ذکر است که شیعه چهار کتاب بسیار معتبر و بارزش دارد که به کُتب اربعه مشهور می باشند و عبارتند از: اصول کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب، استبصار، و اهل تسنن نیز شش کتاب معروف دارند که مورد اعتماد اهل سنت می باشند و به صحاح سته معروف هستند.

۳. احمد بن حنبل در کتاب مُسند؛

۴. حاکم در کتاب مستدرک؛

۵. واحدی نیشابوری در کتاب اسباب النزول؛

۶. ابن اثیر در کتاب جامع الاصول؛

۷. ابن جوزی در کتاب تذکره الخواص؛

۸. ابن حجر عسقلانی در کتاب الاصابه؛

۹. ابن صباغ در کتاب الفصول المهمه؛

۱۰. ترمذی در کتاب سنن؛

۱۱. ابو نعیم در کتاب حلیة الاولیاء؛

۱۲. ابن مغزلی در کتاب مناقب؛

۱۳. سیوطی در تفسیر درالمتثور؛

۱۴. ثعلبی در تفسیر معروفش؛

۱۵. طبری در تفسیر خویش؛

۱۶. فخر رازی در تفسیر مفاتیح الغیب؛

۱۷. قاضی بیضاوی در تفسیر خویش؛

۱۸. آلوسی در تفسیر روح المعانی؛

۱۹. طنطاوی در تفسیر الجواهر؛

۲۰. زمخشری در تفسیر کشاف؛

۲۱. قرطبی در تفسیر خویش؛

مفسّر بزرگ اهل سنت به نام زمخشری در تفسیر خویش «تفسیر کشاف» ذیل

آیه ۶۱ سوره آل عمران عنوان نموده که:

این آیه شریفه قوی‌ترین دلیلی است که فضیلت اهل کساء «خمسه طیبه» را ثابت

می‌کند.<sup>۱</sup>

ب) قاضی نورالله شوشتری در کتاب احقاق الحق اسامی حدود شصت نفر از علماء و مفسّرین اهل سنت را آورده که این افراد تصریح نموده‌اند که آیه مباحله «آیه ۶۱ سوره آل عمران» درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و حسنین علیهما السلام نازل شده است.<sup>۲</sup>

ج) سید بن طاووس در کتاب سعدالسعود نقل می‌کند که:

در کتاب «ما نزل من القرآن فی النبی و اهل بیته» تألیف محمد بن عباس بن مروان خبر مربوط به مباحله پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت با نصارای نجران به پنجاه و یک طریق از صحابه و غیر صحابه نقل شده است که اسامی تعدادی از آنها بدین قرار است:

عثمان بن عفان، سعد بن ابی وقاص، طلحه - زبیر، عبدالرحمن بن عوف، عبد

۱. میزان، جلد ششم، صفحه ۷۱، ۷۳ تا ۷۶، ۷۹ - ۸۰.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۷۷ تا ۶۷۹.

۲. تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۶۷۷.

الله بن عباس، انس بن مالک و ...<sup>۱</sup>.

در پایان این بخش به حدیثی که سعد بن ابی وقاص از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده اشاره می شود. روزی معاویه بن ابی سفیان به سعد بن ابی وقاص گفت: چرا ابوتراب «علی بن ابیطالب علیه السلام» را دشنام نمی دهی و به او ناسزا نمی گویی.

سعد بن ابی وقاص به معاویه بن ابی سفیان گفت: درباره علی بن ابیطالب سه مطلب از پیامبر اکرم شنیدم که اگر یکی از آن‌ها درباره من بود در نظر من از شتران نجیب و اصیل «کنایه از تمام چیزهای خوب دنیا» بهتر و باارزش تر بود.

یکی اینکه در یکی از جنگ‌ها پیامبر اکرم او را در مدینه جانشین خویش قرار داد و او را همراه خود به جنگ نبرد.

علی بن ابیطالب به پیامبر اکرم عرض کرد:

آیا مرا با زن‌ها و بچه‌ها می گذاری،

پیامبر اکرم به علی بن ابیطالب فرمود:

آیا راضی نیستی که نسبت به من مثل هارون به موسی باشی «هارون برادر موسی بن عمران بود و وصی و جانشین او بود»، با این تفاوت که بعد از من پیامبری نخواهد آمد.

دوم اینکه هنگام جنگ خیبر پیامبر اکرم فرمود:

فردا پرچم را به دست کسی خواهم داد «کسی را به فرماندهی سپاه مسلمین منصوب خواهم کرد» که آن کس خدا و رسول خدا را دوست دارد و خدا و رسول خدا نیز او را دوست دارد.

سعد بن ابی وقاص می گوید همه ما انتظار داشتیم که آن شخص ما باشیم، لیکن پیامبر اکرم پرچم را به دست علی بن ابیطالب داد و خداوند متعال فتح را به دست علی بن ابیطالب نصیب مسلمانان نمود.



سوّم اینکه وقتی آیه مباحله «آیه ۶۱ سوره آل عمران» نازل شد پیامبر اکرم، علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین «علیهم السّلام» را طلبید و به خداوند متعال عرض کرد:

خداوندا، اینها اهل بیت من هستند.

این حدیث در صحیح مسلم، صحیح ترمذی، مسند احمد بن حنبل، حلیة الاولیاء ابونعیم و... آمده است.<sup>۱</sup>

قابل ذکر است که سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمن بن عوف و طلحه و جوه مشترکی دارند که ذیلاً ملاحظه می فرمائید.

۱. همانطور که ملاحظه فرمودید هر سه نفر یاد شده خبر مربوط به مباحله پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت «خمسه طیبه علیهم السّلام» را با نصاری نجران نقل کرده اند.

۲. هر سه نفر یاد شده عضو شورایی بودند که بعد از مرگ عمر بن خطّاب و ظیفه تعیین خلیفه بر عهده آنها بود و هر سه نفر به عثمان بن عفّان رای دادند.

۳. پس از واقعه غدیر خم و انتصاب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام به عنوان امام مسلمین، چهارده نفر تصمیم گرفتند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم را به شهادت برسانند لیکن موفق به این کار نشدند، و سه نفر یاد شده از اعضاء این گروه چهارده نفره بودند.<sup>۲</sup>

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۷۳.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۶۷ - ۷۰ - ۷۹، حدیث ۱، ۵، ۱۴، ۱۵.

تفسیر نمونه، جلد دوّم، صفحه ۶۷۸.

۲. شرح خطبه غدیریّه پیامبر اکرم، تألیف آیت الله سیّد محمد تقی نقوی، صفحه ۴۸۸ - ۴۸۹ «جمالی از وقایع پس از غدیر».

## آیه ۷۷ سوره آل عمران:

«إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا، أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ، وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ، وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَا يُزَكِّيهِمْ، وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»

### ترجمه:

کسانی که عهد خداوند متعال، همچنین سوگندهای خویش را به بهای اندک و ناچیز می‌فروشند آن‌ها در آخرت بهره و نصیبی ندارند و خداوند متعال روز قیامت با آن‌ها سخن نخواهد گفت «سخن نمی‌گوید»، و به آن‌ها به نظر رحمت نگاه نخواهد کرد «نگاه نمی‌کند»، و آن‌ها را از گناه پاک نخواهد ساخت «آن‌ها را نخواهد آمرزید»، و برای آن‌ها عذابی دردناک است.<sup>۱</sup>

### شرح لغات و توضیحات:

شراء = خریدن و فروختن «هر دو معنی را دارد»؛

ایمان = جمع یمین یعنی سوگندها؛

ثَمَنٌ = بها، قیمت «آنچه که فروشنده جنس در ازاء فروش کالای خود از خریدار دریافت می‌کند، اعم از اینکه پول باشد یا هر چیزی»؛

خَلَاق = نصیب، بهره.<sup>۲</sup>

در آیه «قبل ۷۶ سوره آل عمران» خداوند متعال فرمودند:

بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ، فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ، یعنی:

هر کس به عهد و پیمان خویش با خداوند متعال وفا نماید و تقوی پیشه کند «پرهیزکار باشد» خداوند متعال متّقین و پرهیزکاران را دوست دارد.

در واقع معنی این آیه شریفه این می‌شود که:

هر کس به عهد و پیمان خویش با خداوند متعال وفا نماید خداوند متعال او را

۱. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۳۲.

۲. المیزان، جلد ششم، صفحه ۱۲۴.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۷۲۵.

مفردات راغب.

دوست دارد، زیرا:

چنین شخصی در زمره پرهیزکاران است و خداوند متعال نیز هر انسان پرهیزکاری را دوست می‌دارد.

بنابراین:

کرامت و لطف خداوند متعال به بندگان پرهیزکارش دوست داشتن آنها می‌باشد.

مراد از عهد در این آیه شریفه و آیه بعد «آیات ۷۶ و ۷۷ سوره آل عمران» پیمانی است که خداوند متعال از بندگان گرفته تا به خدا و رسول خدا ایمان آورده و به تکالیف شرعی خویش عمل نمایند «عمل به واجبات و ترک محرمات».

به عبارت دیگر:

مقصود از عهد خداوند متعال به بندگان در این دو آیه شریفه ایمان آوردن به خداوند متعال و پیامبر اکرم و اطاعت از اوامر و نواهی خدا و پیامبر اکرم می‌باشد،

و کسی که به عهد خداوند متعال وفا نماید خداوند متعال او را دوست خواهد داشت و کسی را که خداوند متعال دوست بدارد وارد بهشت خواهد نمود. ممکن است مقصود از عهد مطلق عهد باشد که شامل عهد خداوند متعال نیز می‌شود.<sup>۱</sup>

آیه ۷۷ سوره آل عمران در رابطه با کسانی است که به عهد و پیمان خویش با خداوند متعال وفادار نبوده و آن را به بهای ناچیزی می‌فروشند.

خداوند متعال درباره این افراد می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا = کسانی که عهد خداوند متعال و همچنین سوگندهای خویش را به بهای ناچیزی می‌فروشند.

گفته شده که:

۱. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۳۰ - ۱۳۱.

المیزان، جلد ششم، صفحه ۱۲۲، ۱۲۳.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۰.

این آیه شریفه درباره یهودیانی نازل شد که نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را که در تورات آمده بود پنهان کرده و چیز دیگری جای آن قرار دادند «تورات را تحریف کردند»، و سوگند خوردند که این مطلب تحریف شده کلام خداوند متعال است.

همچنین گفته شده که:

این آیه شریفه درباره اشعث بن قیس نازل شد که می خواست با دروغ زمین فرد دیگری را تملک نماید و آماده شده بود تا برای این عمل خلاف خویش سوگند نیز بخورد.

به هر حال این آیه شریفه عمومیت دارد «گرچه در رابطه با فرد یا افراد خاصی نازل شده است»، یعنی:

هر کس با خداوند متعال عهدشکنی نماید و برای رسیدن به مقاصد خویش قسم دروغ بخورد مشمول این آیه شریفه خواهد بود.

همانطور که ملاحظه فرمودید مقصود از عهد خداوند متعال ایمان آوردن به خداوند متعال و پیامبر اکرم و اطاعت از اوامر و نواهی آنها می باشد.

این آیات شریفه «آیات ۷۶ و ۷۷ سوره آل عمران» بیان می فرمایند که:

کرامت و رحمت واسعه حق تعالی مخصوص کسانی است که:

وفای به عهد خداوند متعال داشته باشند و راه تقوا و پرهیزکاری را در پیش بگیرند، لذا:

کسانی که عهد خداوند متعال را در ازاءِ ثَمَنِ قَلِيلٍ «بهای اندک و ناچیز» می فروشند شایستگی این را ندارند که مشمول کرامت خداوند متعال شوند و این لیاقت را ندارند که خداوند متعال آنها را دوست بدارد.

کسی که با اوامر الهی مخالفت کند و از دستورات خداوند متعال سرپیچی نماید و به عهد و پیمان خویش با خداوند متعال وفادار نماند رحمت و لطف و عنایت خداوند متعال را از دست خواهد داد و در ازاءِ این پیمان شکنی و مخالفت با اوامر خداوند متعال هر چه که نصیب او شود قلیل و اندک خواهد بود حتی اگر همه دنیا باشد، زیرا:

همه دنیا در مقابل بهشت و نعمات بهشتی ذره‌ای بیش نیست و خداوند متعال این موضوع را به یک معامله تشبیه فرموده است.

بنابراین:

کسی که نعمات عظیم و همیشگی بهشت را با این دنیا معاوضه کند یعنی دنیای خویش را آباد نموده و آخرت خویش را خراب نماید چنین شخصی آخرت خویش را به ثَمَن قَلِيل و بهای اندک و ناچیزی فروخته است. مراد و منظور از ثَمَن قَلِيل «بهای اندک و ناچیز» در این آیه شریفه دنیا است و متاع دنیا.

خداوند متعال در آیه ۷۷ سوره نساء و آیه ۳۸ سوره توبه متاع دنیا را قلیل دانسته و می‌فرماید:

فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ «آیه ۳۸ سوره توبه»؛

قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ «آیه ۷۷ سوره نساء» یعنی:

متاع دنیا در برابر آخرت جز اندکی نیست «آیه ۳۸ سوره توبه»؛

ای پیامبر به مردم بگو که متاع دنیا قلیل و ناچیز است و سرای آخرت بهتر است «آیه ۷۷ سوره نساء»؛

«متاع = هر چیزی که به نوعی مورد استفاده باشد»؛

در حدیث است که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

وَاللَّهِ مَا الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا كَمَا يَجْعَلُ أَحَدُكُمْ إِصْبَعَهُ فِي الْيَمِّ ثُمَّ يَرْفَعُهَا فَلْيَنْظُرْ بِمَ تَرْجِعُ،

یعنی:

به خدا سوگند دنیا در برابر آخرت مثل این است که:

یکی از شما انگشت خویش را به دریا بزند و سپس بردارد و نگاه کند و بنگرد چه مقدار از آب دریا را با آن برداشته است.

در واقع دنیا در مقابل آخرت مثل یک قطره است در مقابل دریا، بلکه کمتر.<sup>۱</sup>

بنابراین:

کسانی که برای به دست آوردن دنیا از اوامر خداوند متعال سرپیچی کرده و

۱. تفسیر نمونه، جلد هفتم، صفحه ۴۹۱، ذیل آیه ۳۸ سوره توبه.

سوگندهای دروغ می‌خورند و خودشان را از ثواب و پاداش‌های عظیم خداوند متعال در آخرت محروم می‌کنند این افراد در ازاءِ قیمت ناچیز و بهای اندک که همان دنیا باشد دین و ایمان و آخرت خودشان را فروخته‌اند.  
خلاصه کلام اینکه:

دنیا و متاع دنیا «زندگی دنیا - سرمایه دنیا» در مقابل آخرت بسیار ناچیز و اندک و قلیل می‌باشد، لذا:

کسانی که برای به دست آوردن دنیا مرتکب گناه شده و از اوامر و دستورات خداوند متعال سرپیچی می‌کنند دین و ایمان خویش را به بهای بسیار ناچیز و اندکی فروخته‌اند، یعنی:

سعادت و کامیابی ابدی و همیشگی آخرت را از دست داده و در مقابل دنیا را انتخاب کرده‌اند آن هم دنیای زودگذر هفتاد و هشتاد ساله.  
ادامه آیه شریفه در رابطه با سرنوشت این پیمان‌شکنان و ناقضین عهد خداوند متعال بوده و بیان می‌فرماید که:

کسانی که عهد خداوند متعال، همچنین سوگندهای خویش را به بهای اندک و ناچیزی می‌فروشند روز قیامت این سرنوشت را خواهند داشت.  
۱. **أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ** = آنها در آخرت نصیب و بهره‌ای نخواهند داشت، یعنی:

این افراد از مواهب و نعمات بی‌پایان آخرت بهره‌ای نخواهند داشت.  
۲. **وَلَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ** = خداوند متعال روز قیامت با آنها سخن نخواهد گفت، یعنی سخنی که حاکی از لطف و محبت به آنها باشد نخواهد نمود.

۳. **وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ** = خداوند متعال روز قیامت به آنها نگاه نخواهد کرد، یعنی: نظر لطف خویش را شامل حال آنها نخواهد نمود.  
قابل ذکر است که:

خداوند متعال روز قیامت به طور مستقیم «از طریق خَلْقِ صَوْتٍ» یا به وسیله ملائکه با بندگان مومن خویش سخن می‌گوید و این سخنان محبت‌آمیز باعث خوشحالی مومنین می‌شود، همچنین:

خداوند متعال نظر لطف خویش را شامل حال بندگان مومن خویش نموده و آن‌ها را مسرور و خوشحال می‌نماید.

بدیهی است منظور از سخن گفتن خداوند متعال و نگاه کردن خداوند متعال به بندگان مومن خویش در روز قیامت سخن گفتن با زبان و نگاه کردن با چشم نمی‌باشد زیرا خداوند متعال جسم نیست که دست و پا و چشم و زبان داشته باشد، بنابراین:

سخن گفتن خداوند متعال با بندگان مومن در روز قیامت یا از طریق خلق صوت می‌باشد یا از طریق ملائکه، همچنین:

منظور از نگاه کردن خداوند متعال به بندگان مومن در روز قیامت نگاه کردن با چشم نیست بلکه مقصود این است که:

نظر رحمت خویش را شامل حال مومنین نموده و بدین وسیله باعث شادی و سُرور آن‌ها می‌شود، لیکن:

کسانی که در دنیا عهد خداوند متعال را به بهای اندک و ناچیز فروخته‌اند روز قیامت مشمول رحمت خداوند متعال نخواهند شد، یعنی:

خداوند متعال از روی لطف و محبت با آن‌ها سخن نخواهد گفت،

ضمن اینکه نظر لطف و مرحمت خویش را نیز شامل حال آن‌ها نخواهد کرد، یعنی خداوند متعال و ملائکه خدا با نقض کنندگان عهد الهی در روز قیامت سخن خواهند گفت لیکن این سخن گفتن به منظور خوشحال کردن آن‌ها نیست بلکه این سخن گفتن از روی بی‌مهری و تحقیر و مجازات آن‌ها می‌باشد و باعث افزایش ناراحتی و حزن و اندوه آن‌ها خواهد بود.

ادامه آیه شریفه به چهارمین ویژگی ناقضین عهد خداوند متعال اشاره کرده و می‌فرماید:

۴. وَلَا يُزَكِّيهِمْ = خداوند متعال آن‌ها را از گناه پاک نمی‌کند، یعنی:

خداوند متعال آن‌ها را نمی‌آمزد و گناهان آن‌ها را نمی‌بخشد

۵. وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ = و برای آن‌ها عذاب دردناکی است، یعنی:

عذاب آلیم و دردناک جهنم در انتظار آن‌ها است و جایگاه آن‌ها جهنم می‌باشد.

بنابراین:

خلاصه معنی آیه ۷۶ و ۷۷ سوره آل عمران این شد که: هر کس به عهد و پیمان خویش با خداوند متعال وفا نماید و تقوا و پرهیزکاری پیشه کند خداوند متعال او را دوست دارد، زیرا: خداوند متعال متقین و پرهیزکاران را دوست دارد «آیه ۷۶» کسانی که عهد و پیمان خداوند متعال و سوگندهای خویش را به بهای اندک و ناچیز می فروشند این افراد روز قیامت:

۱. از مواهب و نعمات عظیم و بی پایان الهی بهره و نصیبی نخواهند داشت.
۲. خداوند متعال با آنها سخن نخواهد گفت «سخن محبت آمیز نخواهد فرمود».
۳. خداوند متعال به آنها نگاه نخواهد کرد «به آنها نظر لطف نخواهد کرد».
۴. خداوند متعال آنها را از گناه پاک نخواهد کرد «آنها را نخواهد آمرزید».
۵. عذاب الیم و دردناک جهنم در انتظار آنها است «آیه ۷۷»<sup>۱</sup>.

### توضیح:

خداوند متعال در آیات فراوانی به کفار و مشرکین و منافقین و گنهکاران وعده عذاب الیم «عذاب دردناک»، عذاب مهین «عذاب خوارکننده» و عذاب عظیم «عذاب بزرگ» داده است، لیکن فقط در دو آیه شریفه به گنهکاران وعده عذاب الیم داده و اضافه فرموده که:

خداوند متعال با آنها سخن نمی گوید، نظر لطف خویش را شامل حال آنها نمی نماید، و آنها را از گناهان پاک نمی کند «گناهان آنها را نمی بخشد». یکی از این آیات شریفه آیه ۷۷ سوره آل عمران می باشد که در صفحات قبل به طور اجمال راجع به آن مطالبی به عرض رسید.

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۳۱ - ۱۳۳ - ۱۳۴.  
مجمع البیان، جلد دوم، صفحه ۱۷۲ - ۱۷۳ «ذیل آیه ۱۷۴ سوره بقره».  
المیزان، جلد ششم، صفحه ۱۲۳ تا ۱۲۵.  
تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۷۲۱ - ۷۲۴ تا ۷۲۶.  
تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۶۷۰ - ۶۷۱ «ذیل آیه ۱۷۴ سوره بقره».



دوّمین آیه که متضمّن این موضوعات می باشد آیه ۱۷۴ سوره بقره است.  
خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا، أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ. یعنی:

کسانی که کتمان می کنند آنچه را که خداوند متعال در کتاب نازل فرموده و آن را به بهای اندک و ناچیزی می فروشند «یعنی اهل کتاب و مخصوصاً یهودیان که علائم ظهور پیامبر اکرم را در تورات و انجیل تحریف نموده و آن را کتمان کردند»، آن‌ها چیزی جز آتش نمی خورند «هدایا و اموالی را که از این طریق به دست می آورند در حقیقت آتش سوزانی است»،

خداوند متعال روز قیامت با آن‌ها سخن نمی گوید «نه اینکه با آن‌ها اصلاً سخن نمی گوید، بلکه با آن‌ها سخن محبت آمیز نخواهد گفت و سخنی نخواهد گفت که باعث مسرت و خوشحالی آن‌ها شود»،

و آن‌ها را از گناه پاک نمی کند «گناهان آن‌ها را نمی آمرزد»،

و برای آن‌ها عذاب دردناک است «عذاب دردناک جهنّم در انتظار آن‌ها است».

شأن نزول این دو آیه شریفه «آیه ۱۷۴ سوره بقره و آیه ۷۷ سوره آل عمران» این است که:

به اتفاق همه مفسّرین آیات فوق در رابطه با اهل کتاب «یهود و نصاری» نازل شده است، یعنی:

قبل از بعثت نبی مکرم اسلام علمای یهود و نصاری علائم و نشانه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مطابق آنچه که در تورات و انجیل یافته بودند برای مردم بازگو می کردند، لیکن پس از ظهور پیامبر اکرم و مبعوث شدن آن حضرت به رسالت، علمای یهود و نصاری اوصاف پیامبر اکرم را کتمان کرده و مطالبی را که در تورات و انجیل راجع به پیامبر اکرم بود تحریف نموده و سوگند یاد می کردند که تمام مطالب این دو کتاب «تورات و انجیل» از ناحیه خداوند متعال می باشد، و بدین صورت جملات تحریف شده را نیز به عنوان کلام خدا معرفی می نمودند «در بین مردم عادی و عوام که اطلاعاتی از محتوای تورات و انجیل نداشتند».

علمای یهود و نصاری «مخصوصاً علمای یهود» با این عمل خویش مانع شدند تا یهودیان و مسیحیان به حقیقت اسلام پی برده و مسلمان شوند، و در واقع علمای یهود و نصاری با این عمل خویش مانع مسلمان شدن یهودیان و مسیحیان شدند، لذا:

خداوند متعال فقط در همین دو آیه شریفه ضمن تهدید آن‌ها به عذاب الیم اضافه فرموده که:

روز قیامت با آن‌ها صحبت نمی‌کند و با آن‌ها سخن نمی‌گوید «نه اینکه اصلاً سخن نمی‌گوید، بلکه سخنان محبت‌آمیز با آن‌ها نمی‌گوید تا باعث خوشحالی و سُرور آن‌ها نشود»،

آن‌ها را از گناه پاک نمی‌کند «گناهان آن‌ها را نمی‌آمرزد».

در آیه ۷۷ سوره آل عمران علاوه بر دو مطلب یاد شده اضافه شده است که:

خداوند متعال به آن‌ها نگاه نمی‌کند «نظر رحمت به آن‌ها نمی‌نماید».

علمای یهود و نصاری «مخصوصاً علمای یهود» به این علت تورات و انجیل را تحریف نموده و اوصاف پیامبر اکرم را کتمان نموده و آن را تغییر دادند، زیرا:

منافع و موقعیت خویش را در خطر می‌دیدند، یعنی:

هم جایگاه و مقام خویش را در خطر می‌دیدند،

و هم اینکه هدایایی که مردم عادی برای آن‌ها می‌آوردند «به عنوان زعمای قوم»

قطع می‌شد.

لذا برای اینکه این اتفاق نیفتد اصل قضیه را انکار کرده و کتمان نمودند «اوصاف

پیامبر اکرم در تورات و انجیل» تا خطری آن‌ها را تهدید نکند.<sup>۱</sup>

ملاحظه فرمودید که:

شأن نزول این دو آیه شریفه «آیه ۷۷ سوره آل عمران و آیه ۱۷۴ سوره بقره» در

رابطه با علمای یهود و نصاری می‌باشد که علائم و نشانه‌های پیامبر اکرم صلی الله

۱. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۳۳ «ذیل آیه ۷۷ سوره آل عمران».

مجمع‌البیان، جلد دوم، صفحه ۱۷۰ تا ۱۷۷ «ذیل آیه ۱۷۴، ۱۷۵ و ۱۷۶ سوره بقره».

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۲۲۴ «ذیل آیه ۷۷ سوره آل عمران».

تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۶۶۸ تا ۶۷۱ «ذیل آیه ۱۷۴ سوره بقره».

علیه و آله و سلم را در تورات و انجیل تغییر داده و آن‌ها را تحریف نموده و با انکار نبوت پیامبر اکرم مانع مسلمان شدن پیروان خویش شدند.

لذا هم علمای یهود و نصاری مشمول وعیدها و تهدیدهای این دو آیه شریفه می‌شوند و هم پیروان آن‌ها «بدیهی است جرم و گناه رهبران ضلالت و گمراهی از جرم و گناه پیروان آن‌ها بیشتر و سنگین‌تر می‌باشد».

اما تأویل این دو آیه شریفه «آیه ۷۷ سوره آل عمران و آیه ۱۷۴ سوره بقره» و معنی باطنی آن‌ها در رابطه با کسانی است که:

امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام را انکار کرده و با آنکه به آن علم داشتند و بارها و بارها از لسان مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیده بودند آن را کتمان نمودند،

همچنین در رابطه با کسانی است که حقوق آن ذوات مقدسه را غصب کرده و خودشان را به عنوان خلیفه مسلمین بر مسلمانان تحمیل نمودند.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث به این موضوع اشاره خواهد شد.

قابل ذکر است که این دو آیه شریفه عمومیت دارند، یعنی:

هر کس آیات الهی و حجج خداوند متعال را انکار کند و عهد و پیمان الهی را نقض نماید مشمول وعیدها و تهدیدات این دو آیه شریفه خواهد بود و روز قیامت گرفتار عذاب الیم و دردناک جهنم خواهد شد.

### حدیث:

۱. وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ،

مَنْ ادَّعَى إِمَامَةً مِنَ اللَّهِ لَيْسَتْ لَهُ،

وَمَنْ جَحَدَ إِمَامًا مِنَ اللَّهِ،

وَمَنْ زَعَمَ أَنَّ لَهُمَا فِي الْإِسْلَامِ نَصِيبًا، یعنی:

وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

سه عده و سه گروه هستند که خداوند متعال روز قیامت با آن‌ها سخن نمی‌گوید



این حدیث را علی بن میمون از ابن ابی یعفور و او از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۳. وجود مقدّس امام سجّاد علیه السلام فرمودند:

ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ،

مَنْ جَحَدَ إِمَامًا مِنَ اللَّهِ،

أَوْ ادَّعَى إِمَامًا مِنْ غَيْرِ اللَّهِ،

أَوْ زَعَمَ أَنَّ لِفُلَانٍ وَ فُلَانٍ فِي الْإِسْلَامِ نَصِيبًا، یعنی:

سه طائفه و سه گروه هستند که خداوند متعال روز قیامت با آنها سخن نمی گوید،  
به آنها نظر نمی کند،

و آنها را از گناه پاک نمی کند،

و برای آنها عذابی دردناک است،

الف) کسی که امام منصوب از ناحیه خداوند متعال را انکار نماید،

ب) کسی که به دروغ ادّعی امامت نماید «در حالی که از ناحیه خداوند متعال به امامت مسلمین منصوب نشده خود را امام مسلمین بداند».

ج) کسی که گمان کند فلان کس و فلان کس از اسلام بهره ای برده اند.

این حدیث را ابی حمزه ثمالی از امام سجّاد علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

---

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۰۳، حدیث ۱۲ «حدیث ۹۶۳».

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۸۹، حدیث ۵.

تفسیر نورالقلین، جلد اوّل، صفحه ۷۶۵، حدیث ۱۹۸ «حدیث ۱۵۴۳».

۲. تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۸۹، حدیث ۶.

**توضیح:**

ملاحظه فرمودید که:

کسانی که به دروغ ادّعی امامت نمایند «غاصبین خلافت»،

همچنین:

کسانی که امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام را انکار نمایند، روز قیامت مورد خشم و غضب خداوند متعال خواهند بود و گرفتار عذاب الیم و دردناک جهنّم خواهند شد،

همچنین:

کسانی که این دو گروه را «غاصبین خلافت - منکرین امامت ائمه معصومین علیهم السّلام» مسلمان بدانند خودشان نیز در زمره آنها واقع خواهند شد و گرفتار خشم و غضب خداوند متعال شده و عذاب دردناک جهنّم در انتظار آنها خواهد بود.

احادیث ذیل با صراحت هر چه تمامتر اعلام می فرمایند که:

اگر کسانی ائمه ظلم و جور و منکرین امامت ائمه معصومین علیهم السّلام را مسلمان بدانند خودشان نیز در زمره آنها قرار خواهند گرفت و گرفتار عذاب دردناک جهنّم خواهند شد.

در این رابطه به چهار حدیث اشاره می شود.

**الف)** وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

مَنْ ادَّعَى الْإِمَامَةَ وَ لَيْسَ مِنْ أَهْلِهَا فَهُوَ كَافِرٌ، یعنی:

هر کس ادّعی امامت کند و اهلش نباشد کافر است، یعنی:

هر کس خودش را امام مسلمین و جانشین پیامبر اکرم بداند در حالی که خداوند متعال او را به عنوان امام مسلمین منصوب نفرموده چنین شخصی کافر است.

این حدیث را فضیل از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۱۹۹، حدیث ۲ «۹۵۳».

ذیل آیه ۶۰ سوره زمر نیز احادیثی در این خصوص نقل شده است.

ب) عمر بن زاهر می گوید:

از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام سؤال شد که:

یا بن رسول الله،

آیا به امام قائم علیه السلام به عنوان امیرالمؤمنین سلام داده می شود.

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمودند:

لَا، ذَاكَ اسْمٌ سَمَى اللَّهُ بِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

لَمْ يُسَمَّ بِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ وَلَا يَتَسَمَّى بِهِ بَعْدَهُ إِلَّا كَافِرٌ، یعنی:

خیر، زیرا نام امیرالمؤمنین را خداوند متعال مخصوص علی بن ابیطالب علیه السلام

قرار داده است،

قبل از علی بن ابیطالب هیچکس به نام امیرالمؤمنین نامیده نشده و بعد از

علی بن ابیطالب نیز هیچ کس خودش را امیرالمؤمنین نمی داند مگر اینکه کافر باشد

«هر کس غیر از علی بن ابیطالب علیه السلام خودش را امیرالمؤمنین بداند کافر

است».

لازم به ذکر است که تمام خلفای غاصب «چه بنی امیه و چه بنی عباس» خودشان

را امیرالمؤمنین می دانستند و پیروانشان نیز آن ها را به عنوان امیرالمؤمنین صدا

می کردند.<sup>۱</sup>

طبق این دو حدیث و ده ها حدیث دیگر تمام غاصبین خلافت حقیقتاً کافر

می باشند گرچه ظاهراً مسلمان بودند و احکام اسلام راجع به آن ها جاری بود.

ج) وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

نَحْنُ الَّذِينَ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا،

مَنْ عَرَفَنَا كَانَ مُؤْمِنًا،

وَمَنْ أَنْكَرَنَا كَانَ كَافِرًا،

ما هستیم «ائمّه معصومین علیهم السلام» که خداوند متعال اطاعت و پیروی از ما

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۷۵، باب نادر، حدیث ۲، «حدیث ۱۰۷۷».

را واجب فرموده است،

هر کس ما را بشناسد «معتقد به امامت ما باشد» مومن است،  
و هر کس ما را انکار کند «امامت ما را انکار کند» کافر است.  
این حدیث را ابی سلمه از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

د) در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدس امام هادی علیه السلام صادر شده هنگام زیارت هر کدام از ائمه معصومین علیهم السلام محضر آن بزرگواران عرض می کنیم:

فَالرَّاغِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ، یعنی:

هر کس از شما اعراض کند و رویگردان شود از دین اسلام خارج شده است،  
یعنی:

هر کس از ولایت و امامت شما ائمه معصومین اعراض نماید و ولایت و امامت شما را نپذیرد از دین اسلام خارج شده و کافر شده است گرچه به حسب ظاهر مسلمان باشد و احکام اسلام بر او منطبق گردد،

زیرا اسلام با گفتن شهادتین «شهادت به یگانگی خداوند متعال و رسالت پیامبر اکرم» تحقق می یابد ولو اینکه گوینده شهادتین قلباً اعتقادی نداشته باشد.

وَمَنْ جَحَدَكُمُ كَافِرٌ، یعنی:

هر کس امامت و ولایت شما ائمه معصومین علیهم السلام را انکار نماید، کافر است.

با این توضیحات معنا و مفهوم احادیث شریفی که ذیل آیه ۷۷ سوره آل عمران درج شد کاملاً روشن گردید که:

سه طایفه و سه گروه هستند که خداوند متعال روز قیامت با آنها سخن نمی گوید و نظر لطف خویش را شامل حال آنها نمی نماید و آنها را از گناهان پاک نمی کند «گناهان آنها را نمی آمرزد و نمی بخشد» و آنها گرفتار عذاب الیم و دردناک جهنم خواهند بود.

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۶۶ - حدیث ۱۱ «حدیث ۴۸۴».



این سه طایفه و این سه گروه عبارتند از:

کسانی که به ناحق خودشان را امام مسلمین دانستند «غاصبین خلافت»، کسانی که امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام را انکار نمودند «منکرین امامت»،

کسانی که فکر می‌کنند که طایفه اوّل و دوّم «غاصبین خلافت - منکرین امامت» مسلمان هستند و بهره و نصیبی از اسلام برده‌اند.

اگر کسی چنین فکری بنماید و چنین عقیده‌ای داشته باشد خودش نیز در زمره غاصبین خلافت و منکرین امامت قرار خواهد گرفت و خداوند متعال در روز قیامت با او همان معامله را خواهد کرد که با غاصبین خلافت و منکرین امامت خواهد نمود.

۴. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

حُرِّمَتِ الْجَنَّةُ عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِي، وَ عَلَى مَنْ قَاتَلَهُمْ، وَ عَلَى الْمُعِينِ عَلَيْهِمْ، وَ عَلَى مَنْ سَبَّهُمْ، أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ، وَ لَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ لَا يُزَكِّيهِمْ، وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ، یعنی:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

بهشت بر کسانی که به اهل بیت من ستم کردند و با آنان به جنگ برخاستند حرام گشته است، همچنین:

بر کسانی که ستمکاران را یاری کردند «ستم‌کنندگان به اهل بیت پیامبر اکرم» و به اهل بیت من ناسزا گفتند،

این‌ها «این چهار گروه» روز قیامت از مواهب و نعمات بی‌پایان الهی هیچ بهره و نصیبی نخواهند داشت،

و خداوند متعال با آن‌ها سخن نخواهد گفت،

و به آن‌ها نظر رحمت نخواهد نمود،

و آن‌ها را از گناه پاک نخواهد کرد «گناهان آن‌ها را نخواهد بخشید»،

و برای آنها عذاب دردناکی خواهد بود «گرفتار عذاب دردناک جهنم خواهند شد»<sup>۱</sup>.

### توضیح:

طبق این حدیث نورانی و شریف بهشت بر این چهار گروه حرام است «یعنی این افراد هرگز وارد بهشت نخواهند شد».

الف) کسانی که به اهل بیت پیامبر اکرم ظلم نمودند.

ب) کسانی که با اهل بیت پیامبر اکرم جنگ کردند.

ج) کسانی که ظالمین را یاری نمودند «کسانی که ظلم کنندگان به اهل بیت پیامبر اکرم را یاری نمودند».

د) کسانی که به اهل بیت پیامبر اکرم ناسزا گفتند.

اینها «این گروه‌های چهارگانه» مشمول آیه ۷۷ سوره آل عمران بوده و مصداق اتم و اکمل این آیه شریفه هستند، یعنی:  
در آخرت از مواهب و نعمات بی پایان الهی هیچ نصیب و بهره‌ای نخواهند داشت،

و خداوند متعال روز قیامت:

با آنها سخن نخواهد گفت «سخن محبت آمیزی که باعث خوشحالی آنها شود نخواهد گفت».

به آنها نگاه نمی‌کند «به آنها نظر رحمت نمی‌نماید»،

---

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۷۶۵، حدیث ۱۹۶ «حدیث ۱۵۴۱».  
عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد دوم، باب ۳۱، اخبار مجموعه، صفحه ۳ تا ۱۳۶ «صفحه ۲۸»، حدیث ۶۵

آن‌ها را از گناه پاک نمی‌کند «گناهان آن‌ها را نمی‌آمرزد و نمی‌بخشد»،  
و برای آن‌ها عذاب دردناکی خواهد بود «گرفتار عذاب دردناک جهنم خواهند  
شد».

## آیه ۱۰۳ سوره آل عمران:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»

### ترجمه:

خداوند متعال همه مسلمانان را مورد خطاب قرار داده و به آنها دستور می‌دهد که: همگی به ریسمان خداوند متعال چنگ بزنید و متفرق و پراکنده نشوید.<sup>۱</sup>

### شرح لغات و توضیحات:

اعْتَصَمَ = تمسک جستن، چنگ زدن؛

حَبْلٌ = ریسمان، طناب؛

حَبْلُ اللَّهِ = ریسمان خدا، مقصود از حَبْلُ اللَّهِ چیزی است که انسان به واسطه آن به جوار الهی برسد («وسیله ارتباط با خدا»).

انسان در شرایط عادی و بدون داشتن مربی و راهنما در قعر دره طبیعت و چاه تاریک غرائز سرکش و جهل و نادانی باقی خواهد ماند، لذا برای نجات از این دره و گودال خطرناک نیاز به طناب و ریسمان محکمی دارد تا به او تمسک نموده و به او چنگ زده و از این چاه بیرون آید. این ریسمان محکم همان ارتباط با خدا از طریق حجج خداوند متعال و قرآن کریم می‌باشد که باعث نجات انسان می‌شود.<sup>۲</sup>

### شأن نزول آیه شریفه:

در شهر مدینه دو قبیله بزرگ وجود داشت به نام اوس و خزرج، و این دو قبیله همیشه با یکدیگر اختلاف داشتند و هر از چند گاهی با یکدیگر درگیر شده و

۱. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۸۳.

۲. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۸۶.

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۴۸ - ۴۹.  
مفردات راغب.

خسارات مالی و جانی به یکدیگر وارد می‌کردند.

اختلاف بین این دو قبیله ده‌ها سال سابقه داشت و همواره دشمن یکدیگر بودند تا اینکه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از مکه به مدینه مهاجرت فرموده و بین این دو قبیله مهم صلح و سازش برقرار فرمود و بدین ترتیب جبهه نیرومندی در مدینه به وجود آمد.

روزی دو نفر از قبیله اوس و خزرج به نام‌های ثعلبه بن غنم و اسعد بن زراره با یکدیگر صحبت می‌کردند و هر کدام از آن‌ها افتخاراتی را که پس از اسلام نصیب قبیله خویش شده بود یادآوری کرده و به آن مباهات می‌نمود.

ثعلبه می‌گفت:

خزیمه بن ثابت «معروف به ذوالشهادتین» و حنظله «معروف به حنظله غسیل الملائکه» از طایفه ما است «طایفه اوس»، و در مقابل او اسعد بن زراره که از طایفه خزرج بود می‌گفت:

ابی بن کعب، معاذ بن جبل و سعد بن عباده «رئیس و خطیب مردم مدینه» از ما است.

سخنان زیادی بین این دو نفر ردّ و بدل شد و مفاخره و مباهات شدت یافت به نحوی که افراد قبیله اوس و خزرج از موضوع باخبر شده و دست به شمشیر برده و مقابل یکدیگر قرار گرفتند و هر لحظه ممکن بود جنگ خونینی بین آن‌ها روی دهد و در نتیجه اخوت و برادری آن‌ها به دشمنی و عداوت تبدیل شود.

به دنبال این قضایا بود که خداوند متعال آیه ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره آل عمران را نازل فرمود و به آن‌ها دستور داد که:

ای مؤمنین تقوا پیشه کنید و از خدا بترسید، و:

به حَبْلِ اللَّهِ چنگ بزنید و از یکدیگر جدا نشوید و متفرّق نگردید.

پس از نزول این آیات شریفه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در محلّ تجمّع قبیله اوس و خزرج حضور یافته و ضمن تلاوت این آیات شریفه افراد قبیله را از دشمنی با یکدیگر برحذر داشته و آن‌ها را به اتّحاد با یکدیگر

دعوت فرمود.<sup>۱</sup>

قابل ذکر است که:

پس از مهاجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به شهر مدینه قبیله اوس و خزرج اسلام اختیار نموده و به عداوت و دشمنی ده‌ها ساله خویش پایان دادند و به صورت یک جبهه واحد و نیرومند در خدمت اسلام قرار گرفتند. افرادی که اسلام اختیار نکرده بودند از این قضیه به شدت ناراحت بودند که از جمله آن‌ها و شاید مهم‌ترین آن‌ها یهودیانی بودند که در مدینه و اطراف مدینه سکونت داشتند.

روزی یکی از این یهودیان به نام شاس بن قیس که پیرمردی تاریک‌دل و در کُفر و عناد کم‌نظیر بود از کنار جمعی از مسلمانان عبور می‌کرد، مشاهده کرد که افراد قبیله اوس و خزرج که ده‌ها سال سابقه جنگ و خونریزی داشتند اسلام اختیار کرده و زیر سایه اسلام در نهایت صفا و صمیمیت زندگی می‌کنند به نحوی که گویی اصلاً بین آن‌ها اختلافاتی وجود نداشته است.

شاس بن قیس از دیدن این صحنه به شدت ناراحت شد و با خود گفت که اگر این‌ها تحت رهبری محمد صلی الله علیه و آله و سلم به راه خویش ادامه دهند طی چند سال آینده موجودیت یهود به طور کلی به خطر خواهد افتاد، لذا: به یک جوان یهودی دستور داد تا در محفل آن‌ها «افراد طایفه اوس و خزرج که مسلمان شده بودند» حضور یافته و حوادث گذشته و جنگ‌هایی را که بین طایفه اوس و خزرج روی داده بود یادآوری نموده و بدین وسیله آن‌ها را به یکدیگر بدبین نماید.

اتفاقاً توطئه شاس بن قیس موثر واقع شد و نزدیک بود که افراد این دو قبیله با یکدیگر درگیر شوند که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بین آن‌ها حضور یافته و صلح و سازش برقرار فرمود.

آیات ۹۹ تا ۱۰۱ سوره آل عمران در این رابطه نازل شده است.

۱. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۸۶ - ۱۸۷.

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۴۲ تا ۴۴.

خداوند متعال در آیه ۱۰۱ سوره آل عمران مسلمانان «مسلمانان از طایفه اوس و خزرج» را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

وَ كَيْفَ تَكْفُرُونَ وَ أَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَ فِيكُمْ رَسُولُهُ وَ مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، یعنی:

ای مسلمانان «طایفه اوس و خزرج»:

چگونه ممکن است شما کافر شوید با اینکه در دامن وحی قرار گرفته‌اید و آیات الهی بر شما خوانده می‌شود «آیات شریفه قرآن کریم»، و با اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بین شما است، و هر کس به خدا تمسک جوید «به پیامبر اکرم و قرآن کریم تمسک جوید و چنگ بزند» به راه راست و صراط مستقیم هدایت شده است. منظور از کُفر در این آیه شریفه می‌تواند کُفر حقیقی و بیگانگی مطلق از اسلام باشد، و یا اینکه می‌تواند همان عداوت‌ها و دشمنی‌های دوران جاهلیت باشد که اوس و خزرج با یکدیگر داشتند.

به هر حال آیات شریفه عمومیت داشته و همه مسلمین را مورد خطاب قرار می‌دهد که به حَبْلِ اللَّهِ تمسک و اعتصام نموده «به ریسمان الهی چنگ زده» و متحد شوند و از تفرقه و اختلاف پرهیز نمایند.

اینکه مصداق اتم و اکمل حَبْلِ اللَّهِ چه کسی و یا چه کسانی می‌باشند انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.<sup>۱</sup>

ملاحظه فرمودید که:

دو نفر مسلمان از طایفه اوس و خزرج به نام ثعلبه بن غنم و اسعد بن زراره به مفاخره با یکدیگر پرداخته و به افتخارات خویش اشاره کرده و آن‌ها را می‌شمردند «افتخاراتی که پس از تشرّف به اسلام نصیب آن‌ها و قبایل آن‌ها شده بود».

این مفاخره و مباهات به حدّی شدّت یافت که نزدیک بود افراد دو قبیله با یکدیگر درگیر شوند «قطعاً شیطنت معاندین اسلام از قبیل یهود در دامن زدن به

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۲۷۳ «ذیل آیات ۹۸ تا ۱۰۱ سوره آل عمران».  
تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۳۷ «ذیل آیات ۹۸ تا ۱۰۱ سوره آل عمران».

این اختلافات تأثیر فراوان داشته است».

پس از این قضیه بود که خداوند متعال آیات ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره آل عمران را نازل فرموده و به آن‌ها دستور داد تا تقوای الهی را رعایت کرده و از خدا بترسند «بترسند از اینکه از دستورات خداوند متعال سرپیچی کرده و مرتکب گناه شوند».

خداوند متعال در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران «آیه‌ای که مورد بحث می‌باشد» مسلمانان دو طایفه اوس و خزرج «و به یک معنا همه مسلمانان در هر زمان و مکان را» را مورد خطاب قرار داده و به آن‌ها دستور می‌دهد که:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا = همگی به حَبْلِ اللَّهِ «ریسمان الهی» چنگ بزنید و از تمسک به دیگر چیزها خودداری کنید.

مقصود از حَبْلِ اللَّهِ «ریسمان الهی» چیست که خداوند متعال به مسلمین دستور می‌فرماید که به آن چنگ زده و تمسک نمایند تا در سایه تمسک به آن در دنیا از جمیع خطرات محفوظ مانده و در آخرت نیز سعادت‌مند و رستگار شوند. مفسرین محترم در رابطه با اینکه منظور از حَبْلِ اللَّهِ در این آیه شریفه چه می‌باشد احتمالات مختلفی داده‌اند که همه آن‌ها می‌تواند صحیح باشد زیرا منافاتی با یکدیگر ندارند.

بعضی از مفسرین معتقدند که منظور از حَبْلِ اللَّهِ قرآن کریم است،

بعضی دیگر می‌گویند منظور دین اسلام است،

بعضی می‌گویند منظور وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد که مسلمانان باید به آن حضرت تمسک نموده و در سایه اطاعت از آن بزرگوار به سعادت برسند و پس از آن حضرت نیز به حُجج خداوند متعال یعنی ائمه معصومین علیهم السلام تمسک نمایند،

زیرا آن ذوات مقدسه نیز مانند پیامبر اکرم خلیفه خداوند متعال و حجت خداوند متعال بر مخلوقات هستند و حَبْلِ اللَّهِ می‌باشند و خداوند متعال به مسلمانان دستور داده تا به آن ذوات مقدسه تمسک نموده و از آن بزرگواران اطاعت نمایند تا رستگار شوند.

انشاءالله تعالی در بخش حدیث به این موضوع به طور مفصل اشاره خواهد شد.



بنابراین:

اعتصام و تمسک به حَبْلُ اللَّهِ «ریسمان الهی» و چنگ زدن به آن‌ها باعث نجات انسان از چاه ضلالت و گمراهی بوده و او را به اوج هدایت و رستگاری رهنمون خواهد کرد.

تشبیه این قضیه «تمسک و اعتصام» در عالم طبیعت دقیقاً مثل این است که: کسی که در عمق چاه عمیقی قرار گرفته برای نجات خویش به ریسمان و طنابی چنگ زده «طنابی که از سطح زمین تا عمق چاه آویزان شده» و خودش را از عمق چاه نجات داده و به سطح زمین می‌رسد و بدین‌وسیله از مرگ حتمی نجات می‌یابد. خداوند متعال در ادامه آیه شریفه می‌فرماید:

وَلَا تَفَرَّقُوا = پراکنده نشوید، یعنی:

ای قبیله اوس و خزرج، و ای مسلمین:

از حَبْلُ اللَّهِ جدا نشوید، یعنی:

حول محور حَبْلُ اللَّهِ «پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت و قرآن کریم» گرد آئید و جمع شوید و عمل به دستورات آن ذوات مقدسه را ترک نکنید. بنابراین معنی آیه شریفه این شد که:

خداوند متعال به قبیله اوس و خزرج و به عبارتی به همه مسلمین دستور می‌دهد که:

ای مسلمانان:

به حَبْلُ اللَّهِ یعنی به پیامبر اکرم و قرآن کریم و به ائمه معصومین علیهم‌السلام تمسک نموده و چنگ بزنید و حول محور آن‌ها گرد آئید و به دستورات آن‌ها عمل کنید و هیچ‌گاه از آن‌ها جدا نشوید و آن‌ها را ترک نکنید، زیرا:

اگر به آن‌ها «حَبْلُ اللَّهِ» تمسک نمائید و آن‌ها را ترک نکنید نه تنها در آخرت سعادت‌مند و رستگار خواهید شد و به بهشت خواهید رفت، در دنیا نیز موفق و پیروز خواهید بود و دشمنان شما هرگز بر شما غلبه نخواهند کرد.

قابل ذکر است که:

این آیه شریفه متعرض حکم اجتماع است، یعنی به امت اسلام دستور می‌دهد که

حول محور قرآن کریم و ائمه معصومین علیهم السّلام جمع شده و به آنها تمسک نموده و هرگز از آنها جدا نشود تا در دنیا و آخرت سعادت‌مند و کامیاب شوند.<sup>۱</sup>

### حدیث:

(الف) احادیثی که طبق آنها قرآن کریم حَبْلُ الله می باشد.

۱. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

حَبْلُ الله قرآن کریم است که از آسمان به سوی زمین کشیده شده است.

این حدیث را ابی سعید خدری از وجود مقدّس پیامبر اکرم نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۲. وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام که در رابطه با عظمت قرآن کریم صحبت

می کردند فرمودند:

هُوَ حَبْلُ اللهِ الْمَتِينِ وَ عُرْوَةُ الْوُثْقَى، یعنی:

قرآن کریم ریسمان محکم الهی و دستگیره و دستاویز محکم الهی است.<sup>۳</sup>

۳. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

قرآن کریم وسیله‌ای است «ریسمانی است» که یک طرف آن به دست خداوند

متعال و طرف دیگرش به دست شما می باشد،

پس به این ریسمان الهی چنگ بزنید و تمسک نمائید که در این صورت نه گمراه

می شوید و نه دیگران را گمراه می کنید.

این حدیث را ابو شریح خزاعی نقل نموده است.<sup>۴</sup>

---

۱. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۸۸ - ۱۸۹.

المیزان، جلد ششم، صفحه ۲۸۰.

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۴۶ - ۴۸ - ۴۹.

۲. المیزان، جلد ششم، صفحه ۲۹۴.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۶۷.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۴۶.

۳. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۵۷۷، حدیث ۱۰۵۸ « حدیث ۱۱۷۴ » « ذیل آیه ۲۵۶ سوره بقره ».

۴. المیزان، جلد ششم، صفحه ۲۹۴.

۴. وجود مقدّس امام سجّاد علیه السّلام فرمودند:  
قرآن کریم حَبْلُ اللَّهِ است، قرآن کریم مردم را به سوی امام معصوم و امام معصوم مردم را به سوی قرآن کریم هدایت می کند.<sup>۱</sup>

(ب) احادیثی که طبق آن ها ائمّه معصومین علیهم السّلام حَبْلُ اللَّهِ می باشند:  
۱. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:  
ما آن حَبْلُ اللَّهِ هستیم که خداوند متعال در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا» به مردم دستور داده تا به آن تمسک نموده و به آن چنگ بزنند.

این حدیث را ابان بن تغلب از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۲. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:  
مقصود از حَبْلُ اللَّهِ در این آیه شریفه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا» ما هستیم.

این حدیث را عمر بن راشد از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.<sup>۳</sup>

۳. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:  
آل محمّد علیهم السّلام حَبْلُ اللَّهِ «ریسمان الهی» هستند که خداوند متعال دستور داده که مردم به آن اعتصام و تمسک نمایند و در این رابطه فرموده:  
وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا.

---

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۲۹۴.

تفسیر نمونه، جلد سوّم، صفحه ۴۶.

تفسیر صافی، جلد دوّم، صفحه ۶۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۸۱۱، حدیث ۳۰۶ «حدیث ۱۶۵۱».

۲. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۸۹.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۱۳۱، حدیث ۱۰.

۳. تفسیر صافی، جلد دوّم، صفحه ۶۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد اوّل، صفحه ۸۰۹، حدیث ۳۰۵ «حدیث ۱۶۵۰».

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۱۲۹، حدیث ۴.

این حدیث را جابر از امام محمد باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۴. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

أَنَا حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينِ، وَأَنَا عُرْوَةُ اللَّهِ الْوُثْقَى، یعنی:

من حبل الله هستم «ریسمان محکم الهی»، و من عروة الله الوثقی می باشم «دستگیره

و دستاویز محکم الهی».<sup>۲</sup>

۵. ابن یزید می گوید:

از امام کاظم علیه السلام درباره این آیه شریفه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»

سؤال کردم.

وجود مقدس امام کاظم علیه السلام فرمودند:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام حبل الله المتین می باشد «امیرالمؤمنین

علی بن ابیطالب علیه السلام ریسمان محکم الهی است».<sup>۳</sup>

۶. وجود مقدس امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ

جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» فرمودند:

خداوند متعال می دانست که امت اسلام پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه

و آله و سلم متفرق خواهند شد و دچار اختلاف خواهند گردید و به همین جهت

آن‌ها را از تفرقه نهی فرموده و به آن‌ها دستور داد که پیرامون محور ولایت آل محمد

علیهم السلام گرد آمده و به ولایت آل محمد علیهم السلام چنگ زده و متفرق نشوند.

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۲۹۴.

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۴۶.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۳۱، حدیث ۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۰۹، حدیث ۳۰۴ «حدیث ۱۶۴۹».

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۵۷۷، حدیث ۱۰۶۱ «حدیث ۱۱۷۷» «ذیل آیه ۲۵۶ سوره بقره».

۳. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۶۷.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۳۰، حدیث ۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۰۹، حدیث ۳۰۳ «حدیث ۱۶۴۸».

این روایت را ابو جارود از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۷. امام سجّاد علیه السلام فرمودند:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در مسجد مدینه نشسته بودند و امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و تعدادی از اصحاب نیز در محضر آن حضرت بودند که شخصی وارد مسجد شد و ضمن تلاوت این آیه شریفه «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» به پیامبر اکرم عرض کرد:  
یا رسول الله:

حَبْلُ اللَّهِ «ریسمان خدا» چیست و کیست که خداوند متعال امر فرموده تا به او چنگ بزنیم و از او جدا نشویم.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم با دست مبارک خویش به امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام اشاره نموده و فرمودند:  
علی بن ابیطالب علیه السلام حَبْلُ اللَّهِ است و هر کس به او چنگ بزند و تمسّک نماید در امن و امان است و گمراه نخواهد شد.<sup>۲</sup>

۸. عبدالله بن عبّاس می گوید:

روزی در محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نشسته بودیم که یک نفر وارد مجلس شد و به پیامبر اکرم عرض کرد:  
یا رسول الله:

شنیدم که فرمودید «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا، این حَبْلُ اللَّهِ «ریسمان الهی» چیست که باید به آن تمسّک نمائیم.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم دست مبارک خویش را به

---

۱. تفسیر قمی، جلد اول، صفحه ۳۱۸ - ۳۱۹.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۶۸.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۳۱ - حدیث ۱۱.

تفسیر نورالتقلین، جلد اول صفحه ۸۱۱، حدیث ۳۰۸ «حدیث ۱۶۵۳».

۲. تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۲۸، حدیث ۳.

دست امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام زده و فرمودند:  
به این مرد تمسک نمائید و چنگ بزنید که حَبْلُ الله است.<sup>۱</sup>

ج) احادیثی که طبق آنها ائمه معصومین علیهم السلام و قرآن کریم حَبْلُ الله معرفی شده‌اند،

۱. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:  
أَيُّهَا النَّاسُ، إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ حَبْلَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا...، یعنی:  
ای مردم:

من دو ریسمان محکم برای شما به یادگار می‌گذارم که اگر به هر دو آنها چنگ بزنید و تمسک نمائید هرگز گمراه نخواهید شد. یکی از آنها قرآن کریم است که از آسمان به زمین کشیده شده و دیگری عترت و اهل بیت من. این دو از هم جدا نخواهند شد تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند «به من ملحق شوند».<sup>۲</sup>

۲. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:  
من بین شما دو چیز به یادگار می‌گذارم،

یکی کتاب خداوند متعال «قرآن کریم» است و همان ریسمانی است که از آسمان به سوی زمین کشیده شده که یک طرف آن به دست قدرت خداوند متعال است و طرف دیگر آن به دست شما، و دیگری عترت و اهل بیت من.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:  
ای مردم بدانید و آگاه باشید که:

این دو «قرآن و اهل بیت» هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا اینکه کنار حوض کوثر بر من ملحق شوند.

این حدیث را ابی سعید خدری از پیامبر اکرم نقل نموده است.<sup>۳</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۳۰، حدیث ۶.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۳۱، حدیث ۹.

۲. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۱۸۹.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۶۸.

۳. معانی الاخبار، جلد اول، باب ۳۳، معنی ثقلین و عترت، صفحه ۲۱۳ حدیث ۱.

۳. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:  
 به زودی من از این جهان می‌روم اما دو گوهر گرانبها در میان شما به یادگار  
 می‌گذارم، یکی قرآن و دیگری اهل بیتم.  
 کتاب خدا ریسمانی است که بین آسمان و زمین کشیده شده است.  
 این دو «کتاب خدا و اهل بیتم» هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا اینکه کنار  
 حوض کوثر بر من وارد شوند، و این را خداوند لطیف و خبیر به من فرموده و مرا  
 آگاه کرده است.

این حدیث را نیز ابی سعید خدری از پیامبر اکرم نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۴. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:  
 من زودتر از شما از بین شما می‌روم «زودتر از شما از دنیا می‌روم»، ببینید که با  
 دو چیز گرانبها چگونه رفتار خواهید کرد.  
 خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم عرض شد:  
 یا رسول الله:

این دو گوهر گرانبها «دو چیز گران‌قیمت» چه می‌باشند.  
 وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:  
 یکی کتاب خداوند متعال است «قرآن کریم» و این کتاب خدا وسیله‌ای است  
 که یک طرف آن به دست حق «دست قدرت خداوند متعال» و طرف دیگرش به  
 دست شما است، و دیگری اهل بیتم.  
 این دو «قرآن کریم و اهل بیتم» هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا اینکه کنار  
 حوض کوثر به من ملحق شوند.  
 وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایش خویش  
 فرمودند:

ای مردم:

۱. معانی الاخبار، جلد اول، باب ۳۳، معنی ثقلین و عترت، صفحه ۲۱۳ و ۲۱۴، حدیث ۲.  
 المیزان، جلد ششم، صفحه ۲۹۴ - ۲۹۵.

بر آن دو «به قرآن و اهل بیت» پیشی نگیرید «سبقت نگیرید و از آن‌ها جلو نیفتید» که گمراه خواهید شد،  
و به آن‌ها چیزی نیاموزید زیرا آن‌ها اَعْلَم از شما هستند «از همه شما عالم‌تر و داناتر می‌باشند».

این حدیث را زیدبن ارقم از پیامبر اکرم نقل نموده و سیوطی «از علمای اهل تسنن» در کتاب خویش به نام درالمتثور آن را آورده است.<sup>۱</sup>  
قابل ذکر است که:

حدیث ثَقَلَيْنِ از مسلمات است،

و در واقع فوق حدّ تواتر می‌باشد و تمام علمای اسلام از جمیع فِرَق «تمام فرقه‌های مسلمین» این حدیث را نقل کرده‌اند و شاید مشهورتر از حدیث ثَقَلَيْنِ حدیثی نباشد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن را فرموده باشند.

«ثَقْلٌ = متاع گرانها» «ثَقَلَيْنِ = دو متاع نفیس و گرانها»

متن حدیث این است:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ،

كِتَابِ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلِ بَيْتِي،

مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا،

لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ، یعنی:

من شما را ترک می‌کنم و در میان شما دو چیز گرانها به یادگار می‌گذارم،

یکی کتاب خدا «قرآن کریم»، دیگری عترت و اهل بیت،

مادامی که به این دو «قرآن - اهل بیت» تمسک و اعتصام نمائید هرگز و ابداً

گمراه نخواهید شد،

این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا اینکه کنار حوض کوثر به من ملحق

شوند.

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۲۹۴-۲۹۵.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۵۶۶ تا ۵۶۹، حدیث ۱۷ «ذیل آیه سوم سوره مائده».



قابل ذکر است که علمای حدیث راویان حدیث ثَقَلین را تا حدود سی و پنج نفر عنوان نموده‌اند.

حدیث شریف ثقلین از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب، صدّیقه کبری فاطمه زهرا، امام حسن مجتبی، امام باقر، امام صادق و امام رضا سلام الله علیهم اجمعین نقل شده است.

اسامی تعدادی از صحابه که این حدیث شریف را نقل کرده‌اند به قرار ذیل می‌باشد. انس بن مالک، جابر بن عبدالله انصاری، حذیفه بن یمان، خزیمه بن ثابت، زید بن ارقم، زید بن ثابت، سلمان فارسی، عبدالله بن عباس، ابو ایوب انصاری، ابو سعید خدری، ابو هیثم بن تیهان، سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمن بن عوف، عمر بن خطّاب، عمروعاص، ابو هریره و ... .

اسامی تعدادی از کتاب‌هایی که حدیث ثقلین را نقل کرده‌اند عبارتند از:

معانی الاخبار، شیخ صدوق؛

عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق؛

احتجاج، طبرسی؛

اقبال، سید بن طاووس

احقاق الحق، قاضی نورالله شوشتری

تفسیر قمی، عیاشی، صافی و برهان و... همچنین:

جامع الصحیحین، ترمذی؛

مستدرک، حاکم؛

صحیح، مسلم؛

ینابیع المودّه، قندوزی؛

معجم الکبیر، طبرانی؛

مناقب، خطیب خوارزمی؛

جامع الاصول، ابن اثیر؛

درالمنثور، سیوطی؛

حلیة الاولیاء، ابو نعیم و... «نه کتاب اخیر از کتب معتبر اهل سنت می‌باشد که

حدیث ثقلین را نقل نموده‌اند»<sup>۱</sup>.

### توضیح:

ملاحظه فرمودید که:

مقصود از حَبْلُ اللَّهِ در این آیه شریفه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا، آیه ۱۰۳ سوره آل عمران» و مقصود از تَقْلَین که مردم موظف و مأمور شده‌اند تا به آن‌ها تمسک و اعتصام نمایند «چنگ بزنند» قرآن کریم و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشند «یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار از امام حسن مجتبی علیه السلام تا امام زمان علیه السلام».

همانطور که ملاحظه فرمودید:

طبق حدیث شریف نبوی این دو حَبْل و این دو تَقْل هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا اینکه روز قیامت و کنار حوض کوثر به پیامبر اکرم ملحق شوند. این دو «قرآن کریم - اهل بیت پیامبر اکرم» به این دلیل از یکدیگر جدا نمی‌شوند و جدا نخواهند شد، زیرا:

هر دو یک حقیقت هستند و هر دو منسوب به خداوند متعال، یکی کلام خداوند متعال است و دیگری خلیفه خدا «جانشین خدا» و حَجَّتِ خداوند متعال بر مخلوقاتش، لذا:

هر دو نور هستند «اشاره به آیه ۱۷۴ سوره نساء، آیه ۱۵۷ سوره اعراف، آیه ۸ سوره تغابن و...»،

هر دو عُرْوَةُ الْوُثْقَى هستند «حدیث دوم بخش الف و حدیث چهارم بخش ب»

هر دو حَبْلُ اللَّهِ هستند،

و اساساً این دو «قرآن کریم - اهل بیت پیامبر اکرم» یک حقیقت می‌باشند و جدا

از یکدیگر نیستند و فقط به صورت ظاهر آن‌ها را دو تا می‌بینیم یعنی:

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۲۹۴ تا ۲۹۸.

شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۲۲۳ تا ۲۲۹.

در عالم معنا این دو یک حقیقت هستند و قرآن کریم در قلب و سینه مبارک آن ذوات مقدّسه جای دارد.

خداوند متعال در آیه ۴۹ سوره عنکبوت می‌فرماید:

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ، یعنی:

قرآن کریم آیات روشن و آشکاری است در سینه‌های کسانی که خداوند متعال به آن‌ها علم داده است، یعنی:

قرآن کریم در سینه‌های وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام قرار دارد.

ذیل این آیه شریفه توضیحات لازم ارائه شده است.

خداوند متعال در آیه ۳۰ سوره مبارکه فرقان می‌فرماید:

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا، یعنی:

پیامبر اکرم به خداوند متعال عرض کرد «عرض می‌کند»:

خداوندا:

این قوم من و این امت من قرآن را ترک گفتند «قرآن را متروک ساختند» و از آن دوری جستند.

بعضی از مفسّرین معتقدند که:

این سخن را پیامبر اکرم در دنیا به خداوند متعال عرض نموده و از امت خویش گله و شکایت نموده که قرآن کریم را ترک نموده و از توجّه به مضامین و تعالیم و دستورات آن خودداری نمودند.

برخی از مفسّرین نیز از قبیل علامه طباطبایی معتقدند که:

این سخن پیامبر اکرم مربوط به قیامت است و فعل ماضی «قال» معنی مضارع «يَقُولُ» می‌دهد، یعنی:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روز قیامت در پیشگاه مبارک خداوند متعال لب به شکایت گشوده و از امت خویش شکایت می‌کند که خداوندا:

این امت من قرآن کریم را ترک کرده و آن را کنار گذاشتند، یعنی:

به تعالیم قرآن کریم و دستورات این کتاب آسمانی توجّه ننمودند.

هر دو قول صحیح است زیرا منافاتی با یکدیگر ندارند.  
ظاهر آیه شریفه این است که:

پیامبر اکرم به خداوند متعال شکایت می کند که:

خداوندا، اَمّت من قرآن کریم و کلام الهی را کنار گذاشتند.

لیکن تأویل آیه شریفه این است که:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم گمراهان با من منازعه کردند و حقّ مرا غصب نمودند.

امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام در ادامه فرمایشات خویش فرمودند:

منم آن ذکر که غاصبین خلافت از آن گمراه شدند،

منم آن سبیل و راهی که غاصبین خلافت از آن اعراض نمودند،

منم آن ایمانی که غاصبین خلافت به آن کُفر ورزیدند،

منم آن دینی که غاصبین خلافت آن را تکذیب کردند،

منم آن صراط مستقیمی که غاصبین خلافت از آن انحراف پیدا کردند،

منم آن قرآنی که غاصبین خلافت آن را مهجور گذاشته و آن را ترک کردند

«اشاره به آیه ۳۰ سوره فرقان».

در جنگ صفین نیز که سپاهیان معاویه قرآن‌ها را روی نیزه‌ها قرار دادند تا با این حيله و نیرنگ از شکست خودشان جلوگیری کنند امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:

آنچه که لشکریان معاویه و عمروعاص بر روی نیزه‌ها قرار داده‌اند قرآن نیست، بلکه نوشته‌هایی است بر روی پوست به منظور اغفال مسلمین، اما قرآن ناطق من هستم.

بنابراین:

اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم یعنی وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام و صدیقه کُبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار قرآن مجسم می‌باشند و قرآن ناطق هستند.

بنابراین:

اعتصام به قرآن کریم یعنی اعتصام به این ذوات مقدّسه، و اعتصام به این ذوات مقدّسه یعنی اعتصام به قرآن کریم.

همچنین:

اعتصام به این ذوات مقدّسه یعنی اعتصام به خداوند متعال «در پایان این بخش در این رابطه توضیحاتی به عرض خواهد رسید»،

و اعتصام به خداوند متعال یعنی هدایت به صراط مستقیم.

خداوند متعال در آیه ۱۰۱ سوره آل عمران می‌فرماید:

وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، یعنی:

هر کس به خداوند متعال اعتصام نماید به راه راست هدایت شده است.

در واقع:

اعتصام به پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت و اعتصام به قرآن کریم یعنی اعتصام

به خداوند متعال، و اعتصام به خداوند متعال یعنی هدایت به صراط مستقیم.

بنابراین:

کسانی که بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اهل بیت آن

حضرت را کنار گذاشته و ظاهراً به قرآن کریم اکتفا نموده و شعار «حَسْبُنَا اللَّهُ»

را سر دادند، حقیقتاً:

نه به خدا اعتقاد داشتند،

نه به رسول خدا،

نه به قرآن کریم.

برای اثبات این مدّعا دهها و صدها دلیل وجود دارد لیکن جهت جلوگیری از

اطاله کلام فقط به یک مورد اشاره می‌شود:

خداوند متعال در آیه ۵۹ سوره نساء می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، یعنی:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید «ای مومنین»:

از خداوند متعال و پیامبر اکرم و از اُولی الْأَمْرِ «ائممه معصومین علیهم السّلام»

اطاعت کنید.

همچنین خداوند متعال در آیات دیگری از قبیل:

آیه ۳۲ و ۱۳۲ سوره آل عمران،

آیه ۹۲ سوره مائده،

آیه ۱ و ۲۰ و ۴۶ سوره انفال،

و آیه ۳۳ سوره مبارکه محمد «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» می فرماید:

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ «آیه ۳۲ سوره آل عمران»

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ «آیه ۱۳۲ سوره آل عمران»

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ «آیه ۹۲ سوره مائده»

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ «آیه ۱ سوره انفال»

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ «آیه ۲۰ سوره انفال»

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ «آیه ۴۶ سوره انفال»

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ «آیه ۳۳ سوره مبارکه محمد صَلَّى اللهُ

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»، به مردم و به مومنین دستور داده تا از خداوند متعال و پیامبر

اکرم اطاعت نمایند، بنابراین:

اطاعت محض و بی قید و شرط از پیامبر اکرم را خداوند متعال واجب فرموده

است، یعنی:

مردم باید مطیع محض اوامر و دستورات پیامبر اکرم باشند در جمیع موارد، چه

امور دنیوی و چه امور اخروی.

خداوند متعال در آیه هفتم سوره حشر می فرماید:

مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا، یعنی:

آنچه را که پیامبر اکرم به شما اعطا فرمود و آنچه را که به شما امر فرمود بپذیرید

و اجرا کنید،

و از آنچه که شما را نهی فرمود خودداری کنید.

خداوند متعال در این آیه شریفه مردم را از مخالفت کردن با اوامر و دستورات

پیامبر اکرم بر حذر داشته و به کسانی که با دستورات آن حضرت مخالفت می کنند

و عده عذاب شدید داده است.

ذیل آیه ششم و هفتم سوره حشر در این رابطه توضیحات کامل ارائه شده است.

خداوند متعال در آیه ۸۰ سوره نساء می فرماید:

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، یعنی:

هر کس از پیامبر اکرم اطاعت کند خداوند متعال را اطاعت کرده است.

خداوند متعال در آیه ۳۶ سوره احزاب می فرماید:

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا، یعنی:

هر کس نافرمانی خدا و رسول را نماید به گمراهی آشکاری گرفتار شده است، یعنی:

هر کس از دستورات خداوند متعال و پیامبر اکرم سرپیچی کند دچار گمراهی و ضلالت آشکاری شده است «گمراه شده است».

بنابراین:

اطاعت از پیامبر اکرم واجب است و خداوند متعال در قرآن کریم اطاعت از پیامبر اکرم را مثل اطاعت خودش دانسته و به همه مردم دستور داده تا مطیع محض اوامر و نواهی آن حضرت باشند.

این پیامبر با این اوصاف که ملاحظه فرمودید به امر خداوند متعال امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به امامت مسلمین منصوب نموده و اطاعت از آن حضرت را واجب فرموده، و طبق حدیث ثقلین که توضیحات آن به عرض رسید به همه مسلمانان فرموده که:

مسلمین باید به این دو حَبْل و این دو ثَقْل «قرآن کریم - اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» اعتصام و تمسک نموده و هرگز از آن‌ها جدا نشوند و مطیع محض اوامر آن‌ها باشند.

با این اوصاف چنانچه افرادی امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام را انکار نموده و از اعتصام به آن‌ها خودداری نمایند، این افراد نه به خدا اعتقاد دارند، نه به پیامبر اکرم، نه به قرآن کریم، زیرا:

این افراد با دستورات خداوند متعال و دستورات پیامبر اکرم و با آیات شریفه قرآن کریم مخالفت نموده‌اند، لذا:

انکار امامت ائمه معصومین علیهم السّلام یعنی انکار خداوند متعال و انکار پیامبر اکرم و انکار قرآن کریم، و به همین جهت در روایات فراوانی «از جمله در خطبه غدیریّه پیامبر اکرم و زیارت جامعه کبیره» منکرین امامت آن ذوات مقدّسه کافر قلمداد شده و وعده خلود در آتش جهنّم «اقامت دائمی و همیشگی در جهنّم» به آنها داده شده است.

در کتاب حاضر نیز ذیل آیات فراوانی به این موضوع اشاره شده که نیاز به تکرار ندارد و علاقمندان می‌توانند به آنها مراجعه نمایند.

در بخش حدیث «سه قسمت الف، ب، ج» احادیثی را ملاحظه فرمودید که طی آن احادیث شریف قرآن کریم و اهل بیت پیامبر اکرم به عنوان حَبْلِ اللَّهِ مَعْرُوفی شده و طبق آیه ۱۰۳ سوره آل عمران «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» همه مومنین موظف شده‌اند تا به حَبْلِ اللَّهِ اعتصام و تمسک نموده و از آنها جدا نشده و مطیع اوامر و دستورات آنها باشند.

در چهارمین بخش و در بخش پایانی احادیثی را ملاحظه می‌فرمائید که بر اساس آنها اعتصام به اهل بیت پیامبر اکرم اعتصام به خداوند متعال می‌باشد و اعراض از آن ذوات مقدّسه اعراض از خداوند متعال است.

۱. وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام فرمودند:

هنگام زیارت هر کدام از ائمه معصومین علیهم السّلام بگوئید:

السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مَنَ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ،

وَ مَنَ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ،

وَ مَنَ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهُ،

وَ مَنَ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهُ،

وَ مَنَ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ،

وَ مَنَ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ، یعنی:

سلام بر آن بزرگوارانی که:



هر کس آن‌ها را دوست بدارد خداوند متعال را دوست داشته،  
 هر کس با آن‌ها دشمنی نماید با خداوند متعال دشمنی نموده،  
 هر کس آن‌ها را بشناسد خداوند متعال را شناخته،  
 هر کس آن‌ها را نشناسد خداوند متعال را نشناخته،  
 هر کس به آن‌ها اعتصام نماید «تمسک نماید» به خداوند متعال اعتصام نموده  
 است،  
 هر کس آن‌ها را ترک کند و از آن‌ها اعراض نماید خداوند متعال را ترک نموده  
 و از خداوند متعال اعراض نموده است.

### توضیح:

این زیارت از زیارات جامعه است، یعنی هر معصومی را می‌توان با آن زیارت  
 کرد «خلاصه‌ای از آن را ملاحظه فرمودید».  
 این زیارت نورانی و شریف از ناحیه وجود مقدّس امام رضا علیه‌السلام صادره  
 شده و در کتاب مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَ شَيْخِ صَدُوقٍ، کافی شیخ کلینی، تهذیب شیخ  
 طوسی و کامل الزیارات ابن قولویه آمده است.  
 این زیارت شریف در مفاتیح الجنان قبل از زیارت جامعه کبیره درج شده  
 است.

۲. در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدّس امام  
 هادی علیه‌السلام صادر شده هنگام زیارت هر کدام از ائمه معصومین علیهم‌السلام  
 خدمت آن ذوات مقدّسه عرض می‌کنیم:

مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ،  
 وَ مَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ،  
 وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ،  
 وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ،  
 وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، یعنی:

هر کس شما را دوست داشته باشد خداوند متعال را دوست داشته،  
 هر کس شما را دشمن بدارد خداوند متعال را دشمن داشته،  
 هر کس به شما محبت بورزد به خداوند متعال محبت ورزیده،  
 هر کس به شما بغض و کینه داشته باشد به خداوند متعال بغض و کینه دارد،  
 هر کس به شما اعتصام نماید «چنگ بزند» به خداوند متعال اعتصام نموده است  
 «چنگ زده است».

در قسمت دیگری از این زیارت نورانی و شریف آمده که:

وَصَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ،

وَفَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ،

وَهُدِيَ مَنْ اِعْتَصَمَ بِكُمْ، یعنی:

هر کس از شما جدا شد گمراه گشت،

هر کس به شما تمسک نمود «چنگ زد» رستگار شد،

هر کس به شما اعتصام نمود «تمسک نمود» هدایت شد.

### توضیح:

الف) در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران ملاحظه فرمودید که خداوند متعال به همه مردم دستور فرمودند که:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا، یعنی:

همگی به حبل الله اعتصام نمائید «به ريسمان الهی تمسک نموده و چنگ بزنید»

و متفرق نشوید «از حبل الله جدا نشوید».

ملاحظه فرمودید که مقصود از حبل الله دو چیز بود، یکی اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم «یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها و یازده امام معصوم از نسل آن دو بزرگوار» و دیگری قرآن کریم.

بنابراین، دستور خداوند متعال به مؤمنین این است که:

ای مؤمنین:

به اهل بیت پیامبر اکرم اعتصام نمائید و از آن‌ها جدا نشوید، همچنین به قرآن کریم.

در این دو زیارت شریف و نورانی ملاحظه فرمودید که:  
اعتصام به این ذوات مقدّسه یعنی اعتصام به خداوند متعال،  
یعنی:

هر کس به این ذوات مقدّسه اعتصام نماید مثل این است که به خداوند متعال اعتصام نموده است.

دلیل این قضیه نیز کاملاً روشن است و آن این است که:  
این ذوات مقدّسه خلیفه‌الله «جانشین خدا» و حجت الله «حجت خداوند متعال بر مخلوقات» می‌باشند، همچنین:

این بزرگواران مظهر اتمّ و اکمل اسماء و صفات خداوند متعال هستند، لذا اعتصام به این بزرگواران اعتصام به خداوند متعال است، و اعراض از این بزرگواران اعراض از خداوند متعال.

ب) در آیه ۱۰۱ سوره آل عمران خداوند متعال می‌فرماید:  
وَ مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللّٰهِ فَقَدْ هُدِيَ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ، یعنی:  
هر کس به خداوند متعال اعتصام نماید به صراط مستقیم و به راه راست هدایت شده است.

و در زیارت جامعه کبیره ملاحظه فرمودید که آمده بود:  
وَ هُدِيَ مِنَ اعْتَصَمَ بِكُمْ، یعنی:  
هر کس به شما اعتصام نماید به صراط مستقیم و به راه راست هدایت شده است، زیرا اعتصام به شما بزرگواران اعتصام به خداوند متعال است و اعتصام به خداوند متعال یعنی هدایت به صراط مستقیم.

### آیه ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران:

«وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ، أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ، وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا، وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» آیه ۱۴۴.

«وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا، وَ مَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا، وَ مَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا، وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» آیه ۱۴۵.

### ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

نیست محمد مگر رسول خدا «حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول خدا می باشد»، و قبل از او نیز پیامبران و رسولان دیگری بوده اند، آیا اگر حضرت محمد از دنیا برود «فوت کند»، یا کشته شود شما مسلمانان به عقب برمی گردید «یعنی به راه و روش اجداد و نیاکان خویش که شرک و بت پرستی بود باز می گردید»،

هر کس بازگشت به عقب کند «هر کس به راه و روش اجداد و نیاکان خویش که شرک و بت پرستی بود بازگردد» هیچگونه ضرر و زیانی به خدا نمی رسد، و خداوند متعال به زودی به شاکران و سپاسگزاران پاداش خواهد داد. «آیه ۱۴۴».

هیچ کس «هیچ موجود زنده ای» بدون اذن و اجازه خداوند متعال نمی میرد و فوت نمی کند، و مرگ هر کس هم برای وقت معینی نوشته شده است.

هر کس پاداش دنیا را بخواهد از آن به او خواهیم داد، و هر کس پاداش آخرت را بخواهد از آن به او می دهیم، و به زودی پاداش شاکران را خواهیم داد «آیه ۱۴۵»<sup>۱</sup>.

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۲۷۵.

المیزان، جلد هفتم، صفحه ۴۳.

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۱۵۲.

### شرح لغات و توضیحات:

رسول = پیامبر، کسی که مأموریت رسانیدن پیام از شخصی به شخص دیگر باشد، فرستاده، قاصد «جمع رسول می شود رُسُل»

انقلاب = بازگشتن، رجوع کردن؛

عَقِبْ = پاشنه پا، مقصود از عَقِبْ «به طور کنایه» بازگشت به حالت اول می باشد، پشت سر، «جمع عَقِبْ می شود اعقاب»؛

انْقَلَبْ عَلٰی عَقِبَيْهِ = به حالت اول خود بازگشت؛

انْقَلَبْتُمْ عَلٰی اَعْقَابِكُمْ = به عقب برمی گردید، عقب گرد می کنید،

به حال اول خودتان باز می گردید «به سوی کفر و شرک باز می گردید».

انْقَلَبْتُمْ عَلٰی اَعْقَابِكُمْ = سیر فقهقرايي و ارتجاع را بيان می کند، لیکن از کلمه ارتجاع صریح تر و روشن تر می باشد، و در این آیه شریفه این معنا را می دهد که:

اگر پیامبر اکرم از دنیا برود شما از اسلام به کُفر جاهلیت باز می گردید و کافر می شوید.

ثواب = پاداش، مزد «معمولاً در مورد اعمال نیک به کار برده می شود»؛

جزا = پاداش «سَنَجْزِي = ما پاداش خواهیم داد»؛

اِذْن = امر و اراده، اجازه؛

اَجَل = مدتی که برای هر چیزی معین و مشخص می شود، به همین اعتبار مدت زمان معین برای زندگی انسان را نیز اَجَل می گویند.

جمع اَجَل می شود اَاجال،

کتاب = ۱. نوشتن «در عُرف، نوشتن را کتاب می گویند»؛

۲. مکتوب «نوشته شده»؛

۳. صحیفه ای که مکتوب و نوشته شده باشد «مجموعه مطالبی که در یک جلد کنار هم آمده».

کتاب، معانی دیگری نیز دارد که چون به بحث این آیه شریف «آیه ۱۴۵» مربوط نمی شود لذا از ذکر آنها خودداری می شود.

ایتاء = دادن، عطا کردن.<sup>۱</sup>

### شأن نزول آیه ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران:

این دو آیه شریفه در زمان جنگ اُحد نازل شد و نزول آن‌ها نیز زمانی بود که در بحبوحه جنگ شایع شد که وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به شهادت رسیده‌اند، و همین امر باعث شد تا سربازان اسلام فرار را بر قرار ترجیح داده و از معرکه جنگ بگریزند و حتّیّ عده‌ای از آن‌ها از لحاظ عقیدتی نیز دچار اشکال شدند که انشاءالله تعالی در ادامه بحث به آن‌ها اشاره خواهد شد.

با پنخس شایعه شهادت پیامبر اکرم و ایجاد تزلزل در روحیه و ایمان سربازان اسلام خداوند متعال این دو آیه شریفه را نازل فرموده و به مسلمانان فرمودند: آیا اگر پیامبر اکرم از دنیا برود و یا به شهادت برسد شما به عقب برمی‌گردید، یعنی اسلام را ترک کرده و به دین اجداد و نیاکان خویش که شرک و بُت‌پرستی بود بازمی‌گردید.

قبل از اینکه راجع به این دو آیه شریفه توضیحاتی ارائه شود لازم است مختصری راجع به جنگ اُحد مطالبی به عرض برسد. از آیه ۱۲۱ تا ۱۲۹ و از آیه ۱۳۹ تا آیات ۱۴۴ و ۱۴۵ این سوره مبارکه و چند آیه بعد در رابطه با غزوه اُحد و حوادث بعد از غزوه می‌باشد.

### علّت وقوع غزوه اُحد:

وقتی که مُشرکین قریش پس از دادن هفتاد کشته و هفتاد اسیر به مکه مراجعت کردند «در جنگ بدر» ابوسفیان جمعیت قریش را مخاطب ساخته و به آن‌ها گفت: مگذارید زنان بر کشته‌های بدر گریه کنند زیرا اشک چشم حُزن و اندوه را از بین می‌برد و در نتیجه دشمنی قریش نسبت به مُحمد «صلی الله علیه و آله و سلّم»

۱. تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۱۵۵.

مفردات راغب.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۷۱، حدیث ۱ «ذیل آیه ۱۴۴ سوره آل عمران».

کاهش می‌یابد، و این ممنوعیت تا پایان جنگ اُحد باقی بود و پس از جنگ اُحد بود که به زنان قریش اجازه داده شد تا نسبت به کشته‌های بدر گریه نمایند. در هر صورت، مشرکین قریش سال سوّم هجری با سه هزار سوار و دو هزار پیاده از مکه عازم مدینه شدند تا با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم جنگ نمایند.

وجود مقدّس پیامبر اکرم وقتی از این موضوع مطلع شدند با هزار نفر از مدینه خارج شده و به طرف کوه اُحد عزیمت فرمودند تا آنجا با مشرکین قریش بجنگند، لیکن:

عبدالله بن اُبیّ با سیصد نفر از همراهان خویش از لشگریان اسلام جدا شده و به مدینه بازگشت و پیامبر اکرم با هفتصد نفر عازم جنگ با مشرکین قریش شد. قابل ذکر است که:

دو طایفه از انصار به نام‌های بنوسلمه و بنوحارثه نیز به این فکر افتادند که از عبدالله بن اُبیّ تبعیت کرده و به مدینه بازگردند، لیکن خداوند متعال آن‌ها را نگه داشت و در نتیجه پیامبر اکرم با همان هفتصد نفر در جنگ اُحد شرکت نمودند. آیه ۱۲۲ سوره آل عمران در رابطه با طایفه بنوسلمه و بنوحارثه بوده و اوضاع و احوال آن‌ها را بیان می‌فرماید.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم پس از رسیدن به پای کوه اُحد عبدالله بن جبیر را با پنجاه نفر از تیراندازان ماهر مأمور ساخت تا در دهانه شکاف کوه قرار بگیرند و به آن‌ها دستور اکید داد که به هیچ‌وجه از جای خویش تکان نخورند و مواظب باشند تا سپاه مشرکین از پشت سر به نیروهای اسلام حمله ننمایند، حتّی به این پنجاه تیرانداز فرمود که:

اگر ما دشمن را شکست دادیم و آن‌ها را تا مکه تعقیب نمودیم، و یا اگر ما شکست خوردیم و به مدینه عقب‌نشینی کردیم شما حق ندارید سنگرهای خودتان را رها کنید.

از طرف دیگر سرکرده مشرکین قریش یعنی ابوسفیان، فردی به نام خالد بن ولید را به همراه دویست سرباز زبده مراقب این گردنه نمود و به آن‌ها دستور داد تا

آنجا کمین گرفته و در موقع مقتضی از پشت سر به لشکریان اسلام حمله نموده و کار را یکسره نمایند.

وقتی که جنگ شروع شد پرچمدار قریش به نام طلحه بن ابی طلحه که از طایفه بنی عبدالدار بود مقابل لشکریان اسلام ظاهر شده و فریاد زد:

ای محمد «صلی الله علیه و آله و سلم»، گمان می کنی که شما با شمشیرهای خودتان ما را به جهنم می فرستید و ما با شمشیرهای خودمان شما را به بهشت روانه می کنیم، پس هر کس از شما که می خواهد به بهشت برود به جنگ من بیاید. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عازم میدان شد و با اولین ضربه شمشیر خویش طلحه بن ابی طلحه را به درک واصل کرد و پرچم مشرکین افتاد.

پس از او فردی به نام ابو سعید بن ابی طلحه پرچم مشرکین را به دست گرفته و به جنگ امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام آمد که او نیز بلافاصله به درک واصل شد.

به همین منوال نه نفر از شجاعان طایفه بنی عبدالدار پرچم مشرکین را به دست گرفته و به جنگ با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام آمدند و هر نه نفر آنها توسط آن حضرت به هلاکت رسیدند.

پس از کشته شدن نه نفر از پرچمداران قریش که از طایفه بنی عبدالدار بودند یکی از غلامان آن کشته شدگان پرچم قریش را به دست گرفت که او نیز توسط امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به هلاکت رسید و بدین ترتیب لشکر کُفر و شرک شکست خورده و پا به فرار گذاشتند و لشکریان اسلام پیروز شده و مشغول جمع آوری غنائم گردیدند.

قابل ذکر است که:

در حین جنگ خالد بن ولید با دویست سرباز تحت امر خویش چند بار سعی نمود تا از شکاف کوه و از کمینگاه خارج شده و از پشت سر به لشکریان اسلام حمله نماید لیکن عبدالله بن جبیر و پنجاه تیرانداز که در دهانه شکاف کوه مستقر بودند مانع می شدند تا خالد بن ولید و سربازانش از پشت سر به لشکریان اسلام



حمله ور شوند.

وقتی لشکریان قریش پا به فرار گذاشتند و سپاه اسلام مشغول جمع‌آوری غنائم شدند تیراندازانی که همراه عبدالله بن جبیر بودند به او گفتند که اگر ما این جا بمانیم از غنائم بی‌بهره خواهیم ماند.

عبدالله بن جبیر به آن‌ها می‌گفت:

از خدا بترسید، مگر نشنیدید که پیامبر اکرم دستور اکید صادر فرمودند که ما تحت هیچ شرایطی نباید سنگرهای خودمان را رها کنیم.

متأسفانه صحبت‌های عبدالله بن جبیر موثر واقع نشد و این تیراندازان یکی بعد از دیگری محلّ خویش را ترک کرده و به جمع سربازانی پیوستند که مشغول جمع‌آوری غنائم بودند، و فقط عبدالله بن جبیر و دوازده نفر باقی ماندند.

خالد بن ولید که از دور ناظر این صحنه بود از کمین خارج شده و به عبدالله بن جبیر و دوازده نفر از همراهان وی حمله کرده و پس از به شهادت رساندن آن‌ها از پشت سر به سربازان اسلام که مشغول جمع‌آوری غنائم بودند حمله کرده و اوضاع کاملاً دگرگون شد و لشکریان اسلام که فاتح و پیروز این نبرد بودند به لشکر شکست‌خورده تبدیل شده و پرچم لشکر کُفر و شرک مجدداً برافراشته شد و سربازان متواری مشرکین قریش که پرچم خود را برافراشته دیدند به جبهه جنگ بازگشته و به جنگ با مسلمین مشغول شدند.

هفتاد نفر از لشکریان اسلام از جمله حضرت حمزه عموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت رسیدند و بقیه سربازان اسلام نیز پا به فرار گذاشتند. تعداد معدودی از سربازان اسلام که فرار نکرده بودند داخل میدان مشغول جنگ بودند و تنها فردی که از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دفاع می‌نمود و شخصاً عهده‌دار حفاظت پیامبر اکرم بود وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام بود.

قابل ذکر است که:

همه مورّخین و راویان اظهار نموده‌اند که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام تنها فردی بود که از کنار پیامبر اکرم دور نشد و شخصاً از آن حضرت دفاع

می نمود تا آسیبی به آن حضرت نرسد، و در این ساعت احدی غیر از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام همراه پیامبر اکرم نبود، یعنی یا فرار کرده بودند یا اینکه به شهادت رسیده بودند یا اینکه بعضاً در گوشه و کنار مشغول جنگ بودند، یا اینکه مجروح شده بودند.<sup>۱</sup>

هر حمله ای که از جانب دشمن به طرف پیامبر اکرم صورت می گرفت حضرت علی علیه السلام آن را دفع می نمود تا اینکه شمشیر آن حضرت شکست و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شمشیر خویش را که ذوالفقار نام داشت به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام داد و آن حضرت با شجاعت و رشادت هر چه تمام تر به تنهایی در مقابل مشرکین مقاومت کرده و خطر را از وجود مقدس پیامبر اکرم دفع می نمود در حالی که دهها زخم بر بدن آن حضرت «علی علیه السلام» وارد شده بود.

در همین موقع بود که جبرئیل خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شده و به آن حضرت عرض کرد:

یا رسول الله، این فداکاری علی بن ابیطالب مواسات با تو می باشد، و پیامبر اکرم نیز پاسخ جبرئیل را دادند که انشاء الله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

پس از اینکه مشرکین کنترل اوضاع را در دست گرفتند شایع نمودند که محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» در جنگ کشته شد، و پس از این شایعه بود که اندک نفراتی هم که فرار نکرده بودند متواری شدند.

قبلاً عرض شد که در کنار پیامبر اکرم غیر از علی بن ابیطالب علیه السلام احدی حضور نداشت، لیکن پس از پنخش شایعه شهادت پیامبر اکرم معدود سربازان اسلام که در گوشه و کنار میدان نبرد مشغول جنگ بودند پا به فرار گذاشتند یا اینکه آنها نیز به شهادت رسیدند.

پس از پنخش شایعه کشته شدن پیامبر اکرم تعدادی از سپاهیان اسلام که از ایمان ضعیفی برخوردار بودند با خود گفتند:

۱. «المیزان، جلد هفتم، صفحه ۱۱۹ - ۱۲۰، بحث روایتی ذیل آیه ۱۷۲ تا ۱۷۵ سوره آل عمران».

ای کاش رسول و قاصدی نزد عبدالله ابن اَبی «منافق معروف مدینه که همراه با سیصد سرباز اردوگاه اسلام را ترک نموده و به مدینه بازگشته بود» می فرستادیم تا از سرکرده مشرکین قریش یعنی ابوسفیان برای ما امان بگیرد.

گروهی از مسلمانان سست‌ایمان نیز پس از شنیدن خبر شهادت پیامبر اکرم «پس از شنیدن شایعه شهادت آن حضرت» با خودشان گفتند:

اگر محمّد «صلی الله علیه و آله و سلّم» کشته شده باشد ما به دین اجداد و نیاکان خویش باز می گردیم،

عده‌ای گفتند که اگر محمّد «صلی الله علیه و آله و سلّم» پیامبر بود کشته نمی شد،

عده‌ای نیز بر عقیده خویش راسخ و استوار بودند لیکن مجروح شده و در میدان جنگ افتاده بودند.

به هر حال تنها کسی که در محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم حضور داشت و علیرغم اینکه ده‌ها زخم شمشیر و نیزه بر بدن مبارکش بود از وجود مقدّس پیامبر اکرم دفاع می کرد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود، و به خاطر همین فداکاری و خودگذشتگی بود که جبرئیل علیه السلام خدمت پیامبر اکرم نازل شد و به آن حضرت مطالبی عرض کرد که انشاء الله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

در همین حال وجود مقدّس پیامبر اکرم که در کنار صخره‌ای بودند سربازان اسلام را به جنگ و جهاد دعوت می کردند.

متعاقب این قضیه تعدادی از سربازان اسلام متوجّه شدند که پیامبر اکرم زنده است و به شهادت نرسیده، لذا خودشان را خدمت پیامبر اکرم رساندند.

وجود مبارک پیامبر اکرم به آن‌ها فرمود:

چرا از جهاد فرار کردید.

این سربازان به پیامبر عرض کردند:

پس از شنیدن خبر شهادت شما دل‌های ما به وحشت افتاد و در نتیجه فرار کردیم. این جا بود که خداوند متعال آیات ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران را نازل نموده و

فرمودند که هیچ‌گاه امر خداوند متعال و دین اسلام نباید متروک بماند، چه پیامبر اکرم در بین مردم باشد و چه نباشد.<sup>۱</sup>

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۱۴۴ سوره آل عمران» سپاهیان اسلام را که در جنگ اُحد شرکت داشتند، همچنان همه مسلمانان را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ = حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بشری است که خداوند متعال او را به عنوان پیامبر و رسول خویش انتخاب نموده، و قبل از پیامبر اکرم نیز پیامبرانی بودند که رسالت خویش را به انجام رسانده و از دنیا رفتند، و حضرت محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» نیز از دنیا خواهد رفت «مرگ طبیعی و یا شهادت» و این مسئله امری است قطعی و مسلم.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه می‌فرماید:

إِن مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ = اگر حضرت محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» از دنیا برود «به مرگ طبیعی» و یا به شهادت برسد شما مسلمانان به عقب بازمی‌گردید، یعنی:

به دین و آئین اجداد و نیاکان خویش که شرک و بُت پرستی بود بازمی‌گردید و کافر و مُشرک می‌شوید.

گرچه خطاب این آیه شریفه متوجه سربازان اسلام است که در جنگ اُحد شرکت داشتند و پس از شنیدن شایعه شهادت پیامبر اکرم در دین و ایمان خویش دچار تردید شده و با خودشان گفتند که اگر پیامبر اکرم از دنیا رفته باشد به دین اجداد و نیاکان خویش بازمی‌گردیم، لیکن:

مخاطب این آیه شریفه علاوه بر سربازان فراری و دچار تردید شده جنگ اُحد

۱. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۲۲۸ تا ۲۳۱ «ذیل آیه ۱۲۱ و ۱۲۲ آل عمران».

مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۲۷۶ تا ۲۷۹ «ذیل آیه ۱۴۴ سوره آل عمران».

المیزان، جلد هفتم، صفحه ۱۵ تا ۲۰ «ذیل آیه ۱۲۱ تا ۱۲۹ سوره آل عمران».

المیزان، جلد هفتم، صفحه ۱۱۶، ۱۱۷ «ذیل آیه ۱۷۲ تا ۱۷۵ سوره آل عمران».

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۹۶ تا ۱۰۶ «ذیل آیه ۱۲۱ و ۱۲۲ سوره آل عمران».

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۱۵۲ تا ۱۵۴ «ذیل آیه ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران».

همه مسلمانان می‌باشد مخصوصاً مسلمانان صدر اسلام.  
 در واقع این آیه شریفه مسلمانان همه اعصار و مخصوصاً مسلمانان صدر اسلام  
 را مورد خطاب قرار داده و به آنها تفهیم می‌فرماید که:  
 دیر یا زود پیامبر اکرم از بین شما خواهد رفت، و سپس آنها را مورد سؤال قرار  
 می‌دهد که:

آیا پس از رحلت پیامبر اکرم از دین اسلام دست خواهید کشید و مرتد خواهید  
 شد و به دین اجداد و نیاکان خویش که شرک و بت‌پرستی بود رجوع خواهید  
 کرد.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه مسلمانان را از بازگشت به دین و آئین شرک  
 و بت‌پرستی بر حذر داشته و ضرر و زیان این کار را فقط متوجه خود مرتدشدگان  
 دانسته و می‌فرماید:

وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ = هر کس به عقب برگردد، یعنی:

هر کس از دین اسلام برگردد و مرتد شود

فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا = هیچ ضرر و زیانی به خدا نمی‌رسد، یعنی:

هر کس از دین اسلام برگردد و مرتد شود ضررش فقط به خودش می‌رسد و  
 لاغیر، یعنی:

هر کس از اسلام برگشته و مرتد شود و خودش را از رحمت الهی دور کند و  
 خودش را اهل جهنم نماید با این عمل خویش فقط به خودش ضرر زده است و  
 لاغیر.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه می‌فرماید:

وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ = خداوند متعال به زودی این شاکران را پاداش نیک خواهد  
 داد.

این قسمت از آیه شریفه به منزله استثناء از ما قبل است و می‌رساند که:  
 در بین سربازان اسلام در جنگ اُحُد کسانی بوده‌اند که دست از جهاد برنداشته و  
 علیرغم مشکلات فراوان به جنگ با مشرکین قریش ادامه داده و در این راه مجروح  
 شدند اما از میدان نبرد فرار نکردند.

همانطور که در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود مصداق اتم و اکمل شاکرین وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد که علیرغم داشتن ده ها زخم شمشیر و نیزه بر بدن مبارکش به جنگ با مشرکین قریش ادامه داد و از جان مقدس و مبارک پیامبر اکرم دفاع نمود، و این فداکاری به حدی بود که جبرئیل علیه السلام خدمت پیامبر اکرم نازل شد و در این رابطه مطلبی را به آن حضرت عرض کرد که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

بعد از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، سربازان مجروح و احیاناً تعداد بسیار معدودی که در گوشه و کنار با مشرکین می جنگیدند در زمره شاکرین واقع می شوند که خداوند متعال وعده پاداش به آن ها داده است.

شکر نعمت یعنی اظهار نعمت، و اظهار نعمت یعنی استفاده از نعمات الهی در همان راهی که خداوند متعال امر فرموده است.

به عبارت دیگر:

شکر مطلق عبارت از این است که:

انسان همواره یاد خدا باشد و او را فراموش ننماید، و نتیجه یاد خدا بودن و فراموش نکردن خدا این می شود که:

انسان از اوامر خداوند متعال اطاعت کرده و مرتکب گناه نمی شود، و در یک کلام شکر یعنی:

انجام همه واجبات و ترک همه محرّمات، و این یعنی اطاعت امر خداوند متعال و این یعنی به جای آوردن شکر نعمات الهی.

در واقع شاکرین همان مخلصینی هستند که شیطان را در آن ها طمع نیست، زیرا:

شیطان همواره در صدد این است که انسان را از یاد خدا غافل نموده و او را دعوت به معصیت نماید، در حالی که شاکرین که همان مخلصین می باشند همواره به یاد خدا بوده «چه یاد زبانی و چه یاد قلبی» و جز در راه رضای خداوند متعال و جز در راه اطاعت او گام بر نمی دارند.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بعد از وجود مبارک پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در رأس همه شاکرین و مخلصین عالم می باشد.  
قابل ذکر است که:

هم در آخر آیه ۱۴۴ سوره آل عمران، و هم در آخر آیه ۱۴۵ سوره آل عمران  
خداوند متعال وعده پاداش به شاکرین داده و فرموده:

وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ «انتهای آیه ۱۴۴»، یعنی:

خداوند به زودی پاداش شاکران را خواهد داد.

وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ «انتهای آیه ۱۴۵»، یعنی:

ما «خداوند متعال» به زودی پاداش شاکران را خواهیم داد.

خداوند متعال در هیچ یک از دو مورد فوق به ذکر پاداش أُخروی نپرداخته تا به  
عظمت و نفیس بودن پاداش شاکرین اشاره فرموده باشد، و این امر حاکی از عظیم  
بودن پاداش شاکرین می باشد.

اینکه مصداق اتم و اکمل شاکرین مدّ نظر این دو آیه شریفه چه شخصی می باشد  
انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.<sup>۱</sup>

خداوند متعال در آیه بعد «آیه ۱۴۵ سوره آل عمران» می فرماید:

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ = هیچ کس جز به امر و فرمان خداوند متعال  
نمی میرد، یعنی:

مرگ هر کس به دست خداوند متعال و به اذن و فرمان او است.

كِتَابًا مُّجَلًّا = خداوند متعال برای هر کس اجلی مقرر فرموده که نمی تواند از آن  
فرار کند، یعنی:

خداوند متعال برای هر کس مدّتی معین از حیات و زندگی مقرر فرموده که جلو  
و عقب نخواهد شد.

گفته شده که:

این قسمت از آیه شریفه ترغیب و تشویق مسلمانان بر جهاد می باشد،

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۲۷۹ - ۲۸۰.

المیزان، جلد هفتم، صفحه ۶۵ تا ۶۸.

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۱۵۵.

و این قسمت از آیه شریفه می‌خواهد این مطلب را به مسلمانان گوشزد نماید که:

هیچ کس بدون اذن و فرمان خداوند متعال نمی‌میرد، لذا: مسلمانان نباید از جنگ و جهاد ترس و واهمه داشته باشند زیرا جنگ و جهاد اجَل انسان را «زمان مرگ انسان» به جلو نمی‌اندازد و فرار از جهاد نیز اجَل انسان را به تأخیر نمی‌اندازد، چرا که خداوند متعال برای هر کس مدّتی معین از حیات و زندگی مقرر فرموده که جلو و عقب نخواهد شد.

مفسّرین محترم ذیل آیه دوّم سوره انعام در رابطه با اجَل عنوان نموده‌اند که: اجَل بر دو قسم است:

۱. اجَل حتمی، که غیر قابل تغییر می‌باشد.

خداوند متعال درباره این اجَل «زمان مرگ انسان» در آیه ۳۴ سوره اعراف می‌فرماید:

فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ، یعنی:

هنگامی که زمان مرگ آن‌ها برسد «اجَل آن‌ها برسد»، زمان مرگ آن‌ها نه یک لحظه به عقب می‌افتد و نه یک لحظه جلو، یعنی:

در وقت معین که خداوند متعال مقرر فرموده آن شخص از دنیا می‌رود، نه یک لحظه زودتر از موعد مقرر و نه یک لحظه دیرتر از موعد مقرر، و منظور از این اجَل همان اجَل حتمی است.

۲. اجَل معلق یا اجَل غیر حتمی «مشروط»

این اجَل قابل تقدیم و تأخیر است، یعنی:

ممکن است جلو بیفتد و یا به عقب، مثلاً:

در روایات آمده که:

بعضی از اعمال از قبیل صله رحم عمر را طولانی می‌کند «اجَل انسان را به تأخیر

می‌اندازد»، همچنین:

بعضی از اعمال از قبیل قطع رحم عُمر انسان را کوتاه می‌کند یعنی اجَل انسان را



نزدیک تر می‌کند، و منظور از این اَجَل که جلو و عقب می‌افتد همان اجل معلّق و اجل غیر حتمی است.

بنابراین معنی آیه شریفه تا این جا این شد که:

خداوند متعال برای هر کس مدّتی معیّن از حیات و زندگی مقرر فرموده که جلو و عقب نخواهد شد «یعنی اجل حتمی»، لذا:

شرکت در جهاد اجل حتمی را جلو نمی‌اندازد،

و فرار از جهاد اجل حتمی را به تأخیر نمی‌اندازد، بنابراین:

فرار از جهاد برای حفظ جان کاری عبث و بیهوده است، و در واقع این آیه شریفه ترغیب و تشویق مومنین است برای شرکت در جهاد.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه می‌فرماید:

وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا = هر کس برای متاع دنیا کوشش کند به او چیزی خواهیم داد، مانند بعضی از سربازان اسلام که در جنگ اُحُد تنها به دنبال غنائم بودند، یعنی:

مسلمان شدن بعضی از افراد برای نیل به اهداف دنیوی بود و به خاطر اهداف دنیوی بود که ایمان آورده بودند، زیرا گمان می‌کردند که قدرت و حکومت مخصوص پیامبر اکرم و مومنین می‌باشد و به همین خاطر ایمان آورده بودند.

آن عدّه از سربازان اسلام «در جنگ احد» که پس از پخش شایعه به شهادت رسیدن پیامبر اکرم به فکر گرفتن امان‌نامه از ابوسفیان بودند «پیش خودشان چنین فکری داشتند»، یا اینکه به این فکر بودند که پس از شهادت پیامبر اکرم به دین و آئین اجداد و نیاکان خویش بازگردند «کافر و مشرک شوند» در زمره کسانی هستند «بودند» که ایمان آوردن آن‌ها به خاطر اهداف دنیوی بوده است «رسیدن به قدرت، ثروت، و...».

خداوند متعال در این آیه شریفه فرمودند که:

به این افراد مقداری از آنچه را که خواسته‌اند اعطا می‌کنیم.

به عبارت دیگر:

کسانی که برای اهداف دنیوی ایمان می‌آورند و در این راه تلاش می‌کنند خداوند

متعالم از متاع دنیوی به آنها اعطا می‌فرماید.

در مقابل این افراد، افراد دیگری نیز در جنگ اُحد شرکت داشتند که تا آخرین نفس جنگیدند و مجروح شدند و یا به شهادت رسیدند، این افراد ایمانشان برای نیل به آخرت بود، یعنی:

به خاطر اهداف دنیوی به پیامبر اکرم ایمان نیاورده بودند بلکه ایمان آنها صرفاً برای نیل به آخرت و به منظور جلب رضایت خدا و رسول بود که از جنگ فرار نکردند و افکار باطل به دل خویش راه نداده و در دین و ایمان خویش دچار تردید نشدند و نهایتاً به شهادت رسیده و یا اینکه به شدت مجروح شدند. خداوند متعال درباره این‌ها می‌فرماید:

وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ تَوَاتَتْ مِنْهَا = هر کس پاداش آخرت را بخواهد از آن به او می‌دهیم، یعنی:

هر کس به خدا و رسول ایمان بیاورد و ایمان آوردن او برای کسب پاداش آخرت و نعمات بهشتی باشد و در این راه سعی و تلاش نماید «شرکت در جهاد و انجام سایر واجبات» خداوند متعال او را از نعمت آخرت بهره‌مند خواهد فرمود. خداوند متعال در انتهای آیه شریفه می‌فرماید:

وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ = به زودی پاداش شاکران را خواهیم داد.

خداوند متعال، هم در انتهای آیه ۱۴۴ و هم در انتهای آیه ۱۴۵ سوره آل عمران وعده پاداش به شاکران را مطرح فرموده است.

تکرار وعده پاداش به شاکرین در این دو آیه شریفه و اشاره نکردن به نوع پاداش شاکرین و اینکه چه پاداشی به شاکرین اعطا خواهد فرمود حاکی از عظمت و بزرگی این پاداش می‌باشد، همچنین تأکید و اشاره‌ای است به مقام رفیع و ممتاز شاکرین.

خداوند متعال در انتهای آیه ۱۴۵ وعده دادن پاداش به شاکرین را به صورت فعل متکلم بیان فرموده و این امر نهایت تأکید بر وعده پاداش الهی به شاکران را بیان می‌فرماید، و به تعبیر ساده خداوند متعال می‌فرماید:

من ضامن پاداش شاکران هستم.

سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ «آیه ۱۴۴ سوره آل عمران»، یعنی:  
 خداوند متعال به زودی پاداش شاکران را خواهد داد.  
 سَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ «آیه ۱۴۵ سوره آل عمران»، یعنی:  
 ما «خداوند متعال» به زودی پاداش شاکران را خواهیم داد.  
 ملاحظه می‌فرمائید که در این آیه شریفه فعل به صورت متکلم آمده و این امر  
 حاکی از تاکید وعده الهی به دادن پاداش به شاکران می‌باشد.  
 قابل ذکر است که:

خداوند متعال شاکرین را از این دو طایفه جدا نموده و آن‌ها را به طور ویژه یاد  
 نموده و فرموده:

سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ، سَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ،  
 و این نیست مگر اینکه شاکرین هدفی جز خدا ندارند، یعنی:  
 نه متاع دنیوی آن‌ها را به خود مشغول می‌کند و نه نعمات اُخروی.  
 به عبارت دیگر:  
 ایمان آوردن آن‌ها به خداوند متعال و پیامبر اکرم و شرکت آن‌ها در جهاد نه به  
 خاطر متاع دنیوی است و نه به خاطر نعمات اُخروی،  
 بلکه:

هدف آن‌ها فقط و فقط جلب رضایت خداوند متعال است و بس، برخلاف دو  
 طایفه قبل،

که یک طایفه به خاطر اهداف و مقاصد دنیوی ایمان آورده بودند زیرا گمان  
 می‌کردند که قدرت و حکومت دست پیامبر اکرم و مومنین خواهد بود، لذا به  
 محض شنیدن شایعه شهادت پیامبر اکرم پا به فرار گذاشته و در ایمان خویش نیز  
 کاملاً دچار تردید شدند،

یک طایفه نیز به خداوند متعال و پیامبر اکرم ایمان آورده بودند لیکن هدف آن‌ها  
 رسیدن به پاداش اُخروی و نعمات بهشتی بود.

به طایفه اول مقداری از آنچه را که خواسته بودند اعطا شد «یعنی غنائم جنگی  
 و سایر بهره‌های دنیوی، لیکن از نعمات اُخروی بی‌بهره‌اند»،

به طایفه دوّم از آنچه که خواسته بودند خداوند متعال اعطا خواهد فرمود «یعنی از نعمات بهشتی آن‌ها را بهره‌مند خواهد فرمود»،  
 طایفه سوّم یعنی شاکرین در اعلی درجه واقع شده‌اند و خداوند متعال شخصاً وعده پاداش به آن‌ها را داده و از عظمت این موضوع همین بس که:  
 اولاً: وعده پاداش به شاکرین دو بار در این آیه شریفه تکرار شده.  
 ثانیاً: در هر دو آیه شریفه به ذکر پاداش اخروی و نوع پاداش اشاره نشده.  
 ثالثاً: خداوند متعال شخصاً عهده‌دار پاداش شاکرین شده است.  
 قابل ذکر است که:

کلمه شاکرین که به صورت وصف می‌باشد در هیچ آیه‌ای از آیات شریفه قرآن کریم بر کسی اطلاق نشده مگر در همین دو آیه شریفه «آیه ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران».

اینکه مقصود و منظور از شاکرین در این دو آیه شریفه چه شخصی و یا چه اشخاصی هستند که خداوند متعال اینگونه آن‌ها را تکریم و تجلیل نموده انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.<sup>۱</sup>

### توضیح:

خداوند متعال در آیه ۱۵۵ سوره آل عمران می‌فرماید:  
 إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَتَبْنَا...، یعنی:  
 کسانی از شما «سربازان اسلام» که در روز برخورد دو جماعت با یکدیگر «برخورد سربازان اسلام و سربازان مشرکین در جنگ اُحد» فرار کردند شیطان آن‌ها را به لغزش انداخت، به خاطر بعضی از گناهایی که مرتکب شده بودند.  
 آیه شریفه صریحاً بیان می‌فرماید که:  
 سربازان اسلام که در جنگ اُحد فرار نمودند شیطان آن‌ها را به لغزش انداخت،

۱. المیزان، جلد هفتم، صفحه ۶۷ تا ۷۰.

مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۲۸۲ - ۲۸۳.

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۱۵۶ - ۱۵۷.

و این به خاطر گناہانی بود که قبلاً مرتکب شده بودند.

علامه طباطبائی درباره این آیه شریفه می‌گوید.

این آیه شریفه درباره تمام کسانی است که از پیامبر اکرم رویگردان شده و از دستورات آن حضرت سرپیچی نمودند، و اگر در بعضی از روایات اسم دوّمی و سوّمی آمده از باب ذکر مصداق می‌باشد.<sup>۱</sup>

قابل ذکر است که:

جنگ بدر در سال دوّم هجری به وقوع پیوست «ماه رمضان»، و طیّ آن چهارده نفر از سربازان اسلام به شهادت رسیدند «هشت نفر از انصار - شش نفر از مهاجرین». در جریان جنگ بدر هفتاد نفر از مشرکین به هلاکت رسیدند و هفتاد نفر از آنها نیز اسیر شدند.

تعداد سربازان اسلام در جنگ بدر ۳۱۳ نفر بود و تعداد سربازان مشرکین قریش حدود یک‌هزار نفر.

جنگ اُحد در سال سوّم هجری به وقوع پیوست «ماه شوّال» و طیّ آن هفتاد نفر از لشکریان اسلام به شهادت رسیدند «شصت و شش نفر از انصار - چهار نفر از مهاجرین» و تعدادی نیز مجروح.

تعداد سربازان اسلام در جنگ اُحد هفتصد نفر و تعداد نفرات مشرکین بین سه الی پنج هزار نفر بوده است.<sup>۲</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدّس امام باقر علیه‌السّلام فرمودند:

در جنگ اُحد بدن مبارک امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السّلام بیش از شصت زخم و جراحت برداشت.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به دو نفر به نام‌های امّ سلیم

۱. المیزان، جلد هفتم، صفحه ۱۱۹ «بحث روایتی ذیل آیه ۱۷۲ تا ۱۷۵ سوره آل عمران».

۲. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۲۲۸ «ذیل آیه ۱۲۱ و ۱۲۲ سوره آل عمران».

مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۲۳۹ «ذیل آیه ۱۲۳ تا ۱۲۶ سوره آل عمران».

مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۳۳۶ «ذیل آیه ۱۶۹ تا ۱۷۱ سوره آل عمران».

و امّ عطیّه دستور دادند تا به مداوای آن حضرت بپردازند. چیزی نگذشت که امّ سلیم و امّ عطیّه با نگرانی خدمت پیامبر اکرم شرفیاب شده و به آن حضرت عرض کردند:

وضع بدن حضرت علی علیه السلام طوری است که ما هر زخمی را که می‌بندیم و پانسمان می‌کنیم زخم دیگر گشوده می‌شود و زخم‌های بدن آن حضرت به قدری زیاد و خطرناک است که ما نسبت به جان آن حضرت نگران هستیم. وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به همراه تعدادی از مسلمین به عیادت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام رفتند در حالی که بدن آن حضرت یکپارچه زخم بود.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دست مبارک خویش را روی بدن حضرت علی علیه السلام گذاشته و می‌فرمود: کسی که در راه خداوند متعال اینگونه مجاهدت می‌نماید آخرین درجه مسئولیت خویش را انجام داده است.

پیامبر اکرم دست مبارک خویش را روی هر زخم که می‌گذاشت آن زخم فوراً التیام پیدا می‌کرد و خوب می‌شد.

در این هنگام بود که وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: حمد می‌کنم خداوند متعال را که هیچ‌گاه فرار نکردم و پشت به جنگ ننمودم. امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

به همین جهت بود که خداوند متعال در دو آیه شریفه قرآن کریم از مجاهدت‌های امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام قدردانی نموده و در یک جا فرموده «وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» - آیه ۱۴۴ سوره آل عمران» و در جای دیگر فرمود «وَسَيَجْزِي الشَّاكِرِينَ» - آیه ۱۴۵ سوره آل عمران».<sup>۱</sup>

۱. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۲۸۳ - ۲۸۴ «ذیل آیه ۱۴۵ سوره آل عمران». المیزان، جلد هفتم، صفحه ۱۱۷ - ۱۱۸ «ذیل آیه ۱۷۲ تا ۱۷۵ سوره آل عمران». تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۱۵۸ «ذیل آیه ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران». تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۱۰۸ - ۱۰۹ «ذیل آیه ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران».

**توضیح:**

اینکه خداوند متعال در آیه ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام قدردانی نموده فقط به خاطر شکرگزاری زبانی آن حضرت نبوده که به خداوند متعال عرض نمود:

الحمد لله که از جنگ فرار نکردم،

بلکه قدردانی خداوند متعال از حضرت علی علیه السلام به خاطر شکرگزاری عملی آن حضرت بود که علیرغم داشتن ده‌ها زخم و جراحت از جنگ فرار نکرد و پشت به جنگ نمود و با تمام قدرت از وجود مقدّس پیامبر اکرم دفاع نمود تا به آن حضرت آسیبی نرسد.<sup>۱</sup>

۲. وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

در جریان جنگ اُحُد با اینکه ده‌ها زخم و جراحت بر بدن مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام وارد شده بود به جنگ با مشرکین قریش ادامه می‌داد و از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم دفاع می‌نمود تا آسیبی به آن حضرت نرسد.

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به حدّی با مشرکین جنگید که شمشیرش شکست و در همین حال پیامبر اکرم شمشیر خویش را که ذوالفقار نام داشت به حضرت علی علیه السلام داد تا آن حضرت به جنگ با مشرکین ادامه دهد.

در حالی که ده‌ها زخم و جراحت بر بدن مبارک علی بن ابیطالب علیه السلام وارد شده بود لیکن آن حضرت با شجاعت و رشادت هر چه تمام‌تر به نبرد با مشرکین ادامه داده و از وجود مقدّس پیامبر اکرم دفاع می‌نمود تا به آن حضرت آسیبی نرسد، و در همین حال بود که جبرئیل علیه السلام خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نازل شد و به آن حضرت عرض کرد:

إِنَّ هَذِهِ لَهِيَ الْمَوَاسَاةُ يَا مُحَمَّدُ، یعنی:

۱. المیزان، جلد هفتم، صفحه ۱۱۸ «بحث روایتی ذیل آیه ۱۷۲ تا ۱۷۵ سوره آل عمران».

یا رسول الله، این فدارکاری علی بن ابیطالب مواسات و ایثار با شما است «خود را فدا می کند تا شما بمائید» و

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به جبرئیل فرمود:  
 إِنَّهُ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ، یعنی:

ای جبرئیل:

علی از من است و من از علی.

جبرئیل به پیامبر اکرم عرض کرد:

وَ أَنَا مِنْكُمْ، یعنی:

من نیز از شما هستم.

امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جبرئیل را بین آسمان و زمین مشاهده فرمود «پس از اینکه جبرئیل از خدمت پیامبر اکرم رفت» که می گوید:

لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ،

لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ، یعنی:

جوانمردی نیست جز امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب،

و شمشیری نیست جز ذوالفقار.<sup>۱</sup>

۳. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

مردم پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اهل رده شدند «مرتد شده و به دوران جاهلیت بازگشتند» مگر چند نفر انگشت شمار که از بیعت کردن با

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۲۳۱ «ذیل ۱۲۱ و ۱۲۲ سوره آل عمران».

المیزان، جلد هفتم، صفحه ۱۹ «بحث روایتی ذیل آیل ۱۲۱ و ۱۲۲ سوره آل عمران».

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۱۰۴ - ۱۰۵ «ذیل آیه ۱۲۱ و ۱۲۲ سوره آل عمران».

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۸۶ - ۸۷ «ذیل آیه ۱۲۰ و ۱۲۲ سوره آل عمران».

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۱۰۶ «ذیل آیه ۱۴۴ و ۱۵۴ سوره آل عمران».

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۴۸ - ۱۴۹ حدیث ۷ «ذیل آیه ۱۲۳ سوره آل عمران».

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۵۲ حدیث ۸ «ذیل آیه ۱۲۳ سوره آل عمران».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۵۵، حدیث ۳۸۲ «حدیث ۱۷۲۷» «ذیل آیه ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران».



غاصبین خلافت خودداری کردند. عده معدودی از مردم «از اهل رده» پس از مدّت کوتاهی معرفت پیدا کردند» به حَقَّانِیَّتِ عَلَیِّ عَلَیْهِ السَّلَامِ پی بردند». این حدیث را حنّان از پدرش و او از امام باقر علیه السَّلَام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۴. امام باقر علیه السَّلَام فرمودند:

بعد از رحلت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ همه مردم به دوران جاهلیت بازگشتند مگر چند نفر که هیچ چیز در آن‌ها نفوذ نکرد. این حدیث را فضیل بن یسار از امام باقر علیه السَّلَام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

### توضیح:

طبق این دو حدیث شریف و ده‌ها حدیث دیگر، پس از رحلت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ همه مسلمانان به دوران جاهلیت بازگشته و مرتد شدند و به جای تبعیت از امیرالمؤمنین عَلَیِّ بْنِ ابیطالب علیه السَّلَام سراغ دیگران رفته و از آن‌ها اطاعت نمودند مگر عده معدودی که هیچگونه شک و تردید به خود راه نداده و امیرالمؤمنین عَلَیِّ بْنِ ابیطالب علیه السَّلَام را به عنوان امام مسلمین و وصیِّ بلافصل رسول الله دانسته و از آن حضرت اطاعت نمودند.

همچنان که مومنین درجاتی دارند و مقام آن‌ها یکسان نمی‌باشد، کافرین و مشرکین و مرتدین نیز اینگونه هستند، یعنی:

همه کسانی که بعد از رحلت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اهل رده شده و مرتد گردیدند مثل و مانند هم نبوده و درجه کفر و ارتداد آن‌ها یکسان نمی‌باشد، یعنی:

عده‌ای از آن‌ها در اعلی درجه کُفر و ارتداد بودند و آن‌ها کسانی بودند که پس از

۱. تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۱۷۲، حدیث ۲ «ذیل آیه ۱۴۴ سوره آل عمران».

تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۱۷۳، حدیث ۶.

تفسیر نورالتقلین، جلد اوّل، صفحه ۸۵۳، حدیث ۳۸۰ «حدیث ۱۷۲۵» «ذیل آیه ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران».

تفسیر صافی، جلد دوّم، صفحه ۱۰۸ «ذیل آیه ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران».

۲. تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۱۷۳، حدیث ۷.

رحلت پیامبر اکرم حقوق اهل بیت آن حضرت را غصب کرده و خود آن بزرگواران را به شهادت رساندند.

آن‌ها در حالی مرتکب این فجایع می‌شدند که ظاهراً مسلمان بودند و نماز می‌خواندند و خودشان را زعیم مسلمانان می‌دانستند.

عده‌ای از این مرتدین کسانی بودند که امامت و ولایت اهل بیت پیامبر اکرم را انکار کرده و از سایرین تبعیت نموده و دستورات آن‌ها را اجرا نمودند.

عده‌ای از اهل رده و مرتدین کسانی بودند که امامت و ولایت اهل بیت پیامبر را انکار کرده و از آن ذوات مقدس اعراض نمودند لیکن در عین حال به خلفای غاصب نیز اعتقادی نداشتند «گرچه اجباراً و با اکراه با غاصبین خلافت بیعت نمودند اما قلباً به آن‌ها ایمان نداشتند».

عده‌ای بودند که مُنکر امامت و ولایت اهل بیت پیامبر اکرم نبودند لیکن اعتقاد راسخ و مُحکم به آن ذوات مقدسه نداشته و فرمایشات آن بزرگواران را حجت نمی‌دانستند «یعنی به همه فرمایشات آن بزرگواران عمل نمی‌کردند».

عده‌ای نیز بودند که امامت و ولایت اهل بیت پیامبر اکرم را پذیرفته بودند لیکن پس از رحلت پیامبر اکرم سکوت کرده و دست روی دست گذاشته و هیچ اقدام عملی برای نشان دادن ایمان خویش انجام ندادند، و نتیجه این سکوت مرگبار غصب خلافت بود و شهادت صدیقه کُبری فاطمه زهرا سلام الله علیها، و خلاصه کلام اینک:

علامت ایمان کامل، پذیرش امامت و ولایت اهل بیت پیامبر اکرم و اطاعت محض از آن ذوات مقدسه می‌باشد، لذا:

ممکن است کسانی تکبیر بگویند، حج به جای بیاورند، نماز بخوانند، لیکن در عین حال در زمره مرتدین باشند، همانگونه که در صدر اسلام و بعد از رحلت پیامبر اکرم اینگونه بودند و احادیثی که ملاحظه فرمودید مبین این مطلب است.

بنابراین:

اگر کسی امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام را انکار نماید در زمره اهل رده می‌باشد، زیرا با عدم پذیرش امامت و ولایت آن ذوات مقدسه به عقب

بازگشته و به دوران جاهلیت رجوع نموده است و مشمول این قسمت از آیه ۱۴۴ سوره آل عمران می شود که می فرماید **انْقَلَبْتُمْ عَلٰی اَعْقَابِكُمْ**، لذا:

افرادی که با آن ذوات مقدسه جنگیدند مرتدّ بودند،

کسانی که امامت آن بزرگواران را انکار کردند لیکن با آن ذوات مقدسه جنگ نمودند آنها نیز مرتدّ بودند اما در درجه پائین تر از گروه قبل، کسانی که امامت آن ذوات مقدسه را پذیرفته بودند لیکن سکوت کرده و آن بزرگواران را یاری ننمودند آنها نیز مرتدّ بودند لیکن در درجه پائین تر از دو گروه قبل، همچنین کسانی که از آن بزرگواران ایراد می گرفتند،

مثلاً کسانی که به حضرت علی علیه السلام ایراد می گرفتند که چرا دست به شمشیر نبرد و حقّ خود را نگرفت و ظاهراً سکوت اختیار کرد «پس از رحلت پیامبر اکرم»، یا:

کسانی که به صلح امام مجتبی علیه السلام ایراد گرفته و نعوذ بالله این صلح را باعث ذلت مسلمانان قلمداد می نمودند این افراد نیز به نحوی ارتداد داشتند، و به همین لحاظ است که در احادیث شریف که ملاحظه فرمودید آمده که بعد از رحلت پیامبر اکرم جز چند نفر انگشت شمار همه مردم مرتدّ شدند «به درجات مختلف»، بنابراین مؤمن کامل و مؤمن تمام عیار کسی است که مطیع محض پیامبر اکرم باشد و بعد از آن حضرت مطیع محض و بی قید و شرط ائمه معصومین علیهم السلام باشد و امر و فرمان آن بزرگواران را امر و فرمان خداوند متعال و نهی آن بزرگواران را نهی خداوند متعال بداند، و چون مومنین دارای این ویژگی ها بعد از رحلت پیامبر اکرم انگشت شمار بودند لذا در احادیثی که از ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده صریحاً آمده است که:

همه مردم بعد از رحلت پیامبر اکرم مرتدّ شدند «به درجات مختلف» مگر عده ای قلیل و انگشت شمار.

ذیل آیه ۲۵۳ سوره بقره «**تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ...**» احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شد که طبق آن احادیث شریف مردم پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دو دسته شدند. بعضی مومن و بعضی

کافر، یعنی:

کسانی که بعد از رحلت پیامبر اکرم امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را پذیرفته و اوامر و نواهی آن حضرت را بی قید و شرط و بی چون و چرا اجرا نمودند در زمره مومنین و در غیر این صورت در زمره کافرین قرار گرفتند.

ذیل آیه ۲۵ و ۲۶ سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیز در رابطه با ارتداد مردم پس از رحلت پیامبر اکرم مطالبی عنوان شده است.

۵. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام پس از نزول این آیه شریفه «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ، أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ...» آیه ۱۴۴ سوره آل عمران و تا زمانی که وجود مبارک پیامبر اکرم در قید حیات بودند این آیه شریفه «آیه ۱۴۴ سوره آل عمران» را دائماً تلاوت فرموده و می فرمودند:

به خدا قسم:

پس از اینکه خداوند متعال ما را هدایت فرمود، چنانچه پیامبر اکرم از دنیا برود و یا به شهادت برسد هرگز عقب گرد نمی کنیم «هرگز به عقب بازمی گردیم»، و همواره با کسانی که با پیامبر اکرم جنگیدند می جنگیم تا اینکه به شهادت برسیم. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

به خدا قسم:

من برادر و پسرعمو و وارث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشم و چه کسی از من به آن حضرت نزدیک تر و سزاوارتر است.<sup>۱</sup>

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۴۲۵، حدیث ۱۱۰.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۷۳، حدیث ۴ «ذیل آیه ۱۴۴ سوره آل عمران».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۶۱، حدیث ۳۸۹ «حدیث ۱۷۳۴» «ذیل آیه ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران».

۶. امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

منافقین اَمّت «کسانی که ظاهراً مسلمان بودند لیکن قلباً به خداوند متعال و پیامبر اکرم ذرّه‌ای ایمان نداشتند، یعنی کافرینی که تظاهر به اسلام می‌کردند و در محضر پیامبر اکرم بودند» در جلسات خویش با یکدیگر می‌گفتند:

برای محمّد «صلی الله علیه و آله و سلّم» بس نیست که مدّت بیست سال بر ما چیره شده و مسلّط شده است و حالا می‌خواهد اهل بیت خویش را نیز بر دوش ما سوار کند در حالی که این حرف‌ها را خداوند به محمّد نازل نکرده و او «حضرت محمّد» این حرف‌ها را از خودش درآورده است و می‌خواهد اهل بیتش را روی دوش ما سوار کرده و بر ما مسلّط نماید.

امام باقر علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

منافقین اَمّت در جلسات خصوصی خودشان تصمیم گرفتند که:

لَئِنْ قُتِلَ مُحَمَّدٌ أَوْ مَاتَ لَنُنَزِّعَنَّهَا مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، ثُمَّ لَا نُعِيدُهَا فِيهِمْ أَبَدًا، یعنی:

اگر محمّد «صلی الله علیه و آله و سلّم» کشته شود و یا بمیرد ما این حکمرانی را از اهل بیت او خواهیم گرفت و هرگز به آن‌ها باز نخواهیم گرداند.<sup>۱</sup>

### توضیح:

زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در مقاطع مختلف فضائل و مناقب مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را بیان می‌نمود و راجع به امامت و ولایت آن حضرت و لزوم اطاعت از آن حضرت مطالبی را می‌فرمود، منافقین اَمّت که در صفوف مسلمانان بودند و تظاهر به اسلام می‌کردند در جلسات خصوصی خودشان راجع به این موضوع صحبت کرده و هم‌پیمان می‌شدند که بلافاصله بعد از رحلت پیامبر اکرم قدرت را به دست گرفته و اهل بیت پیامبر اکرم را خانه‌نشین کنند.

قابل ذکر است که این منافقین، پیامبر اکرم را فردی دروغگو دانسته «نعوذ بالله» و می‌گفتند این حرف‌ها را «ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام»

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۵۷، حدیث ۳۸۳ «حدیث ۱۷۲۸».

از خودش درآورده است و ساخته و پرداخته خودش می‌باشد و آن را به دروغ به خداوند متعال نسبت می‌دهد.

۷. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: خداوند متعال پیامبرش را «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» به سوی خویش دعوت فرمود و او را بالا برد «اشاره به ارتحال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم»، لیکن:

بلافاصله پس از رحلت پیامبر اکرم مردم عقب‌گرد کرده و به اعقاب خویش بازگشتند «به دوران جاهلیت بازگشتند»،

این مردم آثار پیامبر اکرم را تغییر داده و از احکامش اعراض نمودند. این مردم به جای جانشین پیامبر اکرم سراغ فرد دیگری رفته و او را به رهبری خویش برگزیدند «یعنی مرا که وصی و جانشین پیامبر اکرم بودم و خداوند متعال مرا به عنوان جانشین پیامبر اکرم و امام مسلمین منصوب فرموده بود رها کرده و فرد دیگری را به عنوان رهبر و پیشوای خویش برگزیدند».

آن‌ها خیال کردند که فلانی به مقام رهبری و خلافت رسول الله «جانشین رسول الله» شایسته‌تر از من است در حالی که پیامبر اکرم مرا به جانشینی خویش انتخاب فرموده است.<sup>۱</sup>

۸. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: این آیه شریفه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، آیه ۵۹ سوره نساء» فقط مخصوص ما اهل بیت پیامبر اکرم می‌باشد نه غیر از ما. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند «در احتجاج بر ناکثین»:

فَأَنْقَلَبْتُمْ عَلَيَّ أَعْقَابِكُمْ،  
وَ ارْتَدَدْتُمْ وَ نَقَضْتُمْ الْأَمْرَ،

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۱۰۷ - ۱۰۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۵۷، حدیث ۳۸۴ «حدیث ۱۷۲۹».

و نَكَثْتُمْ الْعَهْدَ،

و لَمْ تَصُرُّوا لِلَّهِ شَيْئاً، یعنی:

شما «کسانی که تظاهر به اسلام می کردید» بعد از رحلت پیامبر اکرم به اعقاب خویش بازگشتید «به دوران جاهلیت بازگشتید و کافر شدید»، شما مرتد شده و پیمان را شکستید، شما عهد خویش را زیر پا گذاشتید، این انقلاب به اعقاب شما «بازگشت به کفر جاهلیت» و مرتد شدن شما و پیمان شکنی شما هیچ ضرر و زیانی به خداوند متعال نمی رساند.<sup>۱</sup>

۹. پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فدک غصب شد و متعاقب آن وجود مبارک صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها به منظور احقاق حق خویش، همچنین به منظور شناساندن چهره واقعی منافقین امت مقنعه ای بر سر کشیده و پارچه ای بر سر انداخته و با چند تن از اطرافیان و بانوان قوم خویش به سوی مجلس فلانی حرکت فرموده و وقتی وارد مسجد شدند فلانی با گروهی از جماعت مهاجر و انصار نشستند بودند.

پرده ای زده شد و آنگاه وجود مبارک فاطمه زهرا سلام الله علیها شروع به صحبت نموده و پس از حمد و ثنای خداوند متعال و اشاره به فضائل و مناقب پیامبر اکرم و علی بن ابیطالب علیه السلام و فداکاری آن ها در پیشبرد اسلام، جمعیت حاضر در مسجد را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

وقتی که خداوند متعال پیامبر خویش را به سرای برگزیدگان خویش انتقال داد، میان شما:

کینه های باطنی ظاهر گشت،

جامه دین کهنه و بی رونق شد،

و گمراه بی زبان به سخن آمد،

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بر ناکثین، صفحه ۳۳۷، حدیث ۶۶. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۵۹، حدیث ۳۸۵ «حدیث ۱۷۳۰».

فرد بی نام و نشان معروف شد،  
 سرکرده اهل باطل صدای زشت خویش را بلند نمود،  
 شیطان شما را تحریک کرد و از شما پاسخ مثبت شنید و شما را برای اوامر خود  
 آماده یافت و به هدف خویش رسید.  
 هنوز جسم شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قبر مستقر نشده بود  
 که حریصانه آشوب کردید و اقدام به افروختن آتش نمودید،  
 شراره‌های فساد مردم را شعله‌ور ساختید،  
 دعوت شیطان را اجابت نموده و گمراه شدید،  
 انوار دین مبین حق را خاموش کردید،  
 احکام و سنت‌های رسول الله را ترک نمودید،  
 اهداف شوم خویش را به اجرا گذاشته و به اهل بیت پیامبر اکرم ستم نمودید.  
 ای پسر ابی قحافه:  
 آیا در قرآن است که تو از پدرت ارث ببری اما من ارث نبرم، یقیناً از پیش  
 خودت حکم تازه و دروغ آورده‌ای.  
 وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها در ادامه فرمایشات خویش فرمودند:  
 ای گروه انصار، ای بازوان توانای ملت:  
 این چه رفتار سبک و سستی است که ظالمانه در حق من روا داشتید، مگر پدرم  
 رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نفرموده بود که:  
 مراعات هر کس در احترام به فرزندان او است، اما شما چه باشتاب خلاف  
 دستور پدرم عمل کردید.  
 آه که فوت پدرم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم چه حادثه بزرگ و چه  
 پیشامد عظیمی بود که همه چیز را به هم ریخت.  
 پس از رحلت پدرم رسول الله حریم‌ها زیر پا گذاشته شد و حرمت‌ها ریخت، و  
 خداوند متعال در قرآن کریم به پدرم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم درباره  
 وقوع این فجایع خبر داده بود که:  
 وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ، أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ، وَ مَنْ



يُنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا، وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ «آیه ۱۴۴ سوره آل عمران».  
ای گروه انصار:

شما با اعراب جاهلی به جنگ پرداخته و در این راه هر سختی و مشقت را به جان خریدید تا اینکه مُشرکان سر تسلیم فرود آوردند و شعله‌های کُفر خاموش گشت و هرج و مرج خاتمه یافت و نظام دین محکم شد.  
وجود مقدّس صدّیقه کُبری فاطمه زهرا سلام‌الله علیها در ادامه فرمایشات خویش جمعیت حاضر را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

چرا پس از روشن شدن حقیقت حیران شدید،

چرا پس از پیشروی عقب‌گرد نمودید،

چرا پس از ایمان به شرک افتادید، اما بدانید که:

فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا، فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ، یعنی:

اگر همه شما و همه اهل زمین کافر شوند خداوند متعال بی‌نیاز و ستوده است.  
قابل ذکر است که خطبه صدّیقه کُبری فاطمه زهرا سلام‌الله علیها مفصل‌تر از این است که بیان شد، و ما در این مختصر فقط به آن قسمت از فرمایشات آن حضرت اشاره نمودیم که مربوط به آیه ۱۴۴ سوره آل عمران و ارتداد مردم بعد از رحلت پیامبر اکرم می‌باشد.<sup>۱</sup>

۱۰. وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فرمودند:

اینگونه نیست که هر کس از اهل قبله «هر کس از مسلمانان» که شهادتین را بگوید «شهادت به یگانگی خداوند متعال و رسالت پیامبر اکرم» مومن باشد.  
منافقین نیز به یگانگی خداوند متعال و رسالت حضرت محمد صلی‌الله علیه و آله و سلم شهادت داده و دستورات آن حضرت را درباره وصی و جانشین او به صورت ظاهر پذیرفتند، لیکن به محض دست یافتن به قدرت «پس از رحلت نبی مکرم اسلام» همه را زیر پا گذاشته و نقض عهد نمودند، و این‌ها را خداوند متعال

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت زهرا سلام‌الله علیها درباره فدک، صفحه ۲۲۶ تا ۲۴۵، حدیث ۴۹.  
تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۵۹، حدیث ۳۸۷ «حدیث ۱۷۳۲».

در آیات فراوانی از جمله در آیه ۱۴۴ سوره آل عمران بیان فرموده که، وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً.<sup>۱</sup>

### توضیح:

طبق این احادیث شریف که ملاحظه فرمودید:

همه مردم پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مرتد شدند مگر عده‌ای قلیل و انگشت‌شمار، گرچه بعداً تعدادی معدود به حقیقت پی برده و به راه راست هدایت شده و به امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام ایمان آوردند.

قابل ذکر است که:

مسلمانی که از پیامبر اکرم اعراض نموده و رسالت آن حضرت را انکار نماید و از اسلام برگردد «ادیان دیگر را انتخاب کند یا بی‌دین شود» مرتد نامیده می‌شود و این عمل «عدول از اسلام» ارتداد می‌باشد.

ظاهر امر نشان می‌دهد که:

بعد از رحلت پیامبر اکرم مسلمانان مدینه اعم از مهاجر و انصار نه بُت پرست شدند که لفظ مُشْرک بر آنها اطلاق شود، نه خداوند متعال را انکار نمودند که کافر و مُلحد خوانده شوند، نه رسالت پیامبر اکرم را انکار کردند، و نه یهودی و نه نصرانی شدند تا مرتد قلمداد شوند.

بعد از رحلت پیامبر اکرم ظاهراً هیچ‌کدام از موارد فوق اتفاق نیفتاد،

بنابراین:

این سؤال پیش می‌آید که:

بعد از رحلت وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چه حادثه

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بر زندیق، صفحه ۵۲۹ تا ۵۷۸

«صفحه ۵۵۰ و ۵۵۱»، «حدیث ۱۳۷».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۶۱، حدیث ۳۸۸ «حدیث ۱۷۳۳».

عظیم و چه فاجعه بزرگی روی داد که ائمه معصومین علیهم السّلام فرمودند:  
بعد از رحلت پیامبر اکرم همه مردم مرتدّ شده و به دوره کُفر جاهلی بازگشت نمودند، مگر عدّه‌ای قلیل و انگشت‌شمار.

جواب این است که:

وقتی بلافاصله پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام انکار می‌شود و خلافت که حقّ مسلم آن حضرت بود غصب می‌شود،

همچنین:

وقتی بلافاصله پس از رحلت پیامبر اکرم به منزل آن حضرت که محلّ نزول وحی و نزول ملائکه الهی بود حمله می‌شود و تنها دختر آن حضرت یعنی صدیقه کُبری فاطمه زهرا سلام الله علیها که طبق نقل شیعه و سنی مقام عصمت دارد و سیده بانوان عالم می‌باشد به شهادت می‌رسد، آیا:

عاملین این فجایع عظیم مرتدّ و مُلحد نیستند، آیا:

مسلمانانی که شاهد و ناظر این فجایع بوده و سکوت اختیار نمودند مرتدّ و مُلحد نمی‌باشند «هر کدام به درجاتی به تناسب گناه عظیمی که مرتکب شدند».

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم طی ۲۳ سال رسالت خویش موضوع امامت و ولایت مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام، همچنین موضوع احترام به اهل بیت خویش و محبّت ورزیدن به آن ذوات مقدّسه را بارها و بارها به مسلمانان فرموده بود که یک مورد آن روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری بود که در محلّ غدیر خم در حضور انبوهی از حجاج بیت الله الحرام «که جمعیت آنها تا یکصد و بیست هزار نفر نیز گفته شده» بود که با صراحت هر چه تمام تر امامت و خلافت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را به مردم ابلاغ فرمود و طیّ چندین نوبت اعلام فرمود که نصب امیرالمؤمنین به عنوان خلیفه رسول الله «جانشین رسول الله» و امام مسلمین امر و دستور خداوند متعال است و اطاعت از آن حضرت به همه مردم واجب می‌باشد.

همچنین وجود مقدّس پیامبر اکرم در محلّ غدیر خم فرمودند:

من دو یادگار گرانبها در بین شما باقی می‌گذارم، یکی کتاب خدا یعنی قرآن کریم و دیگری اهل بیتم که هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا اینکه کنار حوض کوثر به من محلق شوند.

این حدیث که به حدیث تَقْلَین معروف می‌باشد مورد قبول شیعه و سنی است و ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران راجع به آن توضیحاتی ارائه شد.

حال با این اوصاف:

آیا انکار امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و غضب خلافت و به شهادت رساندن یگانه دختر پیامبر اکرم یعنی حضرت زهرا سلام الله علیها ارتداد و الحاد و کُفر و شِرک نیست.

لازم به ذکر است که این خطبه مفصل را پیامبر اکرم روز هجدهم ذیحجه سال دهم هجری در محل غدیر خم ایراد نمودند و روز بیست و هشتم صفر سال یازدهم هجری رحلت فرمودند، یعنی در فاصله کمتر از سه ماه مسلمانان فرمایشات آن حضرت را فراموش نمودند.

البته فراموش نکردند بلکه کاملاً به خاطرشان بود لیکن دقیقاً خلاف فرمایش آن حضرت عمل نمودند.

بنابراین:

همه مسلمانانی که در وقوع این فجایع نقش داشتند «اعم از اینکه عامل بودند، یا آمر، و یا ناظر» مرتد شدند، لیکن هر کدام به تناسب نقشی که در این ماجرا داشتند.

قابل ذکر است که:

اگر مسلمانی رسالت پیامبر اکرم را انکار کند و از آن حضرت اعراض نماید مرتد است و کافر،

لیکن:

اگر کسی رسالت آن حضرت را با گفتن شهادتین بپذیرد «ولو اینکه اعتقاد قلبی نداشته باشد» این شخص مسلمان است و احکام اسلام بر او جاری می‌شود. حال چنانچه این به ظاهر مسلمان، ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

علیه السّلام را انکار کند و به آن حضرت ایمان نیاورد این آدم حقیقتاً کافر است و مرتدّ، لیکن چون شهادتین را بر زبان جاری نموده ظاهراً مسلمان است و احکام اسلام بر او جاری است، یعنی نجس نیست، ازدواج با او مانعی ندارد، از اموات خود ارث می‌برد، اگر گوسفندی را ذبح کند گوشتش حلال است و... لیکن روز قیامت با کفّار و مشرکین و منافقین محشور خواهد شد، بنابراین:

اگر مسلمانی ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام را انکار نماید حقیقتاً مرتدّ و کافر می‌باشد اما به صورت ظاهر مسلمان است و احکام اسلام راجع به او جاری است، زیرا اسلام با گفتن شهادتین «شهادت به یگانگی خداوند متعال و رسالت پیامبر اکرم» محقّق می‌شود، ولو اینکه گوینده شهادتین قلباً به گفته خویش اعتقادی نداشته باشد.

ذیل آیه ۸۱ و ۲۵۳ و ۲۵۷ سوره بقره در این رابطه توضیحات کاملی به عرض رسیده است.

ملاحظه فرمودید که وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام عوامل وقوع فجایع بعد از رحلت پیامبر اکرم را منافی قلمداد فرمودند «حدیث شماره ۱۰»، و منافی کافری است که تظاهر به دین می‌کند، یعنی با مسلمین نماز می‌خواند، حج به جای می‌آورد، روزه می‌گیرد تا به اهداف خویش نائل شود بدون اینکه ذره‌ای اعتقاد به آن‌ها داشته باشد.

حدیث بعدی نیز گویای این مطلب است که جایگاه ابدی و همیشگی مُنکرین امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام آتش جهنّم می‌باشد، ضمن اینکه اشاره‌ای است به ارتداد مردم بعد از رحلت نبی مکرّم اسلام.

۱۱. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری هنگام مراجعت از مکه به مدینه «پس از انجام مراسم حج» در بین راه در محلی به نام غدیر خم خطبه مفصّلی ایراد فرموده و پس از حمد و ثنای خداوند متعال قطره‌ای از دریای بیکران فضائل و مناقب مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را بیان فرموده و سپس به دستور خداوند

متعال آن حضرت را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قسمتی از بیانات خویش فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

أُنذِرُكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلْتُ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلَ، أَفَانِ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ أَنْقَلَبْتُمْ عَلَيَّ أَعْقَابَكُمْ، وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَيَّ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا، وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ،

أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمُوصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ،

ای گروه مردم:

من شما را انذار می‌کنم و بیم می‌دهم «انذار می‌کنم از اینکه با دستورات من مخالفت کنید» که من پیامبر و رسول خدا هستم و قبل از من هم پیامبران و رسولانی آمدند و ابلاغ رسالت نمودند و رفتند «یعنی من نیز از بین شما خواهم رفت».

آیا اگر من بمیرم «به مرگ طبیعی از دنیا بروم» و یا کشته شوم شما به دوران جاهلیت و به کفر جاهلی برمی‌گردید «یعنی به دین و آئین اجداد و نیاکان خویش که کفر و شرک بود باز می‌گردید و کافر و مشرک می‌شوید».

هر کس به دوران جاهلیت و دوران کفر جاهلی برگردد «هر کس از اسلام برگردد و کافر و مشرک شود» هیچ ضرر و زیانی به خداوند متعال نمی‌رساند «یعنی هر کس کافر و مشرک شود فقط و فقط خودش ضرر می‌بیند و بس»، و خداوند متعال به زودی اجر و پاداش شاکرین «شکرگزاران» را خواهد داد.

ای مردم بدانید و آگاه باشید که:

علی بن ابیطالب توصیف به صبر و شکر شده است «علی بن ابیطالب همیشه و همواره شاکر و صبور می‌باشد» و پس از او فرزندان من «یعنی ائمه معصومین علیهم السلام» که از صلب علی بن ابیطالب هستند موصوف به صبر و شکر می‌باشند «همواره شاکر و صابر هستند».

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایشات خویش مطالب فراوانی فرمودند که به گوشه‌ای از آنها اشاره می‌شود.

پیامبر اکرم فرمودند:

ای مردم:

بعد از رحلت من پیشوایان و رهبرانی خواهند آمد که مردم را به سوی جهنم دعوت می‌کنند،

ای مردم:

بدانید و آگاه باشید که خداوند متعال و من از این رهبران ظلم و جور بیزار و متنفر می‌باشیم،

ای مردم:

ائمه ظلم و جور و دوستان و یاران و پیروان آنها در دَرکِ اَسْفَل هستند یعنی در پست‌ترین جای جهنم جای دارند.

ای مردم:

من امامت را در ذریّه و اولاد خودم قرار دادم تا روز قیامت. من هر آنچه گفتمی بود گفتم و مأموریتیم را به انجام رساندم تا جای عذر و بهانه برای هیچ‌کس باقی نماند.

ای مردم:

به زودی امامت و خلافت را از مسیر اصلی آن منحرف ساخته و آن را به پادشاهی و سلطنت تبدیل خواهند کرد.

خدا لعنت کند غاصبین خلافت را،

و خدا لعنت کند کسانی را که به غصب خلافت راضی بودند،

ای مردم:

من صراط مستقیم هستم که خداوند متعال امر فرموده تا از آن پیروی نمائید، و بعد از من علی بن ابیطالب صراط مستقیم می‌باشد، و بعد از او فرزندان من از صُلب او، ائمه‌ای که مردم را به حق و به راه حق هدایت می‌کنند.

ای مردم:

علی بن ابیطالب از طرف خدا بر شما امام است،

هر کس امامت او را انکار کند خداوند متعال توبه او را قبول نخواهد کرد و خداوند متعال مُنکرین ولایت و امامت او را عذاب خواهد کرد، عذابی سخت و همیشگی که انتها نداشته باشد.

ای مردم:

من حجت خداوند متعال به همه مخلوق می‌باشم چه اهل آسمان‌ها و چه اهل زمین، و هر کس در این مورد شک کند کافر است همچون کُفر دوران جاهلیت، و هر کس به یکی از گفته‌های من شک کند به همه گفته‌های من شک نموده است.

ای مردم:

با علی بن ابیطالب به عنوان امیر المؤمنین، همچنین با حسن و حسین و امامان بعد از آن‌ها بیعت کنید که آن‌ها کلمه طیبه هستند.

ای مردم:

هر کس از خدا و رسول و علی بن ابیطالب و ائمه معصومین که برای شما گفتم اطاعت کند قطعاً به فوز عظیم «رستگاری بزرگ» نائل شده است.

ای مردم، سخنی بگوئید که رضای خداوند متعال در آن است و موجب رضایت خداوند متعال از شما خواهد شد، و بدانید که:

اگر شما و همه عالم و همه مردم روی زمین کافر شوند به خداوند متعال ضرر و زبانی نمی‌رسانند.<sup>۱</sup>

### توضیح:

۱. وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام درباره آیه ۱۰۳ سوره آل عمران «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا» فرمودند:

خداوند متعال می‌دانست که امت اسلام پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم متفرق خواهند شد و دچار اختلاف خواهند گردید لذا آن‌ها را از تفرقه

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم، صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶، حدیث ۳۲.

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۱۰۷ «ذیل آیه ۱۴۴ سوره آل عمران».

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۵۹، حدیث ۳۸۶ «حدیث ۱۷۳۱»، «ذیل آیه ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران».



نهی فرموده و به همه آنها دستور داد تا حول محور ولایت آل محمد علیهم السلام گرد آمده و به ولایت اهل بیت پیامبر اکرم چنگ زده و متفرق نشوند. این حدیث ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران درج شده است «حدیث ششم فصل ب بخش حدیث».

ذیل آیه ۱۵۹ سوره انعام «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا...» حدیثی از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که آن حضرت فرمودند:

امّت من بعد از من هفتاد و سه فرقه می شوند که همگی اهل آتش می باشند مگر یک فرقه که اهل نجات است، و آن فرقه نجات یابنده فرقه ای است که از جانشین من علی بن ابیطالب علیه السلام پیروی نماید.

طبق گفته علامه طباطبایی<sup>۱</sup> این روایت از مشهورات روایات می باشد.

آیه ۱۴۴ سوره آل عمران نیز همین قضیه را بیان می فرماید، یعنی: خداوند متعال می دانست که مردم پس از رحلت پیامبر اکرم عقب گرد نموده و به دوران جاهلیت باز خواهند گشت، لذا با نازل فرمودن این آیه شریفه «آیه ۱۴۴ سوره آل عمران» به مردم هشدار دادند که چنانچه بعد از رحلت پیامبر اکرم مرتد شده و به کفر جاهلی بازگشت نمایند ضرر و زیان این عمل فقط و فقط متوجه خود آنها خواهد شد، و این عمل آنها هرگز به خداوند متعال ضرر و زیان نخواهد رساند.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز می دانستند که بعد از رحلت خویش مردم سیر قهقرایی داشته و به دوران جاهلیت باز خواهند گشت، لذا در خطبه غدیریّه فرمودند:

آیا اگر من بمیرم و یا کشته شوم شما مسلمانان مرتد شده و به دوران جاهلیت باز خواهید گشت، و در همین خطبه نورانی فرمودند:

بعد از رحلت من رهبران ضلالت و گمراهی امامت و خلافت را به سلطنت مبدل خواهند نمود، و سپس فرمودند:

۱. المیزان، جلد ششم، صفحه ۲۹۵، ذیل آیات ۱۰۲ تا ۱۰۹ سوره آل عمران.

خداوند متعال رهبران ضلالت و گمراهی و پیروان و دوستان آنها را در پست ترین نقطه جهنم جای خواهد داد، و سپس فرمودند:

لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ وَالْمُعْتَصِبِينَ، یعنی:  
خدا لعنت کند غاصبین خلافت را،

و خدا لعنت کند معتصبین را، یعنی کسانی که یار و یاور رهبران ضلالت و گمراهی بوده و غاصبین خلافت را یاری نمودند و با میل و اختیار به حکومت آنها تن دادند.  
بنابراین:

فرمایش پیامبر اکرم به مسلمانان مبنی بر اینکه مردم به دوران جاهلیت باز خواهند گشت هشدار و اندازی است به مسلمانان که دچار انحراف نشوند، زیرا ضرر آن فقط و فقط متوجه خود آنها خواهد بود و هرگز به خداوند متعال ضرر و زیان نخواهد رساند.

توصیه و تاکید مکرر پیامبر اکرم در خطبه غدیریّه در رابطه با لزوم اطاعت بی قید و شرط از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و سفارش اکید آن حضرت در رابطه با لزوم تمسک به اهل بیت خویش به این منظور بود که حجّت برای دهها هزار مسلمانی که در غدیر خم حضور داشتند تمام شود و عذر و بهانه‌ای برای مردم باقی نماند که بگویند ما از فضائل و مناقب اهل بیت پیامبر اکرم و لزوم اطاعت بی قید و شرط از مولی الموحّدين امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام اطلاعی نداشتیم.

۲. قبلاً عرض شد که:

خوارج و نواصب «کسانی که با ائمه معصومین علیهم السلام اظهار دشمنی می‌کنند» در زمره کفار می‌باشند،

و این موضوع در رساله عملیه تمام مراجع عظام تقلید شیعه صراحتاً بیان شده است «اوائل رساله عملیه، مسائل مربوط به نجاسات».

به عنوان حُسن ختام این بحث به سه حدیث نورانی اشاره می‌شود.

الف) مردی از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام سؤال کرد:

کمترین چیزی که انسان در زمره کافران و گمراهان واقع می‌شود کدام است؟  
 امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فرمودند:  
 کمترین چیزی که انسان به سبب آن در زمره گمراهان قرار می‌گیرد این است که  
 انسان حجّت و نماینده خدا را که اطاعت و ولایت او واجب است نشناسد.<sup>۱</sup>

ب) امام باقر علیه‌السلام ذیل آیه ۱۵۳ سوره نساء «إِنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ...»  
 فرمودند:

ما هستیم این راه که خداوند متعال فرموده است، و هر که از آن دوری کند کافر  
 است.<sup>۲</sup>

ج) حارث بن مغیره می‌گوید به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم:  
 مقصود از فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند: مَنْ مَاتَ  
 لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً «هر کس بمیرد و امامش را نشناسد به مرگ جاهلیت  
 مرده است» چه نوع جاهلیتی است.

وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

جَاهِلِيَّةٌ كُفْرٍ وَ نِفَاقٍ وَ ضَلَالٍ، یعنی:

هر کس بمیرد و امام خویش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است، مرگ در  
 جاهلیت کفر و نفاق و ضلالت، یعنی:

چنین شخصی کافر و منافق و گمراه از دنیا رفته است.<sup>۳</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد سوّم، صفحه ۳۷۱، حدیث ۷ «ذیل آیه ۵۹ سوره نساء».

تفسیر صافی، جلد دوّم، صفحه ۲۴۱ «ذیل آیه ۵۹ سوره نساء».

تفسیر نمونه، جلد سوّم، صفحه ۵۶۶ «ذیل آیه ۵۹ سوره نساء».

تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۱۰۵، حدیث ۳۴۰ «حدیث ۲۱۹۳».

المیزان، جلد هشتم، صفحه ۲۶۶ «بحث روایتی ذیل آیه ۵۹ سوره نساء».

۲. تفسیر قمی، جلد دوّم، صفحه ۹۶.

تفسیر المیزان، جلد چهاردهم، صفحه ۲۷۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد دوّم، صفحه ۷۲۷، حدیث ۳۴۷ «حدیث ۳۳۵۶».

۳. اصول کافی، جلد دوّم، صفحه ۲۰۸، حدیث ۳ «حدیث ۹۷۱».

### آیه ۱۵۷ و ۱۵۸ سوره آل عمران:

«وَلَيْنَ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ، لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» آیه ۱۵۷.  
 «وَلَيْنَ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ» آیه ۱۵۸.

#### ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

ای مؤمنین:

اگر در راه خدا کشته شوید «یعنی در جهاد» و یا در راهی که به جهاد می روید از دنیا بروید «در بین راه به مرگ طبیعی از دنیا بروید» مغفرت و آمرزش خداوند متعال، همچنین رحمت خداوند متعال بهتر است از اموال و مقاصد دنیوی «بهتر است از اموالی که شما مؤمنین جمع آوری می نمائید، یا اموالی که کفار و منافقین جمع آوری می نمایند، یعنی از هر دو آنها بهتر می باشد» آیه ۱۵۷.

ای مؤمنین:

اگر در راه خدا بمیرید «به مرگ طبیعی» و یا در راه خدا کشته شوید «در جهاد به شهادت برسید» به سوی خدا باز می گردید. آیه ۱۵۸،<sup>۱</sup>

#### شرح لغات و توضیحات:

مغفرت = آمرزش، آمرزیدن؛

مغفرت خدا = آمرزیده شدن گناهان انسان به وسیله خداوند متعال؛

رحمت = احسان، انعام، افضال، بخشش، نیکی، مهربانی؛

«انعام = نیکی، بخشش، احسان» «افضال = نیکی، بخشش، احسان»؛

رحمت خدا = انعام و احسان خداوند متعال به بندگانش یعنی دادن پاداش و ثواب

و بهشت به بندگانش؛

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۳۱۰.

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۱۸۳.

حُطام = ریزه‌کاه، ریزه و شکسته هر چیز خشک، حُطام کنایه از مال دنیا است.<sup>۱</sup> ملاحظه فرمودید که در آیات گذشته «آیه ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران» بحث راجع به جنگ اُحد بود و حوادث و وقایع مربوط به آن. به عرض رسید که در اثر طمع‌ورزی افراد تحت امر عبدالله بن جبیر و اطاعت نکردن افراد تحت امر عبدالله بن جبیر از او باعث شد آن‌ها دهانه شکاف کوه را رها نموده و به فکر جمع‌آوری غنائم جنگی بیفتند، و همین امر سبب شد تا خالد بن ولید با دویست سوار به عبدالله بن جبیر حمله کرده و آن‌ها را به شهادت رساند و از عقب به قوای اسلام که مشغول جمع‌آوری غنائم بودند حمله نموده و در نتیجه قوای مسلمین شکست بخورند در حالی که پیروز میدان بودند. در جنگ اُحد تعداد هفتاد نفر از قوای مسلمین به شهادت رسیدند و تعدادی نیز مجروح شدند.

بعد از این واقعه بود که کُفَّار و منافقین می‌گفتند: اگر دوستان و برادران ما در صف مجاهدان قرار نمی‌گرفتند و نزد ما می‌ماندند نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند. این سخنان مسموم و نومیدکننده کافرین و منافقین می‌توانست باعث تضعیف روحیه مسلمانان شود، لذا: خداوند متعال در آیه ۱۵۶ سوره آل عمران مؤمنین را مورد خطاب قرار داده و به آن‌ها می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید «ای مؤمنین»: شما مانند کسانی نباشید که راه کُفر «و نفاق» را در پیش گرفتند و درباره برادران خود که به سفر رفتند «رفتن به سوی جهاد» یا در صف مجاهدان اسلام قرار گرفتند، گفتند:

اگر برادران ما نزد ما می‌ماندند «در مدینه» نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند. شاید این سخن مربوط به عبدالله بن اُبَی بود «از منافقین مدینه» که می‌گفت:

۱. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۳۱۰.  
مفردات راغب.

اگر برادران و دوستان ما در جنگ اُحد شرکت نمی‌کردند نمی‌مردند «در بین راه مدینه تا اُحد، به علّت بیماری، مشکلات، کمبودها و...» و کشته نمی‌شدند «در میدان نبرد به شهادت نمی‌رسیدند».

به هر حال، این سخنان چه مربوط به عبدالله بن اُبّی باشد چه هر فرد کافر و منافق دیگر، نتیجه‌اش این بود که در روحيّه مسلمانان ضعف ایجاد می‌کرد. قابل ذکر است که:

عبدالله ابن اُبّی با سیصد نفر از همراهان خویش در بین راه مدینه و اُحد از صفوف مسلمین جدا شده و به مدینه بازگشت. خداوند متعال برای خنثی نمودن توطئه منافقین و مقابله با سمپاشی آنها می‌فرماید:

وَاللّٰهُ يُحْيِيْ وَيُمِيْتُ «آیه ۱۵۶ سوره آل عمران»، یعنی:

خداوند متعال زنده می‌کند و می‌میراند، یعنی:

مرگ و حیات به دست خداوند متعال است، لذا:

اقامت در منزل باعث طول عُمر نمی‌شود،

و رفتن به مسافرت «رفتن به جهاد، رفتن به مسافرت به منظور تبلیغ دین و...» و شرکت در جنگ و جهاد باعث کوتاهی عُمر نمی‌شود.

آیه بعد «آیه ۱۵۷ سوره آل عمران» در ادامه بحث آیه قبل بوده و به مؤمنین می‌فرماید:

اگر در راه جهاد و یا در میدان جنگ به شهادت برسید و یا بمیرید «در بین راه از دنیا بروید یا در میدان جنگ به شهادت برسید» مغفرت و رحمت خداوند متعال از مقاصد دنیوی بهتر و برتر می‌باشد.

خداوند متعال در این آیه شریفه مسلمانان را به جهاد در راه خدا تشویق نموده و می‌فرماید:

ای مؤمنین:

وَ لَئِنْ قُتِلْتُمْ فِی سَبِيْلِ اللّٰهِ = اگر در راه خدا کشته شوید، یعنی:

اگر هنگام جهاد با کفّار و مشرکین و منافقین به شهادت برسید،

أَوْ مُتُّمٌ = یا بمیرید، یعنی:

در بین راه که به جهاد می‌روید به مرگ طبیعی از دنیا بروید.

لَمَغْفِرَةً مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةً = مغفرت خدا و رحمت خدا

خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ = بهتر است از آنچه که جمع‌آوری می‌کنید،

یعنی مغفرت و رحمت خداوند متعال «آمزش گناهان شما توسط خداوند

متعال، و رحمت خداوند متعال یعنی انواع احسان و بخشش خداوند متعال و

بهشت و نعمات بهشتی» به مراتب بهتر است از آنچه که شما مؤمنین در دنیا

جمع‌آوری می‌نمائید، همچنین:

بهتر و برتر است از آنچه که غیر مؤمنین در این دنیا جمع‌آوری می‌نمایند.

این قسمت از آیه شریفه در واقع دلداری دادن و تسلیت دادن به مؤمنین است در

رابطه با مصائبی که در راه خدا «فی سبیل الله» متحمل شده‌اند، همچنین:

تقویت قلوب مؤمنین می‌باشد، همچنین:

آسان کردن مرگ و شهادت است برای مؤمنین.

بنابراین:

معنی آیه شریفه این شد که:

خداوند متعال به مؤمنین می‌فرماید:

ای مؤمنین:

۱. اگر در راه خدا به شهادت برسید «هنگام جهاد با مخالفین دین»،

۲. یا بمیرید «در راه دین و هنگام رفتن به جهاد به مرگ طبیعی از دنیا بروید».

مغفرت و رحمت خداوند متعال به مراتب بهتر است از دنیا و مقاصد دنیوی

«مغفرت و رحمت خداوند متعال شامل حال شما مؤمنین می‌شود، یعنی گناهان

شما آمرزیده شده و بهشت نصیب شما می‌شود، و این مغفرت و رحمت خداوند

متعال بهتر است از دنیا و آنچه در او است».

ممکن است این سؤال پیش بیاید که:

چگونه خداوند متعال مغفرت خویش و رحمت بی‌پایان خویش را با حُطام

دنیوی و لذات ناچیز دنیا سنجیده است، در حالی که تفاوت بین حُطام دنیا «مال

دنیا» و رحمت خداوند متعال بیش از زمین تا آسمان است و اصولاً:  
 بهشت جاوید و ابدی و نعمات بی‌پایان بهشتی با دنیا و مال دنیا قابل قیاس  
 نیست که اولی را «نعمات بهشتی» از دومی «دنیا و مال دنیا» بهتر بدانیم و اساساً:  
 هیچ کس شیر گوارا و خالص را با پشگل «سرگین حیوانات» مقایسه نمی‌کند و  
 هیچ کس نمی‌گوید که شیر گوارا از پشگل بهتر است زیرا این دو با یکدیگر قابل  
 قیاس نمی‌باشند.

جواب این است که:

چون انسان‌ها دنیا را به آخرت ترجیح داده و دنیا را انتخاب می‌کنند، به حدی  
 که:

به منظور رسیدن به ثروت و مقام جهاد فی سبیل الله را ترک می‌کنند، به همین  
 جهت است که خداوند متعال فرموده:

مغفرت و رحمت خداوند متعال «نعمات جاوید و بی‌پایان بهشتی» بهتر است از  
 حُطام دنیوی و لذات زودگذر آن.

«این چند سطر آخر عیناً از مجمع‌البیان نقل شد».

خداوند متعال در آیه بعد «آیه ۱۵۸ سوره آل عمران» می‌فرماید:

وَلَئِنْ مِتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ = اگر در راه خداوند متعال به مرگ طبیعی  
 از دنیا بروید و یا اگر در راه خداوند متعال به شهادت برسید «مردن فی سبیل الله، و  
 شهادت فی سبیل الله» به سوی خدا بازمی‌گردید، یعنی:

رفتن از دنیا «چه مرگ طبیعی، چه شهادت» فنا و نابودی نیست، زیرا چه به مرگ  
 طبیعی از دنیا برویم و چه کشته شویم در هر حال بازگشت ما به سوی خداوند  
 متعال است، یعنی:

همه انسان‌ها اعم از اینکه به مرگ طبیعی از دنیا رفته باشند و یا اینکه کشته شده  
 باشند روز قیامت محشور می‌شوند و خداوند متعال به کار آن‌ها رسیدگی خواهد  
 کرد و طی آن به مؤمنین پاداش «بهشت» و به غیرمؤمنین عقوبت و عذاب داده  
 خواهد شد.



### توضیح:

۱. در آیه ۱۵۷ سوره آل عمران آمده که:

قتل فی سبیل الله «شهادت در راه خدا» و موت فی سبیل الله «مرگ در راه خدا» باعث می شود تا مغفرت و رحمت الهی نصیب انسان شود، و چون شهادت فی سبیل الله از موت فی سبیل الله به مغفرت و رحمت خداوند متعال نزدیک تر است لذا قتل در راه خدا به موت در راه خدا مقدم داشته شده و خداوند متعال فرموده است:

وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ...

لیکن چون در آیه ۱۵۸ سوره آل عمران بحث از محشورشدن انسان ها است «چه انسان هایی که کشته شده اند چه انسان هایی که به مرگ طبیعی از دنیا رفته اند» و از مغفرت و رحمت خداوند متعال صحبت به میان نیامده، موت بر قتل مقدم داشته شده و خداوند متعال فرموده: وَلَئِنْ مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ.

۲. موت فی سبیل الله «مردن در راه خدا به مرگ طبیعی» به حدی اهمیت دارد که در ردیف شهادت فی سبیل الله قلمداد شده و بلافاصله بعد از آن آمده است، یعنی:

اگر مؤمنی در راه انجام وظایف دینی «در راه سفرهای تبلیغی، در راه رفتن به جهاد، و در هر راهی که موجب اعتلای دین شده و موجب رضایت خداوند متعال می باشد» به مرگ طبیعی از دنیا برود مغفرت خداوند متعال و رحمت واسعه الهی نصیبش شده و از نعمات بی پایان بهشت بهره مند خواهند شد.

۳. خداوند متعال در آیه ۵۸ سوره حج می فرماید:

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قَاتَلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا، وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ، یعنی:

کسانی که در راه خدا هجرت کردند «هجرت فی سبیل الله» سپس کشته شدند «در حال مهاجرت یا پس از از مهاجرت به شهادت رسیدند» یا به مرگ طبیعی از

دنیا رفتند، خداوند متعال به همه آنها رزق و روزی نیکو می‌دهد، چرا که خداوند متعال بهترین روزی‌دهندگان است.

بعضی از مفسرین اظهار داشته‌اند که:

رزق حسن اشاره به آن دسته از نعمت‌های خداوند متعال می‌باشد که وقتی چشم انسان به آنها می‌افتد چنان مجذوب آن نعمات می‌شود که نمی‌تواند دیده از آنها برگردد و به غیر آن نگاه کند، و فقط خداوند متعال قادر است چنین رزقی را به کسی اعطا بفرماید.

درباره شأن نزول این آیه شریفه گفته شده که:

هنگامی که گروهی از مهاجرین از مکه به مدینه آمدند بعضی از آنها به مرگ طبیعی از دنیا رفتند و بعضی نیز به شهادت رسیدند.

گروهی از مؤمنین، همه یا قسمت اعظم فضیلت مهاجرت فی سبیل الله را برای شهیدان قائل شدند، و این هنگام بود که:

خداوند متعال با نازل فرمودن این آیه شریفه «آیه ۵۸ سوره حج» هر دو گروه را مشمول بهترین نعمات الهی معرفی فرمود.

بنابراین:

کسانی که در راه خدا کشته شوند «شهادت فی سبیل الله»،

یا کسانی که در راه خدا بمیرند «مرگ طبیعی فی سبیل الله»،

یا در راه خدا هجرت کرده و به شهادت برسند «شهادت هنگام مهاجرت فی

سبیل الله»،

یا در راه خدا هجرت کرده و به مرگ طبیعی از دنیا بروند «موت هنگام مهاجرت

فی سبیل الله»،

همه این افراد مشمول مغفرت و رحمت واسعه خداوند متعال خواهند شد زیرا شهادت یا موت آنها فی سبیل الله بوده است «در راه خدا، در راه ترویج دین خدا، در راه تبلیغ دین خدا، در راه اطاعت از اوامر خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، و...».

خلاصه کلام اینکه:

زندگی، مرگ، مهاجرت، جهاد و... چنانچه فی سبیل الله باشد برای صاحب آن مغفرت و رحمت واسعه الهی را به دنبال خواهد داشت.  
اینکه مصداق اتم و اکمل سبیل الله چیست انشاء الله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.<sup>۱</sup>

### حدیث:

۱. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:  
**إِنَّ سَبِيلَ اللَّهِ عَلِيٌّ وَ ذُرِّيَّتُهُ، مَنْ قُتِلَ فِي وَلايَتِهِ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ مَنْ مَاتَ فِي وَلايَتِهِ مَاتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ،** یعنی:  
 سبیل الله «راه خدا» امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و ذریه و نسل آن بزرگوار می باشد «یعنی ائمه معصومین علیهم السلام»، هر کس در راه ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام «و ائمه معصومین علیهم السلام» کشته شود در راه خدا کشته شده است، و هر کس در راه ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام «و ائمه معصومین علیهم السلام» بمیرد «به مرگ طبیعی» در راه خدا مرده است.  
 این حدیث را عبدالله بن مغیره از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

### توضیح:

این حدیث شریف را عیناً جابر نیز از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.<sup>۳</sup>  
 ۲. هنگام زیارت مولی الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به محضر آن حضرت عرض می کنیم:

- 
۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۳۰۹ تا ۳۱۱.
  - المیزان، جلد هفتم، صفحه ۹۶ - ۹۷.
  - تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۱۸۰ تا ۱۸۲.
  ۲. تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۸۵، حدیث ۷.
  - تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۶۷، حدیث ۴۰۵ «حدیث ۱۷۶۹».
  ۳. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۱۲۰.
  - تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۸۳ - ۱۸۴، حدیث ۱ و ۴.
  - تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۶۹، حدیث ۴۰۷ «حدیث ۱۷۵۱».

أَشْهَدُ أَنَّكَ جُنُبُ اللَّهِ وَبَابُهُ، وَأَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ وَوَجْهُهُ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ، وَأَنَّكَ سَبِيلُ اللَّهِ...  
این زیارت شریف و نورانی را صفوان جمال از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل نموده و در مفاتیح الجنان تحت عنوان زیارت ششم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام آمده است «بخش مربوط به زیارات مطلقه آن حضرت» که خدمت آن بزرگوار عرض می کنیم.

أَنَّكَ سَبِيلُ اللَّهِ، یعنی:

به درستی که شما «حضرت علی علیه السلام» سَبِيلُ اللَّهِ «راه خدا» می باشید.

۳. خداوند متعال در آیه ۹۴ سوره نحل می فرماید:

وَلَا تَتَّخِذُوا إِيمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ، فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا، وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ، وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ، یعنی:

سوگندهایتان را وسیله نیرگ و فریب قرار ندهید «سوگند دروغ نخورید» و عهد و پیمان های خود را نشکنید «عهد و پیمانی که با خداوند متعال و با مردم بسته اند» که این کار شما باعث می شود:

قدم های مردم بلغزد «مردم منحرف شوند»، زیرا:

شما باعث لغزش آنها شده اید و صدّ عن سبیل الله نموده اید،

یعنی مردم را از راه خدا مانع شده اید، و به همین خاطر عذاب خدا را خواهید چشید و عذاب عظیم و بزرگی در انتظار شما است.

ذیل این آیه شریفه توضیحات لازم ارائه شده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که آن ذوات مقدسه فرموده اند:

مقصود از سبیل الله در این آیه شریفه «آیه ۹۴ سوره نحل» وجود مقدس مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.

۴. خداوند متعال در اولین آیه سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم

می فرماید:

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ، یعنی:

کسانی که کافر شده و **صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ** می‌کنند، یعنی مردم را از راه خدا باز می‌دارند «بازداشتند» خداوند متعال اعمال آن‌ها را نابود و تباه می‌کند «ضلالت اعمال یعنی حَبْط شدن اعمال».

ذیل این آیه شریفه توضیحات لازم ارائه شده است.  
وجود مقدّس امام باقر و امام صادق علیهما السّلام فرمودند:  
منظور از سبیل‌الله در این آیه شریفه «آیه اوّل سوره مبارکه محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم» امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می‌باشد.<sup>۱</sup>  
بنابراین:

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام مصداق اتمّ و اکمل سبیل‌الله می‌باشند، لذا:

**الف)** هر کس ولایت و امامت آن ذوات مقدّسه را نپذیرد و مانع شود که دیگران نیز به آن ذوات مقدّسه ایمان بیاورند **صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ** نموده «مردم را از راه خدا باز داشته»، ضمن اینکه خودش نیز از راه خدا اعراض نموده و راه کُفر و شرک و نفاق را پیموده، و خداوند متعال در آیات متعدّدی از جمله در آیه اوّل سوره مبارکه محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم و آیات دیگر این سوره مبارکه اعلام فرموده که اعمال اینگونه افراد **حَبْط** شده و عذاب جهنّم در انتظار آن‌ها می‌باشد، و در آیه ۹۴ سوره نحل نیز اینگونه افراد را به عذاب عظیم تهدید نموده است.

شدّت عذاب مُنکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام به حدّی است که خداوند متعال آن را عظیم بیان می‌فرماید:

**ب)** هر کس در راه ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام کشته شود «به شهادت برسد» و یا حتّی در راه ولایت و امامت آن بزرگواران به مرگ طبیعی از دنیا برود مغفرت خداوند متعال و رحمت واسعه حق تعالی نصیب او خواهد شد، زیرا:  
آن بزرگواران مصداق اتمّ و اکمل سبیل‌الله می‌باشند و همانطور که در حدیث ۱ ملاحظه فرمودید:

۱. تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۳۴۷، حدیث ۶ «ذیل آیه اوّل سوره مبارکه محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم».

هر کس در راه ولایت و امامت آن ذوات مقدسه کشته شود در راه خدا کشته شده است،

و هر کس در راه ولایت آن بزرگواران بمیرد در راه خدا مرده است. در این رابطه به یک حدیث دیگر که از وجود مبارک نبی مکرم اسلام صادر شده اشاره می‌شود:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُورًا،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِبًا،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِنًا مُسْتَكْمِلَ الْإِيمَانِ،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بَشَرَهُ مَلَكَ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ ثُمَّ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ يَرْفُ إِلَى الْجَنَّةِ كَمَا تَرْفُ الْعُرُوسُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فُتِحَ لَهُ فِي قَبْرِهِ بَابٌ إِلَى الْجَنَّةِ،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ جَعَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ مَزَارَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِرًا،  
 أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشُمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

هر کس با حُب آل محمد علیهم السلام از دنیا برود «به مرگ طبیعی بمیرد» شهید از دنیا رفته است «هر کس به مرگ طبیعی بمیرد، در حالی که آل محمد علیهم السلام را دوست می‌داشته و محبت آنها را در دل داشته این شخص شهید از دنیا رفته است»،

ای مردم:

بدانید و آگاه باشید:

هر کس با حُب آل محمد علیهم السلام از دنیا برود «به مرگ طبیعی بمیرد»، آمرزیده شده از دنیا رفته است،

بدانید و آگاه باشید:

هر کس با محبت آل محمد علیهم السلام از دنیا برود تائب از دنیا رفته است «با توبه از دنیا رفته است»

بدانید و آگاه باشید:

هر کس با حُب آل محمد علیهم السلام از دنیا برود مؤمن کامل الایمان «مؤمن با ایمان کامل» از دنیا رفته است،

بدانید و آگاه باشید:

هر کس با محبت آل محمد علیهم السلام از دنیا برود ملک الموت «فرشته مأمور مرگ» او را به بهشت بشارت می دهد، و سپس نکیر و منکر «دو فرشته مأمور سؤال در قبر» او را به بهشت مزده می دهند،

بدانید و آگاه باشید:

هر کس با محبت آل محمد علیهم السلام از دنیا برود «بمیرد» ملائکه الهی او را با احترام به بهشت می برند آنچنان که عروس به خانه داماد برده می شود،

بدانید و آگاه باشید:

هر کس با حُب آل محمد علیهم السلام از دنیا برود از قبر او دو درب به بهشت گشوده می شود «یعنی قبر او می شود بهشت»

بدانید و آگاه باشید:

هر کس با محبت آل محمد علیهم السلام از دنیا برود خداوند متعال قبر او را زیارتگاه ملائکه رحمت خویش قرار می دهد،

بدانید و آگاه باشید:

هر کس با بغض و عداوت آل محمد علیهم السلام از دنیا برود روز قیامت در حالی وارد صحرای محشر می شود که در پیشانی او نوشته شده که این شخص از رحمت خداوند متعال محروم می باشد،

بدانید و آگاه باشید:

هر کس با بغض و دشمنی آل محمد علیهم السلام از دنیا برود کافر از دنیا رفته است «اگر کسی از دنیا برود در حالی که دشمن آل محمد علیهم السلام بوده و

بغض آن‌ها را در دل داشته چنین شخصی کافر از دنیا رفته است»،  
بدانید و آگاه باشید:

هر کس با بغض و عداوت آل محمد علیهم السلام از دنیا برود بوی بهشت را  
استشمام نخواهد کرد «استشمام نکردن بوی بهشت کنایه از این است که چنین  
افرادی هرگز به بهشت وارد نخواهند شد و برای همیشه از ورود به بهشت محروم  
می‌باشند».

حُبّ و محبّت = ۱. دوست داشتن، علاقه داشتن؛ ۲. دوستی، علاقه؛

بُغْض = دشمنی، عداوت، کینه؛

شَمّ = بوئیدن، بو کردن؛

رائحه = بو؛

مَوْت = مرگ، مُردن؛

این حدیث شریف را بسیاری از علمای اهل سنت نیز نقل کرده‌اند، از قبیل:  
تفسیر کشاف، زمخشری؛

تفسیر قرطبی، محمد بن احمد الانصاری القرطبی؛

تفسیر مفاتیح الغیب، فخر رازی؛

تفسیر ثعلبی، و...<sup>۱</sup>

ملاحظه فرمودید که:

هر کس در راه امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام کشته شود در راه  
خدا «فی سبیل الله» کشته شده است،

و هر کس در راه امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام بمیرد «به مرگ  
طبیعی از دنیا برود» در راه خدا مرده است، لذا:

اینگونه افراد چون در راه خداوند متعال به شهادت رسیده و یا مرده‌اند مشمول  
مغفرت و رحمت خداوند متعال خواهند شد.

همچنین:

هر کس بمیرد «به مرگ طبیعی از دنیا برود» در حالی که محبّت آل محمد

۱. تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۴۳۶ تا ۴۳۸ «ذیل آیه ۲۳ سوره شوری».



علیهم السّلام را در دل داشته چنین شخصی شهید از دنیا رفته است.  
لازم به توضیح است که:

گرچه محبّت و موذّت امری باطنی و قلبی است لیکن این محبّت و موذّت قلبی و باطنی علائم و نشانه‌هایی دارد، و علامت محبّت و موذّت به آل محمّد علیهم السّلام اطاعت محض و بی قید و شرط از آن ذوات مقدّسه می‌باشد، و علامت دیگر آن است که:

ما به عنوان محبّین و ارادتمندان ائمه معصومین علیهم السّلام باید با دوستان و محبّین آن بزرگواران دوست باشیم و با دشمنان آن بزرگواران دشمن و این را عملاً باید نشان دهیم، یعنی: حشر و نشر ما، وصلت ما، نفع‌رسانی ما... حتّی المقدور باید با ولایت‌مدارترین افراد باشد، نه اینکه در ادّعا و حرف ولایی باشیم و هنگام خواندن زیارت عاشورا جملات سلّم لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَ حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، وَلِئِي لِمَنْ وَالَاكُمْ، وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ را با سوز و گداز هر چه بیشتر بر زبان جاری کنیم، لیکن به محض تمام شدن زیارت عاشورا و خروج از حسینیه یا مسجد با هر کس و ناکسی ارتباط داشته باشیم و خیر ما به آن‌ها برسد حال چه با ولایت باشند و چه بی ولایت.

بنابراین:

مُحِبٌّ واقعی اهل بیت پیامبر اکرم کسی است که عملاً محبّت خویش را نشان دهد و به الفاظ و کلمات بسنده نکند،

یعنی هر چه در توان دارد در جهت خدمت به ترویج معارف آن ذوات مقدّسه به کار بندد و بیشترین خدمت خویش و بلکه همه خدمت خویش را به ولایت‌مدارترین بندگان خدا اختصاص دهد تا مشمول فرمایش پیامبر اکرم شده و شهید از دنیا برود، و خلاصه کلام اینکه:

ادّعی ولایت و دوستی به ائمه معصومین علیهم السّلام چنانچه به عمل منجر نشود و این محبّت قلبی عملاً نشان داده نشود حداقل نفع و فایده را برای صاحب آن خواهد داشت، مگر اینکه واقعاً قادر به انجام هیچ کاری نباشد.

### آیه ۱۶۲ و ۱۶۳ سوره آل عمران:

«أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» آیه ۱۶۲.  
 «هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ، وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ» آیه ۱۶۳.

#### ترجمه:

آیا کسی که در طریق رضایت و خشنودی خداوند متعال گام برمی دارد «آیا کسی که خشنودی و رضایت خداوند متعال را پیروی می کند»، مانند کسی است که مشمول خشم الهی بوده و جایگاهش جهنم است، و جهنم چه جایگاه بدی است. آیه ۱۶۲.

هر یک از آن‌ها در پیشگاه خداوند متعال درجات مختلفی دارند، و خداوند متعال به اعمال آن‌ها بینا است.<sup>۱</sup>

#### شرح لغات و توضیحات:

رِضْوَان = خشنودی فراوان؛

چون بزرگ‌ترین خشنودی رضایت خداوند متعال می باشد، به همین جهت کلمه رضوان در قرآن کریم به خداوند متعال اختصاص یافته است.

سَخَطٌ = خشم و غضب شدید؛

سَخَطٌ درباره خداوند متعال یعنی اراده کردن عقاب درباره کسانی که مستحق عقاب هستند «عقاب = جزای گناه، عذاب»؛

مَصِيرٌ = جایگاه، محلّ بازگشت، سرانجام کار، فرجام و پایان کار؛

درجه = رتبه؛ مقام «جمع درجه می شود درجات».

درجه معمولاً به پله‌هایی گفته می شود که انسان به وسیله آن به نقطه مرتفعی صعود می کند، اما پله‌هایی که برای پائین رفتن و به گودال رفتن استفاده می شود دَرَك گفته می شود، بنابراین:

۱. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۳۱۹.

المیزان، جلد هفتم، صفحه ۹۵.

دَرْك مانند دَرْج است، با این تفاوت که دَرْج «درجه» برای بالا رفتن و صعود کردن و دَرْك برای پائین رفتن به کار می‌رود، به همین جهت مراتب بهشت را دَرْجَات و مراتب جهنّم را دَرْكَات می‌گویند.<sup>۱</sup>

### شأن نزول آیات شریفه:

در آیات قبل که مورد بحث واقع شد «آیات ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۷ و ۱۵۸ سوره آل عمران» مطالبی راجع به جنگ اُحُد به عرض رسید.  
این دو آیه شریفه «آیه ۱۶۲ و ۱۶۳ سوره آل عمران» نیز در ارتباط با غزوه اُحُد می‌باشد، یعنی:

وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمان حرکت به سوی اُحُد را صادر فرمودند «به منظور جنگ با مشرکین قریش»، جمعی از منافقین «کسانی که ظاهراً مسلمان بودند لیکن به خدا و رسول ایمان نداشتند، یا اینکه ایمان آن‌ها بسیار ضعیف بود» به بهانه اینکه یقین به وقوع جنگ ندارند از رفتن به سوی اُحُد خودداری نمودند، و بعضی از مسلمانان راحت‌طلب و سست‌ایمان نیز از آن‌ها تبعیت کرده و از حضور در میدان جنگ خودداری نمودند.

به دنبال این قضایا بود که خداوند متعال آیات ۱۶۲ و ۱۶۳ سوره آل عمران را نازل نموده و فرمودند:

أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ = در معنی این قسمت از آیه شریفه توسط مفسّرین محترم سه قول بیان شده که هر سه آن‌ها می‌تواند صحیح باشد زیرا در یک راستا بوده و منافاتی با هم ندارند.

بنابراین، معنی این قسمت از آیه شریفه این است که:

۱. آیا کسی که با اطاعت از اوامر و دستورات خداوند متعال موجبات رضایت حق تعالی را فراهم می‌کند مانند کسی است که با انجام دادن گناه باعث خشم

۱. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۳۲۳.

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۲۰۱.

مفردات راغب.

خداوند متعال می شود و خشم و غضب خداوند متعال را بر خود فرود می آورد.

۲. آیا کسی که با ترک کردن خیانت «خیانت نکردن به خدا و رسول» رضایت خداوند متعال را جلب می کند مانند کسی است که با خیانت کردن و عمل خیانتکارانه خویش باعث خشم و غضب خداوند متعال می شود.

۳. آیا کسی که با جهاد در راه خدا موجبات جلب رضایت خداوند متعال را فراهم می کند مثل کسی است که با فرار از جهاد باعث خشم خداوند متعال شده و مشمول خشم الهی می شود.

این آیه شریفه به صورت استفهام تقریری است، یعنی:

ظاهر جمله حالت استفهام و سؤال دارد، لیکن:

مراد و منظور آن سؤال کردن نیست بلکه اقرار گرفتن و اثبات موضوع مورد

بحث می باشد، یعنی:

آیه شریفه می خواهد این مطلب را به همه انسانها تفهیم نماید که:

تابعان رضای الهی و به خشم آورندگان خداوند متعال هرگز یکسان نمی باشند،

یعنی:

کسانی که با اطاعت از اوامر و دستورات خداوند متعال باعث رضایت و خشنودی خداوند متعال می شوند هرگز مانند کسانی نیستند که مرتکب گناه شده و باعث خشم خداوند متعال می شوند.

ادامه آیه شریفه در رابطه با سرنوشت گنهکاران و به خشم آورندگان خداوند

متعال بوده و آمده که:

وَمَا أُولَئِكَ إِلَّا فِي حَقْبَةٍ وَأُولَئِكَ فِي عَذَابٍ مُّتَسَاوِينَ

و بد سرنوشتی است، یعنی:

کسانی که مرتکب گناه شده و مشمول خشم و غضب خداوند متعال می شوند

جایگاه و قرارگاه آنها جهنم است و جهنم جایگاه بسیار بدی است.

خداوند متعال در آیه بعد «آیه ۱۶۳ سوره آل عمران» می فرماید:

هُم دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ = هر یک از آنان در پیشگاه خداوند متعال درجه و مقامی دارند،  
یعنی:

کسانی که رضایت خداوند متعال را جلب نموده‌اند و کسانی که باعث خشم و غضب خداوند متعال شده‌اند در پیشگاه خداوند متعال درجه و مقام متفاوتی دارند،  
یعنی:

جلب‌کنندگان رضایت خداوند متعال مقرب درگاه الهی بوده و جایگاه آن‌ها بهشت است،

و به خشم‌آورندگان خداوند متعال مطرود درگاه الهی بوده و جایگاه آن‌ها جهنم می‌باشد.

قابل ذکر است که:

افراد این دو طایفه نیز درجات یکسانی ندارند، یعنی:

هر قدر میزان فداکاری و اخلاص و عمل صالح مؤمنین بیشتر باشد درجات بالاتری در بهشت دارند، همچنین:

هر قدر میزان نفاق و دشمنی و گناه گنهکاران بیشتر باشد عذاب سخت‌تری در جهنم دارند.

قبلاً در بخش مربوط به شرح لغات و توضیحات به عرض رسید که اصطلاح دَرَجَات برای بهشت به کار برده می‌شود و اصطلاح دَرَكَات برای جهنم، لیکن در این آیه شریفه «آیه ۱۶۳ سوره آل عمران» چون سخن از هر دو طایفه بوده لذا جانب طایفه مؤمنین و اهل بهشت گرفته شده و تعبیر به درجه شده است که به این طرز بیان در اصطلاح ادبی تغلیب گفته می‌شود.

در حدیثی که از وجود مقدس امام رضا علیه‌السلام صادر شده آمده است که:

هر درجه‌ای به اندازه فاصله میان آسمان و زمین است، و همچنین:

در حدیث دیگری آمده که:

اهل بهشت بهشتیانی را که در درجات بالاتری قرار دارند آنچنان می‌بینند که

ستاره‌ای در آسمان دیده می‌شود، بنابراین:

مراد از دَرَجَات و دَرَكَات مختلف این دو طایفه این است که:

اهل ثواب و اهل عقاب «اهل بهشت و اهل جهنم» درجات و درکاتی دارند، یعنی: برای اهل بهشت نعمات جاوید بهشتی و مقامات پراچ معنوی است، و برای اهل جهنم عذاب و عقاب و خفت و خواری، ضمن اینکه درجات اهل بهشت با یکدیگر تفاوت دارد همچنان که درکات اهل جهنم با یکدیگر متفاوت می‌باشد.

در انتهای آیه شریفه خداوند متعال می‌فرماید:

وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ = خداوند متعال به اعمال آن‌ها بینا و آگاه است.

این قسمت از آیه شریفه ترغیب و تشویق همه مردم است در پیروی از موارد خشنودی و رضایت خداوند متعال و بر حذر داشتن آن‌ها از موجبات سَخَطُ خداوند متعال.

در واقع این قسمت از آیه شریفه به همه انسان‌ها اعلام می‌فرماید که خداوند متعال بر آسرار همه شما آگاه است و چیزی بر خداوند متعال پنهان نیست، لذا: گمان نکنید که ذره‌ای از خیر و شر در نزد خدا پنهان خواهد ماند تا در نتیجه این ظَنّ و گمان غلط در پیروی طریق رضایت خدا و یا دوری جستن از خشم و غضب او تسامح بورزید.<sup>۱</sup>

### توضیح:

ملاحظه فرمودید که در آیه ۱۶۲ سوره آل عمران خداوند متعال فرمودند: آیا کسی که در طریق رضایت و خشنودی خداوند متعال گام بر می‌دارد «از راه اطاعت اوامر خداوند متعال» مانند کسی است که مشمول خشم و غضب الهی است.

اینکه چه افرادی در طریق رضایت و خشنودی خداوند متعال گام برمی‌دارند و مصداق اتمّ و اکمل این افراد چه کسانی می‌باشند انشاءالله تعالی در بخش حدیث

۱. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۳۲۳ تا ۳۲۵.

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۲۰۰ تا ۲۰۲.

المیزان، جلد هفتم، صفحه ۱۰۰.

بیان خواهد شد.

همچنین ملاحظه فرمودید که:

مؤمنین در بهشت درجاتی دارند و غیرمؤمنین «اعم از کفار و مشرکین و منافقین و منکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام» در جهنم درکاتی: اینک که چه عاملی باعث افزایش درجه و مقام مؤمنین می شود انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.

### حدیث:

۱. عمّار سبابی می گوید:

از محضر مبارک امام صادق علیه السلام درباره این دو آیه شریفه «آیه ۱۶۲ و ۱۶۳ سوره آل عمران» سؤال کردم.

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

الَّذِينَ اتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ هُمُ الْأَيْمَةُ، یعنی: کسانی که در طریق رضایت و خشنودی خداوند متعال گام برمی دارند ائمه معصومین علیهم السلام می باشند.

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش عمّار سبابی را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

وَهُمْ وَاللَّهِ يَا عَمَّارُ دَرَجَاتٌ لِلْمُؤْمِنِينَ،

ای عمّار:

به خدا قسم:

هم ایشان «ائمه علیهم السلام» درجات اهل ایمان هستند «یعنی: ائمه معصومین علیهم السلام میزان و ملاک درجه و مقام اهل ایمان و اهل بهشت می باشند».

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام در پایان فرمایش خویش فرمودند:

وَبِمُؤَلِّاتِهِمْ وَمَعْرِفَتِهِمْ إِنَّا نِيضَاعِفُ اللَّهُ لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَيَرْفَعُ اللَّهُ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى، یعنی:

ای عمّار:

خداوند متعال مؤمنین را به خاطر ولایت ما و به خاطر معرفت و شناخت آنها به ما «یعنی ائمه معصومین علیهم السلام» اعمالشان را مضاعف می کند «چند برابر

می‌کند»، و درجات آن‌ها را بالا می‌برد «درجه و مقام آن‌ها را در بهشت افزایش می‌دهد».<sup>۱</sup>

۲. عمّار بن مروان می‌گوید:

از وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام درباره آیه ۱۶۲ و ۱۶۳ سوره آل عمران سؤال کردم.

وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

کسانی که رضایت و خشنودی خداوند متعال را برگزیدند ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشند.

امام صادق علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

به خدا قسم:

ائمه معصومین علیهم‌السلام نزد خداوند متعال درجاتی هستند برای مؤمنین «ائمه معصومین علیهم‌السلام درجات مؤمنین هستند».

امام صادق علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

خداوند متعال به دلیل موالات مؤمنین با ما «پذیرش ولایت ما و محبت داشتن به ما» و معرفت و شناخت آن‌ها به ما اعمال، آن‌ها را چند برابر کرده و آن‌ها را به درجات عالی می‌رساند.

امام صادق علیه‌السلام در پایان فرمایش خویش فرمودند:

ای عمّار:

به خدا قسم:

منظور از كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَاوَاهُ جَهَنَّمَ وَ بَسَّ الْمَصِيرُ «کسانی که مشمول خشم و غضب الهی شده و گرفتار آتش جهنم شده‌اند» کسانی هستند که: حَقَّ امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و حَقَّ ما ائمه اهل بیت را انکار

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۰۶، حدیث ۸۴ «حدیث ۱۱۶۳».

تفسیرصافی، جلد دوم، صفحه ۱۲۳ - ۱۲۴.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۹۱، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۷۵، حدیث ۴۲۲ «حدیث ۱۷۶۵».



نموده «امامت ائمه معصومین علیهم السّلام را انکار کرده» و خشم و غضب خداوند متعال را برای خود خریدند «خودشان را دچار خشم و غضب الهی نمودند»<sup>۱</sup>.

### توضیح:

طبق این دو حدیث شریف و نورانی که از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل شد:

(الف) وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم السّلام کسانی هستند که در طریق رضایت خداوند متعال گام برداشته‌اند، یعنی:  
این بزرگواران مصداق اتمّ و اکمل تبعیت‌کنندگان و پیروی‌کنندگان رضایت خداوند متعال می‌باشند، و به همین لحاظ است که:  
این ذوات مقدّسه «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» مقربّ‌ترین مخلوقات الهی در پیشگاه خداوند متعال می‌باشند.

(ب) وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم السّلام معیار و مقیاس درجه و مقام مؤمنین در بهشت می‌باشند؛ یعنی:  
هر قدر ولایت‌پذیری مؤمنین بیشتر باشد،  
هر قدر مودّت و محبّت مؤمنین به ائمه معصومین علیهم السّلام بیشتر باشد،  
و هر قدر معرفت و شناخت مؤمنین نسبت به ائمه معصومین علیهم السّلام بیشتر باشد «هر قدر معرفت مؤمنین نسبت به مقام و منزلت ائمه معصومین علیهم السّلام بیشتر باشد»<sup>۲</sup>.

خداوند متعال به همان مقدار اعمال صالح آن‌ها را چند برابر می‌کند و به همان اندازه درجه و مقام آن‌ها را بالاتر می‌برد.

۱. المیزان، جلد هفتم، صفحه ۱۲۱ - ۱۲۲ «بحث روایتی ذیل آیه ۱۷۲ تا ۱۷۵ سوره آل عمران».

تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۱۲۳ - ۱۲۴.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۹۱، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۷۵، حدیث ۴۲۰ «حدیث ۱۷۶۳».

ج) مُنکرین امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام روز قیامت گرفتار خشم و غضب خداوند متعال خواهند شد و جایگاه آن‌ها جهنّم می‌باشد.  
 قبلاً نیز کراراً به عرض رسیده که:  
 مقصود از مؤمنین کسانی هستند که دارای ایمان کامل باشند، یعنی:  
 خداوند متعال را به یگانگی بشناسند،  
 به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم ایمان داشته باشند،  
 ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام را پذیرفته باشند،  
 همچنین به روز جزا و روز قیامت معتقد باشند، و این ویژگی‌ها را فقط شیعیان  
 اثنی عَشَری «شیعیان دوازده امامی» دارا می‌باشند،  
 لذا مقصود از مؤمن و مؤمنین در احادیث و روایات، شیعیان اثنی عَشَری هستند  
 و همه وعده‌هایی که از جانب خداوند متعال به مؤمنین داده شده شامل حال این  
 طایفه می‌شود و لاغیر.

## آیه ۱۶۹، ۱۷۰ و ۱۷۱ سوره آل عمران:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» آیه ۱۶۹.  
 «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» آیه ۱۷۰.  
 «يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ» آیه ۱۷۱.

## ترجمه:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:  
 ای پیامبر:

کسانی را که در راه خداوند متعال کشته شده‌اند مرده مپندار، بلکه آن‌ها زنده هستند و نزد پروردگار خویش روزی می خورند «روزی داده می شوند» آیه ۱۶۹.  
 آن‌ها «کشته شدگان در راه خدا» به نعمت‌های فراوانی که خداوند متعال از فضل خویش به آن‌ها بخشیده خوشحال و مسرور می باشند، و به آینده «پس از مرگ» کسانی که هنوز به آن‌ها ملحق نشده‌اند «شهادی آینده، کسانی که بعداً شهید خواهند شد» شادمانی می کنند که به آن‌ها نه ترسی خواهد بود و نه حزن و اندوهی «آیه ۱۷۰».

آن‌ها از نعمت و فضل خداوند متعال خوشحال هستند و می بینند که خداوند متعال پاداش مؤمنین را ضایع نمی کند «آیه ۱۷۱»<sup>۱</sup>.

## شرح لغات و توضیحات:

حَسِبَ = گمان کرد، پنداشت؛

مصدر حَسِبَ، حَسِبَانٌ می باشد و حَسِبَانٌ یعنی ظَنٌّ و گمان.

قتل فی سبیل الله = کشته شدن در راه خدا - به کشته شدن در راه خدا گفته می شود

شهادت، و به کسی که در راه خدا کشته شده گفته می شود شهید.

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۳۳۴.

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۲۱۸.

مَوْت = مرگ، مُردن؛

مَيِّت = مُرده «جمع مَيِّت می شود اموات یعنی مُرده‌ها»؛

حَيٌّ = زنده «جمع حَيٌّ می شود احیاء یعنی زنده‌ها»؛

رِزْقٌ = روزی، عطا و بخشش دائمی «خواه دنیوی باشد خواه اُخروی»؛

رَازِقٌ = روزی‌دهنده؛

فَرَحٌ = شادی، انبساط خاطر؛

اِيتَاءٌ = دادن، بخشیدن، عطا کردن؛

فَضْلٌ = هر احسان و بخششی که بر مُعطی «اعطاکننده» لازم نباشد فَضْل نامیده

می‌شود، یعنی:

اگر شخصی چیزی را به دیگری اعطا کند و ببخشد در حالی که این احسان و بخشش بر او لازم نبوده به این احسان و بخشش فَضْل گفته می‌شود.

بِشَارَتٍ، بُشْرَى = خبر خشنودکننده و مسرّت بخش؛

خَلْفٌ = پُشت، عَقَب، بعد، سپس؛

خَوْفٌ = ترس؛

حُزْنٌ = غم، اندوه؛<sup>۱</sup>

ذیل آیات ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۷ و ۱۵۸ سوره آل عمران به عرض رسید که:

غزوه بدر در سال دوّم هجری به وقوع پیوست و طیّ آن چهارده نفر از مسلمین به شهادت رسیدند «شش نفر از مهاجرین و هشت نفر از انصار».

و غزوه اُحد در سال سوّم به وقوع پیوست و طیّ آن هفتاد نفر از مسلمین به شهادت رسیدند «چهار نفر از مهاجرین و بقیّه از انصار».

همانگونه که ذیل این آیات شریفه به عرض رسید پس از شهادت تعدادی از سربازان اسلام در جنگ بدر و اُحد «مخصوصاً پس از جنگ اُحد» جمعی از مسلمانان سُست‌ایمان کنار یکدیگر نشستند و به دوستان و اقوام خویش که در این دو جنگ به شهادت رسیده بودند تأسف می‌خوردند که چرا آن‌ها مردند و نابود شدند، و با خویش می‌گفتند اگر این دوستان و برادران ما در صف مجاهدان قرار

۱. مفردات راغب.

نمی گرفتند و نزد ما می ماندند نمی مردند و از بین نمی رفتند.  
این مسلمانان سُست ایمان مخصوصاً هنگامی که به نعمتی می رسیدند و جای  
دوستان و اقوام خویش را که در این دو جنگ به شهادت رسیده بودند خالی  
می دیدند بیشتر تأسف خورده و اظهار می کردند ما اینچنین در ناز و نعمت هستیم  
لیکن برادران و فرزندان ما کشته شدند و از بین رفتند و دستشان از نعمات دنیوی  
کوتاه شد.

این سخنان یاهو و بیهوده ضمن اینکه با مبانی اسلام سازگاری نداشت در تضعیف  
روحیه بازماندگان نیز بی تأثیر نبود.

پس از این قضایا بود که آیات ۱۶۹، ۱۷۰ و ۱۷۱ سوره آل عمران را خداوند متعال  
نازل فرموده و طی آن به مطالب بیهوده‌ای که عده‌ای سُست ایمان مطرح می نمودند  
خطّ بطلان کشیده و مقام شامخ شهدا را برای همه مردم تبیین فرمودند.  
خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۱۶۹ سوره آل عمران» پیامبر اکرم را مورد  
خطاب قرار داده و می فرماید:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا = گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته  
شدند مرده‌اند.

گرچه خطاب آیه شریفه متوجّه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و  
سَلَّم می باشد لیکن این آیه شریفه می خواهد بفرماید که ای انسان:

گمان مبر و خیال نکن که کسانی که در راه خدا و در راه نصرت دین خدا کشته  
می شوند می میرند و نابود می شوند و از بین می روند،

بَلْ = بلکه؛

أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ = آن‌ها زنده هستند و نزد پروردگار خویش روزی داده  
می شوند.

بنابراین:

معنی آیه شریفه تا این جا این شد که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم و در واقع به همه انسان‌ها می فرماید که گمان نکنید  
که کسانی که در راه خدا «فی سبیل الله» و در رکاب پیامبر اکرم و در راه یاری و

نصرت دین خدا «اسلام» کشته می شوند می میرند و از بین می روند و فانی می شوند، بلکه این کشته شدگان در راه خدا و رسول زنده هستند و نزد خداوند متعال روزی می خورند.

برای عِنْدَ رَبِّهِمْ دو وجه قائل شده اند که هر دو آن ها می تواند صحیح باشد:

۱. مقصود از عِنْدَ رَبِّهِمْ می تواند این باشد که:

کشته شدگان در راه خدا «شهدا» در مقامی قرار دارند که هیچ کس جز خداوند متعال نفع و ضرر آن ها را به دست ندارد.

بدیهی است مقصود از عِنْدَ رَبِّهِمْ «نزد خدای خودشان هستند» نزدیکی و قُرب مکانی نیست زیرا خداوند متعال جسم نیست که در مکانی خاص استقرار داشته باشد بلکه مقصود نزدیکی و قُرب مقامی است.

۲. چون خداوند متعال از زنده بودن و حیات شهدا اطلاع دارد و مردم از این

قضیه بی خبر می باشند لذا خداوند متعال درباره شهدا فرموده:

بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ، یعنی:

شهدا زنده در نزد خدا هستند «خداوند متعال از زنده بودن آن ها باخبر است».

قابل ذکر است که:

منظور از حیات و زندگی و روزی خوردن شهدا همان حیات و زندگی برزخی

است، یعنی:

شهدا در بهشت برزخی متنعم به انواع نعمات می باشند و در آخرت نیز ساکن

بهشت موعود خواهند بود و برای همیشه از نعمات جاوید بهشتی «بهشت قیامت»

بهره مند خواهند شد.

به هر حال این آیه شریفه و دو آیه بعد به اوضاع و احوال شهدا اشاره می فرماید

که هم می تواند مربوط به بهشت برزخی باشد و هم مربوط به بهشت قیامت «سرور

و شادمانی شهدا در بهشت برزخی و بهشت قیامت، زیرا شهدا در هر دو آن ها

شادمان و مسرور هستند».

آیه بعد «آیه ۱۷۰ سوره آل عمران» نیز در رابطه با شهدا بوده و به گوشه ای

از نعمات و برکاتی که خداوند متعال به آنها عطا فرموده اشاره می‌فرماید «هم می‌تواند مربوط به بهشت برزخی باشد و هم مربوط به بهشت قیامت، زیرا شهدا در هر دو بهشت متنعم به انواع نعمات الهی می‌باشند».

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ = شهدا به خاطر انواع نعماتی که خداوند متعال از فضل خویش به آنها عطا فرموده خوشحال و مسرور می‌باشند.

شهدا به دو دلیل غرق در شادمانی و سرور می‌باشند:

اولاً به خاطر اینکه خداوند متعال از فضل خویش و با فضل خویش به آنها انواع نعمات را عطا فرموده است.

شاید اشاره به فضل خداوند متعال حاکی از این باشد که خداوند متعال ده‌ها و صدها برابر استحقاق شهدا به آنها نعمت عطا فرموده است، یعنی:

پاداش اعمال شهدا را خداوند متعال با فضل خویش عطا فرموده و این پاداش الهی هزاران مرتبه بیشتر از پاداشی است که شهدا استحقاق آن را دارند،

گرچه آن استحقاق نیز فضل خداوند متعال است زیرا حیات و زندگی را خداوند متعال به انسان داده است، بنابراین اگر خداوند متعال بخواهد از روی عدل پاداش بدهد کسی استحقاق پاداش ندارد، لیکن خداوند متعال با فضل خویش و از فضل خویش به شهدا انواع نعمات را عطا می‌فرماید.

ثانیاً شهدا خوشحال و مسرور هستند از اینکه:

وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ = خوشحال هستند به خاطر کسانی که هنوز به آنها ملحق نشده‌اند، یعنی:

خوشحالی دیگر شهدا به خاطر برادران مؤمن و مجاهد آنها است که هنوز زنده هستند و در راه خدا جهاد می‌کنند، و این خوشحالی و سرور شهدا به این جهت است که می‌دانند اگر برادران مجاهد آنها نیز شهید شوند به آنها خواهند پیوست و از نعمات بیکران الهی بهره‌مند خواهند شد.

بنابراین:

شادمانی و سرور شهدا به این خاطر است که:

۱. خودشان غرق در انواع نعمات الهی هستند،

۲. می دانند برادران مجاهد آن‌ها نیز پس از شهادت به آن‌ها خواهند پیوست و از انواع نعمات بهره‌مند خواهند شد.  
گفته شده که:

به هر شهید پس از شهادتش نامه‌ای داده می‌شود که در آن نامه اسامی افرادی که بعداً به شهادت خواهند رسید درج شده است، و به همین جهت شهدا با دیدن آن خوشحالی و سرور مضاعف پیدا می‌کنند چرا که می‌بینند برادران آن‌ها نیز پس از شهادت از انواع نعمات الهی بهره‌مند خواهند شد و این موضوع خوشحالی و سرور شهدا را چند برابر می‌کند.

در ادامه آیه شریفه آمده است که:

أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ = نه ترسی بر آن‌ها است و نه حزن و اندوهی خواهند داشت، یعنی:

شهدا خوشحال هستند از اینکه برادران آن‌ها که بعداً شهید خواهند شد و به آن‌ها خواهند پیوست پس از شهادت نه ترسی دارند و نه حزن و اندوهی، زیرا خداوند متعال ولی و سرپرست آن‌ها است و به آن‌ها اجر و پاداش عظیم و بیکران خواهد داد.

ترس نداشتن و محزون و اندوهگین نبودن هم برای افرادی است که به شهادت رسیده‌اند و هم برای افرادی است که بعداً به شهادت خواهند رسید، یعنی:

شهدا پس از شهادت نه ترسی دارند و نه حزن و اندوهی.

ممکن است محزون نبودن شهدا اینگونه معنی شود که:

شهدا از اینکه مال و اموال خویش را در دنیا رها کرده و به سرای دیگر رفته‌اند هیچگونه حزن و اندوهی ندارند زیرا به نعماتی رسیده‌اند که قابل وصف نمی‌باشد و به هیچ‌وجه با نعمات دنیوی قابل قیاس نیست.

اینکه در آیه شریفه عنوان شده که شهدا ترس و خوف ندارند ممکن است هر دو معنی را داشته باشد.

۱. شهدا از گناهان گذشته خویش ترس و خوف ندارند زیرا خداوند متعال با فضل و کرم خویش گناهان آن‌ها را با شهادت پاک ساخته است.



۲. شهدا از روز قیامت و حوادث هولناک آن ترس و خوفی ندارند زیرا خداوند متعال با فضل خویش به آنها امنیت می‌بخشد.  
 آیه بعد «آیه ۱۷۱ سوره آل عمران» در حقیقت تأکید و توضیح بیشتری است نسبت به نعماتی که شهدا پس از شهادت خویش از ناحیه خداوند متعال دریافت می‌کنند.

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:  
 یَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَ فَضْلٍ = شهدا از نعمت خداوند متعال و از فضل او شادمان و مسرور می‌باشند و خوشحال هستند از اینکه خداوند متعال پاداش مؤمنین را ضایع نمی‌کند.  
 این قسمت از آیه شریفه مبین این مطلب است که:

کشته‌شدگان در راه خدا «یعنی شهداء» هم از نعمات خداوند متعال خوشحال هستند و هم از فضل خداوند سبحان، و فضل خداوند متعال در واقع تکرار همان نعمات است و افزایش نعمات.  
 در حقیقت فضل و نعمت دو کلمه‌ای هستند که برای معنی واحد تعبیر می‌شوند، یعنی:

فضل همان افزایش نعمت است و تکرار آن، لذا:  
 گفته شده که علت تکرار این دو کلمه در کنار یکدیگر برای تأکید و جاگرفتن معنی است در ذهن انسان، ضمن اینکه مبالغه نیز هست، یعنی:  
 شهدا مسرور و خوشحال هستند از نعمات بیکران الهی که قابل توصیف نمی‌باشد.

قابل ذکر است که:  
 کلمه فضل و نعمت در این آیه شریفه «آیه ۱۷۱ سوره آل عمران» به صورت نکره آمده، و کلمه رزق در آیه ۱۶۹ همین سوره به صورت مبهم ذکر شده و این بدان جهت است که:

ذهن شنونده به هر صورتی که ممکن است و می‌تواند این رزق و فضل و نعمت را معنی و تفسیر نماید، یعنی رزق و فضل و نعمت خداوند متعال که شامل حال

شهدا می شود غیر قابل احصاء و غیر قابل وصف است و حدّ و اندازه ندارد. ضمن اینکه حزن و خوف نیز در آیه ۱۷۰ سوره آل عمران به طور مبهم در سیاق نفی آمده تا دلالت بر عموم نماید، یعنی:

شهدا از هر حزن و خوفی در امان هستند، و به عبارت دیگر شهدا هیچ حزن و خوفی ندارند و در کمال آسایش و آرامش و امنیت می باشند.

در آخرین قسمت این آیه شریفه «آیه ۱۷۱» آمده که:

وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ = شهدا می بینند که خداوند متعال پاداش مؤمنین را ضایع نمی کند، یعنی:

خداوند متعال نه پاداش شهیدان را ضایع می کند، نه پاداش مجاهدینی را که هنوز به شهادت نرسیده اند.

در واقع معنی این قسمت از آیه شریفه این می شود که:

شهیدان می بینند که خداوند متعال اجر و پاداش مؤمنین را ضایع نمی کند و این مطلب را شهدا به یکدیگر بشارت می دهند.

ممکن است این سؤال مطرح شود که:

مؤمنین واقعی و راستین قبل از اینکه به شهادت برسند نیز می دانستند که خداوند متعال اجر و پاداش مؤمنین را ضایع نمی کند، پس تکرار این مطلب چه هدفی را دنبال می کند.

پاسخ این است که:

شهدا این مطلب را پس از شهادت خویش با چشمان خویش دیده و آن را مشاهده می کنند «یعنی به عین الیقین می رسند»، در حالی که در دنیا با استدلال آن را پذیرفته و به آن یقین داشتند «یعنی علم الیقین»، و هرگز استدلال جای مشاهده را نمی گیرد، و فاصله بسیار است از علم الیقین تا عین الیقین.

خلاصه کلام اینکه:

این سه آیه شریفه «آیه ۱۶۹، ۱۷۰ و ۱۷۱ سوره آل عمران» به ما می فهماند که:

کسانی که در راه خدا کشته می شوند «شهدا»:

**الف)** زنده هستند «زنده بودن در بهشت برزخی».

ب) نزد پروردگار خویش روزی می خورند «روزی داده می شوند».

ج) خوشحال و مسرور هستند از انواع نعماتی که خداوند متعال به آنها اعطا فرموده است.

د) اجر و پاداشی که به شهدا داده می شود روزی خوردن آنها نزد خداوند متعال است، و این رزق و روزی همان نعمت و فضل الهی است که به صورت نکره آمده تا عظمت آن را بیان بفرماید.

ه) شهدا از هر حزن و خوفی در امان هستند، یعنی هیچ حزن و خوفی ندارند.<sup>۱</sup>

### توضیح:

انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که: این همه نعمات الهی فقط و فقط شامل شیعیان می شود «شیعیان اثنی عشری» که خداوند متعال به احترام ائمه معصومین علیهم السّلام به شیعیان آن بزرگواران چنین نعمات عظیمی اعطا خواهد فرمود.

نه تنها شهدای شیعه از چنین نعماتی بهره مند می شوند بلکه شیعیانی نیز که به مرگ طبیعی از دنیا می روند شهید از دنیا رفته و به فضل الهی این همه نعمات نصیب آنها خواهد شد، مشروط بر اینکه شیعه واقعی و راستین ائمه معصومین علیهم السّلام باشند نه فقط شیعه اسمی و شناسنامه‌ای، گرچه شیعه بودن در هر حال مایه امیدواری است و با فضل الهی عامل سعادت و نجات انسان می باشد که انشاءالله تعالی در بخش حدیث و توضیحات ذیل احادیث به آن اشاره خواهد شد.

### حدیث:

۱. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام درباره آیه ۱۷۰ سوره آل عمران «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ...» فرمودند:

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۳۳۶ - ۳۳۸ تا ۳۴۱.

المیزان، جلد هفتم، صفحه ۱۰۶ - ۱۰۷.

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۲۱۸ تا ۲۲۲.

هُمَ وَاللَّهِ شِيعَتُنَا حِينَ صَارَتْ أَرْوَاحُهُمْ فِي الْجَنَّةِ وَاسْتَقْبَلُوا الْكِرَامَةَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، عَلِمُوا  
وَاسْتَيْقَنُوا أَنَّهُمْ كَانُوا عَلَى الْحَقِّ وَعَلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَاسْتَبَشَرُوا بِمَنْ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ  
إِخْوَانِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، يَعْنِي:  
به خدا قسم:

این‌ها شیعیان ما هستند که وقتی ارواح آن‌ها در بهشت قرار می‌گیرد و مشمول  
کرامت خداوند متعال می‌شوند می‌فهمند و یقین پیدا می‌کنند که بر حق بوده‌اند و  
بر دین خدا بوده‌اند «به حَقَانِیَّتِ خَویْش عین‌الیقین پیدا می‌کنند و می‌فهمند که دین  
آن‌ها مورد رضایت خداوند متعال بوده است»، و به سرنوشت مؤمنینی که هنوز به  
آن‌ها نپیوسته‌اند «هنوز زنده هستند» شادمان و خوشحال هستند «زیرا پس از مرگ  
به جمع بهشتیان خواهند پیوست».

این حدیث را برید عجلی از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۱</sup>

۲. وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «وَلَا تَحْسَبَنَّ  
الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آیه ۱۶۹ سوره آل عمران)  
فرمودند:

به خدا قسم:

آن‌ها شیعیان ما هستند که وقتی داخل بهشت شده و با کرامت خداوند متعال  
مواجه می‌شوند درباره برادران مؤمن خویش که هنوز به آن‌ها نپیوسته‌اند «هنوز از  
دنیا نرفته‌اند» خوشحال و مسرور می‌شوند زیرا می‌دانند که برای آن‌ها پس از مرگ  
نه خوفی است و نه حزن و اندوهی «کرامت = بخشندگی، بزرگی، بزرگواری».

این حدیث را ابی بصیر از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۱۲۹.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۹۳، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۸۳، حدیث ۴۳۵ «حدیث ۱۷۷۸».

۲. تفسیر قمی، جلد اول، صفحه ۳۵۲.

تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۹۳، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۸۱، حدیث ۴۳۴ «حدیث ۱۷۷۷».

۳. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام درباره آیه ۱۶۹، ۱۷۰ و ۱۷۱ سوره آل عمران فرمودند:

به خدا قسم:

شیعیان ما آن هنگام که روحشان در بهشت به پرواز درمی‌آید و مشمول لطف و کرامت خداوند متعال قرار می‌گیرند یقین پیدا می‌کنند که بر حق بوده‌اند و دینشان دین الهی بوده است، و این جا است که نسبت به برادران مؤمن خویش که هنوز به آن‌ها نپیوسته‌اند خوشحال و شادمان می‌شوند «که اگر بمیرند وارد بهشت خواهند شد و انواع نعمات الهی نصیبشان خواهد شد و هرگز خوف و حزنی نخواهند داشت»<sup>۱</sup>.

### توضیح:

طبق این سه حدیث نورانی و شریف که ملاحظه فرمودید:  
الف) مصداق این سه آیه شریفه «آیه ۱۶۹، ۱۷۰ و ۱۷۱ سوره آل عمران» شیعیان اثنی عشری هستند و لاغیر.

قبلاً به عرض رسیده که «ذیل آیات ۸۱، ۲۵۳ و ۲۵۷ سوره بقره»:  
مُنکَرین ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام کافر هستند گرچه ظاهراً مسلمان باشند و شهادتین را بر زبان خویش جاری نمایند زیرا اسلام با گفتن شهادتین محقق می‌شود ولو اینکه گوینده شهادتین اعتقاد قلبی به گفته خویش نداشته باشند، بنابراین:

مُنکَرین ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام حقیقتاً کافر می‌باشند گرچه ظاهراً مسلمان باشند «در این صورت احکام اسلام بر آن‌ها جاری است، زیرا ظاهراً مسلمان هستند و شهادتین را بر زبان خویش جاری نموده‌اند».

بنابراین بهشت جای کسانی است که دارای ایمان کامل باشند، یعنی:  
به یگانگی خداوند متعال و رسالت نبی مکرم اسلام و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام ایمان داشته باشند.

۱. المیزان، جلد هفتم، صفحه ۱۲۳ «بحث روایتی ذیل آیه ۱۷۲ تا ۱۷۵ سوره آل عمران».

همانطور که ذیل این آیات شریفه به عرض رسید این آیات شریفه «آیات ۱۶۹، ۱۷۰ و ۱۷۱ سوره آل عمران» مربوط به شهادای بدر و اُحد «مخصوصاً اُحد» می‌باشند لیکن کلّیه مسلمانانی که در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و در رکاب آن حضرت با کفّار و مشرکین جنگیده و به شهادت رسیدند مشمول این آیات شریفه خواهند بود.

بنابراین:

کلّیه افرادی که در رکاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمه معصومین علیهم السّلام با مخالفین آن ذوات مقدّسه جنگ نموده و به شهادت برسند مشمول آیات ۱۶۹، ۱۷۰ و ۱۷۱ سوره آل عمران خواهند بود.

کسانی هم که معتقد به ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام باشند و به مرگ طبیعی از دنیا بروند مشمول این آیات شریفه خواهند بود که انشاء الله تعالی در احادیث بعد به آن‌ها اشاره خواهد شد.

(ب) در این سه حدیث شریف ملاحظه فرمودید که:

وقتی شیعیان ائمه معصومین علیهم السّلام «شیعیان اثنی عشری» در بهشت استقرار پیدا می‌کنند یقین پیدا می‌کنند که آن‌ها بر حق بوده‌اند و دین آن‌ها دین الهی بوده و مورد رضایت خداوند متعال بوده است.

شیعیان ائمه معصومین علیهم السّلام در زمان حیات خویش نیز یقین داشتند و می‌دانستند که بر حق می‌باشند، زیرا پیامبر اکرم به دستور خداوند متعال ائمه معصومین علیهم السّلام را به عنوان وصی و جانشین خویش معرفی و منصوب فرموده بود، همچنین:

شیعیان ائمه معصومین علیهم السّلام در زمان حیات خویش یقین داشتند که دینی که در رأس آن ائمه معصومین علیهم السّلام باشند و دینی که امامت و رهبری آن با ائمه معصومین علیهم السّلام باشد آن دین، دین حق است و مورد رضایت خداوند متعال می‌باشد،

زیرا پس از اعلام ولایت مولی الوحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام

و انتصاب آن حضرت به عنوان امام مسلمین خداوند متعال فرمودند:  
 الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا «آیه سوم  
 سوره مائده»، بنابراین:

شیعیان دوازده امامی در زمان حیات خویش نیز به حَقَانِيَّتِ دین خویش و به حَقَانِيَّتِ ائمه معصومین علیهم السَّلام و امامت و ولایت آن ذوات مقدسه یقین داشتند، و یقین داشتند که دینی که امام و رهبر آن ائمه معصومین علیهم السَّلام باشند مورد رضایت خداوند متعال می باشد، لیکن این یقین شیعیان در دنیا علم الیقین بود اما یقین شیعیان در آخرت به عین الیقین می رسد یعنی حقایق را با چشم خویش می بینند و مشاهده می کنند.

بنابراین:

شیعیان اثنی عشری در زمان حیات خویش به مبانی اعتقادی خویش یقین کامل دارند و کمترین شبهه و تردیدی در دل آنها وجود نداشته و ندارد، لیکن این یقین شیعیان علم الیقین است که در قیامت و در بهشت به مرحله عین الیقین می رسد که مرحله بالاتری از علم الیقین می باشد، زیرا همه حقایق با چشم سر دیده می شوند.

۴. وجود مقدس امام جواد علیه السَّلام فرمودند:

روزی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام ضمن تلاوت آیه ۱۶۹ سوره آل عمران «وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» ابوبکر بن ابی قحافه را مورد خطاب قرار داده و به او فرمود:

ای ابوبکر:

شهادت و گواهی می دهم که:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شهید از دنیا رفت.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

ای ابوبکر:

به خدا قسم وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نزد تو خواهد آمد، و هنگامی که آن حضرت نزد تو آمد یقین کن که خود آن حضرت می باشد،

زیرا شیطان نمی تواند به او متشبه شود «شیطان نمی تواند خودش را به جای پیامبر اکرم جا بزند».

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام سپس ابوبکر را گرفت و پیامبر اکرم را به ابوبکر نشان داد.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به ابوبکر فرمود:  
ای ابوبکر:

به علی بن ابیطالب و یازده فرزند او ایمان بیاور که آنها مانند من هستند «در وجوب اطاعت آن بزرگواران» جز در نبوت «آنها پیامبر نیستند».

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش مجدداً ابوبکر را مورد خطاب قرار داده و به او فرمود:  
ای ابوبکر:

از آنچه که در دست گرفته ای و تصاحب کرده ای «غصب خلافت» به درگاه خداوند متعال توبه کن زیرا تو را در آن حقی نیست «خلافت مسلمین حق تو نیست و تو آن را غصب کرده ای».

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از بیان این مطالب از نظر غائب شد «رفت و دیده نشد».<sup>۱</sup>

۵. وجود مقدس امام صادق علیه السلام به ابی بصیر فرمود:

یا ابا بصیر:

هر کس از شما با عقیده امامت بمیرد شهید از دنیا رفته است «هر کس که معتقد به امامت ائمه معصومین علیهم السلام باشد و به مرگ طبیعی از دنیا برود شهید از دنیا رفته است».

ابی بصیر می گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

---

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۴۸۱، حدیث ۱۳ «حدیث ۱۳۹۲».  
تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۹۳، ۱۹۴، حدیث ۳.  
تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۷۹، حدیث ۴۲۸ «حدیث ۱۷۷۱».



یا بن رسول الله:  
حتّٰی اگر در بستر خود بمیرد «یعنی حتّٰی اگر در بستر بیماری افتاده و به مرگ طبیعی از دنیا برود».  
وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:  
آری، به خدا سوگند:  
اگر چه در بستر خود بمیرد شهید از دنیا رفته و زنده است و نزد خداوند متعال روزی می خورد.<sup>۱</sup>

### توضیح:

ملاحظه فرمودید که:  
الف) آیات ۱۶۹، ۱۷۰ و ۱۷۱ سوره آل عمران درباره شهدا بود و این آیات شریفه بیان فرمودند که:  
شهدا زنده هستند،  
نزد خداوند متعال روزی می خورند،  
خوشحال هستند از نعماتی که خداوند متعال به آنها اعطا فرموده،  
همچنین:  
خوشحال هستند که برادران آنها نیز در صورتی که از دنیا بروند و به آنها ملحق شوند از نعمات فراوان الهی بهره مند خواهند شد.  
همچنین:  
شهدا خوشحال هستند که نعمات و فضل بیکران الهی شامل حال آنها شده،  
ضمن اینکه:  
شهدا خوف و حزنی ندارند «أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»،  
در حالی که گنهکاران در روز قیامت هم محزون هستند و هم خائف و ترسان.  
محزون از اینکه چرا با خودشان توشه‌ای نیاوردند که روز قیامت به دردشان بخورد،

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۸۱، حدیث ۴۳۱ «حدیث ۱۷۷۴».

محزون از اینکه عمل نیک در پرونده آنها نیست یا اینکه کم است. همچنین گنهکاران روز قیامت خائف و ترسان هستند، خائف و ترسان از مواقف و حشتناک و هولناک قیامت و سرنوشتی که در انتظار آنها می باشد یعنی آتش جهنم.

در حدیث پنجم ملاحظه فرمودید که: شیعیان اثنی عشری شهید از دنیا می روند و مشمول همه نعماتی می شوند که شهدا از آن بهره مند می باشند، گرچه این شیعیان در بستر بمیرند یعنی به مرگ طبیعی از دنیا بروند.

ب) ذیل آیات ۱۵۷ و ۱۵۸ سوره آل عمران نیز حدیثی از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شد که آن حضرت فرمودند: مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا، یعنی: هر کس با حُب آل محمد علیهم السلام بمیرد شهید از دنیا رفته است.

ج) خداوند متعال در آیات ۶۲، ۶۳ و ۶۴ سوره یونس می فرماید: *الْأَنَّا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ* «آیه ۶۲». *الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ* «آیه ۶۳». *لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ...* «آیه ۶۴». ذیل این آیات شریفه توضیحات کاملی ارائه شده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که:

پیروان و شیعیان ائمه معصومین علیهم السلام روز قیامت خوف و حزنی ندارند و هنگام مرگ به آنها بشارت بهشت داده می شود.

همه این بشارت ها و نویدها مربوط به شیعیان دوازده امامی است، و شیعه یعنی مطیع محض و بی قید و شرط ائمه معصومین علیهم السلام و محب آن ذوات مقدسه و دشمن دشمنان آن بزرگواران.

بدیهی است کسی که خود را پیرو و شیعه آن ذوات مقدسه می داند باید اهتمام

جدی در انجام واجبات و ترک محرّمات داشته باشد تا عملاً شیعه آن ذوات مقدّسه به حساب بیاید.

قابل ذکر است که:

مرگ انسان «اعم از کافر و یا مسلمان» فنا و نابودی و عدم نیست، بلکه انتقال از دنیا به جهان آخرت می‌باشد، بنابراین:

مرگ هیچ انسانی اعم از کافر و یا مسلمان مساوی فنا و نابودی و عدم نیست بلکه خروج روح است از بدن، لذا پس از مرگ نیز حیات و زندگی ادامه دارد که به آن حیات برزخی می‌گویند که ارواح در جهان پس از مرگ دارند «نه حیات جسمانی و مادی»، و این حیات برزخی اختصاص به شهیدان ندارد، بنابراین:

معنی آیات ۱۶۹ تا ۱۷۱ سوره آل عمران ممکن است این باشد که:  
خداوند متعال می‌خواهد به افراد بی‌ایمان و یا افرادی که دارای ایمان ضعیفی هستند بفهماند که:

خیال نکنید کشته‌شدگان در راه حق «شهیدان»، همچنین شیعیان واقعی و راستین اگر از دنیا رفتند «چه شهادت و چه مرگ طبیعی» و دستشان از دنیا کوتاه شد از همه لذائذ محروم می‌باشند، بلکه آن‌ها غرق در نعمات الهی هستند و نزد پروردگار خویش روزی می‌خورند و این رزق و روزی نعمات بیکران الهی و فضل خداوند متعال می‌باشد که رزق و روزی دنیوی و لذائذ دنیوی اصلاً قابل قیاس با آن‌ها نمی‌باشد، خلاصه کلام اینک:

شهیدان و شیعیان راستین پس از مرگ و انتقال به عالم برزخ غرق در نعمات بهشتی هستند و متنعم به انواع نعمات الهی می‌باشند و این یعنی زنده بودن آن‌ها. کفار و مشرکین و منافقین نیز پس از مرگ زنده هستند لیکن غرق در انواع عذاب‌های دوزخ برزخی، لذا عنوان شده که:

قبر شیعیان واقعی و شهدا باغی از باغ‌های بهشتی است «رَوْضَةٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ»، و قبر کفار و مشرکین و منافقین و مُنکرین امامت و ولایت ائمّه معصومین علیهم‌السّلام شعبه‌ای است از جهنّم «حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ»، لیکن:  
همانطور که عرض شد:

حیات پس از مرگ حیات و زندگی برزخی است که ارواح در عالم پس از مرگ دارند نه حیات جسمانی و مادی، لذا در عالم برزخ نعمات و عذاب‌ها مربوط به ارواح است نه اجساد «بدن‌ها»، تا اینکه روز قیامت شود و در آن جا است که انسان‌ها با همین بدن و جسم خویش محشور می‌شوند و نیکان به بهشت و بدکاران به جهنم می‌روند، و جسم و روح بهشتیان غرق در نعمات و لذائد مادی و معنوی می‌شود و اهل جهنم نیز وارد جهنم شده و جسم و روح آن‌ها گرفتار انواع عذاب‌ها می‌شود.

(د) در حدیث چهارم ملاحظه فرمودید که:

وجود مقدس مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به ابوبکر بن ابی قحافه فرمود:  
ای ابوبکر:

گواهی و شهادت می‌دهم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شهید از دنیا رفتند.

وجود مقدس امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام سپس مطالبی به ابوبکر فرمودند که در حدیث چهارم به آن اشاره شده و نیاز به تکرار ندارد، لیکن در رابطه با اینکه پیامبر اکرم به شهادت رسیده‌اند و شهید از دنیا رفته‌اند به یک حدیث دیگر اشاره می‌شود.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام ضمن تلاوت این آیه شریفه «وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ، أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ...» «آیه ۱۴۴ سوره آل عمران» فرمودند:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مسموم شدند.  
آن دو زن «دو تن از همسران پیامبر اکرم» آن حضرت را مسموم نمودند «پیامبر اکرم مسموم شده و به شهادت رسیدند»، و آن دو زن و پدران آن‌ها بدترین مخلوقات خدا هستند.<sup>۱</sup>

۱. تفسیر برهان، جلد سوم، صفحه ۱۷۵، حدیث ۱۰ «ذیل آیه ۱۴۴ سوره آل عمران».  
تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۸۶۱، حدیث ۳۹۰ «حدیث ۱۷۳۵» «ذیل آیه ۱۴۴ سوره آل عمران».

### آیه ۱۸۵ سوره آل عمران:

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ، وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ».

#### ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

هر نفسی مرگ را می چشد «هر جاننداری خواهد مُرد»، و شما مردم روز قیامت پاداش خویش را به طور کامل خواهید گرفت.  
 هر کس از آتش جهنم دور شده و وارد بهشت شود رستگار شده است، و زندگی دنیا جز متاعی فریبنده نیست «زندگی دنیا چیزی جز سرمایه فریب نیست»<sup>۱</sup>.

#### شرح لغات و توضیحات:

نَفْس = روح، جان «مجموعه جسم و جان»

نَفْس گاهی به معنی شخص می آید.

مقصود از نَفْس در این آیه شریفه هر موجود و هر جاننداری را شامل می شود،

یعنی هر جاننداری و موجود زنده ای بالاخره می میرد.

ذَوْق = چشیدن، مزه کردن، طعم چیزی را چشیدن؛

مَوْت = مرگ؛

و فی، تَوْفِیة = حَقّ کسی را به طور کامل و بی کم و کاست ادا کردن؛

ایفاء = حَقّ کسی را به طور کامل و بی کم و کاست ادا کردن؛

أَجْر = پاداش، مُزد «جمع أَجْر می شود أُجُور»؛

زَحّ = دور شدن، دور کردن؛

فَوْز = نجات، رستگاری، با سلامت به خیر و نیکی رسیدن و کامیاب شدن؛

فَائِز = رستگار، نجات یافته، هر کس که از مهلکه ای نجات یابد و یا به چیزی

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۳۷۳.

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۲۵۹.

و مقامی برسد که مورد حیرت و آرزوی دیگران باشد می‌گویند این شخص فائز شد؛

فَازَ = رستگار شد، نجات یافت «از مکروهات و ناملايمات دور شد و به آنچه که دوست داشت رسید»؛

مَتَاعٌ = هر چیزی که به نوعی مورد استفاده باشد، کالا، سرمایه؛

غُرُورٌ = فریب دادن، گول زدن، فریفتن، فریب؛

وَعْدٌ = وعده دادن «معمولاً در مورد کارهای خیر»، لیکن وعید فقط درباره

عذاب استعمال می‌شود.<sup>۱</sup>

آیات قبل در رابطه با لجاجت و عناد کافرین و افراد بی‌ایمان بود که از ایمان آوردن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خودداری کرده و آن حضرت را تکذیب می‌نمودند.

خداوند متعال برای اینکه وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را دلداری دهد در آیه ۱۸۴ سوره آل عمران آن حضرت را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

ای پیامبر:

اگر عده‌ای به تو ایمان نمی‌آورند و رسالت تو را تکذیب می‌کنند چیز تازه‌ای نیست، نگران نباش زیرا این موضوع سابقه دارد، چرا که پیامبران قبل از تو را نیز تکذیب کرده و به آنها ایمان نیاوردند در حالی که آنها نیز معجزات و دلایل آشکاری به همراه داشتند.

آیه بعد یعنی آیه ۱۸۵ سوره آل عمران به دنبال مطالب آیات قبل بوده و متضمن «در بردارنده» وعده برای تصدیق‌کنندگان نبوت و رسالت پیامبر اکرم و وعید برای تکذیب‌کنندگان رسالت آن حضرت می‌باشد، و برای این منظور مطلب را از یک

---

۱. مجمع‌البیان، جلد چهارم، صفحه ۳۷۴.

المیزان، جلد هفتم، صفحه ۱۴۲.

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۲۶۰.

مفردات راغب.

قاعده و قانون عمومی حاکم بر جهان هستی شروع نموده و می‌فرماید:  
 كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ = هر موجود زنده و هر جاننداری خواه و ناخواه خواهد مُرد،  
 و یقیناً این امر «مردن» در رابطه با هر موجود زنده‌ای محقق خواهد شد.  
 آیه شریفه می‌فرماید که:

هر موجود زنده‌ای مرگ را خواهد چشید، زیرا:  
 شخصی که می‌میرد و فوت می‌کند مثل این است که مرگ را چشیده است.  
 شاید تعبیر به چشیدن اشاره به احساس کامل نسبت به مرگ می‌باشد، یعنی:  
 گاهی انسان غذایی را می‌بیند و یا با دست لمس می‌کند لیکن این مشاهده و  
 لمس احساس کامل نیست مگر اینکه انسان با ذائقه خویش آن را بچشد.  
 ادامه آیه شریفه در رابطه با پاداش و کیفر انسان‌ها در روز قیامت بوده و  
 می‌فرماید:

وَ إِنَّمَا تُؤْتُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ = شما انسان‌ها پاداش اعمال خویش را به طور  
 کامل و بی‌کم و کاست در روز قیامت دریافت خواهید کرد، زیرا:  
 دنیا خانه عمل است «دنیا سرای عمل است نه حساب»، و آخرت خانه پاداش  
 است «آخرت سرای حساب و پاداش است نه عمل».  
 به عبارت دیگر:

هر کس نتیجه عمل خویش را به طور کامل و بی‌کم و کاست در روز قیامت  
 خواهد دید، بنابراین:

مانعی ندارد که انسان‌ها «اعم از مؤمن یا غیر مؤمن» در عالم برزخ قسمتی از  
 نتایج اعمال خویش را ببینند، یعنی:  
 مانعی ندارد که مؤمنین قسمتی از پاداش اعمال نیک خویش را در عالم برزخ  
 «پس از مرگ تا روز قیامت» ببینند،

یعنی از نعمات بهشت برزخی متنعم شوند و بهره ببرند.  
 همچنین غیرمؤمنین نیز قسمتی از کیفر گناهان خویش را در عالم برزخ ببینند،  
 لیکن همانطور که عرض شد:

دادن پاداش و کیفر به طور کامل و بی‌کم و کاست مربوط به روز قیامت می‌باشد

نه عالم برزخ، زیرا پاداش و کیفر برزخی کامل نیست.

در ادامه آیه شریفه آمده است که:

فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَ ادْخَلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ = هر کس از آتش جهنم دور شده «دور شود» و وارد بهشت گردد فائز و رستگار شده و به آرزوی خود رسیده است.

به عبارت دیگر:

فائز و رستگار کسی است که:

خودش را از آتش جهنم دور نموده و وارد بهشت شود، یعنی:

در دنیا از عواملی که او را به سوی جهنم سوق می دهند احتراز نموده و بدین وسیله خودش را از جهنم دور نماید.

همانطور که عرض شد:

آخرت سرای پاداش است نه عمل، و معنی این حرف این است که:

هیچ کس روز قیامت نمی تواند کاری کند که مانع جهنم رفتن خویش شود، بلکه

مادامی که در دنیا است می تواند خودش را از آتش جهنم دور نماید، یعنی:

اگر در دنیا از لذات نامشروع احتراز نماید و تحت تأثیر عوامل فریبنده دنیا قرار نگیرد، و در یک کلام:

اگر زندگی و حیات دنیوی با تمام جاذبه های خویش «قدرت، ثروت، شهوت»

او را در دام گناه نیندازد و شخص مرتکب گناه نشود در این صورت خودش را از آتش جهنم دور نموده است.

بنابراین:

فائز و رستگار کسی است که:

اوامر و دستورات خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را اطاعت نموده و تکالیف شرعی خویش را انجام دهد «انجام واجبات، ترک

محرمات» و بدین وسیله خودش را از آتش جهنم دور نموده و وارد بهشت نماید.

آخرین قسمت این آیه شریفه در تکمیل بحث مطالب قبل بوده و می فرماید:

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ = زندگی و حیات دنیا جز متاعی فریبنده نیست،

و به عبارت دیگر:



زندگی و حیات دنیا چیزی جز سرمایه و متاع فریب نمی‌باشد، زیرا حیات و زندگی دنیا و عوامل سرگرم‌کننده آن از دور خالص به نظر می‌رسند، لیکن وقتی انسان به آن نزدیک می‌شود می‌بیند که همراه با انواع ناراحتی‌ها است.

زندگی و حیات دنیا متاع غرور است «متاع و سرمایه فریب»، زیرا: انسان فریب لذائد و شهوات و زینت‌های دنیا را می‌خورد و از این نکته غافل می‌شود که لذائد دنیوی زودگذر و سریع‌الزوال و فناپذیر می‌باشند، پس ای مردم: به آن‌ها دلبستگی پیدا نکنید،

به آن‌ها مغرور نشوید،

و مواظب باشید تا شما را فریب ندهند، یعنی:

مواظب باشید عوامل دنیوی باعث نشوند تا شما مرتکب گناه شوید، و ارتکاب گناه یعنی ترک واجبات و انجام محرمات.

این تعبیرات در آیات شریفه قرآن کریم و احادیث و روایات مکرر آمده است و هدف همه آن‌ها یک چیز است و آن این است که:

دنیا و لذائد آن باعث نشود که انسان از یاد خدا غافل شده و در نتیجه به تکالیف شرعی خویش عمل ننماید.

قابل ذکر است که:

استفاده از جهان ماده و مواهب آن به عنوان یک وسیله جهت نیل به تکامل انسانی نه تنها نکوهیده نیست بلکه لازم و ضروری است، لیکن باید دقیقاً طبق موازین شرعی باشد، یعنی:

انسان از طریق حلال کسب مال نماید،

حقوق شرعی آن «خمس و زکات و...» را بپردازد،

گرفتار اسراف و تبذیر نشود،

و سایر تکالیف شرعی خویش را انجام دهد «عمل به واجبات - ترک محرمات».

قابل ذکر است که:

خداوند متعال زندگی و حیات دنیا را متاع و سرمایه فریب دانسته است، یعنی

اینکه:

کمترین غفلت باعث می شود تا لذائد دنیوی انسان را از یاد خدا غافل نموده و به انواع گناهان گرفتار نماید،  
لذا این آیه شریفه هشدار می دهد که انسان ها تا فریب دنیا و لذائد زودگذر آن را نخورند، ضمن اینکه این آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه:  
کمترین نعمت آخرت از مجموع همه نعمات دنیا برتر و بالاتر است.<sup>۱</sup>

### توضیح:

ملاحظه فرمودید که:

این آیه شریفه متضمّن وعده برای تصدیق کنندگان به امر نبوت و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد،  
و وعید برای تکذیب کنندگان نبوت و رسالت آن حضرت.  
معنی باطنی و تأویل آیه شریفه در رابطه با امر امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام بوده و متضمّن وعده برای تصدیق کنندگان امر ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام می باشد، و وعید برای تکذیب کنندگان امامت و ولایت آن ذوات مقدّسه.

در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که:

خداوند متعال سوگند یاد فرموده که محبّین آن ذوات مقدّسه را از آتش جهنّم دور نموده و به بهشت وارد می کند و دشمنان آن بزرگواران را داخل جهنّم خواهد نمود.

### حدیث:

وجود مقدّس امام رضا علیه السلام از پدر بزرگوارش و آن حضرت نیز از پدر بزرگوار خویش و به همین ترتیب تا وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

۱. مجمع البیان، جلد چهارم، صفحه ۳۷۴ - ۳۷۵.

المیزان، جلد هفتم، صفحه ۱۴۲.

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۲۵۷ - ۲۵۹ تا ۲۶۱.

علیه السلام و آن حضرت نیز از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل نموده که خداوند متعال می فرماید:

منم معبود یکتا «منم خداوندی که معبودی جز من نیست» که با قدرت خودم مخلوقات را آفریدم و از میان آنها انبیاء خود را برگزیدم و از میان انبیاء محمّد را حبیب و خلیل و صفی خودم انتخاب کردم و او را به عنوان رسول به خلق مبعوث نمودم و علی را برادر و وصی و وزیر او قرار دادم، و علی را به عنوان خلیفه خودم «جانشین خودم» برگزیدم تا قرآن را برای مردم بیان کند و دستوراتم را در میان آنها انجام دهد.

او را پرچم هدایت بندگانم قرار دادم، او را درب خودم قرار دادم که از طریق او وارد خانه و درگاهم شوند، خانه‌ای که هر کس وارد آن شود از عذاب من در امان است «راه و درب ورود به خانه امن خدا علی بن ابیطالب است»،

علی دژ و قلعه من است که هر کس به او پناه ببرد از هر گزند در امان است چه گزند اخروی و چه گزند دنیوی،

او وجه من است، پس هر کس به او رو کند من از او رو بر نمی گردانم، او حجّت من در آسمانها و زمین است بر همه مخلوقاتم که در آسمانها و زمین زندگی می کنند، عمل هیچ عمل کننده‌ای را بدون اقرار به ولایت او و نبوت رسولم نخواهم پذیرفت «عمل هیچ کس پذیرفته نمی شود مگر با اقرار به ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و اقرار به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم»،

علی دست گشوده من بر سر مخلوقاتم می باشد،  
علی نعمتی است که به هر کس که دوست می داشتم ارزانی کردم،  
پس:

هر کس از بندگانم را دوست داشتم ولایت و معرفت علی را به او آموختم،  
و هر کس از بندگانم را که دشمن داشتم بدان جهت بود که از ولایت علی اعراض نمود.

سپس خداوند متعال به عزّت و جلال خویش سوگند یاد کرده و می‌فرماید  
 («فرمود»):

فَبِعِزَّتِي حَلَفْتُ،  
 وَبِجَلَالِي أَقْسَمْتُ،  
 أَنَّهُ لَا يَتَوَلَّى عَلِيًّا عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي إِلَّا زَحَزَحْتُهُ عَنِ النَّارِ وَأَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ،  
 وَلَا يُبَغِضُهُ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي وَ يَعْدِلُ عَنِّي وَلَا يَتَّبِعُهُ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَأَدْخَلْتُهُ النَّارَ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ،  
 یعنی:

خداوند متعال می‌فرماید:  
 به عزّت خودم سوگند خورده‌ام،  
 و به جلالم قسم یاد کرده‌ام که:  
 هر کسی علی بن ابیطالب را به عنوان ولی و سرپرست خود انتخاب کند «آن  
 حضرت را امام خویش بداند» او را از آتش جهنّم دور کرده و وارد بهشت  
 می‌نمایم،  
 و هر کس از ولایت علی بن ابیطالب اعراض کند «امامت آن حضرت را نپذیرد»  
 و با او دشمنی نماید من هم با او دشمنی کرده و او را داخل جهنّم می‌کنم، و جهنّم  
 بد جایگاهی است.<sup>۱</sup>

۱. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۱۴۰ - ۱۴۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد اول، صفحه ۹۰۳، حدیث ۴۷۲ «حدیث ۱۸۱۵».

عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد دوم، اخبار مجموعه، باب ۳۱، صفحه ۷۰ تا ۷۲، حدیث ۱۹۱.

امالی شیخ صدوق، مجلس سی و نهم، صفحه ۳۵۰ - ۳۵۱، حدیث ۱۰.

## فهرست احاديث

- مَعَاشِرِ النَّاسِ: أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ، الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي، ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ، أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ، ثُمَّ قَرَأَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ - الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ - إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ - اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، - صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ، فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَّتْ وَ إِيَّاهُمْ خَصَّتْ أَوْلِيَاكَ اللَّهُ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ، أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَ عَلِيٍّ هُمُ أَهْلُ الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ وَالْحَادُونَ وَ هُمُ الْعَادُونَ وَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ...»... ٢٧
- هُوَ الطَّرِيقُ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ هُمَا صِرَاطَانِ، صِرَاطٌ فِي الدُّنْيَا وَ صِرَاطٌ فِي الْآخِرَةِ، وَ أَمَّا الصِّرَاطُ الَّذِي فِي الدُّنْيَا فَهُوَ الْإِمَامُ الْمُفْتَرَضُ الطَّاعَةَ، مَنْ عَرَفَهُ فِي الدُّنْيَا وَ افْتَدَى بِهِدَاهُ مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ الَّذِي هُوَ جَسْرُ جَهَنَّمَ فِي الْآخِرَةِ، وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ فِي الدُّنْيَا زَلَّتْ قَدَمُهُ عَنِ الصِّرَاطِ فِي الْآخِرَةِ فَتَرَدَى فِي نَارِ جَهَنَّمَ..... ٢٨
- لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ حُجَّتِهِ حِجَابٌ، فَلَا لِلَّهِ دُونَ حُجَّتِهِ سِتْرٌ، نَحْنُ أَبْوَابُ اللَّهِ، وَ نَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ، وَ نَحْنُ عَيْبَةُ عِلْمِهِ، وَ نَحْنُ تَرَاجِمَةُ وَحْيِهِ، وَ نَحْنُ أَرْكَانُ تَوْحِيدِهِ، وَ نَحْنُ مَوْضِعُ سِرِّهِ..... ٣٠
- وَ اللَّهُ نَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ..... ٣١
- نَحْنُ الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ وَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، ..... ٣٢
- شِيعَةُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ بِوِلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يُغْضَبْ عَلَيْهِمْ وَ لَمْ يَضِلُّوا، ..... ٤٠
- «عَلِيٌّ، صِرَاطٌ حَقٌّ تُمَسِّكُهُ» يَا «صِرَاطٌ عَلِيٌّ حَقٌّ تُمَسِّكُهُ»..... ٤٦
- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ زَوْجَتُهُ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ

- العالمين، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، ..... ٨٨
- هُؤُلَاءِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ، وَهُمْ خَيْرٌ مِنْكَ وَمِنْ جَمِيعِ خَلْقِي، وَلَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُكَ وَلَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ  
وَلَا السَّمَاءَ وَلَا الْأَرْضَ، فَايَاكَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَيْهِمْ بَعَيْنِ الْحَسَدِ، فَأُخْرِجُكَ مِنْ جَوَارِي؛ ..... ٨٩
- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا عَفَرْتَ لِي، فَعَفِّرْ اللَّهُ لَهُ، ..... ١٠٥
- إِيَّهَا النَّاسُ: أَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ فِي عَلِيٍّ يُوفِّ لَكُمْ بِالْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، ..... ١١٩
- أَوْفُوا بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ فَرِضًا مِنَ اللَّهِ، أَوْفِ لَكُمْ الْجَنَّةَ، ..... ١٢٠
- نَحْنُ عَهْدُ اللَّهِ فَمَنْ وَفَى بِعَهْدِنَا فَقَدْ وَفَى بِعَهْدِ اللَّهِ، وَمَنْ خَفَرَهَا، فَقَدْ خَفَرَ ذِمَّةَ اللَّهِ وَعَهْدَهُ، ..... ١٢٠
- الآيَاتُ هُمُ الْإِئِمَّةُ، ..... ١٢٥
- إِذَا جَحَدَ إِمَامَةٌ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ، ..... ١٢٧
- أَشْهَدُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَنَّ الشَّاكَ فِيكَ مَا آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِينِ، ..... ١٢٩
- وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ، مَا آمَنَ بِي مَنْ كَفَرَ بِكَ، وَلَا أَقْرَبَ بِاللَّهِ مِنْ جَحَدَكَ، ..... ١٣٠
- أَنْ أَرَوْاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طَيَّبْتَكُمْ وَاحِدَةً، ..... ١٣٠
- نَحْنُ الَّذِينَ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا؛ مَنْ عَرَفْنَا كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ أَنْكَرَنَا كَانَ كَافِرًا، ..... ١٣١
- مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَّهَهُ، وَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ، حَتَّمَا عَلَى  
اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ مِمَّنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ، وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نَكْرًا أَبَدًا الْأَبَادِ وَ دَهْرَ الدُّهُورِ، فَاحْذَرُوا  
أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتُضَلُّوا نَارًا وَ قَوْدُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ، ..... ١٣١
- مَعَاشِرَ النَّاسِ: بِي وَاللَّهِ بَشَرٌ الْأَوَّلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ، وَ أَنَا خَاتِمُ «خَاتِمِ» الْأَنْبِيَاءِ  
وَالْمُرْسَلِينَ وَ الْحُجَّةُ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ، فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ  
فَهُوَ كَافِرٌ كُفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى، وَ مَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا، فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُ،  
وَالشَّاكُّ فِي الْكُلِّ فَلَهُ النَّارُ، ..... ١٣٣
- مَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ، ..... ١٣٥

وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكًا، ..... ١٣٥

وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، ..... ١٣٥

مَنْ أَنْكَرَنَا كَافِرًا، مَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرًا، ..... ١٣٦

يَا عَلِيُّ، حَرْبُكَ حَرْبِي، وَحَرْبِي حَرْبُ اللَّهِ، ..... ١٣٧

وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، ..... ١٣٧

مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتُخْبِطَ أَعْمَالُكُمْ «فَتُخْبِطَ أَعْمَالُكُمْ» وَتَرَلَّ أَقْدَامُكُمْ، فَإِنَّ آدَمَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ «أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ، وَهُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَكَيْفَ بِكُمْ وَأَنْتُمْ وَمِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ» ..... ١٥٦

مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، ..... ١٦٣

هِيَ الْكَلِمَاتُ الَّتِي تَلَقَّاهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ، وَهُوَ أَنَّهُ قَالَ: يَا رَبِّ اسْأَلْكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ الْإِثْبَاتَ عَلَيَّ، فَتَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ، إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ: فَمَا يَعْنِي عَزَّوَجَلَّ بِقَوْلِهِ فَاتَمَّهَنَّ، قَالَ يَعْنِي فَاتَمَّهَنَّ إِلَى التَّائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اثْنِي عَشَرَ إِمَامًا تِسْعَةً مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ..... ١٦٧

يَا اللَّهُ يَا وَاحِدًا يَا أَحَدًا يَا صَمَدًا، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا أَحَدًا؛ اَللَّهُمَّ إِنِّي اسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنْهَا، ..... ١٦٩

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَهَّرَنَا وَعَصَمَنَا وَجَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَحُجَّتَهُ فِي أَرْضِهِ، وَجَعَلَنَا مَعَ الْقُرْآنِ، وَجَعَلَ الْقُرْآنَ مَعَنَا، لَا نَفَارِقُهُ وَلَا يُفَارِقُنَا، ..... ١٨٠

وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ، وَحَزَنَةً لِعِلْمِهِ، وَشُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ، أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ، وَشُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ، وَشَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ، ..... ١٨٤

وَ حُجَجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى، ..... ١٨٥

وَ اللَّهُ أَنْ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا، يَجْمَعُ اللَّهُ إِلَيْهِ شِيعَتَنَا مِنْ جَمِيعِ الْبُلْدَانِ، ..... ١٩٢

إِلَّا إِنَّهُ لَيْسَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أَخِي هَذَا، وَلَا تَحِلُّ أَمْرُهُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ، ..... ٢٠٦

يا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ: هذا عَلَى بن أبي طالب، خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ..... ٢١٥

نَحْنُ الْبُيُوتُ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ بِهَا أَنْ تُؤْتَى مِنْ أَبْوَابِهَا، نَحْنُ بَابُ اللَّهِ وَبُيُوتُهُ الَّتِي يُؤْتَى مِنْهُ، فَمَنْ  
بَايَعَنَا وَاقْرَأَ بُولَانِنَا فَقَدْ آتَى الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا، وَمَنْ خَالَفَنَا وَفَضَّلَ عَلَيْنَا غَيْرَنَا فَقَدْ آتَى الْبُيُوتَ  
مِنْ ظُهُورِهَا،..... ٢٢٣

أَلْ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَبْوَابُ اللَّهِ، وَسُبُلُهُ، وَالذُّعَاةُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَالْقَادَةُ إِلَيْهَا، وَالْأَدْلَاءُ عَلَيْهَا إِلَى  
يَوْمِ الْقِيَامَةِ،..... ٢٢٤

الْأَوْصِيَاءُ هُمْ أَبْوَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ الَّتِي يُؤْتَى مِنْهَا، وَلَوْلَا هُمْ مَا عَرَفَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، وَبِهِمْ اخْتَجَّ  
اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ،..... ٢٢٥

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، وَلَا تُؤْتَى الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا،..... ٢٢٥

أَنَا مَدِينَةُ الْحِكْمَةِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، وَلَا تُؤْتَى الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا،..... ٢٢٦

نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ، وَنَحْنُ بَابُ اللَّهِ، وَنَحْنُ لِسَانُ اللَّهِ، وَنَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ، وَنَحْنُ عَيْنُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، وَ  
نَحْنُ وُلاةُ أَمْرِ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ،..... ٢٢٦

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي،..... ٢٢٨

مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَأْ بِكُمْ،..... ٢٢٩

مَنْ رَانِي بِالتَّوَرَانِيَّةِ فَقَدْ رَأَى الْحَقَّ،..... ٢٣١

مَعْرِفَتِي بِالتَّوَرَانِيَّةِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ،..... ٢٣١

وَمَنْ وَحَدَّهُ قَبْلَ عَنكُمْ،..... ٢٣٢

وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ،..... ٢٣٢

مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنِّي، وَلَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي،..... ٢٤٥

يَا عَلِيُّ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَضَّلَ أَنْبِيَائَهُ الْمُرْسَلِينَ عَلَى مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَفَضَّلَنِي عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ  
وَالْمُرْسَلِينَ، وَالْفُضْلُ بَعْدِي لَكَ يَا عَلِيُّ وَ لِلْإِثْمَةِ مِنْ بَعْدِكَ، وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَخُدَامُنَا وَ خُدَامُ





مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا، فَلْيَتَمَسَّكَ بِوِلَايَةِ أَخِي وَ وَصِيِّ عَلِيِّ  
بْنِ أَبِيطَالِبٍ، فَإِنَّهُ لَا يَهْلِكُ مَنْ أَحَبَّهُ وَ تَوَلَّاهُ، وَ لَا يَنْجُو مَنْ أَبْغَضَهُ وَ عَادَاهُ، يعنى: ..... ٣٢٩

مَنْ اتَاكُمْ نَجِي، وَ مَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ، ..... ٣٣٠

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، فَلْيَتَمَسَّكَ بِحُبِّ عَلِيٍّ وَ أَهْلِ بَيْتِي، ..... ٣٣١

الْأَيُّمَةُ مِنْ وَدِّ الْحُسَيْنِ، مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، هُمْ الْعُرْوَةُ  
الْوُثْقَى، وَ هُمْ الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، ..... ٣٣١

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النَّجَاةِ وَ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَ يَعْتَصِمَ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ، فَلْيُؤَالِ  
عَلِيًّا بَعْدِي، وَ لِيُعَادِ عَدُوَّهُ، وَ لِيَأْتِمَّ بِالْأَيِّمَةِ الْهُدَاةِ مِنْ وَدِّهِ، ..... ٣٣٢

سَيَكُونُ بَعْدِي فِتْنَةٌ مُظْلِمَةٌ، النَّاجِي مِنْهَا مَنْ تَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: وَ مَا  
الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: وَ لِيَايَةُ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، قِيلَ يَا رَسُولَ  
اللَّهِ: وَ مَنْ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، قِيلَ يَا رَسُولَ  
اللَّهِ: وَ مَنْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: مَوْلَى الْمُسْلِمِينَ وَ إِمَامُهُمْ  
بَعْدِي، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: وَ مَنْ مَوْلَى الْمُسْلِمِينَ وَ إِمَامُهُمْ بَعْدَكَ، ..... ٣٣٣

أَنَا حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينِ، وَ أَنَا عُرْوَةُ اللَّهِ الْوُثْقَى، ..... ٣٣٥

نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ نَحْنُ عُرْوَةُ الْوُثْقَى، ..... ٣٣٥

لَا عُدْبَانَ كُلَّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوِلَايَةِ كُلِّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ، وَ إِنْ كَانَتْ الرِّعِيَّةُ فِي  
أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِيَّةً، وَ لَا عَفُونَ عَنْ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوِلَايَةِ كُلِّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ، وَ إِنْ  
كَانَتْ الرِّعِيَّةُ فِي أَنْفُسِهَا ظَالِمَةً مُسِيئَةً، ..... ٣٥٠

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يُعَذِّبَ أُمَّةً دَانَتْ بِإِمَامٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ، وَ إِنْ كَانَتْ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِيَّةً، وَ إِنْ  
اللَّهُ لَيْسَتْ حِيَابِي أَنْ يُعَذِّبَ أُمَّةً دَانَتْ بِإِمَامٍ مِنَ اللَّهِ، وَ إِنْ كَانَتْ فِي أَعْمَالِهَا ظَالِمَةً مُسِيئَةً، ..... ٣٥٠

إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ، وَ أَعْلَمُ مَا فِي الْجَنَّةِ وَ أَعْلَمُ مَا فِي النَّارِ، وَ أَعْلَمُ مَا  
كَانَ وَ مَا يَكُونُ، ..... ٣٧٢

نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ نَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ، ..... ٣٧٥

فَرَسُولُ اللَّهِ أَفْضَلُ الرَّاسِخِينَ فِي الْعِلْمِ، قَدْ عَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ جَمِيعَ مَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مِنَ التَّنْزِيلِ وَ التَّوْوِيلِ،  
وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُنْزِلَ عَلَيْهِ شَيْئًا لَمْ يَعْلَمَهُ تَأْوِيلَهُ، وَ أَوْصِيَاؤُهُ مِنْ بَعْدِهِ يَعْلَمُونَهُ كُلَّهُ، ..... ٣٧٦

مَعَاشِرَ النَّاسِ: تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ أَفْهَمُوا آيَاتِهِ، وَ انظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَ لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ، فَوَاللَّهِ لَنْ  
يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَ لَا يُوضِحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَ مُضْعَدُهُ إِلَيَّ وَ شَائِلٌ بِعَضُدِهِ وَ  
مُعَلِّمُكُمْ: أَنْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيُّ مَوْلَاهُ، وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيِّ وَ مَوَالِيَتِهِ مِنْ  
اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ، ..... ٣٧٨

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلِ بَيْتِي، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا، لَنْ  
يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، ..... ٣٧٩

الْإِمَامُ يَهْدِي إِلَى الْقُرْآنِ، وَ الْقُرْآنُ يَهْدِي إِلَى الْإِمَامِ، ..... ٣٨٠

هُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينِ، وَ عُرْوَةُ اللَّهِ الْوُثْقَى، ..... ٣٨١

ثَلَمَ فِي الْإِسْلَامِ ثَلْمَةٌ لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ، ..... ٣٩٠

اعْرِفُوا مَنَازِلَ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ رَوَايَتِهِمْ عَنَّا، ..... ٣٩٥

وَ اللَّهُ لَوْ أَحَبَّنَا حَجَّرَ حَشْرَهُ اللَّهُ مَعَنَا، وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ، ..... ٤٠٧

مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، ..... ٤٠٩

مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَ مَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ، وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ  
فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، ..... ٤١٠

إِنِّي سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ، وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ، وَ عَدُوٌّ لِمَنْ  
عَادَاكُمْ، ..... ٤١١

مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا، آلا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُورًا، آلا وَ  
مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِبًا آلا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِنًا مُسْتَكْمِلًا  
الْإِيمَانَ، آلا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بَشَّرَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ ثُمَّ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ، ..... ٤١٣

أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ يَرْفُ إِلَى الْجَنَّةِ كَمَا تَرْفُ الْعُرُوسُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فُتِحَ لَهُ فِي قَبْرِهِ بَابٌ إِلَى الْجَنَّةِ، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ جَعَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ مَرَارَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِرًا، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشْمَ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ، ..... ٤١٣

إِنَّمَا آلُ مُحَمَّدٍ مِنْ حَرَمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ نِكَاحِهِ، ..... ٤١٦

يَا فَاطِمَةُ: إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، يَا فَاطِمَةُ: أَقْنَتِي لِرَبِّكِ وَأَسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ، ..... ٤٢٨

يَا فَاطِمَةُ: أَنْ مَرِيْمُ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا، وَأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكِ وَ عَالِمِهَا وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، ..... ٤٢٩

ذَاكَ لِمَرِيْمُ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا، وَ فَاطِمَةُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، ..... ٤٣٥

حَسْبُكَ مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، مَرِيْمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَدِيْجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ» وَ آسِيَّةُ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ، ..... ٤٣٥

يَا فَاطِمَةُ: أَنْتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ لَا مَرِيْمُ الْبَتُوْلُ، ..... ٤٣٧

أَرْبَعُ نِسْوَةٍ سَادَاتِ عَالَمِهِنَّ، مَرِيْمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، آسِيَّةُ بِنْتُ مَزاحِمٍ، خَدِيْجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ»، وَ أَفْضَلُهُنَّ عَالِمًا فَاطِمَةُ، ..... ٤٣٨

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي، وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ عَنِ ابْنَتِكَ وَ زَائِرَتِكَ وَ الْبَائِتَةِ فِي الثَّرَى بِبُقْعَتِكَ وَ الْمُخْتَارِ اللَّهُ لَهَا سُرْعَةَ اللَّحَاقِ بِكَ، قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي وَ عَفَا عَنِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ تَجَلْدِي قَدِ اسْتُرْجِعَتِ الْوَدِيْعَةَ، وَ أَخَذَتِ الرَّهِيْنَةَ، وَ أُخْلِستِ الزَّهْرَاءِ، أَمَا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ، وَ أَمَا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ، إِلَى اللَّهِ أَشْكُو، وَ سَتَبِّبُكَ ابْنَتُكَ بِتَظَاْفِرِ أُمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا، فَاحْفَهَا السُّؤَالَ وَ اسْتَخْبِرْهَا الْحَالَ، فَكَمْ مِنْ غَلِيْلٍ مُعْتَلِجٍ بِصَدْرِهَا لَمْ تَجِدْ إِلَى بَنِّهِ سَبِيْلًا وَ سَتَقُولُ،

وَ يَحْكُمُ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ، ..... ٤٣٩

اِنِّي اُنذِرْكُمْ اَتَى رَسُوْلُ اللهِ، قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ، اَفَاِنْ مِتُّ اَوْ قُتِلْتُ اِنْقَلَبْتُمْ عَلٰى اَعْقَابِكُمْ،  
 وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلٰى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللهُ شَيْئًا، وَ سَيَجْزِي اللهُ الشَّاكِرِيْنَ، اَلَا وَ اِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوْفُ  
 بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ،..... ٤٤١

صَبْرَتْ وَ فِي الْعَيْنِ قَذَى وَ فِي الْحَلْقِ شَحِيٌّ،..... ٤٤٣

اِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ اَهْلِ الْجَنَّةِ،..... ٤٤٣

لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ، مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ، عَلِيٌّ بِنِ ابِي طَالِبٍ اَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ زَوْجَتُهُ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ  
 الْعَالَمِيْنَ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ،..... ٤٤٥

هُوَ لَا مِنْ دُرِّيَّتِكَ، وَ هُمْ خَيْرٌ مِنْكَ وَ مِنْ جَمِيْعِ خَلْقِي، وَ لَوْ لَا هُمْ مَا خَلَقْتِكَ، وَ لَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ  
 النَّارَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ لَا الْاَرْضَ، فَاِيَّاكَ اَنْ تَنْظُرَ اِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الْحَسَدِ، فَاُخْرِجْكَ مِنْ دِيَارِي،..... ٤٤٥

لَوْ لَمْ اَخْلُقْ عَلِيًّا لَمَا كَانَ لِفاطِمَةَ ابْنَتِكَ كَفُوْهُ عَلٰى وَجْهِ الْاَرْضِ، اَدَمٌ فَمَنْ دُوْنَهُ،..... ٤٤٧

لَوْ لَا اَنَّ اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالٰى خَلَقَ اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ لِفاطِمَةَ عَلَيْهَا سَلَامٌ، مَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلٰى ظَهْرِ  
 الْاَرْضِ مِنْ اَدَمَ وَ مَنْ دُوْنَهُ،..... ٤٤٧

عَلِيٌّ مِنِّي، وَ اَنَا مِنْ عَلِيٍّ،..... ٤٥٨

اَنْتَ كَنَفْسِي، حُبُّكَ حُبِّي وَ بُغْضُكَ بُغْضِي،..... ٤٥٩

وَ اَنْ اَرَوْا حُكْمًا وَ نُورًا وَ طَيِّبَتُكُمْ وَاِحَدَةً،..... ٤٦٨

نَشَدْتُكُمْ بِاللّٰهِ، هَلْ فِيكُمْ اَحَدٌ اَخَذَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بِيَدِهِ وَ يَدِ امْرَأَتِهِ وَ  
 ابْنَيْهِ، حِيْنَ ارَادَ اَنْ يَبَاهِلَ نَصَارِيْ اَهْلِ نَجْرَانَ غَيْرِي، قَالُوْا، لَا،..... ٤٧٦

وَاللّٰهِ مَا الدُّنْيَا فِي الْاٰخِرَةِ اِلَّا كَمَا يَجْعَلُ اَحَدُكُمْ اِضْبَعَهُ فِي الْيَمِّ ثُمَّ يَرْفَعُهَا فَلْيَنْظُرْ بِمَ تَرْجِعُ، ..... ٤٨٥

ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ، مَنْ ادَّعٰى اِمَامَةً مِنْ اللّٰهِ لَيْسَتْ لَهُ،  
 وَ مَنْ جَحَدَ اِمَامًا مِنَ اللّٰهِ، وَ مَنْ زَعَمَ اَنَّ لَهُمَا فِي الْاِسْلَامِ نَصِيْبًا،..... ٤٩١

ثَلَاثَةٌ لَا يَنْظُرُ اللهُ اِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ لَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ، مَنْ ادَّعٰى اِمَامَةً مِنْ اللّٰهِ لَيْسَتْ

- لَهُ، وَ مَنْ جَحَدَ إِمَاماً مِنْ اللَّهِ، وَ مَنْ زَعَمَ أَنَّ لَهُمَا فِي الْإِسْلَامِ نَصيباً،..... ٤٩٢
- ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ، مَنْ جَحَدَ إِمَاماً مِنْ اللَّهِ، أَوْ ادَّعَى إِمَاماً مِنْ غَيْرِ اللَّهِ، أَوْ زَعَمَ أَنَّ لِفُلَانٍ وَ فُلَانٍ فِي الْإِسْلَامِ نَصيباً،..... ٤٩٣
- مَنْ ادَّعَى الْإِمَامَةَ وَ لَيْسَ مِنْ أَهْلِهَا فَهُوَ كَافِرٌ،..... ٤٩٤
- لَا، ذَاكَ اسْمُ سَمَى اللَّهُ بِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، لَمْ يُسَمَّ بِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ وَلَا يَتَسَمَّى بِهِ بَعْدَهُ إِلَّا كَافِرٌ،..... ٤٩٥
- نَحْنُ الَّذِينَ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا، مَنْ عَرَفَنَا كَانَ مُؤْمِناً، وَ مَنْ أَنْكَرَنَا كَانَ كَافِراً،..... ٤٩٥
- فَالرَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ،..... ٤٩٦
- حُرِّمَتْ الْجَنَّةُ عَلَى مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِي، وَ عَلَى مَنْ قَاتَلَهُمْ، وَ عَلَى الْمُعِينِ عَلَيْهِمْ، وَ عَلَى مَنْ سَبَّهُمْ، أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ، وَ لَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ لَا يُزَكِّيهِمْ، وَ لَهُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ،..... ٤٩٧
- أَنَا حَبْلُ اللَّهِ الْمُتَمِينِ، وَأَنَا عُرْوَةُ اللَّهِ الْوُثْقَى،..... ٥٠٨
- أَيُّهَا النَّاسُ، إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ حَبْلَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا،..... ٥١٠
- إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ،..... ٥١٢
- السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ، وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ، وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهُ، وَ مَنْ جَهَلَهُمْ فَقَدْ جَهَلَ اللَّهُ، وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَ مَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنْ اللَّهِ،..... ٥٢٠
- مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ، وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ، وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهُ، وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهُ، وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ،..... ٥٢١
- وَ ضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ، وَ فَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَ هُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ،..... ٥٢٢
- لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ، لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو النُّفَارِ،..... ٥٤٤

مَعَاشِرَ النَّاسِ: أَنْذَرُكُمْ أَتَى رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ، أَفَأَنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ أَنْقَلَبْتُمْ عَلَى  
أَعْقَابِكُمْ، وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئاً، وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ، أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا هُوَ  
الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ، ..... ٥٥٨

لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ وَالْمُعْتَصِبِينَ، ..... ٥٦٢

جَاهِلِيَّةَ كُفْرٍ وَنِفَاقٍ وَضَلَالٍ، ..... ٥٦٣

إِنَّ سَبِيلَ اللَّهِ عَلِيٌّ وَدُرِّيَّتُهُ، مَنْ قُتِلَ فِي وِلَايَتِهِ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَمَنْ مَاتَ فِي وِلَايَتِهِ مَاتَ فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ، ..... ٥٧١

أَشْهَدُ أَنَّكَ جَنُبُ اللَّهِ وَبَابُهُ، وَأَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ وَوَجْهُهُ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ، وَأَنَّكَ سَبِيلُ اللَّهِ... ٥٧٢

مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُوراً، أَلَا وَ  
مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِباً، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِناً مُسْتَكْمِلاً  
الْإِيمَانَ، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بَشَرَهُ مَلَكَ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ ثُمَّ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ، أَلَا وَ  
مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ يَرْفُؤُ إِلَى الْجَنَّةِ كَمَا تَرْفُؤُ الْعَرُوسُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا، أَلَا وَمَنْ مَاتَ  
عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فَتَحَ لَهُ فِي قَبْرِهِ بَابَانِ إِلَى الْجَنَّةِ، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ جَعَلَ اللَّهُ  
قَبْرَهُ مَزَارَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ: أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوباً بَيْنَ عَيْنَيْهِ  
أَيْسُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِراً، أَلَا وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ  
آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشْمَ رائِحَةَ الْجَنَّةِ، ..... ٥٧٤

وَبِمَوَالِيهِمْ وَمَعْرِفَتِهِمْ إِيَّانَا يُضَاعَفُ اللَّهُ لَهُمْ أَعْمَالُهُمْ وَيَرْفَعُ اللَّهُ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى، ..... ٥٨٣

هُمُ وَاللَّهُ شَيْعَتُنَا حِينَ صَارَتْ أَرْوَاحُهُمْ فِي الْجَنَّةِ وَاسْتَقْبَلُوا الْكِرَامَةَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، عَلِمُوا  
وَاسْتَيْقَنُوا أَنَّهُمْ كَانُوا عَلَى الْحَقِّ وَعَلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَاسْتَبَشَرُوا بِمَنْ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ  
أَخْوَانِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، يَعْنِي: ..... ٥٩٦

فَبِعِزَّتِي حَلَفْتُ، وَبِجَلَالِي أَقْسَمْتُ، أَنَّهُ لَا يَتَوَلَّى عَلِيًّا عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي إِلَّا زَحَرَحْتُهُ عَنِ النَّارِ وَ  
أَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ، وَلَا يَبْغِضُهُ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي وَيَعْدِلُ عَنْ وِلَايَتِهِ إِلَّا ابْغَضْتُهُ وَأَدْخَلْتُهُ النَّارَ وَبُسَّ  
الْمَصِيرُ، ..... ٦١٢





## منابع و ماخذ

- ۱- تفسیر مجمع‌البیان، تألیف امین‌الاسلام طبرسی،  
ترجمه: جمعی از علماء و فضلاء،  
تهران موسسه انتشارات فراهانی.
- ۲- تفسیرالمیزان، تألیف علامه سید محمدحسین طباطبائی،  
ترجمه: جمعی از علماء و فضلاء،  
قم، انتشارات موسسه مطبوعات دارالعلم،  
تهران، کانون انتشارات محمدی.
- ۳- تفسیر نمونه، تألیف جمعی از علما و فضلاء، زیر نظر آیت‌الله مکارم شیرازی،  
تهران، درالکتب الاسلامیه.
- ۴- تفسیر صافی، تألیف عالم ربانی آیت‌الله ملامحمد محسن فیض کاشانی،  
ترجمه: جمعی از علماء و فضلاء، زیر نظر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی،  
قم، نشر نوید اسلام.
- ۵- تفسیر برهان، تألیف علامه سید هاشم بحرانی،  
ترجمه: دکتر رضا ناظمیان، دکتر علی گنجیان و دکتر صادق خورشاه،  
تهران، نشر کتاب صبح با همکاری نهاد کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور.

۶- تفسیر نورالثقلین، تألیف علامه حویزی،  
ترجمه: جمعی از علما و فضلا، زیر نظر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی،  
قم، نشر نوید اسلام.

۷- اصول کافی، تألیف محمد بن یعقوب کلینی،  
ترجمه: سید جواد مصطفوی،  
تهران، انتشارات علمیه اسلامیة.

۸- احتجاج طبرسی، تألیف ابومنصور احمد بن علی طبرسی،  
ترجمه: بهزاد جعفری،  
تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۹- عیون اخبارالرضا علیه السلام، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،  
ترجمه: علی اکبر غفاری، حمیدرضا مستفید،  
تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۱۰- معانی الاخبار، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،  
ترجمه: عبدالعلی محمدی شاهرودی،  
تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۱۱- کمال الدین و تمام النعمه، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،  
ترجمه: منصور پهلوان،  
قم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث.

۱۲ - خصال، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،  
ترجمه: محمدباقر کمره‌ای،  
تهران، انتشارات کتابچی.

۱۳- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،  
ترجمه: علی اکبر غفاری،  
تهران، کتابفروشی صدوق.

۱۴- علل الشرایع، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،  
ترجمه: سید محمدجواد ذهنی تهرانی،  
قم، انتشارات مومنین.

۱۵- کلیات حدیث قدسی، «ترجمه کتاب جواهر السنیه»، تألیف شیخ حرّ عاملی،  
ترجمه: زین العابدین کاظمی خلخالی،  
تهران، انتشارات دهقان.

۱۶- امالی، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،  
ترجمه: کریم فیضی،  
قم، انتشارات چهارده معصوم علیهم السلام.

۱۷- امالی، تألیف محمد بن حسن طوسی «شیخ طوسی»،  
ترجمه: صادق حسن زاده،  
قم، انتشارات اندیشه هادی.

۱۸- امالی، تألیف محمد بن محمد بن نعمان «شیخ مفید»،  
ترجمه: عقیقی بخشایشی،  
قم، انتشارات نوید اسلام.

۱۹- ارشاد، تألیف محمد بن محمد بن نعمان «شیخ مفید»،  
ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی،  
تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲۰- ارشاد القلوب، تألیف حسن بن ابی‌الحسن محمد دیلمی،  
ترجمه: علی سلگی نهماوندی، با تصحیح و پاورقی علامه شعرانی،  
قم، چاپ امین.

۲۱- کامل الزیارات، تألیف ابن قولویه،  
ترجمه: سید محمدجواد ذهنی تهرانی،  
تهران، انتشارات پیام حق.

۲۲- بصائر الدّرجات، تألیف محمد بن حسن صفار قمی،  
ترجمه: علیرضا زکی‌زاده رنانی،  
قم، انتشارات وثوق.

۲۳- شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی،  
تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی منیر.

۲۴- شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی،  
تهران، انتشارات قائن.

۲۵- شرح زیارت جامعه کبیره، «ترجمه کتاب الشّمس الطّالعه»، تألیف علامه سید حسین همدانی  
درودآبادی،

ترجمه: محمدحسین نائیجی،  
قم، انتشارات مسجد مقدّس جمکران.

۲۶- فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت‌الله احمد رحمانی همدانی،  
ترجمه: مهدی جعفری،  
نشر مرکز فرهنگی انتشارات منیر.